تفسیر نور

تألیف

حجة الاسلام والمسلمین
حاج شیخ محسن قرائتی

جلد هشتم

بسم الله الرحمن الرحيم

تفسیر نور طبع قدیم

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر نور طبع قدیم جلد ۸

مشخصات کتاب

سرشناسه : قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : تفسیر نور / تالیف محسن قرائتی.

وضعیت ویراست : ویراست۲.

مشخصات نشر : تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۷-

مشخصات ظاهری : ۱۰ ج.

فروست : کتاب سال جمهوری اسلامی ایران؛ ۷۶.

شابک : دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۱۰-۱ ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۱: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۰-۲ ؛ ۶۰۰۰۰ ریال:ج.۲: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۱-۹ ؛ ۶۰۰۰۰ ریال (ج.۲ ، چاپ چهارم) ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۳: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۲-۶ ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۴: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۳-۳ ؛ ۶۰۰۰۰ریال(ج.۴،چاپ چهارم) ؛ ج.۵: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۴-۰ ؛ ۶۰۰۰۰ ریال (ج.۵ ، چاپ چهارم) ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۶: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۵-۷ ؛ ۶۰۰۰۰ ریال (ج.۶، چاپ دوم) ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۶، چاپ سوم: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۱۰-۱ ؛ ۷۰۰۰۰ریال (ج.۶، چاپ ششم) ؛ ۳۰۰۰۰ ریال: ج.۶،چاپ شانزدهم ۹۶۴-۵۶۵۲-۱۸-۹ : ؛ ۶۰۰۰۰ ریال: ج.۷: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۶-۴ ؛ ۶۵۰۰۰ ریال(ج.۷، چاپ پنجم) ؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج.۷، چاپ چهاردهم) ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۸: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۷-۱ ؛ ۵۰۰۰۰ ریال(ج.۸، چاپ دوم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال (ج.۸، چاپ ششم) ؛ ۴۰۰۰۰ ریال (ج. ۸، چاپ چهاردهم) ؛ ج.۹: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۸-۸ ؛ ۵۰۰۰۰ ریال(ج.۹، چاپ سوم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال (ج.۹، چاپ ششم) ؛ ۵۰۰۰۰ ریال: ج.۱۰: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۲۱-۰۹-۵ ؛ ۵۰۰۰۰ ریال(ج.۱۰،چاپ دوم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال(ج.۱۰، چاپ ششم)

یادداشت : چاپ قبلی: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۵(۱۲ ج.).

یادداشت : ج.۱ -۴، ۶- ۸ (چاپ اول: ۱۳۸۸).

یادداشت : ج.۲ و ۵ (چاپ چهارم : بهار ۱۳۸۹).

یادداشت : ج.۴ (چاپ چهارم: بهار ۱۳۸۹)

یادداشت : ج.۶ و ۹ (چاپ سوم:زمستان ۱۳۸۸).

یادداشت : ج.۶ (چاپ دوم: ۱۳۸۸).

يادداشت : ج. ۶ (چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۰).

يادداشت : ج.۶ (چاپ شانزدهم: بهار ۱۳۸۶).

يادداشت : ج. ۶ (چاپ هشتم : ۱۳۹۱).

يادداشت : ج. ۷ (چاپ پنجم: ۱۳۸۹).

يادداشت : ج.۷ (چاپ چهاردهم: تابستان ۱۳۸۶).

يادداشت : ج.۸ (چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۰).

يادداشت : ج. ۸ (چاپ چهاردهم: تابستان ۱۳۸۷).

يادداشت : ج.۸ و ۱۰ (چاپ دوم : ۱۳۸۸).

يادداشت : ج.۹ (چاپ ششم: تابستان ۱۳۹۰).

يادداشت : ج.۱۰ (چاپ ششم: ۱۳۹۰).

يادداشت : عنوان ديگر: تفسير نور: شيوه ای نو در ارايه آسان و روان پيام های آيات.

يادداشت : كتابنامه.

مندرجات : ج.۱. سورههای (۱ تا ۳) حمـد، بقره و آل عمران.- ج.۲.سوره های (۴تا۶) نساء،مائـده و انعام.- ج.۴.سوره های (۱۱تا۱۶) هود،يوسف،رعـد،ابراهيم،حجر و نحل.- ج.۵.سوره های (۱۷-۲۱) اسـراء،كهف،مريم،طه و انبياء.- ج.۶.سوره های(۲۲ تا ۲۷) حج،مومنون،نور،فرقان، شعراء و نحل.- ج.۷. سوره های (۲۸ تا ۳۶) قصص، عنكبوت، روم، لقمان، سجده، احزاب، سبا، فاطر و يس.- ج.۸. سوره های (۳۷ تا ۴۵) صافات، ص، زمر، غافر، شوری، زخرف، دخان و جاثيه.- ج.۹.سوره های(۴۶ تا ۶۱) احقاف، محمد، فتح، حجرات، ق، ذاريات، طور، نجم.....-ج.۱۰.جمعه،منافقون الی فلق،ناس.

عنوان ديگر : تفسير نور: شيوه ای نو در ارايه آسان و روان پيام های آيات.

موضوع : تفاسير شيعه -- قرن ۱۴

رده بندی كنگره : BP۹۸/ق۳۵ت۷ ۱۳۸۷

رده بندی ديويی : ۲۹۷/۱۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۰۸۱۲۴

ص :۱

اشاره

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

ص :۲

سخن ناشر

اشاره

انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام خمینی قدس سره و حضور ملّت مسلمان و مبارزات شهدای گرانقدر قبل و بعد از پیروزی،زمینه ی رشد و ترویج فرهنگ اسلامی و خصوصا قرآن کریم را فراهم آورد.در این راستا دانشمندان دردآشنای حوزه های علمیّه،با تألیف کتب مناسب در جهت تبلیغ دین گام های بسیاری برداشتند.

کتاب حاضر که بخشی از مجموعه دوازده جلدی«تفسیر نور»می باشد،در جهت مهجوریت زدایی از قرآن و ارائه پیام های انسان ساز کلام الهی به شیوه ای نو و قلمی شیوا، توسط حجّت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی به رشته تحریر در آمده است که در سال ۷۶ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران معرّفی گردید.

بدنبال چاپ اوّلین مجلدات این تفسیر،نظرات و پیشنهادات بسیاری از سوی فضلای حوزه و دانشگاه طرح گردید که بیانگر علاقه و توجّه قشر فرهنگی جامعه،به شناخت مفاهیم قرآن کریم از طریق این شیوه می باشد.

اکنون به جهت آشنایی با شیوه ی کار و چگونگی ارائه تفسیر نور،این موارد به اختصار بیان می شود که خود نیز می تواند راهگشای طلاب جوان در جهت فعالیّت های تفسیری باشد.

شیوه کار

پس از انتخاب حد اقل دوازده تفسیر معتبر از مفسّران شیعه و اهل سنّت،از قدما و معاصران،چند تن از طلاب فاضل با مطالعه دقیق آنها،به استخراج نکات و برداشت های

ص:۵

تفسیری آنها پرداخته و به صورت مکتوب آن را در اختیار مؤلّف قرار می دهند.

ایشان ضمن مطالعه ی آن مطالب،خود نیز به تحقیق و تتبع پرداخته و با توجّه به نیازهای دینی جامعه،پیام های راهبردی قرآن را برای نسل امروز که تشنه ی دریافت مفاهیم قرآنی هستند.در قالب نکات و پیام های آیه،با نثری ساده و روان ارائه می دهند.البتّه در برخی موارد نیز برداشت های خود را مورد حث و تبادل نظر با برخی بزرگان حوزه قرار می دهند.

نوشته های ایشان پس از ارائه در برنامه آینه وحی رادیو،ویراستاری شده و قبل از چاپ یک بار دیگر توسط خودشان مورد بازبینی نهایی قرار می گیرد.

شیوه ارائه

مطالب هر آیه در قالب ۵ عنوان ارائه می گردد:

۱-متن آیه،که با رسم الخط عثمان طه و با اعراب کامل،تایپ و چندین بار مورد دقّت قرار گرفته است.

۲-ترجمه هر آیه،که به صورت گروهی و زیر نظر مؤلّف محترم و با استفاده از بهترین ترجمه های موجود(حد اقل ۶ ترجمه)نگارش یافته و به جهت گویایی و روانی آن،مطالب توضیحی مورد لزوم در میان پرانتز آمده است.

۳-نکته ها،که امور زیر در این قالب عرضه گردیده است:

الف:بیان ریشه و ترجمه ی لغات مشکل آیه.

ب:بیان شأن نزول آیه که در فهم محتوای آیه نقش کلیدی داشته است.

ج:بیان آیات مرتبط با آیه که در فهم موضوعی قرآن تأثیر به سزایی دارد.

د:بیان روایات ذیل آیه،که در این بخش با توجّه به گستردگی روایات،تنها به ذکر نمونه هایی بسنده شده است.

ه:بیان برخی توضیحات برای روشن تر شدن مفهوم آیه.

و:طرح برخی پرسش ها و پاسخ گویی به آنها.

۴-پیام ها،که مقصود اصلی مؤلّف از این تفسیر همین بخش بوده است تا نشان دهد قرآن کتاب زندگی بشر در همه عصرها و برای همه نسل هاست.البته مستند برداشت های مؤلّف،

ص:۶

چنان که در پایان هر پیام آمده است یکی از امور زیر می باشد:

الف:مفردات کلمات هر آیه.

ب:عبارتی مرکّب از چند کلمه.

ج:رابطه ی صدر و ذیل آیه.

د:رابطه ی هر آیه با آیات قبل.

۵-پاورقی که نشانی آیات و روایات و کتب تفسیری را باختصار آورده است.همچنین مطالبی مربوط به آیه ه در قالب نکته ها و پیام ها نمی گنجیده،در پاورقی ذکر شده است.

تذکّرات لازم:

۱-گاهی تعداد نکته ها و پیام های یک آیه،از یک مورد تجاوز نکرده است که به جهت حفظ قالب کار،باز هم عنوان نکته و پیام ها به صورت جمع آمده است.

۲-در مورد کتب تفسیری،هر جا که مراد،مطالب آن تفسیر در ذیل آیه بوده است،نشانی جلد و صفحه ذکر نشده است.

در پایان از زحمات حجج اسلام آقایان:

۱-سیّد جواد بهشتی ۲-محمود متوسل که در تتبّع و بررسی تفاسیر و آقای محمّد علی متوسلی که در امر مقابله و تصحیح نهایی این جلد نهایت همکاری را داشته اند صمیمانه تشکّر می گردد.

و همچنین اعلام می داریم:با همه ی تلاش هایی که در جهت حفظ اصول و قواعد فوق و تصحیح اغلاط تایپی صورت گرفته است،یقینا نواقص و کاستی هایی در عرضه این تفسیر وجود دارد که امیدواریم همچون گذشته خوانندگان گرامی بذل محبّت نموده و با ارسال نظرت و پیشنهادات خود،به نشانی:تهران-صندوق پشتی ۱۴۱۸۵/۵۸۶ ما را در جهت اصلاح و تکمیل آن یاری نمایند و پیشاپیش سپاس ما را پذیرا باشند.

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

مقدّمه مؤلّف

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

الحمد للّه ربّ العالمين و صلّى اللّه على سيّدنا محمّد و اهل بيته الطاهرين خدا را شكر كه جلد هشتم تفسير نور آماده چاپ گرديد.مقدّمه اين جلد را با بيان عظمت قرآن از ديدگاه امير المؤمنين عليه السّلام آغاز مى كنم:

در قرآن،علوم آينده و اخبار گذشته آمده است،دواى دردها و نظم امور در قرآن است (1).

قرآن،دريايى است كه قعر آن دست يافتنى نيست،بنايى است كه پايه هايش سست نمى شود و داروى شفابخشى است كه بيمارى در پى ندارد (2).

قرآن،عزّتى است كه شكست ندارد و حقّى است كه خوار نمى شود (3).

قرآن بهترين موعظه،ريسمان محكم الهى،بهار دل ها،چشمه هاى علم و عنصرى است كه دل جز با آن صيقلى نمى شود (4).

قرآن،نورى روشن،شفايى سودمند،سيراب كننده ى تشنگى هاى معنوى و وسيله ى حفظ و نجات است (5).

كسى با قرآن ننشست مگر آنكه از انحرافش كاسته و به هدايتش افزوده شد (6).

1- 1) .نهج البلاغه،خطبه 158.

2- 2) .خطبه 198.

3- 3) .خطبه 198.

4- 4) .خطبه 176.

5- 5) .خطبه 156.

6- 6) .خطبه 176.

در قرآن،سرگذشت پیشینیان،اخبار آیندگان و تکالیف حاضران است (۱).

قرآن،بزرگترین بیماری ها را که کفر و نفاق و انحراف و گمراهی است.درمان می کند (۲).

قرآن،خیرخواهی است که خیانت نمی کند.راهنمایی است که گمراه نمی سازد و محدّثی است که دروغ نمی گوید (۳).

انسان بدون قرآن غنایی و بعد از قرآن فقری ندارد (۴).

به هنگامی که امور،مثل پاره های شب تاریک بر شما مشتبه گشت،به قرآن رو آورید (۵).

قرآن،هرگز کهنه نمی شود (۶).

برتری قرآن بر کتب دیگر همانند برتری خداوند بر خلق است (۷).

شما را به خدا نگذارید در عمل به قرآن دیگران بر شما سبقت بگیرند (۸).

اینجانب که موهای سر و صورتم سفید و دهها سال در کنار این سفره الهی بوده ام به شما عزیزان جوان می گویم که قرآن،این کتاب بزرگ،جلوه ی علم الهی است و هر چه هر روز در هر جمله ی آن تدبّر شود،نکته تازه ای به ذهن می رسد.

طلّاب عزیز زمانی عالم ربّانی می شوند که همواره به فهم و تدبّر در این علم بی انتها مشغول باشند.زیرا قرآن می فرماید:

کُونُوا رَبّانِیِّینَ بِما کُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْکِتابَ وَ بِما کُنْتُمْ تَدْرُسُونَ

(۹)

همان طور که قبلا نیز گفته ام،هفتاد درصد نکات این تفسیر از تفاسیر مختلف شیعه و سنّی است،(تفاسیر مجمع البیان،کبیر فخر رازی،نور الثقلین،روح المعانی،المیزان،فی ظلال،صافی،أطیب البیان،نمونه،راهنما و...و حدود سی درصد پیام ها مطالبی است که با تجربه

۱- ۱) .خطبه ۳۱۳.

۲- ۲) .خطبه ۱۷۵.

۳- ۳) .خطبه ۱۶۷.

۴- ۴) .خطبه ۱۷۵.

۵- ۵) .بحار،ج ۷۷،ص ۱۳۵..

۶- ۶) .خطبه ۱۵۶.

۷- ۷) .بحار،ج ۷۷،۱۱۴.

۸- ۸) .نهج البلاغه،نامه ۴۷.

۹- ۹) .در این آیه دو بـار کلمه«کنتم»در کنار جملات«تعلّمون»و«تـدرسون»آمـده که رمز اسـتمرار و تـداوم است.یعنی تعلیم و تدریس آن باید در تمام سطوح و هر روز باشد.به امید آنکه شاهد چنین روزی در حوزه ها و دانشگاه ها باشیم.

طولانی،خداوند نصیب کرده است.

سعی ما در این تفسیر برای این بوده که بیشترین مطالب را در کمترین و ساده ترین الفاظ بیان کنیم و از دلالت های مستقیم و کاربردی استفاده کنیم.پیام ها قابل ترجمه به زبان های گوناگون بوده و آن گونه باشد که دیگران را تشویق به تدبّر کند.

از خداوند متشکّرم.خدمات والدین و اساتیدم را پاس می دارم و از علمای حوزه و فضلایی که در طول عمر به گونه ای از محضر ایشان استفاده کرده ام،تشکر می کنم.

از کسانی که در امر تحقیق،تتبع و استخراج نکات از تفاسیر مختلف،تنظیم،بازنویسی، تایپ و ویراستاری این امر مرا یاری داده اند،بخصوص حجج اسلام آقایان:حسن دهشیری و رحمت جعفری که در بعضی مجلّدات و آقایان:سیّد جواد بهشتی و محمود متوسل در بعضی مجلّدات و آقای علی محمّد متوسلی تشکّر می کنم.

از کسانی که این کتاب را می خوانند و نواقص آن را تذکّر می دهند نیز متشکرم.

خدایا!تو می دانی فضایی که در آن قرار گرفته ایم و می توانیم ساعاتی را سر سفره قرآن بنشینیم و کام بگیریم،در اثر مجاهدت ها،هجرت ها،شهادت ها و جانفشانی های بزرگان ما در طول تاریخ از علامه مفید تا علامه طباطبایی و از شیخ طوسی تا امام خمینی و ایثارگری شهدا و جانبازان انقلاب اسلامی بوجود آمده است.

بلال ها و ابو ذرها کتک خوردند،علمای قدیم سختی ها کشیدند تا معارف قرآن به دست ما رسید.سلام و صلوات خداوند بر تمام خادمان قرآن و عدل آن اهل بیت پیامبر علیهم السّلام.

پروردگارا!قرآن را نور فکر ما،نور عقل ما،نور چشم ما،نور زبان ما،نور اراده ما،نور هدف ما،نور عمل ما،نور قلب ما،نور فرد و جامعه ی ما،نور سیاست،اقتصاد،اخلاق و فرهنگ اجتماع ما،نور دنیا و برزخ و قیامت ما قرار بده.

و السلام علیکم و رحمه اللّه محسن قرائتی ۸۱/۱/۲۰

[تفسیر سوره حج]

اشاره

gt;حج سوره:۲۲ جزء:۱۷ آیات:۷۸lt;

ص :۱۱

gt;بسم اللّه الرّحمن الرّحیمlt;

سیمای سوره حج

این سوره هفتاد و هشت آیه دارد ود ر مدینه نازل شده است.

کلمه ی«حج»در لغت به معنای قصد و آهنگ انجام کاری است،ولی در شریعت اسلامی به مراسم خاصّی که هر ساله در مکّه برگزار می گردد گفته می شود.از آنجا که حدود سیزده آیه از این سوره(از آیه ۲۵ تا ۳۷)در باره ی کعبه و تاریخ آن و آثار سیاسی و اجتماعی حج سخن می گوید،این سوره،«حج» نامیده شده است.

البتّه در این سوره دعوت پیامبران الهی نسبت به اقوام بسیاری مطرح گردیده و سرنوشت آنها نیز بیان شده است.طبق روایات،پیامبر گرامی اسلام فرمودند:

هر کس سوره حج را بخواند،خداوند به تعداد کسانی که در گذشته و آینده حج و عمره به جا آوردند،به او پاداش حج و عمره می دهد (۱).

ص:۱۳

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

[سوره الحج (٢٢): آیه ١]

اشاره

بِسْمِ اَللّهِ اَلرَّحْمنِ اَلرَّحِیمِ
یا أَیُّهَا اَلنّاسُ اِتَّقُوا رَبَّکُمْ إِنَّ زَلْزَلَهَ اَلسّاعَهِ شَیْءٌ عَظِیمٌ (١)

١\٢٢

ای مردم!از پروردگارتان پروا کنید،که همانا زلزله ی قیامت،حادثه ای بزرگ و هولناک است.

نکته ها:

در روایات می خوانیم:در ماه شعبان سال ششم هجری،هنگامی که مسلمانان به سوی جنگ«بنی المصطلق»در حرکت بودند،آیه ی اوّل و دوّم سوره حج نازل شد.پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و سلّم دستور توقّف داد،مسلمانان ایستادند،حضرت این دو آیه را تلاوت فرمودند،برخی از یاران پیامبر آن شب را به گریه مشغول شدند و از دنیا بیزاری جستند.ولی رسول خدا با بشارت هایی آنان را آرام کردند (١).

پیام ها:

١-مخاطبین قرآن،همه ی مردمند.یا أَیُّهَا النّاسُ ٢-با غافلان باید صریح سخن گفت و به آنان هشدار داد.اِتَّقُوا ... إِنَّ زَلْزَلَهَ السّاعَهِ ٣-راه نجات از خطرهای قیامت،تقواست.اِتَّقُوا ... زَلْزَلَهَ السّاعَهِ ۴-یاد قیامت،عامل ایجاد تقوا است.اِتَّقُوا ... زَلْزَلَهَ السّاعَهِ ۵-تمام هستی متاع قلیل است،ولی زلزله ی قیامت بزرگ است.زَلْزَلَهَ السّاعَهِ شَیْءٌ عَظِیمٌ

ص: ١۴

١- ١) .تفسیر نمونه.

۶-از خدایی که پروردگار و صاحب عالم است،پروا کنیم. اِتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَهَ ...

۷-نظام موجود هستی،با زلزله ای از هم فرو می پاشد إِنَّ زَلْزَلَهَ السّاعَهِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

[سوره الحج (۲۲): آیه ۲]

اشاره

يَوْمَ تَرَوْنَها تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَهٍ عَمّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذاتِ حَمْلٍ حَمْلَها وَ تَرَى اَلنّاسَ سُكارى وَ ما هُمْ بِسُكارى وَ لكِنَّ عَذابَ اَللّهِ شَدِيدٌ (۲)

روزی که آن(زلزله ی بزرگ)را مشاهده کنید(چنان ترس و وحشت وجودتان را فرا خواهد گرفت که)هر شیر دهنده ای،آن را که شیر می دهد فراموش کند و هر بارداری جنین خود را سقط کند،و مردم را مست می بینی،ولی مست نیستند،بلکه عذاب خداوند شدید است.

نکته ها:

قرآن در معرفی سیمای قیامت،تعبیرات تکان دهنده ای دارد،از جمله:

يَوْماً يَجْعَلُ الْوِلْدانَ شِيباً

(۱)

روزی که کودکان را پیر می کند.

يَوْماً عَبُوساً قَمْطَرِيراً

(۲)

روزی که عبوس و سخت است.

يَوْماً كانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيراً

(۳)

روزی که عذابش گسترده است.

علاقه ی مادر به فرزند،قوی ترین علاقه هاست.لذا خداوند در بیان سختی قیامت،به قطع رابطه ی مادر شیرده و مادر باردار با فرزندش مثال زده است.و گر نه در قیامت،هیچ مادر باردار یا شیردهی وجود ندارد.

پیام ها:

۱-حوادث سخت قیامت،هم عاطفه را می گیرد. تَذْهَلُ کُلُّ مُرْضِعَهٍ هم عقل را تَرَی النّاسَ سُکاری ۲-در بیان مسائل تربیتی،از مثال های محسوس و عاطفی استفاده می کنیم. مُرْضِعَهٍ ...

ص :۱۵

۱- ۱) .مزمل،۱۷.

۲- ۲) .انسان،۱۹.

۳- ۳) .انسان،۷.

ذٰاتِ حَمْلٍ

۳-تمثیل،لازم نیست با واقعیّت همراه باشد. کُلُّ ذٰاتِ حَمْلٍ ... تَرَی النّٰاسَ سُکٰاریٰ ۴-تمثیلات قرآن،با گذشت زمان کهنه نمی شود. کُلُّ ذٰاتِ حَمْلٍ ...

۵-عامل مستی،تنها شراب نیست.(گاهی غرور،غفلت،ثروت و مقام نیز وسیله ی از دست دادن اعتدال می شوند) تَرَی النّٰاسَ سُکٰاریٰ ... عَذٰابَ اللّٰهِ شَدِیدٌ ۶-پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و سلّم از خطرهای قیامت بیمه و مصون است. تَرَی النّٰاسَ سُکٰاریٰ

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳]

اشاره

وَ مِنَ اَلنّٰاسِ مَنْ یُجٰادِلُ فِی اَللّٰهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ یَتَّبِعُ کُلَّ شَیْطٰانٍ مَرِیدٍ (۳)

و بعضی از مردم،ناآگاهانه در باره ی خداوند به جدال می پردازند و از هر شیطان سرکشی پیروی می کنند.

نکته ها:

«مرید»به معنای بی خیر است،به بیابان بی گیاه مرید می گویند و به نوجوان بی مو«امرَد» گفته می شود.

آنچه که این آیه از آن نهی می کند،بحث و جدال بدن داشتن آگاهی های لازم است.

و گر نه جدال با مخالفان اگر با منطق صحیح و یا منطق خودشان باشد،بسیار هم بجاست.

چنان که در آیه ای دیگر می فرماید: جٰادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ (۱)

پیام ها:

۱-عذاب قیامت،کسانی را هدف می گیرد که با ایجاد شبهه و تردید،به عقاید دینی مردم ضربه می زنند. عَذٰابَ اللّٰهِ شَدِیدٌ وَ مِنَ النّٰاسِ مَنْ یُجٰادِلُ ۲-گفتگوها باید بر اساس منطق و علم باشد،نه جدا و تعصّب. یُجٰادِلُ ... بِغَیْرِ عِلْمٍ ۳-بحث و جدال بدون علم،پیروی از شیطان است. یُجٰادِلُ ... یَتَّبِعُ ۴-جهل و تعصّب،مانع پذیرفت حقّ است. بِغَیْرِ عِلْمٍ

۱- ۱) .نحل،۱۲۵.

۵-کسی که از خدا و راه او جدا شود،هر لحظه در دام شیطانی اسیر است. یَتَّبِعُ کُلَّ شَیْطانٍ ۶-شیطان ها بسیارند و هر یک به نحوی وسیله ای انحراف مردمند. کُلَّ شَیْطانٍ ۷-در پیروی از شیطان خیری نیست. مَرِیدٍ

[سوره الحج (۲۲): آیه ۴]

اشاره

کُتِبَ عَلَیْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلاّهُ فَأَنَّهُ یُضِلُّهُ وَ یَهْدِیهِ إِلیٰ عَذابِ اَلسَّعِیرِ (۴)

بر او(شیطان)نوشته(و مقرّر)شد که هر کس ولایت او را بپذیرد،قطعا او راه گمراه می کند و به آتش سوزانش می کشاند.

نکته ها:

در معنای«کتب»،جبری علیه شیطان وجود ندارد،زیرا در آیات دیگر می خوانیم:شیطان با اراده ی خود و لجاجت با حقّ،سجده نکرد و به کار خداوند اعتراض نمود و سوگند یاد کرد که مردم را گمراه کند (۱).بنا بر این،«کتب علیه»یعنی بر اساس اراده و تصمیمی که شیطان گرفت،گمراه کردن پیروانش برای او حتمی شده است.

پیام ها:

۱-انتخاب راه شیطان و پیروی از او جز عذاب قطعی الهی،هیچ نتیجه ای ندارد.

کُتِبَ عَلَیْهِ

(اراده ی حتمی خداوند مبنی بر مجازات گناهکاران،بعد از ارتکاب جرم به وسیله ی آنهاست).

۲-پیروی از شیطان،پذیرفتن ولایت اوست. وَ یَتَّبِعُ کُلَّ شَیْطانٍ ... مَنْ تَوَلاّهُ ۳-شیطان تنها کسانی را گمراه می کند که از او پیروی کنند،نه هر که را بخواهد.

مَنْ تَوَلاّهُ فَأَنَّهُ یُضِلُّهُ

۴-تمام شیطان ها،انسان را به یک راه می برند:آتش سوزان. یَتَّبِعُ کُلَّ شَیْطانٍ ... وَ یَهْدِیهِ إِلیٰ عَذابِ السَّعِیرِ

۱- ۱) .حجر،۳۱-۴۰.

[سوره الحج (۲۲): آیه ۵]

اشاره

یا أَیُّهَا اَلنّاسُ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِنَ اَلْبَعْثِ فَإِنّا خَلَقْناکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَهٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَهٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَهٍ مُخَلَّقَهٍ وَ غَیْرِ مُخَلَّقَهٍ لِنُبَیِّنَ لَکُمْ وَ نُقِرُّ فِی اَلْأَرْحامِ ما نَشاءُ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ نُخْرِجُکُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ وَ مِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفّی وَ مِنْکُمْ مَنْ یُرَدُّ إِلی أَرْذَلِ اَلْعُمُرِ لِکَیْلا یَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَیْئاً وَ تَرَی اَلْأَرْضَ هامِدَهً فَإِذا أَنْزَلْنا عَلَیْهَا اَلْماءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ کُلِّ زَوْجٍ بَهِیجٍ (۵)

ای مردم!اگر در باره ی قیامت شک دارید(با دقّت در وجود خود،شکّ خود را برطرف کنید،)ما شما را از خاک آفریدیم(مواد غذایی خاک از طریق غذا به صورت نطفه در آمد)سپس از نطفه،سپس(به صورت)خون بسته شده.سپس(به صورت چیزی مانند)گوشت جویده شده که بعضی خلقت کامل یافته(و به دنیا آید)و بعضی خلقت کامل نیافته(و سقط شود)،تا برای شما روشن سازیم(که بر هر چیز قادریم)و آنچه(از جنین ها)را که بخواهیم تا سرآمدی معیّن در رحم مادران قرار دهیم،سپس شما را به صورت طفل بیرون می آوریم،تا به حدّ رشد و بلوغ برسید و(در این میان) بعضی از شما می میرند و بعضی به پست ترین مرحله زندگی(و پیری) می رسند تا جایی که دانسته های خود را از دست دهند.(همچنین)زمین را (در زمستان)خشک و مرده می بینی امّا هنگامی که باران بر آن فرو می باریم،به حرکت در آید و رشد کند و انواع گیاهان زیبا می رویاند.

نکته ها:

کلمه ی«یتوفّی»که از ریشه ی«وفاه»است،به معنای گرفتن کامل روح از وجود انسان و بیانگر بقای روح بشر پس از مرگ است.

کلمه ی«بهیج»از ریشه«بهیجه»به معنای شادابی و خرّمی است.چنان که نگاه به سبزه و گیاه مایه ی ابتهاج و شادابی انسان می شود.

گرچه در این آیه،دوران پیری و کهنسالی،پست ترین دوران عمر انسان شمرده شده،امّا علّتی که بری آن بیان گردیده،اختصاص به پیران ندارد،بلکه هر زمان که قوای عقلانی انسان ضعیف و ناتوان گردد،دوران پستی است،گرچه در جوانی باشد. أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِکَیْلاَ یَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَیْئاً

پیام ها:

۱-سرچشمه ی شک غفلت از قدرت خداوند است. إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ فَإِنّٰا خَلَقْنٰاکُمْ ۲-با کفّار،مستدلّ،منطقی و قابل فهم سخن بگوییم. إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ ... فَإِنّٰا خَلَقْنٰاکُمْ ۳-از راه محسوسات،می توان با معقولات آشنا شد. إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ ... فَإِنّٰا خَلَقْنٰاکُمْ ۴-معاد،هم جسمانی است و هم روحانی. إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنّٰا خَلَقْنٰاکُمْ ۵-منشأ انسان و مادّه اوّلیه ی او از خاک است. خَلَقْنٰاکُمْ مِنْ تُرٰابٍ ۶-انسان،پیش از مرگ،هفت مرحله را طی می کند.(تراب،نطفه،علقه،مضغه، طفولیّت،بلوغ،پیری) خَلَقْنٰاکُمْ مِنْ تُرٰابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَهٍ ...

۷-دوران مضغه(که انسان در رحم مادر به شکل لخته گوشتی است)دوران شکل گیری انسان است. مُضْغَهٍ مُخَلَّقَهٍ ۸-کسی که در دنیا از خاک بی جان انسان آفرید،پس در قیامت هم می تواند.

لِنُبَیِّنَ لَکُمْ

۹-زندگی دارای دو منحنی صعود و نزول است.صعود از خاک تا رسیدن به مرحله أَشُدَّکُمْ و منحنی نزول رسیدن به مرحله أَرْذَلِ الْعُمُرِ ۱۰-تمام مراحل خلقت،از استقرار نطفه تا تولد طفل،به دست خداست. خَلَقْنٰاکُمْ- نُقِرُّ فِی الْأَرْحٰامِ- نُخْرِجُکُمْ طِفْلاً ۱۱-تحوّلات طبیعی،نیاز به زمان دارد.(در آیه چند بار کلمه«ثمّ»که برای فاصله زمانی است،تکرار شده است) ۱۲-استقرار نطفه و یا سقط آن با خواست خداست. نُقِرُّ فِی الْأَرْحٰامِ مٰا نَشٰاءُ ۱۳-مدّت حمل،از جانب خدا زمان بندی شده است. إِلیٰ أَجَلٍ مُسَمًّی

۱۴-تولّد انسان،به اراده ی خداوند است. نُخْرِجُكَمْ ۱۵-همه ی انسان ها روز اوّل یکسانند. طِفْلًا نه«اطفالا»بعد به خاطر تغذیه و تربیت هر کدام دارای اخلاق و رفتاری مخصوص می گردند.

۱۶-مرگ،مخصوص پیران نیست. وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفّٰى ۱۷-انسان با مرگ محو نمی شود. يُتَوَفّٰى ۱۸-ارزش انسان و زندگی او در پرتو علم و آگاهی و عقل اوست.(قرآن دلیل پست ترین مرحله عمر را فراموش کردن دانسته ها و اندوخته های علمی می داند). أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلاٰ يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئاً ۱۹-زوجیّت و نر و ماده بودن،در گیاهان نیز مطرح است. مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

[سوره الحج (۲۲): آیات ۶ تا ۷]

اشاره

ذٰلِكَ بِأَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِ اَلْمَوْتىٰ وَ أَنَّهُ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۶) وَ أَنَّ اَلسّٰاعَةَ آتِيَةٌ لاٰ رَيْبَ فِيهٰا وَ أَنَّ اَللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي اَلْقُبُورِ (۷)

این(مراحل مختلف خلقت انسان و گیاه)به خاطر آن است که خداوند حقّ است و اوست که مردگان را زنده می کند و بر هر چیزی تواناست.

و(آفرینش انسان از خاک و رویش گیاهان از زمین خشک،نشانه آن است که(همانا قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست.و خداوند تمام کسانی را که در قبرها آرمیده اند زنده خواهد کرد.

پیام ها:

۱-آفرینش انسان و گیاه،نشانه ی حقانیّت خداوند است. ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ ۲-خداوند هرگز آفرینش را با مرگ و میر رها نمی کند زیرا کسی که حقّ است، هرگز کار لغو و باطل از او سر نمی زند،پس باید آفریده های خود را به مقصد و هدف نهایی برساند و پس از مرگ مرحله ی دیگری باشد. بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِ الْمَوْتىٰ

۳-کسی که یک بار آفرید،باز هم می تواند بیافریند. یُحْیِ الْمَوْتی ۴-کسی که هم ابتداء خلق می کند و هم می تواند در آفریده ی خود هر گونه تصرّفی انجام دهد،قادر مطلق است. عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ ۵-معاد،جسمانی است. یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ

[سوره الحج (۲۲): آیه ۸]

اشاره

وَ مِنَ اَلنّاسِ مَنْ یُجادِلُ فِی اَللّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ لا هُدیً وَ لا کِتابٍ مُنِیرٍ (۸)

و از(میان)مردم کسی است که در باره ی خدا بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنی مجادله می کند.

پیام ها:

۱-سعی کنیم که در انتقاد،همه را توبیخ نکنیم. وَ مِنَ النّاسِ ۲-جدال اگر از روی علم باشد مانعی ندارد. یُجادِلُ ... بِغَیْرِ عِلْمٍ ۳-راههای شناخت انسان متعدّد است،گاهی از راه فکر و تعقّل و تحصیل بدست می آید که شاید کلمه بِغَیْرِ عِلْمٍ اشاره به آن باشد و گاهی به دل الهام می شود که شاید کلمه هُدیً اشاره به آن باشد و گاهی از طریق کتب آسمانی و وحی و نبوّت. وَ لا کِتابٍ مُنِیرٍ

[سوره الحج (۲۲): آیه ۹]

اشاره

ثانِیَ عِطْفِهِ لِیُضِلَّ عَنْ سَبِیلِ اَللّهِ لَهُ فِی اَلدُّنْیا خِزْیٌ وَ نُذِیقُهُ یَوْمَ اَلْقِیامَهِ عَذابَ اَلْحَرِیقِ (۹)

(و)با تکبر و نخوت،می خواهد مردم را از راه خدا گمراه کند.برای او در دنیا رسوایی است و در قیامت،عذاب سوزان به او می چشانیم.

نکته ها:

کلمه ی«ثانی»به معنای پیچاندن و«عطف»به معنای پهلو است و پیچاندن پهلو،کنایه از تکبّر و غرور است.

پیام ها:

۱-سرچشمه جدال ناآگاهان،غرور و تکبّر است. ثانِیَ عِطْفِهِ ۲-کیفر بـا گناه تناسب دارد.کیفر متکبّر خواری است. فِی الدُّنْیا خِزْیٌ ۳-متکبّر،در همین دنیا بد عاقبت است. فِی الدُّنْیا خِزْیٌ

[سوره الحج (۲۲): آیات ۱۰ تا ۱۱]

اشاره

ذٰلِکَ بِمٰا قَدَّمَتْ یَدٰاکَ وَ أَنَّ اَللّٰهَ لَیْسَ بِظَلاّٰمٍ لِلْعَبِیدِ (۱۰) وَ مِنَ اَلنّٰاسِ مَنْ یَعْبُدُ اَللّٰهَ عَلیٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصٰابَهُ خَیْرٌ اِطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصٰابَتْهُ فِتْنَهٌ اِنْقَلَبَ عَلیٰ وَجْهِهِ خَسِرَ اَلدُّنْیٰا وَ اَلْآخِرَهَ ذٰلِکَ هُوَ اَلْخُسْرٰانُ اَلْمُبِینُ (۱۱)

(در قیـامت به او گفته می شود:این عـذاب سوزان،)به خـاطر چیزی است که دست هایت از پیش فرسـتاده است،و قطعا خـدا به بندگانش ظلم نمی کند.

و از(میـان)مردم،کسـی است که خداونـد را تنهـا بـا زبـان می پرسـتد،(ایمـان او در حاشـیه و در مرز کفر است و بـا حـادثه ای کوچک می لغزد)پس اگر خیری به او برسد،به آن اطمینان یابد،و اگر مصیبت و آزمایشی به او رسد،دگرگون شود(و به سوی کفر رود،چنین کسی)در دنیا و آخرت زیانکار است،این همان زیان آشکار است.

نکته ها:

شاید به خاطر آن که ظلم کم نیز از خداوندِ عادل،ظلمِ بسیار محسوب می شود،در آیه ی شریفه،کلمه ی«ظَلاّم»آمده است.

پیام ها:

۱-خداونـد عـادل است و قهر یـا مهر او نتیجه عملکرد مـاست. ذٰلِکَ بِمٰا قَدَّمَتْ ۲-دیگران را عامـل گنـاه و خلاـف خودمان ندانیم،که هر چه هست از خود ماست.

ص: ۲۲

۳-ایمان بعضی ها موسمی و سطحی است و حوادث تلخ و شیرین آن را تغییر می دهد. وَ مِنَ النّاسِ ...

۴-حساب عقیده و عملی که بر اساس منطق است،از حساب فراز و نشیب های مادّی جداست.(دین را برای نان نخواهیم) فَإِنْ أَصابَهُ خَيْرٌ ...

۵-انسان در معرض هجوم حوادث تلخ و شیرین است. أَصابَهُ ... أَصابَتْهُ ۶-فقر و ناملایمات وسائل آزمایشند. أَصابَتْهُ فِتْنَةٌ ۷-ارتداد و بازگشت از راه خداوند،قهر شدید الهی و عذاب دوزخ را به دنبال دارد. اِنْقَلَبَ عَلىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةَ

[سوره الحج (۲۲): آیات ۱۲ تا ۱۳]

اشاره

يَدْعُوا مِنْ دُونِ اَللّٰهِ ما لاٰ يَضُرُّهُ وَ ما لاٰ يَنْفَعُهُ ذٰلِكَ هُوَ اَلضَّلاٰلُ اَلْبَعِيدُ (۱۲) يَدْعُوا لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ اَلْمَوْلىٰ وَ لَبِئْسَ اَلْعَشِيرُ (۱۳)

او غیر از خداوند چیزی را می خواند که نه زیانی به او می رساند و نه سودی،این است همان انحراف دور و عمیق.

بلکه کسی را می خواند که ضررش از نفعش بیشتر است،چه مولا و سرپرست بدی و چه همدم زشتی.

پیام ها

۱ تمام سود و زیان ها به دست خداست و غیر او هیچ نقشی ندارد. «دُونِ اللّٰهِ ما لاٰ يَضُرُّهُ وَ ما لاٰ يَنْفَعُهُ» ۲ شرک و دلبستگی به غیر خدا،بزرگ ترین انحراف است. «دُونِ اللّٰهِ ... هُوَ الضَّلاٰلُ الْبَعِيدُ» ۳ شرک،پایگاه عقلی و منطقی ندارد. «دُونِ اللّٰهِ ما لاٰ يَضُرُّهُ» زیرا پرستش،یا برای رسیدن به سودی است و یا جلوگیری از شرّی،که بت ها هیچ کدام را ندارند.

ص: ۲۳

۴ شـرک،به تمـامی انواعش(معبودهای عاقل و بی عقل)محکوم است.(یک بار در کنار کلمه «یَدْعُوا» ،حرف«ما»آمـد که برای موجودات بی شعور است و یک بار در کنار جمله «یَدْعُوا» ،حرف«من»آمد که برای معبودهای با شعور از قبیل انسان،ملائکه و اجنّه می باشد.

۵ به خاطر منافع زودگذر دنیا،ضـرر دائمی آخرت را نخریم. «ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ» ۶ ضرر طاغوت ها برای مردم بیش از چیزی است که به آنان می دهنـد. «ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ» ۷ بـا کسـی که تورا از خداونـد باز می دارد و به سوی خود دعوت می کند معاشرت مکن و او را سرپرست و رهبر خود قرار مده. «لَبِئْسَ الْمَوْلیٰ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۱۴]

اشاره

إِنَّ اَللّٰهَ یُدْخِلُ اَلَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا اَلصّٰالِحٰاتِ جَنّٰاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهٰارُ إِنَّ اَللّٰهَ یَفْعَلُ مٰا یُرِیدُ (۱۴)

همانـا خداونــد اهـل ایمـان و عمـل صالـح را در بـاغ هـایی(از بهشـت)وارد می کنـد کـه نهرهـا زیر درختـانش جـاری اسـت، (آری)خداوند هر چه اراده کند،انجام می دهد.

پیام ها

۱ ایمان و امید به وعده های حقّ،بزرگ ترین عامل برای رها کردن غیر اوست.

«إِنَّ اللّٰهَ یُدْخِلُ»

...

۲ ایمان همراه با عمل،کلید نجات است و هیچ یک به تنهایی کارساز نیست.

«آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ»

۳ تنوّع نعمت هـای الهی،برای کامیـابی بیشتر بهشتیان است. «جَنّٰاتٍ، اَلْأَنْهٰارُ» ۴ خداوند بر اساس تمایلات بشـر پاداش می دهد. (انسـان از بـاغ و نهر لـذّت می برد،در بهشت هم بـاغ هـا و نهرهاست). «جَنّٰاتٍ، اَلْأَنْهٰارُ» ۵ خداونـد،قـادر مطلق است و در انجام کارهایی که اراده می کند،به هیچ مانع و

بن بستی نمی رسد. «یَفْعَلُ مٰا یُرِیدُ» (همین قدرت سبب تضمین عمل به وعده های اوست).

[سوره الحج (٢٢): آیه ١۵]

اشاره

مَنْ کٰانَ یَظُنُّ أَنْ لَنْ یَنْصُرَهُ اَللّٰهُ فِی اَلدُّنْیٰا وَ اَلْآخِرَهِ فَلْیَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَی اَلسَّمٰاءِ ثُمَّ لْیَقْطَعْ فَلْیَنْظُرْ هَلْ یُذْهِبَنَّ کَیْدُهُ مٰا یَغِیظُ (١۵)

هر کس گمان می کند که خداوند او(پیامبرش)را در دنیا و آخرت یاری نمی کند،(و در پی مکر و حیله است،بگو تا)طنابی به آسمان بیاویزد(و خود را حلق آویز کند)سپس(آن را)قطع کند،آن گاه بنگرد که آیا نیرنگش خشم او را فرو می نشاند؟!

نکته ها:

بعضی آیه را مخصوص به پیامبر اکرم(صلوات اللّٰه علیه)ندانسته و این گونه ترجمه کرده اند:

هر کس گمان می کند که خداوند او را یاری نمی کند...

شاید معنای آیه این باشد که فضانوردی نیز انسان بی خدا را آرام نمی کند.کلمه «بِسَبَبٍ إِلَی السَّمٰاءِ» مراد وسیله فضانوردی و کلمه «لْیَقْطَعْ» به معنای پیمودن راه است،که در این صورت این آیه از معجزات علمی و پیش گویی های قرآن است.به هر حال مشکل روحی بشر حتّی با تکنولوژی پیشرفته و فضانوردی نیز حل نمی شود. «هَلْ یُذْهِبَنَّ کَیْدُهُ مٰا یَغِیظُ»

پیام ها

١ امداد و نصرت الهی،در دنیا و آخرت قطعی است. «یَظُنُّ أَنْ لَنْ یَنْصُرَهُ اللّٰهُ فِی الدُّنْیٰا وَ الْآخِرَهِ» ٢ ناامیدی از قدرت و نصرت الهی،تعادل انسان را از بین می برد. «یَظُنُّ أَنْ لَنْ یَنْصُرَهُ اللّٰهُ» ٣ خودکشی هرگز راه نجات نیست. «هَلْ یُذْهِبَنَّ کَیْدُهُ مٰا یَغِیظُ» (تنها وسیله ی آرام بخش،ایمان و توکّل به خداست و هر گونه طرح و برنامه ی

دیگری،منهای اراده ی الهی و ایمان به او بیهوده است.) ۴ به کارگیری زمین و آسمان،صعود و سقوط،و هر اقدامی که فاقد ایمان باشد، بی اثر است. «هَلْ یُذْهِبَنَّ کَیْدُهُ مٰا یَغِیظُ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۱۶]

اشاره

وَ کَذٰلِکَ أَنْزَلْنٰاهُ آیٰاتٍ بَیِّنٰاتٍ وَ أَنَّ اَللّٰهَ یَهْدِی مَنْ یُرِیدُ (۱۶)

و این گونه قرآن را(به صورت)آیات روشن نازل کردیم،و البتّه خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند.

پیام ها

۱ سنّت خداوند،بر نازل کردن آیات و وسایل هدایت است. «کَذٰلِکَ أَنْزَلْنٰاهُ» ۲ قرآن،کتاب نور و آیاتش روشن است. «بَیِّنٰاتٍ» (بر خلاف نظر بعضی که می گویند:قرآن،قطعی الصدور و ظنّی الدلاله است.) ۳ قرآن وسیله ی هدایت است،ولی اصل هدایت کار خداوند و لطف اوست.

«أَنَّ اللّٰهَ یَهْدِی»

۴ خداوند هر که را اراده کند هدایت می کند،ولی اراده او تابع حکمت اوست و لذا کسی را هدایت می کند که زمینه های لازم را در خودش ایجاد کرده باشد.

«یَهْدِی مَنْ یُرِیدُ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۱۷]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِینَ آمَنُوا وَ اَلَّذِینَ هٰادُوا وَ اَلصّٰابِئِینَ وَ اَلنَّصٰاریٰ وَ اَلْمَجُوسَ وَ اَلَّذِینَ أَشْرَکُوا إِنَّ اَللّٰهَ یَفْصِلُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ اَلْقِیٰامَهِ إِنَّ اَللّٰهَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ (۱۷)

همانا خداوند در قیامت،میان مؤمنان(مسلمان)و یهودیان و صابئین و نصاریٰ و مجوس و مشرکان،داوری کرده و حقّ را از باطل جدا خواهد نمود،همانا خداوند بر هر چیزی گواه(و از همه چیز آگاه)است.

نکته ها:

در این که صابئین چه کسانی هستند،سخن بسیار است.بعضی گفته اند:ستاره پرستند،بعضی ملائکه پرست می دانند و بعضی می گویند:اینان گروهی از پیروان نوح(علیه السلام)هستند.

شخصی از حضرت علی(علیه السلام)پرسید:چرا از مجوس جزیه(نوعی مالیات)گرفته می شود در حالی که آنان نه پیامبر داشتند و نه کتاب و جزیه گرفتن مخصوص اهل کتاب است؟! حضرت فرمود:مجوس هم کتاب آسمانی دارند و هم پیامبر الهی. (۱)

در این آیه میان گروه ها با کلمه ی «الَّذِینَ » فیصله داده شده است،در قیامت نیز حساب مؤمنان بر حقّ،از حساب مشرکان منحرف و هر دو از حساب پیروان ادیان آسمانی دیگر جداست.کلمه ی «الَّذِینَ » سه مرتبه بکار رفته است:درباره مؤمنان،ادیان دیگر و مشرکان.

پیام ها

۱ در نام بردن از گروه ها،حقّ مؤمنان واقعی مقدّم است. «الَّذِینَ آمَنُوا» ۲ یهودیّت،مسیحیّت،مجوسیّت و صابئیّت همه از ادیان توحیدی و آسمانی اند، چون نام آنان در برابر مشرکان برده شده است. «وَ الَّذِینَ هادُوا ... وَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا» ۳ قیامت برای همه است و در آن روز بین همه ی گروه ها داوری می شود و تمام دعواها پایان می پذیرد. «إِنَّ اللّهَ یَفْصِلُ بَیْنَهُمْ» ۴ در قیامت،خداوند هم قاضی است و هم شاهد. «إِنَّ اللّهَ یَفْصِلُ إِنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ» ۵ قضاوتی کامل است که قاضی اطلاعات همه جانبه داشته باشد. «یَفْصِلُ ... عَلی کُلِّ شَیْءٍ شَهِیدٌ» ۶ دعوت به اسلام و مجادله نیکو لازم است،ولی توقّع تمام شدن اختلافات ادیان را در دنیا نداشته باشید.در دنیا همزیستی مسالمت آمیز داشته باشید تا در قیامت خداوند فیصله دهد. «إِنَّ اللّهَ یَفْصِلُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ»

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛توحید صدوق،ص ۳۰۶.

[سوره الحج (۲۲): آیه ۱۸]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اَللّٰهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ مَنْ فِي اَلْأَرْضِ وَ اَلشَّمْسُ وَ اَلْقَمَرُ وَ اَلنُّجُومُ وَ اَلْجِبٰالُ وَ اَلشَّجَرُ وَ اَلدَّوَابُّ وَ كَثِيرٌ مِنَ اَلنّٰاسِ وَ كَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ اَلْعَذٰابُ وَ مَنْ يُهِنِ اَللّٰهُ فَمٰا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اَللّٰهَ يَفْعَلُ مٰا يَشٰاءُ (۱۸)

آیا ندیدی که هر که در آسمان ها و هر که در زمین است و خورشید و ماه ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای خدا سجده می کنند؟ البتّه بسیاری از مردم(به خاطر تکبر و لجاجت)قطعاً گرفتار عذابند،و هر که را خدا خوار کند،هیچ احترام کننده ای برای او نیست،همانا خداوند هر چه را بخواهد انجام می دهد.

پیام ها

۱ در آسمان ها موجوداتی با شعور هستند. «مَنْ فِي السَّمٰاوٰاتِ» (کلمه ی «مَنْ » برای صاحبان شعور است) ۲ تمام هستی برای خداوند سجده و خضوع می کند. «يَسْجُدُ» و شعور، مخصوص انسان نیست. «مَنْ فِي السَّمٰاوٰاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ» (اگر بدانیم همه هستی تسلیم خدا هستند ما نیز وصله ناهمرنگ نخواهیم بود.شرک و تکبر مخالف نظام هستی است) ۳ انسان انتخابگر است. «يَسْجُدُ ... كَثِيرٌ مِنَ النّٰاسِ وَ كَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذٰابُ» ۴ عذاب های الهی بر اساس حقّ و عدل است. «حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذٰابُ» ۵ عزّت و ذلّت تنها به دست خداست. «مَنْ يُهِنِ اللّٰهُ فَمٰا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ» ۶ در برابر اراده ی خداوند،هیچ مانعی وجود ندارد. «يَفْعَلُ مٰا يَشٰاءُ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۱۹]

اشاره

هٰذٰانِ خَصْمٰانِ اِخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيٰابٌ مِنْ نٰارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ اَلْحَمِيمُ (۱۹)

این دو گروه مخالف،(کثیری که اهل عبادتند با کثیر دیگری که مستحق

عذابند)درباره ی پروردگارشان به مخاصمه و جدال پرداختند،پس برای کسانی که کفر ورزیدند،لباس هایی از آتش بریده شده است،(و)از بالای سرشان مایع جوشانی ریخته می شود.

پیام ها

۱ در طول تاریخ نزاع درباره خداوند بوده است. «اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ» ۲ لباس هر یک از دوزخیان،مخصوص بدن اوست. «قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيابٌ» ۳ لباس آتشین دوزخیان سرد نمی شود و دائماً از بالای سرشان مواد گداخته به آن تزریق می شود. «يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمِيمُ»

[سوره الحج (۲۲): آیات ۲۰ تا ۲۲]

اشاره

يُصْهَرُ بِهِ ما فِي بُطُونِهِمْ وَ الْجُلُودُ (۲۰) وَ لَهُمْ مَقامِعُ مِنْ حَدِيدٍ (۲۱) كُلَّما أَرادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْها مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيها وَ ذُوقُوا عَذابَ الْحَرِيقِ (۲۲)

با آن مایع جوشان(که از بالای سرشان ریخته می شود)،آنچه در درون و برونشان هست گداخته می شود.

و برای(کیفر)آنان گرزهایی از آهن است.

هر گاه اراده کنند که از(شدّت) غم از دوزخ خارج شوند،به آن برگردانده می شوند(و به آنان گفته می شود:)بچشید عذاب سوزان را.

پیام ها

۱ آتش دوزخ،درون و برون را می سوزاند. «بُطُونِهِمْ وَ الْجُلُودُ» ۲ دوزخیان برای نجات خود دست و پا می زنند،امّا تلاش آنان بی نتیجه است.

«أَرادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْها أُعِيدُوا فِيها»

۳ دردناک تر از آتش دوزخ،غم ها و عذاب های روحی است. «مِنْ غَمٍّ» ۴ عذاب دوزخ،ابدی است. «أُعِيدُوا فِيهٰا» ۵ دوزخیان،تحقیر و سرزنش می شوند. «ذُوقُوا»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۲۳]

اشاره

إِنَّ اَللّٰهَ يُدْخِلُ اَلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا اَلصّٰالِحٰاتِ جَنّٰاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهٰارُ يُحَلَّوْنَ فِيهٰا مِنْ أَسٰاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤاً وَ لِبٰاسُهُمْ فِيهٰا حَرِيرٌ (۲۳)

قطعاً خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده اند،به باغ هایی که نهرها از زیر(درختان)آن جاری است،وارد می کند،در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت داده می شوند و در آن جا لباسشان از ابریشم است.

پیام ها

۱ بهترین راه شادی و تفریح،استفاده از طبیعت است. «جَنّٰاتٍ اَلْأَنْهٰارُ» ۲ در کنار تهدید،امید و بشارت لازم است،در آیه ی قبل فرمود: «ذُوقُوا عَذٰابَ الْحَرِيقِ» و در این آیه فرمود: «لِبٰاسُهُمْ فِيهٰا حَرِيرٌ» ۳ یکی از زیبایی های قرآن،تناسب میان بیم ها و امیدها،انذارها و بشارت های آن است. «قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيٰابٌ وَ لِبٰاسُهُمْ فِيهٰا حَرِيرٌ» ۴ برهنگی ارزش نیست،بهشتیان هم لباس دارند. «لِبٰاسُهُمْ فِيهٰا حَرِيرٌ» ۵ خداوند،محرومیّت ها را جبران می کند.ابریشم و طلا که در دنیا برای مردان حرام است،در آخرت وسیله ی زیورشان خواهد بود. «ذَهَبٍ حَرِيرٌ» ۶ زیبایی و موزون بودن کلمه ها و جمله ها،نوعی فصاحت است.(آخرین جمله ی آیه قبل «الْحَرِيقِ» بود و آخرین جمله این آیه «حَرِيرٌ» است)

[سوره الحج (۲۲): آیه ۲۴]

اشاره

وَ هُدُوا إِلَى اَلطَّيِّبِ مِنَ اَلْقَوْلِ وَ هُدُوا إِلىٰ صِرٰاطِ اَلْحَمِيدِ (۲۴)

و(اهل بهشت)به سخنان پاك(و دلنشین)هدایت می شوند،و به راه خداوندی که شایسته ی ستایش است رهبری می گردند.

پیام ها

۱ در كنار نعمت های مادّی بهشت،نعمت های معنوی است. «لِبٰاسُهُمْ فِيهٰا حَرِيرٌ ...

وَ هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ»

۲ سخنان دلنشین،ارمغان بهشتیان است. «الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ» ۳ پیمودن راه خدا،آراستگی ظاهری و باطنی لازم دارد. «أَسٰاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ اَلطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ صِرٰاطِ الْحَمِيدِ» ۴ بهترین کامیابی،خوش عاقبتی است. «هُدُوا إِلىٰ صِرٰاطِ الْحَمِيدِ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۲۵]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِينَ كَفَرُوا وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اَللّٰهِ وَ اَلْمَسْجِدِ اَلْحَرٰامِ اَلَّذِی جَعَلْنٰاهُ لِلنّٰاسِ سَوٰاءً اَلْعٰاكِفُ فِيهِ وَ اَلْبٰادِ وَ مَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحٰادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذٰابٍ أَلِيمٍ (۲۵)

همانا کسانی که کفر ورزیدند و(مؤمنان را)از راه خدا و مسجد الحرامی که آن را برای همه ی مردم،ساکنین مکّه و یا(مسافرین)بادیه نشین مساوی قرار دادیم بازمی دارند(گرفتار قهر ما خواهند بود)و هر کس در مسجد الحرام اراده انحراف و ظلم کند،ما به او عذاب دردناك می چشانیم.

نکته ها:

امام صادق(علیه السلام)ذیل آیه فرمود:هر کس غیر خدا را در مسجد الحرام پرستش کند یا غیر اولیای خدا را متولّی آن مکان مقدّس بگیرد پس او دچار ظلم و الحاد شده است. (۱)

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۱،ص ۳۳۷.

پیام ها

۱ عقیده ی فاسد،انسان را به کردار فاسد می کشاند. «کَفَرُوا یَصُدُّونَ» ۲ گناهان عادّی،مقدّمه ی گناهان بزرگتر می شوند. «یَصُدُّونَ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ» ۳ مراکز دینی،خاری است در چشم منحرفان. «یَصُدُّونَ عَنْ ... اَلْمَسْجِدِ الْحَرامِ» ۴ قوانین مکّه باید از طرف مالک حقیقی تعیین شود. «جَعَلْناهُ لِلنّاسِ سَواءً» ...

۵ مسجد الحرام،منطقه ای بین المللی است و همچون آسمان ها و اقیانوس ها حق هیچ فرد و کشور و حکومتی نیست. «سَواءً الْعاکِفُ فِیهِ وَ الْبادِ» ۶ کیفر خداوند نسبت به منحرفان،قطعی است و هیچ کافر و ستمگری از عذاب الهی در امان نیست. «وَ مَنْ یُرِدْ» ۷ مکان ها یکسان نیستند. «وَ مَنْ یُرِدْ فِیهِ بِإِلْحادٍ» ...(مسجد الحرام باید مرکز امنی برای همه باشد).

۸ حساب انحراف عمدی و آگاهانه که به قصد ظلم است،از انحراف ناآگاهانه جداست. «یَصُدُّونَ وَ مَنْ یُرِدْ» لذا اراده ی الحاد مجازات دارد. «نُذِقْهُ» ۹ توهین به مقدّسات و مراکز مذهبی،استحقاق عذاب دارد. «نُذِقْهُ مِنْ عَذابٍ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۲۶]

اشاره

وَ إِذْ بَوَّأْنا لِإِبْراهِیمَ مَکانَ اَلْبَیْتِ أَنْ لا تُشْرِکْ بِی شَیْئاً وَ طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطّائِفِینَ وَ اَلْقائِمِینَ وَ اَلرُّکَّعِ اَلسُّجُودِ (۲۶)

و(به یادآور)آن گاه که مکان کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم(به او گفتیم:)هیچ گونه شرکی نسبت به من روا مدار و خانهٔ مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه دار.

پیام ها

۱ ماجرای کعبه و ابراهیم واقعه ای است که نباید فراموش شود. «وَ إِذْ» ۲ همه ی ما محتاج توفیقات الهی هستیم. «بَوَّأْنا»

ص: ۳۲

۳ مکـان هـای مقـدّس بایـد در اختیـار افراد مقـدّس قرار گیرد. «بَوَّأْنٰا لِإِبْرٰاهِیمَ مَکٰانَ الْبَیْتِ» ۴ مردم دنیـا،کعبـه را از قـدیم می شناختنـد. «الْبَیْتِ» ۵ هیـچ گونه شـرکی برای خدا مجاز نیست. «لاٰ تُشْـرِکْ بِی شَـیْئاً» ۶ اوّل طهـارت درون،بعـد پاکی برون. «لاٰ تُشْرِکْ بِی طَهِّرْ بَیْتِیَ» ۷ خدمت به مسجد،افتخاری ابراهیمی است. «طَهِّرْ بَیْتِیَ» ۸ تنها خودسازی کافی نیست،خدمت به خلق نیز لازم است. «لاٰ تُشْرِکْ بِی ... طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطّٰائِفِینَ وَ» ...

۹ هر کجا به خدا منسوب باشد مقدّس است و همه باید به آن احترام بگذارند.

«طَهِّرْ بَیْتِیَ»

۱۰ مرکز عبادت بایـد پاک باشـد. «طَهِّرْ بَیْتِیَ» ۱۱ نمـاز و نمـازگزار به قـدری عزیز است که حتّی ابراهیم بایـد خادم مکان آن باشـد. «طَهِّرْ بَیْتِیَ لِلطّٰائِفِینَ ... وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ» ۱۲ حقّ مسـجد الحرام،طواف و قیـام و نمـاز است و از میـان اینها طواف،پاداش بیشتری دارد. «لِلطّٰائِفِینَ» (اینکه نـام طواف قبل از رکوع آمـده شایـد اشاره به این باشـد که در مسـجد الحرام،طواف مهم تر از نماز است)

[سوره الحج (۲۲): آیه ۲۷]

اشاره

وَ أَذِّنْ فِی النّٰاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجٰالاً وَ عَلیٰ کُلِّ ضٰامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (۲۷)

و در میان مردم بانگ حج برآور تا آنان،پیاده و سوار بر مرکب های چابک از هر راه دوری به سراغ تو بیایند.

نکته ها:

کلمه ی «ضٰامِرٍ» به معنـای حیوانی است که پیه بـدنش آب شـده و گوشت هایش به ماهیچه تبـدیل شـده و چابک است،مانند حیوانی که بدن سازی شده و برای مسابقات آماده است.

ص: ۳۳

حضرت علی(علیه السلام)در خطبه ی ۲۸ نهج البلاغه می فرماید:«الیوم المضمار و غدا السباق»یعنی امروز خود را چابک کنید تا در قیامت بتوانید سبقت بگیرید.

در روایات می خوانیم:حضرت ابراهیم(علیه السلام)گفت:خداوندا! صدای من به گوش کسی نمی رسد.خداوند فرمود:تو فریاد بزن،من به مردم ابلاغ می کنم.

اوّلین وظیفه ی زائران کعبه،پوشیدن لباس احرام و گفتن«لبیک اللهم لبیک»است،امام صادق(علیه السلام)فرمود:این جملات پاسخ دعوت ابراهیم است. (۱)

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)نیز در مدینه در سال دهم دستور داد که مؤذّنین با بلندترین صدا مردم را برای حج همراه پیامبر دعوت کنند. (۲)

پیام ها

۱ فریاد امروز اولیای خدا،در آیندگان اثر خواهد کرد. «أَذِّنْ یَأْتُوکَ» ۲ انبیا از پیشگامان امر به معروف بوده اند. «وَ أَذِّنْ» ۳ حج رفتن،به محضر اولیای خدا رسیدن است. «یَأْتُوکَ» (نفرمود:«یأتوه»آری، در مراسم حج محور رهبر الهی است) ۴ خداوند از غیب و آینده ی تاریخ خبر می دهد. «یَأْتُوکَ یَأْتِینَ» ۵ اگر انسان بر انجام کاری مکلّف شد،باید مقدّمات آن را فراهم کند. «وَ عَلیٰ کُلِّ ضامِرٍ» ...

۶ پیاده رفتن به حج برتر از سواره است.(«رِجالاً» قبل از «کُلِّ ضامِرٍ » آمده است) ۷ اگر در انجام کاری،اراده و عشق باشد،امکانات در مرحله ی بعد قرار می گیرد.

«رِجالاً وَ عَلیٰ کُلِّ ضامِرٍ»

۸ حج،تنها مقصدی است که همیشه و از همه ی مناطق جهان مسافر دارد. «مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ»

ص: ۳۴

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛علل الشرایع،ص ۴۱۶.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۴،ص ۲۴۵.

[سوره الحج (۲۲): آیه ۲۸]

اشاره

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَ يَذْكُرُوا اِسْمَ اَللّٰهِ فِي أَيّٰامٍ مَعْلُومٰاتٍ عَلىٰ مٰا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَهِ اَلْأَنْعٰامِ فَكُلُوا مِنْهٰا وَ أَطْعِمُوا اَلْبٰائِسَ اَلْفَقِيرَ (۲۸)

(مردم از هر منطقه ای به حج خواهند آمد)تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند و در ایام مخصوص حج خدا را یاد کنند،به خاطر چهار پایان زبان بسته ای که رزقشان شده؛پس از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را اطعام کنید.

نکته ها:

امام صادق(علیه السلام)فرمود:مراد از «أَيّٰامٍ مَعْلُومٰاتٍ» ایام تشریق،یعنی روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ از ماه ذی الحجه است. (۱)

امام صادق(علیه السلام)فرمود:مراد از «يَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ» ،گفتنِ اللّه اکبر و جملات بعد از آن است که در دعای معروفی بعد از پانزده نماز که اوّل آن نماز ظهر روز عید قربان است، خوانده می شود. (۲)

امام کاظم(علیه السلام)در پاسخ شخصی فرمود:اگر پوست قربانی مکّه را به سلاخ به عنوان مزد بدهند مانعی ندارد،زیرا آنچه را که خوردنی است باید خود یا فقیر مصرف کند «فَكُلُوا مِنْهٰا وَ أَطْعِمُوا» ...و پوست خوردنی نیست. (۳)

سیمای حج:

حج،یک بسیج عمومی و مانور موحدین است.

حج،چهره ی زیبای عشق و تعبد است.

حج،زنده نگاه داشتن خاطرات و خدمات پیامبرانی همچون ابراهیم و اسماعیل و محمّد است.(درود خداوند بر همه ی آنان باد) حج،مرکز اجتماعات بین المللی مسلمین است.

حج،مرکز ارتباطها و تبادل اخبار و اطلاعات جهان اسلام است.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛معانی الاخبار،ص ۲۹۷.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

۳- ۳) .تفسیر نور الثقلین.

حج،پشتوانه ی اقتصاد مسلمین و ایجاد اشتغال برای ده ها هزار مسلمان است.

حج،بهترین فرصت و زمان برای تبلیغات اسلامی،افشاگری توطئه ها،حمایت از مظلومان،برائت از کفّار و ایجاد رعب و وحشت در دل آنان است.

حج،بهترین فرصت و زمان برای توبه،یاد مرگ و معاد،از همه چیز بریدن و صحرای عرفات و مشعر را دیدن و در انتظار مهدی موعود(علیه السلام)نشستن است.

پیام ها

۱ مسلمانان باید برای به دست آوردن منافع مادی و معنوی حج در صحنه حاضر باشند. «لِيَشْهَدُوا» ۲ منافع حج به قدری مهم است که اگر مردم از دورترین نقاط دنیا هم بیایند،باز ارزش دارد. «فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا» ۳ انجام فرمان خدا و قصد قربت داشتن در حج،با بهره گیری های گوناگون جنبی منافاتی ندارد. «لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ» ۴ دستورات الهی به سود مردم است. «مَنافِعَ لَهُمْ» نفرمود:«منافعهم» ۵ در حج،هم منافع دنیوی است و هم اخروی.(«مَنافِعَ» مطلق آمده است و امام صادق(علیه السلام)فرمود:مراد از «مَنافِعَ » در آیه،منافع دنیا و آخرت است.) [(۱)](#)۶ فلسفه ی عبادات،یاد خداست. «وَ يَذْكُرُوا اسْمَ اللّهِ» (درباره ی فلسفه ی نماز نیز می خوانیم: «أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْرِي» یعنی برای یاد خدا،نماز به پادار) ۷ عنصر زمان،در نیایش و دعا مؤثّر است. «فِي أَيّامٍ مَعْلُوماتٍ» (عبادات اسلامی زمان بندی مخصوصی دارد) ۸ چهار پایان و تسلیم بودن آنها در برابر انسان و قربانی آنها و سودهای دیگری که دارند،از نعمت های الهی است که به بشر داده شده است. «رَزَقَهُمْ» ۹ استفاده از گوشت قربانی برای خود زائران جایز است. «فَكُلُوا» (بر خلاف

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۴۷،ص ۴۲۲.

عـادت هـای زمـان جاهليّت که مصـرفش را برای حاجی حرام می دانسـتند) ۱۰ حضور در حـج و رسـيدن به منـافع آن،بايـد با فقرزدايی همراه باشد. «وَ أَطْعِمُوا الْبٰائِسَ» ۱۱ اجتماع اغنيا در حج نبايد آنان را از فقرا غافل کند. «أَطْعِمُوا الْبٰائِسَ الْفَقِيرَ»

[سوره الحج (۲۲): آيه ۲۹]

اشاره

ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَ لْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ اَلْعَتِيقِ (۲۹)

(زائران خانه خدا در روز عيد قربان که قربانی کردند)سپس بايد آلودگی خود را بر طرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانهٔ کهن و آزاد(کعبه)طواف نمايند.

نکته ها:

کلمه ی«تفث»به معنـای چرک،مو،نـاخن و شـارب است،و«قضاء تفث»،يعنی با گرفتن ناخن و مو از احرام بيرون آييـد و سـپس برای ادامه اعمال حج،دور خانهٔ کعبه طواف کنيد.

در روز عيد قربان،در سرزمين منا،در کنار مکّه برای زائران خانه خدا سه کار واجب است:

۱ پرتاب هفت سنگريزه به جايگاه شيطان که آن را«رمی جمره»می گويند.

۲ ذبح و قربانی که در آيه ی قبل به آن اشاره شد.

۳ تراشيدن سر و يا کوتاه کردن مو و ناخن که در اين آيه آمده است.

امام باقر(عليه السلام)فرمود:کعبه نه ساکنی دارد و نه مالکی،بلکه خانه ای حُر و آزاد است. (۱)

پيام ها

۱ بهداشت و نظافت،در بعض عبادات مثل نماز،شـرط ورود است،و در بعضی ديگر مثل حج،جزء آن و در مواردی مثل قرائت قرآن و اعتکاف شـرط کمال آن به حساب می آيد. «ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» ۲ سنّت چرک زدايی و رفع آلودگی،يک فرمان حتمی و جدّی است،نه يک

۱- ۱) .تفسير نور الثقلين.

توصیه. «ثُمَّ لْیَقْضُوا» ۳ آلودگی ها از خود انسان است، «تَفَثَهُمْ» ولی منافع،لطف الهی است که برای انسان قرار داده شد. «مَنٰافِعَ لَهُمْ» ۴ برای طواف دور خانهٔ مقدّس و آزاد،باید از آلودگی ها و تعهدها آزاد شوید.

«ثُمَّ لْیَقْضُوا

وَ لْیُوفُوا

وَ لْیَطَّوَّفُوا»

۵ انجام نذر،واجب است. «وَ لْیُوفُوا» ۶ سابقه،می تواند یک ارزش باشد. «الْعَتِیقِ» (کلمه«عتیق»به معنای قدیمی است و عتیقه به اشیای قدیمی گویند).

۷ خانهٔ خدا ملک هیچ کس نیست. «الْعَتِیقِ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳۰]

اشاره

ذٰلِکَ وَ مَنْ یُعَظِّمْ حُرُمٰاتِ اَللّٰهِ فَهُوَ خَیْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ أُحِلَّتْ لَکُمُ اَلْأَنْعٰامُ إِلاّٰ مٰا یُتْلیٰ عَلَیْکُمْ فَاجْتَنِبُوا اَلرِّجْسَ مِنَ اَلْأَوْثٰانِ وَ اِجْتَنِبُوا قَوْلَ اَلزُّورِ (۳۰)

این است(مناسک حج)و هر کس آنچه را خداوند محترم شمرده گرامی بدارد،قطعاً برای او نزد پروردگارش بهتر است،و چهار پایان برای شما حلال شده است،مگر آنچه(حرام بودنش)بر شما خوانده شده باشد پس، از پلیدی بت ها دوری کنید و از کلام باطل اجتناب ورزید.

نکته ها:

برای«قول زور»مصادیق فراوانی ذکر شده است،از جمله:دروغ،گواهی ناحق و غنا،همان گونه که برای«حُرمات خدا»مصادیقی ذکر شده،مانند قانون خدا،کتاب خدا و اهل بیت رسول خدا(علیهم السلام)که حفظ حرمتِ همه ی آنها لازم است. (۱)

گواهی دروغ،در ردیف شرک به خدا آمده و قول زور از گناهان کبیره است. (۲)

ص: ۳۸

۱- ۱) .تفسیر کنز الدقائق.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین؛بحار،ج ۴۷،ص ۲۱۶ تا ۲۱۷.

پیام ها

۱ آنچه را خداوند محترم داشته،گرامی بداریم. «وَ مَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللّٰهِ» (دستورات الهی را با احترام و عظمت یاد کنیم و در اجرای آنها،با نشاط و حسّاس باشیم) ۲ احترام به قوانین و مقدّسات الهی به نفع خود ماست. «فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ» و پاداش این احترام نزد خداوند است. «عِنْدَ رَبِّهِ» ۳ اصل در چهارپایان،حلال بودن آنهاست،مگر دلیل خاصّی از وحی داشته باشیم. «أُحِلَّتْ إِلاّٰ مٰا يُتْلىٰ» ۴ بت پرستی،آلودگی است. «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثٰانِ» (مراسم حج و قربانی با شرک و بت پرستی آمیخته بود). «فَاجْتَنِبُوا»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳۱]

اشاره

حُنَفٰاءَ لِلّٰهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَكَأَنَّمٰا خَرَّ مِنَ اَلسَّمٰاءِ فَتَخْطَفُهُ اَلطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ اَلرِّيحُ فِي مَكٰانٍ سَحِيقٍ (۳۱)

۳۱\۲۲

(مراسم حج را انجام دهید)در حالی که همگی خالص برای خدا باشید و هیچ گونه شرکی به خداوند نورزید،و هر کس به خدا شرک ورزد،گویی از آسمان سقوط کرده و پرنده ای در فضا او را می رباید،یا باد او را به مکانی دور پرتاب می کند.

نکته ها:

«حُنَفٰاءَ»

جمع حنیف،به معنای کسی است که پیرو دین حقّ باشد.

«خطف»به معنای ربودن سریع و «سَحِيقٍ» به معنای دور است.

توحید،به همه چیز ارزش می دهد و شرک،ارزش را از بهترین موجودات سلب می کند.هُدهُد که به پروردگار جهان،ایمان داشت به خاطر سوز و علاقه ای که برای هدایت مردم مشرک داشت،به جایی رسید که واسطه هدایت یک منطقه شد ولی انسان به خاطر شرک، طوری سقوط می کند که خوراک پرنده می شود.

ص: ۳۹

مثال های قرآن،در هیچ زمان و مکانی کهنه نمی شود،هم طبیعی است و هم قابل فهم.

«فَكَأَنَّما خَرَّ مِنَ السَّماءِ»

پیام ها

۱ قربانی،طواف،وفای به نذر و همه ی اعمال تنها برای خدا باشد. «حُنَفاءَ لِلّهِ» ۲ جز خدا به هر قدرتی وصل شویم،پایانش سقوط است،حتّی ابرقدرت ها.

«وَ مَنْ يُشْرِكْ

... خَرَّ مِنَ السَّماءِ» ۳ شرک،از هیچ کس بخشوده نیست. «وَ مَنْ يُشْرِكْ» ۴ توحید و اخلاص،مانند حضور در آسمان است و شرک،همچون سقوط از آسمان و طعمه پرندگان شدن. «خَرَّ مِنَ السَّماءِ» ۵ میان جدا شدن از خدا و سقوط کردن و طعمه صیّادان شدن،لحظه ای فاصله نیست. «فَتَخْطَفُهُ» (حرف فاء و کلمه ی«خطف») ۶ مقدّس ترین کارها(طواف)،در مقدّس ترین مکان ها(مسجد الحرام)و در مقدّس ترین ایّام(عید قربان)،اگر با اخلاص همراه نباشد،عاقبتش سقوط است نه رشد. «وَ مَنْ يُشْرِكْ ... خَرَّ مِنَ السَّماءِ» ۷ اخلاص،انسان را در برابر بادها و طوفان ها بیمه و نداشتن اخلاص انسان را در مسیر طوفان ها قرار می دهد. «أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ» ۸ شرک،گرچه کم یا در یک لحظه باشد،هیچ سرمایه ای را باقی نمی گذارد. «خَرَّ مِنَ السَّماءِ فِي مَكانٍ سَحِيقٍ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳۲]

اشاره

ذلِكَ وَ مَنْ يُعَظِّمْ شَعائِرَ اَللّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَى اَلْقُلُوبِ (۳۲)

این است(دستورات خداوند درباره ی حج)و هر کس شعائر خدا را گرامی بدارد،پس این از تقوای دل هاست.

ص:۴۰

نکته ها:

قرآن کریم در آیات دیگر،با صراحت دو مورد از مراسم و برنامه های حج را جزء شعائر الهی شمرده است:یکی«صفا و مروه»و دیگر«شتران قربانی»،ولی شعائر الهی در این دو خلاصه نمی شود و تمام عبادت های دسته جمعی از شعائر خداوند است،مانند نماز جمعه و جماعت و همه ی مراسم حج.

تقوا،از حالت های روحی است که از آثار و نشانه ها به وجود آن پی برده می شود،زیرا در کارهای ظاهری،بین گناه و ثواب فرق چندانی نیست،مثلاً-نماز خالصانه با نماز ریاکارانه در ظاهر یکی است و آنچه یکی را ارزشمند و دیگری را ضد ارزش می کند،همان روح و باطن کار است که مربوط به قلب هاست. «تَقْوَی الْقُلُوبِ»

پیام ها

۱ تقوای درونی باید آثار بیرونی هم داشته باشد،هر کس به شعائر بی اعتنا باشد، در حقیقت تقوای قلبی او کم است. «مَنْ یُعَظِّمْ شَعٰائِرَ اللّهِ فَإِنَّهٰا مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ» ۲ بزرگداشت ها باید بر اساس تقوا باشد،نه رقابت. «مَنْ یُعَظِّمْ ... تَقْوَی الْقُلُوبِ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳۳]

اشاره

لَکُمْ فِیهٰا مَنٰافِعُ إِلیٰ أَجَلٍ مُسَمًّی ثُمَّ مَحِلُّهٰا إِلَی اَلْبَیْتِ اَلْعَتِیقِ (۳۳)

در آن(حیوانات قربانی)برای شما تا رسیدن زمان معیّن(عید قربان)منافعی است،سپس جایگاه آن(قربانی)به سوی آن خانه قدیمی و آزاد(کعبه)است.

نکته ها:

بعضی گمان می کردند همین که شتر یا حیوان دیگری را برای قربانی معیّن کردند،حقّ سوار شدن بر آن و شیر دوشیدن از آن را ندارند.این آیه این تفکّر را رد می کند.

پیام ها

۱ در سایه ی تعظیم شعائر،منافع مادّی شما نیز تأمین می شود. «لَکُمْ فِیهٰا مَنٰافِعُ» ۲ در مراسم حج محوریّت با کعبه است. «وَ لْیَطَّوَّفُوا بِالْبَیْتِ ... مَحِلُّهٰا إِلَی الْبَیْتِ الْعَتِیقِ»

ص:۴۱

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳۴]

اشاره

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكاً لِيَذْكُرُوا اِسْمَ اَللَّهِ عَلىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ اَلْأَنْعَامِ فَإِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَ بَشِّرِ اَلْمُخْبِتِينَ (۳۴)

و(شما تنها امّتی نیستید که تکلیف قربانی دارد،زیرا)ما برای هر امّتی آئینی قرار دادیم،تا هنگام قربانی نام خدا را بر حیواناتی که خداوند روزی آنان کرده ببرند،خدای شما معبود یکتاست،پس فقط تسلیم او باشید،و به بندگان خالص بشارت ده.

نکته ها:

کلمه «الْمُخْبِتِينَ» از«خبت»یعنی زمین وسیع و هموار که خالی از فراز و نشیب است و مخبت به انسان آرام و مطمئن گفته می شود که از هر گونه پندار شرک دور باشد.

کلمه ی«منسک»یا مصدر،یا اسم زمان و یا اسم مکان است.لذا معنا چنین است:ما برای هر امّتی برنامه عبادت یا زمانی را برای قربانی یا مکانی را برای آن قرار دادیم.

پیام ها

۱ برنامه قربانی،در تمام ادیان آسمانی بوده است. «لِكُلِّ أُمَّةٍ» ...

۲ هنگام قربانی،نام خدا را باید به زبان آورد. «لِيَذْكُرُوا» ۳ شیوه ی بندگی خداوند،تنها باید از طریق وحی باشد. «جَعَلْنَا مَنْسَكاً» ۴ خدای ما پروردگار یکتاست. «فَإِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ» ،همان خدایی که هم دین ما را تأمین می کند، «جَعَلْنَا مَنْسَكاً» و هم دنیای ما را «رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

۵ نام خداوند به قدری ارزش دارد که اگر هنگام ذبح حیوان بر زبان جاری شود، گوشت آن حیوان حلال،و گر نه حرام خواهد بود. «لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ» ۶ غذای انسان های خداپرست نیز باید رنگ الهی داشته باشد. «لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ» ۷ جز برای خدا تسلیم نشوید. «فَلَهُ أَسْلِمُوا» ۸ همین که در تمام ادیان نام خدا بردن مطرح است،پس آفریدگار همه یکی است.زیرا اگر خدای دیگری بود این مراسم به صورت های دیگری نیز

ص: ۴۲

مطرح می شد. «فَإِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ واحِدٌ» (حرف«فاء»برای نتیجه است یعنی وحدت مکتب،نشانه ی وحدت معبود است).

۹ بشارت های الهی،مخصوص کسانی است که متواضع و تسلیم خدا هستند.

«بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳۵]

اشاره

اَلَّذِينَ إِذٰا ذُكِرَ اَللّٰهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ اَلصّٰابِرِينَ عَلىٰ مٰا أَصٰابَهُمْ وَ اَلْمُقِيمِى اَلصَّلاٰةِ وَ مِمّٰا رَزَقْنٰاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳۵)

(مُخبتین)کسانی هستند که هر گاه نام خدا برده شود دل هایشان از خوف (خداوند)می لرزد و بر آنچه(از سختی ها)به آنان می رسد مقاومند و برپاکنندگان نمازند و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند.

نکته ها:

یاد خدا هم آرام بخش است وهم برای اهل ایمان،خوف آور،همانند کودکی که با یاد والدین، هم آرام می گیرد وهم از آنان پروا می کند و حساب می برد.

پیام ها

۱ ترس از خدا و پروای درونی،یک ارزش است. «وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ» ۲ تقوا،بر همه ی کمالات مقدّم است. «وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ ... وَ الصّٰابِرِينَ» ...

۳ زیربنای انجام وظیفه بعد از تقوا،مقاومت و صبر است. «وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصّٰابِرِينَ» ۴ صبری ارزش دارد که در برابر مشکلات دوام بیاورد. «الصّٰابِرِينَ عَلىٰ مٰا أَصٰابَهُمْ» ۵ رابطه با خدا،از رابطه با محرومان جدا نیست. «وَ الْمُقِيمِى الصَّلاٰةِ يُنْفِقُونَ» ۶ بخشش،مخصوص مال نیست،از علم و آبرو و هنر نیز می توان انفاق کرد.

«مِمّٰا رَزَقْنٰاهُمْ»

۷ انفاقی ارزش دارد که دائمی باشد.(«يُنْفِقُونَ » فعل مضارع نشانه استمرار است)

۸ در انفاق نیز اعتدال و میانه روی لازم است. «وَ مِمّا» ...

۹ اموال و دارایی های انسان رزق الهی است. «رَزَقْناهُمْ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳۶]

اشاره

وَ اَلْبُدْنَ جَعَلْناها لَکُمْ مِنْ شَعائِرِ اَللّهِ لَکُمْ فِیها خَیْرٌ فَاذْکُرُوا اِسْمَ اَللّهِ عَلَیْها صَوافَّ فَإِذا وَجَبَتْ جُنُوبُها فَکُلُوا مِنْها وَ أَطْعِمُوا اَلْقانِعَ وَ اَلْمُعْتَرَّ کَذٰلِکَ سَخَّرْناها لَکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (۳۶)

و(قربانی کردن)شترهای چاق را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم،در آنها برای شما خیر است،پس(هنگام قربانی)نام خدا را بر شتران در حالی که ایستاده اند ببرید،پس چون به پهلو افتادند(و جان دادند)از (گوشت)آنها بخورید و به فقیر قانع و فقیری که روی سؤال ندارد اطعام کنید،بدین گونه حیوانات قربانی را برای شما(رام و)مسخّر کردیم،تا شاید شکرگزاری کنید.

نکته ها:

«اَلْبُدْنَ»

جمع«بدنه»است به معنای شتر سالم و فربه،و «صَوافَّ» حیوانی است که زانوی خود را صاف نگاه داشته است.

جمله ی «وَجَبَتْ جُنُوبُها» یعنی استقرار به پهلو و کنایه از جان دادن حیوان است. «اَلْقانِعَ» فقیری است که قانع است و «اَلْمُعْتَرَّ» فقیری را گویند که نیازمند است امّا حرفی به زبان نمی آورد،ولی به قصد کمک گرفتن از کنار شما عبور می کند. (۱)

در اسلام،هر جا مسأله خوردن مطرح است،در کنارش وظیفه دیگری نیز ذکر شده است:

«کُلُوا ... وَ لا تُسْرِفُوا» (۲)بخورید ولی اسراف نکنید.

«فَکُلُوا

... وَ أَطْعِمُوا» (۳)بخورید و به دیگران بخورانید.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۳،ص ۴۹۹.

۲- ۲) .اعراف،۳۱.

۳- ۳) .حج،۳۶.

«کُلُوا ... وَ اعْمَلُوا» (۱)بخورید و عمل صالح انجام دهید.

«کُلُوا ... وَ اشْکُرُوا» (۲)بخورید و سپاس گزارید.

پیام ها

۱ در بزرگداشت شعائر الهی،سخاوت مندانه خرج کنید. «وَ الْبُدْنَ» («بدن»به معنای شتر چاق است) ۲ عرب جاهلی می پنداشت که از گوشت قربانی نباید استفاده کند. «فَکُلُوا» ۳ در تعظیم شعائر دینی،مهم توجّه و عنایت الهی است،خواه نسبت به جماد باشد،خواه نسبت به حیوان. «إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ» ، «وَ الْبُدْنَ ... مِنْ شَعائِرِ اللّهِ» ۴ احکام دینی باید از طریق وحی معیّن شود. «جَعَلْناها» ۵ در شعائر الهی،منافع انسان ها نیز تأمین است. «لَکُمْ» (بر خلاف قربانی در راه بت ها و یا ریخت وپاش های مسرفانه) ۶ در مکتب تربیتی اسلام،در تغذیه نیز خدا مطرح است. «فَاذْکُرُوا اسْمَ اللّهِ» ۷ بهترین روشِ قربانیِ شتر،نحر آن در حال ایستاده است. «صَوافَّ» ۸ تا جان در بدن حیوان هست،مصرف گوشتش ممنوع است. «فَإِذا وَجَبَتْ جُنُوبُها فَکُلُوا» ۹ گوشت قربانی باید تقسیم شود.(بین خود و دیگران) «فَکُلُوا أَطْعِمُوا» ۱۰ به تمام گروه های بی بضاعت رسیدگی کنید. «الْقانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ» ۱۱ قربانی در مکانی انجام گیرد که محل عبور فقرا باشد. «الْمُعْتَرَّ» ۱۲ رام بودن و مسخّر بودن حیوانات،خوردن گوشت قربانی و اطعام به دیگران، ذِبح و نَحر حیوانات در مراسم حج و اخلاص و رنگ الهی داشتن،نعمت هایی است که باید شکر گزاری شود. «لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ»

ص: ۴۵

۱- ۱) .مؤمنون،۵۱.

۲- ۲) .سبأ،۱۵.

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳۷]

اشاره

لَنْ یَنالَ اَللّٰهَ لُحُومُها وَ لاٰ دِماؤُها وَ لٰکِنْ یَنالُهُ اَلتَّقْویٰ مِنْکُمْ کَذٰلِکَ سَخَّرَها لَکُمْ لِتُکَبِّرُوا اَللّٰهَ عَلیٰ ما هَدٰاکُمْ وَ بَشِّرِ اَلْمُحْسِنِینَ (۳۷)

هرگز گوشت و خون حیوانات قربانی،به خداوند نمی رسد،بلکه آنچه از طرف شما به او می رسد تقواست،این گونه خداوند حیوانات را برای شما مسخّر نمود،تا خدا را به خاطر آن که شما را هدایت کرده است به بزرگی یاد کنید،و به نیکوکاران بشارت ده.

پیام ها

۱ خداوند به تکالیفی که انجام می دهیم،نیازی ندارد. «لَنْ یَنالَ اللّٰهَ لُحُومُها» ۲ در ورای مسائل ظاهری دین،اهداف والاتری وجود دارد.(به ظاهر دستورات دینی بسنده نکنیم،داشتن اخلاص و روح تعبّد و تسلیم در برابر فرمان خداوند،باطن احکام الهی است). «وَ لٰکِنْ یَنالُهُ التَّقْویٰ» ۳ رابطه ی انسان با خداوند از راه تقواست. «یَنالُهُ التَّقْویٰ مِنْکُمْ» ۴ خدا را به بزرگی یادکردن،یک نوع شکر الهی است. «لِتُکَبِّرُوا اللّٰهَ عَلیٰ ما هَدٰاکُمْ» ۵ نعمت هدایت،از نعمت هایی است که برای شکر آن سفارش ویژه ای شده است. «عَلیٰ ما هَدٰاکُمْ» ۶ اگر لطف خداوند نباشد،همه گمراه خواهیم شد. «هَدٰاکُمْ» ۷ حج و مناسک آن جلوه آشکار هدایت است. «عَلیٰ ما هَدٰاکُمْ» ۸ انجام مناسک حج،انسان را در زمره محسنین قرار می دهد. «وَ بَشِّرِ الْمُحْسِنِینَ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳۸]

اشاره

إِنَّ اَللّٰهَ یُدٰافِعُ عَنِ اَلَّذِینَ آمَنُوا إِنَّ اَللّٰهَ لاٰ یُحِبُّ کُلَّ خَوّٰانٍ کَفُورٍ (۳۸)

قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند،بی شک خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد.

ص: ۴۶

نکته ها:

یکی از وعـده ها و سنّت های الهی،نصـرت و دفاع از مؤمنین است و خداونـد این دفاع و حمایت را به عنوان یک حقّ،بر خود لازم فرموده است: «وَ کانَ حَقًّا عَلَیْنا نَصْرُ الْمُؤْمِنِینَ» (۱)البتّه معنـای دفاع و نصـرت الهی،همیشه دفاع و نصـرت فوری و کوتاه مـدّت نیست،بلکه دفاع دراز مـدّت را نیز شامل می شود،زیرا در آیات دیگر می فرمایـد: «وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِینَ» آری، ممکن اسـت در یک درگیری و جنگ،مؤمنین به ظاهر شـکست بخورنـد ولی اهـداف و تفکّر آنان پیروز شود،چنان که ابن ملجم،حضـرت علی(علیه السـلام)را به شـهادت رسانـد،ولی آیا خداونـد او را حمایت کرد یا علی(علیه السـلام)را؟ نام علی،فرزنـد علی،کتاب علی، مناجات علی،عزّت علی،شیعه ی علی و تفکّر علی سرانجام به پیروزی رسید.

«خَوّانٍ»

و «کَفُورٍ» به معنای کسی است که کفر و خیانت،کار و سیره ی او باشد.

پیام ها

۱ تحقّق وعده ی الهی در دفاع از مؤمنان،حتمی است. «إِنَّ» ۲ مؤمنان،تنها و بی مدافع نیستند. «إِنَّ اللّهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا» ۳ حمایت خداونـد،ابـدی است. «یُدافِعُ» ۴ مؤمنـان،از حریم خـدا دفـاع می کننـد و خـدا از حریم مؤمنـان. «یُدافِعُ» ،نه «یُدافِعُ» ۵ مؤمنان،محبوب خدا هستند. «إِنَّ اللّهَ یُدافِعُ» ۶ عنصـری که نصرت و دفاع خدا را جلب می کند،ایمان است. «عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا وَ کانَ حَقًّا عَلَیْنا نَصْرُ الْمُؤْمِنِینَ» (۲)۷ قهر و غضب خداوند،بر اساس معیارهاست. «یُدافِعُ عَنِ الَّذِینَ آمَنُوا لا یُحِبُّ کُلَّ خَوّانٍ» (دین خداوند امانتی در دست ماست که نباید به آن خیانت شود) «لا یُحِبُّ کُلَّ خَوّانٍ» ...

۸ همه ی مردم در برابر خداوند یکسانند، «کُلَّ خَوّانٍ» و خیانت از هیچ کس

ص: ۴۷

۱- ۱) .روم،۴۷.

۲- ۲) .روم،۴۷.

بخشیده نیست.

۹ بدتر از خیانت،خیانت پیشگی؛ «خَوّانٍ» بدتر از کفر،کفرپیشگی است. «کَفُورٍ» ۱۰ خیانت،زمینه ی کفر است.(اوّل «خَوّانٍ » مطرح شده،بعد «کَفُورٍ ») ۱۱ کسی که ایمان ندارد به خود و خدا و رسول خدا(صلوات اللّه علیه)خیانت کرده است.(«خَوّانٍ » در برابر «آمَنُوا » قرار داده شده)

[سوره الحج (۲۲): آیه ۳۹]

اشاره

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اَللَّهَ عَلىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (۳۹)

به کسانی که همواره و مظلومانه مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفته اند، اجازه دفاع و جهاد داده شده است و البتّه خداوند بر یاری آنان قادر است.

نکته ها:

گفته اند:این آیه اوّلین آیه ای است که به پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)اجازه جهاد و جنگ مسلحانه داده است،زیرا کار آن حضرت چند مرحله داشت:۱ دعوت و اصلاح قلبی و خودسازی نیروها.۲ تشکّل و بسیج نیروها.۳ دفاع یا حمله.

پیام ها

۱ جهاد،بدون اذن خدا و رسول جایز نیست. «أُذِنَ» ۲ مظلومان،مجازند با دشمنان خود جهاد کنند. «أُذِنَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا» ۳ نصرت خدا،بعد از بپاخاستن و حرکت ماست. «أُذِنَ إِنَّ اللّهَ عَلىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» ۴ به رزمندگان روحیه دهید. «وَ إِنَّ اللّهَ عَلىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» ۵ حقّ بر باطل پیروز است. «وَ إِنَّ اللّهَ عَلىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» ۶ امداد الهی،تنها جنبه ی نظامی ندارد و انواع نصرت ها و امدادها را شامل می شود. «نَصْرِهِمْ» به طور مطلق مطرح شده است.

۷ نصرت الهی حتمی است.(کلمه «إِنَّ » ، «لَقَدِيرٌ » ،حرف لام و جمله ی اسمیّه) ۸ امداد و یاری خداوند نسبت به مؤمنان گسترده است. «لَقَدِيرٌ» ،نفرمود:«قادر»

ص: ۴۸

[سوره الحج (۲۲): آیه ۴۰]

اشاره

اَلَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلاّ أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اَللّهُ وَ لَوْ لا دَفْعُ اَللّهِ اَلنّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَواتٌ وَ مَساجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اِسْمُ اَللّهِ كَثِيراً وَ لَيَنْصُرَنَّ اَللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اَللّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۴۰)

(مظلومان مورد تهاجم،)کسانی هستند که به ناحق از خانه و کاشانه ی خود رانده شدند(و گناهی نداشتند)جز این که می گفتند:پروردگار ما خدای یکتا است و اگر خداوند(ظلم و تجاوز)بعضی از مردم را به وسیله ی بعضی دیگر دفع نکند، صومعه ها و کنیسه ها و کلیساها و مساجدی که نام خداوند در آنها بسیار برده می شود ویران می گردد،و قطعاً خداوند کسی که(دین)او را یاری کند،یاری می دهد،همانا خداوند نیرومند شکست ناپذیر است.

نکته ها:

کلمه ی «صَوامِعُ» جمع«صومعه»به معنای دِیر و محل عبادت و ریاضت راهبان در بیابان ها و غارهاست.کلمه ی «بِيَعٌ» جمع«بیعه»،محل عبادت مسیحیان است و کلمه ی «صَلَواتٌ» جمع«صلاه»،همان کنیسه و محل عبادت یهودیان است.

خرابی مسجد یعنی:محو اتّحاد و تشکّل،قطع رابطه با امام عادل،فراموشی فقرا،عدم آگاهی از اوضاع و غفلت از خدا و لذا اگر دشمن بتواند،اوّل این مراکز را قلع و قمع می کند. «لَهُدِّمَتْ صَوامِعُ وَ بِيَعٌ» ...

پیام ها

۱ آوارگی از وطن روشن ترین نمونه مظلومیّت است. «ظُلِمُوا ... اَلَّذِينَ أُخْرِجُوا» ۲ علاقه به وطن،حقّ طبیعی انسان و اخراج از وطن،سلب این حقّ و سبب ظلم است. «أُخْرِجُوا مِنْ دِيارِهِمْ» ۳ در قرآن،تبعید مفسدین فی الارض حقّ و تبعید مؤمنان ناحقّ است. «بِغَيْرِ حَقٍّ»

ص:۴۹

۴ دینداری،سختی و ناگواری دارد. «أَخْرِجُوا ... إِلاّ أَنْ یَقُولُوا رَبُّنَا اللّهُ» ۵ مؤمنان،وسیله ی تحقّق اراده ی الهی اند. «دَفْعُ اللّهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» (دفاع از خداوند است ولی بدست مؤمنین) ۶ برای حفظ مراکز دینی،گاهی باید خون داد. «دَفْعُ اللّهِ النّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ» ...

۷ آنچه مهم است،دفاع از حریم مساجد است،خواه با جنگ باشد و و خواه با قلم و بیان و یا برنامه های دیگر. «دَفْعُ اللّهِ» ...

۸ مهم ترین برنامه ی دشمن،نابودی مراکز دینی بیدار کننده است. «لَهُدِّمَتْ» (معابد،نشانه ی حضور دین در جامعه است).

۹ نام عبادتگاه مهم نیست،کفّار و متجاوزین با یاد خدا و راه او به هر شکل و در هر کجا که باشد مخالفند. «صَوامِعُ بِیَعٌ- صَلَواتٌ مَساجِدُ» ۱۰ یاد خدا هدف اصلی و روح اعمال در مراکز دینی است. «یُذْکَرُ فِیهَا اسْمُ اللّهِ» ۱۱ مساجدی مورد ستایش قرآن است که در آنها از خداوند بسیار یاد شود و به حد اقل اکتفاء نشود. «کَثِیراً» (در هر مکانی که بیشتر یاد او شود،مقدّس تر است) ۱۲ امداد و نصرت الهی،بعد از حرکت و تلاش ماست. «لَیَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۴۱]

اشاره

اَلَّذِینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی اَلْأَرْضِ أَقامُوا اَلصَّلاهَ وَ آتَوُا اَلزَّکاهَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ اَلْمُنْکَرِ وَ لِلّهِ عاقِبَهُ اَلْأُمُورِ (۴۱)

کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم،نماز بر پا می دارند و زکات می دهند و(دیگران را)به خوبی ها دعوت می کنند و از بدی ها باز می دارند؛و پایان همه ی امور برای خداست.

نکته ها:

اگر قدرت و امکانات،در دست افراد صالح باشد،بهره برداری صحیح می کنند و اگر در اختیار نااهلان قرار گیرد سوء استفاده می کنند.بنا بر این دنیا و قدرت،برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است:اگر مؤمنان به

قدرت برسند،به سراغ نماز و زكات و امر به معروف می روند ولی انسان های منحرف و نااهل،اگر قدرتمند شوند كارشان طغيان است، «إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغی» (۱)و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می دارند، «وَ إِذا تَوَلّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيها وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ» (۲)و عاقبت،مردم را به دوزخ می كشانند. «أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَی النّارِ» (۳)

پيام ها

۱ ياری خداوند از طريق احيای دين اوست. «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» ، «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنّاهُمْ» ...

۲ امر به معروف و نهی از منكر،به قدرت نياز دارد. «مَكَّنّاهُمْ» ۳ پيروزی مؤمنان،زمينه ی بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می كند و غفلت و غرور را از بين می برد. «إِنْ مَكَّنّاهُمْ» ...

۴ برای مؤمنان،تمام زمين يكسان است،آنان هر كجا كه توان دارند هدف مقدّس خود را پياده می كنند. «فِی الْأَرْضِ» ۵ همه ی قدرت ها را از خدا بدانيم. «مَكَّنّاهُمْ» ۶ اوّلين ثمره ی حكومت صالحان،نماز و زكات و امر به معروف و نهی از منكر است. «إِنْ مَكَّنّاهُمْ فِی الْأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ» ...

۷ رابطه با خدا و دستگيری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگيری از مفاسد،از هم جدا نيست. «أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ» ...

۸ اقامه ی نماز و ادای زكات و امر به معروف و نهی از منكر از وظايف و كارهای قطعی مسئولان حكومت اسلامی است. «أَقامُوا» نه«يقيمون» ۹ حاكمان مؤمن،هم در فكر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشكلات اقتصادی و فقرزدايی و اصلاح جامعه. «أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ» ...

ص: ۵۱

۱- ۱) .علق،۶.

۲- ۲) .بقره،۲۰۵.

۳- ۳) .قصص،۴۱.

۱۰ جامعه ای تحت حمایت خداوند است که این چهار ارزش محوری را داشته باشد:نماز،زکات،امر به معروف و نهی از منکر. «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ» ، «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنّاهُمْ أَقامُوا الصَّلاةَ» ۱۱ امر و نهی شما،زمانی در جامعه موثّر است که اوّل به وظایف فردی خود عمل کنید. «أَقامُوا الصَّلاةَ ... أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ» ۱۲ اقامه ی نماز،به قدرت و امکانات نیاز دارد. «إِنْ مَكَّنّاهُمْ ... أَقامُوا الصَّلاةَ» ۱۳ زکات،همتای ناگسستنی نماز است. «أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ» (در ۲۸ آیه ی قرآن،زکات در کنار نماز آمده است).

۱۴ با انجام همه ی وظایف،باز هم به حسن عاقبت خود و نتیجه ی نهایی کارتان مطمئن نشوید و بر خداوند امید و توکل داشته باشید. «وَ لِلّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ» ۱۵ امکانات،بیش از چند روزی در دست شما نیست. «وَ لِلّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ»

[سوره الحج (۲۲): آیات ۴۲ تا ۴۴]

اشاره

وَ إِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عادٌ وَ ثَمُودُ (۴۲) وَ قَوْمُ إِبْراهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ (۴۳) وَ أَصْحابُ مَدْيَنَ وَ كُذِّبَ مُوسى فَأَمْلَيْتُ لِلْكافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كانَ نَكِيرِ (۴۴)

و(ای پیامبر!)اگر تو را تکذیب می کنند(نگران مباش،زیرا)قوم نوح و عاد و ثمود نیز که قبل از اینها بودند،انبیا را تکذیب کردند.

و قوم ابراهیم و لوط(نیز پیامبرشان را تکذیب کردند).

و مردم(منطقه ی)مَدْيَن،انبیای خود را تکذیب کردند،موسی(نیز)مورد تکذیب مردم قرار گرفت،پس به کافران مهلت دادم(و همین که در غفلت غرق شدند)آنان را(با قهر خود)گرفتم،پس چگونه خواهد بود عذابی که برای آنان مجهول و مبهم است(و نمی توانند عمق آن را بفهمند)؟

ص:۵۲

پیام ها

۱ تکذیب دشمنان،نباید مانع ادامه ی راه شود. «وَ إِنْ یُکَذِّبُوکَ» ...

۲ از دشمنی کفّار نهراسید. «إِنْ یُکَذِّبُوکَ» ...(خداوند پیامبر را دلداری می دهد) ۳ تاریخ تکرار می شود. «فَقَدْ کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ» ۴ برای عبرت و تربیت،از تاریخ استفاده کنید. «قَبْلَهُمْ» ۵ نوح و ابراهیم و لوط از طرف قوم خود تکذیب شدند.(قوم ابراهیم قوم لوط قوم نوح)ولی موسی از طرف قومش تکذیب نشد بلکه از طرف قبطیان تکذیب شد. «کُذِّبَ مُوسیٰ» و نفرمود:«قَوْمُ مُوسیٰ» ۶ سنّت خداوند بر فرستادن انبیاست.(نوح،ابراهیم،موسی،شعیب،و لوط) ۷ خداوند به تبهکاران مهلت می دهد. «فَأَمْلَیْتُ» ۸ تبهکاران،مهلت خداوند را نشانه ی محبت یا غفلت او ندانند. «ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۴۵]

اشاره

فَکَأَیِّنْ مِنْ قَرْیَهٍ أَهْلَکْنٰاهٰا وَ هِیَ ظٰالِمَهٌ فَهِیَ خٰاوِیَهٌ عَلیٰ عُرُوشِهٰا وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَهٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ (۴۵)

پس چه بسیار از(شهرها و)آبادی هایی که ستمگر بودند و آنها را هلاک کردیم، پس(دیوارهای)آن بر سقف هایش فرو ریخت،(نخست سقف ها ویران شد،و بعد دیوارها و پایه ها بر روی سقف ها سقوط کرد).و چه بسیار چاه(پر آب)،متروکه و چه بسا قصرهای بلند(و محکمی که بی ساکن یا مخروبه شد).

نکته ها:

کلمه «خٰاوِیَهٌ» از«خواء»به معنای فرو ریختن و سقوط کردن است و کلمه «مَشِیدٍ» هم به معنای کاخ بلند است و هم کاخ گچ کاری شده.

پیام ها

۱ قهر خدا بر ستمگران حادثه نیست،یک جریان است. «فَکَأَیِّنْ»

ص:۵۳

۲ از تاریخ درس بگیرید. «فَکَأَیِّنْ مِنْ قَرْیَهٍ» ...

۳ نتیجه ی ظلم،نابودی است. «أَهْلَکْنٰاهٰا وَ هِیَ ظٰالِمَهٌ» ۴ در برابر قهر خدا،نه سقفی می ماند و نه ستونی. «خٰاوِیَهٌ عَلیٰ عُرُوشِهٰا»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۴۶]

اشاره

أَ فَلَمْ یَسِیرُوا فِی اَلْأَرْضِ فَتَکُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ یَعْقِلُونَ بِهٰا أَوْ آذٰانٌ یَسْمَعُونَ بِهٰا فَإِنَّهٰا لاٰ تَعْمَی اَلْأَبْصٰارُ وَ لٰکِنْ تَعْمَی اَلْقُلُوبُ اَلَّتِی فِی اَلصُّدُورِ (۴۶)

آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل هایی داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند،یا گوش هایی که با آن حقیقت را بشنوند؟ البتّه چشم های آنان کور نیست،لکن دل هایی که در سینه دارند نابینا است.

پیام ها

۱ سفرهای علمی و تجربی،کاری ارزشمند و راهی مطلوب برای گسترش شناخت است. «أَ فَلَمْ یَسِیرُوا» ۲ زمین و زمان،کلاس درس است و کسانی که عبرت نمی گیرند سزاوار توبیخ هستند. «أَ فَلَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ» ۳ گروهی از مردم،نه از پیامبران بیرونی پند می گیرند و نه از عقل که پیامبر درونی است. «یَعْقِلُونَ بِهٰا» ۴ عقل،گوش و چشم از ابزار شناخت است. «یَعْقِلُونَ ... آذٰانٌ ... اَلْأَبْصٰارُ» ۵ بدتر از نابینایی چشم،نابینایی دل است که با پند گرفتن بینا نمی شود.

«تَعْمَی الْقُلُوبُ»

آری،اصرار در لجاجت و دشمنی با حقّ،انسان را مسخ می کند و او را به جایی می رساند که نه با عقل حقیقت را درک می کند و نه با چشم و گوش.

ص:۵۴

[سوره الحج (۲۲): آیه ۴۷]

اشاره

وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذٰابِ وَ لَنْ يُخْلِفَ اَللّٰهُ وَعْدَهُ وَ إِنَّ يَوْماً عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمّٰا تَعُدُّونَ (۴۷)

و کفّار،تعجیل عـذاب الهی را از تو می خواهنـد،در حالی که خداونـد هرگز از وعـده ی خود تخلف نمی کند و یک روز نزد پروردگارت به منزله ی هزار سال(از سال هایی)است که شما می شمرید.

نکته ها:

در برابر هشدار انبیا،کفّار بارها از آنان می پرسیدند:آن قهر الهی که از آن سخن می گویید،چه زمانی ما را فرا خواهد گرفت؟ «وَ يَقُولُونَ مَتىٰ هٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صٰادِقِينَ» (۱)،این آیه به آنان پاسخ می دهد که عجله نکنید،وعده ی الهی حتمی است.

پیام ها

۱ مهلت دادن خـدا را نشانه ی غفلت او و رها شدن خود ندانیم. «يَسْتَعْجِلُونَكَ» ۲ درخواست هـای بیجا و جوسازی ها و سؤال های بی ربط،ما را تحت تأثیر قرار ندهد. «يَسْتَعْجِلُونَكَ» ۳ زمان در نزد ما با نزد خداوند متفاوت است. «وَ إِنَّ يَوْماً عِنْدَ رَبِّكَ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۴۸]

اشاره

وَ كَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهٰا وَ هِيَ ظٰالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهٰا وَ إِلَيَّ اَلْمَصِيرُ (۴۸)

و چه بسـیار از(شهرها و)آبادی هایی که به(اهل)آن مهلت دادم در حالی که ستمگر بودند(امّا از این مهلت،برای توبه و اصلاح خویش استفاده نکردند و بر کفر خود اصرار ورزیدند).سپس آن(ها)را با قهر خود گرفتم و بازگشت(همه)به سوی من است.

۱- ۱) .این آیه شش مرتبه در قرآن تکرار شده است.

پیام ها

۱ یکی از سنّت های الهی،مهلت دادن به ستمگران است پس عجله ما بیهوده است. «وَ کَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ» ۲ ظلم انسان،سبب قهر الهی است. «وَ هِيَ ظالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُها»

[سوره الحج (۲۲): آیات ۴۹ تا ۵۱]

اشاره

قُلْ يا أَيُّهَا النّاسُ إِنَّما أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۴۹) فَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ (۵۰) وَ الَّذِينَ سَعَوْا فِي آياتِنا مُعاجِزِينَ أُولئِكَ أَصْحابُ الْجَحِيمِ (۵۱)

بگو:ای مردم! همانا من برای شما هشدار دهنده ای روشنگرم.

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ

پس کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند،برایشان آمرزش و رزق نیکو خواهد بود.

و کسانی که در(انکار و رد)آیات ما تلاش کردند و چنین پنداشتند که می توانند ما را عاجز کنند(و بر ما پیروز شوند)آنان اهل دوزخند.

پیام ها

۱ پیامبران،از پیش خود سخن نمی گفتند. «قُلْ» ۲ هشدار انبیا به نفع مردم است. «لَكُمْ» ۳ پیامبر،بر مردم تحکّم و سیطره و حقّ اجبار ندارد. «إِنَّما أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ» ۴ نیاز مردم به انذار،بیش از تبشیر است. «أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ» ۵ پیامبر،با مردم به روشنی سخن می گوید. «مُبِينٌ» ۶ ایمان از عمل صالح جدا نیست،(هر دو با هم شرط بهره گیری از پاداش های الهی است). «آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ» ...

۷ پاداش معنوی،بر پاداش مادّی مقدّم است. «مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ»

۸ رزقی ارزش دارد که با کرامت و تکریم باشد. «رِزْقٌ کَرِیمٌ» ۹ هیچ کس نمی تواند مانع تحقّق اهداف الهی شود،گرچه کافران تلاش می کنند.

«سَعَوْا»

۱۰ کفّار،نه حرف تازه دارند و نه منطق،تنها کارشان،تلاش برای خنثی کردن راه حق است. «مُعٰاجِزِینَ» ۱۱ دوزخ،برای گروهی از مردم دائمی است. «أَصْحٰابُ الْجَحِیمِ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۵۲]

اشاره

وَ مٰا أَرْسَلْنٰا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رَسُولٍ وَ لاٰ نَبِیٍّ إِلاّٰ إِذٰا تَمَنّٰی أَلْقَی اَلشَّیْطٰانُ فِی أُمْنِیَّتِهِ فَیَنْسَخُ اَللّٰهُ مٰا یُلْقِی اَلشَّیْطٰانُ ثُمَّ یُحْکِمُ اَللّٰهُ آیٰاتِهِ وَ اَللّٰهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ (۵۲)

و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم،مگر این که هر گاه آرزو می کرد (و برای پیشبرد اهداف الهی خود طرحی می ریخت)شیطان در(طرح و)آرزوی او (مسائلی را)القا می کرد،لکن خداوند هر چه را که شیطان القا می کرد از بین می برد،سپس آیات خود را استحکام می بخشید و خداوند آگاه و حکیم است.

نکته ها:

مردم در برابر وسوسه های شیطان چند دسته اند:

۱ افرادی وسوسه ی شیطان در روحشان کارساز است. «یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النّٰاسِ» (۱)۲ بعضی ها شیطان با آنان تماس می گیرد،ولی فوراً متوجّه می شوند و او را طرد می کنند.

«مَسَّهُمْ طٰائِفٌ مِنَ الشَّیْطٰانِ تَذَکَّرُوا» (۲)۳ گروهی،شیطان همیشه با آنهاست. «فَهُوَ لَهُ قَرِینٌ» (۳)پیامبران الهی جزء هیچ یک از این سه دسته نیستند،آنان معصومند و شیطان نه قرین آنهاست،نه در روحشان وسوسه می کند و نه با آنان تماس می گیرد،شیطان در طرح و

۱- ۱) .ناس،۵.

۲- ۲) .اعراف،۲۰۱.

۳- ۳) .زخرف،۳۶.

برنامه و آرزوی آنان القائاتی دارد و ناگفته پیداست که حساب طرح پیامبران و برنامه ها و اهدافشان،از حساب شخصی آنان جداست.

پیام ها

۱ پیامبر اسلام(صلوات اللّه علیه)آخرین پیامبر است. «قَبْلِکَ» (در تمام قرآن درباره ی پیامبر اسلام،کلمه ی بعدک وجود ندارد).

۲ تضاد میان حقّ و باطل،یک جریان دائمی است. «مِنْ رَسُولٍ وَ لاٰ نَبِیٍّ إِلاّٰ إِذٰا تَمَنّٰی أَلْقَی الشَّیْطٰانُ» ...

۳ همه ی پیامبران در یک سطح نیستند. «رَسُولٍ نَبِیٍّ» (رسول مسئول تبلیغ گسترده است،ولی نبیّ در آن حدّ نیست).

۴ انبیا برای اهداف خود طرح و برنامه دارند. «تَمَنّٰی» ۵ شیطان در انبیا اثری ندارد ولی در اهداف آنان وسوسه می کند. «أُمْنِیَّتِهِ» ۶ وسوسه های شیطان،بهترین برنامه ها را نیز تهدید می کند. «أُمْنِیَّتِهِ» ۷ در تضادّ میان حقّ و باطل،خداوند باطل را محو و حقّ را تثبیت می کند.

«فَیَنْسَخُ اللّٰهُ

... ثُمَّ یُحْکِمُ» ۸ در پیروزی حقّ بر باطل عجله نکنید.(«ثُمَّ» رمز دراز مدّت است) ۹ حقّ،بدون حمایت خداوند پایدار نیست. «یُحْکِمُ اللّٰهُ آیٰاتِهِ» ۱۰ تضاد حقّ و باطل و پیروزی حقّ بر باطل،نقشه ی حکیمانه و عالمانه ی الهی است. «یُحْکِمُ اللّٰهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۵۳]

اشاره

لِیَجْعَلَ مٰا یُلْقِی اَلشَّیْطٰانُ فِتْنَةً لِلَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ اَلْقٰاسِیَةِ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ اَلظّٰالِمِینَ لَفِی شِقٰاقٍ بَعِیدٍ (۵۳)

تا(خداوند)القائات شیطان را برای آنان که در دل هایشان بیماری است و (نیز)برای سنگدلان،وسیله ی آزمایش قرار دهد و قطعاً ستمگران در دشمنی طولانی و عمیقی هستند.

پیام ها

۱ القائات شیطان،وسیله ی آزمایش افراد سنگدل و بیمار دل است. «فِتْنَةً» (بیماری روحی و سنگدلی زمینه ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه ها و شیطان است).

۲ با این که سنگدلی،نوعی بیماری روحی است،ولی جداگانه مطرح شده تا اهمیّت آن مشخص شود. «وَ الْقاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ» ۳ سنگدلانی که تحت تأثیر القائات شیطان قرار گیرند ستمگرند. «وَ إِنَّ الظّالِمِينَ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۵۴]

اشاره

وَ لِيَعْلَمَ اَلَّذِينَ أُوتُوا اَلْعِلْمَ أَنَّهُ اَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ اَللّهَ لَهادِ اَلَّذِينَ آمَنُوا إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ (۵۴)

و نیز آگاهان بدانند(وحی کدام است و القائات شیطان کدام،و بدانند)که طرح و آرزوی انبیا حقّی است از طرف پروردگار تو،پس به آن ایمان آورند و دل هایشان در برابر آن خاضع گردد و قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده اند به راه مستقیم هدایت می کند.

نکته ها:

القائات شیطان،در برنامه های انبیا و نسخ آنها از طرف خداوند،دو اثر دارد:

۱ وسیله ی آزمایش برای بیمار دلان و سنگدلان است.

۲ خنثی شدن القائات شیطان،سبب نورانیّت دل و ایمانِ اهل علم و آگاهی است.

پیام ها

۱ علم آن است که به انسان قدرت تشخیص حقّ از باطل را بدهد.(و تنها محفوظات تقلیدی و سطحی نباشد). «وَ لِيَعْلَمَ أَنَّهُ الْحَقُّ» ...

۲ گاهی بهره برداری ها و برداشت های مادی یا معنوی،مربوط به خلق و خوی شخصی افراد است.یک القای شیطانی برای افراد سنگدل فتنه است ولی

برای اهل علم،کلید شناخت می شود. «لِيَعْلَمَ» ۳ علم،یک موهبت الهی است که به افراد داده می شود. «أَوتُوا» ۴ اهل علم نباید سنگدل و بیمار دل باشند.زیرا در این آیه، «أُوتُوا الْعِلْمَ» در برابر «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْقاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ» که در آیه ی قبل آمده قرار گرفته است.

۵ علم از اوست «أُوتُوا الْعِلْمَ» ،حقّ از اوست «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ» ،هدایت هم از اوست. «إِنَّ اللَّهَ لَهادِ الَّذِينَ» ۶ علم،ایمان و خضوع از مراحل تکامل انسان است. «أُوتُوا الْعِلْمَ، فَيُؤْمِنُوا، فَتُخْبِتَ» ۷ هر کس گام اوّل ایمان را برداشت،خداوند او را به گام های بعد هدایت می کند. «فَيُؤْمِنُوا ... إِنَّ اللَّهَ لَهادِ الَّذِينَ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۵۵]

اشاره

وَ لا يَزالُ اَلَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتّى تَأْتِيَهُمُ اَلسّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ (۵۵)

و کسانی که کفر ورزیدند همواره از قرآن و نبوّت در شک هستند،تا زمانی که قیامت به طور ناگهانی برای آنان فرا رسد،یا عذاب روز عقیم (روزی که بر جبران گذشته قادر نیستند)به سراغشان آید.

پیام ها

۱ اگر شک و تردید، مقدّمه ی تحقیق و ایمان شود ارزشمند است.شک و تردید دائمی است که پایانش انحراف و عذاب است. «لا يَزالُ» ۲ از همه ی مردم انتظار ایمان نداشته باشید،زیرا برای گروهی از آنان هیچ دلیل و برهانی مؤثّر نیست. «لا يَزالُ ... فِي مِرْيَةٍ» ۳ کسی که خط کفر و مبارزه با حقّ را پذیرفت،در برابر هر حقیقتی با سوء ظن و تردید برخورد می کند. «الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ» ۴ چون مرگ و قیامت ناگهانی است،هرگز غافل نباشیم. «بَغْتَةً» ۵ بعد از برپایی قیامت،فرصتی نیست که گذشته ی خود را جبران کنیم. «عَقِيمٍ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۵۶]

اشاره

اَلْمُلْکُ یَوْمَئِذٍ لِلّهِ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ فَالَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا اَلصّالِحاتِ فِی جَنّاتِ اَلنَّعِیمِ (۵۶)

در روز قیامت حکومت برای خداست،او در میان مردم حکم و داوری می کند،پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند در باغ های پر نعمت(بهشت)خواهند بود.

پیام ها

۱ روز قیامت،هیچ کس هیچ قدرتی ندارد،جز با اراده ی او. «اَلْمُلْکُ یَوْمَئِذٍ لِلّهِ» ۲ داوری خداوند بر اساس عملکرد ماست. «یَحْکُمُ ... فَالَّذِینَ آمَنُوا ... جَنّاتِ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۵۷]

اشاره

وَ اَلَّذِینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا فَأُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مُهِینٌ (۵۷)

و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند،پس برای آنان عذاب خوار کننده ای است.

پیام ها

۱ مبنای داوری خداوند در قیامت،کفر و ایمان مردم است. «یَحْکُمُ ... فَالَّذِینَ آمَنُوا ... وَ الَّذِینَ کَفَرُوا» ۲ کیفر کسی که متکبرانه حقّ را نپذیرد،عذاب خوارکننده است. «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا ... لَهُمْ عَذابٌ مُهِینٌ»

[سوره الحج (۲۲): آیات ۵۸ تا ۵۹]

اشاره

وَ اَلَّذِینَ هاجَرُوا فِی سَبِیلِ اَللّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ ماتُوا لَیَرْزُقَنَّهُمُ اَللّهُ رِزْقاً حَسَناً وَ إِنَّ اَللّهَ لَهُوَ خَیْرُ اَلرّازِقِینَ (۵۸) لَیُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلاً یَرْضَوْنَهُ وَ إِنَّ اَللّهَ لَعَلِیمٌ حَلِیمٌ (۵۹)

و کسانی که در راه خدا هجرت کنند،سپس کشته شوند یا بمیرند قطعاً خداوند رزق نیکویی به آنان خواهد داد،و همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است.

بی تردید خداوند آنان را در محلی وارد می کند که مورد رضایتشان باشد، همانا خداوند دانا و بردبار است.

پیام ها

۱ هجرت هدفدار یک ارزش است. «وَ الَّذِینَ هاجَرُوا» ۲ مرگ افراد مهاجر همسنگ شهادت است. «قُتِلُوا أَوْ ماتُوا» (مرگ یا شهادت مهم نیست،مهم در راه خدا بودن است) ۳ در راه خدا ناکامی نیست،اگر بندگان شایسته ی خداوند از لذّت های دنیا محروم شوند به نعمت های بزرگ آخرت می رسند. «لَیَرْزُقَنَّهُمُ» ۴ تحقق وعده های الهی قطعی است. «لَیَرْزُقَنَّهُمُ» (حرف لام و حرف نون) ۵ رزق دنیا گاهی نیکوست و گاهی تلخ،ولی بهشتیان تنها از رزق نیکو برخوردارند. «رِزْقاً حَسَناً» ۶ رازق واقعی خداست و دیگران واسطه ی رزق هستند. «خَیْرُ الرّازِقِینَ» ۷ مسکن و جایگاه دل پذیر از برجسته ترین نمونه های رزق نیکو است. «رِزْقاً حَسَناً ... مُدْخَلاً یَرْضَوْنَهُ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۶۰]

اشاره

ذلِکَ وَ مَنْ عاقَبَ بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِیَ عَلَیْهِ لَیَنْصُرَنَّهُ اَللّهُ إِنَّ اَللّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۶۰)

(آری،)مطلب چنین است،و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند،ولی باز هم به او ظلم شود،قطعاً خداوند او را یاری خواهد کرد،البتّه خداوند بخشایشگر و آمرزنده است.

نکته ها:

در تفسیر نمونه می خوانیم:مشرکین در ماه محرم گفتند:چون مسلمانان جنگ در این ماه

ص: ۶۲

را حرام می دانند،ما به آنان هجوم ببریم زیرا آنان از خود دفاعی نمی کنند.لکن این آیه می فرماید:دفاع از خود واجب است،در هر ماهی که باشد.

پیام ها

۱ دفاع،حقّ طبیعی هر انسانی است. «وَ مَنْ عٰاقَبَ بِمِثْلِ مٰا عُوقِبَ بِهِ» ۲ عدالت،در همه جا یک ارزش است. «بِمِثْلِ مٰا عُوقِبَ» ۳ یاور مظلومان خداست. «لَيَنْصُرَنَّهُ اللّٰهُ» ۴ یاری مظلوم،همیشه با نابودی ظالم همراه نیست.خداوند مظلوم را یاری می کند،ولی ممکن است ظالم نیز به دلیلی مورد عفو الهی قرار گیرد. «لَيَنْصُرَنَّهُ اللّٰهُ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۶۱]

اشاره

ذٰلِكَ بِأَنَّ اَللّٰهَ يُولِجُ اَللَّيْلَ فِي اَلنَّهٰارِ وَ يُولِجُ اَلنَّهٰارَ فِي اَللَّيْلِ وَ أَنَّ اَللّٰهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۶۱)

این(وعده ی نصرت الهی)به خاطر آن است که خداوند(بر هر چیزی قادر است،اوست که)شب را در روز فرو می برد و روز را در شب فرو می برد، البتّه خداوند شنوا و بیناست.

نکته ها:

در آیه ی قبل خداوند فرمود: «لَيَنْصُرَنَّهُ» ،ما مظلوم را یاری می کنیم.در این آیه و آیه ی بعد به دلایل و زمینه های نصرت،اشاره کرده و آن عبارت است از:

۱ قدرت خداوند «يُولِجُ اللَّيْلَ» ۲ علم او «سَمِيعٌ بَصِيرٌ» ۳ حقّ بودن او «ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ» ۴ بزرگی و عظمت او «الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ».

پیام ها

۱ مشت،نمونه ی خروار است.قدرت و علم خدا در تغییر شبانه روز،نشانه ی قدرت او بر نصرت بندگان است. «يُولِجُ اللَّيْلَ»

۲ تغییرات شب و روز تصادفی نیست و تدبیر امور جهان،مدبری حکیم و دانا دارد. «یُولِجُ» ...

[سوره الحج (۲۲): آیه ۶۲]

اشاره

ذٰلِکَ بِأَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْحَقُّ وَ أَنَّ مٰا یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ اَلْبٰاطِلُ وَ أَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْعَلِیُّ اَلْکَبِیرُ (۶۲)

این(یاری مظلوم از سوی خداوند)به خاطر آن است که خداوند حقّ است و هر چه را غیر از او بخوانند،آن باطل است؛البتّه خداوند،بلند مرتبه و بزرگ است.

پیام ها

۱ جا به جایی شب و روز نشانه ای گویا از تدبیر و ربوبیّت و یکتایی اوست.

«ذٰلِکَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ»

۲ هر معبودی جز او موهوم است. «بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ ... مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبٰاطِلُ» ۳ خدای متعال معیار حقّ است،نه چیز دیگر. «ذٰلِکَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۶۳]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اَللّٰهَ أَنْزَلَ مِنَ اَلسَّمٰاءِ مٰاءً فَتُصْبِحُ اَلْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اَللّٰهَ لَطِیفٌ خَبِیرٌ (۶۳)

آیا ندیدی که خداوند از آسمان،آبی فرو فرستاد،آن گاه زمین سرسبز گشت؟ همانا خداوند دارای لطف و آگاهی است.

پیام ها

۱ مطالعه در هستی،زمینه ی ایمان به خداست. «أَ لَمْ تَرَ» ۲ خداوند در جهان هستی،بر اساس عوامل طبیعی کار می کند. «أَنْزَلَ مِنَ السَّمٰاءِ مٰاءً فَتُصْبِحُ» ۳ آثار و برکات طبیعت از اوست.(اگر باران،زمین و طبیعت مرده را سبز و خرم می کند،این هم لطف الهی است). «فَتُصْبِحُ إِنَّ اللّٰهَ لَطِیفٌ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۶۴]

اشاره

لَهُ مٰا فِی اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ مٰا فِی اَلْأَرْضِ وَ إِنَّ اَللّٰهَ لَهُوَ اَلْغَنِیُّ اَلْحَمِیدُ (۶۴)

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است مخصوص اوست،و در حقیقت، این خداوند است که بی نیاز و ستوده است.

نکته ها:

وجود انسان،سراسر فقر و به هوا،غذا،مسکن،لباس و چیزهای دیگر محتاج است و اگر چند روزی در شاخه ای از امور خود را بی نیاز بپندارد،دست به طغیان می زند و عوارض و خطراتی به دنبال دارد،مانند:بی تفاوتی،غفلت،استثمار،ولی خداوند «الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ» ، بی نیاز مطلق و شایسته ی هر گونه ستایش است.

پیام ها

۱ هستی محتاج و نیازمند است و او تنها بی نیاز. «إِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِیُّ» ...

[سوره الحج (۲۲): آیه ۶۵]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اَللّٰهَ سَخَّرَ لَکُمْ مٰا فِی اَلْأَرْضِ وَ اَلْفُلْکَ تَجْرِی فِی اَلْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ یُمْسِکُ اَلسَّمٰاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی اَلْأَرْضِ إِلاّٰ بِإِذْنِهِ إِنَّ اَللّٰهَ بِالنّٰاسِ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ (۶۵)

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است و نیز کشتی هایی که به امر او در دریا می روند برای شما رام کرده است و آسمان را نگاه داشته تا جز به فرمان او به زمین نیفتد؟ همانا خداوند نسبت به مردم رأفت و رحمت دارد.

نکته ها:

مراد از تسخیر موجودات آن است که همه در مسیر کام گیری و منافع بشر قرار داده شده،مثلا خورشید مسخر ماست یعنی از او بهره مند می شویم.

نام بردن از کشتی در کنار نعمت های زمینی به خاطر نقش مهم آن است،همین امروز نیز اگر یک روز کشتی ها متوقّف شوند،چرخ اقتصاد دنیا فلج می شود.

پیام ها

۱ مطالعه ی آفرینش،هم ایمان آفرین است و هم عشق آفرین. «أَ لَمْ تَرَ» ۲ تسخیر جهان هستی،به اراده ی خداست. «أَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَکُمْ» ۳ انسان می تواند بر زمین و پدیده های آن غالب شود و حقّ مشروع اوست.

«سَخَّرَ لَکُمْ»

(انسان شریف ترین پدیده های زمین است).

۴ سیر طبیعت،در مسیر اراده ی خداوند است. «تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ» ۵ آسمان و اجرام آن ساقط شدنی است و خداوند آنها را نگاه داشته است.

«یُمْسِکُ»

۶ برپایی نظام آفرینش و مصونیّت آن از فروپاشی به حفظ دائمی خداوند نیازمند است. «یُمْسِکُ» ۷ قوانین طبیعی،مانع اراده ی الهی نیست. «إِلاّٰ بِإِذْنِهِ» ۸ دلیل الطاف الهی،رأفت و لطف اوست. «إِنَّ اللّٰهَ بِالنّٰاسِ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ» رام بودن طبیعت برای انسان،حرکت کشتی در دریا و امنیّت زمین از برخورد کرات آسمانی به آن جلوه های رأفت و رحمت گسترده الهی است. «سَخَّرَ لَکُمْ ... تَجْرِی فِی الْبَحْرِ ... یُمْسِکُ السَّمٰاءَ ... لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ» ۹ همه ی مردم مورد لطف خداوند هستند. «بِالنّٰاسِ لَرَؤُفٌ» ...

[سوره الحج (۲۲): آیه ۶۶]

اشاره

وَ هُوَ اَلَّذِی أَحْیٰاکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یُحْیِیکُمْ إِنَّ اَلْإِنْسٰانَ لَکَفُورٌ (۶۶)

و او کسی است که شما را زنده کرد،سپس می میراند،بار دیگر زنده می کند؛البتّه انسان بسیار ناسپاس است.

پیام ها

۱ با اینکه مرگ و حیات و گذشته و حال و آینده انسان بدست خداوند است، ولی باز انسان سرکشی و ناسپاسی می کند. «أَحْیٰاکُمْ ... إِنَّ الْإِنْسٰانَ لَکَفُورٌ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۶۷]

اشاره

لِکُلِّ أُمَّهٍ جَعَلْنا مَنْسَکاً هُمْ ناسِکُوهُ فَلا یُنازِعُنَّکَ فِی الْأَمْرِ وَ ادْعُ إِلیٰ رَبِّکَ إِنَّکَ لَعَلیٰ هُدیً مُسْتَقِیمٍ (۶۷)

برای هر امّتی(شریعت و)آیینی قرار داده ایم که عمل کننده به آن باشند، پس نباید در(باره ی)این امر با تو نزاع کنند(که چگونه آیین تازه ای آورده ای؛مردم را)به راه پروردگارت دعوت کن،همانا تو بر هدایت مستقیم قرار داری.

نکته ها:

چون انسان ها،نیازهای موسمی و اجتماعی و غیر ثابتی دارند،باید علاوه بر دستورات کلّی و ثابت،در شرایط مختلف دستورات جدیدی صادر شود،همان گونه که پزشک نسخه های خود را در شرایط گوناگون بیمار تغییر می دهد و در زمان ما مسائل جدید را فقها در چارچوب قوانین کلّی و ثابت برای مسلمین تعیین می نمایند.

بعضی«منسک»را مصدر به معنای«نسک»و قربانی کردن گرفته اند که معنای آیه این می شود:ما برای هر امّتی نوعی قربانی قرار دادیم که آنان انجام دهنده آن بودند،بنا بر این مشرکان نباید به برنامه قربانی تو بهانه ای بگیرند.

پیام ها

۱ خداوند،هیچ امّتی را بدون مکتب نمی گذارد. «لِکُلِّ أُمَّهٍ» ۲ دین باید از طرف خدا باشد. «جَعَلْنا» ۳ مردم باید در راه الهی گام بردارند. «هُمْ ناسِکُوهُ» ۴ وظیفه ی مبلغ،هدایت امّت و استقامت در این راه است. «وَ ادْعُ إِلیٰ رَبِّکَ» ۵ راه درست،راه انبیاست. «إِنَّکَ لَعَلیٰ هُدیً» ۶ در برابر جدال و ستیز و تضعیف مخالفان،تقویت رهبران حقّ لازم است.

«فَلا یُنازِعُنَّکَ فِی الْأَمْرِ

... إِنَّکَ لَعَلیٰ هُدیً مُسْتَقِیمٍ» ۷ کسی که مسئول ارشاد دیگران است باید تسلّط بر راه حقّ و مستقیم داشته

باشد. «لَعَلی هُدیً مُسْتَقِیمٍ» ، «إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» (۱)(کلمه «عَلی » رمز تسلّط است)

[سوره الحج (۲۲): آیات ۶۸ تا ۶۹]

اشاره

وَ إِنْ جادَلُوکَ فَقُلِ اَللّهُ أَعْلَمُ بِما تَعْمَلُونَ (۶۸) اَللّهُ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ یَوْمَ اَلْقِیامَهِ فِیما کُنْتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ (۶۹)

و اگر(کفّار)با توبه جدال برخاستند،پس به آنان بگو:خداوند به آنچه شما عمل می کنید آگاه تر است.

خداوند در در روز قیامت،میان شما در مورد آنچه اختلاف می کردید داوری خواهد کرد.

پیام ها

۱ خداوند پیامبرش را دلداری و آموزش می دهد. «وَ إِنْ جادَلُوکَ فَقُلِ» ۲ انبیا با آن همه معجزه و منطق،باز گرفتار افراد لجوج بودند. «وَ إِنْ جادَلُوکَ» ۳ یاد خدا و واگذاری امور به او،بهترین وسیله ی آرامش است. «وَ إِنْ جادَلُوکَ فَقُلِ اللّهُ أَعْلَمُ» ...

۴ با افراد لجوج و اهل جدل درگیر نشوید. «وَ إِنْ جادَلُوکَ فَقُلِ اللّهُ أَعْلَمُ» ۵ در قیامت،داور و حاکم همان خدای متعال است که شاهد و آگاه است. «اللّهُ أَعْلَمُ اَللّهُ یَحْکُمُ» (قضاوت کامل در سایه علم کامل است) ۶ ایمان به علم و داوری خداوند،آرامبخش مؤمنان و تهدید کننده ی کافران است. «اللّهُ أَعْلَمُ اَللّهُ یَحْکُمُ» ۷ ایمان به قیامت بهترین اهرم برای مهار کردن اختلاف ها و مجادله هاست. «اللّهُ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ»

۱- ۱) .یس،۳ تا ۴.

۸ درگیری جبهه حقّ با باطل سابقه ای بس طولانی دارد. «کُنْتُمْ فِیهِ تَخْتَلِفُونَ» (کلمه ی «کُنْتُمْ » همراه با فعل مضارع،نشانه ی سابقه طولانی است)

[سوره الحج (۲۲): آیه ۷۰]

اشاره

أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اَللّٰهَ یَعْلَمُ مٰا فِی اَلسَّمٰاءِ وَ اَلْأَرْضِ إِنَّ ذٰلِکَ فِی کِتٰابٍ إِنَّ ذٰلِکَ عَلَی اَللّٰهِ یَسِیرٌ (۷۰)

آیا نمی دانی که خداوند آنچه را در زمین و آسمان است می داند؟ همه ی اینها در کتاب(ثبت)است و این بر خداوند آسان است.

پیام ها

۱ علم خداوند نسبت به تمام هستی یکسان است. «یَعْلَمُ مٰا فِی السَّمٰاءِ وَ الْأَرْضِ» ۲ علم خداوند در کتابی ثبت است. «فِی کِتٰابٍ» (یا اعمالی که شما انجام می دهید که در دو آیه قبل به آن اشاره شد،در کتاب ثبت است) ۳ احاطه ی علمی خداوند بر همه ی امور و ثبت آن در کتابی مخصوص،برای او آسان است. «عَلَی اللّٰهِ یَسِیرٌ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۷۱]

اشاره

وَ یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اَللّٰهِ مٰا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطٰاناً وَ مٰا لَیْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ مٰا لِلظّٰالِمِینَ مِنْ نَصِیرٍ (۷۱)

و کافران،غیر از خداوند چیزی را می پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است،و آنها نسبت به آن هیچ گونه اطلاعی ندارند و برای ستمگران هیچ یاوری نیست.

نکته ها:

دیدگاه مشرکان این بود که خداوند به بعضی اشیا و بت ها قدرت تدبیر و تصمیم عطا کرده ولی خودش فوق همه آنهاست،آنان خیال می کردند که جهان تحت تدبیر خدایان(ارباب)است و خدا را«رب الارباب»و خدای خدایان می پنداشتند.این آیه می فرماید:خداوند هیچ

گونه اقتداری به هیچ یک از معبودهای خیالی شما نداده و هستی تحت تدبیر خدای یکتاست. «یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً» شاید مراد از نزول سلطان در آیه،سلطه ی علمی است.یعنی مشرکان به سراغ معبودها و بت هایی می روند که هرگز خداوند دلیل و برهانی از علم و منطق یا وحی به حمایت آنان نفرستاده است.

پیام ها

۱ انگیزه ی پرستش،یا فرمان الهی است: «یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً» ،یا رهنمود عقل و علم است: «لَیْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ» و یا به امید یاری و استمداد اوست. «ما لِلظّالِمِینَ مِنْ نَصِیرٍ» و مشرکین هیچ کدام را ندارند.

۲ هر پرستشی که بدون دلیلی از وحی و علم باشد،ظلم است. «وَ ما لِلظّالِمِینَ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۷۲]

اشاره

وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ تَعْرِفُ فِی وُجُوهِ اَلَّذِینَ کَفَرُوا اَلْمُنْکَرَ یَکادُونَ یَسْطُونَ بِالَّذِینَ یَتْلُونَ عَلَیْهِمْ آیاتِنا قُلْ أَ فَأُنَبِّئُکُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذٰلِکُمُ اَلنّارُ وَعَدَهَا اَللّهُ اَلَّذِینَ کَفَرُوا وَ بِئْسَ اَلْمَصِیرُ (۷۲)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود،در چهره ی کسانی که کفر ورزیدند ترش رویی و خشم را می شناسی(به گونه ای که)نزدیک است به کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند حمله کنند،(به آنان)بگو:

آیا شما را به چیزی بدتر از این خبر دهم؟ آتشی که خداوند به کافران وعده داده است،و چه بد سرانجامی است.

نکته ها:

کلمه ی «یَسْطُونَ » از«سطو»به معنای حمله و تهاجم است.

در مبارزه میان کفر و ایمان،لبه تیز حمله های کافران،روی مراکز و شخصیت های معنوی و

فرهنگی متمرکز است،آنان گاهی مراکز عبادت را هدف قرار می دهند که در آیه ی ۴۰ همین سوره خواندیم: «لَهُدِّمَتْ صَوٰامِعُ وَ بِيَعٌ» و گاهی بدنبال حمله به مبلّغان و مروّجان دین یا مستمعین آنان هستند. «يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ»

پیام ها

۱ کافران همیشه حالت انکار دارند. «إِذٰا تُتْلىٰ ... تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ» ۲ خداوند با کافران اتمام حجّت می کند. «تُتْلىٰ عَلَيْهِمْ» ۳ حجّت و استدلال باید روشن باشد. «بَيِّنٰاتٍ» ۴ بغض و کینه ی کافران پوشیده نمی ماند. «تَعْرِفُ يَسْطُونَ» ۵ انکار قلبی و روحی در جسم اثر می گذارد. «فِي وُجُوهِ» ۶ کسی که برهان ندارد،به حمله و یورش تمسّک می جوید. «يَسْطُونَ» (توسّل به زور نشانه ی عجز در منطق است) ۷ مبلّغان یا گروندگان به دین،خود را برای حمله ی مخالفان آماده کنند. «يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ» ۸ تبلیغات روشنگر دینی،آتش سردی است به جان کافران. «بِشَرٍّ مِنْ ذٰلِكُمُ النّٰارُ» ۹ در انذار و تهدید افراد لجوج،از دوزخ یاد کنید. «النّٰارُ»

[سوره الحج (۲۲): آیات ۷۳ تا ۷۴]

اشاره

يٰا أَيُّهَا اَلنّٰاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ اَلَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اَللّٰهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبٰاباً وَ لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ يَسْلُبْهُمُ اَلذُّبٰابُ شَيْئاً لاٰ يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ اَلطّٰالِبُ وَ اَلْمَطْلُوبُ (۷۳) مٰا قَدَرُوا اَللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اَللّٰهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (۷۴)

ای مردم! مثلی زده شده است،پس به آن گوش فرا دهید،همانا کسانی که به جای خدای یکتا می خوانید،هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند،هر چند برای این کار اجتماع کنند،و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید،نمی توانند از او بازستانند،طالب و مطلوب هر دو ناتوانند.

(مشرکان،)خدا را آن گونه که شایسته اوست بزرگ نداشتند،قطعاً خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است.

پیام ها

۱ نحوه خطاب بایـد با مخاطبان تناسب داشـته باشـد. «یا أَیُّهَا النّاسُ تَـدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ» (مشـرکان در مرحله ای نیسـتند که به آنان بهتر از «یا أَیُّهَا النّاسُ» گفته شود) ۲ در ارشاد و تبلیغ،ابتدا مردم را برای شنیدن آماده کنیم،سپس سخن بگوییم.

«ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ»

۳ در مثـال هـای قرآنی،دقّت و تـوجّه کنیم. «فَاسْـتَمِعُوا لَهُ» ۴ اگر انسـان هـا،همه ی توان خود را هم به کـار گیرنـد،نمی توانند موجود زنـده ای خلق کننـد. «لَنْ یَخْلُقُوا ذُباباً وَ لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ» ۵ مخلوقات کوچک را کوچک نشـمریم. «إِنْ یَسْلُبْهُمُ الذُّبابُ» ۶ کسی که در برابر یک مگس عاجز است،لایق نیست پرستش شود.

«لا یَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ»

۷ مشـرکان خـدا را قبول داشـتند،ولی غیر او را نیز می پرستیدند.(قدردانی صـحیح از خداوند،یکتا پرستی است). «ما قَدَرُوا اللّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» ۸ انگیزه ی شـرک،استمداد از شریک هاست،ولی باید غیر خدا را کنار گذاشت و تنها به سراغ او رفت،که قدرت و عزّت مخصوص خداوند است. «إِنَّ اللّهَ لَقَوِیٌّ عَزِیزٌ»

[سوره الحج (۲۲): آیات ۷۵ تا ۷۶]

اشاره

اَللّهُ یَصْطَفِی مِنَ اَلْمَلائِکَهِ رُسُلاً وَ مِنَ اَلنّاسِ إِنَّ اَللّهَ سَمِیعٌ بَصِیرٌ (۷۵) یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ إِلَی اَللّهِ تُرْجَعُ اَلْأُمُورُ (۷۶)

خداوند از میان فرشتگان و مردم رسولانی برمی انگیزد،همانا خداوند شنوا و بیناست.

ص: ۷۲

آنچه را پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می داند و تمام کارها به خدا بازگردانده می شود.

نکته ها:

کلمه«اصطفی»از«صَفوَه»به معنای خالص و ناب است و برگزیدن ناب نشانه آن است که بعضی از مردم و فرشتگان لیاقت دارند و ناب و خالص هستند.

ابو ذر از پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)نقل می کند که تعداد انبیا یکصد و بیست و چهار هزار نفرند که سیصد و سیزده نفرشان رسول بودند. (۱)

فرشتگان خداوند یکسان نیستند؛هم مقام آنان تفاوت دارد و هم مسئولیّت آنان.مقام بعضی مانند جبرئیل و میکائیل و عزرائیل از سایرین برتر است.

پیام ها

۱ گزینش پیامبر،حقّ خداست،که خالق و بصیر است. «يَصْطَفِي بَصِيرٌ» (شاید کلمه سمیع و بصیر رمز آن باشد که ما هر کس را انتخاب می کنیم و مسئولیّت می دهیم،بر کارشان نظارت و حمایت داریم) ۲ هر کسی لیاقت و استعداد پیام رسانی الهی ندارد. «مِنَ الْمَلاٰئِكَةِ رُسُلاً وَ مِنَ النّاسِ» ۳ عالم،محضر خداست. «يَعْلَمُ ما بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ» ۴ اکنون که خدا می داند و همه به سوی او می رویم،گناه نکنیم. «يَعْلَمُ ... تُرْجَعُ» ۵ خداوند آفرینش را طوری آفریده که بازگشت همه ی مسائل به سوی اوست. «وَ إِلَى اللّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»

۶ حرکت هستی به سوی خدا،به خواستن یا نخواستن آنها نیازی ندارد. «تُرْجَعُ» ۷ کاروان هستی به سوی هدفی مشخص،روان است. «تُرْجَعُ الْأُمُورُ»

۱- ۱) .تفسیر برهان،ج ۳،ص ۱۰۴ و ج ۴،ص ۴۵۲.

[سوره الحج (۲۲): آیه ۷۷]

اشاره

يَا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا اِرْكَعُوا وَ اُسْجُدُوا وَ اُعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ اِفْعَلُوا اَلْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۷۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید،باشد که رستگار شوید.

نکته ها:

با اینکه رکوع و سجود از مصادیق عبادت هستند ولی در این آیه نام آن دو در کنار «وَ اعْبُدُوا» آمده که نشانه ی اهمیّت نماز و این دو رکن نماز است.

برای سعادت انسان دو برنامه مطرح شده و رستگاری او در انجام هر دو نوع عمل است:الف:

برنامه های ثابت مانند رکوع و سجود و عبادت های دیگر.ب:برنامه های متغیّر و تابع زمان و مکان که در هر زمان کار خیر مصداق خاصّی دارد. «آمَنُوا ارْكَعُوا ... وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ»

پیام ها

۱ کار خیر(و ابتکارات و اختراعات و خدمات،)زمانی مؤثّر است که در سایه ی ایمان و بندگی خدا باشد. «آمَنُوا ارْكَعُوا ... وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ» ۲ حتّی با رکوع و سجود و تعبد و کار خیر،رستگاری خود را قطعی ندانید،زیرا آفت غرور و حبط عمل در کار است. «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ۳ فلاح و رستگاری،آخرین مرحله ی تکامل است که بعد از انجام عبادات و کارهای خیر باید امید آن را داشت. «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

[سوره الحج (۲۲): آیه ۷۸]

اشاره

وَ جَاهِدُوا فِي اَللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اِجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي اَلدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ اَلْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ اَلرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى اَلنَّاسِ فَأَقِيمُوا اَلصَّلاَةَ وَ آتُوا اَلزَّكَاةَ وَ اِعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلاَكُمْ فَنِعْمَ اَلْمَوْلَى وَ نِعْمَ اَلنَّصِيرُ (۷۸)

و در راه خدا جهاد کنید چنان که شایسته جهاد(در راه)اوست،او شما را (بر همه ی امّت ها)برگزید و در دین(اسلام)هیچ گونه دشواری بر شما قرار نداد،آیین پدرتان ابراهیم(را پیروی کنید)،او که شما را از قبل مسلمان نامید و در این(کتاب نیز مطلب چنین است)تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید،پس نماز بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا تمسّک جویید،که او مولا و سرپرست شماست،پس چه خوب سرپرستی است و چه خوب یاوری.

نکته ها:

می دانیم که گواه بودن،به علم و عدالت نیاز دارد و همه ی مردم نه عادلند و نه آگاه که بتوانند بر دیگران شاهد باشند،بنا بر این،مراد از گواه بودن مسلمانان که در این آیه عنوان شده است،بعضی از آنان هستند که هم به اعمال و رفتار مردم علم دارند و هم امین و عادلند و چنین افرادی همان گونه که در روایات می خوانیم،اهل بیت پیامبر و امامان معصوم(علیهم السلام)هستند که اعمال و رفتار ما بر آنان عرضه می شود.

خداوند در آغاز این سوره،از زلزله عظیم قیامت و عذاب شدید الهی یاد کرد و در پایان سوره از جهاد و نماز و زکات سخن گفت و یادآور شد که او برای همه بندگانش،مولا و سرپرست و یاوری نیکوست،این نکته به ما می آموزد که برای نجات از خطرهای زلزله ی عظیم قیامت و عذاب شدید الهی،بنده ی او باشیم و به او پناه ببریم که «فَنِعْمَ الْمَوْلیٰ وَ نِعْمَ النَّصِیرُ».

نفی «حَرَجٍ » به معنای سخت نبودن احکام الهی نیست،زیرا در همین آیه که می فرماید:جهاد کنید آن گونه که حقّ جهاد است.و ناگفته پیداست که جهاد کار بس سختی است.پس مراد از نبودن حرج در دین آن است که اسلام بن بست ندارد.مثلاً در فرمان جهاد افراد بیمار، لنگ،نابینا،سالمند و زنان و کودکان و ناتوانان معافند،ولی دفاع با همه ی سختی آن وظیفه است.

پیام ها

۱ ارزش کارها،به انگیزه و شیوه و مقدار آن بستگی دارد.(جهادی ارزش دارد که با تمام توان در راه خدا باشد) «فِی اللّٰهِ حَقَّ جِهٰادِهِ» ۲ هم به مردم شخصیت دهید، «اجْتَبٰاکُمْ أَبِیکُمْ تَکُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَی النّٰاسِ» و هم سخت گیری نکنید. «مٰا جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ» ۳ در وضع قانون،مراعات توان مردم را بکنیم. «مٰا جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ» ۴ اسلام،دین آسان و احکام آن انعطاف پذیر است.در زمان ها و مکان های مختلف،شایستگی اجرا شدن را دارد. «مٰا جَعَلَ عَلَیْکُمْ فِی الدِّینِ مِنْ حَرَجٍ» ۵ اسلام آئین ابراهیمی و سابقه بس درخشان دارد. «هُوَ سَمّٰاکُمُ الْمُسْلِمِینَ» ۶ پیامبران،پدران امّت ها هستند. «أَبِیکُمْ» ۷«مسلمان»نام مبارکی است که از قبل برای ما انتخاب شده است. «مِنْ قَبْلُ» ۸ پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)بر اعمال ما گواه است. «لِیَکُونَ الرَّسُولُ شَهِیداً» ۹ نماز و زکات،تشکّر از خداوند است.(باید به شکرانه ی برگزیدگی و سابقه و لیاقت و گواه بودن امّت اسلام،نماز به پا داشت. «فَأَقِیمُوا الصَّلاٰةَ» ...

۱۰ تنها به برگزیده بودن و نام اسلام و مسلمانی تکیه نکنیم،با نماز و زکات و تمسّک به خدا،این افتخارات را پاسداری کنیم. «فَأَقِیمُوا الصَّلاٰةَ وَ آتُوا الزَّکٰاةَ» ۱۱ مشروعیّت ولایت ها و حکومت های بشری در گرو منتهی شدن به ولایت الهی است. «هُوَ مَوْلاٰکُمْ» «الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ»

ص: ۷۶

[تفسیر سوره مؤمنون]

سیمای سوره ی مؤمنون

این سوره که یکصد و هجده آیه دارد،در مکّه نازل شده است.

با توجّه به بیان سیمای مؤمنان و آثار و نشانه های ایمان در آیات ابتدایی این سوره،نام«مؤمنون»برای آن انتخاب گردیده است.البتّه سرگذشت پیامبرانی چون حضرت نوح،هود،موسی و عیسی(علیهم السلام)و پاسخ اقوام مختلف به دعوت آنان در ادامه آمده است.

در فضیلت تلاوت این سوره،امام صادق(علیه السلام)می فرماید:تداوم بر تلاوت این سوره خصوصاً در روزهای جمعه،مایه ی سعادت دنیا و آخرت و همنشینی با پیامبران الهی در فردوس برین می گردد. (۱)

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

[سوره المؤمنون (۲۳): آيات ۱ تا ۲]

اشاره

بِسْمِ اَللّهِ اَلرَّحْمنِ اَلرَّحِيمِ
قَدْ أَفْلَحَ اَلْمُؤْمِنُونَ (۱) اَلَّذِينَ هُمْ فِي صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ (۲)

۲-۱\۲۳

قطعاً مؤمنان رستگار شدند.

همان كسانى كه در نمازشان خشوع دارند.

نكته ها:

اشاره

در قرآن،يازده مورد كلمه ى فلاح(رستگارى)با كلمه ى«لعل»(شايد)همراه است: «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» لكن در سه مورد بدون اين كلمه و به طور حتمى مطرح شده است،يكى در همين سوره و يكى در سوره ى شمس: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكّاها» و ديگرى در سوره ى اعلى: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكّى» .از مقايسه اين سه مورد با يكديگر،روشن مى شود كه ايمان و تزكيه داراى جوهر واحدى هستند.

برترين و آخرين هدف تمام برنامه هاى اسلام،فلاح و رستگارى است.در بسيارى از آيات قرآن از تقوا سخن گفته شده و هدف از احكام دين هم رسيدن به تقواست: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۱)و آخرين هدف تقوا نيز فلاح است: «وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۲)جالب است كه مهم ترين و آخرين هدف دين اسلام در اوّلين شعار آن آمده است:«قولوا لا اله الا الله تفلحوا»به يگانگى خداوند ايمان آوريد و«لا اله الا الله»بگوييد تا رستگار شويد.

هر شبانه روز،در اذان و اقامه ى نمازهاى يوميّه جمله ى«حى على الفلاح»را بيست بار بر زبان مى آوريم و هدف نهايى را با فرياد رسا اعلام مى كنيم،تا راه را گم نكنيم.

اسلام مى گويد: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» ، «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكّى» (۳)كسانى رستگارند كه ايمان و

۱- ۱) .بقره،۱۸۳.

۲- ۲) .آل عمران، ۱۳۰.

۳- ۳) .اعلی،۱۴.

تزکیه ی نفس داشته باشند،ولی کفر می گوید: «قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلى» (۱)فرعون می گفت:امروز هر کس زور و برتری دارد رستگار است.

کلمه ی«فلاح»به معنای رستن است،شاید دلیل اینکه به کشاورز،«فَلّاح»می گویند آن باشد که وسیله ی رستن دانه را فراهم می کند.دانه که در خاک قرار می گیرد با سه عمل خود را نجات می دهد و به فضای باز می رسد:اوّل آنکه ریشه ی خود را به عمق زمین بند می کند.

دوّم اینکه مواد غذایی زمین را جذب می کند.سوّم آنکه خاک های مزاحم را دفع می کند.

آری،انسان هم برای رهایی خود و رسیدن به فضای باز توحید و نجات از تاریکی های مادّیات و هوسها و طاغوت ها باید مثل دانه همان سه عمل را انجام دهد:اوّل ریشه ی عقاید خود را از طریق استدلال محکم کند.دوّم از امکانات خدادادی آنچه را برای تکامل و رشد معنوی اوست جذب کند.سوّم تمام دشمنان و مزاحمان را کنار زند و هر معبودی جز خدا را با کلمه«لا اله»دفع کند تا به فضای باز توحیدی برسد.

شخصی در حال نماز با ریش خود بازی می کرد،پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)فرمود:اگر او در دل خشوع داشت،در عمل این گونه نماز نمی خواند. (۲)

امام صادق(علیه السلام)فرمود:مراد از خشوع در نماز،فرونهادن چشم است. (۳)

چه کسانی رستگارند؟

۱ عابدان. «وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۴)پروردگارتان را پرستش کنید،شاید رستگار شوید.

۲ آنان که اعمالشان ارزشمند و سنگین است. «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوازِينُهُ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۵)۳ دوری کنندگان از بخل. «وَ مَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۶)۴ حزب اللّه. «أَلا إِنَّ حِزْبَ اللّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۷)حزب خدا رستگارند.

۵ اهل ذکر کثیر. «وَ اذْكُرُوا اللّهَ كَثِيراً لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۸)خدارا بسیار یادکنید تا رستگار شوید.

۱- ۱) .طه،۶۴.

۲- ۲) .تفسیر کنز الدقائق.

۳- ۳) .بحار،ج ۸۱،ص ۲۶۴.

۴- ۴) .حج،۷۷.

۵- ۵) .اعراف،۸.

۶- ۶) .حشر،۹.

۷– ۷) .مجادله،۲۲.

۸– ۸) .انفال،۴۵.

۶ تقوا پیشگان. «فَاتَّقُوا اللّهَ یا أُولِی الْأَلْبابِ لَعَلَّکَمْ تُفْلِحُونَ» (۱)ای خردمندان! تقوا پیشه کنید تا رستگار شوید.

۷ مجاهدان. «وَ جاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ» (۲)در راه خدا جهاد کنید تا رستگار شوید.

۸ توبه کنندگان. «تُوبُوا إِلَی اللّهِ جَمِیعاً أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ» (۳)ای اهل ایمان! همگی توبه کنید تا رستگار شوید.

پیام ها

۱ رستگاری مؤمنان حتمی است. «قَدْ أَفْلَحَ» ۲ ایمان،شرایط و نشانه هایی دارد. «الْمُؤْمِنُونَ اَلَّذِینَ» ...

۳ نماز،در رأس برنامه های اسلامی است. «فِی صَلاتِهِمْ» ۴ در نماز،حالت و کیفیّت مهم است. «خاشِعُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۳ تا ۶]

اشاره

وَ اَلَّذِینَ هُمْ عَنِ اَللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳) وَ اَلَّذِینَ هُمْ لِلزَّکاهِ فاعِلُونَ (۴) وَ اَلَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ (۵) إِلاّ عَلی أَزْواجِهِمْ أَوْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ (۶)

و آنان که از بیهوده روی گردانند.

و همان کسانی که زکات می پردازند.

و آنان که دامان خود را(از گناه)حفظ می کنند.

مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند،پس آنان(در آمیزش با این دو گروه)ملامت نمی شوند.

نکته ها:

اشاره

«لغو»،به کار و سخن بیهوده می گویند.

ص: ۸۲

۱- ۱) .مائده،۱۰۰.

۲- ۲) .مائده،۳۵.

۳- ۳) .نور،۳۱.

دوری و پرهیز از لغو،مخصوص مسلمانان نیست،قرآن دربـاره ی خوبان اهل کتاب نیز می فرمایـد: «وَ إِذٰا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ» ... (۱)اهل کتاب با ایمان،از لغو گریزانند.

«زکات»در لغت،به معنای رشد و نموّ و پاکیزگی است و در اصطلاح،یک نوع مالیات شرعی و از ارکان و واجبات دین است.

در جامعه اسـلامی،پاسـداری از نماز و ناموس،بسـیار مهم است.در همین چنـد آیه،نسـبت به ناموس با تعبیر «حٰافِظُونَ» و درباره نماز با جمله «عَلیٰ صَلَوٰاتِهِمْ یُحٰافِظُونَ» یاد شده است.

دوری از لغو در دنیـا،بهره اش،محفوظ مانـدن از لغو در قیـامت است. «عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» ، «لاٰ تَسْمَعُ فِیهٰا لاٰغِیَةً» (۲)اعراض از لغو،نبایـد با بدگویی و تندخویی همراه باشد،زیرا در آیه ی دیگر می فرماید: «وَ إِذٰا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِرٰاماً» (۳)در روایات برای لغو،نمونه هایی آمده است از جمله:سخنی که در آن یاد خدا نباشد و یا غنا و لهویّات باشد. (۴)

در روایات می خوانیم:جز با زن عفیفه ازدواج نکنید و با کسی که در مال خود او را امین نمی دانید،هم بستر نشوید. (۵)

اهمیّت زکات

زکات،یکی از پنج چیزی است که بنای اسلام بر آن استوار است.

در قرآن ۳۲ بار کلمه«زکات»و ۳۲ بار واژه«برک»آمده،گویا زکات مساوی با برکت است.

پیامبر اکرم(صلوات اللّٰه علیه)افرادی را که زکات نمی دادند،از مسجد بیرون کرد.

حضرت مهدی(علیه السلام)در انقلاب بزرگ خود،با تارکین زکات می جنگد.

کسی که زکات ندهد،هنگام مرگش به او گفته می شود:یهودی بمیر یا مسیحی.

تارک زکات در لحظه ی مرگ از خداوند می خواهد که او را به دنیا باز گرداند تا کار نیک انجام

۱- ۱) .قصص،۵۲ تا ۵۵.

۲- ۲) .غاشیه،۱۱.

۳- ۳) .فرقان،۷۲.

۴- ۴) .تفسیر نور الثقلین.

۵- ۵) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۵،ص ۴۵۳.

دهد،امّا مهلت او پایان یافته است.

امام صادق(علیه السلام)فرمود:اگر مردم زکات بدهند،هیچ فقیری در زمین باقی نمی ماند.

پیام ها

۱ نشانه ی ایمان،دوری از لغو است. «وَ الَّذِینَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» (مؤمن بایـد در تمام کارها و سـخنان خود هدف صـحیح داشته باشد) ۲ دوری از لغو،به اندازه ای مهم است که بین نماز و زکات ذکر شده است.

«خاشِعُونَ

مُعْرِضُونَ

لِلزَّکاهِ فاعِلُونَ»

۳ اهمیّت زکـات ماننـد اهمیّت نمـاز است.(در ۲۸ آیه،نمـاز و زکـات در کنار هم آمـده است) «فِی صَلاتِهِمْ خاشِعُونَ، لِلزَّکاهِ فاعِلُونَ» ۴ اعتقاد به تنهایی کافی نیست،عمل هم لازم است. «الْمُؤْمِنُونَ ... فاعِلُونَ» ۵ حیا شرط ایمان است. «لِفُرُوجِهِمْ حافِظُونَ» (آلودگی جنسی نشانه ی ضعف ایمان است) ۶ شـهوت،طغیانگر است و به کنترل و حفاظت نیاز دارد. «حافِظُونَ» ۷ در ارضای غریزه ی جنسی،محـدودیّت لازم است ولی ممنوعیّت خلاف فطرت است. «إِلاّ عَلی أَزْواجِهِمْ» ۸ حیـای نابجا ممنوع.همین که اسلام،انجام کاری را اجازه داد،همه ی سنّت ها و عادت ها و سلیقه های شخصی و مخالف دین،محکوم است. «غَیْرُ مَلُومِینَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۷ تا ۱۱]

اشاره

فَمَنِ ابْتَغی وَراءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْعادُونَ (۷) وَ الَّذِینَ هُمْ لِأَماناتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ راعُونَ (۸) وَ الَّذِینَ هُمْ عَلی صَلَواتِهِمْ یُحافِظُونَ (۹) أُولئِکَ هُمُ الْوارِثُونَ (۱۰) الَّذِینَ یَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِیها خالِدُونَ (۱۱)

پس هر کس فراتر از این(همسر و کنیز)طلب کند،پس آنانند که متجاوزند.

و(مؤمنان رستگار)کسانی هستند که امانت ها و پیمان های خود را رعایت می کنند.

و آنان بر نمازهای خود مواظبت دارند.

آنان وارثانند.

کسانی که بهشت برین را ارث می برند و در آن جاودانه خواهند ماند.

نکته ها:

اشاره

کلمه ی«فردوس»به معنای بوستان،برترین جای بهشت می باشد. (۱)و چون به جای جنّت بکار رفته،برای آن ضمیر مؤنث آمده است.

امام صادق(علیه السلام)در پاسخ از حکم استمناء،آیه ی ۷ را تلاوت فرمودند. (۲)

اهمّیت امانت در روایات

به نماز و روزه و حجّ مردم ننگرید،به صداقت و امانتداری آنان بنگرید. (۳)

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)در آخرین لحظه های عمر خود به حضرت علی(علیه السلام) فرمود:«اد الامانه الی البر و الفاجر فیما قل و جل حتی الخیط و المخیط»امانت را به صاحبش برگردان،چه نیکوکار باشد و چه گناهکار،ارزشمند باشد یا ناچیز،اگر چه مقداری نخ باشد و یا پارچه و لباسی دوخته شده. (۴)

همه ی نعمت های مادّی،معنوی و سیاسی،امانت الهی هستند.(امام خمینی(ره)فرمود:

جمهوری اسلامی امانت الهی است) قرآن کریم برخی از اهل کتاب را که امانتدار هستند،ستوده است. «وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ» (۵)اگر به برخی از اهل کتاب،مال فراوانی به امانت بسپاری،آن را به تو برمی گرداند.

۱- ۱) .تفسیر درّ المنثور.

۲- ۲) .وسائل،ج ۱۸،ص ۵۷۵.

۳- ۳) .میزان الحکمه و سفینه البحار،واژه«امانت».

۴- ۴) .بحار،ج ۷۷،ص ۲۷۳.

۵- ۵) .آل عمران،۷۵.

پیام ها

۱ قانون شکنی،تجاوز به حدودی که خداوند تعیین نموده می باشد. «اَلْعٰادُونَ» ۲ به سراغ گناه رفتن نیز گناه است. «أَبْتَغِی اَلْعٰادُونَ» ۳ مؤمن،متعهّد است. «عَهْدِهِمْ رٰاعُونَ» خلف وعده،نشانه ی ضعف ایمان است.

۴ مراعات عهد و پیمان لازم است،گرچه در عمل نتوانیم وفا کنیم. «رٰاعُونَ» نه «موفون» ۵ در معرّفی سیمای مؤمنان،نماز هم در ابتدا مطرح شد: «فِی صَلاٰتِهِمْ خٰاشِعُونَ» و هم در پایان «عَلیٰ صَلَوٰاتِهِمْ یُحٰافِظُونَ» این تکرار و تأکید،نشان اهمیّت نماز است.

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۱۲ تا ۱۴]

اشاره

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا اَلْإِنْسٰانَ مِنْ سُلاٰلَهٍ مِنْ طِینٍ (۱۲) ثُمَّ جَعَلْنٰاهُ نُطْفَهً فِی قَرٰارٍ مَکِینٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا اَلنُّطْفَهَ عَلَقَهً فَخَلَقْنَا اَلْعَلَقَهَ مُضْغَهً فَخَلَقْنَا اَلْمُضْغَهَ عِظٰاماً فَکَسَوْنَا اَلْعِظٰامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْنٰاهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبٰارَکَ اَللّٰهُ أَحْسَنُ اَلْخٰالِقِینَ (۱۴)

و همانا ما انسان را از عصاره ای از گِل آفریدیم.

سپس او را به صورت نطفه در جایگاهی استوار قرار دادیم.

سپس از نطفه،لخته خونی آفریدیم،آن گاه لخته خون را پاره گوشتی ساختیم و پاره گوشت را به صورت استخوان هایی در آوردیم،و استخوان ها را با گوشت پوشاندیم،سپس آن را آفرینش تازه ای دادیم، پس شایسته ی تکریم و تعظیم است خداوندی که بهترین آفرینندگان است.

نکته ها:

کلمه ی «سُلاٰلَهٍ » به معنای عصاره و کلمه «عَلَقَهً » به معنای خون غلیظ و بسته شده و کلمه

ص: ۸۶

«مُضْغَةً »

به معنای پاره گوشت بدون استخوان است.

امام باقر(علیه السلام)فرمودند:مراد از «خَلْقاً آخَرَ» دمیده شدن روح در بدن است. (۱)

مراد از «أَحْسَنُ الْخالِقِینَ» به فرموده امام رضا(علیه السلام)آن است که قدرت آفریدن را خدا به دیگران نیز داده،مثلاً حضرت عیسی از طرف خداوند می آفریند. (۲)«أَخْلُقُ لَکُمْ مِنَ اَلطِّینِ کَهَیْئَهِ الطَّیْرِ» (۳)دلائل بهترین خالق بودن خداوند بسیار است از جمله:

الف:خالقیّت او دائمی است.

ب:محدودیّت به اشیای خاصّی ندارد.

ج:تنوّع در آن نامحدود است.

د:از ساده ترین چیز مهم ترین را می سازد.

ه:مواد اوّلیه اش از خودش می باشد.

و:در ساختن تقلید نمی کند.

ز:پشیمانی و تردید در او راه ندارد.

ح:بر اساس رحمت می آفریند،و تمام ساخته هایش هدفدار است.

ط:ساخته او با نظام هستی هماهنگ است.

پیام ها

۱ یاد گذشته ها و ضعف های انسان و توجّه به قدرت و لطف خداوند،زمینه ای است برای تقویت ایمان و عبادت بیشتر. «لَقَدْ خَلَقْنَا» ۲ آفرینش انسان در چند مرحله انجام گرفته است.«طین نطفه علقه»...

۳ با این که مادر انواع حرکت ها را دارد،ولی رحم او برای فرزند،جایگاهی مطمئن است. «قَرارٍ مَکِینٍ» ۴ تمام مراحل آفرینش،زیر نظر خداوند است. «فَخَلَقْنَا فَکَسَوْنَا أَنْشَأْنَاهُ»

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .بحار،ج ۴،ص ۱۴۷.

۳- ۳) .آل عمران،۴۹.

۵ ارزش انسان به روح اوست. «خَلْقاً آخَرَ» ۶ خودشناسی،مقدّمه ی خداشناسی است. «نُطْفَهً، عَلَقَهً، مُضْغَهً فَتَبارَکَ اللّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِینَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۱۵ تا ۱۶]

اشاره

ثُمَّ إِنَّکُمْ بَعْدَ ذلِکَ لَمَیِّتُونَ (۱۵) ثُمَّ إِنَّکُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ تُبْعَثُونَ (۱۶)

سپس بدون تردید بعد از آن(مراحل)می میرید.

آن گاه شما روز قیامت برانگیخته می شوید.

نکته ها:

خداوند در این آیات،مردن را قطعی و حتمی شمرده است،در این جا ذکر کلامی از امیر المؤمنین(علیه السلام)مناسب است:

«فلو أن احدا یجد الی البقاء سلما او لدفع الموت سبیلا لکان ذلک سلیمان بن داوود(علیه السلام)الذی سخر له ملک الجن و الانس،مع النبوه و عظیم الزلفه...رمته قسی الفناء بنبال الموت». (۱)حضرت فرمود:اگر کسی برای ماندن همیشگی در دنیا چاره ای می اندیشید یا برای برطرف کردن مرگ راهی می یافت،او سلیمان پسر داود(علیه السلام)بود که بر جن و انس حکومت داشت،علاوه بر آن که پیامبر بود و مقام و منزلتی بزرگ داشت...(با این حال)کمان های نیستی با تیرهای مرگ،او را از پای درآوردند(و از جهان هستی رخت بربست).

آیه ی قبل سیر تکامل خلقت انسان را بیان و خداوند به خود تبریک گفت،این دو آیه نیز مراحل نهایی تکامل را پس از مرگ بیان می کند.

پیام ها

۱ مرگ نابود شدن نیست،مرحله ای از تکامل است. «ثُمَّ إِنَّکُمْ بَعْدَ ذلِکَ لَمَیِّتُونَ» ۲ مرگ،سرنوشت قطعی انسان است. «ثُمَّ إِنَّکُمْ ... لَمَیِّتُونَ» («ان»و حرف«لام»و جمله ی اسمیّه همه نشانه ی تأکید است)

۱- ۱) .نهج البلاغه،خطبه ۱۸۲.

۳ آفرینش انسان،هدفدار است. «ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ تُبْعَثُونَ» ۴ میان مرگ و رستاخیز فاصله طولانی است.(«ثُمَّ » نشان فاصله ی طولانی است)

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۱۷]

اشاره

وَ لَقَدْ خَلَقْنا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرائِقَ وَ ما كُنّا عَنِ اَلْخَلْقِ غافِلِينَ (۱۷)

و همانا ما بالای سر شما هفت راه(هفت آسمان)آفریدیم،و ما از خلق(و جهان هستی)غافل نبوده ایم.

نکته ها:

شاید مراد از کلمه «طَرائِقَ » ،راه عبور فرشتگان و یا راه و مدار حرکت کرات باشد و ممکن است منظور،هفت آسمان باشد که به یکدیگر راه دارند.

آیات قبل،آفرینش انسان را طرح کرد و این آیه آفرینش آسمان ها را.

پیام ها

۱ خداوند،هم خالق است و هم ناظر.(عالم محضر خداست) «وَ ما كُنّا عَنِ الْخَلْقِ غافِلِينَ» ۲ آفریدن و تدبیر جهان هستی،مدیریّت دائمی لازم دارد. «ما كُنّا عَنِ الْخَلْقِ غافِلِينَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۱۸]

اشاره

وَ أَنْزَلْنا مِنَ اَلسَّماءِ ماءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنّاهُ فِي اَلْأَرْضِ وَ إِنّا عَلى ذَهابٍ بِهِ لَقادِرُونَ (۱۸)

و از آسمان،آبی به اندازه ی(معین)فرو فرستادیم،و آن را در زمین جای دادیم و همانا ما بر بردن آن قادریم.

پیام ها

۱ قدرت خداوند،در دادن و گرفتن نعمت ها یکسان است. «أَنْزَلْنا ذَهابٍ» ۲ قطره های باران،حساب و کتاب دارد. «بِقَدَرٍ» (باران یک پدیده ی طبیعی بی هدف و بی حساب نیست).

۳ ذخیره سازی آب از الطاف الهی و نشانه ی غافل نبودن از خلق است. «وَ مٰا كُنّٰا عَنِ الْخَلْقِ غٰافِلِينَ وَ أَنْزَلْنٰا ... فَأَسْكَنّٰاهُ» ۴ خداوند بر پدیده ها حاکم است. «وَ إِنّٰا عَلىٰ ذَهٰابٍ بِهِ» ۵ فکر نکنیم نعمت ها همیشگی است. «عَلىٰ ذَهٰابٍ بِهِ لَقٰادِرُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۱۹ تا ۲۰]

اشاره

فَأَنْشَأْنٰا لَكُمْ بِهِ جَنّٰاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَ أَعْنٰابٍ لَكُمْ فِيهٰا فَوٰاكِهُ كَثِيرَةٌ وَ مِنْهٰا تَأْكُلُونَ (۱۹) وَ شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنٰاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَ صِبْغٍ لِلْآكِلِينَ (۲۰)

پس به وسیله ی آن(آب)برای شما باغ هایی از خرما و انگور پدید آوردیم که در آن باغها برای شما میوه های فراوانی است و از آنها می خورید.

و(نیز)درختی که از طور سینا می روید،(و)روغن و نان خورش برای خورندگان به بار می آورد.

پیام ها

۱ آب،سرچشمه ی حیات گیاهان و نباتات است. «فَأَنْشَأْنٰا لَكُمْ بِهِ» ۲ درختان و گیاهان،برای استفاده ی انسان ها آفریده شده اند.(کلمه ی «لَكُمْ » دو بار در آیه ی ۱۹ به کار رفته است).

۳ در میان میوه ها،بعضی مثل خرما و انگور حساب دیگری دارد. «نَخِيلٍ وَ أَعْنٰابٍ» ۴ خداوند حکیم،نیازهای مادّی انسان را تأمین کرده است. «نَخِيلٍ وَ أَعْنٰابٍ» ۵ تولید خداوند بیش از مصرف انسان هاست. «فَوٰاكِهُ كَثِيرَةٌ وَ مِنْهٰا تَأْكُلُونَ» ۶ آنچه را که خداوند آفریده،مفید و مبارک است. «فَوٰاكِهُ كَثِيرَةٌ تَأْكُلُونَ صِبْغٍ» (ولی آن جا که زیان و خرابی است،کار انسان است،چنان که در آیه ۶۷ سوره نحل می خوانیم: «تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَراً» شما از آن شراب درست می کنید) ۷ هر منطقه ای برای درخت و گیاه مخصوصی مناسب است. «تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنٰاءَ»

۸ بعضی زمین ها از نظر معنوی و مادّی مبارکند.(طور سینا محل نزول وحی و محل رویش درختان زیتون است). «مِنْ طُورِ سَيْنٰاءَ» ۹ روغن زیتون،یکی از نعمت های الهی است. «تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۲۱ تا ۲۲]

اشاره

وَ إِنَّ لَكُمْ فِي اَلْأَنْعٰامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمّٰا فِي بُطُونِهٰا وَ لَكُمْ فِيهٰا مَنٰافِعُ كَثِيرَةٌ وَ مِنْهٰا تَأْكُلُونَ (۲۱) وَ عَلَيْهٰا وَ عَلَى اَلْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (۲۲)

۲۳\۲۱-۲۲

و همانا برای شما در چهارپایان عبرتی است،از آنچه در شکم آنهاست (شیر)به شما می نوشانیم و برای شما در آنها منافع زیادی است و از (گوشت)آنها می خورید.

و بر آنها و بر کشتی ها سوار می شوید.

پیام ها

۱ چهارپایان برای انسان آفریده شده اند.(در آیه دو بار کلمه «لَكُمْ » آمده است) ۲ حتّی حیوانات را ساده ننگریم. «لَعِبْرَةً» استخراج آهن از خاک نیاز به صدها کارشناس،متخصّص و ابزار دارد،ولی خداوند شیر را از دل علف بیرون می کشد و با همین قدرت در قیامت انسان ها را از دل خاک بیرون خواهد کشید. «لَعِبْرَةً» ۳ شیر،یکی از نعمت هایی است که قرآن به آن توجّه دارد. «نُسْقِيكُمْ» ۴ میوه ها و روغن گیاهی،بر غذاهای حیوانی مقدّم است.اوّل نام«نخیل،اعناب، زیتون»بعد فرمود: «نُسْقِيكُمْ، تَأْكُلُونَ» ۵ شیر،گوشت و سواری،قسمتی از منافع حیوانات است. «لَكُمْ فِيهٰا مَنٰافِعُ كَثِيرَةٌ» به راه افتادن کارخانجات لبنیات،چرم سازی،کنسروسازی،ریسندگی، بافندگی و ایجاد اشتغال و بهره دهی برای میلیون ها انسان،منافع جنبی

ص:۹۱

حیوانات است.

۶ نقش کشتی را در حمل و نقل ساده ننگریم.(صدها فرمول دست به دست هم می دهد تا این امکان فراهم می شود) «عَلَی الْفُلْکِ تُحْمَلُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۲۳]

اشاره

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلی قَوْمِهِ فَقالَ یا قَوْمِ اُعْبُدُوا اَللّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ أَ فَلا تَتَّقُونَ (۲۳)

و همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم،پس(به آنها)گفت:ای قوم من! خداوند(یکتا)را بپرستید.جز او هیچ خدایی برای شما نیست،آیا پروا نمی کنید؟

نکته ها:

خداوند در آیات قبل،از آفرینش انسان و آنچه در زمینه ی تأمین منافع مادّی اوست سخن گفت و در این آیات به تأمین غذای فکری و عقیدتی او می پردازد.

پیام ها

۱ در تبلیغ دین،مردم را با محبّت مورد خطاب قرار دهید. «یا قَوْمِ» ۲ دعوت به توحید،اوّلین وظیفه ی انبیاست.(در تبلیغ،به مسائل اصلی توجّه کنید) «اعْبُدُوا اللّهَ» ۳ روح پرستش در باطن انسان وجود دارد،انبیا مورد پرستش را بیان می کنند.

«اعْبُدُوا اللّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ»

۴ به سراغ غیر خدا رفتن،بی پروایی است. «أَ فَلا تَتَّقُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۲۴]

اشاره

فَقالَ اَلْمَلَأُ اَلَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ ما هذا إِلاّ بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُرِیدُ أَنْ یَتَفَضَّلَ عَلَیْکُمْ وَ لَوْ شاءَ اَللّهُ لَأَنْزَلَ مَلائِکَةً ما سَمِعْنا بِهذا فِی آبائِنَا اَلْأَوَّلِینَ (۲۴)

ص:۹۲

پس اشراف قوم او که کافر شدند،گفتند:این نوح جز انسانی همانند شما نیست،او می خواهد بر شما برتری جوید،اگر خداوند می خواست(برای ما پیامبری بفرستد)قطعاً فرشتگانی می فرستاد.ما این(دعوت نوح)را در میان(تاریخ)پدران قبلی خود نشنیده ایم.

پیام ها

۱ اشراف،در خط مقدّم مخالفان انبیا بودند. «الْمَلَأُ» ۲ حُبّ ذات،غریزه ای عمیق در انسان هاست.(انسان از این که کسی بر او برتری یابد نگران است) «يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ» ۳ تهمت برتری جویی،وسیله ی تبلیغات کفّار است. «يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ» ۴ انسان متکبر،برای خدا هم تکلیف معیّن می کند. «لَوْ شاءَ اللّهُ لَأَنْزَلَ مَلائِكَةً» ۵ کافران کمال را نقص می پندارند. «ما هذا إِلاّ بَشَرٌ ... لَأَنْزَلَ مَلائِكَةً» (انسان بودن انبیا برای راهنمایی بشر کمال است،امّا کفّار می گفتند:او نباید بشر باشد) ۶ در برابر منطق صحیح،به تاریخ و تقلید نیاکان و فرهنگ ملّی خود تکیه نکنید و مدافع وضع موجود نباشید. «ما سَمِعْنا بِهذا»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۲۵ تا ۲۶]

اشاره

إِنْ هُوَ إِلاّ رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتّى حِينٍ (۲۵) قالَ رَبِّ انْصُرْنِی بِما كَذَّبُونِ (۲۶)

او نیست جز مردی که در او نوعی جنون است،پس تا مدّتی درباره ی او صبر کنید.(تا از جنون نجات یابد یا بمیرد یا ما تکلیف خود را با او روشن کنیم)

نوح گفت:پروردگارا! مرا در برابر تکذیب آنان یاری فرما.

پیام ها

۱ شنیدن تاریخ گذشتگان،مایه ی تسلّی آیندگان است.(ای پیامبر! به انبیای قبل نیز نسبت جنون می دادند) «رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ»

۲ برخی که نمی توانند رشد کنند،مقام بزرگان را پایین می آورند. «رَجُلٌ بِهِ جِنَّهٌ» ۳ غرور و لجاجت،سبب می شود که به عاقل ترین مردم نسبت جنون داده شود.

«رَجُلٌ بِهِ جِنَّهٌ»

۴ سران کفر،دعوت انبیا را یک حادثه روحی و روانی می پندارند و می گویند:

صبر کنید هیجان ها و ادّعاهای او تمام می شود. «فَتَرَبَّصُوا» ۵ توکّل و دعا،بزرگ ترین اهرم در برابر تهمت ها و تحقیرهاست. «قٰالَ رَبِّ» ۶ درخواست کمک از خداوند برای پیروزی ایمان بر کفر است،نه پیروزی فرد بر فرد. «اُنْصُرْنِی بِمٰا کَذَّبُونِ» نفرمود:«انصرنی علیهم»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۲۷]

اشاره

فَأَوْحَیْنٰا إِلَیْهِ أَنِ اِصْنَعِ اَلْفُلْکَ بِأَعْیُنِنٰا وَ وَحْیِنٰا فَإِذٰا جٰاءَ أَمْرُنٰا وَ فٰارَ اَلتَّنُّورُ فَاسْلُکْ فِیهٰا مِنْ کُلٍّ زَوْجَیْنِ اِثْنَیْنِ وَ أَهْلَکَ إِلاّٰ مَنْ سَبَقَ عَلَیْهِ اَلْقَوْلُ مِنْهُمْ وَ لاٰ تُخٰاطِبْنِی فِی اَلَّذِینَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ (۲۷)

پس ما به نوح وحی کردیم:زیر نظر ما و(مطابق دستور و آموزش و)وحی ما کشتی بساز.پس همین که فرمان(قهر)ما آمد و(آب از)تنور جوشید، از تمام حیوانات یک جفت(نر و ماده)و(نیز)اهل خود را در کشتی وارد کن،مگر کسی از آنان را که قبلاً درباره ی او سخن به میان آمده(و وعده ی هلاکتش داده شده)،و درباره ی ستمگران با من سخن مگو(و نزد من از آنان شفاعت مکن)که قطعاً آنان غرق خواهند شد.

نکته ها:

امام باقر(علیه السلام)فرمود:حضرت نوح(علیه السلام)۹۵۰ سال مردم را پنهانی و آشکارا به توحید دعوت کرد،تا آنجا که خداوند با جمله ی «لَنْ یُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِکَ إِلاّٰ مَنْ قَدْ آمَنَ» (۱)به او فرمود:جز آنها که به تو ایمان آورده اند،دیگر ایمان نخواهند آورد،پس نوح گفت:نسل آنان نیز قابل

۱- ۱) .هود،۳۶.

هدایت نیستند. «وَ لاٰ یَلِدُوا إِلاّٰ فٰاجِراً کَفّاراً» (۱)سپس خداوند فرمان ساختن کشتی را داد. (۲)

پیام ها

۱ دعای انبیا مستجاب می شود. «رَبِّ انْصُرْنِی فَأَوْحَیْنٰا» ۲ صنعت،یک الهام الهی است. «فَأَوْحَیْنٰا أَنِ اصْنَعِ» ۳ تقاضای نصرت الهی،با تلاش انسان منافاتی ندارد. «اصْنَعِ الْفُلْکَ» انبیا در کنار دعاهای خود کار هم می کردند.

۴ افراد تحقیر شده را حمایت کنیم.(مردم تو را مجنون می پندارند ولی تو زیر نظر ما هستی) «بِأَعْیُنِنٰا» ۵ اگر در تمام کارها مطابق وحی عمل کنیم،موفّق می شویم. «اصْنَعِ الْفُلْکَ بِأَعْیُنِنٰا وَ وَحْیِنٰا» ۶ با اراده ی خدا از تنور آتش،آب می جوشد. «فٰارَ التَّنُّورُ» (شاید فوران آب از تنور،نشانه ی زمان حادثه باشد) ۷ نگذارید نسل حیوانات منقرض شود. «مِنْ کُلٍّ زَوْجَیْنِ اثْنَیْنِ» ۸ حتّی همسر و فرزند پیامبر هم اگر نااهل باشند،مورد قهر الهی قرار می گیرند.

«إِلاّٰ مَنْ سَبَقَ عَلَیْهِ الْقَوْلُ»

۹ شفاعت،همه جا کارساز نیست. «وَ لاٰ تُخٰاطِبْنِی» شفاعت انبیا با اذن الهی است.

۱۰ مشرک،ظالم است. «فِی الَّذِینَ ظَلَمُوا» ۱۱ عاقبت ظلم،هلاکت است. «ظَلَمُوا مُغْرَقُونَ» ۱۲ گاهی،آبی که مایه ی حیات است،مایه ی هلاک می شود. «مُغْرَقُونَ»

ص: ۹۵

۱- ۱) .نوح،۲۷.

۲- ۲) .بحار،ج ۱۱،ص ۳۳۱.(این حدیث امام باقر(علیه السلام)را در مدینه کنار قبر مطهرش نوشتم)

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۲۸]

اشاره

فَإِذَا اِسْتَوَیْتَ أَنْتَ وَ مَنْ مَعَکَ عَلَی اَلْفُلْکِ فَقُلِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِی نَجّٰانٰا مِنَ اَلْقَوْمِ اَلظّٰالِمِینَ (۲۸)

پس هنگامی که تو و همراهانت بر کشتی سوار شدید،بگو:حمد و سپاس برای خداوندی است که ما را از گروه ستمگران نجات داد.

پیام ها

۱ دوری از ستمگران و نجات از سلطه ی آنان،یکی از نعمت های الهی است.

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی نَجّٰانٰا»

۲ برای هر نعمتی شکری لازم است. «الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی نَجّٰانٰا» ۳ بهترین صیغه ی شکر،کلمه مبارکه ی «الْحَمْدُ لِلّٰهِ» است.

۴ به خاطر نابودی و هلاکت دیگران خدا را شکر نکنید،بلکه برای نجات خود شکر کنید. «نَجّٰانٰا» نفرمود:«اهلکهم» ۵ کشتی،وسیله ی است ولی نجات کار خداوند است. «نَجّٰانٰا»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۲۹ تا ۳۰]

اشاره

وَ قُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِی مُنْزَلاً مُبٰارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ اَلْمُنْزِلِینَ (۲۹) إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیٰاتٍ وَ إِنْ کُنّٰا لَمُبْتَلِینَ (۳۰)

و بگو:پروردگارا! مرا با نزولی پر برکت فرود آور که تو بهترین فرود آورندگانی.

البتّه در این داستان نشانه هایی است،و همانا ما آزمایش کنندگانیم.(قوم نوح و دیگران را بارها آزمایش کردیم تا زمینه ی توبه و رشد خود را نشان دهند)

نکته ها:

اشاره

در حدیث می خوانیم:رسول خدا(صلوات اللّه علیه)به علی(علیه السلام)فرمود:هر گاه وارد منزلی شدی آیه(۲۹)را تلاوت کن تا خداوند از خیر آن جا کامیابت کند و شرّش را از تو دور سازد. (۱)

١- ١) .تفسير كنز الدقائق.

یاد خدا در هر حال

در دعوت به توحید. «اعْبُدُوا اللّهَ» (۱)در ساختن کشتی با الهام خداوند. «اِصْنَعِ الْفُلْکَ بِأَعْیُنِنا وَ وَحْیِنا» (۲)در سوار شدن،با حمد الهی. «فَإِذَا اسْتَوَیْتَ ... فَقُلِ الْحَمْدُ لِلّهِ» (۳)در حرکت با نام خدا. «بِسْمِ اللّهِ مَجْراها وَ مُرْساها» (۴)در توقّف،با دعا به درگاه او. «رَبِّ أَنْزِلْنِی» (۵)

پیام ها

۱ ابتدا خداوند را بر نعمت های گذشته شکر کنیم،سپس از او نعمت جدیدی بخواهیم. «الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی رَبِّ أَنْزِلْنِی» ۲ در دعا و مناجات،خداوند را با آن نامی بخوانیم که با نیازمان تناسب داشته باشد. «أَنْزِلْنِی خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ» ۳ مطالب تاریخی قرآن،آیه ی هدایت و مایه ی رشد است.(نه سرگرمی و خاطره) «لَآیاتٍ» ۴ سنّت خداوند،بر آزمایش مردم در هر حال است،و ماجرای نوح نیز یکی از نمونه های آزمایش الهی است. «لَمُبْتَلِینَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۳۱ تا ۳۲]

اشاره

ثُمَّ أَنْشَأْنا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْناً آخَرِینَ (۳۱) فَأَرْسَلْنا فِیهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ أَنِ اُعْبُدُوا اَللّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ أَ فَلا تَتَّقُونَ (۳۲)

سپس بعد از قوم نوح،نسل دیگری پدید آوردیم.

و در میان آنان(نیز) پیامبری از خودشان فرستادیم که(به آنان گفت:)خدا را بپرستید.جز او معبودی برای شما نیست،پس آیا پروا نمی کنید؟

۱- ۱) .مؤمنون،۲۳.

۲- ۲) .مؤمنون،۲۷.

۳- ۳) .مؤمنون،۲۸.

۴- ۴) .هود،۴۱.

۵- ۵) .مؤمنون،۲۹.

پیام ها

۱ خداوند برای هر امّتی پیامبری فرستاده است. «قَرْناً آخَرِینَ فَأَرْسَلْنا» ۲ پیامبر بایـد از خود مردم باشـد.(تا الگویی عملی و درد آشنا داشته باشند و حجّت بر آنان تمام باشد) «مِنْهُمْ» ۳ عبادت خدا همراه با نفی شرک ارزش دارد. «أَنِ اعْبُدُوا اللّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ» ۴ گرایش به توحید،به تقوا نیاز دارد. «أَنِ اعْبُدُوا اللّهَ ... أَ فَلا تَتَّقُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۳۳]

اشاره

وَ قالَ اَلْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ اَلَّذِینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِلِقاءِ اَلْآخِرَهِ وَ أَتْرَفْناهُمْ فِی اَلْحَیاهِ اَلدُّنْیا ما هذا إِلاّ بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یَأْکُلُ مِمّا تَأْکُلُونَ مِنْهُ وَ یَشْرَبُ مِمّا تَشْرَبُونَ (۳۳)

و اشـرافی از قوم آن پیـامبر که کفر ورزیدنـد و دیـدار قیـامت را تکـذیب نمودنـد و آنـان را در دنیـا در نـاز و نعمت قرار داده بودیم(در پاسخ رسولشان،به مردم)گفتند:این،جز انسانی مثل شـما نیست،از هر چه می خورید می خورد،و از هر چه می نوشید می نوشد.

پیام ها

۱ دعوت انبیـا بر اساس آزاد سازی مردم از سـلطه ی اشـراف و سـتمگران است و به همین دلیل،اشـراف بیش از دیگران با انبیا مخالفت می کنند. «قالَ الْمَلَأُ» ۲ مخالفان چون جرأت ندارند که منطق و اصل اصـلاحات انبیا را نفی کنند، می گویند:انبیا لایق آن اصـلاحات نیستند. «بَشَرٌ مِثْلُکُمْ» ۳ زندگی انبیا،یک زندگی عادّی است. «یَأْکُلُ یَشْـرَبُ» ۴ اشـراف از مسائل معنوی و علمی غافلند. «یَأْکُلُ یَشْرَبُ» (امیر المؤمنین(علیه السلام)می فرماید:حسادت آنان سبب گفتن این کلمات شد. (۱)

۱- ۱) .بحار،ج ۳۲،ص ۹۷.

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۳۴ تا ۳۶]

اشاره

وَ لَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَراً مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذاً لَخاسِرُونَ (۳۴) أَ يَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذا مِتُّمْ وَ كُنْتُمْ تُراباً وَ عِظاماً أَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ (۳۵) هَيْهاتَ هَيْهاتَ لِما تُوعَدُونَ (۳۶)

و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید،قطعاً زیانکارید.

آیا(آن پیامبر)به شما وعده می دهد که وقتی مردید و خاک و استخوان هایی(پوسیده)شدید،شما(از قبر)بیرون آورده می شوید؟!

دور است دور،آنچه به شما وعده داده شده است.

نکته ها:

اشاره

در قرآن،کلمه ی «هَيْهاتَ » دو بار،آن هم در همین آیه به کار رفته است،که سران کفر وقوع قیامت را بسیار دور می پندارند.

شعارهای کفّار

پیامبر یک انسان معمولی است. «بَشَراً» بر دیگران امتیازی ندارد. «مِثْلَكُمْ» پیروی از پیامبران خسارت است. «لَخاسِرُونَ» قیامت و زندگی دوباره دور است. «هَيْهاتَ هَيْهاتَ» (چون انبیا مکرّر و همیشه وعده ی قیامت می دادند، «تُوعَدُونَ» مخالفان هم کلمه «هَيْهاتَ » را تکرار کردند) آنچه ذکر شد،برخی از شعارهای لجوجانه یا فریبنده ی کافران و حقّ ستیزان است.آنان با تبلیغات گسترده،پیروی از پیامبران را خسارت می دانند ولی هدفشان این است که مردم را مطیع خود سازند و با شعار آزادی،ملّت ها را به بردگی کشانند.

ص :۹۹

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۳۷ تا ۳۸]

اشاره

إِنْ هِيَ إِلاّ حَيٰاتُنَا اَلدُّنْيٰا نَمُوتُ وَ نَحْيٰا وَ مٰا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۳۷) إِنْ هُوَ إِلاّ رَجُلٌ اِفْتَرىٰ عَلَى اَللّهِ كَذِباً وَ مٰا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ (۳۸)

جز این زندگی دنیا چیز دیگری نیست،می میریم و زندگی می کنیم و ما (هرگز پس از مرگ)برانگیخته نخواهیم شد.

او جز مردی که بر خدا دروغ می بندد نیست،و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد.

پیام ها

۱ افراد مغرور جز راه خـــود،راه دیگری را تصـــور نمی کننـــد. «إِنْ هِيَ» ۲ آخوربین،آخربین نمی شود. «إِلاّ حَيٰاتُنَا الدُّنْيٰا» (دنیاگرایان،کوته فکران جامعه هستند) ۳ کفّار،خدا را قبول داشتند ولی معاد و نبوّت را نمی پذیرفتند. «افْتَرىٰ عَلَى اللّهِ» ۴ اهل کفر،با شعار«حفظ حریم و قداست الهی»اولیا و وعده های الهی را رد می کنند. «افْتَرىٰ عَلَى اللّهِ» ۵ گاهی جامعه به قدری سقوط می کند که حامیان واقعی دین به عنوان دروغگو و کافران مغرور به عنوان حامی حریم خدا معرفی می شوند. «افْتَرىٰ عَلَى اللّهِ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۳۹ تا ۴۲]

اشاره

قٰالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمٰا كَذَّبُونِ (۳۹) قٰالَ عَمّٰا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نٰادِمِينَ (۴۰) فَأَخَذَتْهُمُ اَلصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنٰاهُمْ غُثٰاءً فَبُعْداً لِلْقَوْمِ اَلظّٰالِمِينَ (۴۱) ثُمَّ أَنْشَأْنٰا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُوناً آخَرِينَ (۴۲)

(پیامبرشان)گفت:پروردگارا! مرا در برابر تکذیب های آنان یاری فرما.

(خداوند)فرمود:قطعاً به زودی پشیمان خواهند شد.

پس(قهر خدا آمد و)بانگ مرگبار که سزاوارش بودند آنان را فراگرفت،و آنان را همچون خاشاکی که بر آب افتد قرار دادیم،پس دور باد گروه ستمگر(از رحمت خدا).

ص:۱۰۰

آن گاه بعد از(هلاکت)این گروه،نسل های دیگری پدید آوردیم.

پیام ها

۱ تکیه گاه انبیا خداست. «رَبِّ» ۲ کلمه ی«ربّ»بهترین کلمه برای دعاست.بعد از کلمه ی«الله»بیشترین کلمه در قرآن کلمه ی«رب»است و معمولاً در همه ی دعاها به کار رفته است.

۳ کفّار و مجرمان به زودی پشیمان خواهند شد.(وجدان ها،روزی بیدار خواهد شد.) «نادِمِينَ» ۴ بیان تاریخ و هلاکت اقوام پیشین،برای پیامبر اسلام(صلوات اللّه علیه)مایه ی آرامش و برای کفّار مکّه وسیله ی تهدید است. «فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ» ...

۵ دعای انبیا مستجاب است. «رَبِّ فَأَخَذَتْهُمُ» ۶ قهر خدا بر اساس عدل است. «الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ» ۷ مخالفان انبیا،هم شکنجه ی روحی دارند، «نادِمِينَ» هم شکنجه ی جسمی، «غُثاءً» و هم در قیامت گرفتارند.

۸ قهر خدا شکننده است. «غُثاءً» ۹ نفرین بر ستمگران جایز است. «فَبُعْداً» ۱۰ سنّت خداوند،پس از انقراض یک امّت،ایجاد امّتی دیگر است. «ثُمَّ أَنْشَأْنا» (تحوّلات تاریخی، تحت حاکمیّت خداوند است)

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۴۳]

اشاره

ما تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَها وَ ما يَسْتَأْخِرُونَ (۴۳)

هیچ امّتی از اجل(وقت انقراض)خود،نه پیش می افتد و نه پس می ماند.

پیام ها

۱ هر جامعه و امّتی،مهلتی خاص و زمان بندی حکیمانه ای دارد. «ما تَسْبِقُ» ...

ص:۱۰۱

۲ از تأخیر عذاب الهی مغرور نشوید. «مٰا تَسْبِقُ» ...

۳ برنامه های الهی با هیاهوی افراد لغو نمی شود و نظم الهی بر تحولات تاریخی حاکم است. «مٰا تَسْبِقُ» ...

۴ تاریخ،سنّت های ثابتی دارد. «مٰا تَسْبِقُ» ...

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۴۴]

اشاره

ثُمَّ أَرْسَلْنٰا رُسُلَنٰا تَتْرٰا كُلَّ مٰا جٰاءَ أُمَّةً رَسُولُهٰا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنٰا بَعْضَهُمْ بَعْضاً وَ جَعَلْنٰاهُمْ أَحٰادِيثَ فَبُعْداً لِقَوْمٍ لاٰ يُؤْمِنُونَ (۴۴)

سپس پیامبرانمان را پی در پی(برای هدایت آن امّت ها)فرستادیم،هر بار که پیامبر هر امّتی به سراغ قومش آمد،مردم او را تکذیب کردند،پس ما نیز آن گروه را هلاک کردیم و گروه دیگری را دنبال آنان آوردیم،و ما آنان را زبانزد مردم قرار دادیم(تا عبرت گیرند)پس قومی که ایمان نمی آورند دور(از رحمت خدا)باد.

نکته ها:

کلمه ی «أَحٰادِيثَ » جمع«احدوثه»به داستان های شگفتی گفته می شود که با آب و تاب نقل و با علاقه شنیده می شود.

پیام ها

۱ سنّت خداوند بر فرستادن انبیا برای امّت هاست. «رُسُلَنٰا تَتْرٰا» (هر اجتماعی رهبر می خواهد.فکر و علم به تنهایی برای بشر کافی نیست،بلکه باید اموری را از طریق وحی بدست آورد) ۲ تمام انبیا مورد تکذیب قرار می گرفتند. «كُلَّ مٰا» ۳ هر امّتی برای خود رسولی داشتند. «كُلَّ مٰا جٰاءَ أُمَّةً رَسُولُهٰا» ۴ نتیجه ی تکذیب حقّ،هلاکت است. «وَ جَعَلْنٰاهُمْ أَحٰادِيثَ» (از گردنکشان و طاغوتیان،تاریخی بیش نمی ماند) ۵ نفرین کفّار جایز است. «فَبُعْداً» (کلمه«بعدا»مصدری است که همیشه به جای

فعل بکار می رود.بنا بر این«بُعـداً»،یعنی«بعدوا بُعداً») ۶ نفرین قرآن،به خـاطر کفر کافران است. «لاّ یُؤْمِنُونَ» ۷ تحوّلات تاریخی با اراده اوست.و هلاک امّت های سرکش،نمودی از لعن و نفرین اوست. «وَ جَعَلْنٰاهُمْ أَحٰادِيثَ فَبُعْداً»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۴۵ تا ۴۶]

اشاره

ثُمَّ أَرْسَلْنٰا مُوسىٰ وَ أَخٰاهُ هٰارُونَ بِآيٰاتِنٰا وَ سُلْطٰانٍ مُبِينٍ (۴۵) إِلىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلاَئِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كٰانُوا قَوْماً عٰالِينَ (۴۶)

سپس موسی و برادرش هارون را با معجزات و دلیلی روشن فرستادیم.

به سوی فرعون و اشراف قوم او،ولی تکبر ورزیدند و آنان مردمی برتری جوی و گردنکش بودند.

نکته ها:

کلمه ی «سُـلْطٰانٍ » مرادف حجّت است،زیرا انسان با داشتن منطق،استدلال و حجّت علمی و عقلی،بر قلوب مردم مسلّط و پیروز می شود.

پیام ها

۱ تبلیغ،گاهی باید به صورت چند نفره و اعزام هیأت باشد. «مُوسـىٰ وَ أَخٰاهُ» ۲ مبلغ دین باید از پشتیبانی علمی برخوردار باشد. «سُلْطٰانٍ مُبِينٍ» ۳ برای اصلاح مردم و نظام اجتماعی،اوّل باید به سراغ افراد مطرح و شاخص جامعه رفت. «إِلىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلاَئِهِ» ۴ اطرافیان طاغوت ها،در قدرت آنان نقش مهمّی دارند. «مَلاَئِهِ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۴۷ تا ۴۹]

اشاره

فَقٰالُوا أَ نُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنٰا وَ قَوْمُهُمٰا لَنٰا عٰابِدُونَ (۴۷) فَكَذَّبُوهُمٰا فَكٰانُوا مِنَ اَلْمُهْلَكِينَ (۴۸) وَ لَقَدْ آتَيْنٰا مُوسَى اَلْكِتٰابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۴۹)

پس(در پاسخ موسی و هارون)گفتند:آیا ما به دو انسان مانند خودمان ایمان آوریم در حالی که قوم موسی و هارون برده ی ما بودند؟

ص:۱۰۳

پس آن دو پیامبر را تکذیب کردند،و از هلاک شدگان گشتند.

و همانا ما به موسی کتاب(تورات)دادیم،شاید(مردم به واسطه آن)هدایت شوند.

پیام ها

۱ موسی و هارون،از نژاد بنی اسرائیل بودند. «وَ قَوْمُهُمٰا لَنٰا عٰابِدُونَ» (با توجّه به اینکه بنی اسرائیل برده ی فرعونیان قرار گرفته بودند) ۲ متکبّران به جای مراعات منطق و معجزه،به جایگاه اجتماعی افراد نظر دارند.

«سُلْطٰانٍ مُبِینٍ ... قَوْمُهُمٰا لَنٰا عٰابِدُونَ» ۳ نژادپرستی عامل استکبار است. «وَ قَوْمُهُمٰا لَنٰا عٰابِدُونَ» (فرعونیان نژاد خود را برتر از بنی اسرائیل می پنداشتند) ۴ منطق انبیا،معجزه و استدلال و منطق طاغوت،استضعاف و دربند کشیدن ملّت است. «قَوْمُهُمٰا لَنٰا عٰابِدُونَ» ۵ نتیجه ی تکذیب حقّ،هلاکت است. «فَکَذَّبُوهُمٰا فَکٰانُوا مِنَ الْمُهْلَکِینَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۵۰]

اشاره

وَ جَعَلْنَا ابْنَ مَرْیَمَ وَ أُمَّهُ آیَةً وَ آوَیْنٰاهُمٰا إِلیٰ رَبْوَةٍ ذٰاتِ قَرٰارٍ وَ مَعِینٍ (۵۰)

و ما(عیسی)فرزند مریم و مادرش را معجزه قرار دادیم و آن دو را در سرزمینی مرتفع که دارای آرامش و امنیّت و آب گوارا بود جای دادیم.

نکته ها:

کلمه ی «مَعِینٍ » به آبی گفته می شود که روی زمین جاری باشد.

خداوند در این سوره از عیسی و مریم به عنوان یک آیه یاد کرده است،ولی درباره ی شب و

ص:۱۰۴

روز می فرماید: «جَعَلْنَا اللَّیْلَ وَ النَّهارَ آیَتَیْنِ» (۱)شب و روز دو آیه هستند و این به خاطر آن است که تولّد عیسی بدون پدر،همان زایمان مریم بدون شوهر است.

در اینکه منطقه بلندی که آب جاری داشته و خداوند عیسی و مادرش را در آنجا جای داده، کجاست؟! دو مورد بیان شده است:

الف:مراد از «رَبْوَهٍ » کوفه و مراد از «ذاتِ قَرارٍ » مسجد کوفه و مراد از «مَعِینٍ » آب فرات است که در کوفه دائماً جاری می باشد. (۲)

ب:مراد دمشق است که از بهترین مناطق شام است. (۳)

پیام ها

۱ مقام نبوّت،برترین مقام هاست.(نام عیسی به خاطر مقام نبوّت قبل از مادرش برده شده است). «ابْنَ مَرْیَمَ وَ أُمَّهُ آیَهً» ۲ پدیده های مهم و حوادث عجیب را وسیله ی شناخت خدا و نشانه ی قدرت غیبی او بدانید. «آیَهً» ۳ آب و امنیّت،از مزایای ضروری مسکن و زندگی است. «ذاتِ قَرارٍ وَ مَعِینٍ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۵۱]

اشاره

یا أَیُّهَا اَلرُّسُلُ کُلُوا مِنَ اَلطَّیِّباتِ وَ اِعْمَلُوا صالِحاً إِنِّی بِما تَعْمَلُونَ عَلِیمٌ (۵۱)

ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه(و پسندیده)بخورید و کار نیکو انجام دهید،همانا من به آنچه انجام می دهید آگاهم.

نکته ها:

در قرآن کریم،در کنار «کُلُوا» دستورات دیگری نیز ذکر شده است مانند:

الف: «کُلُوا ... وَ اشْکُرُوا» (۴)بخورید و خدا را شکر کنید.

۱- ۱) .اسراء،۱۲.

۲- ۲) .بحار،ج ۱۴،ص ۲۳۹.

۳- ۳) .تفسیر درّ المنثور.

۴- ۴) .سبأ،۱۵.

ب: «فَكَلُوا ... وَ أَطْعِمُوا» (۱)بخورید و اطعام کنید.

ج: «كُلُوا ... وَ لاٰ تُسْرِفُوا» (۲)بخورید و اسراف نکنید.

پیامبر اکرم(صلوات اللّٰه علیه)ذیل این آیه فرمودند:حضرت عیسی از دستمزد نخ ریسی مادرش مریم تغذیه می کرد. (۳)

امام صادق(علیه السلام)ذیل این آیه می فرماید:مراد از طیّب،حلال بودن است. (۴)

در حدیث می خوانیم:«ان الله لاـ یقبل عباده من فی جوفه لقمه من حرام»کسی که یک لقمه مال حرام خورده باشد،خداوند عبادت او را نمی پذیرد. (۵)

پیام ها

۱ انبیا نیز از موادّ غذایی و مواهب طبیعی بهره مند می شوند.(توقّع نابجا از انبیا ممنوع) «كُلُوا» ۲ برای دعوت مردم به حقّ،اوّل به فکر زندگی مادّی آنان باشیم. «كُلُوا ... وَ اعْمَلُوا» ۳ تمام ادیان الهی با رهبانیّت،انزوا و ریاضت مخالفند. «كُلُوا» (شاید فرمان بخورید بعد از نام عیسی برای جلوگیری از رهبانیّتی باشد که در مسیحیّت مطرح است) ۴ در آنچه می خورید،دو اصل مهم را فراموش نکنید:الف:حلال بودن.

ب:طیّب و پاکیزه بودن. «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبٰاتِ» ۵ غذا خوردن نیز باید هدفدار باشد،نه بر اساس هوس. «كُلُوا وَ اعْمَلُوا» ۶ عفّت در شکم و تقوا در عمل،مقارن هستند. «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبٰاتِ وَ اعْمَلُوا صٰالِحاً» ۷ توفیق عمل صالح،در سایه ی تغذیه حلال و طیب است. «الطَّيِّبٰاتِ صٰالِحاً» ۸ تغذیه ی طیّب و سالم و عمل صالح،مورد توجّه تمام ادیان الهی است. «يٰا أَيُّهَا الرُّسُلُ اَلطَّيِّبٰاتِ صٰالِحاً»

۱- ۱) .حج،۲۸.

۲- ۲) .اعراف،۳۱.

۳- ۳) .تفسیر درّ المنثور.

۴- ۴) .بحار،ج ۱۱،ص ۵۸.

۵- ۵) .تفسیر مراغی.

۹ اگر بخورید و عمل صالح انجام ندهید،خداوند حتّی به حساب انبیا می رسد.

«إِنِّی بِمٰا تَعْمَلُونَ عَلِیمٌ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۵۲ تا ۵۳]

اشاره

وَ إِنَّ هٰذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّةً وٰاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّکُمْ فَاتَّقُونِ (۵۲) فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَیْنَهُمْ زُبُراً کُلُّ حِزْبٍ بِمٰا لَدَیْهِمْ فَرِحُونَ (۵۳)

و البتّه این امت شما امت واحدی است،و من پروردگار شما هستم؛پس،از من پروا کنید.

امّا مردم کارشان را در میان خود به پراکندگی کشاندند،هر گروهی به راهی رفتند؛و هر حزب و دسته ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند.

نکته ها:

کلمه ی «زُبُراً» جمع«زبره»(بر وزن لقمه)به معنای قسمتی از موی پشت سر حیوان است که آن را از جمع و از بقیه جدا می کنند؛سپس این واژه به هر چیزی که مجزّای از دیگری است گفته شده است. (۱)

پیام ها

۱ در جهان بینی دینی و از دیدگاه الهی تمام امّت ها در حقیقت یک امّت هستند، «أُمَّةً وٰاحِدَةً» زیرا:

اصول دعوت همه ی پیامبران الهی یکی است.

نیازهای فطری و روحی و جسمی مردم یکی است.

خالق و پروردگار همه یکی است.

۲ تقوا و حفظ حریم،شایسته ی مقام ربوبی است. «وَ أَنَا رَبُّکُمْ فَاتَّقُونِ» ۳ ایجاد تفرقه،بلای بزرگی است که سابقه ای طولانی دارد. «فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ»

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

۴ تفرقه اندازی بی تقوایی است. «فَاتَّقُونِ فَتَقَطَّعُوا» ...

۵ اساس تفرقه،خودخواهی انسان هاست. «کُلُّ حِزْبٍ بِمٰا لَدَیْهِمْ فَرِحُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۵۴ تا ۵۶]

اشاره

فَذَرْهُمْ فِی غَمْرَتِهِمْ حَتّٰی حِینٍ (۵۴) أَ یَحْسَبُونَ أَنَّمٰا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مٰالٍ وَ بَنِینَ (۵۵) نُسٰارِعُ لَهُمْ فِی اَلْخَیْرٰاتِ بَلْ لاٰ یَشْعُرُونَ (۵۶)

پس آنان را تا مدّتی(که مرگشان فرا رسد یا به عذاب خدا مبتلا شوند)در ورطه ی جهل و غفلت رها کن.

آیا گمان می کنند که آنچه از مال و فرزند به آنان مدد می کنیم(برای این است که)

شتاب می کنیم که خیرهایی به آنان برسانیم؟(هرگز چنین نیست)بلکه آنان نمی فهمند(که مال و فرزند وسیله ی امتحان آنهاست).

نکته ها:

کلمه ی«غمره»به معنای غرقاب و مراد در اینجا غرق شدن اهل مکّه در جمود و تعصّب بت پرستی است.

پیام ها

۱ بدترین نوع گمراهی،آن است که خداوند انسان را به حال خود واگذارد.

«فَذَرْهُمْ»

۲ اختلاف و تفرقه،ورطه ی هلاکت و مایه ی قهر و غضب خدا و رسول است.

«فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ ... فَذَرْهُمْ فِی غَمْرَتِهِمْ» ۳ گودال بدبختی انسان را خود او حفر می کند. «غَمْرَتِهِمْ» ۴ منحرفان تفرقه جو،مهلت زیادی ندارند و قهر الهی در انتظارشان است. «حَتّٰی حِینٍ»

۵ مرفّهین ثروتمند،تحلیل ناروا دارند.رفاه،امکانات و فرزند پسر،سبب فریفته شدن آنان به خود و احساس محبوبیّت نزد خدا شده است.

«یَحْسَبُونَ»

...

۶ ارزیابی تنها بر مبنای مال و فرزند،نشانه ی بی شعوری است. «بَلْ لا یَشْعُرُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۵۷ تا ۵۹]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِینَ هُمْ مِنْ خَشْیَهِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (۵۷) وَ اَلَّذِینَ هُمْ بِآیاتِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ (۵۸) وَ اَلَّذِینَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لا یُشْرِکُونَ (۵۹)

همانا کسانی که از خوف پروردگارشان بیمناکند،

آنان که به آیات پروردگارشان ایمان دارند.

و به پروردگارشان شرک نمی ورزند.

نکته ها:

«خَشْیَهِ»

ترسی است که برخاسته از علم و شناخت باشد و«اشفاق»ترسی است که با محبّت و احترام آمیخته باشد.خشیت،بیشتر جنبه ی قلبی دارد و اشفاق جنبه ی عملی.آیه می فرماید:مؤمنان و سبقت گیرندگان در خیرات،کسانی هستند که در دل آنان ترس آمیخته با عظمت خدا جای کرده است و در عمل،حریم خدا را حفظ می کنند و حیا دارند.

پیام ها

۱ ترس از روی آگاهی و توجّه به عظمت خداوند،مایه ی رشد است. «مِنْ خَشْیَهِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ» ۲ ایمان آوردن به هر قانونی که خداوند می فرستد و دور شدن از انواع شرک ها، وظیفه ی دائمی ماست.(کلمه ی «یُؤْمِنُونَ » و «لا یُشْرِکُونَ » فعل مضارع و نشانه ی دوام و استمرار است)

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۶۰]

اشاره

وَ اَلَّذِينَ يُؤْتُونَ مٰا آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلىٰ رَبِّهِمْ رٰاجِعُونَ (۶۰)

و کسانی که(اموال خود را در راه خدا)می دهند آنچه را دادند،در حالی که دل هایشان ترسان است از این که سرانجام به سوی پروردگارشان باز می گردند.

نکته ها:

«وجل»به معنای اضطراب و نگرانی است.

تکامل معنوی انسان در چند مرحله صورت می پذیرد که در این آیات مطرح شده است:

مرحله ی اوّل؛علم و شناختی که مایه ی خشیت شود. «مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ» مرحله ی دوّم؛ایمان عمیق و دائمی به آنچه درک کرده است. «يُؤْمِنُونَ» مرحله ی سوّم؛دوری از انواع شرک ها،مخفی و آشکار. «لاٰ يُشْرِكُونَ» مرحله ی چهارم؛انفاق از آنچه خدا عطا نموده است. «يُؤْتُونَ» ...

مرحله ی پنجم؛مغرور نشدن و دغدغه داشتن که مبادا کارم ناقص یا عملم مردود یا وظیفه ام چیزی دیگری باشد و در قیامت پاسخ گو نباشم. «قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ»

پیام ها

۱ به انفاق خود مغرور نشویم. «يُؤْتُونَ ... وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ» ۲ ترس مؤمن از خداوند به خاطر حضور او در محضر پروردگار در روز قیامت است. «وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلىٰ رَبِّهِمْ رٰاجِعُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۶۱]

اشاره

أُولٰئِكَ يُسٰارِعُونَ فِي اَلْخَيْرٰاتِ وَ هُمْ لَهٰا سٰابِقُونَ (۶۱)

چنین کسانی،در خیرات شتاب می ورزند و همانان هستند که در(رسیدن به)خیرات از یکدیگر پیشی می گیرند.

نکته ها:

در آیه ۵۶ بیان شد که برخی از مردم تنها داشتن مال و فرزند را مایه ی سعادت و نشانه ی سرعت در خیر می دانند،امّا این آیه می فرماید:سرعت در خیر،علم و ایمان و اخلاص و

انفاق همراه با خوف و خشیت است،نه آنچه آنان می پندارند.

پیام ها

۱ ترس از خداوند و قیامت،سبب شتاب در کارهای خیر است. «مِنْ خَشْیَهِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ... أُولٰئِکَ» ...

۲ نشانه ی ایمان واقعی،سرعت دائمی در کارهای خیر است.(«یُسٰارِعُونَ » فعل مضارع،رمز استمرار است) ۳ سرعت و سبقت در کار خیر،یک ارزش است. «یُسٰارِعُونَ فِی الْخَیْرٰاتِ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۶۲]

اشاره

وَ لاٰ نُکَلِّفُ نَفْساً إِلاّٰ وُسْعَهٰا وَ لَدَیْنٰا کِتٰابٌ یَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لاٰ یُظْلَمُونَ (۶۲)

و ما هیچ کس را جز به مقدار توانش تکلیف نمی کنیم،و نزد ما کتابی است که به حقّ سخن می گوید(و بر کار مردم گواه است)و به آنان هیچ ستمی نمی شود.

نکته ها:

در فقه قاعده ای به نام قاعده ی«نفی عُسر و حَرَج»وجود دارد،که مبنای آن همین آیه است.

یعنی هر گاه تکلیفی موجب سختیِ غیر قابل تحمّل گردید،آن تکلیف ساقط می شود.

پیام ها

۱ گرچه سبقت و سرعت در کارهای خیر ارزش دارد،ولی افراط ممنوع است.

«إِلاّٰ وُسْعَهٰا»

۲ تکلیف همه ی انسان ها یکسان نیست.هر کس به مقدار توانِ جسمی،فکری و مالیش مکلّف است و خداوند تکلیف غنی را از فقیر نمی خواهد. «لاٰ نُکَلِّفُ نَفْساً إِلاّٰ وُسْعَهٰا» ۳ در جهان بینی الهی،هیچ کس گرفتار عقده و احساس حقارت نمی شود،چون بیش از توانش تکلیفی ندارد. «إِلاّٰ وُسْعَهٰا» (آری هر کس توانی دارد و

وظیفه ای،پس باید آرامش داشته باشیم) ۴ نظام آفرینش،حساب و کتاب دارد. «وَ لَدَيْنا كِتابٌ» ۵ برخی از شرایط مدیریّت در این آیه ذکر شده است،از جمله:

الف:آشنایی به توانایی افراد و واگذاری کار به مقدار توان آنان. «وُسْعَها» ب:نظارت دقیق بر کار و وظایف آنان. «كِتابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ» ج:عدالت در تنبیه یا تشویق آنان. «وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۶۳]

اشاره

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هٰذا وَ لَهُمْ أَعْمالٌ مِنْ دُونِ ذٰلِكَ هُمْ لَها عامِلُونَ (۶۳)

بلکه دل های آنان از این(کتاب)در غفلت و بی خبری است و علاوه بر این کارهایی(ناروا)دارند که انجام می دهند.

نکته ها:

در دو آیه ی قبل،درباره ی فرزانگان مخلص فرمود: «هُمْ لَها سابِقُونَ» در این آیه،درباره ی گروه منحرف می فرماید: «هُمْ لَها عامِلُونَ» آری،«هر کس با طینت خود می تند»و«از کوزه همان برون تراود که در اوست».

کلمه ی «بَلْ » در آغاز کلام،برای انتقال مطلب است.در آیات قبل سخن از نیکان بود،در این آیه سخن از کفّار است که عملشان غیر از عمل آنان است.

کلمه ی «غَمْرَةٍ » به معنای غرقاب و آبی است که تمام انسان را فراگیرد.گویا غفلت همه ی وجود آنان را فراگرفته است.

پیام ها

۱ ابتدا روح منحرف می شود،سپس رفتار تغییر می کند. «قُلُوبُهُمْ لَهُمْ أَعْمالٌ» ۲ بدتر از رفتار زشت،اصرار و تکرار آن است. «لَهُمْ أَعْمالٌ هُمْ لَها عامِلُونَ» ۳ انسان،ابتدا دست به کار خلاف می زند،سپس کار خلاف برای او عادت

ص: ۱۱۲

می شود و او را به خود جذب می کند،یعنی در مسیر عمل و ارتکاب آن قرار می گیرد و پس از ارتکاب گناه،اسیر آن می شود. «لَهُمْ أَعْمٰالٌ هُمْ لَهٰا عٰامِلُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۶۴ تا ۶۵]

اشاره

حَتّٰی إِذٰا أَخَذْنٰا مُتْرَفِیهِمْ بِالْعَذٰابِ إِذٰا هُمْ یَجْأَرُونَ (۶۴) لاٰ تَجْأَرُوا اَلْیَوْمَ إِنَّکُمْ مِنّٰا لاٰ تُنْصَرُونَ (۶۵)

(جهل و انحراف و کارهای ناپسند آنان هم چنان ادامه دارد)تا زمانی که مرفّهان(و خوشگذرانان مغرور)را به قهر خود گرفتار سازیم،در این هنگام است که ناله سر می دهند.

(امّا به آنان خطاب می شود:)امروز ناله نکنید،قطعاً شما از جانب ما یاری نخواهید شد.

نکته ها:

کلمه ی «یَجْأَرُونَ» از«جوار»به معنای زوزه ی سگ و شغال و گرگ هنگام صدمه دیدن است و تشبیه ناله ی مرفّهان غافل،به زوزه ی سگ،نشانه ی تحقیر و ذلّتی است که در برابر بدمستی های دنیوی داشته اند.

پیام ها

۱ برای گروه مرفّه و مغرور،جز عذاب الهی،وسیله ی دیگری برای هشیاری نیست. «حَتّٰی إِذٰا» ...

۲ پایان ناز و نعمت های غافلانه،ناله های عاجزانه خواهد بود. «یَجْأَرُونَ» در پس هر خنده آخر گریه ای است مرد آخربین،مبارک بنده ای است ۳ روز قیامت،روز کیفر است نه التماس. «لاٰ تَجْأَرُوا الْیَوْمَ» ۴ کسانی که با مال و امکانات خود،مردم را یاری نکردند،در قیامت یاری نمی شوند. «لاٰ تُنْصَرُونَ»

ص:۱۱۳

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۶۶ تا ۶۷]

اشاره

قَدْ کانَتْ آیاتِی تُتْلیٰ عَلَیْکُمْ فَکُنْتُمْ عَلیٰ أَعْقابِکُمْ تَنْکِصُونَ (۶۶) مُسْتَکْبِرِینَ بِهِ سامِراً تَهْجُرُونَ (۶۷)

همانا آیات من به طور مداوم بر شما تلاوت می شد ولی شما اعراض کرده، به عقب باز می گشتید.

در حالی که نسبت به آن(پیامبر و قرآن)تکبّر می ورزیدید و شب ها تا دیروقت بدگویی می کردید.

نکته ها:

«نکوص»به معنای بازگشت به عقب است و «عَلیٰ أَعْقابِکُمْ » تأکید آن است.

«سامِراً»

از«سمر»به معنای گفت و گوی شبانه است.

«هجر»به معنای جدایی و«هجر»ناسزا و فحش را گویند که سبب جدایی است.

پیام ها

۱ ارتجاع و اعراض از حقّ،از اوصاف مرفّهان و مستکبران است. «فَکُنْتُمْ عَلیٰ أَعْقابِکُمْ تَنْکِصُونَ» ۲ بی اعتنایی به انبیا،نشانه ی رشد و ترقّی نیست،بلکه عامل سقوط و عقب گرد است.دستورات و قوانین الهی،عامل رسیدن به تکامل و اعراض از آنها مایه ی سقوط است. «أَعْقابِکُمْ تَنْکِصُونَ» ۳ بدتر از عقب گرد و اعراض از حقّ،آن است که هدف از این عمل،استکبار باشد. «مُسْتَکْبِرِینَ بِهِ» ۴ کسی که روز منطق ندارد،شب یاوه سرایی می کند. «سامِراً تَهْجُرُونَ» ۵ کسی که حرف حساب ندارد،فحش می دهد. «تَهْجُرُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۶۸ تا ۷۰]

اشاره

أَ فَلَمْ یَدَّبَّرُوا اَلْقَوْلَ أَمْ جٰاءَهُمْ مٰا لَمْ یَأْتِ آبٰاءَهُمُ اَلْأَوَّلِینَ (۶۸) أَمْ لَمْ یَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْکِرُونَ (۶۹) أَمْ یَقُولُونَ بِهِ جِنَّهٌ بَلْ جٰاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَ أَکْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ کٰارِهُونَ (۷۰)

آیا آنها در این گفتار(قرآن)نیندیشیدند،یا مطالبی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟(لذا قبول حرف تازه برای آنان سخت است).

یا این که پیامبرشان را نشناختند(و از سوابق او آگاه نیستند)پس برای همین او را انکار می کنند؟

یا می گویند:او جنون دارد؟(چنین نیست)بلکه او حقّ را برای آنان آورده امّا بیشترشان از پذیرش حقّ کراهت دارند.

پیام ها

۱ نخستین عامل بدبختی مردم،تعطیل کردن اندیشه و تفکّر است. «أَ فَلَمْ یَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ» ۲ قرآن،کتاب تدبّر و اندیشه است.(نه فقط تلاوت و تجوید و...،و هر کس در آن تدبّر کند،حقّانیّت آن را می فهمد) «أَ فَلَمْ یَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ» ۳ خداوند در تمام دوران ها ندای خود را به مردم رسانده و اساس ادیان آسمانی یکی است. «أَمْ جٰاءَهُمْ مٰا لَمْ یَأْتِ» ۴ در تبلیغ و دعوت،تمام راه های بهانه جویی را برای مخالفان حقّ مسدود کنید. «أَمْ جٰاءَهُمْ مٰا لَمْ یَأْتِ» ، «أَمْ لَمْ یَعْرِفُوا» ۵ پیامبر باید در میان مردم(به خوبی)شناخته شده باشد تا بهانه ای برای انکار نباشد. «أَمْ لَمْ یَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ» ۶ گرچه انسان در برابر سخن تازه عکس العمل نشان می دهد،ولی نزول وحی تازگی ندارد. «أَمْ جٰاءَهُمْ مٰا لَمْ یَأْتِ آبٰاءَهُمُ الْأَوَّلِینَ»

ص: ۱۱۵

۷ دشمنان دین،برای حفظ مرام خود،شخصیّت مردان خدا را خدشه دار می کنند. «أَمْ یَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ» ۸ حقّ باید مطرح شود،اگر چه اکثریّت ناراحت شوند. «بَلْ جٰاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَ أَکْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ کٰارِهُونَ» ۹ بعضی کفّار،فطرت سالم دارند و حقّ را می پذیرند. «أَکْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ کٰارِهُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۷۱]

اشاره

وَ لَوِ اتَّبَعَ اَلْحَقُّ أَهْوٰاءَهُمْ لَفَسَدَتِ اَلسَّمٰاوٰاتُ وَ اَلْأَرْضُ وَ مَنْ فِیهِنَّ بَلْ أَتَیْنٰاهُمْ بِذِکْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِکْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (۷۱)

و اگر حقّ،از هوس های آنان پیروی می کرد،قطعاً آسمان ها و زمین و کسانی که در آنها هستند تباه می شدند،ولی ما قرآنی به آنها دادیم که مایه ی یاد(و شرف و حیثیت)آنهاست،امّا آنان از این یاد رویگردانند.

نکته ها:

اگر حقّ،تابع هوس های مردم باشد،نظام هستی فاسد و تباه می شود،زیرا:

۱ هوس های مردم حتّی هوس های یک نفر در زمان های مختلف،متضاد است.

۲ هوس های مردم،مفسده دارد.

۳ خواسته های مردم،یک بُعدی است و به ابعاد دیگر و آثار دور و نزدیک توجّه ندارد.

پیام ها

۱ حقّ،هرگز نباید تابع تمایلات و خواسته های مردم باشد. «وَ لَوِ اتَّبَعَ» ۲ اشراف کافر،دوست دارند که دین طبق میل آنان باشد. «وَ لَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ» ۳ حقّ پرستی با هوا پرستی تضاد دارد. «لَفَسَدَتِ» ۴ تمایلات و هوس های بشر،جهان را فاسد می کند. «لَفَسَدَتِ» ۵ نظم موجود در جهان،نشانه ی حقّانیّت و حکمت خداوند یکتاست. «وَ لَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ ... لَفَسَدَتِ»

ص: ۱۱۶

۶ در آسمان ها،موجودات زنده و با شعور وجود دارد. «مَنْ فِیهِنَّ» ۷ قرآن وسیله ی تذکّر است. «بِذِکْرِهِمْ» ۸ دین،وسیله بیداری و شرف ملّت ها و نجات آنان از نابودی است. «بِذِکْرِهِمْ» ۹ گاهی انسان از توجّه به آنچه سبب عزّت و نام نیک اوست اعراض می کند.

«فَهُمْ عَنْ ذِکْرِهِمْ مُعْرِضُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۷۲ تا ۷۴]

اشاره

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجاً فَخَرٰاجُ رَبِّکَ خَیْرٌ وَ هُوَ خَیْرُ اَلرّٰازِقِینَ (۷۲) وَ إِنَّکَ لَتَدْعُوهُمْ إِلیٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِیمٍ (۷۳) وَ إِنَّ اَلَّذِینَ لاٰ یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ عَنِ اَلصِّرٰاطِ لَنٰاکِبُونَ (۷۴)

آیا تو از آنها(در برابر دعوتت)مزدی خواسته ای؟ با این که پاداش دائمی پروردگارت بهتر،و او بهترین روزی دهندگان است.

و قطعاً تو مردم را به راه راست دعوت می کنی.

و همانا کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند،از راه راست منحرفند.

نکته ها:

«خرج»چیزی است که مصرف می شود،ولی«خراج»بودجه ی مستمری است که تعیین می شود. (۱)کلمه ی«نکب»به معنای انحراف است و«نکبت»،یعنی دنیا به او پشت کرده و بدبخت شده است.

روزی الهی چون خیر است، «فَخَرٰاجُ رَبِّکَ خَیْرٌ» چند مزیّت دارد:بی منّت،دائمی،زیاد و مبارک است.

در حدیث می خوانیم:کسانی که به جای اهل بیت پیامبر(صلوات اللّه علیه)سراغ دیگران بروند و رهبری آنان را بپذیرند،از راه راست منحرفند. (۲)

۱- ۱) .التحقیق فی کلمات القرآن.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

پیام ها

۱ در تبلیغ دین،نبایـد از مردم پـولی طلب کرد؛اگر خود آنهـا دادنـد حسـاب جـدایی دارد. «أَمْ تَسْـأَلُهُمْ» ۲ مردم در برابر پـول خواستن مبلّغ حسّاسیّت دارند. «أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجاً» ۳ مردم یک بار خرجی می دهند،ولی خداوند همیشه روزی می دهد.«خرج- خراج»(با توجّه به تفاوتی که میان«خرج»و«خراج» بیان شـد) ۴ روزی دادن به صورت مستمر،از شئون پروردگار است. «فَخَراجُ رَبِّکَ» ۵ خداونـد ضـامن روزی مبلّغـان دین است. «فَخَراجُ رَبِّکَ» ۶ واسـطه های رزق،شـما را نفریبنـد. «وَ هُوَ خَیْرُ الرّازِقِینَ» ۷ پیـامبر،منـادی راه درسـت است. «إِنَّکَ لَتَـدْعُوهُمْ إِلی صِـراطٍ مُسْـتَقِیمٍ» ۸ ایمـان بـه معـاد،عامـل پایـداری در راه راست و عـدم ایمان،عامل انحراف است.

«لا یُؤْمِنُونَ

لَناکِبُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۷۵]

اشاره

وَ لَوْ رَحِمْناهُمْ وَ کَشَفْنا ما بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُونَ (۷۵)

و(بر فرض)اگر بـه آنهـا رحـم کنیـم و(رنـج و عـذاب و)بـدبختی هـای آنـان را برطرف سـازیم(به جـای هوشـیاری و شـکر)در طغیانشان کوردلانه اصرار می ورزند.

نکته ها:

در تفسیر«کنز الدّقائق»و«روح البیان»می خوانیم:زمانی در مکّه قحطی شد،ابو سفیان از پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)درخواست دعا کرد،حضرت دست به دعا برداشت و قحطی برطرف گردید،سپس آیه ی فوق نازل شد.

طغیان در افراد مختلف،تفاوت دارد:

طغیان عالمان،در علم است که به وسیله ی تفاخر و مباهات جلوه می کند.

طغیان ثروتمندان در مال است که به وسیله ی بخل خود را نشان می دهد.

طغیان صالحان در عمل نیک است که به وسیله ی ریا و سُمعه(خودنمایی و شهرت طلبی)

نمایان می شود.

طغیان هواپرستان در پیروی از شهوت ها جلوه می کند. (۱)

پیام ها

۱ رفاه و آسایش،جلوه ی رحمت الهی است. «رَحِمْنٰاهُمْ وَ کَشَفْنٰا» ۲ خدمت و محبّت به افراد بی شخصیّت،بی ثمر است. «رَحِمْنٰاهُمْ لَلَجُّوا» ۳ انسان های بی ایمان،از فرصت ها و مهلت ها سوء استفاده می کنند. «لاٰ یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ ... لَلَجُّوا فِی طُغْیٰانِهِمْ» ۴ طغیانگری،انسان را سرگردان می کند. «فِی طُغْیٰانِهِمْ یَعْمَهُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۷۶]

اشاره

وَ لَقَدْ أَخَذْنٰاهُمْ بِالْعَذٰابِ فَمَا اسْتَکٰانُوا لِرَبِّهِمْ وَ مٰا یَتَضَرَّعُونَ (۷۶)

و همانا آنان را به عذاب گرفتار کردیم ولی آنان در برابر پروردگارشان نه تواضع کردند و نه تضرّع.

نکته ها:

در حدیث می خوانیم:«استکانت»خضوع است و«تضرع»دست ها را به دعا بلند کردن. (۲)

در آیه ی قبل،درباره ی کافران لجوج فرمود:اگر به آنان رحم کنیم،لجاجت می کنند و به راه نمی آیند؛در این آیه می فرماید:اگر آنان را با قهر خود بگیریم و عذابشان کنیم،باز هم به راه نمی آیند.شاعر می گوید: بر سیه دل چه سود خواندن وعظ نرود میخ آهنین بر سنگ

پیام ها

۱ هدف از قهر الهی در دنیا،بیداری غافلان است. «أَخَذْنٰاهُمْ ... فَمَا اسْتَکٰانُوا» ۲ گاهی کافران و گمراهان،در دنیا نیز به کیفرهای الهی مبتلا می شوند. «أَخَذْنٰاهُمْ»

۱- ۱) .تفسیر روح البیان.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

۳ کافران لجوج،نه با رحمت خداوند هدایت می شوند و نه با قهر و عذاب الهی. «فَمَا اسْتَکَانُوا» ۴ بدترین نوع تکبر،استکبار در برابر ربّ است. «فَمَا اسْتَکَانُوا لِرَبِّهِمْ» (انسان سنگدل به جایی می رسد که در برابر خدای بزرگ،هرگز خضوع و تضرّع و ناله نمی کند)

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۷۷]

اشاره

حَتّی إِذا فَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَاباً ذا عَذابٍ شَدِیدٍ إِذا هُمْ فِیهِ مُبْلِسُونَ (۷۷)

(نه رحمت در آنان اثر کرد و نه مؤاخذه،ما هم این سنگدلان را رها می کنیم)تا زمانی که دری از عذاب شدید به روی آنان بگشاییم(و چنان گرفتار شوند که)ناگهان در آن(عذاب)مأیوس شوند.

نکته ها:

«مبلس»از مادّه ی«ابلاس»به معنای اندوهی است که پس از وقوع حادثه ی تلخ و شدید به انسان دست می دهد و غالباً او را به سکوت و حیرت و یأس می کشاند. (۱)

پیام ها

۱ درهای عذاب،ابتدا به روی ما بسته است امّا سرسختی و لجاجت ما در برابر حقّ،سبب می شود که خداوند آن درها را باز کند. «فَتَحْنا» ۲ خداوند در مراحل تربیت،اصولی را اجرا می کند:

اوّل:با رحمت و مهربانی رفتار می کند. «وَ لَوْ رَحِمْناهُمْ وَ کَشَفْنا ما بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا» دوّم:با عذاب تنبیهی: «وَ لَقَدْ أَخَذْناهُمْ بِالْعَذابِ فَمَا اسْتَکانُوا» سوّم:با عذاب نهایی که مایه ی بیچارگی و درماندگی است. «عَذابٍ شَدِیدٍ» ۳ کسی که بخواهد با لجاجت،انبیا را به یأس کشاند،گرفتار قهری می شود که خود به یأس کشیده شود. «مُبْلِسُونَ»

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

۴ در عذاب نهایی،جایی برای توبه و نجات نیست و عذاب شدگان مأیوس می شوند. «مُبْلِسُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۷۸ تا ۸۰]

اشاره

وَ هُوَ اَلَّذِی أَنْشَأَ لَکُمُ اَلسَّمْعَ وَ اَلْأَبْصٰارَ وَ اَلْأَفْئِدَهَ قَلِیلاً مٰا تَشْکُرُونَ (۷۸) وَ هُوَ اَلَّذِی ذَرَأَکُمْ فِی اَلْأَرْضِ وَ إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ (۷۹) وَ هُوَ اَلَّذِی یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ لَهُ اِخْتِلاٰفُ اَللَّیْلِ وَ اَلنَّهٰارِ أَ فَلاٰ تَعْقِلُونَ (۸۰)

و اوست که برای شما گوش و چشم ها و دل ها آفرید،چه اندک سپاس گزارید.

و اوست که شما را در زمین آفرید و به سوی او محشور می شوید.

و اوست که زنده می کند و می میراند؛و رفت و آمد شب و روز برای اوست، پس آیا نمی اندیشید؟

پیام ها

۱ راه های شناخت،از بزرگ ترین نعمت های الهی اند. «أَنْشَأَ لَکُمُ السَّمْعَ» ...

۲ راه شناخت،در محسوسات منحصر نیست،بلکه دل نیز ابزار شناخت است.

«السَّمْعَ وَ الْأَبْصٰارَ وَ الْأَفْئِدَهَ»

۳ شکر مُنعم واجب است و کسی که از نعمت ها درست استفاده نکند،ناسپاس و مورد توبیخ است. «قَلِیلاً مٰا تَشْکُرُونَ» ۴ یاد نعمت های الهی،زمینه ی شناخت و شکر است. «تَشْکُرُونَ» ۵ آفرینش انسان،هدفدار است. «ذَرَأَکُمْ وَ إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ» ۶ اندیشه و تعقّل،انسان را به توحید می رساند. «وَ هُوَ الَّذِی ... أَ فَلاٰ تَعْقِلُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۸۱ تا ۸۳]

اشاره

بَلْ قٰالُوا مِثْلَ مٰا قٰالَ اَلْأَوَّلُونَ (۸۱) قٰالُوا أَ إِذٰا مِتْنٰا وَ كُنّٰا تُرٰاباً وَ عِظٰاماً أَ إِنّٰا لَمَبْعُوثُونَ (۸۲) لَقَدْ وُعِدْنٰا نَحْنُ وَ آبٰاؤُنٰا هٰذٰا مِنْ قَبْلُ إِنْ هٰذٰا إِلاّٰ أَسٰاطِيرُ اَلْأَوَّلِينَ (۸۳)

(کافران هدایت نشدند)بلکه سخنی همانند گفته ی پیشینیان گفتند.

گفتند:آیا اگر مردیم و خاک و استخوان هایی(پوسیده)شدیم،آیا ما بار دیگر برانگیخته خواهیم شد؟

البتّه این حرف از قبل،به ما و پدران ما وعده داده شده،این(حرف ها و وعده ها)جز افسانه های پیشینیان(چیزی)نیست.

نکته ها:

«أَسٰاطِيرُ»

جمع«اسطوره»و به معنای افسانه های دروغین است.این کلمه نُه بار در قرآن،از زبان کفّار در برابر انبیا به کار رفته است.

پیام ها

۱ کفّار در انکار معاد حرف تازه ای ندارند. «مِثْلَ مٰا قٰالَ الْأَوَّلُونَ» ۲ کفّار،منطق و استدلال ندارند و تنها حربه ی آنان در برابر حقّ،تعجب همراه با انکار است. «أَ إِذٰا» ۳ عدم تعقّل،ریشه ی انکار حقّ است.(توجّه به مرگ و حیات و گردش شب و روز،زمینه ساز ایمان به معاد می شود) «يُحْيِي وَ يُمِيتُ ... أَ فَلاٰ تَعْقِلُونَ ... قٰالُوا أَ إِذٰا مِتْنٰا»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۸۴ تا ۸۷]

اشاره

قُلْ لِمَنِ اَلْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهٰا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۴) سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ قُلْ أَ فَلاٰ تَذَكَّرُونَ (۸۵) قُلْ مَنْ رَبُّ اَلسَّمٰاوٰاتِ اَلسَّبْعِ وَ رَبُّ اَلْعَرْشِ اَلْعَظِيمِ (۸۶) سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ قُلْ أَ فَلاٰ تَتَّقُونَ (۸۷)

(به این کفّار)بگو:اگر شما علم دارید،(بگویید)زمین و کسانی که در آن زندگی می کنند از کیست؟

آنان خواهند گفت:برای خداست بگو:پس آیا متذکّر نمی شوید؟

ص: ۱۲۲

بگو:پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست؟

(باز هم)خواهند گفت:برای خداست،بگو:آیا پروا نمی کنید؟

نکته ها:

«رَبُّ»

به مالکی گفته می شود که درصدد حفظ و تدبیر ملک خود باشد.

«عرش»مرکز فرماندهی خداوند و غیر از آسمان های هفتگانه است.

پیام ها

۱ ریشه ی شرک،جهل و غفلت است. «لِمَنِ الْأَرْضُ ... إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» ۲ یکی از شیوه های تبلیغ،طرح سؤال است. «لِمَنِ الْأَرْضُ» ۳ علم مفید آن است که انسان را خداشناس کند. «لِمَنِ الْأَرْضُ ... إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» ۴ هر انسان آگاهی می داند که زمین و همه ی کسانی که در آن هستند،بی صاحب و بی حساب نیست. «سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ» ۵ و جدان،بهترین داور است. «سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ» ۶ از گفتارها و پاسخ های خود مردم،سند موعظه و استدلال آماده کنید. «قُلْ أَ فَلاَ تَذَكَّرُونَ» ۷ آسمان های هفتگانه و تمام هستی،تحت تدبیر اوست. «رَبُّ السَّمَاوَاتِ» ...

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۸۸ تا ۹۰]

اشاره

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لاَ يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۸) سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ قُلْ فَأَنّٰى تُسْحَرُونَ (۸۹) بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۹۰)

بگو:اگر می دانید(بگویید)فرمانروایی همه ی موجودات به دست کیست؟ او که(به همه)پناه می دهد،ولی هیچ کس در برابر او پناه ندارد.

ص :۱۲۳

به زودی خواهند گفت:(حکومت بر همه چیز)برای خداست.بگو:پس چگونه(می گویید پیامبر شما را سحر کرده و)شما مسحور او شده اید؟

(ما آنان را سحر نمی کنیم)بلکه حقّ را برای آنان آوردیم،و قطعاً آنان دروغ می گویند.

نکته ها:

قرآن در سوره ی یس می فرماید: «إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَیْئاً أَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ فَسُبْحانَ الَّذِی بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْءٍ» (۱)هر گاه خداوند چیزی را اراده کند،فرمان می دهد و آن،آفریده می شود؛پس منزّه است خداوندی که ملکوت همه چیز به دست اوست.(بنا بر این کلمه ی ملکوت به معنای قدرت مطلقه بر هستی است) کلمات «یُجِیرُ » و «یُجارُ » از ریشه ی«جوار»به معنای همسایگی است.از آنجا که یکی از حقوق همسایگی،حمایت از همسایه در برابر سوء قصد دیگران است،لذا این کلمه به معنای پناه دادن و حمایت کردن بکار می رود. (۲)

مراد از حقّ در آیه «أَتَیْناهُمْ بِالْحَقِّ» یا معاد است یا قرآن،یا منطق و استدلال توحیدی.

پیام ها

۱ نحوه ی گفتگو با مخالفان را از قرآن بیاموزیم. «قُلْ» ۲ در شیوه ی تبلیغ،از فطرت های سالم و باورهای صحیح مردم،در راه رشد و هدایت آنان کمک بگیریم. «قُلْ مَنْ بِیَدِهِ» ...

۳ مالکیت خداوند گسترده و همه جانبه است. «مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْءٍ» ۴ پناه دادن خداوند،دائمی،مطلق و انحصاری است. «وَ هُوَ یُجِیرُ»

ص: ۱۲۴

۱- ۱) .یس،۸۲ تا ۸۳.

۲- ۲) .تفسیر المیزان.

۵ در برابر قهر خداونـد،هیچ پناهگاهی نیست. «وَ لاٰ یُجٰارُ عَلَیْهِ» ۶ حاکمیّت مطلقه خداوند را تنها عالمان در می یابند. «إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» ۷ در برابر عقاید انحرافی دیگران،موضع روشنی بگیرید. «بَلْ أَتَیْنٰاهُمْ بِالْحَقِّ» ۸ کارهای خداوند،حقّ و حکیمانه است. «بِالْحَقِّ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۹۱]

اشاره

مَا اِتَّخَذَ اَللّٰهُ مِنْ وَلَدٍ وَ مٰا کٰانَ مَعَهُ مِنْ إِلٰهٍ إِذاً لَذَهَبَ کُلُّ إِلٰهٍ بِمٰا خَلَقَ وَ لَعَلاٰ بَعْضُهُمْ عَلیٰ بَعْضٍ سُبْحٰانَ اَللّٰهِ عَمّٰا یَصِفُونَ (۹۱)

خداونـد هیـچ گونه فرزنـدی برای خود نگرفته است،و هیـچ معبودی بـا او نیست،(و اگر جز این بود،)قطعاً هر خـدایی به سوی آفریـده ی خـود می رفت،و بی تردیـد بعضـی از خـدایان بر بعضـی دیگر برتری می جسـت(و بـا ایـن کـار،هسـتی تبـاه می شد)خداوند از آنچه(مشرکان)توصیف می کنند منزّه است.

پیام ها

۱ عقیـده به هر گونه فرزند برای خداوند ممنوع است.(خواه عیسـی را فرزند او بدانیم یا فرشـتگان و دیگران را) «مِنْ وَلَدٍ» ۲ هر مخلوقی در سیطره ی خـالق است. «لَذَهَبَ کُلُّ إِلٰهٍ بِمٰا خَلَقَ» ۳ تعـدّد مـدیریّت،مانع موفّقیّت است. «لَذَهَبَ کُلُّ إِلٰهٍ بِمٰا خَلَقَ» ۴ نظـام هماهنـگ و سامـان یـافته،نشـانه یکتـایی خداونـد است. «إِذاً لَذَهَبَ کُلُّ إِلٰهٍ» ۵ داشـتن فرزنـد و شـریک،نشـانه ی نیـاز و محـدودیّت است،و لازمه محـدودیّت، برتری جویی است. «لَذَهَبَ لَعَلاٰ» ۶ تضاد میان قـدرت ها،عامل فساد و ناپایـداری است. «لَعَلاٰ بَعْضُهُمْ عَلیٰ بَعْضٍ» ۷ هر گـاه تصـورات غلـط و انحرافی دیگران را بـازگو کردیـم،برای پاکسـازی روح خـود و دیگران خداوند را تسبیح کنیم. «سُبْحٰانَ اللّٰهِ عَمّٰا یَصِفُونَ» ۸ خدا را از همه ی انحراف ها و خرافه ها دور و منزّه بدانیم. «عَمّٰا یَصِفُونَ»

ص: ۱۲۵

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۹۲ تا ۹۴]

اشاره

عالِمِ اَلْغَیْبِ وَ اَلشَّهادَهِ فَتَعالی عَمّا یُشْرِکُونَ (۹۲) قُلْ رَبِّ إِمّا تُرِیَنِّی ما یُوعَدُونَ (۹۳) رَبِّ فَلا تَجْعَلْنِی فِی اَلْقَوْمِ اَلظّالِمِینَ (۹۴)

(اوست که)به غیب و شهود(نهان و آشکار)آگاه است؛پس از هر چیزی که برای او شریک می گیرند برتر است.

بگو: پروردگارا! اگر آنچه را(از عذاب)که به آنان وعده داده شده (می خواهی)به من نشان دهی.

پس پروردگارا! مرا در میان قوم ستمگر قرار مده.

نکته ها:

امام صادق(علیه السلام)درباره ی جمله «عالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ » فرمود:غیب آن است که واقع نشده و شهادت چیزی است که محقّق گشته باشد. (۱)

پیام ها

۱ علم خداوند به همه چیز،رمز بی نیازی او از شریک است. «ما کانَ مَعَهُ مِنْ إِلهٍ ...

عالِمِ الْغَیْبِ»

۲ علم خداوند نسبت به غیب و شهود یکسان است. «عالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ» ۳ آگاهی به غیب مهم تر و مسائل غیبی بیشتر است.(در تمام قرآن،کلمه ی غیب قبل از شهادت آمده است). «عالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ» ۴ پیامبر(صلوات اللّه علیه)امین وحی است.حتّی کلمه ی «قُلْ » را نقل می کند.

۵ حضور در میان ظالمان،خطر گرفتاری به عذاب های الهی را در پی دارد. «فِی الْقَوْمِ الظّالِمِینَ»

ص: ۱۲۶

۱- ۱) .معانی الاخبار،ص ۱۴۶.

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۹۵]

اشاره

وَ إِنّا عَلی أَنْ نُرِیَکَ ما نَعِدُهُمْ لَقادِرُونَ (۹۵)

و بدون شک ما می توانیم آنچه را به آنان وعده می دهیم به تو نشان دهیم.

نکته ها:

خداوند در این آیه پیامبرش را دلداری داده است که قدرت دارد گمراهان و کافران را عذاب کند امّا به دلایلی عذاب آنان را به تأخیر می اندازد از جمله:

الف:به آنان مهلت می دهد تا توبه کنند.

ب:با آنان اتمام حجّت کند.

ج:در آینده افراد مؤمنی از نسل آنان به وجود می آید.

د:به خاطر وجود پیامبر(صلوات اللّه علیه)که مایه ی رحمت و برکت است.

پیام ها

۱ تأخیر عذاب،نشانه ی ناتوانی خداوند نیست. «لَقادِرُونَ» ۲ از اینکه عاقبت کفّار را به چشم خود نمی بینید،در قدرت خداوند شک نکنید.

«نُرِیَکَ ما نَعِدُهُمْ لَقادِرُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۹۶ تا ۹۸]

اشاره

اِدْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ اَلسَّیِّئَهَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِما یَصِفُونَ (۹۶) وَ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزاتِ اَلشَّیاطِینِ (۹۷) وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَنْ یَحْضُرُونِ (۹۸)

(ای پیامبر!)بدی را به بهترین روش دفع کن.(در مقام انتقام و مقابله به مثل مباش)ما به آنچه مخالفان توصیف می کنند آگاه تریم.(می دانیم که مشرکان مرا به گرفتن فرزند و شریک و تو را به سحر و جادو توصیف می کنند)

و بگو:پروردگارا! من از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم.

و پناه می برم به تو ای پروردگار! از این که آنان نزد من حاضر شوند.

ص: ۱۲۷

پیام ها

۱ پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)تحت تربیت خداوند و مأمور برخورد به بهترین شیوه با بدی های دشمنان است. «ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ» ۲ بدی را می توان با بدی پاسخ داد ولی این،برای رهبر شایسته نیست. «ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ» ۳ ایمان ما به علم خداوند،عامل صبر و حلم در ماست. «نَحْنُ أَعْلَمُ» ۴ پناه دادن از شئون ربوبیّت است. «رَبِّ أَعُوذُ بِکَ» ۵ پیامبران نیز باید به خدا پناه ببرند. «قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِکَ» ۶ پناه بردن به خداوند باید مکرر و جدی باشد.(تکرار «أَعُوذُ ») ۷ تنها پناهگاه مطمئن خداست. «بِکَ» ۸ یکی از راه های نفوذ شیطان،اشاره ها و وسوسه های او نسبت به برخوردهای بد ما با دیگران است. «هَمَزاتِ» ۹ شیاطین،متعدّد و وسوسه های آنان نیز گوناگون است. «هَمَزاتِ الشَّیاطِینِ» ۱۰ شیطان ها در انبیا نیز طمع دارند. «هَمَزاتِ الشَّیاطِینِ» ۱۱ بالاتر از وسوسه،حضور شیطان هاست. «أَنْ یَحْضُرُونِ» ۱۲ حضور افراد فاسد و مفسد در جامعه،مقدّمه فساد دیگران است. «یَحْضُرُونِ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۹۹ تا ۱۰۰]

اشاره

حَتّی إِذا جاءَ أَحَدَهُمُ اَلْمَوْتُ قالَ رَبِّ اِرْجِعُونِ (۹۹) لَعَلِّی أَعْمَلُ صالِحاً فِیما تَرَکْتُ کَلاّ إِنَّها کَلِمَةٌ هُوَ قائِلُها وَ مِنْ وَرائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ (۱۰۰)

(آنها هم چنان به توصیف های ناروا و کردارهای زشت خود ادامه می دهند)تا زمانی که مرگ به سراغ یکی از آنان آید،می گوید:پروردگارا! مرا بازگردان.

شاید در آنچه از خود به جای گذاشته ام(از مال و...)کار نیکی انجام دهم.

(به او گفته می شود:)هرگز.این گفته سخنی است که(به ظاهر)می گوید (ولی اگر برگردد،به آن عمل نمی کند)و در پی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.

پیام ها

۱ غرور و غفلت برای گروهی دائمی است. «حَتّٰی إِذٰا» ۲ منحرفان روزی بیدار خواهند شد و تقاضای بازگشت به دنیا خواهند کرد،امّا آن تقاضا نشدنی است. «رَبِّ ارْجِعُونِ» ۳ ضایع کردن عمر و فرصت،سبب حسرت در هنگام مرگ است. «رَبِّ ارْجِعُونِ» ۴ تقاضای بازگشت از سوی کفّار جدی است ولی قول آنان در مورد صالح شدن مشکوک است. «لَعَلِّی أَعْمَلُ» ۵ عمل صالح،زاد و توشه ی بعد از مرگ است. «ارْجِعُونِ لَعَلِّی أَعْمَلُ صٰالِحاً» ۶ کسانی که مُکنت و امکاناتی دارند،باید بیشتر عمل صالح انجام دهند. «أَعْمَلُ صٰالِحاً فِیمٰا تَرَکْتُ» ای که دستت می رسد کاری بکن پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار ۷ دنیا مزرعه ی آخرت است. «أَعْمَلُ صٰالِحاً فِیمٰا تَرَکْتُ» ۸ اقرار کافران به اشتباه،تنها با زبان است و پشتوانه ی قلبی ندارد. «إِنَّهٰا کَلِمَةٌ هُوَ قٰائِلُهٰا»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۱۰۱ تا ۱۰۳]

اشاره

فَإِذٰا نُفِخَ فِی اَلصُّورِ فَلاٰ أَنْسٰابَ بَیْنَهُمْ یَوْمَئِذٍ وَ لاٰ یَتَسٰاءَلُونَ (۱۰۱) فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوٰازِینُهُ فَأُولٰئِکَ هُمُ اَلْمُفْلِحُونَ (۱۰۲) وَ مَنْ خَفَّتْ مَوٰازِینُهُ فَأُولٰئِکَ اَلَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِی جَهَنَّمَ خٰالِدُونَ (۱۰۳)

پس آن گاه که در صور دمیده شود،در آن روز نه میانشان خویشاوندی است و نه(از حال یکدیگر)سؤال می کنند.

پس کسانی که کفّه ی اعمالشان سنگین باشد،ایشان همان رستگارانند.

ص: ۱۲۹

و کسانی که کفّه ی اعمالشان سبک باشد،پس آنان کسانی هستند که سرمایه ی وجود خود را از دست داده اند و همیشه در جهنّم می مانند.

نکته ها:

سؤال:در بعضی آیات آمده است که در قیامت مردم از یکدیگر سؤال می کنند، «وَ أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلیٰ بَعْضٍ یَتَسٰاءَلُونَ» (۱)و یا اهل بهشت از دوزخیان می پرسند:چه چیز باعث شد که شما به دوزخ در آیید؟ «مٰا سَلَکَکُمْ فِی سَقَرَ» (۲)پس چرا در آیه ی مورد بحث می فرماید:مردم از یکدیگر سؤال نمی کنند «وَ لاٰ یَتَسٰاءَلُونَ» دلیل این تفاوت چیست؟ پاسخ:این دو مطلب با هم منافاتی ندارند؛در مورد اوّل که می فرماید:«مردم از همدیگر سؤال می کنند»این مربوط به پس از رسیدگی به حساب و کتاب است و درباره ی اهل بهشت و دوزخ است که مطالبی از یکدیگر می پرسند،ولی آیه ی مورد بحث درباره ی آغاز قیامت و زمان حساب و مرحله ی پیش از ورود مردم به بهشت یا دوزخ است که می فرماید:از یکدیگر سؤال نمی کنند. (۳)

پیام ها

۱ آغاز رستاخیز با نفخ صور است. «فَإِذٰا نُفِخَ ... فَلاٰ أَنْسٰابَ» ۲ در قیامت،اسناد افتخار دنیوی محو می شود. «فَلاٰ أَنْسٰابَ بَیْنَهُمْ» ۳ همه ی عمل های دنیوی حساب و کتاب دارند. «فَمَنْ ثَقُلَتْ وَ مَنْ خَفَّتْ» ۴ برای هر کاری میزانی است. «مَوٰازِینُهُ» ۵ بزرگ ترین خسارت انسان،هدر دادن عمر و استعدادهای خویش است.

«خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ»

۱- ۱) .صافات،۲۷؛طور،۲۵.

۲- ۲) .مدثّر،۴۲.

۳- ۳) .المیزان،ج ۱۵،ص ۶۹.

۶ رستگاران،کسانی هستند که برای قیامت ذخایری داشته باشند. «هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

[سوره المؤمنون (٢٣): آيات ١٠۴ تا ١٠۵]

اشاره

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ اَلنّٰارُ وَ هُمْ فِيهٰا كٰالِحُونَ (١٠۴) أَ لَمْ تَكُنْ آيٰاتِي تُتْلىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهٰا تُكَذِّبُونَ (١٠۵)

آتش،صورت آنها را می سوزاند و آنان در دوزخ چهره ای(زشت و) عبوس دارند.(با لب هایی وارونه و دندان هایی آشکار).

(به آنان گفته می شود:)آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد،پس آنها را دروغ می شمردید؟

نکته ها:

کلمه ی«لفح»به معنای سوزاندن چهره و کلمه ی«کلح»به معنای برگشتن لب و آشکار شدن دندان هاست.

پیام ها

١ آتش هر لحظه و پیوسته صورت های دوزخیان را می سوزاند.(«تَلْفَحُ » فعل مضارع و رمز استمرار است) ٢ کفّار در دوزخ،هم عذاب جسمی دارند، «تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ» و هم توبیخ و عذاب روحی. «أَ لَمْ تَكُنْ» ...

٣ تغییر صورت توسّط آتش،مایه ی تحقیر گنهکاران می گردد. «كٰالِحُونَ» ۴ عذاب خداوند بعد از اتمام حجّت است. «تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ ... أَ لَمْ تَكُنْ آيٰاتِي تُتْلىٰ» ۵ اصرار بر تکذیب،اساسی ترین رمز رفتن به دوزخ است. «فَكُنْتُمْ بِهٰا تُكَذِّبُونَ»

ص:١٣١

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۱۰۶ تا ۱۰۸]

اشاره

قالُوا رَبَّنا غَلَبَتْ عَلَيْنا شِقْوَتُنا وَ كُنّا قَوْماً ضالِّينَ (۱۰۶) رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْها فَإِنْ عُدْنا فَإِنّا ظالِمُونَ (۱۰۷) قالَ اِخْسَؤُا فِيها وَ لا تُكَلِّمُونِ (۱۰۸)

گویند:پروردگارا! شقاوت(و بدبختی)ما بر ما چیره شد و گروهی گمراه بودیم.

پروردگارا! ما را از دوزخ بیرون آور،اگر بار دیگر(به کفر و گناه) بازگشتیم قطعاً ستمگریم.

(خداوند به آنان)گوید:دور شوید و در آتش گم شوید و با من سخن مگویید.

نکته ها:

کلمه ی«خسأ»به معنای دور شدن همراه با توهین است که به سگ گفته می شود.

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)فرمود:با کسی که شراب می نوشد ننشینید که آنان سگان دوزخند.سپس این آیه را تلاوت فرمودند: (۱)«قالَ اخْسَؤُا فِيها» ...

در حدیثی آمده که صورت دوزخیان بعد از شنیدن «اخْسَؤُا » به صورت قطعه گوشتی در می آید که تنها نفس می کشد. (۲)

امام صادق(علیه السلام)فرمود:دوزخیان به خاطر اعمالشان شقاوت مند شدند. (۳)

پیام ها

۱ وجدان ها در قیامت بیدار می شوند و مجرمان به گناهان خود ذلیلانه اعتراف می کنند. «غَلَبَتْ عَلَيْنا شِقْوَتُنا» ۲ دوری از راه انبیا،مایه ی شقاوت و بدبختی است. «آياتِي تُتْلى، غَلَبَتْ عَلَيْنا شِقْوَتُنا» ۳ خداوند در قیامت با کوبنده ترین کلمات،با کفّار سخن می گوید. «اخْسَؤُا فِيها وَ لا تُكَلِّمُونِ»

ص: ۱۳۲

۱- ۱) .بحار،ج ۷۶،ص ۱۴۷

۲- ۲) .تفسیر درّ المنثور.

۳- ۳) .توحید صدوق،ص ۳۵۶.

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۱۰۹]

اشاره

إِنَّهُ کانَ فَرِیقٌ مِنْ عِبادِی یَقُولُونَ رَبَّنا آمَنّا فاغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا وَ أَنْتَ خَیْرُ اَلرّاحِمِینَ (۱۰۹)

(آیا شما فراموش کردید که)گروهی از بندگان من می گفتند:پروردگارا! ایمان آوردیم،پس ما را ببخش و بر ما رحم کن و تو بهترین رحم کنندگانی.

پیام ها

۱ خداوند،زخم زبان منحرفین به مؤمنین را بی پاسخ نمی گذارد. «إِنَّهُ کانَ» ...

۲ دعا به درگاه خداوند در دنیا مفید است، «کانَ فَرِیقٌ مِنْ عِبادِی یَقُولُونَ رَبَّنا» ...ولی دعا و التماس در قیامت مفید نیست. «رَبَّنا أَخْرِجْنا ... قالَ اخْسَؤُا» ۳ بندگان خداوند همواره از کاستی های خود بیمناک بوده و استغفار می کنند.

«کانَ

... یَقُولُونَ رَبَّنا» ...

۴ ایمان مقدّمه ی مغفرت و مغفرت،مقدّمه ی دریافت رحمت الهی است. «آمَنّا فَاغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا» ۵ سرچشمه ی مهربانی ها خداست. «وَ أَنْتَ خَیْرُ الرّاحِمِینَ» ۶ از آداب دعا،تجلیل از خداوند است. «وَ أَنْتَ خَیْرُ الرّاحِمِینَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۱۱۰]

اشاره

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِیًّا حَتّی أَنْسَوْکُمْ ذِکْرِی وَ کُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَکُونَ (۱۱۰)

(امّا)شما آنان را به مسخره گرفتید تا آن که(با این کار)یاد مرا از خاطرتان بردند و شما به آنان می خندیدید.

نکته ها:

بین «سِخْرِیًّا» و «سِخْرِیًّا» تفاوت بسیاری است.اگر در جامعه روابط انسان ها بر اساس همدلی،تعاون و خدمت باشد و همه ی افراد از هنر و ابتکار یکدیگر بهره مند شوند،جامعه رشد می یابد،تقویت می شود و همه ی کارها سامان می یابد که آیه ی شریفه ی «لِیَتَّخِذَ

بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيًّا» (۱)این پیام را دارد.امّا اگر روابط افراد بر اساس تحقیر،تضعیف و دشنام و دلسردی باشد،چنین جامعه ای فراموشی خدا و سقوط را در پی خواهد داشت و آیه ی مورد بحث این معنا را بازگو می کند. «فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا» اینکه مؤمنین وسیله ی غفلت کفّار قلمداد شده اند، «أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي» شاید به خاطر آن باشد که اگر مؤمنین نبودند،حقیقت حقّ ستیزی آنان آشکار نمی شد. (۲)

پیام ها

۱ کیفر توهین کردن،توهین شدن است.(خداوند از مؤمنین حمایت می کند و اهانت به آنان را پاسخ می دهد) «فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا اِخْسَؤُا فِيها» ۲ بی اعتنایی به مراسم دعا و نیایش بندگان خدا،بی اعتنایی خدا را به دنبال دارد.

«سِخْرِيًّا

وَ لا تُكَلِّمُونِ» ۳ مؤمنین همواره در معرض تمسخر کفّار هستند. «وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ» ۴ کیفر مسخره کردن مؤمنان،فراموش کردن یاد خداست. «أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي» ۵ خنده ی تحقیرآمیز از گناهان کبیره است. (۳)«وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ» (حساب خنده های معمولی از خنده های مستکبرانه جداست)

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۱۱۱ تا ۱۱۴]

اشاره

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ اَلْيَوْمَ بِما صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ اَلْفائِزُونَ (۱۱۱) قالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي اَلْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ (۱۱۲) قالُوا لَبِثْنا يَوْماً أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْئَلِ اَلْعادِّينَ (۱۱۳) قالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلاّ قَلِيلاً لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱۴)

من امروز به خاطر آن که(مؤمنان در برابر تمسخر و خنده ی شما)صبر کردند،به آنان پاداش دادم که ایشانند رستگاران.

۱- ۱) .زخرف،۳۲.

۲- ۲) .تفسیر راهنما.

۳- ۳) .هر گناهی که وعده عذاب را بدنبال داشته باشد،از گناهان کبیره است و چون برای خنده تحقیرآمیز به مؤمنین دوزخ مطرح است،پس گناه کبیره است.

(خداوند)از آنان می پرسد:شما در زمین چقدر ماندید؟

می گویند:یک روز یا بخشی از یک روز،پس از شمارگران بپرس.

می گوید:اگر آگاهی داشتید می دانستید که جز اندکی درنگ نکرده اید.

نکته ها:

کلمه«فوز»به معنای رسیدن به مقصود است.

در قیامت از مردم سؤال می شود:شما چه مدّتی در دنیا اقامت داشتید؟ «کَمْ لَبِثْتُمْ» این سؤال چندین بار در قرآن مطرح شده و هرکس طبق پندار خود پاسخی می دهد از جمله:

ما به مقدار ساعتی از یک روز،در دنیا ماندیم. «سٰاعَةً مِنْ نَهٰارٍ» (۱)یک شامگاه،یا یک صبح. «عَشِیَّةً أَوْ ضُحٰاهٰا» (۲)یک روز یا قسمتی از یک روز. «یَوْماً أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ» (۳)ممکن است مراد از «کَمْ لَبِثْتُمْ فِی الْأَرْضِ » مدّت توقّف در قبر و عالم برزخ باشد.

پیام ها

۱ پاداش صابران،از طرف خود خداوند است. «إِنِّی جَزَیْتُهُمُ» (صبر در برابر أذیّتها،نیش ها و تمسخرها پاداش بزرگی دارد) ۲ رستگاری در سایه ی استقامت است. «أَنَّهُمْ هُمُ الْفٰائِزُونَ» ۳ در قیامت تنها گروه رستگار صابرانند. (۴)«أَنَّهُمْ هُمُ الْفٰائِزُونَ» صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید.

۴ حسرت بزرگ آن است که انسان برای لذّت و راحتی چند روزه،دوزخ و عذاب همیشگی را خریداری کند. «لَبِثْنٰا یَوْماً»

۱- ۱) .احقاف،۳۵.

۲- ۲) .نازعات،۴۶.

۳- ۳) .مؤمنون،۱۱۳.

۴- ۴) .ضمیر«هم»در کنار«انّهم»،اشاره به انحصار رستگاری در آن گروه است.

۵ به مهلت روزگار مغرور نشوید،که مدّتی بسیار اندک است. «یَوْماً أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ» ۶ همه ی عمر دنیا نسبت به ابدیّت اندک است. «یَوْماً أَوْ بَعْضَ یَوْمٍ» ۷ برخی از فرشتگان،مأمور شمارش و آمار ایّام هستند. «فَسْئَلِ الْعٰادِّینَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیه ۱۱۵]

اشاره

أَ فَحَسِبْتُمْ أَنَّمٰا خَلَقْنٰاکُمْ عَبَثاً وَ أَنَّکُمْ إِلَیْنٰا لاٰ تُرْجَعُونَ (۱۱۵)

پس آیا گمان می کنید که ما شما را بیهوده آفریده ایم،و شما به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟

نکته ها:

قرآن برای آفرینش انسان اهدافی را بیان کرده است از جمله:

۱ عبادت. «وَ مٰا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاّٰ لِیَعْبُدُونِ» (۱)من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادتم کنند(و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند).

۲ آزمایش. «خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَیٰاةَ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً» (۲)(خداوند)مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید،که کدام یک از شما بهتر عمل می کنید.

۳ برای دریافت رحمت الهی. «إِلاّٰ مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ وَ لِذٰلِکَ خَلَقَهُمْ» (۳)مگر کسی که پروردگارت به او رحم کند و(خداوند)برای همین(رحمت)مردم را آفرید.

حضرت علی(علیه السلام)فرمود:«رحم الله امرء عرف قدره»خداوند رحمت کند کسی را که ارزش و اعتبار خود را بشناسد. (۴)و بداند از کجا آمده،اکنون در کجاست و سپس به کجا می رود.

امام حسین(علیه السلام)فرمود:«ان الله ما خلق العباد الا لیعرفوه فاذا عرفوه عبدوه فاذا عبدوه استغنوا بعبادته عن عباده من سواه»خداوند متعال بندگانش را نیافریده است مگر برای این که او را بشناسند،آن گاه که او را شناختند،عبادتش کنند و چون خدا را عبادت کردند،با پرستش و عبادت او از پرستش غیر او بی نیاز شوند. (۵)

حضرت علی(علیه السلام)فرمود:«الدنیا خلقت لغیرها و لم تخلق لنفسها» (۶)دنیا برای دیگری آفریده

۱- ۱) .ذاریات،۵۶.

۲- ۲) .ملک،۲.

۳- ۳) .هود،۱۱۹.

۴- ۴) .غرر الحکم.

۵- ۵) .بحار،ج ۵،ص ۳۱۲.

۶- ۶) .نهج البلاغه،حکمت ۴۶۳.

شـده و برای خود آفریده نشده است.(دنیا وسـیله ای است برای رسـیدن به آخرت) آری،کسانی که همه ی هدف های خود را در درون دنیا جستجو می کننـد،زمین گرا و زمین گیر می شوند.چنان که در آیه ی ۱۷۶ سوره اعراف آمده است: «أَخْلَدَ إِلَی الْأَرْضِ» هر دم از عمر گرامی هست گنج بی بدل می رود گنجی چنین هر لحظه بر باد آه آه

پیام ها

۱ آفرینش انسان،هدفدار است. «أَ فَحَسِبْتُمْ أَنَّما خَلَقْناکُمْ عَبَثاً» ۲ همه ی محاسبات انسان،واقع بینانه نیست. «أَ فَحَسِبْتُمْ» ۳ در کار خداوند عبث و بیهودگی راه ندارد. «أَ فَحَسِبْتُمْ ... عَبَثاً» ۴ زندگی دنیا بدون آخرت،بیهوده و لغو است. «عَبَثاً» ۵ انسان مسئول و متعهّد است.(بایـد خود را برای پاسخ گویی در قیامت آماده کنیم). «أَ فَحَسِبْتُمْ ... لا تُرْجَعُونَ» ۶ هدف آفرینش انسان،در این جهان خلاصه نمی شود. «أَ فَحَسِبْتُمْ ... لا تُرْجَعُونَ»

[سوره المؤمنون (۲۳): آیات ۱۱۶ تا ۱۱۸]

اشاره

فَتَعٰالَی اَللّٰهُ اَلْمَلِکُ اَلْحَقُّ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ رَبُّ اَلْعَرْشِ اَلْکَرِیمِ (۱۱۶) وَ مَنْ یَدْعُ مَعَ اَللّٰهِ إِلٰهاً آخَرَ لاٰ بُرْهٰانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمٰا حِسٰابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لاٰ یُفْلِحُ اَلْکٰافِرُونَ (۱۱۷) وَ قُلْ رَبِّ اِغْفِرْ وَ اِرْحَمْ وَ أَنْتَ خَیْرُ اَلرّٰاحِمِینَ (۱۱۸)

پس برتر است خداونـدی که فرمـانروای حقّ است(از این که شـما را بیهوده آفریـده باشـد)خـدایی جز او نیست که پروردگـار عرش گرانقدر است.

و هر کس بـا خداونـد،معبـود دیگری بخوانـد،هیـچ برهـانی بر کـار خود نـدارد،پس قطعـاً حسـاب او نزد پروردگـارش خواهد بود،قطعاً کافران رستگار نمی شوند.

و بگو:پروردگارا! بیامرز و رحم کن که تو بهترین رحم کنندگانی.

ص: ۱۳۷

نکته ها:

در اوّل این سوره،ذیل آیه ی یک،گروهی از رستگاران را ذکر کردیم،در پایان سوره با توجّه به جمله ی «لا یُفْلِحُ» گروهی از زیانکاران را نیز یادآور می شویم:

ستمگران. «لا یُفْلِحُ الظّالِمُونَ» (۱)گنهکاران. «لا یُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ» (۲)جادوگران. «لا یُفْلِحُ السّاحِرُونَ» (۳)کافران. «لا یُفْلِحُ الْکافِرُونَ» (۴)آنها که به خداوند دروغ می بندند. «إِنَّ الَّذِینَ یَفْتَرُونَ عَلَی اللّهِ الْکَذِبَ لا یُفْلِحُونَ» (۵)

پیام ها

۱ خداوند،کار عبث و بیهوده نمی کند. «فَتَعالَی اللّهُ» ۲ حکومت حقّ،از آن خداست. «الْمَلِکُ الْحَقُّ» ۳ هستی،تحت تربیت و مدیریّت الهی است. «رَبُّ الْعَرْشِ» و در جای دیگر می خوانیم: «بِرَبِّ النّاسِ» ، «رَبِّ الْعالَمِینَ» و «رَبُّ کُلِّ شَیْءٍ» ۴ شرک،هر چه باشد محکوم است. «یَدْعُ مَعَ اللّهِ إِلهاً» ۵ مشرک منطق ندارد. «لا بُرْهانَ لَهُ» (عقائد و رفتار انسان باید بر اساس دلیل و برهان باشد) ۶ پیامبر معصوم نیز به رحمت و مغفرت خداوند نیاز دارد. «قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ» ۷ در دعا،ستایش از خدا را فراموش نکنیم. «رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَیْرُ الرّاحِمِینَ» «الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»

ص: ۱۳۸

۱- ۱) .انعام،۱۳۵.

۲- ۲) .یونس،۱۷.

۳- ۳) .یونس،۷۷.

۴- ۴) .مؤمنون،۱۱۷.

۵- ۵) .یونس،۶۹.

[تفسیر سوره نور]

سیمای سوره ی نور

این سوره شصت و چهار آیه دارد و در مدینه نازل شده است.

علّت نام گذاری این سوره به«نور»،آیه ی سی و پنج است که در آن خداوند به عنوانِ نور آسمان ها و زمین معرّفی شده است.

از آنجا که در این سوره سفارش های بسیار در مورد رعایت عفّت و پاکدامنی توسط عموم مؤمنان و خصوصاً زنان صورت گرفته،در روایات نسبت به آموزش و قرائت این سوره توسط زنان تأکیدات بسیار آمده است.

احکام مجازات مردان و زنان زناکار و کسانی که به زنان پاکدامن تهمت زنا بزنند،همچنین ماجرای معروفِ«افک»،حکم حجاب و رعایت پاکدامنی برای جلوگیری از انحرافات،موضوعاتی است که این سوره به آنها می پردازد.

ص: ۱۴۱

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

[سوره النور (۲۴): آیه ۱]

اشاره

بِسْمِ اَللّهِ اَلرَّحْمنِ اَلرَّحِیمِlt;br/gt;سُورَةٌ أَنْزَلْناها وَ فَرَضْناها وَ أَنْزَلْنا فِیها آیاتٍ بَیِّناتٍ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ (۱)

۱\۲۴

(این)سوره ای است که آن را نازل کردیم و(عمل به)آن را واجب نمودیم و در آن آیاتی روشن فرستادیم.باشد تا شما متذکّر شوید.

نکته ها:

در این آیه سه نشانه از عظمت سوره نور آمده است:

الف:کلمه ی «سُورَةٌ » در اوّل آن نشانه ی عظمت است.

ب:تنوین کلمه «سُورَةٌ » که برای عظمت است.

ج:کلمه ی «أَنْزَلْنا » دو بار در یک آیه مطرح شده است.

پیام ها

۱ کلمه ی«سوره»یک نام گذاری از طرف خداوند برای مجموعه آیاتی از قرآن است. «سُورَةٌ ... أَنْزَلْنا فِیها آیاتٍ» ۲ احکام باید به دستور خداوند واجب شود. «فَرَضْناها» ۳ قرآن،قانون اساسی و آیین نامه ی الزامی و اجرایی دین است. «فَرَضْناها» ۴ قرآن،کتابی است که آیات آن،روشن و قابل فهم است. «فِیها آیاتٍ بَیِّناتٍ» (گرچه درک قسمتی از آیاتش نیازمند دقّت و تحقیق و تفسیر است) ۵ انسان به پند و تذکّر نیازمند است. «لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ»

ص: ۱۴۲

۶ معارف قرآن در فطرت انسان ریشه دارد و با تذکّر پرده ی غفلت برداشته می شود. «تَذَکَّرُونَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۲]

اشاره

اَلزّٰانِیَهُ وَ اَلزّٰانِی فَاجْلِدُوا کُلَّ وٰاحِدٍ مِنْهُمٰا مِائَهَ جَلْدَهٍ وَ لاٰ تَأْخُذْکُمْ بِهِمٰا رَأْفَهٌ فِی دِینِ اَللّٰهِ إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ اَلْیَوْمِ اَلْآخِرِ وَ لْیَشْهَدْ عَذٰابَهُمٰا طٰائِفَهٌ مِنَ اَلْمُؤْمِنِینَ (۲)

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید.و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید در اجرای دین خدا نسبت به آن دو گرفتار دلسوزی نشوید و باید هنگام کیفر آن دو،گروهی از مؤمنین حاضر و ناظر باشند.

نکته ها:

اشاره

احکام زنا بر اساس شرایط افراد متفاوت است،در این آیه فقط به یک صورت اشاره شده که اگر مرد یا زن مجردی زنا کند،صد تازیانه می خورد،ولی اگر کسی با داشتن همسر،مرتکب زنا شود،رجم و سنگسار می گردد.چنان که اگر همسر دارد ولی به او دسترسی ندارد(مثلاً همسرش در زندان است،)و در این صورت مرتکب زنا شود،حکم سنگسار به تازیانه و شلاق تبدیل می شود.

قرآن،زنا را کاری زشت می داند و از آن نهی می کند. «وَ لاٰ تَقْرَبُوا الزِّنیٰ» (۱)ترک زنا را نشانه ی بندگان راستین خداوند می شمرد. «وَ عِبٰادُ الرَّحْمٰنِ ... وَ لاٰ یَزْنُونَ» (۲)و دوری از این گناه را شرط بیعت با پیامبر می داند. «إِذٰا جٰاءَکَ ... وَ لاٰ یَزْنِینَ» (۳)

مفاسد زنا در روایات

برخی از مفاسد زنا،در یکی از سخنان حضرت رضا(علیه السلام)عنوان شده،از جمله:

۱ ارتکاب قتل به وسیله ی سقط جنین.

۲ بر هم خوردن نظام خانوادگی و خویشاوندی.

۱- ۱) .اسراء،۳۲.

۲- ۲) .فرقان،۶۳ تا ۶۸.

۳- ۳) .ممتحنه،۱۲.

۳ ترک تربیت فرزندان.

۴ از بین رفتن موازین ارث. (۱)

علی(علیه السلام)ترک زنا را مایه ی استحکام خانواده و ترک لواط را عامل حفظ نسل می داند. (۲)

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)فرمود:زنا دارای زیان های دنیوی و اخروی است:

امّا در دنیا:از بین رفتن نورانیّت و زیبایی انسان،مرگ زودرس و قطع روزی.

امّا در آخرت:درماندگی،هنگام حساب قیامت؛غضب الهی و جهنّم همیشگی. (۳)

از پیامبر(صلوات اللّه علیه)نقل شده است:هر گاه زنا زیاد شود،مرگ ناگهانی هم زیاد می شود. (۴)

زنا نکنید،تا همسران شما نیز به زنا آلوده نشوند.هر که به ناموس دیگران تجاوز کند،به ناموسش تجاوز خواهد شد.همان گونه که با دیگران رفتار کنید،با شما رفتار خواهد شد. (۵)از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو چهار چیز است که هر یکی از آنها در هر خانه ای باشد آن خانه،ویرانه است و برکت ندارد:۱- خیانت.۲ دزدی.۳ شرابخواری.۴ زنا. (۶)

زنا،از بزرگ ترین گناهان کبیره است. (۷)

امام صادق(علیه السلام)فرمود:هر گاه مردم مرتکب چهار گناه شوند،به چهار بلا گرفتار شوند:

۱ زمانی که زنا رواج یابد،زلزله خواهد آمد.

۲ هر گاه مردم زکات نپردازند،چهار پایان به هلاکت می رسند.

۳ هر گاه قضاوت مسئولان قضایی،ظالمانه باشد،باران نخواهد بارید.

۴ زمانی که پیمان شکنی شود،مشرکان بر مسلمانان غلبه خواهند کرد. (۸)

پیام ها

۱ آزادی جنسی و روابط نامشروع،ممنوع است. «الزّانِیَهُ ... فَاجْلِدُوا» ...

۱- ۱) .بحار،ج ۷۹،ص ۲۴.

۲- ۲) .نهج البلاغه،حکمت ۲۵۲.

۳- ۳) .بحار،ج ۷۷،ص ۵۸.

۴- ۴) .بحار،ج ۷۳،ص ۳۷۲.

۵- ۵) .بحار،ج ۷۶،ص ۲۷.

۶- ۶) .بحار،ج ۷۶،ص ۱۹.

۷- ۷) .بحار،ج ۷۶،ص ۱۹.

۸- ۸) .بحار،ج ۷۶،ص ۲۱.

۲ نقش زنان در ایجاد روابط نامشروع و فراهم آوردن مقدّمات زنا،از مردان بیشتر است،بر خلاف دزدی که نقش مردان بیشتر است.به همین دلیل کلمه زانیه قبل از کلمه زانی آمده است. «الزّانِیَةُ وَ الزّانِی» ۳ تنبیه بدنی مجرم،برای تأدیب او و حفظ عفت عمومی لازم است. «فَاجْلِدُوا» ۴ در روابط نامشروع هر دو طرف به یک میزان تنبیه می شوند. «کُلَّ واحِدٍ» ۵ حدود کیفر باید از طرف خداوند معین شود. «مِائَةَ جَلْدَةٍ» ۶ در مجازات مجرمین،ترحم و تحت تأثیر عواطف قرار گرفتن،ممنوع است.

«لا تَأْخُذْکُمْ بِهِما رَأْفَةٌ»

۷ محبّت و رأفت باید در مدار شرع باشد. «لا تَأْخُذْکُمْ بِهِما رَأْفَةٌ» ۸ دین،تنها نماز و روزه نیست؛حدود الهی نیز از ارکان دین است. «فِی دِینِ اللّهِ» ۹ صلابت و قاطعیّت در اجرای قوانین،در سایه ی ایمان به مبدأ و معاد به دست می آید. «إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ» ۱۰ اجرای حدود نشانه ی ایمان به خداست. «إِنْ کُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ» ۱۱ مجازات باید به گونه ای باشد،که مایه عبرت دیگران شود. «وَ لْیَشْهَدْ عَذابَهُما» ۱۲ زناکار،علاوه بر شلاق و شکنجه ی جسمی،از نظر روحی نیز باید زجر ببیند. «وَ لْیَشْهَدْ عَذابَهُما طائِفَةٌ» ...

۱۳ حضور مردم،اهرمی است برای کنترل قاضی و مجری. «وَ لْیَشْهَدْ ... طائِفَةٌ» ۱۴ از حضور مؤمنان در صحنه،برای نهی از منکر استفاده کنیم. «وَ لْیَشْهَدْ» ۱۵ تنها مسلمانان حقّ حضور در مراسم اجرای حدّ الهی را دارند. «مِنَ الْمُؤْمِنِینَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۳]

اشاره

اَلزّانِی لا یَنْکِحُ إِلاّ زانِیَةً أَوْ مُشْرِکَةً وَ اَلزّانِیَةُ لا یَنْکِحُها إِلاّ زانٍ أَوْ مُشْرِکٌ وَ حُرِّمَ ذلِکَ عَلَی اَلْمُؤْمِنِینَ (۳)

مرد زناکار،جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نکند.و زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد.و این زناشویی بر مؤمنان حرام است.

نکته ها:

این آیه،حال و هوای آیه ی «الْخَبِیثاتُ لِلْخَبِیثِینَ وَ الْخَبِیثُونَ لِلْخَبِیثاتِ» را دارد که در آیه ۲۶ همین سوره می آید..

علاوه بر تنبیه جسمی با شلاق و تنبیه روحی و اجتماعی،بدلیل حضور مردم به هنگام اجرای حدّ،باید محدویّت های دیگری نیز برای زناکار باشد.

در روایات آمده است که حکم این آیه در باره ی کسانی است که به زنا شهرت دارند.و اگر زناکاری توبه کرد می تواند مانند دیگران با فرد دلخواهش ازدواج کند. (۱)

امام باقر(علیه السلام)فرمود:خداوند زناکار را در برابر مؤمن نام برده و این نشان می دهد که زناکار مؤمن نیست. (۲)

پیام ها

۱ در ازدواج مسأله ی کفو بودن،یک اصل است.(زنان و مردان ناپاک،لایق همسران پاک نیستند). «الزّانِی لا یَنْکِحُ إِلاّ زانِیَةً» ۲ افراد فاسد،در جامعه ی اسلامی مطرودند. «لا یَنْکِحُ إِلاّ» ...

۳ زناکار در کنار مشرک قرار گرفته است. «زانِیَةً أَوْ مُشْرِکَةً» ۴ مردان و زنان مؤمن،باید همسران پاک و پاکدامن انتخاب کنند. «حُرِّمَ ذلِکَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۴]

اشاره

وَ الَّذِینَ یَرْمُونَ الْمُحْصَناتِ ثُمَّ لَمْ یَأْتُوا بِأَرْبَعَهِ شُهَداءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمانِینَ جَلْدَهً وَ لا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهادَهً أَبَداً وَ أُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ (۴)

و کسانی که نسبت زنا به زنان پاکدامن و شوهردار می دهند و چهار شاهد نمی آورند،پس هشتاد تازیانه به آنان بزنید و گواهی آنان را هرگز نپذیرید که آنان همان افراد فاسقند.

۱- ۱) .تفسیر المیزان؛کافی،ج ۵،ص ۳۵۴.

۲- ۲) .کافی،ج ۲،ص ۳۲.

نکته ها:

از امام صادق(علیه السلام)پرسیدند:چرا برای اثبات قتل دو شاهد لازم است،ولی برای اثبات زنا چهار شاهد؟ حضرت فرمود:شاهد قتل،برای تنبیه یک نفر شهادت می دهد،امّا شاهد زنا برای کیفر دو نفر(زن و مرد زناکار)گواهی می دهد. (۱)

پیام ها

۱ تهمت،به منزله ی پرتاب تیر و هجوم به آبروی مردم است. «يَرْمُونَ» ۲ تهمت زدن به زنان همسردار و پاکدامن،کیفر سخت تری دارد «الْمُحْصَنٰاتِ» ۳ دفاع از حریم زنان پاکدامن واجب است. «يَرْمُونَ الْمُحْصَنٰاتِ ... فَاجْلِدُوهُمْ» ۴ از میان تهمت های گوناگون،تهمت زنا حدّ و قانون معین دارد و قرآن با صراحت بر آن تکیه کرده است. «ثَمٰانِينَ جَلْدَةً» ۵ تهمت به قدری مهم است که در مجازات مجرم،فاصله ی تهمت زنا با خود زنا بیست ضربه شلاق است. «مِائَةَ جَلْدَةٍ ثَمٰانِينَ جَلْدَةً» ۶ کسی که حتّی یک بار به دیگران تهمت بزند شهادتش اعتبار ندارد. «لاٰ تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهٰادَةً أَبَداً» (آری،زبان،انسان را مطرود دنیا و آخرت می کند) ۷ برای حفظ آبروی مردم،گاهی افراد متعدّدی شلاق می خورند. «فَاجْلِدُوهُمْ» ۸ گواهی کافر،بعد از ایمان پذیرفته می شود،ولی گواهی مسلمان تهمت زننده هرگز پذیرفته نمی شود. «أَبَداً» ۹ تهمت،هم عقوبت بدنی دارد، «فَاجْلِدُوهُمْ» هم اجتماعی، «لاٰ تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهٰادَةً أَبَداً» و هم اخروی. «أُولٰئِكَ هُمُ الْفٰاسِقُونَ» ۱۰ کسانی که به زنان پاکدامن تهمت می زنند،سرآمد فاسقانند. «هُمُ الْفٰاسِقُونَ» ۱۱ شرط گواه و شاهد بودن،عدالت است و گواهی فاسق قبول نیست. «لاٰ تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهٰادَةً ... هُمُ الْفٰاسِقُونَ»

ص: ۱۴۷

۱- ۱) .تفسیر کنز الدقائق.

[سوره النور (۲۴): آیه ۵]

اشاره

إِلاَّ اَلَّذِینَ تابُوا مِنْ بَعْدِ ذٰلِکَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اَللّٰهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ (۵)

مگر کسانی که پس از آن(تهمت زدن)توبه کنند و در مقام اصلاح و جبران برآیند،که قطعاً خداوند آمرزنده و مهربان است.

نکته ها:

در حدیث می خوانیم:توبه کسی که آبروی زنان پاکدامن را با تهمت زنا برده،این است که در محضر مردم گفته خود را تکذیب نماید. (۱)

پیام ها

۱ توبه،سبب تجدید حیات دینی و اجتماعی است. «إِلاَّ الَّذِینَ تابُوا وَ أَصْلَحُوا» ۲ پیروان اسلام هرگز به بن بست نمی رسند. «إِلاَّ الَّذِینَ تابُوا» ۳ توبه،باید با اصلاح و جبران اشتباه و عمل نیک همراه باشد. «تابُوا وَ أَصْلَحُوا» ۴ ناامیدی ممنوع است. «فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ» ۵ باز بودن راه توبه برای همه،نشانه ی رحمت الهی است. «رَحِیمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیات ۶ تا ۱۰]

اشاره

وَ اَلَّذِینَ یَرْمُونَ أَزْواجَهُمْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُمْ شُهَداءُ إِلاّٰ أَنْفُسُهُمْ فَشَهادَهُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهاداتٍ بِاللّٰهِ إِنَّهُ لَمِنَ اَلصّٰادِقِینَ (۶) وَ اَلْخامِسَهُ أَنَّ لَعْنَتَ اَللّٰهِ عَلَیْهِ إِنْ کٰانَ مِنَ اَلْکٰاذِبِینَ (۷) وَ یَدْرَؤُا عَنْهَا اَلْعَذابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهاداتٍ بِاللّٰهِ إِنَّهُ لَمِنَ اَلْکٰاذِبِینَ (۸) وَ اَلْخامِسَهَ أَنَّ غَضَبَ اَللّٰهِ عَلَیْها إِنْ کٰانَ مِنَ اَلصّٰادِقِینَ (۹) وَ لَوْ لاٰ فَضْلُ اَللّٰهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ وَ أَنَّ اَللّٰهَ تَوّٰابٌ حَکِیمٌ (۱۰)

و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می دهند،و جز خودشان شاهدی ندارند،هر یک از آنان برای اثبات ادّعای خود باید چهار مرتبه به خدا سوگند یاد کند که قطعاً از راستگویان است.

و در پنجمین بار بگوید:لعنت خدا بر او اگر از دروغگویان باشد!

۱- ۱) .کافی،ج ۷،ص ۲۴۱.

و عذاب(سنگسار)را از زن دفع می کند اینکه زن(در مقام دفاع)چهار بار به خدا قسم بخورد که قطعاً آن مرد(در این نسبتی که به من می دهد)از دروغگویان است.

و در مرتبه پنجم بگوید:غضب خدا بر او باد اگر آن مرد از راستگویان باشد.

و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود(رسوا می شدید و نظام خانوادگی شما مختل می شد)قطعاً خداوند توبه پذیر و حکیم است.

نکته ها:

وقتی آیه ی چهارم این سوره نازل شد و حکم نسبت دادن زنا به زنان پاکدامن را بیان کرد «سعد بن عباده»(یکی از انصار)گفت:یا رسول اللّه! اگر مردی وارد خانه شد و فاسقی را در کنار همسر خود دید چه کند؟ اگر فریاد بزند،شلاق می خورد،چون یک نفر است و شاهد هم ندارد.اگر سکوت کند،غیرتش اجازه نمی دهد.اگر به دنبال یافتن شاهد برود،کار زنا تمام می شود.به هر حال آیه ی مربوط به هشتاد ضربه شلاق،برای سعد مسأله ی پیچیده ای شده بود.در این میان شخصی به نام«هلال بن امیه»با اضطراب وارد شد و به پیامبر (صلوات اللّه علیه)عرض کرد:زنم را با مردی در حال زنا دیدم،به خدا سوگند راست می گویم.

پیامبر(صلوات اللّه علیه)ناراحت شد.اصحاب آن حضرت نیز هیجان زده شدند که این مرد،هم ناموسش را در چنین حالی دیده است و هم شلاق خواهد خورد،زیرا شاهدی ندارد تا سخن خود را ثابت کند.ناگهان این آیه نازل شد «وَ الَّذِینَ یَرْمُونَ» ...که اگر مردی به همسرش نسبت زنا داد و شاهدی نداشت،به جای آوردن چهار شاهد،چهار بار بگوید:

«اشهد باللّٰه انی لمن الصادقین»خدا را گواه می گیرم که من از راستگویانم.و برای تحکیم و تثبیت ادّعای خود

یک بار هم این جمله را بگوید:«لعنه الله علی ان کنت من الکاذبین»لعنت خدا بر من اگر از دروغگویان باشم.

زن نیز همچون مرد حقّ دارد از خود دفاع کند،زیرا ممکن است مردی با چهار سوگند دروغ، همسر خود را به سنگسار شدن محکوم کند و برای همیشه آبروی او و بستگانش را ببرد.

اسلام که حامی حقوق همگان است برای پیشگیری از وقوع این کار،به زن نیز اجازه داده است تا برای اثبات پاکدامنی خود و نجات از سنگسار شدن،چهار بار سوگند یاد کند و چنین بگوید:«اشهد بالله انه لمن الکاذبین»خدا را گواه می گیرم که همسرم از دروغگویان است.و برای محکم کاری بیشتر بگوید:«غضب الله علی ان کان من الصادقین»قهر و غضب خدا بر من اگر همسرم از راستگویان باشد.

در پنجمین جمله ی مرد«لعنت خدا»بود و در پنجمین جمله ی زن،«غضب خدا»که از لعنت شدیدتر است،زیرا حساسیّت کسی که مورد تهمت قرار گرفته است بیشتر است و برای نجات از سنگسار شدن حاضر است غضب خدا را تحمّل کند.

به هر حال در محضر قاضی و حاکم اسلامی این ده جمله(پنج جمله از مرد و پنج جمله از زن)گفته می شود که در اصطلاح به این کار،«لعان»(یکدیگر را لعن کردن)می گویند.در این مورد مسائل فقهی و حقوقی خاصّی مطرح است.قاضی و حاکم اسلامی باید زن و شوهر را موعظه نماید و سعی کند لعان واقع نشود و در صورت لزوم اجرا،آن دو را به مکان های مقدّس مانند«مسجد الحرام»و«مسجد النّبی»و یا مسجد دیگری ببرد و رو به قبله بنشاند،آن گاه مراسم لعان انجام گیرد.

با اجرای لعان و سوگند خوردن زن و شوهر و گفتن جمله های ذکر شده،اسلام قوانینی را در نظر گرفته است که باید به آنها عمل شود:

۱ زن و مرد،بدون صیغه ی طلاق،برای همیشه از یکدیگر جدا می شوند و حقّ مراجعه و ازدواج مجدد ندارند.

۲ مرد هشتاد ضربه شلاق نمی خورد و زن سنگسار نمی شود.

۳ اگر فرزندی از آن زن متولد شود متعلق به خود اوست نه مرد.

از این چند آیه استفاده می شود که قرار دادن چهار شاهد یا چهار سوگند آن هم با لعنت و غضب برای اثبات زنا،نشانه ی آن است که خداوند با فضل و رحمت خود از طریق اینگونه احکام مانع رسوایی شده و گرنه هر روز هزاران مرد و زن یکدیگر را رسوا و قبیله ها و فامیل ها را به تباهی می کشاندند.

آری،دفاع زن از شخصیّت و آبروی خود و نجات او از سنگسار شدن با گفتن چند جمله، نشانه ی فضل الهی است و اگر چنین نبود بسیاری از افراد سنگسار می شدند،و آبروهایی بر باد می رفت و خانواده هایی متلاشی می شد. «وَ لَوْ لاٰ فَضْلُ اللّٰهِ»

پیام ها

۱ آبرو و حفظ آن در اسلام مورد توجّه است. «أَرْبَعُ شَهٰادٰاتٍ بِاللّٰهِ» (قانون چهار سوگند و یک لعنت برای کنترل مردم از رسوا کردن یکدیگر است) ۲ در خصوص همسر،چهار سوگند و یک لعنت،به جای چهار شاهد پذیرفته است. «وَ لَمْ یَکُنْ لَهُمْ شُهَدٰاءُ ... فَشَهٰادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهٰادٰاتٍ» ۳ اسلام،حامی حقوق زن است.زن نیز با چهار سوگند می تواند اتّهامی را که مرد با چهار سوگند اثبات کرده،از خود دفع کند. «أَرْبَعُ شَهٰادٰاتٍ ... أَرْبَعُ شَهٰادٰاتٍ» ۴ اسلام برای پیشگیری از فرو پاشی نظام خانواده،علاوه بر چهار بار خدارا گواه گرفتن،گفتن جمله ی پنجمی را نیز بر هر یک از طرفین واجب کرده است. «وَ الْخٰامِسَةُ» ۵ با سوگند زن راه سوء استفاده مردها بسته می شود «وَ یَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذٰابَ» ۶ نفرین در شرایطی جایز است. «غَضَبَ اللّٰهِ عَلَیْهٰا» ۷ سود اجرای قوانین و دستورات خداوند برای خود مردم است. «وَ لَوْ لاٰ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ» ۸ عذر پذیری خداوند همیشه با مصلحت و حکمت همراه است. «تَوّٰابٌ حَکِیمٌ» ۹ قوانین کیفری اسلام،احکامی سنجیده و برخاسته از حکمت الهی است.

«حَکِیمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۱۱]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِینَ جٰاؤُ بِالْإِفْکِ عُصْبَهٌ مِنْکُمْ لاٰ تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَکُمْ بَلْ هُوَ خَیْرٌ لَکُمْ لِکُلِّ اِمْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اِکْتَسَبَ مِنَ اَلْإِثْمِ وَ اَلَّذِی تَوَلّٰی کِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذٰابٌ عَظِیمٌ (۱۱)

قطعاً کسانی که آن دروغ بزرگ را(در میان)آوردند،گروهی متشکل از خود شما بودند.آن را برای خود شر نپندارید،بلکه آن(در نهایت)به نفع شماست.هر کدام از آنان بدان اندازه از گناه که مرتکب شده است،به کیفر رسد و برای کسی که بخش بزرگ گناه را بر عهده گرفته عذاب بزرگی است.

نکته ها:

کلمه ی«افک»در لغت به معنای انصراف از حقّ به باطل است.تهمت زدن نیز نوعی پوشاندن حقّ و جلوه دادن باطل است.

برخی مفسّران درباره ی شأن نزول این آیه گفته اند:پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)در هر سفری با قید قرعه یکی از همسرانش را همراه خود می برد.در جنگ«بنی مصطلق» عایشه را برد.وقتی که نبرد پایان یافت و مردم به مدینه باز می گشتند،عایشه برای تطهیر و یا یافتن دانه های گردنبند گمشده اش از قافله عقب ماند.یکی از اصحاب که او نیز از قافله دور مانده بود،عایشه را به لشکر رساند.بعضی افراد به عایشه و آن صحابی،تهمت ناروا زدند.این اتهام به گوش مردم رسید،پیامبر ناراحت شد و عایشه به خانهٔ پدر رفت و گریه ها کرد تا آن که این آیه نازل شد. (۱)

جمعی دیگر از مفسّران و مخصوصاً نویسنده تفسیر«أطیب البیان»با استفاده از روایات متعدّد و مستند نقل می کنند که این آیه درباره ی«ماریه قبطیه»(یکی دیگر از همسران رسول خدا)است،که خداوند به او فرزندی به نام«ابراهیم»داد ولی پس از ۱۸ ماه از دنیا رفت.

عایشه و حَفصِه گفتند:ای رسول خدا! چرا گریه می کنی؟ ابراهیم فرزند تو نبود،بلکه شخص دیگری غیر از تو با ماریه همبستر شده و ابراهیم متولد شده است.خلیفه اوّل و دوّم

۱- ۱) .تفسیر ابن کثیر.

نیز سخن دخترانشان را تأیید کردند و اینجا بود که این آیه نازل شد.

علّامه جعفر مرتضی در کتاب گرانقدرش(حدیث الافک)می گوید:شأن نزول آیه درباره ی ماریه ی قبطیه است.و اصل ماجرا تهمتی ناروا بود،زیرا مردی که به همبستر شدن با ماریه متهم شده بود هیچ گونه آلت مردی نداشت،و این زمانی روشن شد که پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)حضرت علی(علیه السلام)را برای تحقیق به سوی آن مرد فرستاد،او با دیدن علی(علیه السلام)فرار کرد و بالای درختی رفت.همین که روی درخت،جان خود را در خطر دید پایین آمد و در آن حال لباسش کنار رفت و بدنش نمایان شد و روشن شد که او آلت مردی ندارد.علی(علیه السلام)ماجرا را به پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)گفت و در اینجا بود که این آیه نازل شد و عایشه،حفصه و شیخین شرمنده شدند و پاکدامنی آن بانوی محترمه ثابت شد.

گفتنی است که در مورد هر دو شأن نزول سؤالاتی مطرح است ولی هدف ما در این تفسیر، پیام گیری از متن آیات است و درباره ی شأن نزولها بحث گسترده ای نداریم.

در گناه افک چندین گناه نهفته است:دروغ،سوء ظن به مؤمن،ایذاء مؤمن،قَذف،اهانت، آزردن پیامبر(صلوات اللّه علیه)،تضعیف خاندان رسالت و شایعه پردازی.

پیام ها

۱ برخی از اصحاب رسول اللّه(صلوات اللّه علیه)عادل نبودند. «جَاؤُ بِالْإِفْكِ» ۲ گاهی شایعه سازان،با سازماندهی قبلی و قصد توطئه،شایعه را القا می کنند.

«عُصْبَةٌ»

(«عُصْبَةٌ » یعنی گروه متشکّل و متعصّبی که هدفی را دنبال می کند) ۳ شایعه سازان در میان خود شما هستند. «مِنْكُمْ» ۴ گاهی در پیش آمدها و تهمت های ناروا منافعی وجود دارد.(مانند روشن شدن چهره ی مخالفان،پیدا شدن هوشیاری،امدادهای الهی برای مظلوم) «لاٰ تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ» ۵ امید دادن به خودی ها در برابر توطئه و تهمت بدخواهان لازم است. «بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» ۶ کیفرهای الهی،عادلانه و متناسب با اعمال ماست. «لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ»

۷ در گناهان دسته جمعی،هر یک از شرکا به مقدار سهم خود مجرم است.

«لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ»

۸ انسان زمانی مجرم و مقصّر است که با علم و قصد گناه کند. «اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ» ۹ پیامد گناه هر کس گریبان گیر خود اوست. «لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ» ۱۰ مجازات کسی که مسئولیّت و نقش اصلی را دارد بزرگ تر است. «وَ الَّذِی تَوَلّٰی کِبْرَهُ ... عَذٰابٌ عَظِیمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۱۲]

اشاره

لَوْ لاٰ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ اَلْمُؤْمِنُونَ وَ اَلْمُؤْمِنٰاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَیْراً وَ قٰالُوا هٰذٰا إِفْکٌ مُبِینٌ (۱۲)

چرا زمانی که تهمت را شنیدید،مردان و زنان با ایمان نسبت به خویش گمان خوب نبردند و نگفتند که این تهمت بزرگ و آشکار است؟

نکته ها:

خداوند در این آیه،مسلمانان را به خاطر بدگمانی به همسر پیامبر و آسیب پذیری آنان در برابر شایعات،توبیخ می کند.

قرآن گاهی به جای کلمه ی«دیگران»کلمه ی«شما»را به کار برده است تا به مسلمانان بگوید همه ی شما یکی هستید.مثلاً به جای این که بگوید:به دیگران نیش و طعنه نزنید می فرماید: «لاٰ تَلْمِزُوا أَنْفُسَکُمْ» (۱)به خودتان نیش نزنید.و به جای این که بگوید:وقتی که وارد خانه ای شدید به دیگران سلام کنید،می فرماید: «فَسَلِّمُوا عَلیٰ أَنْفُسِکُمْ» (۲)به خودتان سلام کنید.

در این آیه نیز به جای این که بگوید:به دیگران حسن ظن داشته باشید می فرماید:

«بِأَنْفُسِهِمْ خَیْراً»

به خودتان حسن ظن داشته باشید.

۱- ۱) .حجرات،۱۱.

۲- ۲) .نور،۶۱.

در قرآن کریم،کلمه ی «لَوْ لاّ» در موارد متعدّدی برای انتقاد و توبیخ به کار رفته است که در این جا چند مورد را می آوریم:

۱ «لَوْ لاـ یَنْهاهُمُ الرَّبّانِیُّونَ» (۱)چرا علما نهی از منکر نمی کنند؟! ۲ «لَوْ لا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ» (۲)چرا هر شنیده ای را می پذیرید؟! ۳ «لَوْ لاـ جاؤُ عَلَیْهِ بِأَرْبَعَهِ شُهَداءَ» (۳)چرا برای سخن ناروای خود چهار شاهد نمی آورند؟ ۴ «لَوْ لا تَسْتَغْفِرُونَ» (۴)چرا از خدا آمرزش نمی خواهید؟ ۵ «فَلَوْ لا إِذْ جاءَهُمْ بَأْسُنا تَضَرَّعُوا» (۵)چرا زمانی که عذاب ما به آنان رسید،تضرّع نکردند؟ ۶ «فَلَوْ لا تَشْکُرُونَ» (۶)چرا شکرگزار نیستید؟ ۷ «فَلَوْ لا تُصَدِّقُونَ» (۷)چرا تصدیق نمی کنید؟ ۸ «فَلَوْ لا تَذَکَّرُونَ» (۸)چرا عبرت نمی گیرید؟ ۹ «فَلَوْ لاـ نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ» (۹)چرا از هر فرقه ای دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی پیدا کنند؟

پیام ها

۱ دامن زدن به شایعه و پخش آن،ممنوع است.(«لَوْ لاـ» نشانه ی توبیخ از سوء ظن و پخش شایعات است) ۲ در جامعه ی اسلامی باید روحیه ی حسن ظن حاکم باشد. «ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَیْراً» (حسن ظن،یکی از آثار ایمان است).

۳ همه ی مردم در برابر آبروی یک«فرد»مسئولند. «الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ» ۴ بنی آدم اعضای یکدیگرند.تهمت به هر عضوی از جامعه ی اسلامی،همانند تهمت به دیگر اعضاست. «بِأَنْفُسِهِمْ خَیْراً»

ص: ۱۵۵

۱- (۱) .مائده،۶۳.

۲- (۲) .نور،۱۲.

۳- (۳) .نور،۱۳.

۴- (۴) .نمل،۴۶.

۵- (۵) .انعام،۴۳.

۶- (۶) .واقعه،۷۰.

۷- (۷) .واقعه،۵۷.

۸- (۸) .واقعه،۶۲.

۹- (۹) .توبه،۱۲۲.

۵ اصل اوّلیه در عمل مسلمان،صحت است،مگر جرم او با دلیل ثابت شود.

«ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِناتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْراً»

۶ حفظ حریم پیامبر(صلوات اللّه علیه)و خانواده اش بر هر مؤمنی واجب است.

«لَوْ لا

... قالُوا هٰذا إِفْكٌ مُبِينٌ» ۷ در برابر شنیده های ناروا در مورد مؤمنان،سکوت ممنوع است. «لَوْ لا ... قالُوا هٰذا إِفْكٌ مُبِينٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۱۳]

اشاره

لَوْ لا جاؤُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَهِ شُهَداءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَداءِ فَأُولٰئِكَ عِنْدَ اَللّٰهِ هُمُ اَلْكاذِبُونَ (۱۳)

چرا چهار شاهد بر صحت آن تهمت نیاوردند؟ پس چون گواهان لازم را نیاوردند،آنان نزد خدا همان دروغگویانند.

پیام ها

۱ جامعه ی ساده دل،زودباور و یاوه گو،توبیخ می شود. «لَوْ لا جاؤُ عَلَيْهِ بِأَرْبَعَهِ» ۲ اتهام زنا اگر ثابت نشود،نسبت دهنده ی آن دروغگو است. «هُمُ الْكاذِبُونَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۱۴]

اشاره

وَ لَوْ لا فَضْلُ اَللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ فِي اَلدُّنْيا وَ اَلْآخِرَهِ لَمَسَّكُمْ فِيما أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذابٌ عَظِيمٌ (۱۴)

و اگر فضل و رحمت الهی در دنیا و آخرت بر شما نبود،به سزای آن سخنان که می گفتید،قطعاً عذابی بزرگ به شما می رسید.

نکته ها:

کلمه ی «أَفَضْتُمْ » از«افاضه»در موردی به کار می رود که در مسئله ای بسیار گفتگو شود و همه را به خود مشغول سازد و این نشان می دهد که تهمت به همسر پیامبر مسئله ی روز شده و همه در آن غرق و به آن مشغول بودند.

پیام ها

۱ انسان خوش باور و بی مبالات در معرض پذیرش تهمت ها،توطئه ها و عذابی سخت است. «وَ لَوْ لاٰ ... لَمَسَّكُمْ عَذٰابٌ عَظِيمٌ»
۲ امّت اسلامی تحت حمایت و لطف خداست. «وَ لَوْ لاٰ فَضْلُ اللّٰهِ» ...

۳ هیچ کس از خدا طلبی ندارد.رحمت و لطف او از فضل اوست نه از استحقاق ما. «فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ» ۴ شایعات به منزله ی گردابی است که برخی در آن غرق می شوند. «أَفَضْتُمْ فِيهِ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۱۵]

اشاره

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوٰاهِكُمْ مٰا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّناً وَ هُوَ عِنْدَ اَللّٰهِ عَظِيمٌ (۱۵)

آن گاه که از زبان یکدیگر(تهمت را)می گرفتید وبا آنکه علم نداشتید دهان به دهان می گفتید و این را ساده و کوچک می پنداشتید در حالی که آن نزد خدا بزرگ است.

نکته ها:

زبان،تنها عضوی است که در طول عمر انسان،از حرف زدن،نه درد می گیرد و نه خسته می شود.شکل و اندازه ی آن کوچک امّا جرم و گناه آن بزرگ است.چه بسیارند انسان های کافری که با گفتن یک جمله(شهادت به یگانگی خداوند)مسلمان و پاک می شوند و یا مسلمانانی که با گفتن کفر به خدا،یا انکار احکام دین،کافر و نجس می شوند.زبان از یک سو می تواند با راستگویی،ذکر و دعا و نصیحت دیگران،صفا بیافریند و از سوی دیگر قادر است با نیش زدن به این و آن،کدورت ایجاد کند.زبان کلید عقل و چراغ علم و ساده ترین و ارزان ترین وسیله ی انتقال تمام علوم و تجربیات است.

علمای اخلاق درباره ی زبان کتابها و مطالب بسیاری نوشته اند.

پیام ها

۱ پذیرش آنچه بر سرزبان هاست،بدون تحقیق محکوم است. «تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ»

ص :۱۵۷

۲ سخن باید بر اساس علم باشد. «تَقُولُونَ بِأَفْوٰاهِكُمْ مٰا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» ۳ آبروی مردم را ساده ننگریم. «وَ تَحْسَبُونَهُ هَيِّناً» ۴ نقل تهمت ها و شایعات از گناهان کبیره است. «وَ هُوَ عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيمٌ» ۵ کوچکی یا بزرگی گناه را باید خداوند تعین کند. «عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيمٌ» ۶ همه ی اصحاب پیامبر اکرم عادل نبودند،بلکه گروهی از آنان مرتکب گناه بزرگ(تهمت به همسر پیامبر)شدند. «تَقُولُونَ بِأَفْوٰاهِكُمْ ... وَ هُوَ عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيمٌ» ۷ همه ی محاسبات انسان واقع بینانه نیست. «تَحْسَبُونَهُ هَيِّناً وَ هُوَ عِنْدَ اللّٰهِ عَظِيمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۱۶]

اشاره

وَ لَوْ لاٰ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مٰا يَكُونُ لَنٰا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهٰذٰا سُبْحٰانَكَ هٰذٰا بُهْتٰانٌ عَظِيمٌ (۱۶)

چرا هنگامی که(آن تهمت را)شنیدید،نگفتید:ما را نرسد که در این تهمت بی دلیل (از پیش خود)حرفی بزنیم(پروردگارا)تو منزّهی،این بهتانی بزرگ است.

نکته ها:

بزرگی و کوچکی گناه،گاهی به خاطر متعلّقات و آثار آن است و گاهی به خاطر انجام دهنده ی آن.

در سه آیه پی در پی کلمه ی عظیم آمده است؛یک بار «عَذٰابٌ عَظِيمٌ» و دو بار(با دو بیان) «بُهْتٰانٌ عَظِيمٌ» تا بگوید گناه بزرگ کیفر بزرگ دارد.

سخن ناروا نسبت به مردم سبب بُهت آنان می شود،لذا به آن «بُهْتٰانٌ » گفته می شود.

پیام ها

۱ نهی از منکر واجب است. «وَ لَوْ لاٰ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ» (سخن گفتن برای دفاع از آبروی مسلمان واجب است) ۲ انسان در برابر شنیده ها،مسئول است. «لَوْ لاٰ إِذْ سَمِعْتُمُوهُ» ۳ هنگام برخورد با مسائل مهم سبحان اللّه بگویید. «سُبْحٰانَكَ»

۴ تمام دنیا متاع قلیل است،ولی بهتان به مسلمان نزد خداوند عظیم است. «بُهْتانٌ عَظِیمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیات ۱۷ تا ۱۸]

اشاره

یَعِظُکُمُ اَللّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَداً إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ (۱۷) وَ یُبَیِّنُ اَللّهُ لَکُمُ اَلْآیاتِ وَ اَللّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ (۱۸)

خداوند شما را موعظه می کند که اگر ایمان دارید هرگز امثال این تهمت ها را تکرار نکنید.

خداوند برای شما آیات خود را بیان می کند و او دانا و حکیم است.

پیام ها

۱ مردم به موعظه نیاز دارند. «یَعِظُکُمُ اللّهُ» ۲ واعظ اصلی خداست. «یَعِظُکُمُ اللّهُ» ۳ ایمان شرط تأثیر موعظه است. «یَعِظُکُمُ اللّهُ ... إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» ۴ موعظه باید در مسیر حفظ آبروی مردم و جلوگیری از سوء ظن باشد. «یَعِظُکُمُ اللّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ» ۵ دامن زدن به سوء ظن و افترا،سبب محو ایمان است. «یَعِظُکُمُ ... إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» ۶ پشیمانی کافی نیست،گناه را هم نباید تکرار کرد. «تَعُودُوا لِمِثْلِهِ» ۷ تکرار نکردن تخلّف،نشانه ی ایمان است. «تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَداً إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» ۸ تهمت نزنید و عمل مسلمان را حمل بر صحّت کنید. «أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ» ۹ گناهکاران را به توبه از گناه موعظه کنید. «یَعِظُکُمُ اللّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ» ۱۰ سرچشمه دستورات اسلام،علم و حکمت الهی است. «عَلِیمٌ حَکِیمٌ» ۱۱ مقتضای علم و حکمت الهی بیان آیات برای مردم و رها نکردن آنهاست.

«وَ یُبَیِّنُ اللّهُ

... عَلِیمٌ حَکِیمٌ»

ص:۱۵۹

[سوره النور (۲۴): آیه ۱۹]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ اَلْفَاحِشَةُ فِي اَلَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي اَلدُّنْيَا وَ اَلْآخِرَةِ وَ اَللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ (۱۹)

همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی ها درباره ی اهل ایمان شایع گردد،در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است،و خداوند می داند و شما نمی دانید.

نکته ها:

علاقه به اشاعه ی فحشا،گاهی با زبان و قلم است و گاهی با ایجاد مراکز فحشا و تشویق دیگران به گناه و قرار دادن امکانات گناه در اختیار آنان.

امام صادق(علیه السلام)فرمود:کسی که آن چه را درباره ی مؤمنی ببیند یا بشنود،برای دیگران بازگو کند،جزء مصادیق این آیه است. (۱)

در حدیث می خوانیم:کسی که کار زشتی را شایع کند مانند کسی است که آن را مرتکب شده است. (۲)

پیام ها

۱ ما در برابر علاقه های قلبی خود مسئولیم. «يُحِبُّونَ ... لَهُمْ عَذٰابٌ» ۲ علاقه به گناه،مقدّمه ی گناه است.در راه نهی از منکر،علاقه به منکر را محو کنیم. «يُحِبُّونَ» ...

۳ در میان گناهان،تنها گناهی که حتّی دوست داشتن آن،گناه کبیره است،تهمت است. «يُحِبُّونَ ... عَذٰابٌ أَلِيمٌ» ۴ علاقه به ریختن آبروی دیگران،در همین دنیا کیفر دارد. «فِي الدُّنْيٰا» ۵ کسانی که دنبال بی آبرو کردن دیگران هستند،نظام اسلامی باید آنها را تنبیه کند. «عَذٰابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيٰا» ۶ ما عمق فاجعه ی تهمت را نمی دانیم. «وَ أَنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ»

۱- ۱) .تفسیر کنز الدقائق.

۲- ۲) .تفسیر کنز الدقائق.

۷ چه بسا سرچشمه ی برخی از عذاب های دنیوی که نصیب ما می شود، علاقه ی ما به بی آبرو کردن دیگران است. «وَ أَنْتُمْ لاٰ تَعْلَمُونَ» ۸ اگر علاقه به شیوع فحشا این همه خطر دارد،خود اشاعه ی فحشا چه کیفری خواهد داشت؟ «يُحِبُّونَ» ...

[سوره النور (۲۴): آیات ۲۰ تا ۲۱]

اشاره

وَ لَوْ لاٰ فَضْلُ اَللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ وَ أَنَّ اَللّٰهَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ (۲۰) يٰا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا لاٰ تَتَّبِعُوا خُطُوٰاتِ اَلشَّيْطٰانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوٰاتِ اَلشَّيْطٰانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشٰاءِ وَ اَلْمُنْكَرِ وَ لَوْ لاٰ فَضْلُ اَللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مٰا زَكىٰ مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَداً وَ لٰكِنَّ اَللّٰهَ يُزَكِّي مَنْ يَشٰاءُ وَ اَللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۱)

و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نبود و این که خداوند رئوف و مهربان است(شما را سخت کیفر می داد).

ای کسانی که ایمان آورده اید! گام های شیطان را پیروی نکنید و هر کس پیرو گام های شیطان شود پس به درستی که او به فحشا و منکر فرمان می دهد و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود،هرگز هیچ یک از شما پاک نمی شد ولی خداوند هر کس را بخواهد پاک می سازد و خداوند شنوا و داناست.

نکته ها:

در آیات ۱۴،۲۰ و ۲۱ سه بار سخن از فضل و رحمت خداوند آمده است تا بگوید اگر فضل او نبود،وضع شما چگونه بود! «خُطُوٰاتِ » جمع«خطوه»به معنای گام است و قرآن در مسئله ی شهوت،تغذیه و تهمت، کلمه ی «خُطُوٰاتِ الشَّيْطٰانِ» را به کار برده است تا بگوید شیطان گام به گام انسان را به بعضی گناهان وادار می کند.

در قرآن چند مرتبه از «خُطُوٰاتِ الشَّيْطٰانِ» سخن به میان آمده است؛در مورد اتحاد و

وحدت کلمه داشتن می فرماید: «ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّهً وَ لاٰ تَتَّبِعُوا خُطُوٰاتِ» (۱)و در مصرف غذا می فرماید: «کُلُوا مِمّٰا فِی الْأَرْضِ حَلاٰلاً طَیِّباً وَ لاٰ تَتَّبِعُوا خُطُوٰاتِ» (۲)از چیزهای حلال و دلپسند بخورید و مواظب گام های شیطان باشید و از آن پیروی نکنید.و در این آیه نیز پیرامون اشاعه ی فحشا نسبت به مؤمنین می فرماید:از گام های شیطان پیروی نکنید.

نمونه پیروی از گام های شیطان عبارت است از:دوستی با افراد فاسد،بعد شرکت در مجالس آنان،سپس فکر گناه،بعد ارتکاب گناهان کوچک،پس از آن گناهان بزرگ و در پایان قساوت قلب و بدعاقبتی و پایانی شوم.

پیام ها

۱ به ایمان خود تکیه نکنیم،توجّه به هشدارهای پی در پی لازم است. «یٰا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاٰ تَتَّبِعُوا» ۲ شیطان برای گمراه کردن مؤمنان،بیش از دیگران تلاش می کند. «یٰا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاٰ تَتَّبِعُوا خُطُوٰاتِ» ۳ سیاست شیطان نفوذ تدریجی و گام به گام است. «خُطُوٰاتِ» (از همان گام اوّل مواظب باشیم).

۴ انسان به ناچار باید راهی را طی کند و گامی را بردارد،مهم انتخاب راه مستقیم و دوری از گام های شیطان است. «خُطُوٰاتِ» ۵ اشاعه ی فحشا،از گام های شیطانی است.(با توجّه به آیه قبل) ۶ با مردم مستدل سخن بگوییم،خداوند می فرماید:از شیطان پیروی نکنید، (دلیل آن را نیز ذکر می کند:)زیرا او به گناه فرمان می دهد. «فَإِنَّهُ یَأْمُرُ بِالْفَحْشٰاءِ» ...

۷ شیطان به کسی فرمان می دهد که اهل پیروی از او باشد. «وَ مَنْ یَتَّبِعْ خُطُوٰاتِ ... فَإِنَّهُ یَأْمُرُ» ...

ص: ۱۶۲

۱- ۱) .بقره،۲۰۸.

۲- ۲) .بقره،۱۶۸.

۸ کار شیطان،با اثر نماز در تضادّ است.شیطان به انسان دستور گناه می دهد.

«فَإِنَّهُ یَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ»

امّا نماز انسان را از گناه باز می دارد. «إِنَّ الصَّلاٰهَ تَنْهیٰ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ» ... (۱)

۹ تزکیه،بدون توفیق الهی امکان ندارد. «وَ لَوْ لاٰ ... مٰا زَکیٰ» ...

۱۰ انسان در هر لحظه به لطف خداوند نیاز دارد.(تکرار جمله «لَوْ لاٰ فَضْلُ اللّٰهِ » در این آیه و آیات قبل) ۱۱ در مسیر انسان،فریب و فحشا وجود دارد،ولی راه توبه و نجات نیز باز است. «وَ لَوْ لاٰ فَضْلُ اللّٰهِ» ۱۲ حتّی اولیای خدا به توفیق الهی نیاز دارند. «مٰا زَکیٰ مِنْکُمْ مِنْ أَحَدٍ» ۱۳ خداوند حکیم،به مقدار آمادگی و لیاقت و ظرفیّت افراد خیر و سعادت نازل می کند. «مَنْ یَشاءُ» ۱۴ علم به اینکه خداوند همه چیز را می بیند و می شنود،بهترین عامل بازدارنده از فحشا و منکرات است. «وَ اللّٰهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۲۲]

اشاره

وَ لاٰ یَأْتَلِ أُولُوا اَلْفَضْلِ مِنْکُمْ وَ اَلسَّعَهِ أَنْ یُؤْتُوا أُولِی اَلْقُرْبیٰ وَ اَلْمَسٰاکِینَ وَ اَلْمُهٰاجِرِینَ فِی سَبِیلِ اَللّٰهِ وَ لْیَعْفُوا وَ لْیَصْفَحُوا أَ لاٰ تُحِبُّونَ أَنْ یَغْفِرَ اَللّٰهُ لَکُمْ وَ اَللّٰهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ (۲۲)

صاحبان مال و وسعت از شما نباید سوگند بخورند که به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند،بلکه باید عفو و گذشت نمایند و از آنان درگذرند.آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟ و خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱- ۱) .عنکبوت،۴۵.

نکته ها:

کلمه ی «یَأْتَلِ» از ریشه ی«الو»به معنای کوتاهی کردن و یا از ریشه ی«الی»به معنای سوگند یاد کردن است.همانند«ایلاء»در مباحث فقهی. (۱)«عفو»به معنای بخشیدن است و«صفح»به معنای نادیده گرفتن که مرحله ی بالاتر از عفو است.بعضی گفته اند که«صفح» آن عفوی است که در آن ملامت نباشد.

در آیات قبل از کسانی که تهمت زدند به شدّت انتقاد شد،بعضی از اصحاب سوگند یاد کردند که به این افراد تهمت زن هرگز انفاق نکنند،این آیه می فرماید:بخاطر لغزشهای قبل، محرومان را بی نصیب نگذارید.(شأن نزول)

پیام ها

۱ مرفّهین در برابر محرومان مسئول هستند. «وَ لا یَأْتَلِ» ...

۲ مهم تر از انفاق،استمرار آن و خسته نشدن از آن و کوتاهی نکردن در آن است.

«وَ لا یَأْتَلِ»

۳ در کمک،هم از وسعت مالی و هم از امکانات دیگر خود استفاده کنید. «أُولُوا الْفَضْلِ ... وَ السَّعَةِ» ۴ در کمک کردن،بستگان اولویّت دارند. «أُولِی الْقُرْبی» ۵ در پیمودن مراحل تکامل،بلند همّت باشید و به حد اقل رشد اکتفاء نکنید.ابتدا کلمه ی«عفو»آمده،بعد مرحله ی بالاتر«صفح»آمده است. «وَ لْیَعْفُوا وَ لْیَصْفَحُوا» ۶ کسی که دیگران را ببخشد به بخشش الهی نزدیکتر است.(عفو و گذشت وسیله ی جلب مغفرت الهی است) «أَ لا تُحِبُّونَ أَنْ یَغْفِرَ اللّهُ لَکُمْ» ۷ هدف از عفو و گذشت کسب مغفرت خدا باشد نه چیز دیگر. «أَ لا تُحِبُّونَ أَنْ یَغْفِرَ اللّهُ لَکُمْ» ۸ در شیوه ی تبلیغ،از احساسات و عواطف مردم کمک بگیریم. «أَ لا تُحِبُّونَ»

ص:۱۶۴

۱- ۱) .مفردات راغب.

۹ رهبران دینی باید مردم را به انفاق و عفو تشویق کنند.(تمام آیه)

[سوره النور (۲۴): آیه ۲۳]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِینَ یَرْمُونَ اَلْمُحْصَنٰاتِ اَلْغٰافِلاٰتِ اَلْمُؤْمِنٰاتِ لُعِنُوا فِی اَلدُّنْیٰا وَ اَلْآخِرَهِ وَ لَهُمْ عَذٰابٌ عَظِیمٌ (۲۳)

همانا کسانی که به زنان پاکدامن و بی خبر(از هر گونه آلودگی)و با ایمان نسبت بد می دهند،در دنیا و آخرت از رحمت الهی دورند و برایشان عذاب بزرگی است.

نکته ها:

با اینکه در قرآن گروه های کافران،پیمان شکنان،قاتلان،طرفداران طاغوت،منافقان، مفسدان،مشرکان،مستکبران،ظالمان،کتمان کنندگان حقّ و دروغگویان مورد لعنت قرار گرفته اند ولی لعنت دنیا و آخرت همراه با عذاب عظیم تنها مخصوص کسانی است که آبروی افراد پاک را می برند.

امام صادق(علیه السلام)این آیه را گواه بر آن دانستند که نسبت ناروا به زنان پاکدامن و عفیف از گناهان کبیره است. (۱)

پیام ها

۱ آسیب پذیری زن بیشتر است،باید به افراد آسیب رسان هشدار داد. «یَرْمُونَ الْمُحْصَنٰاتِ» ۲ کسی که پاک تر است تهمت به او خطرناکتر است. «الْمُحْصَنٰاتِ الْغٰافِلاٰتِ الْمُؤْمِنٰاتِ» ۳ بی خبری از فساد و مراکز فساد و افراد فاسد،برای زن ارزش است. «الْغٰافِلاٰتِ» ۴ تهمت،علاوه بر عذاب آخرت در دنیا نیز کیفر دارد. «لُعِنُوا فِی الدُّنْیٰا» (لعنت در دنیا،با اجرای حدّ و ردّ گواهی او به عنوان فاسق است.) ۵ حمایت از حقوق زن،از برنامه های قرآنی است. «یَرْمُونَ ... لُعِنُوا»

۱- ۱) .بحار،ج ۷۶،ص ۹.

[سوره النور (۲۴): آیه ۲۴]

اشاره

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ بِمٰا كٰانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴)

روزی که زبان ها و دست ها و پاهایشان علیه آنان به آنچه انجام داده اند گواهی می دهند.

نکته ها:

مسأله ی گواهی دادن اعضای بدن بارها در قرآن مطرح شده است.در سوره ی فصّلت می خوانیم: «حَتّٰى إِذٰا مٰا جٰاؤُهٰا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصٰارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِمٰا كٰانُوا يَعْمَلُونَ» (۱)هنگامی که به دوزخ رسند،گوش و چشم و پوست بدن آنان به گناهانی که انجام داده اند،گواهی دهند.و در سوره ی یس می خوانیم: «الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلىٰ أَفْوٰاهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنٰا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمٰا كٰانُوا يَكْسِبُونَ» (۲)در آن روز بر دهان کافران مهر خموشی زنیم و دست هایشان با ما سخن گویند و پاهایشان به آنچه کرده اند گواهی دهند.

چون در شهادت باید علیه دیگری گواهی داد،پس معلوم می شود جوهر و شخصیّت انسان غیر از اعضای اوست که علیه او شهادت می دهند.زیرا شاهد و مشهود باید از هم جدا باشند.

امام باقر(علیه السلام)فرمود:این گواهی اعضای بدن علیه مؤمن نیست،بلکه علیه کسی است که عذاب او حتمی شده باشد. (۳)

پیام ها

۱ در قیامت،تهمت زنندگان به زنان پاکدامن محکوم خواهند شد. «يَرْمُونَ الْمُحْصَنٰاتِ ... تَشْهَدُ» ...

۲ در دادگاه قیامت،انسان مالک اعضای خود نیست. «تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ» ۳ گواهی دادن،به علم و شعور و حافظه و صداقت نیاز دارد بنا بر این اعضای بدن از این مزایا برخوردارند،گرچه ما نفهمیم. «تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ» ۴ در قیامت بر تمامی گفتار و رفتار گواهی می شود. «بِمٰا كٰانُوا يَعْمَلُونَ»

۱- ۱) .فصّلت،۲۰.

۲- ۲) .یس،۶۵.

۳- ۳) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۲،ص ۳۲.

[سوره النور (۲۴): آیه ۲۵]

اشاره

يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ اَللّٰهُ دِينَهُمُ اَلْحَقَّ وَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ (۲۵)

در آن روز،خداونـد جزای حقّ آنان را بی کم و کاست خواهـد داد و آنان خواهنـد دانست که خداوند همان حقیقت آشکار است.

نکته ها:

کلمه ی«دین»در آیه،یـا به معنـای جزاست و یـا به معنای شـریعت.بنا بر این معنای آیه یا آن است که در قیامت خداونـد جزای مردم را کاملاً می دهـد و یا آنکه شـریعت حقّه در آن روز عرضه خواهـد شد و همه ی مکتب سازان خیالی خواهند فهمید که خداوند همان معبود واقعی بر حقّ و روشن است. (۱)

در دنیـا بخـاطر محـدودیت هـایی که هست کیفر کامـل داده نمی شود.مثلاً اگر خلبانی شـهری را بمباران کرد و هزاران نفر را کشت،ما در دنیا چگونه او را کیفر کنیم،امّا در قیامت محدودیت نیست و مجرم بارها در دوزخ سوخته و دوباره زنده می شود.

پیام ها

۱ تنهـا در قیـامت است که کیفرهـا بطور کامل داده می شود. «يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ» ۲ کیفرهـای الهی در قیامت بر اساس شـهادت و گواهی و حقّ است. «تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ ...

يُوَفِّيهِمُ اللّٰهُ»

۳ خداوند از کیفر و پاداش کسـی نمی کاهد. «يُوَفِّيهِمُ» ۴ در قیامت،وقتی پرده های غفلت،غرور،جهل،تبلیغات کاذب و هوسها کنار می روند،مردم حقیقت را می فهمند. «وَ يَعْلَمُونَ»

ص: ۱۶۷

۱- ۱) .تفسیر المیزان.

[سوره النور (۲۴): آیه ۲۶]

اشاره

اَلْخَبِیثٰاتُ لِلْخَبِیثِینَ وَ اَلْخَبِیثُونَ لِلْخَبِیثٰاتِ وَ اَلطَّیِّبٰاتُ لِلطَّیِّبِینَ وَ اَلطَّیِّبُونَ لِلطَّیِّبٰاتِ أُولٰئِکَ مُبَرَّؤُنَ مِمّٰا یَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَهٌ وَ رِزْقٌ کَرِیمٌ (۲۶)

زنان پلید سزاوار مردان پلیدند و مردان پلید سزاوار زنان پلید،زنان پاک برای مردان پاکند و مردان پاک برای زنان پاک.آنان از آنچه درباره شان می گویند منزّهند و برای آنان مغفرت و روزی نیکویی است.

نکته ها:

این آیه یک اصل کلّی را مطرح می کند و معنایش این نیست که اگر مردی یا زنی خوب بود حتماً همسرش نیز خوب و مشمول مغفرت و رزق کریم و اهل بهشت است.زیرا قرآن ملاک را ایمان و تقوا و عمل صالح می داند و لذا با اینکه حضرت نوح و لوط طیب بودند همسرانشان از خبیثات و دوزخی اند.

کلمه ی«طیب»به معنای دلپسند و مطلوب است و در قرآن در توصیف مال،ذرّیه،فرزند، کلام،شهر،همسر،غذا و رزق،باد،مسکن،فرشته،درخت و تحیّت آمده است و در مقابل آن کلمه ی«خبیث»است که آن هم برای مال،انسان،همسر،سخن،عمل و شجره به عنوان وصف مطرح شده است.

این آیه را چند نوع می توان معنا کرد:

الف:با توجّه به آیات قبل که درباره ی تهمت به زنان پاکدامن و ماجرای افک بود و با توجّه به جمله ی: «مُبَرَّؤُنَ مِمّٰا یَقُولُونَ» ،معنای آیه آن است که کلمات خبیث مثل تهمت و افترا، شایسته افراد خبیث و سخنان پاک شایسته ی افراد پاک است.

ب:ممکن است مراد آیه بیان یک حکم شرعی باشد که ازدواج پاکان با ناپاکان ممنوع است.

نظیر آیه اوّل همین سوره که می فرمود: «اَلزّٰانِی لاٰ یَنْکِحُ إِلاّٰ زٰانِیَهً» مرد زناکار جز زن زناکار را به همسری نگیرد،همان گونه که در روایتی امام باقر(علیه السلام)این معنا را تأیید می کند. (۱)

ص: ۱۶۸

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

ب:ممکن است مراد آیه همسویی فکری،عقیدتی،اخلاقی و به اصطلاح هم شأن و هم کفو بودن در انتخاب همسر باشد.یعنی هر کس بطور طبیعی به سراغ همفکر خود می رود. ذرّه ای که در همه ارض و سماست در قرآن برای رزق اوصافی ذکر شده است از جمله:

«رِزْقاً حَسَناً» (۱)، «رِزْقٌ کَرِیمٌ» (۲)، «رَزَقَکُمُ اللّٰهُ حَلاٰلاً طَیِّباً» (۳)، «یَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لاٰ یَحْتَسِبُ» (۴)، «یُرْزَقُونَ فِیهٰا بِغَیْرِ حِسٰابٍ» (۵)

پیام ها

۱ طبع افراد پلید آن است که به سراغ پلیدی ها می روند بر عکس افراد خوب که به سراغ خوبی ها می روند. «اَلْخَبِیثٰاتُ لِلْخَبِیثِینَ ... اَلطَّیِّبٰاتُ لِلطَّیِّبِینَ» ۲ استفاده از نعمت ها و طیّبات،حقّ اهل ایمان است. «وَ الطَّیِّبٰاتُ لِلطَّیِّبِینَ» ۳ سالم ماندن نسل های پاک،از برنامه های قرآن است. «وَ الطَّیِّبٰاتُ لِلطَّیِّبِینَ» ۴ حمایت از پاکدامن ها لازم است. «أُولٰئِکَ مُبَرَّؤُنَ مِمّٰا یَقُولُونَ» ۵ معنویّات بر مادیّات مقدّم است.(در قرآن هر جا جمله ی «رِزْقٌ کَرِیمٌ» آمده، قبلش جمله ی «لَهُمْ مَغْفِرَةٌ» آمده است.)

[سوره النور (۲۴): آیه ۲۷]

اشاره

یٰا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لاٰ تَدْخُلُوا بُیُوتاً غَیْرَ بُیُوتِکُمْ حَتّٰی تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلیٰ أَهْلِهٰا ذٰلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ (۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه هایی که منزل شما نیست پیش از آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید،وارد نشوید.این دستور به نفع شماست شاید پند گیرید.

۱- ۱) .نحل،۶۷.

۲- ۲) .انفال،۴.

۳- ۳) .مائده،۸۸.

۴- ۴) .طلاق،۳.

۵- ۵) .غافر،۴۰.

نکته ها:

معنای«استیناس»اجازه خواستن و اعلام ورود است که به گفته ی روایات می تواند با ذکر خدا باشد و یا صدای پا و سلام کردن و امثال آن. (۱)

شخصی از پیامبر(صلوات اللّه علیه)پرسید آیا برای ورود به منزل مادرم اجازه بگیرم؟ فرمود:

بله،گفت:در خانه جز او کسی نیست و جز من خادمی ندارد! حضرت فرمود:آیا دوست داری مادرت را برهنه ببینی؟ گفت نه.فرمود:پس اجازه بگیر.

در روایتی دیگر آمده است که پیامبر(صلوات اللّه علیه)از ورود مردان به خانه زنانی که اولیای آنان حضور ندارند نهی فرمود. (۲)

در روایات می خوانیم:اجازه گرفتن سه مرتبه باشد تا اهل خانه فرصت جمع و جور کردن خود را داشته باشند.(البتّه اجازه گرفتن برای ورود به خانه دیگران است،ولی انسان می تواند سرزده به خانه خود وارد شود.)و برای نجات غریق و مظلوم و مورد آتش سوزی،اجازه لازم نیست. (۳)

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)هر گاه می خواست وارد منزلی شود،برای اجازه گرفتن،روبروی در خانه نمی ایستاد بلکه سمت راست یا چپ می ایستاد تا نگاه مبارکشان به داخل خانه نیفتد. (۴)

پیام ها

۱ اهل ایمان در هر کاری باید از وحی الهی دستور بگیرند. «یٰا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» ۲ امنیّت و آزادی برای ساکنین خانه باید حفظ شود. «لاٰ تَدْخُلُوا» (وارد شدن به خانهٔ دیگران به صورت سرزده،حرام است.) ۳ از مواضع تهمت دوری کنید. «لاٰ تَدْخُلُوا ... ذٰلِکُمْ خَیْرٌ» ۴ باز بودن در خانه،دلیل جواز برای ورود نیست. «لاٰ تَدْخُلُوا» ۵ مالکیّت افراد محترم است. «لاٰ تَدْخُلُوا»

ص: ۱۷۰

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

۳- ۳) .تفسیر کبیر فخر رازی.

۴- ۴) .تفاسیر کبیر و فی ظلال.

۶ اوّلین برخوردها باید با محبّت همراه باشد. «تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا» ۷ از هر کاری که در آن احتمال شکستن حریم حیا و حجاب است دوری کنید.

«تَسْتَأْنِسُوا»

۸ در ورود به خانه دیگران،تحمیل،تکلّف و احساس سنگینی ممنوع است.

(کلمه «تَسْتَأْنِسُوا » به جای«تستأذنوا»،نشانه ی انس،صفا و صمیمیّت است) ۹ وارد شونده باید سلام کند هر که باشد. «تُسَلِّمُوا عَلیٰ أَهْلِها» آری،سلام کردن لازم نیست از کوچکترها به بزرگترها باشد.

۱۰ مراعات ادب و حقّ دیگران،سرچشمه ی سعادت بشر است. «ذٰلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ» ۱۱ دستورات الهی را فراموش نکنیم و به یاد داشته باشیم. «لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ» ۱۲ آداب و اخلاق دینی،همان ندای فطرت است لکن فطرت بیدار و هشیار. «تَذَکَّرُونَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۲۸]

اشاره

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِیها أَحَداً فَلاٰ تَدْخُلُوها حَتّٰی یُؤْذَنَ لَکُمْ وَ إِنْ قِیلَ لَکُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْکیٰ لَکُمْ وَ اَللّٰهُ بِمٰا تَعْمَلُونَ عَلِیمٌ (۲۸)

پس اگر کسی را در خانه نیافتید،وارد آنجا نشوید تا آنکه(به نحوی)به شما اجازه ی ورود داده شود و اگر به شما گفته شد که برگردید،برگردید(و ناراحت نشوید)این برای پاک ماندن شما بهتر است و خداوند به عملکرد شما آگاه است.

پیام ها

۱ ورود به خانهٔ دیگران با علم به نبود کسی در آنجا،حرام است. «فَلاٰ تَدْخُلُوها» ۲ ورود اجازه ی قطعی می خواهد، «حَتّٰی یُؤْذَنَ لَکُمْ» ولی برگشتن نیاز به صراحت صاحبخانه ندارد،بلکه به مجرد پیدا شدن علائم نارضایتی بازگشتن لازم است. «قِیلَ» ۳ ورود به خانه مردم نیاز به اذن و اجازه دارد؛خواه اذن دهنده صاحب خانه و مالک باشد،یا مقام مجاز دیگر نظیر حاکم اسلامی.(جمله «یُؤْذَنَ » مجهول آمده تا اصل اذن را ثابت کند و نامی از اذن دهنده نیامده است)

ص:۱۷۱

۴ توقّف در کنار خانۀ مردم ممنوع است. «ارْجِعُوا» ۵ نپذیرفتن مهمان ناخوانده جایز است. «ارْجِعُوا» ۶ عذر صاحب خانه را بپذیریم. «ارْجِعُوا» و خود را به صاحب خانه تحمیل نکنیم. «ارْجِعُوا فَارْجِعُوا» ۷ صفا،صمیمیّت و نداشتن توقّع بیجا،از برکات اخلاق اسلامی است. «ارْجِعُوا فَارْجِعُوا» ۸ راه خودسازی و تزکیه،عمل به آداب اسلامی و مراعات حقوق مردم است.

«ارْجِعُوا

أَزْكىٰ لَكُمْ»

۹ گاهی رشد انسان به این است که سر او به سنگ بخورد. «ارْجِعُوا أَزْكىٰ لَكُمْ» هر برگشتی شکست نیست. «أَزْكىٰ لَكُمْ» ۱۰ ملاک در تنظیم روابط اجتماعی مردم،رشد و طهارت است. «أَزْكىٰ لَكُمْ» (اوامر و نواهی خداوند کلید رشد و طهارت است.) ۱۱ علم خداوند به عملکرد ما رمز تشویق و تهدید ماست. «بِمٰا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۲۹]

اشاره

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنٰاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهٰا مَتٰاعٌ لَكُمْ وَ اَللّٰهُ يَعْلَمُ مٰا تُبْدُونَ وَ مٰا تَكْتُمُونَ (۲۹)

بر شما گناهی نیست که به منازل غیر مسکونی که در آن متاعی دارید وارد شوید و خداوند به آنچه ظاهر و یا کتمان می کنید آگاه است.

نکته ها:

حساب مراکز عمومی که ساکنین خاصّی ندارد،مثل هتل ها،کاروانسراها،فروشگاه ها و حمام ها که درب آنها به روی همه باز است و مردم از رفت و آمد به آنجا بهره مند می شوند،از حساب خانه های شخصی جداست و برای رفتن به آن مراکز اجازه گرفتن لازم نیست. (۱)

۱- ۱) .تفسیر برهان.

پیام ها

۱ رفتن به مراکز عمومی بدون داشتن هدفی سودمند،برای ولگردی و پرسه زدن ممنوع است. «تَدْخُلُوا بُیُوتاً غَیْرَ مَسْکُونَهٍ فِیهٰا مَتٰاعٌ لَکُمْ» ۲ در ورود به مراکز عمومی،خدا را در نظر بگیریم و بدانیم خداوند افکار و رفتار ما را زیر نظر دارد. «وَ اللّٰهُ یَعْلَمُ مٰا تُبْدُونَ وَ مٰا تَکْتُمُونَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۳۰]

اشاره

قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصٰارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذٰلِکَ أَزْکیٰ لَهُمْ إِنَّ اَللّٰهَ خَبِیرٌ بِمٰا یَصْنَعُونَ (۳۰)

به مردان مؤمن بگو:از بعضی نگاه های خود(نگاه های غیر مجاز) چشم پوشی کنند و دامن خود را حفظ نمایند.این برای پاکتر ماندن آنان بهتر است.خداوند به آنچه انجام می دهند آگاه است.

نکته ها:

اشاره

در شأن نزول این آیه می خوانیم:جوانی در بین راه،زنی را دید و به او چشم دوخت و دنبال او راه افتاد.طوری غرق نگاه بود که صورتش به دیوار برخورد کرد و مجروح شد،نزد پیامبر (صلوات اللّه علیه)آمد و ماجرای خود را نقل کرد.این آیه نازل شد. (۱)

روایاتی درباره ی نگاه:

حضرت علی(علیه السلام)فرمود:«لکم اول نظره الی المرأه فلا تتبعوها بنظره اخری و احذروا الفتنه»نگاه اوّل مانعی ندارد ولی ادامه ی نگاه اشکال دارد،زیرا سبب فتنه می شود. (۲)

در حدیثی می خوانیم:تمام چشم ها در قیامت گریان است مگر سه چشم:چشمی که از ترس خدا بگرید و چشمی که از گناه بسته شود و چشمی که در راه خدا بیدار بماند. (۳)

در«صحیح بخاری»می خوانیم که پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)فرمودند:جلو راه مردم ننشینید.مردم گفتند:ما ناچاریم از نشستن.فرمود:پس حقّ آن را ادا کنید.پرسیدند حقّ آن چیست؟

ص:۱۷۳

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

۲- ۲) .تفسير كنز الدقائق.
۳- ۳) .تفسير كنز الدقائق.

فرمود:«غض البصر و کف الاذی و رد السلام و الامر بالمعروف و النهی عن المنکر»ترک چشم چرانی و مردم آزاری،جواب دادن به سلام دیگران،امر به معروف و نهی از منکر.

حضرت عیسی(علیه السلام)فرمود:از نگاه به نامحرم بپرهیزید که بذر شهوت را در دل می نشاند و همین برای دچار شدن انسان به فتنه کافی است. (۱)

حضرت علی(علیه السلام)فرمود:«العین رائد القلب»چشم،دل را بدنبال خود می کشد.

«العین مصائد الشیطان»چشم،قلّاب شیطان است.و چشم پوشی بهترین راه دوری از شهوات است. (۲)

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)فرمود:«النظر سهم مسموم من سهام ابلیس فمن ترکها خوفا من الله اعطاه الله ایمانا یجد حلاوه فی قلبه» (۳)نگاه بد تیری از تیرهای مسموم شیطان است که هر کس از ترس خدا چشم خود را فرو بندد خداوند به او ایمانی می دهد که از درون خویش شیرینی و مزه ی آن را احساس می کند.

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)فرمود:هر کس چشم خود را از حرام پر کند،در قیامت چشم او از آتش پر خواهد شد مگر اینکه توبه کند. (۴)

امام صادق(علیه السلام)درباره ی نگاه مجاز به زن نامحرم فرمود:«الوجه و الکفین و القدمین»یعنی نگاه به صورت و کف دست ها و روی پاها جایز است،(لکن بدون شهوت). (۵)

پیام ها

۱ لازمه ی ایمان حفظ نگاه از حرام است. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِینَ ... یَغُضُّوا» ...

۲ جاذبه های غریزی را باید کنترل کرد. «یَغُضُّوا» ۳ گناه را از سرچشمه جلوگیری کنیم و تقوا را از چشم شروع کنیم. «مِنْ أَبْصارِهِمْ» ۴ چشم پاک مقدّمه ی پاکدامنی است. «یَغُضُّوا مِنْ أَبْصارِهِمْ وَ یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» ۵ پوشش،برای مردان نیز واجب است. «یَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» ۶ چشم چرانی و بی عفّتی مانع رشد معنوی انسان است. «یَغُضُّوا یَحْفَظُوا- أَزْکی»

۱- ۱) .تفسیر روح البیان.

۲- ۲) .غرر الحکم.

۳- ۳) .بحار،ج ۱۰۴،ص ۳۸.

۴- ۴) .بحار،۷۶،ص ۳۳۶.

۵- ۵) .تفسیر کنز الدقائق.

۷ چشم چرانی،در محضر خداست.(در محضر خدا معصیت نکنیم) «یَغُضُّوا ...

إِنَّ اللّهَ خَبِيرٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۳۱]

اشاره

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنٰاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصٰارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لاٰ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّٰ مٰا ظَهَرَ مِنْهٰا وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلىٰ جُيُوبِهِنَّ وَ لاٰ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاّٰ لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبٰائِهِنَّ أَوْ آبٰاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنٰائِهِنَّ أَوْ أَبْنٰاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوٰانِهِنَّ أَوْ بَنِی إِخْوٰانِهِنَّ أَوْ بَنِی أَخَوٰاتِهِنَّ أَوْ نِسٰائِهِنَّ أَوْ مٰا مَلَكَتْ أَيْمٰانُهُنَّ أَوِ اَلتّٰابِعِينَ غَيْرِ أُولِی اَلْإِرْبَةِ مِنَ اَلرِّجٰالِ أَوِ اَلطِّفْلِ اَلَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلىٰ عَوْرٰاتِ اَلنِّسٰاءِ وَ لاٰ يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مٰا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تُوبُوا إِلَى اَللّٰهِ جَمِيعاً أَيُّهَا اَلْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۱)

و به زنان با ایمان بگو:از بعضی نگاه های خود(نگاه های غیر مجاز)چشم پوشی کنند و دامن های خود را حفظ نمایند و جز آنچه(به طور طبیعی)ظاهر است، زینت های خود را آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گردن خود بیفکنند(تا علاوه بر سر،گردن و سینه ی آنان نیز پوشیده باشد)و زینت خود را ظاهر نکنند جز برای شوهر خود،یا پدر خود یا پدرشوهر خود،یا پسر خود،یا پسر شوهر خود(که از همسر دیگر است)یا برادر خود،یا پسر برادر خود،یا پسر خواهر خود، یا زنان(هم کیش)خود،یا آنچه را مالک شده اند(از کنیز و برده)،یا مردان خدمتگزار که تمایل جنسی ندارند،یا کودکانی که(به سنّ تمییز نرسیده و)بر امور جنسی زنان آگاه نیستند.و نیز پای خود را به گونه ای به زمین نکوبند که آنچه از زیور مخفی دارند آشکار شود.ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید و به درگاه خدا توبه کنید تا رستگار شوید.

نکته ها:

با اینکه خداوند در قرآن به عدد رکعت های نماز و طواف اشاره نکرده و بیان مقدار و نصاب زکات و بسیاری از مسائل دیگر را به عهده ی پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)گزارده،ولی در مسائل خانوادگی و تربیتی و مفاسد اخلاقی به ریزترین مسائل پرداخته است.

خداوند در این آیه بیست و پنج مرتبه با آوردن ضمیر مونث به زنان توجّه کرده است. (۱)

امام صادق(علیه السلام)فرمود:مراد از آیه ی «یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ » آن است که حتّی زنان به عورت زنان نگاه نکنند و عورت خود را از نگاه دیگران حفظ نمایند. (۲)

کلمه «الْإِرْبَهِ » به معنای حاجت و نیاز است.مراد از «أُولِی الْإِرْبَهِ » خدمتگزاران و ملازمانی هستند که تمایل به همسر ندارند. (۳)

پیامبر(صلوات اللّه علیه)در تفسیر جمله ی «إِلاّ لِبُعُولَتِهِنَّ » فرمود:خداوند آن دسته از زنان را که صورت و موی خود را برای شوهر آرایش نکنند و یا تقاضای شوهر را نپذیرند،لعنت کرده است. (۴)

توبه،گاهی پشیمانی از یک گناه فردی و گاهی برای تغییر دادن یک فرهنگ فاسد عمومی است،که آیه ظاهراً درباره ی نوع دوّم است.زیرا در جاهلیّت گردن و سینه ی زنان باز بود. (۵)

حفظ حجاب و ترک جلوه گری ثمرات بسیاری دارد که برخی از آنها عبارت است از:

آرامش روحی،استحکام پیوند خانواده،حفظ نسل،جلوگیری از سوء قصد و تجاوز، پیشگیری از امراض مقاربتی و روانی،پائین آمدن آمار طلاق،خودکشی،فرزندان نامشروع و سقط جنین،از بین رفتن رقابت های منفی،حفظ شخصیّت و انسانیّت زن،و نجات او از چشم ها و دلهای هوسبازی که امروز دنیای غرب و شرق را در لجن فرو برده است.

«خمر»جمع«خمار»یعنی روسری و«جیوب»جمع«جیب»به معنای گردن و سینه است.

پیام ها

۱ در لزوم عفّت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام بین زن و مرد،فرقی نیست.

۱- ۱) .تفسیر قرطبی.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

۳- ۳) .کافی،ج ۵،ص ۵۲۳.

۴- ۴) .تفسیر نور الثقلین.

۵- ۵) .تفسیر کبیر فخر رازی.

«یَغُضُّوا

یَغْضُضْنَ

یَحْفَظُوا

یَحْفَظْنَ»

۲ جلوه گری زنـان،در جامعه ممنوع است. «وَ لا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ» ۳ ظاهر بودن قسـمت هایی از بـدن که به طور طبیعی پیداست،(صورت،دست یا پا)مانعی نـدارد. «إِلاّ ما ظَهَرَ مِنْها» ۴ در میان انواع پوشـش ها،نام مقنعه و روسـری بزرگ آمده و این دلیل بر اهمیّت حجاب است. «بِخُمُرِهِنَّ» ۵ در قانون گزاری باید به ضرورت ها،واقعیّت ها و نیازها توجّه شود.(اگر پوشاندن آن قسمت از بدن که خود به خود آشکار است،واجب می شد، زندگی برای عموم زنان مشکل بود) «إِلاّ ما ظَهَرَ مِنْها» ۶ اسلام به نیازهای فطری و غریزی بشر پاسخ مثبت می دهد. «إِلاّ لِبُعُولَتِهِنَّ» ۷ از بردگان و غلامان و افراد ملازمی که نیازی به همسر ندارند،ستر و پوشاندن واجب نیست. «أَوْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُنَّ أَوِ التّابِعِینَ غَیْرِ أُولِی الْإِرْبَهِ» ۸ هر گونه راه رفتنی که سبب آشکار شدن زیورهای مخفی زن شود ممنوع است. «وَ لا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ» ۹ زن،حقّ مـالکیّت دارد. «مَلَکَتْ أَیْمانُهُنَّ» ۱۰ زن،زینت خود را تنهـا به زنان مسلمان می تواند نشان دهد و نزد زنان کفّار باید خود را بپوشاند. «نِسائِهِنَّ» یعنی زنان خودی و مسلمان نه بیگانه.

۱۱ پوشـش زن با تمایلات جنسی مردان نامحرم کاملاً ارتباط دارد،برای «غَیْرِ أُولِی الْإِرْبَهِ» که میلی به همسر ندارد پوشش لازم نیست.

۱۲ حجاب و پوشـش،واجب است، «وَ لْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ» و هرکاری که زینت زن را آشکار کند یا دیگران را از آن آگاه کند ممنـوع است. «لِیُعْلَمَ ما یُخْفِینَ مِنْ زِینَتِهِنَّ» ۱۳ مقدار واجب برای پوشـش سـر و صورت،انداختن روسـری و مقنعه ای است که گردن و سـینه را بپوشاند. «بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیُوبِهِنَّ» ۱۴ با حفظ حجاب،حضور زن در جامعه مانعی نـدارد. «وَ لا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ» همان

ص :۱۷۷

گونه که شرکت زن در نماز جماعت بلامانع است. «وَ ارْکَعِی مَعَ الرّاکِعِینَ» ۱۵(۱) همه مردم نسبت به مسأله نگاه و حجاب مسئولند و برای نگاه های حرام خود باید توبه کنند. «تُوبُوا إِلَی اللّهِ جَمِیعاً أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ» ۱۶ مقتضای ایمان،توبه به درگاه خداوند است. «تُوبُوا إِلَی اللّهِ جَمِیعاً أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ» ۱۷ توبه،هم واجب است و هم کلید رستگاری است. «تُوبُوا ... تُفْلِحُونَ» ۱۸ راه رستگاری،بازگشت از مسیرهای انحرافی به راه خداست. «تُوبُوا إِلَی اللّهِ ... تُفْلِحُونَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۳۲]

اشاره

وَ أَنْکِحُوا اَلْأَیامی مِنْکُمْ وَ اَلصّالِحِینَ مِنْ عِبادِکُمْ وَ إِمائِکُمْ إِنْ یَکُونُوا فُقَراءَ یُغْنِهِمُ اَللّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اَللّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ (۳۲)

پسران و دختران بی همسر و غلامان و کنیزان شایسته ی(ازدواج)خود را همسر دهید.(و از فقر نترسید که)اگر تنگدست باشند،خداوند از فضل خود بی نیازشان می گرداند.خداوند،گشایشگر داناست.(او از فقر و نیاز شما آگاه است و بر کفایت شما وعده داده است و در عمل به وعده اش قدرت دارد)

نکته ها:

«ایامی»جمع«ایم»،یعنی کسی که همسر ندارد،خواه مرد باشد یا زن،باکره باشد یا بیوه.

بهترین واسطه گری ها،شفاعت و واسطه گری در امر ازدواج است.چنان که در روایت آمده است:کسی که دیگری را داماد یا عروس کند،در سایه ی عرش خداست. (۲)

پدر و مادری که با داشتن امکانات،فرزندشان را همسر نمی دهند،اگر فرزند مرتکب گناه شود، والدین در گناه او شریک هستند. (۳)

درباره ی ازدواج،روایات بسیاری آمده است که به چند مورد آن اشاره می کنیم:

امام صادق(علیه السلام)فرمود:توسعه ی زندگی،در سایه ی ازدواج است.

۱- ۱) .آل عمران،۴۳.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

۳- ۳) .تفسیر مجمع البیان.

کسی که از ترس فقر ازدواج نکند،به خداوند سوء ظن برده است.

دو رکعت نماز کسی که همسر دارد،بهتر از هفتاد رکعت نماز کسی است که همسر ندارد. (۱)

پیام ها

۱ جامعه ی اسلامی،مسئول ازدواج افراد بی همسر است. «وَ أَنْكِحُوا» ۲ ازدواج در اسلام،امری مقدّس و مورد تأکید است. «وَ أَنْكِحُوا» ۳ لازم نیست خواستگاری،از طرف خاصّی باشد،هر یک از طرفین ازدواج می توانند پیشقدم شوند. «وَ أَنْكِحُوا» ۴ تنها سفارش به ترک نگاه حرام،کافی نیست،مسأله ی ازدواج را باید حل کنیم.

«يَغُضُّوا،

يَغْضُضْنَ،

أَنْكِحُوا»

۵ زنان بیوه را همسر دهید.(«الْأَيامى » ،شامل آنان نیز می شود.) ۶ داشتن صلاحیّت،شرط طرفین عقد است. «وَ الصّالِحِينَ» (یعنی باید صلاحیّت اداره زندگی مشترک را داشته باشند.) ۷ اقدام جامعه برای عروس و داماد کردن افراد صالح،تشویقی است که جوانان لااُبالی و هرزه نیز خود را در مدار صالحان قرار دهند. «وَ الصّالِحِينَ» ...(بنا بر این که مراد از صلاحیّت،صلاحیّت اخلاقی و مکتبی باشد.) ۸ در تأمین نیازهای جنسی،فرقی میان انسان ها نیست.(زن،مرد،غلام و کنیز) «مِنْكُمْ، عِبادِكُمْ، إِمائِكُمْ» ۹ فقر،نباید مانع اقدام در امر ازدواج شود. «إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ» ...

۱۰ در صورت فقر،به ازدواج اقدام کنید و بر خدا توکّل نمایید. «يُغْنِهِمُ اللّهُ» ۱۱ فقر،برای عروس و داماد عیب نیست. «إِنْ يَكُونُوا فُقَراءَ» ...

۱۲ خداوند،تأمین زندگی عروس و داماد را وعده داده است و ازدواج،وسیله ی وسعت و برکت زندگی است. «يُغْنِهِمُ اللّهُ»

۱- ۱) .مجموعه روایات از تفسیر نور الثقلین می باشد.

۱۳ تحقّق وعده های الهی از سرچشمه ی فضل بی پایان اوست. «فَضْلِهِ وٰاسِعٌ» ۱۴ رشد و توسعه ای که خداوند نصیب بندگانش می فرماید،بر اساس علم و حکمت اوست. «وٰاسِعٌ عَلِيمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۳۳]

اشاره

وَ لْيَسْتَعْفِفِ اَلَّذِينَ لاٰ يَجِدُونَ نِكٰاحاً حَتّٰى يُغْنِيَهُمُ اَللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اَلَّذِينَ يَبْتَغُونَ اَلْكِتٰابَ مِمّٰا مَلَكَتْ أَيْمٰانُكُمْ فَكٰاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْراً وَ آتُوهُمْ مِنْ مٰالِ اَللّٰهِ اَلَّذِي آتٰاكُمْ وَ لاٰ تُكْرِهُوا فَتَيٰاتِكُمْ عَلَى اَلْبِغٰاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّناً لِتَبْتَغُوا عَرَضَ اَلْحَيٰاةِ اَلدُّنْيٰا وَ مَنْ يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اَللّٰهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرٰاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۳)

و کسانی که وسیله ی ازدواج نمی یابند،باید پاکدامنی و عفت پیشه کنند،تا آن که خداوند از کرم خویش،آنان را بی نیاز نماید.و هر کدام از غلامان و کنیزان شما که خواهان بازخرید و آزادی(تدریجی)خود باشند،(یعنی مایلند با قرارداد کتبی با مالک خویش کار کرده و خود را آزاد نمایند)اگر در آنان خیر و شایستگی دیدید،تقاضای آنان را بپذیرید(و برای کمک به آزاد شدن آنان)از مالی که خدا به شما داده به آنان بدهید،و کنیزان خود را که تصمیم بر پاکدامنی دارند،به خاطر رسیدن به مال دنیا به فحشا وادار نکنید،که هر کس آنان را به فحشا مجبور کند،البتّه خداوند برای آن کنیزان که به اکراه بدان کار وادار گشته اند،بخشنده ی مهربان است.

نکته ها:

ابتدا باید به توانمندان و مسئولان سفارش اقدام کرد،سپس به غیر متأهّلین سفارش عفت و پاکدامنی.(آیه «وَ أَنْكِحُوا » قبل از آیه «وَ لْيَسْتَعْفِفِ » آمده است) علی(علیه السلام)فرمود:در جاهلیّت مردم کنیزان را برای کسب درآمد به فحشا وادار می کردند. (۱)

ص: ۱۸۰

۱- ۱) .تفسیر در المنثور.

اگر مسلمانان در جنگ پیروز شدند و اسیر گرفتند،در مورد رفتار با اسرا یکی از این چند راه را می توانیم پیش بگیریم:

الف:همه ی اسیران را یک جا آزاد کنیم،که در این صورت،دوباره جنگ شروع می شود.

ب:همه را بکشیم،که این،نشانه ی سنگدلی مسلمانان خواهد بود.

ج:اسرا را در منطقه ای گرد آوریم و از بیت المال مسلمین،مخارج آنان را تأمین کنیم.(در این طرح،باید بی گناهان هزینه ی مجرمان را بپردازند).

د:آنها را میان مسلمانان تقسیم کنیم تا سیره ی اسلام و مسلمین را مشاهده کنند و به تدریج تحت تأثیر قرار گیرند و مسلمان شوند،سپس از راه های مختلف،آنها را آزاد کنیم،که این طرح،بهترین است،و طرح اسلام نیز همین است.

بگذریم که نظام جنگ در آن زمان این بود که اسیر جنگی را به عنوان برده مورد استفاده قرار می دادند و اسلام نیز مقابله به مثل می کرد،همان گونه که امروز در دنیا اسیران را در اردوگاه ها قرار می دهند که ما نیز باید قوانین بین المللی جنگ را تا آنجا که منافاتی با مذهب ما نداشته باشد بپذیریم.

پیام ها

۱ دسترسی نداشتن به همسر،مجوّز گناه نیست،صبر و عفّت لازم است.

«وَ لْيَسْتَعْفِفِ»

۲ هر کجا احساس خطر بیشتر شد،سفارش مخصوص لازم است. «وَ لْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لا يَجِدُونَ نِكاحاً» (چون افراد غیر متأهل بیشتر از دیگران در معرض فحشا و منکر هستند،خداوند در فرمان به عفّت،آنان را مخاطب قرار داده است) ۳ اگر عفّت و تقوا داشته باشیم،خداوند ما را بی نیاز می کند. «وَ لْيَسْتَعْفِفِ ... يُغْنِيَهُمُ اللّهُ» (جوانان بخاطر امکانات ازدواج،به سراغ تهیّه ی مال از راه حرام نروند و عفّت و تقوای مالی از خود نشان دهند) ۴ در حفظ عفّت و پاکدامنی عمومی،هم جوانان خود را حفظ کنند، «وَ لْيَسْتَعْفِفِ» ،هم حکومت قیام کند «وَ أَنْكِحُوا الْأَيامى» ،و هم ثروتمندان جامعه

به پاخیزند. «وَ آتُوهُمْ مِنْ مٰالِ اللّٰهِ» ۵ در هر قراردادی حتّی با زیردستان خود،سند کتبی داشته باشید. «مِمّٰا مَلَکَتْ أَیْمٰانُکَمْ فَکٰاتِبُوهُمْ» ۶ آسان گرفتن ازدواج بردگان از طریق قرارداد بازخرید باید همراه با علم به مصلحت باشد. «فَکٰاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِیهِمْ خَیْراً» ۷ اسلام برای آزادی بردگان،طرح های مختلفی دارد.یکی از آنها قرارداد بازخرید است. «فَکٰاتِبُوهُمْ» ۸ دارایی و اموال را از خود ندانید بلکه از خداست که چند روزی امانت به شما داده است. «مٰالِ اللّٰهِ» ۹ ثروتمندان در قبال ازدواج جوانان،مسئولیّت بیشتری دارند. «وَ آتُوهُمْ مِنْ مٰالِ اللّٰهِ الَّذِی آتٰاکُمْ» ۱۰ اولیا به بردگانی که توان پرداخت بهای بازخرید خود را ندارند کمک کنند.

«وَ آتُوهُمْ مِنْ مٰالِ اللّٰهِ»

حضرت علی(علیه السلام)فرمودند:یک چهارم قیمت قرارداد را رها کنند. (۱)و امام صادق(علیه السلام)فرمودند:چیزی از بهای قرارداد را کم کنند. (۲)

۱۱ بردگان در بستن قرارداد،هم سنگ مالکان خود هستند.(«فَکٰاتِبُوهُمْ » در موردی است که هر دو طرف برابر هم باشند) ۱۲ از مال الهی(بودجه ی زکات)هم برای آزادی بردگان و هم برای ازدواج جوانان هزینه کنید. «وَ آتُوهُمْ مِنْ مٰالِ اللّٰهِ» ۱۳ بکارگیری زیردستان در مسیر حرام و واداشتن کنیزان عفیف بر فحشا، ممنوع است. «وَ لاٰ تُکْرِهُوا فَتَیٰاتِکُمْ عَلَی الْبِغٰاءِ» ۱۴ دنیاطلبی،سرچشمه ی گناهان است. «لاٰ تُکْرِهُوا ... عَرَضَ الْحَیٰاةِ الدُّنْیٰا» ۱۵ ثروت اندوزی از راه های نامشروع جایز نیست. «لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَیٰاةِ الدُّنْیٰا»

ص: ۱۸۲

۱- ۱) .تفسیر در المنثور.

۲- ۲) .من لا یحضر،ج ۳،ص ۷۸.

۱۶ دنیا زودگـذر است. «عَرَضَ الْحَیاهِ الدُّنْیا» (کلمه «عَرَضَ » به معنای عارضـی و زودگذر است) ۱۷ ارزشها نباید فدای رفاه و مال و مادیّات شود. «لا تُکْرِهُوا ... لِتَبْتَغُوا» ۱۸ شخصیّت کنیزان مانند دخترانِ آزاد است.(«لا تُکْرِهُوا فَتَیاتِکُمْ » و نفرمود:

«لا تکرهوا امائکم») ۱۹ اسلام حامی کنیزان است. «لا تُکْرِهُوا» ...

۲۰ پاکـدامنی و عفـت برای زن بهـترین ارزش اسـت. «إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنـاً» ۲۱ سرچشـمه بخشـی از گناهان،بزرگترها هستند. «لا تُکْرِهُوا ... أَرَدْنَ تَحَصُّناً» ۲۲ افراد مجبور شده به گناه،مورد عفو قرار می گیرند. «فَإِنَّ اللّهَ مِنْ بَعْدِ إِکْراهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِیمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۳۴]

اشاره

وَ لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ آیاتٍ مُبَیِّناتٍ وَ مَثَلًا مِنَ اَلَّذِینَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِکُمْ وَ مَوْعِظَهً لِلْمُتَّقِینَ (۳۴)

همانا ما به سوی شـما آیاتی روشـنگر و از کسانی که قبل از شـما بودند نمونه های برجسته و تاریخی و پندی برای پرهیزکاران فرستادیم.

پیام ها

۱ خداوند با مردم اتمام حجّت می کند. «أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ آیاتٍ مُبَیِّناتٍ» ۲ آیات قرآن نور و روشنگر است. «آیاتٍ مُبَیِّناتٍ» ۳ تاریخ گذشـتگان،چراغ راه آینـدگان است. «مَثَلاً مِنَ الَّذِینَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِکُمْ» ۴ قرآن کتـاب جـامعی است. «آیاتٍ مَثَلًا مَوْعِظَهً» ۵ پند پذیری دلی آماده می خواهد. «مَوْعِظَهً لِلْمُتَّقِینَ» ۶ متّقین نیز به موعظه نیازمندند. «مَوْعِظَهً لِلْمُتَّقِینَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۳۵]

اشاره

اَللّٰهُ نُورُ اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكٰاةٍ فِيهٰا مِصْبٰاحٌ اَلْمِصْبٰاحُ فِي زُجٰاجَةٍ اَلزُّجٰاجَةُ كَأَنَّهٰا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبٰارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لاٰ شَرْقِيَّةٍ وَ لاٰ غَرْبِيَّةٍ يَكٰادُ زَيْتُهٰا يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نٰارٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ يَهْدِي اَللّٰهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشٰاءُ وَ يَضْرِبُ اَللّٰهُ اَلْأَمْثٰالَ لِلنّٰاسِ وَ اَللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳۵)

خداوند،نور آسمان ها و زمین است.مثل نور او همچون چراغدانی است که در آن چراغی(پر فروغ)باشد.آن چراغ در میان شیشه ای و آن شیشه همچون ستاره ای تابان و درخشان.این چراغ از روغن درخت پر برکت زیتون بر افروخته است،که نه شرقی است و نه غربی.(روغنش به قدری صاف و شفّاف است)که بدون تماس آتش نزدیک است(شعله ور شود و)روشنی دهد.نوری است بر فراز نور دیگر.

هر کس را که خداوند بخواهد به نور خویش هدایت می کند،و خداوند برای مردم مثلها می زند و به هر چیزی آگاه است.

نکته ها:

«مشکاه»یعنی چراغدان. «دُرِّیٌّ » به معنای پر نور و پر فروغ است.«زیت»روغن زیتون را گویند.(مادّه ای که وسیله ی روشنایی است) «نُورُ » یعنی چیزی که هم خودش روشن است و هم سبب روشنی اشیای دیگر است.در فرهنگ اسلام از چند چیز به عنوان «نُورُ» یاد شده است،از جمله:قرآن،حدیث،علم، عقل،ایمان،هدایت،اسلام،پیامبر(صلوات اللّه علیه)و امامان معصوم(علیهم السلام).

حضرت علی(علیه السلام)فرمود:چیزی را ندیدم مگر آن که خدا را قبل از آن و بعد از آن و همراه با آن دیدم.«ما رأیت شیئا الا و رأیت الله قبله و بعده و معه» به صحرا بنگرم صحرا تو بینم «اللّٰهُ نُورُ السَّمٰاوٰاتِ» یعنی:خداوند هدایت کننده ی آسمان و زمین است.در میان تمام

ص:۱۸۴

اقوالی که برای«نور» گفته شده است،از قبیل روشنگر،زینت بخش و هادی،معنای هدایت بهتر به نظر می آید،چون هدایت آفرینش،در آیات دیگر نیز آمده است. «أَعْطیٰ کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدیٰ» و جمله ی «نُورٌ عَلیٰ نُورٍ» به معنای هدایت های دایمی و پی در پی است و در پایان آیه نیز می فرماید: «یَهْدِی اللّٰهُ لِنُورِهِ»

پیام ها

۱ هستی،فیض خداوند و پرتوی از نور اوست،قوام و بقای هستی از اوست.

«اللّٰهُ نُورُ السَّمٰاوٰاتِ»

...

۲ نور خدا هم زیاد است و هم ثابت.(شیشه،هم نور را زیاد می کند و هم نور را از خاموش شدن حفظ می کند.) «الْمِصْبٰاحُ فِی زُجٰاجَهٍ» ۳ روشنی نور خدا از ذات اوست نه از جرقه های بیرونی. «یَکٰادُ زَیْتُهٰا یُضِیءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نٰارٌ» ۴ زیتون درخت مبارکی است. «شَجَرَهٍ مُبٰارَکَهٍ زَیْتُونَهٍ» ۵ اگر درخت زیتون در وسط باغ باشد،که در تمام روز آفتاب بخورد،روغنش بهتر می شود،ولی اگر در اطراف باغ و مزرعه بود،یا در وقت صبح آفتاب دارد یا عصر. «زَیْتُونَهٍ لاٰ شَرْقِیَّهٍ وَ لاٰ غَرْبِیَّهٍ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۳۶]

اشاره

فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اَللّٰهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اِسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهٰا بِالْغُدُوِّ وَ اَلْآصٰالِ (۳۶)

(این نور هدایت)در خانه هایی است که خداوند اذن داده رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود و در آنها بامدادان و شامگاهان او را تسبیح گویند.

نکته ها:

در زیارت جامعه خطاب به ائمّه شیعه(علیهم السلام)می خوانیم:«جعلکم فی بیوت أذن الله أن ترفع»...بنا بر این حرم امامان معصوم(علیهم السلام)،یکی از مصادیق «فِی بُیُوتٍ» است.

ص: ۱۸۵

کلمه ی «تُرْفَعَ » در آیه به معنای بلندی مکانی نیز می باشد،نظیر آیه ی «إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ اَلْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعِیلُ» (۱)یعنی حضرت ابراهیم پایه های کعبه را بلند ساخت.

امام باقر(علیه السلام)فرمود:آن خانه ها،خانه های انبیا و حکما و امامان معصوم می باشد. (۲)و«ثعلبی»در تفسیر خود نقل می کند:روزی پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)مشغول تلاوت این آیه بود.ابو بکر برخاست و پرسید:آیا خانهٔ فاطمه(علیها السلام)و علی(علیه السلام)از مصادیق این آیه است؟ فرمود:آری،از بهترین مصادیق این آیه است. (۳)

امام کاظم(علیه السلام)فرمود:مراد از «بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ » در آیه،نمازهای اوّل وقت است. (۴)

در فرهنگ قرآن،در موارد متعدّدی به جای نماز،تسبیح آمده است. «وَ سَبِّحْ بِالْعَشِیِّ وَ الْإِبْکارِ» (۵)، «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ» (۶)

پیام ها

۱ راهیابی به نور خدا در هر کجا نیست،بلکه در مکان ها و از راه های خاصّی است. «اللّهُ نُورُ ... فِی بُیُوتٍ» ...

۲ بلند ساختن مساجد و کانون های عبادت مانعی ندارد. «أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ» ۳ مکان ها یکسان نیستند و بعضی از آنها،بر بعضی دیگر برتری دارند. «فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ» ۴ توجّه به نور هدایت خداوند با رفت و آمد به مساجد به دست می آید. «اللّهُ نُورُ ... یَهْدِی اللّهُ لِنُورِهِ ... فِی بُیُوتٍ» ...

۵ مساجد باید از هر جهت از خانه های دیگر بهتر و برتر باشند. «أَنْ تُرْفَعَ» ۶ بزرگی و عظمت،مخصوص خدا و مواردی است که او اجازه می دهد. «أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ» ۷ اصل در استفاده از مساجد،ذکر خداست،نه مراسم دیگر. «یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ»

ص:۱۸۶

۱- ۱) .بقره،۱۲۷.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

۳- ۳) .تفسیر روح المعانی.

۴- ۴) .بحار،ج ۲۳،ص ۳۲۶.

۵- ۵) .آل عمران،۴۱.

۶- ۶) .ق،۳۹.

۸ درهای مسجد باید در اوقات نماز باز باشد و کسی حقّ ندارد آن را ببندد.

«يُسَبِّحُ لَهُ فِيها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ»

۹ تسبیح خداوند،باید هر صبح و شام تکرار شود. «يُسَبِّحُ ... بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ» (عنصر زمان و مکان در عبادت مؤثّر است.)

[سوره النور (۲۴): آیه ۳۷]

اشاره

رِجالٌ لا تُلْهِيهِمْ تِجارَةٌ وَ لا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اَللّهِ وَ إِقامِ اَلصَّلاةِ وَ إِيتاءِ اَلزَّكاةِ يَخافُونَ يَوْماً تَتَقَلَّبُ فِيهِ اَلْقُلُوبُ وَ اَلْأَبْصارُ (۳۷)

مردانی که هیچ تجارت و معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات،سرگرم و مشغول نمی کند،از روزی که در آن،دلها و چشم ها دگرگون می شود بیمناکند.

نکته ها:

«تِجارَةٌ»

داد و ستد دایمی است که برای به دست آوردن سود انجام می گیرد،ولی «بَيْعٌ» خرید و فروش مقطعی و دفعی برای رفع نیازهای روزمرّه زندگی است. (۱)

کلمه ی «رِجالٌ» در این جا شامل همه ی بندگان خدا می شود،چه مرد و چه زن.

در حدیث می خوانیم:مراد از کسانی که در این آیه از آنها یاد شده است،تجاری هستند که با شنیدن صدای اذان،تجارت را رها می کنند و به سوی نماز می روند. (۲)

تجارت،تنها عاملی نیست که انسان را سرگرم می کند و از یاد خدا باز می دارد،عوامل دیگری نیز در قرآن کریم ذکر شده است،از جمله:تکاثر،آرزو،فرزند و دوست بد.

پیام ها

۱ کسانی که تجارت آنان را غافل نکند،مردان بزرگی هستند.(کلمه «رِجالٌ » با تنوین آمده که علامت بزرگی و عظمت است)
۲ تلاش و اقتصاد منهای یاد خدا،پوچ و بی ارزش است.(«لا تُلْهِيهِمْ » به جای

۱- ۱) .تفسیر المیزان.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

«لاـ تمنعهم»بیانگر آن است که اگر به تجارت سرگرم و از نماز غافل شدی کار تو لهو،پوچ و بی ارزش است.) ۳ تجارت و اقتصاد،لغزشگاه بزرگی است. «لا تُلْهِيهِمْ تِجارَةٌ» ۴ اگر ایمان و اراده ی قوی باشد،ابزار و وسائل اثری ندارند. «رِجالٌ لا تُلْهِيهِمْ» ۵ بازار اسلامی هنگام نماز،باید تعطیل شود. «رِجالٌ لا تُلْهِيهِمْ» ...

۶ از نظر اسلام،حتّی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد خدا غافل کند، چه رسد به کارهای مکروه و حرام. «لا تُلْهِيهِمْ تِجارَةٌ» ۷ ترک تجارت،ارزش نیست،بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش است. «لا تُلْهِيهِمْ تِجارَةٌ ... عَنْ ذِكْرِ اللّهِ وَ» ...(مردان خدا برای زندگی مادّی خود تلاش می کنند،ولی از آخرت غافل نیستند.) ۸ ایمان به آخرت،دنیا را نزد انسان کوچک می کند. «لاـ تُلْهِيهِمْ ... يَخافُونَ يَوْماً» ۹ با این که نماز ذکر خداست،ولی به خاطر اهمیّت آن در کنار ذکر اللّه جداگانه مطرح شده است. «ذِكْرِ اللّهِ وَ إِقامِ الصَّلاةِ» ۱۰ نماز و زکات عِدل یکدیگرند و تاجرانی استحقاق ستایش دارند که اهل هر دو باشند. «إِقامِ الصَّلاةِ وَ إِيتاءِ الزَّكاةِ» ۱۱ دنیا،شما را از آخرت غافل نکند. «يَخافُونَ يَوْماً» ۱۲ در قیامت،چشم ها گاهی تیز و گاهی خاشع و دلها منقلب است. «تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصارُ» قیامت صحنه های هولناک و هراس آوری دارد. «يَخافُونَ» ...

۱۳ در قیامت،معیارها عوض می شود.(آنچه در دنیا در دیده ها و دل ها جلوه می کند،در آخرت به شکل دیگری درمی آید.آنچه امروز به سوی آن می رویم،فردا از آن فرار خواهیم کرد). «تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصارُ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۳۸]

اشاره

لِيَجْزِيَهُمُ اَللّهُ أَحْسَنَ ما عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اَللّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ (۳۸)

ص: ۱۸۸

تا خداوند به آنان به نیکوتر از آنچه کرده اند پاداش بدهد و از فضل و رحمت خویش بر پاداششان بیفزاید و خداوند هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد.

پیام ها

۱ خداوند کم و کاستی های اعمال مردان خدا را جبران کرده و پاداش عمل کامل به آنان می دهد. «لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ أَحْسَنَ مٰا عَمِلُوا» ۲ مردان خدا همواره در حال رشد می باشند و ابعاد وجودی آنان افزایش می یابد.(«يَزِيدَهُمْ ...»و نفرمود:«یزید لهم...») ۳ پاداش را بیش از عمل بدهید. «وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (در اسلام سفارش شده است که مزد را معیّن کنید،ولی هنگام پرداخت بیش از آن مقدار بدهید.) ۴ اگر از سود تجارت دنیا بگذرید به سود بی حساب آخرت می رسید. «لاٰ تُلْهِيهِمْ تِجٰارَةٌ بِغَيْرِ حِسٰابٍ» (مراد از بی حساب،پاداشی فراوان و فوق انتظار است.)

[سوره النور (۲۴): آیه ۳۹]

اشاره

وَ اَلَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمٰالُهُمْ كَسَرٰابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ اَلظَّمْآنُ مٰاءً حَتّٰى إِذٰا جٰاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئاً وَ وَجَدَ اَللّٰهَ عِنْدَهُ فَوَفّٰاهُ حِسٰابَهُ وَ اَللّٰهُ سَرِيعُ اَلْحِسٰابِ (۳۹)

اعمال کسانی که کافر شدند همچون سرابی در بیابان است که تشنه آن را آب می پندارد،(امّا)همین که به سراغ آن آمد آن را چیزی نیافت،امّا خدا را نزد خویش یافت که حساب او را بی کم و کاست داده و خداوند زود به حساب ها می رسد.

نکته ها:

کلمه«قیعه»به معنای زمین مسطح و بزرگ است و«ظمآن»کسی را می گویند که عطشش زیاد باشد.کلمه«وفی»به معنای پاداش و کیفر کامل و بدون کم و کاست است.

ص: ۱۸۹

پیام ها

۱ شرط قبولی عمل،داشتن ایمان است و سعادت انسان نیز در گرو ایمان است.

«وَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَعْمٰالُهُمْ کَسَرٰابٍ»

(کفر سبب حبط و پوچی عمل است) ۲ اعمال کفّار فریبنده است. «کَسَرٰابٍ» ...به انگیزه ها بنگرید،نه به جلوه ها و ظاهر تلاش ها.

۳ در تعلیم و تربیت استفاده از مثال و تشبیه مؤثّر است. «کَسَرٰابٍ» ...

۴ قیامت،روز بُروز حقایق است. «لَمْ یَجِدْهُ شَیْئاً وَ وَجَدَ اللّٰهَ عِنْدَهُ» ۵ سعادت خواهی،در فطرت همه انسان ها وجود دارد و انگیزه ی تمام حرکت ها رسیدن به خیر است لکن تفاوت در واقع بینی و خیال گرایی است.

«یَحْسَبُهُ

... مٰاءً» ۶ کفّار در قیامت،هیچ سرمایه ای ندارند. «لَمْ یَجِدْهُ شَیْئاً» ۷ علاوه بر عقیده،اعمال انسان در سرنوشت او مؤثّر است. «لِیَجْزِیَهُمُ اللّٰهُ أَحْسَنَ مٰا عَمِلُوا ... أَعْمٰالُهُمْ کَسَرٰابٍ» ...

۸ همه ی مردم،روزی خدا را باور خواهند کرد. «وَ وَجَدَ اللّٰهَ عِنْدَهُ» ۹ در قیامت،رسیدگی به حساب افراد هم کامل و دقیق است و هم سریع. «فَوَفّٰاهُ حِسٰابَهُ ... سَرِیعُ الْحِسٰابِ» (بر خلاف حسابرسی های دنیوی که یا دقیق و کامل نیست و یا همراه معطّلی است.)

[سوره النور (۲۴): آیه ۴۰]

اشاره

أَوْ کَظُلُمٰاتٍ فِی بَحْرٍ لُجِّیٍّ یَغْشٰاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحٰابٌ ظُلُمٰاتٌ بَعْضُهٰا فَوْقَ بَعْضٍ إِذٰا أَخْرَجَ یَدَهُ لَمْ یَکَدْ یَرٰاهٰا وَ مَنْ لَمْ یَجْعَلِ اَللّٰهُ لَهُ نُوراً فَمٰا لَهُ مِنْ نُورٍ (۴۰)

یا(اعمال کافران)همچون ظلماتی است در دریای عمیق و متلاطم که موجی بزرگ روی آن را می پوشاند،و روی آن،موج بزرگ دیگری است و بالای آن موج(دوّم)ابری است،(تاریکی عمق دریا و موج های انباشته و

ابرهای تیره)ظلماتی است تو در تو(که کافر در آنها غرق شده است) همین که دست خود را(برای نجات)برآورد،احدی دست او را نمی بیند(تا نجاتش دهد).و خداوند برای هر کس نوری قرار ندهد،هیچ نوری برای او نخواهد بود.

نکته ها:

کافر معمولی و ساده به اسلام نزدیک است،و امیدی به بازگشت او هست.مانند کدورت ساده ای که میان دو نفر وجود دارد و کار آن دو به صلح و آشتی نزدیک است.امّا کافرانی که در راه کفر،تلاش ها و اعمال خلاف بسیاری دارند،برگشت آنان بسیار سخت است.کافری که در عقیده اش اصرار ورزیده و دنبال کفرش،حقّ را تحقیر و جنگ ها کرده و بودجه ها خرج نموده و افرادی را دور خود گرد آورده و به این عنوان معروف شده است،بازگشت او به دامن اسلام بسیار سخت و بعید است.زیرا هر تلاش و عمل او،موجی از ظلمت بر موج های قبل افزوده و اعمال کفرآلودش،کفر او را محکم تر ساخته است.

اعمال کفّار به جای این که راه را برای آنان باز کند،گمراه ترشان می کند و حجابی روی حجاب دیگر است.نظیر آیه ی «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَوْلِیاؤُهُمُ الطّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُماتِ» ... (۱)

پیام ها

۱ به هنگام معرّفی الگوها باید از الگوهای مثبت و منفی سخن گفت.(الگوی مثبت؛ «رِجالٌ لا تُلْهِیهِمْ» ...و الگوی منفی در آیه ی قبل و این آیه «وَ الَّذِینَ کَفَرُوا ...

أَوْ کَظُلُماتٍ»

...

۲ در برابر نور الهی(آیه ۳۵)که «نُورٌ عَلی نُورٍ» بود،در این آیه سخن از ظلمات و ظلمت فوق ظلمت است. «ظُلُماتٌ بَعْضُها فَوْقَ بَعْضٍ» ۳ هر عملی از مؤمن نور و هر عملی از کافر ظلمت است. «أَوْ کَظُلُماتٍ»

۱- ۱) .بقره،۲۵۷.

۴ اعمال خوب کفّار،سراب و اعمال بد آنها ظلمات است. «کَسَرٰابٍ ... أَوْ کَظُلُمٰاتٍ» ۵ علم و عقل،انسان را از نور وحی الهی بی نیاز نمی کنند.اگر نور الهی نباشد، هیچ نوری انسان را نجات نمی دهد. «فَمٰا لَهُ مِنْ نُورٍ»

[سوره النور (۲۴): آیات ۴۱ تا ۴۲]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اَللّٰهَ یُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِی اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ اَلطَّیْرُ صَافّٰاتٍ کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاٰتَهُ وَ تَسْبِیحَهُ وَ اَللّٰهُ عَلِیمٌ بِمٰا یَفْعَلُونَ (۴۱) وَ لِلّٰهِ مُلْکُ اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ إِلَی اَللّٰهِ اَلْمَصِیرُ (۴۲)

آیا ندیدی که هر کس در آسمان ها و زمین است و پرندگان بال گشوده(در پرواز)برای خدا تسبیح می گویند،و هر یک نیایش و تسبیح خود را می داند؟ و خداوند به آنچه می کنند داناست.

و فرمانروایی آسمان ها و زمین،مخصوص خداست.و بازگشت(همه)به سوی اوست.

نکته ها:

ظاهر آیه همانطور است که ترجمه شد،امّا ممکن است فاعل «عَلِمَ» خدا باشد،نه موجودات که در این صورت معنای آیه چنین می شود:خداوند از نیایش و تسبیح همه ی موجودات آگاه است.

قرآن،بارها مسأله ی تسبیح موجودات و سجده و نماز آنها را با صراحت بیان کرده و گاهی فرموده است:شما تسبیح آنها را نمی فهمید. (۱)از این آیات به دست می آید که علم و شعور،مخصوص انسان ها نیست.گرچه بعضی تسبیح موجودات هستی را تسبیح تکوینی و زبان حال آفرینش دانسته اند،ولی ظاهر آیات بر خلاف این مطلب است.

۱- ۱) .اسراء،۴۴.

خداوند،در این آیه چند مرتبه به صورت غیر مستقیم،به انسان هشدار داده است:

الف:موجودات آسمان و زمین و پرندگان در حال تسبیح هستند.چرا انسان غافل است؟! ب:تسبیح موجودات،آگاهانه است.چرا انسان حضور قلب ندارد؟! ج:پرندگان،هنگام پرواز در هوا در حال تسبیح و نمازند،امّا برخی انسان ها هنگام پرواز در آسمان،مظلومان را بمباران می کنند و یا در حال غفلت و مستی به سر می برند! در روایات می خوانیم:امام صادق(علیه السلام)هنگامی که صدای گنجشکی را شنید فرمود:این پرنده مشغول دعا و تسبیح است. (۱)

پیام ها

۱ تنها به خود نیندیشید،به اطراف خود هم بنگرید و در هستی نیز مطالعه و اندیشه کنید. «أَ لَمْ تَرَ» ۲ کسی که می خواهد دیگران را ارشاد کند،خود باید از دید عمیقی برخوردار باشد.پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)،تسبیح موجودات را می دید. «أَ لَمْ تَرَ» ۳ در میان موجودات هستی،پرندگان،آن هم در حال پرواز،توجّه خاصّی به خدا دارند. «وَ الطَّيْرُ صَافَّاتٍ» ۴ همه ی موجودات هستی،شعور دارند و نماز و تسبیح موجودات،آگاهانه است. «كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاٰتَهُ» ۵ نماز،در صورتی ارزش دارد که نمازگزار بداند چه می گوید و چه می کند. «كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاٰتَهُ» ۶ نماز و تسبیح هر موجودی به صورت خاصّی است. «صَلاٰتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ» ۷ خداوند،بر جزئیات کار تمام هستی آگاه است. «عَلِيمٌ بِمٰا يَفْعَلُونَ» ۸ نظام هستی،هم فرمانروا دارد؛ «وَ لِلّٰهِ مُلْكُ» ...و هم هدفدار است. «وَ إِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ»

۱- ۱) .تفسیر کبیر فخر رازی،روح البیان.

[سوره النور (۲۴): آیه ۴۳]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اَللّٰهَ يُزْجِي سَحٰاباً ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكٰاماً فَتَرَى اَلْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلاٰلِهِ وَ يُنَزِّلُ مِنَ اَلسَّمٰاءِ مِنْ جِبٰالٍ فِيهٰا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشٰاءُ وَ يَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشٰاءُ يَكٰادُ سَنٰا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصٰارِ (۴۳)

آیا ندیدی که خداوند ابرها را به آرامی می راند.سپس بین اجزای آن پیوند برقرار می کند.آن گاه آن را متراکم می سازد.پس می بینی که باران از میان آن بیرون می آید و خداوند از آسمان از ابرهایی که مثل کوه است تگرگ فرو می فرستد.پس (زیانِ)آن را به هر کس بخواهد می رساند و از هر کس بخواهد باز می دارد.نزدیک است درخشندگی برق آن ابر،چشم ها را کور کند.

نکته ها:

«يُزْجِي»

به معنای حرکت آهسته همراه با دفع است. «بِبِضٰاعَةٍ مُزْجٰاةٍ» یعنی سرمایه ای که کم کم قابل دفع و برگرداندن است.

کلمه «رُكٰاماً» به معنای تراکم و «الْوَدْقَ» به معنای باران است.کلمه ی «سَنٰا» به معنای درخشش است و «سَنٰا بَرْقِهِ» یعنی درخشش برق.

اگر کسی با هواپیما بالاتر از ابرها پرواز کند،می بیند که توده های ابر مثل کوه است و این از معجزات قرآن است که ۱۴ قرن قبل فرمود: «يُنَزِّلُ مِنَ السَّمٰاءِ مِنْ جِبٰالٍ فِيهٰا مِنْ بَرَدٍ» از کوهِ ابر،تگرگ می فرستیم.

پیام ها

۱ سخن حقّ خود را با بیان نمونه ها تثبیت کنید. «وَ لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰاوٰاتِ ... أَ لَمْ تَرَ» ...

۲ دقّت در آفرینش،بهترین راه شناخت خدا و مایه ی عشق به اوست. «أَ لَمْ تَرَ» ...

۳ تمام حرکت ها در جهان طبیعت،با قدرت و اراده ی الهی و برای هدفی حکیمانه انجام می گیرد. «يُزْجِي، يُؤَلِّفُ، يَجْعَلُهُ»

ص: ۱۹۴

۴ عوامل طبیعی،مسیر تحقّق اراده ی خداست،نه به جای خدا. «یُزْجِی، یُؤَلِّفُ، یَجْعَلُهُ، یُنَزِّلُ» ۵ بارش باران و تگرگ و مفید بودن یا مضرّ بودن آن به اراده خداست. «فَیُصِیبُ بِهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ یَشاءُ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۴۴]

اشاره

یُقَلِّبُ اَللّٰهُ اَللَّیْلَ وَ اَلنَّهٰارَ إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَعِبْرَةً لِأُولِی اَلْأَبْصٰارِ (۴۴)

خداوند،شب و روز را جا به جا می کند.همانا در این(قدرت نمایی)برای اهل بصیرت،عبرتی قطعی است.

پیام ها

۱ تغییرات و آمد و رفت شب و روز،تصادفی نیست،بلکه بر اساس نظامی دقیق استوار است. «یُقَلِّبُ اللّٰهُ» ۲ پدیده های هستی عبرت انگیز است،درباره ی آنها تفکّر کنید. «لَعِبْرَةً لِأُولِی الْأَبْصٰارِ» ۳ کسی که اهل بصیرت باشد،می تواند از همه ی زمانها و مکانها درس بگیرد.

«اللَّیْلَ وَ النَّهٰارَ

... لِأُولِی الْأَبْصٰارِ» ۴ تشویق به تدبّر و نهی از سطحی نگری،از سفارشات پی در پی قرآن است.

«لِأُولِی الْأَبْصٰارِ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۴۵]

اشاره

وَ اَللّٰهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مٰاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلیٰ بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلیٰ رِجْلَیْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَمْشِی عَلیٰ أَرْبَعٍ یَخْلُقُ اَللّٰهُ مٰا یَشٰاءُ إِنَّ اَللّٰهَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (۴۵)

و خداوند هر جنبده ای را از آب آفرید،پس برخی از آنها بر شکم خویش راه می رود و برخی بر دو پا راه می رود و بعضی بر چهار پا راه می رود.

خداوند هر چه بخواهد می آفریند،زیرا خدا بر هر چیزی تواناست.

ص: ۱۹۵

نکته ها:

در این آیه،خداوند به اصناف حیوانات اشاره فرموده است:خزندگان،چرندگان و پرندگان.

تفکّر در ساختمان وجودی حیوانات،گامی برای خداشناسی است.حضرت علی(علیه السلام)در نهج البلاغه درباره ی برخی حیوانات از جمله طاووس و مورچه سخنانی آموزنده گفته است.

این آیه بدنبال آیه قبل است؛یعنی همان گونه که جابجایی شب و روز برای اهل بصیرت عبرت آموز است،آفرینش آن همه موجودات گوناگون از آب نیز وسیله ی عبرت است.

ممکن است تنوین در کلمه ی «مٰاءٍ » به اصطلاح تنوین تنویع باشد،یعنی خداوند انواع موجودات را از انواع آبها و مایعات مناسب خود آفرید. (۱)

پیام ها

۱ همه ی جنبنده ها با اراده ی او آفریده شده اند. «وَ اللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ» ۲ اگر انسان در حرکت و رشد معنوی نباشد،در حرکت ظاهری همچون حیوانات خواهد بود. «وَ اللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ» ...

۳ مادّه ی اصلی همه ی جنبنده ها آب است، «مٰاءٍ» ولی قدرت نمایی خدا به گونه ای است که از این مادّه ی ساده،این همه موجودات متنوّع خلق می کند.

«وَ اللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ»

...

[سوره النور (۲۴): آیه ۴۶]

اشاره

لَقَدْ أَنْزَلْنٰا آيٰاتٍ مُبَيِّنٰاتٍ وَ اَللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشٰاءُ إِلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴۶)

به راستی که آیاتی روشنگر نازل کردیم و خداوند هر کس را بخواهد به راه مستقیم هدایت می کند.

نکته ها:

بعضی در فرق میان کلماتِ«سبیل»و «طَرِيقَ *» با «صِرٰاطٍ » گفته اند که صراط به راهی می گویند که پیمودن آن هموار باشد و هیچ پیچیدگی و دشواری نداشته باشد. (۲)

۱- ۱) .تفسیر راهنما.

۲- ۲) .فروق اللغه.

پیام ها

۱ خداوند،با فرستادن آیات روشنگر،اتمام حجّت کرده است. «أَنْزَلْنا» ...

۲ آیات الهی وسیله ی هدایت هستند ولی اصل هدایت کار اوست. «وَ اللّٰهُ يَهْدِی»

[سوره النور (۲۴): آیه ۴۷]

اشاره

وَ يَقُولُونَ آمَنّا بِاللّٰهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنا ثُمَّ يَتَوَلّٰى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ وَ مٰا أُولٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (۴۷)

و می گویند:ما به خدا و رسول ایمان آوردیم و پیروی نمودیم.امّا گروهی از آنان بعد از این اقرار،(به گفته خود)پشت می نمایند و آنان مؤمن واقعی نیستند.

نکته ها:

این آیه و آیات بعد درباره ی منافقان مدینه است که ادّعای یاریِ پیامبر را داشتند،ولی در عمل مخالف بودند.

پیام ها

۱ به شعارهای زیبا و فریبنده تکیه نکنیم،ایمان و ثبات قدم لازم است. «يَقُولُونَ ...

يَتَوَلّٰى»

۲ منافقان ادّعای ایمان خود را هم تکرار می کردند و هم با تأکید می گفتند.(کلمه «يَقُولُونَ » فعل مضارع و نشانه ی تکرار است و تکرار حرف(باء)در «بِاللّٰهِ وَ بِالرَّسُولِ » نشانه ی تأکید است.) ۳ پیمان شکن،دین ندارد. «يَقُولُونَ يَتَوَلّٰى مٰا أُولٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ» ۴ ایمان،از عمل جدا نیست. «يَتَوَلّٰى ... وَ مٰا أُولٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ» (حتّی منافقان در کنار کلمه «آمَنّا » کلمه ی «أَطَعْنا » را می آوردند،ولی در عمل بی اعتنا بودند.)

[سوره النور (۲۴): آیه ۴۸]

اشاره

وَ إِذٰا دُعُوا إِلَى اَللّٰهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذٰا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ (۴۸)

و هر گاه به سوی خدا و رسول او خوانده شوند،تا پیامبر میانشان داوری کند،آن گاه است که گروهی از آنان،روی گردان می شوند.

نکته ها:

قضاوت و داوری رسول خدا(صلوات اللّه علیه)چیزی جز بیان حکم خدا نیست.چنان که در آیه ی ۱۰۵ سوره نساء می خوانیم: «لِتَحْكُمَ بَيْنَ النّٰاسِ بِمٰا أَرٰاكَ اللّٰهُ» تا میان مردم به (موجب)آنچه خدا به تو آموخته داوری کنی.

پیام ها

۱ نشانه ی ایمان واقعی،پذیرفتن داوری پیامبر و نشانه ی نفاق روی گردانی از آن است. «إِذٰا دُعُوا ... إِذٰا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ» ۲ داوری و قضاوت از شئون انبیا است. «لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ» ۳ حکم پیامبر همان حکم خداوند است.(«لِيَحْكُمَ» مفرد آمده،نه تثنیه) ۴ در انتقاد،انصاف داشته باشید و همه را نکوبید. «فَرِيقٌ مِنْهُمْ» ۵ قضاوت عادلانه،خوشایند گروهی از مردم نیست. «فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ»

[سوره النور (۲۴): آیات ۴۹ تا ۵۰]

اشاره

وَ إِنْ يَكُنْ لَهُمُ اَلْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ (۴۹) أَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمِ ارْتٰابُوا أَمْ يَخٰافُونَ أَنْ يَحِيفَ اَللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَ رَسُولُهُ بَلْ أُولٰئِكَ هُمُ اَلظّٰالِمُونَ (۵۰)

و(لی)اگر حقّ با آنان(و به سودشان)باشد،با رضایت و تسلیم به سوی پیامبر می آیند.

آیا در دل هایشان مرضی است،یا دچار شک شده اند و یا بیم آن دارند که خداوند و پیامبرش حقّی از آنان را ضایع کنند؟ (نه)،بلکه آنان همان ستمگرانند.

ص:۱۹۸

نکته ها:

کلمه ی«حیف»به معنای خروج از اعتدال،از روی ظلم و جور است.

پیام ها

۱ به هر گرویدن و اظهار علاقه ای تکیه نکنید. «وَ إِنْ یَکُنْ لَهُمُ الْحَقُّ یَأْتُوا إِلَیْهِ» ...(به سراغ پیامبر می آیند،ولی نه برای حکم الهی بلکه برای دریافت سود!) ۲ منافق،فرصت طلب است و نان را به نرخ روز می خورد. «وَ إِنْ یَکُنْ لَهُمُ الْحَقُّ یَأْتُوا» ...

۳ پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)حتّی برای منافقان،(آنجا که حقّ با آنان بود)به نفع آنان حکم می کرد و منافقان اذعان و اعتراف می کردند. «مُذْعِنِینَ» ۴ بی ایمانی،یک مرض روحی است. «وَ ما أُولئِکَ بِالْمُؤْمِنِینَ ... أَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» ۵ دلیل اعراض از داوری پیامبر سه چیز است:بیماری روحی،تردید و سوء ظن. «أَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمِ ارْتابُوا أَمْ یَخافُونَ أَنْ یَحِیفَ اللّهُ عَلَیْهِمْ» ۶ شک و سوء ظن به خداوند،ظلم است.(ظلم به خود و دیگران و انبیا) «أُولئِکَ هُمُ الظّالِمُونَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۵۱]

اشاره

إِنَّما کانَ قَوْلَ اَلْمُؤْمِنِینَ إِذا دُعُوا إِلَی اَللّهِ وَ رَسُولِهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ أَنْ یَقُولُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ أُولئِکَ هُمُ اَلْمُفْلِحُونَ (۵۱)

(ولی)چون مؤمنان را به خدا و پیامبرش فراخوانند،تا میانشان داوری کند،سخنشان جز این نیست که می گویند:شنیدیم و اطاعت کردیم،اینان همان رستگارانند.

نکته ها:

در چهار آیه ی قبل برخورد منافقان نسبت به داوری پیامبر اسلام را ترسیم کرد و در این آیه برخورد مؤمنان واقعی را مطرح می کند تا مردم در خود بنگرند که در برابر حکم خداوند

ص:۱۹۹

از کدام دسته هستند.

پیام ها

۱ حرف و راه مؤمن یکی است. «إِنَّمٰا» ۲ تسلیم شدن در برابر حقّ،شیوه ی دائمی مؤمنان است. «کٰانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِینَ ... أَنْ یَقُولُوا» ...

۳ مؤمن،کاری به دعوت کننده ندارد،بلکه توجّه او به راهی است که دعوت می شود. «دُعُوا إِلَی اللّٰهِ وَ رَسُولِهِ» ۴ آنچه برای مؤمن مهم است،عمل به وظیفه ی الهی و پذیرش داوری خدا و رسول است.(خواه به نفع او باشد یا به ضررش). «لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ» ۵ داوری از شئون انبیا است. «لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ» ۶ آنچه مهم است،شنیدن همراه با عمل است،نه شنیدن تنها. «سَمِعْنٰا وَ أَطَعْنٰا» ۷ اطاعت مؤمنین واقعی از پیامبر بر اساس آگاهی است.(تقدیم «سَمِعْنٰا » بر «أَطَعْنٰا ») ۸ رسیدن به رستگاری،در سایه ی تسلیم بودن در برابر فرمان خدا و اطاعت کردن از اوست. «سَمِعْنٰا وَ أَطَعْنٰا وَ أُولٰئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ۹ دینداری در نزاعها و قبول یا ردّ قضاوت های حقّ،معلوم می شود. «أُولٰئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۵۲]

اشاره

وَ مَنْ یُطِعِ اَللّٰهَ وَ رَسُولَهُ وَ یَخْشَ اَللّٰهَ وَ یَتَّقْهِ فَأُولٰئِکَ هُمُ اَلْفٰائِزُونَ (۵۲)

و هر کس از خدا و رسولش پیروی کند و از خدا بترسد و از او پروا کند، پس آنان همان رستگارانند.

نکته ها:

«فخر رازی»در تفسیرش می گوید:فوز و رستگاری در سه چیز است:

۱ اطاعت خدا و رسول،در شادی ها و غم ها.

۲ ترس از خدا در مورد کردار گذشته.

ص:۲۰۰

۳ رعایت تقوا،در باقیمانده ی عمر.

پیام ها

۱ سعادت،کاری به نژاد و سن و جنس و قبیله ندارد،هر کس تسلیم خدا باشد، رستگار می شود. «مَنْ یُطِعِ ... هُمُ الْفائِزُونَ» ۲ پیامبر(صلوات اللّه علیه)معصوم است،زیرا به اطاعت بی قید و شرط از او سفارش شده است. «مَنْ یُطِعِ اللّهَ وَ رَسُولَهُ» ۳ آنچه ارزش است،خشیت درونی و پروای بیرونی است. «یَخْشَ اللّهَ وَ یَتَّقْهِ» ۴ اطاعت باید هم از خدا باشد و هم از رسول،و در کنار آن نه غرور،بلکه روحیّه ی خشیت و تقوا باشد. «یُطِعِ اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ یَخْشَ اللّهَ» ۵ خداترسانِ تقوا پیشه که مطیع خدا و رسولند،حتماً رستگار می شوند.

«فَأُولٰئِکَ هُمُ الْفائِزُونَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۵۳]

اشاره

وَ أَقْسَمُوا بِاللّهِ جَهْدَ أَیْمانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَیَخْرُجُنَّ قُلْ لا تُقْسِمُوا طاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اَللّهَ خَبِیرٌ بِما تَعْمَلُونَ (۵۳)

و سخت ترین سوگندهایشان را به نام خدا خوردند،که اگر(برای جبهه و جهاد)دستور دهی،قطعاً از خانه خارج می شوند.(به آنان)بگو:سوگند نخورید،اطاعت پسندیده(بهتر از گزافه گویی است)،البتّه خداوند به کارهایی که انجام می دهید آگاه است.

نکته ها:

ممکن است معنای آیه این باشد که سوگند نخورید،اطاعت شما برای همه معروف و روشن است،شما سابقه ی بدی دارید.یا معنای آیه این باشد:آنچه نزد ما معروف و صحیح است، اطاعت در عمل است نه سوگندهای زبانی.

ص:۲۰۱

پیام ها

۱ به هر سوگندی اطمینان نکنید.زیرا منافقان از مقدّسات سوء استفاده می کنند.

«وَ أَقْسَمُوا بِاللّٰهِ»

...

۲ هر چه درون کسی پوک تر باشد،تظاهر او بیشتر است. «جَهْدَ أَيْمٰانِهِمْ» ۳ مسلمانی،تنها به گفتار نیست،کردار هم لازم است. «طٰاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ» ۴ با نپذیرفتن سوگند منافقان،جلو سوء استفاده آنان را بگیرید. «قُلْ لاٰ تُقْسِمُوا» ۵ خداوند،منافقان را تهدید می کند که من به گفتار و رفتار شما آگاه هستم. «إِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمٰا تَعْمَلُونَ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۵۴]

اشاره

قُلْ أَطِيعُوا اَللّٰهَ وَ أَطِيعُوا اَلرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمٰا عَلَيْهِ مٰا حُمِّلَ وَ عَلَيْكُمْ مٰا حُمِّلْتُمْ وَ إِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَ مٰا عَلَى اَلرَّسُولِ إِلاَّ اَلْبَلاٰغُ اَلْمُبِينُ (۵۴)

بگو:خدا را اطاعت کنید و پیامبر را نیز اطاعت کنید.پس اگر سرپیچی نمایید،(به او زیانی نمی رسد،زیرا)بر او فقط آن(تکلیفی)است که به عهده اش گذاشته شده و بر شما نیز آن(تکلیفی)است که به عهده ی شما گذاشته شده است.و اگر اطاعتش کنید،هدایت می یابید و پیامبر جز تبلیغ روشن مسئولیّتی ندارد.

نکته ها:

تکرار جمله «أَطِيعُوا » نشان آن است که پیامبر دو شأن دارد:یکی بیان وحی الهی؛ «أَطِيعُوا اللّٰهَ» و دیگری دستورات حکومتی؛ «أَطِيعُوا الرَّسُولَ».

در قرآن به مواردی برمی خوریم که دو دستور از طرف خدا در کنار یکدیگر ذکر شده است و باید هر دو دستور اجرا شود و عمل کردن به یکی از آن دو کافی و قابل قبول نیست،از جمله:

ایمان و عمل. «آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ» (۱)

۱- ۱) .بقره،۲۵.

نمـاز و زکـات. «أَقِیمُوا الصَّلاٰهَ وَ آتُوا الزَّکٰاهَ» (۱)تشـکّر از خداونـد و والدین. «أَنِ اشْـکُرْ لِی وَ لِوٰالِدَیْکَ» (۲)اطاعت از خـدا و رسول. «أَطِیعُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ» که در این آیه آمده است.

در قرآن جمله «فَـإِنْ تَوَلَّوْا» زیـاد بکار رفته است که در تمام موارد به پیامبر دلـداری می دهـد که از بی اعتنایی مردم نسبت به تبلیغ خود دلسرد نشود.

پیام ها

۱ پیامبر مأمور است که منافقان را به اطاعت فراخواند. «قُلْ أَطِیعُوا» ...

۲ اطاعت از اوامر و نواهی پیامبر(صـلوات اللّه علیه)مثل اطاعت از دسـتورات خـدا، واجب است. «أَطِیعُوا الرَّسُولَ» ۳ رهنمودهای پیـامبر هماهنـگ بـا فرمـان هـای الهی است. «أَطِیعُـوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُـوا الرَّسُـولَ» و گر نه خـدا نمی فرمود،اطـاعت کنیـد از من و از رهنمودهای ضدّ من.

۴ پیروی یـا سرپیچی مردم از دسـتورات پیـامبران،در وظیفه ی آن بزرگـواران اثری نـدارد. «فَـإِنْ تَـوَلَّوْا فَإِنَّمٰا عَلَیْهِ مٰا حُمِّلَ» ۵ تکلیف هر فردی،مربوط به خود اوست. «عَلَیْهِ مٰا حُمِّلَ وَ عَلَیْکُمْ مٰا حُمِّلْتُمْ» ۶ هدایت،در سایه اطاعت است. «إِنْ تُطِیعُوهُ تَهْتَدُوا» ۷ پیامبران،ابلاغ می کنند نه اجبار. «وَ مٰا عَلَی الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاٰغُ» آری نپذیرفتن مردم دلیلی بر نگفتن مبلّغ نیست.

[سوره النور (۲۴): آیه ۵۵]

اشاره

وَعَدَ اَللّٰهُ اَلَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا اَلصّٰالِحٰاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی اَلْأَرْضِ کَمَا اِسْتَخْلَفَ اَلَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ اَلَّذِی اِرْتَضیٰ لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لاٰ یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذٰلِکَ فَأُولٰئِکَ هُمُ اَلْفٰاسِقُونَ (۵۵)

۱- ۱) .بقره،۴۳.

۲- ۲) .لقمان،۱۴.

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد،همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد،و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است،برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیّت را جایگزین کند،تا(تنها)مرا بپرستند و چیزی را شریک من نکنند، و هر کس بعد از این،کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند.

نکته ها:

در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق(علیهم السلام)می خوانیم:مصداق کامل این آیه،روز حکومت حضرت مهدی(علیه السلام)است. (۱)

در قرآن،بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است،از جمله:سه مرتبه فرمود:

«لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ» (۲)یعنی اسلام بر همه ی ادیان پیروز خواهد شد.در جای دیگری فرمود: «أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ» (۳)یعنی بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد و در جای دیگری از قرآن کریم می خوانیم: «وَ الْعاقِبَةُ لِلتَّقْوی» (۴)یا می فرماید: «وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ» (۵)مراد از جانشینی مؤمنین در آیه یا جانشینی از خداست و یا جانشینی از اقوام فاسد هلاک شده است.

«قُرطبی»در تفسیر خود،درباره ی پیروزی کامل اسلام چند حدیث نقل می کند و می گوید:در زمین خانه ای نخواهد بود مگر آن که اسلام در آن خانه وارد خواهد شد.

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)در آخرین حج خود در مسیر برگشت از مکّه(روز هیجدهم ذی الحجه)در غدیر خم به فرمان خداوند حضرت علی(علیه السلام)را جانشین خود قرار داد،آیه نازل شد امروز من اسلام را برای شما پسندیدم؛ «رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً» (۶)در این آیه نیز مورد وعده ی

ص: ۲۰۴

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .توبه،۳۳؛فتح،۲۸ و صفّ،۹.

۳- ۳) .انبیاء،۱۰۵.

۴- ۴) .طه،۱۳۲.

۵- ۵) .اعراف،۱۲۸.

۶- ۶) .مائده،۳.

خداوند پیروزی آن دینی است که خدا پسندیده است؛ «دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ» و دینی که خدا پسندیده و اعلام کرده،همان مکتب غدیر خم است.

پیام ها

۱ اسلام،دین آینده ی جهان است.آینده ی تاریخ به سود مؤمنان و شکست سلطه ی کافران است. «وَعَدَ اللّهُ ... لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ» ۲ به محرومان مؤمن،امید دهید تا فشار و سختی ها،آنها را مأیوس نکند. «وَعَدَ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا» ۳ کلید و رمز لیاقت برای بدست گرفتن حکومت گسترده حقّ،تنها ایمان و عمل صالح است. «الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ» به کسانی که اهل ایمان و عمل باشند وعده ی پیروزی داده شده،نه به آنان که تنها اهل ایمان باشند.

۴ دین،از سیاست جدا نیست،بلکه سیاست و حکومت برای حفظ دین است.

«لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ

... یَعْبُدُونَنِی» ۵ در تبلیغ و ارشاد مردم،برای باور کردن آنان،بیان نمونه هایی از تاریخ گذشته مفید است. «کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ» ۶ پیروزی نهایی اهل حقّ،یک سنّت الهی است. «کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ» ۷ هدف از پیروزی و حکومت اهل ایمان،استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیّت کامل است. «لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ لا یُشْرِکُونَ» ۸ دست خدا را در تحولات تاریخ ببینیم. «وَعَدَ اللّهُ ... لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ» ۹ دین اسلام،تنها دین مورد رضایت الهی است. «دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ» ۱۰ امنیّت واقعی،در سایه ی حکومت دین است. «وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً» ۱۱ امنیّت در جامعه ی اسلامی،شرایط مناسبی برای عبادت فراهم می سازد.

«أَمْناً یَعْبُدُونَنِی»

(هدف نهایی وعده های الهی،عبادت خالصانه خداوند است) ۱۲ عبادت خدا،زمانی کامل است که هیچ گونه شرکی در کنار آن نباشد.

«یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ»

ص: ۲۰۵

۱۳ در حکومت صالحان نیز،گروهی انحراف خواهند داشت. «وَعَدَ اللّٰهُ ... وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ»

[سوره النور (۲۴): آیات ۵۶ تا ۵۷]

اشاره

وَ أَقِيمُوا اَلصَّلاٰةَ وَ آتُوا اَلزَّكٰاةَ وَ أَطِيعُوا اَلرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۵۶) لاٰ تَحْسَبَنَّ اَلَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي اَلْأَرْضِ وَ مَأْوٰاهُمُ اَلنّٰارُ وَ لَبِئْسَ اَلْمَصِيرُ (۵۷)

و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و از پیامبر اطاعت کنید.باشد تا مورد رحمت قرار گیرید.

هرگز گمان مبر که کفّار ما را در زمین عاجز و درمانده می کنند.جایگاه آنان آتش است و به راستی که سرانجام بدی است.

نکته ها:

امام صادق(علیه السلام)با تلاوت این آیه فرمود:زکات فطره مصداق زکات در آیه و واجب است. (۱)

شایـد آیه پاسخ سؤالی باشد که بعد از آیه قبل مطرح می شود که با آن همه کفر و نفاق و امکاناتی که مخالفین دارند،چگونه خداوند به مؤمنین وعده حاکمیّت بر زمین را می دهد؟ این آیه می فرماید: «لاٰ تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ» تردید نکن،زیرا مخالفین نمی تواننـد در هیچ کجای زمین اراده و راه خداوند را مختل و عاجز نمایند.بر خلاف میل و پندار نادرست دشمنان،روزی حکومت امام زمان(علیه السلام)محقّق خواهد شد. (۲)

پیام ها

۱ نماز و زکات و اطاعت از رهبر الهی،نمونه بارز ایمان و عمل صالحی است که در آیه قبل وعده ی حاکمیّت به آنان داده شد. «وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا ... أَقِيمُوا الصَّلاٰةَ وَ» ...

ص:۲۰۶

۱- ۱) .بحار،ج ۹۳،ص ۱۰۴.

۲- ۲) .تفسیر المیزان.

۲ در اسلام،مسائل عبادی «أَقِيمُوا الصَّلاةَ» و مسائل مالی «آتُوا الزَّكاةَ» و مسائل سیاسی و حکومتی «أَطِيعُوا الرَّسُولَ» از یکدیگر جدا نیستند.

۳ وعده های الهی(که در آیه قبل بود)،سبب تن پروری نشود! «أَقِيمُوا ... آتُوا الزَّكاةَ» ...

۴ شرط رسیدن به رحمت الهی،پیروی از خدا و رسول است. «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» ۵ کفّار،اگر چه ابرقدرت باشند،امّا در مبارزه با دین خدا شکست خواهند خورد. «لا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ» ...

[سوره النور (۲۴): آیه ۵۸]

اشاره

يا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ اَلَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ وَ اَلَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا اَلْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلاثَ مَرّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلاةِ اَلْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيابَكُمْ مِنَ اَلظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ اَلْعِشاءِ ثَلاثُ عَوْراتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لا عَلَيْهِمْ جُناحٌ بَعْدَهُنَّ طَوّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلى بَعْضٍ كَذلِكَ يُبَيِّنُ اَللّهُ لَكُمُ اَلْآياتِ وَ اَللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! باید بردگانی که مالکشان هستید و کسانی از شما که به سنّ بلوغ و احتلام نرسیده اند در سه وقت از شما(برای ورود به اتاق)اجازه بگیرند:پیش از نماز صبح و نیمروز،هنگامی که لباس از تن بیرون می کنید،و بعد از نماز عشا.این سه وقت هنگام خلوت شماست،در غیر این سه وقت بر شما و بر آنان گناهی نیست که بدون اذن وارد شوند،زیرا آنان پیوسته با شما در رفت و آمد هستند و بعضی بر بعضی وارد می شوند.خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می کند و خداوند عالم و حکیم است.

نکته ها:

اگر بار دیگر از اوّل سوره نگاهی به آیات آن بکنیم خواهیم دید که سیاست پیشگیری از فحشا در آیات نهفته است،مثلاً زن و مرد زناکار را در برابر چشم دیگران تنبیه کنید،(آیه ۱)

ازدواج آنان را محدود کنید،(آیه ۳)اگر بدون چهار شاهد نسبت ناروا داده شد،هشتاد تازیانه بزنید،(آیه ۴)کسانی که به همسر پیامبر تهمت زدند عذاب عظیم خواهند داشت،(آیه ۱۱) اگر تهمتی را شنیدید برخورد کنید،(آیه ۱۲)هر کس اشاعه فحشا را دوست بدارد،عذاب الیم خواهد داشت،(آیه ۱۹)بدنبال گام های شیطان نروید،(آیه ۲۱)کسانی که به زنان پاکدامن تهمت بزنند عذاب عظیم خواهند داشت،(آیه ۲۳)سخن زشت از افراد خبیث است نه شما، (آیه ۲۶)سرزده به خانه دیگران نروید و اگر گفتند برگردید شما نیز بپذیرید و برگردید،(آیه ۲۷ ۲۸)مردان و زنان چشم خود را از نامحرم پیش کشند و خیره نشوند، (آیه ۳۰-۳۱)زنان زیور خود را نشان ندهند و پایکوبی نکنند و برای ازدواج افراد بی همسر قیام کنید و از فقر نترسید،(آیه ۳۲)و در این آیه می فرماید:در ساعاتی که انسان با همسرش خلوت می کند حتّی فرزندان و بردگان سرزده وارد نشوند.آری تمام این دستورات برای جلوگیری از فحشا و بلوغ زودرس و حفظ حریم و حیا و آبرو است.

پیام ها

۱ مسئول آموزش احکام دین به فرزندان،والدین مؤمن هستند. «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِیَسْتَأْذِنْکُمُ» ۲ محل خواب والدین باید جدا و دور از چشم فرزندان باشد،و گر نه نیاز به اذن نبود. «لِیَسْتَأْذِنْکُمُ» ۳ کودکی و بردگی بهانه ای برای شکست حریم دیگران نیست. «لِیَسْتَأْذِنْکُمُ» ۴ مرد باید در طول شبانه روز،ساعاتی را به همسر خود اختصاص دهد و فرزندان مزاحم نشوند. «لِیَسْتَأْذِنْکُمُ» ۵ کودکان نیز تکلیف دارند. «لِیَسْتَأْذِنْکُمُ ... اَلَّذِینَ لَمْ یَبْلُغُوا الْحُلُمَ» ۶ اسلام دین زندگی است و از جامعیّت کاملی برخوردار است.هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین(که در همین آیه آمده است)و هم برای مسایل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی(که در آیه ۵۵ آمده است) طرح و برنامه دارد.

۷ کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند. «لِيَسْتَأْذِنْكُمُ» ۸ تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم. «الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ» ۹ در خانه،باید لباس کار و لباس بیرون را کنار گذاشت. «تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ» ۱۰ استراحت،بعد از ظهر و در میان ساعات کار،مفید و مناسب است. «تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ» ۱۱ تنظیم وقت،در زندگی مسلمانان باید بر اساس اوقات نماز صورت گیرد.

«قَبْلِ صَلاٰةِ الْفَجْرِ

بَعْدِ صَلاٰةِ الْعِشاءِ»

۱۲ تمام احکام الهی بر اساس حکمت است. «عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۵۹]

اشاره

وَ إِذٰا بَلَغَ اَلْأَطْفٰالُ مِنْكُمُ اَلْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اِسْتَأْذَنَ اَلَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اَللّٰهُ لَكُمْ آيٰاتِهِ وَ اَللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹)

و هر گاه کودکان شما به حد بلوغ رسیدند،پس باید همانند بزرگسالانی که قبلاً بالغ شده اند،(در همه وقت)اجازه(ورود)بگیرند.خداوند این گونه آیات خود را برای شما بیان می کند و خداوند دانا و حکیم است.

نکته ها:

کلمه ی «الْحُلُمَ» و«احتلام»به معنای جنب شدن در خواب است که یکی از نشانه های بلوغ می باشد.البتّه نشانه های بلوغ برای دختران و پسران متفاوت است که در رساله های مراجع تقلید آمده است.

پیام ها

۱ احتلام،مرز رسیدن به بلوغ شرعی است. «وَ إِذٰا بَلَغَ» ۲ بزرگان و اطرافیان،برای نوجوانان الگو هستند. «كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» ۳ با اعمال خود،فرزندان را تربیت کنید. «كَمَا اسْتَأْذَنَ»

ص:۲۰۹

۴ در تربیت فرزندان،از الگوهای زنده استفاده کنید. «کَمَا اسْتَأْذَنَ» ...

۵ دستوراتی که خداوند برای حفظ عفت صادر کرده،آگاهانه و حکیمانه است.

«عَلِیمٌ حَکِیمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۶۰]

اشاره

وَ اَلْقَوٰاعِدُ مِنَ اَلنِّسٰاءِ اَللاّٰتِی لاٰ یَرْجُونَ نِکٰاحاً فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُنٰاحٌ أَنْ یَضَعْنَ ثِیٰابَهُنَّ غَیْرَ مُتَبَرِّجٰاتٍ بِزِینَهٍ وَ أَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ وَ اَللّٰهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ (۶۰)

و بر زنان وانشسته ای که امیدی به ازدواج ندارند،باکی نیست که پوشش خود را زمین گذارند،به شرطی که زینت خود را آشکار نکنند.و عفت ورزیدن برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و آگاه است.

نکته ها:

از آیات قرآن استفاده می شود که در مسأله ی حجاب،ملاک این است که پوشش بانوان تحریک کننده و شهوت انگیز نباشد،زیرا تنها موارد زیر را استثنا نموده است:

«غَیْرِ أُولِی الْإِرْبَهِ» (۱)کسی که شهوتی ندارد.

«أَوِ الطِّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلیٰ عَوْرٰاتِ النِّسٰاءِ» بچّه ای که از مسائل شهوت،چیزی نمی داند.

«حِینَ تَضَعُونَ ثِیٰابَکُمْ» (۲)هنگامی که لباستان را کنار می گذارید وبا همسر خود هستید.

«لاٰ یَرْجُونَ نِکٰاحاً»

زنان از کار افتاده ای که امید ازدواج ندارند.

بنا بر این،مسأله روی تحریک احساسات جنسی و گناه دور می زند و اگر حدّ اقلّ حجاب اسلامی،برای جلوگیری از گناه کافی نبود،لازم است بانوان چادر و حجاب برتر داشته باشند،تا دیگران مرتکب گناه نشوند.

مراد از جمله ی «یَضَعْنَ ثِیٰابَهُنَّ» این نیست که زنان سالخورده مجازند عریان شوند،زیرا

۱- ۱) .نور،۳۱.

۲- ۲) .نور،۵۸.

در آیه قبل نیز مراد از «تَضَعُونَ ثِیابَکُمْ» در آوردن لباس های بیرون بود،نه تمام لباسها،به علاوه امام صادق(علیه السلام)درباره ی این آیه فرمودند:مراد کنار گذاشتن روسری و روپوش است نه برهنگی. (۱)

اصل مسأله ی حجاب از احکام ثابت و ضروری اسلام است،ولی مسائل مربوط به کیفیّت پوشش،بر این اساس تنظیم می شود که تمایلات جنسی را تحریک نکند و عامل حفظ عفّت و پاکدامنی باشد. «لا یَرْجُونَ نِکاحاً فَلَیْسَ عَلَیْهِنَّ» ...

پیام ها

۱ قوانین اسلام مطابق با واقعیّت ها و ضرورت ها و نیازها و توانایی های اجتماعی است.(باید برای پیر زنی که میل به همسر ندارد و آرایش نمی کند، مسئله را آسان گرفت) «وَ الْقَواعِدُ مِنَ النِّساءِ اللاّتِی لا یَرْجُونَ نِکاحاً ... أَنْ یَضَعْنَ ثِیابَهُنَّ» ۲ برای زنان پیر و جوان،آرایش و نشان دادن زینت ممنوع است. «غَیْرَ مُتَبَرِّجاتٍ» ۳ سالخوردگی به تنهایی کافی نیست،بلکه باید بی میلی به ازدواج نیز باشد تا اجازه برداشتن روسری را داشته باشند. «الْقَواعِدُ ... لا یَرْجُونَ» ۴ حجاب،مایه ی حفظ عفّت است. «یَضَعْنَ ثِیابَهُنَّ ... وَ أَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ» ۵ حجاب،به نفع زنان است. «خَیْرٌ لَهُنَّ» ۶ دوخت لباس و نوع و رنگ آن،هر چه به عفت نزدیک تر باشد،بهتر است. «وَ أَنْ یَسْتَعْفِفْنَ خَیْرٌ لَهُنَّ» ۷ در کنار آزادی،هشدار لازم است.(اگر از آسان بودن و راحتی احکام الهی، سوء استفاده شود و برای اهداف شیطانی،عمل شود،خدا شنوا و آگاه است و به حساب متخلفان می رسد). «وَ اللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»

ص: ۲۱۱

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین؛کافی،ج ۵۷،ص ۵۲۲.

[سوره النور (۲۴): آیه ۶۱]

اشاره

لَيْسَ عَلَى اَلْأَعْمىٰ حَرَجٌ وَ لاٰ عَلَى اَلْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَ لاٰ عَلَى اَلْمَرِيضِ حَرَجٌ وَ لاٰ عَلىٰ أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبٰائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهٰاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوٰانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوٰاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمٰامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمّٰاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوٰالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خٰالاٰتِكُمْ أَوْ مٰا مَلَكْتُمْ مَفٰاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنٰاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتٰاتاً فَإِذٰا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَسَلِّمُوا عَلىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اَللّٰهِ مُبٰارَكَةً طَيِّبَةً كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اَللّٰهُ لَكُمُ اَلْآيٰاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۶۱)

بر نابینا و لنگ و بیمار و بر خود شما ایرادی نیست که بخورید از خانه های خود یا خانه های پدرانتان یا خانه های مادرانتان یا خـانه هـای برادرانتـان یا خانه های خواهرانتان یا خانه های عموهایتان یا خانه های عمه هایتان یا خانه های دایی هایتان یا خانه های خاله هایتان یا آن خانه هایی که کلیدهایش را در اختیار دارید یا خانه های دوستانتان.بر شما باکی نیست که به طور دسته جمعی بخورید یا پراکنده(و تنها)،و چون وارد هر خانه ای شدید پس بر یکدیگر سـلام کنید،که تحیّت الهی است و مبارک و پسندیده است.خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می کند.باشد که بیندیشید.

نکته ها:

امام باقر(علیه السلام)می فرماید:قبل از اسلام،نابینا و لنگ و مریض حقّ نداشتند با افراد سالم غذا بخورند این آیه به آنان اجازه داد تا با افراد سالم و دسـته جمعی غـذا بخورند،یا اگر خواسـتند جداگانه میل کنند. (۱)آری در جامعه باید از شخصـیّت چنین افرادی دفاع کرد.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

اگر دلیل دیگری در کار نباشد و ما باشیم و این آیه،به نظر می رسد که خداوند برای نابینا و لنگ و بیمار یک کارت سبز برای مصرف صادر کرده است که این سه گروه در همه جا می توانند غذای مورد نیازشان را میل کنند و منطقه ای برای آنان ممنوعه نیست،ولی سایر افراد تنها در موارد یازده گانه ی ذکر شده در آیه،حقّ مصرف دارند.(این برداشت را جایی ندیدم،اگر حقّ است از خداست و اگر باطل است از من است).

قرآن با بیان یک اصل و قانون کلّی بیان می کند که همان گونه که افراد نابینا و لنگ و مریض از غذا خوردن در خانه هایی معافند،شما نیز در مصرف غذا از خانه هایی که در آیه آمده معاف می باشید.

این آیه تنها اجازه ی استفاده از خانۀ خویشانِ نَسَبی را بیان کرده و نامی از فامیل سببی مثل پدر زن و مادر زن و برادر زن و خواهر زن نبرده است.

این آیه تنها درباره ی غذا خوردن است،ولی تصرّفات دیگر در مال دیگران مشروط به گرفتن اجازه است.امام صادق(علیه السلام)فرمودند:مراد از خوردن در آیه خوردن خرما،نان و خورشت است نه غیر آن. (۱)و خوردن غذا از خانه های یازده گانه،باید طبیعی و دور از اسراف و تبذیر باشد. (۲)

در موارد ذکر شده در آیه،همین که از رضایت صاحبخانه با خبر باشیم کافی است،ولی گاهی قرائن نشان می دهد که همین یازده گروه میل ندارند از غذای خانه آنان بخوریم مثلاً اگر غذا را در جای مخصوصی پنهان کرده باشند این نشان می دهد که راضی نیستند ما استفاده کنیم.در چنین مواردی باید دست نگه داریم.

در مجمع البیان می خوانیم:بخش اوّل آیه مربوط به معاف بودن نابینا و لنگ و بیمار از شرکت در جهاد است و قسمت بعدی آیه مربوط به غذا خوردن است.

امام باقر(علیه السلام)فرمود:همین که شخصی وارد خانه شود و بر اهل آن سلام کند و آنان جواب دهند،این سلام بر خویشتن است. (۳)

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .تفسیر صافی.

۳- ۳) .تفسیر نور الثقلین.

پیام ها

۱ دیگران را بر خود مقدّم بداریم،خصوصاً محرومان را. «الْأَعْمىٰ اَلْأَعْرَجِ-اَلْمَرِيضِ أَنْفُسِكُمْ» ۲ مسائل عاطفی،در مسائل حقوقی اثر می گذارند.(گرچه غذا ملک صاحبخانه است،ولی اسلام روابط خویشاوندی و عاطفی را در این موارد بر مالکیّت افراد غالب نموده است.) «أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ ... بُيُوتِ أَعْمٰامِكُمْ» ۳ خانهٔ همسر و فرزند خانه خود شماست. (۱)«بُيُوتِكُمْ» (خانهٔ فرزند در آیه نیست شاید به خاطر این که این مورد،روشن و مسلم است.در حدیث می خوانیم:«انت و مالك لابيك»تو و مالت از آن پدرت می باشید.) ۴ قرائن محکم و اطمینان عقلایی برای جواز مصرف کافی است.(مثلاً دادن کلید خانه،نشان رضایت است) «مَلَكْتُمْ مَفٰاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ» ۵ در اسلام،حقّ دوست در کنار حقّ فامیل قرار داده شده است. «أَوْ صَدِيقِكُمْ» (از«افلاطون»پرسیدند:برادرت را بیشتر دوست داری یا رفیقت را؟ گفت:

برادرم را زمانی که رفیقم باشد.) (۲)۶ سلام کردن،از آداب ورود به منزل است. «فَسَلِّمُوا» ۷ سلام،ادبی آسمانی،مبارك و دلپسند است. «تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللّهِ مُبٰارَكَةً طَيِّبَةً» ۸ سلام کردن،در خیر و برکت زندگی مؤثّر است. «مُبٰارَكَةً طَيِّبَةً» ۹ اهل خانه به منزله ی جان شما هستند. «فَسَلِّمُوا عَلىٰ أَنْفُسِكُمْ» ۱۰ مرز حقّ و حقوق را باید خداوند تعیین فرماید. «يُبَيِّنُ اللّهُ لَكُمُ الْآيٰاتِ» ۱۱ در احکام الهی باید اندیشید. «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

۱- ۱) .تفسیر المیزان.

۲- ۲) .تفسیر مراغی.

[سوره النور (۲۴): آیه ۶۲]

اشاره

إِنَّمَا اَلْمُؤْمِنُونَ اَلَّذِينَ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِذٰا كٰانُوا مَعَهُ عَلىٰ أَمْرٍ جٰامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتّٰى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ اَلَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولٰئِكَ اَلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ رَسُولِهِ فَإِذَا اِسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اِسْتَغْفِرْ لَهُمُ اَللّٰهَ إِنَّ اَللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۶۲)

۶۲\۲۴

مؤمنان(واقعی)تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده و هر گاه با پیامبر بر کاری اجتماع نمایند،بدون اجازه او نمی روند،(ای پیامبر!)کسانی که اجازه می گیرند آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند.پس اگر برای بعضی از کارهای خود از تو اجازه خواستند،به هر کس از آنان که خواستی(و مصلحت بود) اجازه بده و برای آنان از خدا طلب آمرزش کن،که خداوند بخشنده و مهربان است.

نکته ها:

در کتب تفسیر،درباره ی شأن نزول این آیه مطالب گوناگونی ذکر شده است که موارد عمده ی آن را در این جا می آوریم:

۱ بعضی گفته اند:این آیه،مربوط به«حنظله»است،که شب عروسی او فرمان جهاد صادر شده بود.او با کسب اجازه از محضر پیامبر(صلوات اللّه علیه)به خانه رفت و مراسم زفاف را بجا آورد و به خاطر کمبود وقت،بدون آن که غسل کند به جبهه رفت و به شهادت رسید.

پیامبر فرمود:«فرشتگان او را غسل دادند».

خداوند از همان یک شبی که حنظله با همسرش بود فرزندی به او عطا کرد که تاریخ آن مفصّل است. (۱)

۲ بعضی دیگر گفته اند:این آیه درباره ی منافقین است،که هر گاه با مردم بودند،به نماز می ایستادند و اگر کسی آنان را نمی دید و تنها بودند،از نماز فرار می کردند. (۲)

۳ دسته ای گفته اند:رسول خدا(صلوات اللّه علیه)گروهی را برای کاری اعزام فرمود،ولی آنان به سراغ

۱- ۱) .تفسیر المیزان.

۲- ۲) .تفسیر کبیر فخر رازی.

کارهای شخصی خود رفتند،و آیه ی مذکور در این باره سخن می گوید.

۴ برخی می گویند:این آیه در مورد مسلمانانی است که مشغول کندن خندق بودند و برای سرکشی به خانوادهٔ خود از پیامبر اجازه می خواستند.

پیام ها

۱ حضور در کنار رهبری برای کمک و حل مشکلات،نشانه ی ایمان و ترک آن نشانه ی نفاق یا ضعف ایمان است. «کانُوا مَعَهُ عَلی أَمْرٍ جامِعٍ» ۲ در مسائل تشکیلاتی،که بر اساس همفکری و مشورت،تصمیم گرفته می شود،خودمحوری و خودمختاری ممنوع است. «عَلی أَمْرٍ جامِعٍ لَمْ یَذْهَبُوا» ۳ در زندگی اجتماعی،وجود رهبر و پیروی از او لازم است. «عَلی أَمْرٍ جامِعٍ لَمْ یَذْهَبُوا» ۴ ایمان باید همراه با تسلیم و اطاعت باشد. «لَمْ یَذْهَبُوا حَتّی یَسْتَأْذِنُوهُ» ۵ اجازه گرفتن از رهبر،نشانه ی ادب،تسلیم،قانونمندی،عشق به رهبر و نظم و نظام است.(با توجّه به کل آیه) ۶ باید نظام اجتماعی و کارهای گروهی را ارج نهیم. «لَمْ یَذْهَبُوا حَتّی یَسْتَأْذِنُوهُ» ۷ بعضی مسائل را باید سربسته گفت. «لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ» ۸ رهبری در اسلام،همراه با مصلحت اندیشی و رحمت است. «شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ» ۹ تصمیم گیری نهایی با رهبر است. «لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ» (پیامبر در مسائل عمومی جامعه،بر مردم ولایت دارد).

۱۰ رهبر باید در اعمال سیاست های خود انعطاف پذیر و واقع بین باشد. «فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ» ۱۱ رهبران الهی،عذر پذیر و مهربانند. «فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ» ۱۲ اذن پیامبر برای کارهای شخصی،کار را حلال می کند ولی نفس رها کردن کارهای عمومی در حضور رهبر،نیاز به استغفار دارد. «فَأْذَنْ ... وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ»

ص: ۲۱۶

۱۳ طرح مسائل شخصی در هنگام اشتغال به کارهای عمومی،گرچه با اجازه باشد،زیبا نیست و باید عذرخواهی کرد. «وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ» ۱۴ استغفار و دعای پیامبر(صلوات اللّه علیه)مستجاب است. «وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۶۳]

اشاره

لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً قَدْ يَعْلَمُ اللّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِواذاً فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ (۶۳)

آن گونه كه يكديگر را صدا مى زنيد پيامبر را صدا نزنيد.خدا مى داند چه كسانى از شما مخفيانه و با پنهان شدن پشت سر ديگرى از صحنه مى گريزد.پس كسانى كه از فرمان او سرپيچى مى كنند،بايد از اين كه فتنه اى دامنشان را بگيرد،يا به عذاب دردناكى گرفتار شوند بترسند.

نكته ها:

«تسلل»خارج شدن پنهانى و «لِواذاً » پنهان شدن پشت سر ديگرى است كه كار منافقان بود.

در مورد معناى اين آيه،چهار احتمال وجود دارد:

۱ پيامبر را مثل ديگران صدا نزنيد.در روايت مى خوانيم:«يا محمّد»،«يا أب القاسم»نگوييد، بلكه يا«رسول اللّه»و«يا نبى اللّه»بگوييد. (۱)و در روايت ديگر آمده است كه اين آيه درباره ى جانشينان آن حضرت نيز جريان دارد. (۲)

۲ اگر پيامبر(صلوات اللّه عليه)شما را به كارى مثل رفتن به جبهه و خواندن نماز دعوت كرد، حتماً اطاعت كنيد و دعوت او را ساده نگيريد.

۳ در صدا زدن پيامبر،فرياد نكشيد. (۳)

۴ نفرين و دعاى پيامبر مستجاب است،مواظب باشيد. (۴)

۱- ۱) .تفسير نور الثقلين.

۲- ۲) .بحار،ج ۲۳،ص ۳۰۱.

۳- ۳) .تفسير مجمع البيان.

۴- ۴) .تفسير كبير فخر رازى.

پیام ها

۱ رهبری الهی،حریم دارد و دارای مقام و احترام است.هم نام او را با احترام ببرید و هم با تمام وجود تسلیم او باشید و فراخوانی او را مانند فراخوانی دیگران ندانید. «لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ» ...

۲ نافرمانی از رسول خدا(صلوات اللّه علیه)نافرمانی از خداست.(اوّل آیه سخن از دعوت رسول است و آخر آیه،سخن از مخالفت خدا). «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخالِفُونَ» ۳ ساده گرفتن پیام های رهبری و بی توجّهی به آنها،فتنه و عذاب به دنبال دارد.

«فِتْنَةٌ أَوْ

... عَذابٌ أَلِيمٌ» ۴ مخالفت فرمان خدا،یا فتنه ی دنیوی به دنبال دارد یا کیفر اخروی. «فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ»

[سوره النور (۲۴): آیه ۶۴]

اشاره

أَلا إِنَّ لِلّهِ ما فِي اَلسَّماواتِ وَ اَلْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ ما أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا وَ اَللّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۶۴)

آگاه باش! آنچه در آسمان ها و زمین است مخصوص خداست.بی شک آنچه را شما بر آن هستید(از افکار و نیّات)می داند و روزی را که به سوی او بازگردانده می شوند،(می داند)پس آنان را به آنچه عمل کرده اند آگاه می کند و خداوند به همه چیز آگاه است.

پیام ها

۱ خداوند مالک تمام چیزها و آگاه به همه ی فکرها و نیّت هاست،بنا بر این گناه و نفاق و مخالفت از امر او چرا؟ «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخالِفُونَ ... قَدْ يَعْلَمُ ... فَيُنَبِّئُهُمْ» ۲ ایمان به علم خداوند بر افکار و اعمال انسان،وسیله ی بازدارنده از بدی هاست. «يَعْلَمُ ما أَنْتُمْ عَلَيْهِ ... فَيُنَبِّئُهُمْ» «الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ»

[تفسیر سوره فرقان]

سیمای سوره ی فرقان

این سوره هفتاد و هفت آیه دارد و در مکّه نازل شده است.

در آیه ی اوّل این سوره،از قرآن،به فُرقان تعبیر شده است که به معنای جدا کننده ی حقّ از باطل می باشد.لذا این سوره،«فرقان»نام گرفته است.

این سوره شامل آیاتی درباره ی بهانه های مشرکان و پاسخ آنان،سرگذشت اقوام پیشین همچون اصحاب رسّ،حسرت مردم در قیامت،نشانه های توحید و عظمت خداوند در طبیعت و مقایسه ی مؤمنان با کافران می باشد.امّا مهم ترین بخش آیات این سوره درباره ی ویژگی های«عباد الرّحمن»یعنی بندگان راستین خداوند می باشد که از آیه ی ۶۳ تا پایان سوره را در برگرفته است.

امید آن که با تلاوت و تدبّر در این آیات و اصلاح رفتار و کردار خود بر اساس این صفات،زمینه های دریافتِ الطاف الهی در دنیا و آخرت و ورود به بهشت برین را فراهم سازیم.

ص: ۲۲۱

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۱]

اشاره

بِسْمِ اَللّهِ اَلرَّحْمنِ اَلرَّحِيمِ;lt;br/gt;تَبارَكَ اَلَّذِي نَزَّلَ اَلْفُرْقانَ عَلى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعالَمِينَ نَذِيراً (۱)

۱\۲۵

مبارك است آن كه قرآن،وسیله ی شناخت حقّ از باطل را بر بنده اش نازل كرد،تا برای جهانیان مایه ی هشدار باشد.

نکته ها:

کلمه «تَبارَكَ » ممكن است از واژه ی«برک»به معنای ثابت و پایدار باشد،و ممكن است از واژه ی«برکه»به معنای خیر زیاد باشد،یعنی كسی كه قرآن را نازل كرد منشأ خیرات بسیار است كه نمونه ی بركت و خیر او همین نزول قرآن است.آری چه بركتی بالاتر از قانون الهی كه میلیاردها انسان را در طول تاریخ از ظلمات به نور هدایت كرده است.

نزول،اگر در قالب «أَنْزَلْنا *» باشد به معنای فرستادن دفعی و یك جاست،ولی اگر در قالب «نزل»باشد به معنای فرستادن تدریجی است و قرآن دارای هر دو نزول است؛یک بار در شب قدر به صورت دفعی بر پیامبر نازل شد، «إِنّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» (۱)و بار دیگر به صورت تدریجی و در مدّت ۲۳ سال نازل شده است، «نَزَّلَ الْفُرْقانَ» همان گونه كه در جای دیگر قرآن می خوانیم: «وَ قُرْآناً فَرَقْناهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النّاسِ عَلى مُكْثٍ وَ نَزَّلْناهُ تَنْزِيلاً» (۲)ما قرآن را قطعه قطعه فرستادیم تا بتدریج بر مردم بخوانی.

پیام ها

۱ قرآن،از سرچشمه ی مباركی صادر شده است. «تَبارَكَ الَّذِي نَزَّلَ» ۲ هم نظام تكوینی انسان(آفرینش او كه به قدرت خدا انجام گرفته)سزاوار

۱- ۱) .قدر،۱.

۲- ۲) .اسراء،۱۰۶.

تحسین است، «فَتَبٰارَکَ اللّهُ أَحْسَنُ الْخٰالِقِینَ» (۱)و هم نظام تشریعی او(نزول قرآن و تدوین احکام دین). «تَبٰارَکَ الَّذِی نَزَّلَ» ۳ قرآن به تدریج نازل شده است. «نَزَّلَ» ۴ قرآن،بهترین وسیله ی شناخت حقّ از باطل است. «الْفُرْقٰانَ» ۵ اگر کتب آسمانی و رسالت انبیا نبود،انسان متحیّر و سرگردان بود. «الْفُرْقٰانَ» ۶ عبودیّت و بندگی،زمینه ی دریافت وحی است. «نَزَّلَ الْفُرْقٰانَ عَلیٰ عَبْدِهِ» ۷ رسالت پیامبر اسلام جهانی است. «لِلْعٰالَمِینَ» ۸ وظیفه ی انبیا هشدار و انذار است. «نَذِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۲]

اشاره

اَلَّذِی لَهُ مُلْکُ اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی اَلْمُلْکِ وَ خَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِیراً (۲)

خداوندی که فرمانروایی آسمان ها و زمین برای اوست،و هیچ فرزندی اختیار نکرده و برای او شریکی در فرمانروایی نیست،و هر چیزی را آفرید و آن گونه که باید اندازه گیری کرد.

نکته ها:

مشرکین و یهود و نصارا،هر کدام به نحوی معتقد بودند که خداوند فرزند،یا شریکی دارد و قرآن کریم بارها این عقیده ی خرافی را مردود شمرده است،از جمله در همین آیه.

پیام ها

۱ حکومت و حاکمیّت هستی،مخصوص خداست. «لَهُ مُلْکُ» ...(در هستی یک نظام و یک اراده و مدیریّت حاکم است) ۲ حکومت خداوند نسبت به همه ی هستی یکسان است. «السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ» ۳ خداوند بی نیاز است. «لَهُ مُلْکُ السَّمٰاوٰاتِ ... لَمْ یَتَّخِذْ» (نیاز به فرزند برای جبران

۱- ۱) .مؤمنون،۱۴.

کمبودهاست و کسی که حکومت هستی به دست اوست چه کمبودی دارد؟!) ۴ همه ی آفریده ها از سرچشمه ی قدرت واحدی برخاسته اند. «خَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ» ۵ تدبیر هستی،به دست خالق هستی است. «لَهُ مُلْکُ السَّمٰاوٰاتِ ... خَلَقَ کُلَّ شَیْءٍ» ۶ آفرینش،حساب و کتاب دارد. «فَقَدَّرَهُ تَقْدِیراً» ۷ تدبیر هستی،بسیار دقیق است. «تَقْدِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۳]

اشاره

وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لاٰ یَخْلُقُونَ شَیْئاً وَ هُمْ یُخْلَقُونَ وَ لاٰ یَمْلِکُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَ لاٰ نَفْعاً وَ لاٰ یَمْلِکُونَ مَوْتاً وَ لاٰ حَیٰاةً وَ لاٰ نُشُوراً (۳)

(مشرکان)به جای او خدایانی گرفتند که هیچ چیز نمی آفرینند،ولی خود آفریده شده اند.(این معبودهای دروغین حتّی)مالک هیچ گونه ضرر و نفعی برای خود نیستند و(برای دیگران)اختیار مرگ و حیات و قیامت را ندارند.

پیام ها

۱ خداگرایی،فطری است و اگر کسی خدای یکتا را رها کند،سراغ خدایان دروغین می رود. «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً» ۲ با مشرکین نیز مستدل سخن بگویید. «لاٰ یَخْلُقُونَ ... لاٰ یَمْلِکُونَ» حیوان،نفعی را به خود می رساند و شرّی را از خود دور می کند،امّا بت ها بر هیچ یک از این دو قدرت ندارند و از حیوان هم کمترند.

۳ دلیل بندگی انسان،قدرت خداوند بر حلّ مشکلات و بازشدن گره های اوست و بت ها فاقد این آثارند. «لاٰ یَمْلِکُونَ» ۴ کسی که از خود ضرری را دفع نکند و برای خود نفعی را جلب نکند،برای دیگران حتماً کاری نخواهد کرد. «لِأَنْفُسِهِمْ» ۵ دفع ضرر،بر جلب منفعت مقدّم است.(«لاٰ یَمْلِکُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا » که دفع ضرر است بر «وَ لاٰ نَفْعاً» که جلب منفعت است،مقدّم شده است.) ۶ کار انسان،یا باید با هدف دنیوی همراه باشد،یا با هدف اخروی و بت ها در

هیچ یک کارایی ندارند. «وَ لاٰ حَیٰاةً وَ لاٰ نُشُوراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۴]

اشاره

وَ قٰالَ اَلَّذِینَ کَفَرُوا إِنْ هٰذٰا إِلاّٰ إِفْکٌ اِفْتَرٰاهُ وَ أَعٰانَهُ عَلَیْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جٰاؤُ ظُلْماً وَ زُوراً (۴)

و کسانی که کافر شدند،گفتند:این قرآن جز افترایی که او بر خدا بسته است چیزی نیست و گروه دیگری او را بر این کار یاری کرده اند.پس به راستی(با این سخن)ظلم و دروغی بزرگ را مرتکب شده اند.

نکته ها:

کلمه ی «إِفْکٌ» به معنای دروغ و«زور»به معنای سخن باطل و دروغ است. (۱)در تمام قرآن،تنها این جا کلمه ی«ظلم»و«زور»در کنار هم آمده است،زیرا کفّار با تهمت به پیامبر و دروغ خواندن کتاب آسمانی مانع هدایت دیگران می شدند.

پیام ها

۱ کفّار،کفر خود را با دروغ خواندن کتب آسمانی توجیه می کنند. «إِنْ هٰذٰا إِلاّٰ إِفْکٌ افْتَرٰاهُ» ۲ تحقیر کتاب، «إِنْ هٰذٰا» و تحقیر پیامبران، «افْتَرٰاهُ» شیوه ی کفّار است.

۳ عظمت قرآن را مخالفان نیز پذیرفته اند. «أَعٰانَهُ عَلَیْهِ قَوْمٌ» ۴ عوام فریبی از طریق تحقیر و تهمت و مانع هدایت دیگران شدن،از بدترین گناهان است. «ظُلْماً وَ زُوراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیات ۵ تا ۶]

اشاره

وَ قٰالُوا أَسٰاطِیرُ اَلْأَوَّلِینَ اِکْتَتَبَهٰا فَهِیَ تُمْلیٰ عَلَیْهِ بُکْرَةً وَ أَصِیلاً (۵) قُلْ أَنْزَلَهُ اَلَّذِی یَعْلَمُ اَلسِّرَّ فِی اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ إِنَّهُ کٰانَ غَفُوراً رَحِیماً (۶)

و(کفّار)گفتند:(قرآن)افسانه های پیشینیان است که او برای خود نسخه ای نوشته و هر صبح و شام بر او دیکته می شود.

۱- ۱) .لسان العرب.

بگو:(این قرآن را)کسی فرستاد که اسرار را در آسمان ها و زمین می داند، قطعاً او آمرزنده و مهربان است.

نکته ها:

کفّار،هم به محتوای قرآن اشکال می کردند که نوآوری ندارد،بلکه افسانه های قدیمی است، «أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» و هم شخص پیامبر را زیر سؤال می بردند که رونویسی کرده است، «اكْتَتَبَهَا» و هم یارانی خیالی برای پیامبر در نظر می گرفتند، «تُمْلىٰ عَلَيْهِ».

مراد از نوشتن اساطیر،یا این است که آنها معتقد بودند کسانی برای آن حضرت می نوشتند و یا می گفتند:پیامبر سواد دارد و امّی بودن او را نفی می کردند.

در این آیه آمده است: «يَعْلَمُ السِّرَّ » ،ولی علم خداوند به ظاهر را نفرموده است.آری کسی که اسرار و حقایق پنهان را می داند،آگاهی او بر حقایق آشکار مسلّم است.

پیام ها

۱ در بیان مطالب مخالفان،امانت را مراعات کنید. «قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» ۲ به یاوه گویان پاسخ دهید. «قُلْ» ۳ قرآن،از سرچشمه ی علم بی نهایت است،نه افسانه. «أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ» ۴ قرآن ساخته دست بشر نیست،بلکه فرستاده ی کسی است که به تمام اسرار عالم علم دارد. «أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ» ...

۵ قرآن حاوی دستوراتی اسرارآمیز است. «أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ» ...

۶ علم خداوند نسبت به حقایق پنهان و آشکار،یکسان است. «يَعْلَمُ السِّرَّ» ۷ در آسمان ها اسراری است که دست بشر به آن نمی رسد. «السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ» ۸ راه توبه حتّی برای کفّاری که قرآن را افسانه و پیامبر را دروغ پرداز می خوانند، باز است. «إِنَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً»

۹ بخشش تنها کافی نیست،لطف و رحمت نیز لازم است. «غَفُوراً رَحِيماً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۷]

اشاره

وَ قٰالُوا مٰا لِهٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعٰامَ وَ يَمْشِي فِي الْأَسْوٰاقِ لَوْ لاٰ أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ نَذِيراً (۷)

(کفّار)گفتند:این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته ای به سوی او نازل نشده است تا همراه او بیم دهنده باشد(و ادّعای او را تأیید کند)؟

نکته ها:

کفّار از پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)انتقاد کردند که چرا غذا می خورد و راه می رود،آیه ی بیستم همین سوره پاسخ می دهد که همه ی پیامبران پیشین نیز غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند.

پیام ها

۱ برخی از مردم،کمال را عیب و نقص می بینند. «مٰا لِهٰذَا الرَّسُولِ» (زندگی عادّی و حضور در میان مردم،برای رهبر کمال است.) ۲ دعوت به خدا منافاتی با کامیابی از دنیا ندارد. «يَأْكُلُ يَمْشِي» ۳ رهبر نباید از جامعه جدا باشد.کسی که اهل رفت و آمد با مردم است،بهتر می تواند آنها را ارشاد کند. «يَمْشِي فِي الْأَسْوٰاقِ» ۴ انبیا آن چه احتیاج داشتند،شخصاً می خریدند. «يَمْشِي فِي الْأَسْوٰاقِ»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۸]

اشاره

أَوْ يُلْقىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهٰا وَ قٰالَ الظّٰالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاّٰ رَجُلاً مَسْحُوراً (۸)

یا(چرا)به او گنجی عطا نشده،یا چرا برای او باغی نیست تا از (محصولات)آن بخورد(و امرار معاش کند)؟ و ستمگران(به مؤمنان) گفتند:شما جز مرد سحر شده ای را پیروی نمی کنید.

ص: ۲۲۷

نکته ها:

در آیه ی قبل توقّع کفّار این بود که پیامبر نباید نیاز جسمی داشته باشد و غذا بخورد و برای رفع احتیاجات خود به میان مردم بیاید، «مَا لِهٰذَا الرَّسُولِ یَأْکُلُ الطَّعَامَ وَ یَمْشِی فِی الْأَسْوَاقِ» در این آیه توقّع این است که پیامبر باید خودکفا باشد تا به حضور در بازار و میان مردم نیازی نداشته باشد، «یُلْقیٰ إِلَیْهِ کَنْزٌ أَوْ تَکُونُ لَهُ جَنَّةٌ» غافل از آنکه این گونه خودکفایی منفی است،زیرا یک شخص مرفه و استثنایی چگونه می تواند رهبر مردم رنج کشیده باشد.

پیام ها

۱ مادّیگران،حتّی به پیامبران از زاویه ی مادّیات می نگرند. «یُلْقیٰ إِلَیْهِ کَنْزٌ» ۲ بهانه جویی در کار انبیا،ظلم است. «وَ قٰالَ الظّٰالِمُونَ» ۳ مستکبر و ستیزه جو،هر لحظه بهانه ای می گیرد و همین که از آن مأیوس شد، بهانه ی دیگری را جایگزین می کند. «یَأْکُلُ یَمْشِی- لَوْ لاٰ أُنْزِلَ إِلَیْهِ أَوْ یُلْقیٰ إِلَیْهِ کَنْزٌ» ۴ مخالفان انبیا،گاهی آنان را ساحر نامیدند و گاهی مسحور. «رَجُلاً مَسْحُوراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۹]

اشاره

أُنْظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَکَ اَلْأَمْثٰالَ فَضَلُّوا فَلاٰ یَسْتَطِیعُونَ سَبِیلاً (۹)

بنگر که چگونه برای تو مَثَل ها زدند(و تو را چگونه وصف کردند)پس گمراه شدند؛در نتیجه نمی توانند راهی(به حقیقت)بیابند.

نکته ها:

ممکن است معنای آیه این باشد:کسانی که با طرح توقّعات و بهانه های نابجا مانع ارشاد انبیا می شوند،راه به جایی نمی برند؛یعنی در هدف موفّق نمی شوند.به قول شاعر:عِرض خود می بری و زحمت ما می داری.

پیام ها

۱ بهانه جویی های دشمن را با دقّت بنگرید. «انْظُرْ» ۲ در برابر تضعیف های مخالفان،شما نیز انحرافات آنان را بیان کنید. «ضَرَبُوا لَکَ

اَلْأَمْثالَ فَضَلُّوا فَلا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً»

۳ تشبیه و تمثیل نابجا،زمینه ی انحراف است. «فَضَلُّوا» ۴ رها کردن منطق و معجزه و کمالات پیامبر و رفتن به سراغ مال و مقام و بهانه جویی،گمراهی است. «فَضَلُّوا»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۱۰]

اشاره

تَبارَکَ اَلَّذِی إِنْ شاءَ جَعَلَ لَکَ خَیْراً مِنْ ذٰلِکَ جَنّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا اَلْأَنْهارُ وَ یَجْعَلْ لَکَ قُصُوراً (۱۰)

مبارک است خدایی که اگر اراده کند،بهتر از آنچه آنها توقّع دارند،برای تو قرار می دهد،باغ هایی که از زیر درختان آن نهرها جریان دارد و قصرهایی را برای تو قرار می دهد.

نکته ها:

در آیات قبل بیان شد که کفّار از پیامبر عزیز اسلام،توقّع گنج و باغ داشتند،این آیه می فرماید:اگر خدا بخواهد به جای یک باغ،باغ هایی را در اختیار پیامبر می گذارد.

حضرت علی(علیه السلام)می فرماید:اگر خداوند می خواست هنگام مبعوث شدن پیامبران، درهای گنج ها و معادن طلا و باغ های سرسبز و خرم را به روی آنان بگشاید،چنین می کرد، ولی اگر این کار را می کرد مسأله ی آزمایش مردم از میان می رفت و همه ی آنان به عشق مال و رفاه گرد انبیا جمع می شدند و نیّت ها خالص نبود. (۱)

«تَبارَکَ »

یا از«برک»به معنای ثابت و پایدار است و یا از«برکه»به معنای خیر زیاد. (۲)

پیام ها

۱ وجود خداوند،ثابت و سرچشمه ی برکات است. «تَبارَکَ» ۲ زهد و سادگی برای انبیا،شایسته است و زندگی کاخ نشینی دور از شأن و زیّ انبیا می باشد. «إِنْ شاءَ جَعَلَ لَکَ»

۱- ۱) .نهج البلاغه،خطبه ۱۹۲.

۲- ۲) .لسان العرب.

۳ فقر و غنا به دست خداست. «إِنْ شٰاءَ جَعَلَ لَكَ» ۴ اراده و خواست خداوند تخلّف ناپذير است. «إِنْ شٰاءَ جَعَلَ»

[سوره الفرقان (۲۵): آيه ۱۱]

اشاره

بَلْ كَذَّبُوا بِالسّٰاعَةِ وَ أَعْتَدْنٰا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسّٰاعَةِ سَعِيراً (۱۱)

(نه تنها تورا باور ندارند)بلكه قيامت را انكار كرده اند،و ما براى منكران قيامت آتشى فروزان و سوزان آماده كرده ايم.

نكته ها:

كلمه ى«سعير»به معناى آتش پر التهاب و سوزان است.

پيام ها

۱ سرچشمه ى بهانه هاى كفّار،بى اعتقادى به قيامت است. «بَلْ كَذَّبُوا بِالسّٰاعَةِ» (ريشه بهانه جويى كفّار كه چرا پيامبر گنج و باغ ندارد،تكذيب قيامت است) ۲ تكذيب معاد بسيار خطرناك است. «كَذَّبُوا بِالسّٰاعَةِ ... كَذَّبَ بِالسّٰاعَةِ» ۳ بهشت و دوزخ،از قبل آفريده و آماده شده است. «أَعْتَدْنٰا» ۴ گناه بزرگ،عذاب بزرگ به دنبال دارد. «كَذَّبَ سَعِيراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آيات ۱۲ تا ۱۳]

اشاره

إِذٰا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكٰانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهٰا تَغَيُّظاً وَ زَفِيراً (۱۲) وَ إِذٰا أُلْقُوا مِنْهٰا مَكٰاناً ضَيِّقاً مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنٰالِكَ ثُبُوراً (۱۳)

چون(دوزخ)از فاصله ى دور آنان را ببيند،خشم و خروشى از آن مى شنوند.

و چون به زنجير بسته شده،در مكانى تنگ از آن انداخته شوند،آنجاست كه ناله زنند(و مرگ خود را مى خواهند).

نكته ها:

كلمه ى «تَغَيُّظاً» به معناى اظهار غيظ و شدّت خشم است كه گاهى با سر و صدا همراه است.

«زَفِيراً»

صداى نفس كشيدن در حال گرفتگى سينه از شدّت غم را گويند. «مُقَرَّنِينَ»

بستن با غُل و زنجیر است و «ثُبوراً» به معنای واویلا گفتن است.

دوزخ،آن قدر بزرگ است که روز قیامت اگر از او سؤال کنند:آیا پر شدی؟ می گوید:آیا باز هم هست؟ «هَلِ امْتَلَأْتِ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ» (۱)ولی با همه ی بزرگی دوزخ،خلافکار در آن،مکانِ تنگی دارد.مانند وجود میخ در دیواری بزرگ که هم بزرگی دیوار حقیقت دارد و هم تنگی مکان میخ.

در حدیثی از پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)آمده است:اهل دوزخ مثل میخ در دیوار،در فشارند. (۲)

غفلت از خدا در دنیا و آخرت،تنگناهایی سخت بدنبال دارد،امّا در دنیا: «يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقاً حَرَجاً» (۳)خداوند سینه او را تنگ قرار می دهد، «وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً» (۴)هر کس از یاد من روی بگرداند،قطعاً برای او زندگی تنگی است و در آخرت: «وَ إِذا أُلْقُوا مِنْها مَكاناً ضَيِّقاً» (۵)در جهنّم در مکانی تنگ انداخته شوند.

و بر عکس،توجّه و ایمان به خدا،هم در دنیا مایه ی گشایش است: «لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ» (۶)درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می گشاییم.هم در آخرت: «حَتّى إِذا جاؤُها فُتِحَتْ أَبْوابُها» (۷)هنگام ورود به بهشت،درهای آن گشوده می شود.

امام صادق(علیه السلام)فرمود:مراد از «مَكانٍ بَعِيدٍ » ،فاصله ی یک سال راه است. (۸)

پیام ها

۱ دوزخ نوعی ادراک و احساس دارد. «رَأَتْهُمْ» ۲ معاد جسمانی است. «مِنْ مَكانٍ بَعِيدٍ» ۳ دوزخیان با غل و زنجیر بسته می شوند. «مُقَرَّنِينَ» ۴ دوزخیان با تحقیر به دوزخ پرتاب می شوند. «أُلْقُوا» و نفرمود:«ادخلوا» ۵ ناله و فریاد دوزخیان از راه دور به گوش می رسد. «دَعَوْا هُنالِكَ ثُبُوراً» («هُنالِكَ »

۱- ۱) .ق،۳۰.

۲- ۲) .تفسیر مجمع البیان.

۳- ۳) .انعام،۱۲۵.

۴- ۴) .طه،۱۲۴.

۵- ۵) .فرقان،۱۳.

۶- ۶) .اعراف،۹۶.

۷- ۷) .زمر،۷۳.

۸- ۸) .تفسیر مجمع البیان.

برای راه دور بکار می رود)

[سوره الفرقان (۲۵): آيات ۱۴ تا ۱۵]

اشاره

لا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُوراً واحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً كَثِيراً (۱۴) قُلْ أَ ذلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كانَتْ لَهُمْ جَزاءً وَ مَصِيراً (۱۵)

(به آنان گفته می شود:)امروز یک بار درخواست هلاکت نکنید،بلکه بسیار درخواست هلاکت کنید.

(ای پیامبر!)به مردم بگو:آیا این(ذلّت و عذاب)بهتر است یا بهشت جاودانی که به پرهیزکاران وعده داده شده و سزا و سرانجام آنان است؟

پیام ها

۱ در قیامت،برای کفّار فریاد رسی نیست. «وَ ادْعُوا ثُبُوراً كَثِيراً» ۲ بهشت،جاودانی است. «جَنَّةُ الْخُلْدِ» ۳ وعده ی بهشت،قطعی است. «جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ»

[سوره الفرقان (۲۵): آيه ۱۶]

اشاره

لَهُمْ فِيها ما يَشاؤُنَ خالِدِينَ كانَ عَلى رَبِّكَ وَعْداً مَسْؤُلاً (۱۶)

برای اهل بهشت آن چه بخواهند موجود است.آنان برای همیشه در آن جا هستند.(این پاداش)بر پروردگارت وعده ای است واجب.

نکته ها:

خواسته های اهل بهشت،همچون خواسته های خداوند در چهارچوب حکمت است.یعنی همان گونه که «يَفْعَلُ ما يَشاءُ» از طرف خداوند در قالب کار حکیمانه است. «لَهُمْ فِيها ما يَشاؤُنَ» نیز از سوی مؤمنان در قالب تقاضای حکیمانه است و چنین نیست که مؤمنان بخواهند اهل دوزخ رها شوند،یا درخواست کنند که به درجات انبیا راه یابند،زیرا این گونه تقاضاها حکیمانه نیست.

پیام ها

۱ انسان،تنها در بهشت به همه ی آرزوهای خود می رسد. «لَهُمْ فِيهٰا مٰا يَشٰاؤُنَ» ۲ در بهشت،هر چه بخواهند هست. «لَهُمْ فِيهٰا مٰا يَشٰاؤُنَ» ولی در مورد دوزخیان می خوانیم: «وَ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ مٰا يَشْتَهُونَ» (۱)میان اهل دوزخ و آن چه می خواهند حایلی قرار می گیرد.

۳ خدا عمل به وعده های خود را بر خود لازم کرده است. «عَلىٰ رَبِّكَ وَعْداً مَسْؤُلاً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۱۷]

اشاره

وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَ مٰا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اَللّٰهِ فَيَقُولُ أَ أَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبٰادِي هٰؤُلاٰءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا اَلسَّبِيلَ (۱۷)

(و یاد کن)روزی که خداوند مشرکان و آن چه را به جای خدا می پرستیدند (در یک جا)محشور کند،پس(به معبودهای آنان)گوید:آیا شما بندگان مرا گمراه کردید،یا خودشان راه را گم کردند؟

نکته ها:

در قرآن،عوامل گمراهی و انحراف چنین معرّفی شده اند:

۱ رفیق بد. «لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ» (۲)،دوست بد مرا گمراه کرد.

۲ هویٰ و هوس. «وَ لاٰ تَتَّبِعِ الْهَوىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ» (۳)،از هوسهای خود پیروی نکن،زیرا تو را از راه خدا منحرف می کند.

۳ دانشمندان منحرف. «يَكْتُبُونَ الْكِتٰابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هٰذٰا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ» (۴)،مطالبی را با دست خود می نویسند و می گویند این از طرف خداوند است.

۴ رهبران گمراه. «وَ أَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ» (۵)،فرعون قوم خود را گمراه کرد.

۵ شیطان. «إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ» (۶)،قطعاً شیطان گمراه کننده آشکاری است.

۱- (۱) .سبأ،۵۴.

۲- (۲) .فرقان،۲۹.

۳- (۳) .ص،۲۶.

۴- ۴) .بقره،۷۹.

۵- ۵) .طه،۷۹.

۶- ۶) .قصص،۲۵.

۶ اکثریّت گمراه. «وَ إِنْ تُطِعْ أَکْثَرَ مَنْ فِی الْأَرْضِ یُضِلُّوکَ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ» (۱)،اگر از اکثریّت کسانی که در زمین هستند پیروی نمایی،تو را از راه خدا منحرف می کنند.

۷ والـدین گمراه. «إِنّا وَجَدْنا آباءَنا ... وَ إِنّا عَلی آثارِهِمْ مُقْتَدُونَ» (۲)،همانا ما والـدین خود را بت پرست یافتیم و به آنان اقتـدا کردیم.

انگیزه های سؤال یکسان نیست:

الف:گاهی سؤال برای فهمیـدن است. «فَسْئَلُوا أَهْلَ الـذِّکْرِ» (۳)ب:گـاهی سؤال برای توبیـخ دیگران است. «أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنّاسِ اتَّخِذُونِی وَ أُمِّی إِلهَیْنِ مِنْ دُونِ اللّهِ» (۴)خداوند برای توبیخ طرفداران حضـرت عیسـی(علیه السـلام)او را مورد عتاب قرار می دهـد که آیا تو به مردم گفتی علاوه بر«اللّه»،من و مادرم را دو خـدای دیگر بگیرید؟ ج:گاهی سؤال برای توبیخ شـخص است. «أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِیلَ»

پیام ها

۱ در قیامت از مشرکان و معبودهای آنان بازخواست می شود. «یَحْشُرُهُمْ وَ ما یَعْبُدُونَ فَیَقُولُ» ...

۲ در قیامت،غیر از انسان موجودات دیگری نیز مبعوث خواهند شد،مانند بت ها. «وَ ما یَعْبُدُونَ» ۳ در قیامت،همه چیز شعور پیدا می کند و مخاطب قرار می گیرد. «أَ أَنْتُمْ» ۴ خداپرستی،در فطرت همه ی انسان ها وجود دارد و انحراف بشر عارضی است. «أَ أَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ ... أَمْ هُمْ ضَلُّوا» (کلمه ی «السَّبِیلَ » نیز نشانه ی آن است که راه معهود،همان راه طبیعی و فطری است.)

۱- ۱) .انعام،۱۱۶.

۲- ۲) .زخرف،۲۳.

۳- ۳) .نحل،۴۳ و انبیاء،۷.

۴- ۴) .مائده،۱۱۶.

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۱۸]

اشاره

قٰالُوا سُبْحٰانَکَ مٰا کٰانَ یَنْبَغِی لَنٰا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِکَ مِنْ أَوْلِیٰاءَ وَ لٰکِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَ آبٰاءَهُمْ حَتّٰی نَسُوا اَلذِّکْرَ وَ کٰانُوا قَوْماً بُوراً (۱۸)

(معبودها)گویند:خدایا! تو منزّهی،ما را نرسد که غیر از تو سرپرستی بگیریم ولی تو آنان و پدرانشان را چنان کامیاب گرداندی که یاد(تو و قرآن)را فراموش کردند و گروهی هلاک و سر در گم شدند.

نکته ها:

کلمه ی«بور»به معنای هلاکت و فساد است.به زمینی که خالی از درخت،گل و گیاه باشد، «بایر»گویند.در این آیه ممکن است جمع«بائر»باشد و ممکن است مصدر باشد،یعنی قومی که سراسر بورند.

کلمه ی «سُبْحٰانَکَ » در دو مورد بکار می رود؛یکی در مورد تعجّب و دیگری در مورد برخورد با عقائد و سخنان انحرافی.

عوامل نسیان و غفلت در قرآن متعدّد است و برخی از آنها عبارتند از:

الف:مال و ثروت که در این آیه آمده است.

ب:فرزند و خانواده. «لاٰ تُلْهِکُمْ أَمْوٰالُکُمْ وَ لاٰ أَوْلاٰدُکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللّٰهِ» (۱)ج:تجارت. «لاٰ تُلْهِیهِمْ تِجٰارَةٌ وَ لاٰ بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللّٰهِ» (۲)د:شیطان،تفرقه،قمار و شراب. «إِنَّمٰا یُرِیدُ الشَّیْطٰانُ أَنْ یُوقِعَ بَیْنَکُمُ الْعَدٰاوَةَ وَ الْبَغْضٰاءَ فِی الْخَمْرِ وَ الْمَیْسِرِ وَ یَصُدَّکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللّٰهِ» (۳)

پیام ها

۱ در قیامت،معبودها به سخن درمی آیند. «قٰالُوا» ۲ هر کجا سخنی از شرک به میان آمد،تسبیح و تنزیه خدا لازم است. «سُبْحٰانَکَ» ۳ خداوند نعمت های خود را حتّی از منحرفان دریغ نمی دارد. «لٰکِنْ مَتَّعْتَهُمْ»

ص: ۲۳۵

۱- ۱) .منافقون،۹.

۲- ۲) .نور،۳۷.

۳- ۳) .مائده،۲۱.

۴ خطر مال در جایی است که سبب فراموشی خدا شود،نه این که مال مطلقاً بد و خطرناک باشد. «مَتَّعْتَهُمْ ... حَتّٰی نَسُوا» ۵ در خانواده هایی که چند نسل آنها مرفّه بوده اند،زمینه ی فراموشی از خدا و قیامت،بیشتر است. «وَ آبٰاءَهُمْ» ۶ به مال و جلوه گری های مرفّهین نگاه نکنید،همه ی آنان تباه شدنی هستند.

«کٰانُوا قَوْماً بُوراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۱۹]

اشاره

فَقَدْ کَذَّبُوکُمْ بِمٰا تَقُولُونَ فَمٰا تَسْتَطِیعُونَ صَرْفاً وَ لاٰ نَصْراً وَ مَنْ یَظْلِمْ مِنْکُمْ نُذِقْهُ عَذٰاباً کَبِیراً (۱۹)

(خداوند در آن روز به مشرکان می فرماید:)این معبودها گفته های شما را انکار کردند؟ نه برای برطرف کردنِ قهر خدا توانی دارید،نه می توانید حمایتی(از کسی)دریافت کنید و هر کس از شما ظلم کرده(و شرک ورزد) عذاب بزرگی به او می چشانیم.

نکته ها:

خداوند در قرآن برای ظلم آثاری بیان کرده است از جمله:

۱ ناکامی. «وَ اللّٰهُ لاٰ یَهْدِی الْقَوْمَ الظّٰالِمِینَ» (۱)خداوند توطئه های ستمگران را به جایی نمی رساند.

۲ محرومیّت از الطاف الهی. «أَلاٰ لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَی الظّٰالِمِینَ» (۲)۳ عذاب. «أَلاٰ إِنَّ الظّٰالِمِینَ فِی عَذٰابٍ مُقِیمٍ» (۳)و نیز آیه ی مورد بحث؛ «نُذِقْهُ عَذٰاباً کَبِیراً» ۴ نپذیرفتن جایگزین برای عذاب. «وَ لَوْ أَنَّ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا مٰا فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لاَفْتَدَوْا بِهِ» (۴)۵ نپذیرفتن عذر. «لاٰ یَنْفَعُ الظّٰالِمِینَ مَعْذِرَتُهُمْ» (۵)ولی بدتر از بی فایده بودن عذر،اجازه ندادن

۱- (۱) .توبه،۱۹.

۲- (۲) .هود،۱۸.

۳- (۳) .شوری،۴۵.

۴- (۴) .زمر،۴۷.

۵- (۵) .روم،۵۷.

برای عذرخواهی است. «وَ لاٰ یُؤْذَنُ لَهُمْ فَیَعْتَذِرُونَ» (۱)

پیام ها

۱ معبودهای خیالی و بت ها،نه تنها یار شما نیستند،بلکه کار شما را نیز تخطئه و تکذیب می کنند. «فَقَدْ کَذَّبُوکُمْ» ۲ انسان مشرک در قیامت از هیچ حمایتی برخوردار نیست و از هر اقدامی برای نجات خود عاجز است. «فَمٰا تَسْتَطِیعُونَ صَرْفاً وَ لاٰ نَصْراً» ۳ مشرک،ظالم است.(جمله ی «وَ مَنْ یَظْلِمْ » در فضای «وَ مَنْ یُشْرِکْ *» قرار دارد)

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۲۰]

اشاره

وَ مٰا أَرْسَلْنٰا قَبْلَکَ مِنَ اَلْمُرْسَلِینَ إِلاّٰ إِنَّهُمْ لَیَأْکُلُونَ اَلطَّعٰامَ وَ یَمْشُونَ فِی اَلْأَسْوٰاقِ وَ جَعَلْنٰا بَعْضَکُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَهً أَ تَصْبِرُونَ وَ کٰانَ رَبُّکَ بَصِیراً (۲۰)

و ما پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آن که آنان(نیز)غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند،و ما بعضی از شما را وسیله ی آزمایش بعضی دیگر قرار دادیم.آیا صبر و تحمّل از خود نشان می دهید؟ و پروردگار تو همواره بیناست.

نکته ها:

در آیه ی هفتم این سوره،بهانه جویی کفّار درباره ی زندگی عادی پیامبر اسلام عنوان شد.

خداوند در این آیه می فرماید:همه ی انبیا غذا می خوردند و با مردم و در میان آنان بودند و در بازارها رفت و آمد داشتند.

پیام ها

۱ فرستادن انبیا،از برنامه ها و سنّت های الهی است. «وَ مٰا أَرْسَلْنٰا قَبْلَکَ مِنَ الْمُرْسَلِینَ»

۱- ۱) .مرسلات،۳۶.

۲ آشنایی با تاریخ،هم بهانه جویان را خلع سلاح می کند و هم مایه ی تسلی پیامبر اکرم است. «وَ مٰا أَرْسَلْنٰا قَبْلَکَ ... إِنَّهُمْ لَیَأْکُلُونَ الطَّعٰامَ» ۳ تمام انبیا،زندگی مردمی داشتند. «لَیَأْکُلُونَ الطَّعٰامَ وَ یَمْشُونَ» ...

۴ مربّی باید با مردم حشر و نشر داشته باشد. «یَمْشُونَ فِی الْأَسْوٰاقِ» ۵ زندگی ساده انبیا،برای مردم آزمایش است. «یَمْشُونَ فِی الْأَسْوٰاقِ وَ جَعَلْنٰا بَعْضَکُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَهً» (آری،اگر پیامبران،زندگی مرفّه و کاخ و طلا داشتند،مردم به خاطر دنیاطلبی،گرد آنان جمع می شدند که چنین گرایشی ارزش نداشت.

ارزش در این است که انسان از فردی در ظاهر عادّی،اطاعت کند.) ۶ یکی از وسایل آزمایش مردم،خود مردم اند. «جَعَلْنٰا بَعْضَکُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَهً» گاهی کسی ثروتمند است تا معلوم شود شکر می کند یا طغیان.و کسی فقیر است تا آزمایش شود که آیا صبر می کند یا بر ثروتمند حسد می ورزد.

۷ کلید موفّقیّت در آزمایش های الهی صبر است. «فِتْنَهً أَ تَصْبِرُونَ» ۸ فلسفه ی آزمایش های الهی،پرورش انسان هاست. «رَبُّکَ» ۹ در آزمایش های الهی،مسأله ای برای خداوند کشف نمی شود،زیرا او به همه چیز آگاه است. «وَ کٰانَ رَبُّکَ بَصِیراً» (آزمایش های او برای شکوفا شدن خصلت های درونی انسان است،زیرا کیفر و پاداش بر اساس بروز و ظهور خصلت ها است.) ۱۰ علم به این که زیر نظر خداوند هستیم،عامل پیدایش صبر است. «أَ تَصْبِرُونَ وَ کٰانَ رَبُّکَ بَصِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۲۱]

اشاره

وَ قٰالَ اَلَّذِینَ لاٰ یَرْجُونَ لِقٰاءَنٰا لَوْ لاٰ أُنْزِلَ عَلَیْنَا اَلْمَلاٰئِکَهُ أَوْ نَریٰ رَبَّنٰا لَقَدِ اِسْتَکْبَرُوا فِی أَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عُتُوًّا کَبِیراً (۲۱)

)۲۱\۲۵

و کسانی که به ملاقات ما امید ندارند(و رستاخیز را قبول نمی کنند) گفتند:چرا فرشتگان بر ما نازل نمی شوند و یا چرا پروردگارمان را نمی بینیم؟قطعاً آنان در نفس خود استکبار ورزیدند و سرکشی بزرگی کردند.

نکته ها:

کلمه ی «عَتَوْا » به معنای بدترین نوع ظلم است. (۱)

روز قیامت را روز«لقاء»می نامند،چون در آن روز غفلت ها و جهل ها و موانع دیگر کنار می روند و همه ی مردم عظمت خدا را می بینند. «وَ یَعْلَمُونَ أَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِینُ» (۲)

پیام ها

۱ بی اعتقادی به معاد،مایه ی بهانه گیری در برابر انبیاست. «لاٰ یَرْجُونَ لِقٰاءَنٰا لَوْ لاٰ» ...

۲ حتّی امید به قیامت،برای سازندگی انسان و اطاعت از خداوند کافی است.

«لاٰ یَرْجُونَ»

...

۳ روز قیامت،روز ملاقات الطاف یا قهر الهی است.(تا مردم کدام یک را برای خود فراهم کرده باشند). «لِقٰاءَنٰا» ۴ کفّار،فرشتگان را باور داشتند. «لَوْ لاٰ أُنْزِلَ عَلَیْنَا الْمَلاٰئِکَهُ» ۵ مادّیگرایان،همه ی چیز را مادّی می پندارند و به دنبال دیدن خداوند با چشم سر هستند. «نَریٰ رَبَّنٰا» ۶ سرچشمه ی طغیان و استکبار انسان،بلند پروازی های درونی اوست.

«اسْتَکْبَرُوا فِی أَنْفُسِهِمْ»

(از کوزه همان برون تراود که در اوست.)

۱- ۱) .تفسير مجمع البيان.

۲- ۲) .نور،۲۵.

۷ گناه و تجاوز درجاتی دارد. «عُتُوًّا کَبِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۲۲]

اشاره

یَوْمَ یَرَوْنَ اَلْمَلاٰئِکَهَ لاٰ بُشْریٰ یَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِینَ وَ یَقُولُونَ حِجْراً مَحْجُوراً (۲۲)

روزی که فرشتگان را می بینند،آن روز برای گناهکاران مژده ای نیست، (بلکه روز کیفر آنهاست)و(فرشتگان به مجرمان)می گویند:(بهشت برای شما)حرام و ممنوع است.

نکته ها:

در آیه قبل سخن از مستکبرانی بود که امیدی به قیامت نداشته و توقّع نزول فرشتگان را داشتند،در این آیه می فرماید:فرشته بر آنان نازل خواهد شد،امّا به جای آنکه حامل نور و وحی باشند،حامل سخت ترین تهدیدات خواهند بود و آن روز به فرموده ی امام باقر(علیه السلام)روز مرگ آنان است که خداوند به ملك الموت فرمان گرفتن روح کافران را می دهد و او جان آنان را می گیرد و همین که جان به گلویشان رسید،فرشتگان بر صورت و پشت آنها می زنند،سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند. (۱)

کلمه ی«حجر»به معنای بازداشتن است و چون عقل،انسان را از تخلّف بازمی دارد به آن «حجر» گفته می شود: «هَلْ فِی ذٰلِکَ قَسَمٌ لِذِی حِجْرٍ» (۲)و به منطقه ای که سنگ چینی شده باشد و مردم از رفت و آمد در آن منع شوند،«محجور» گفته می شود.بنا بر این «حِجْراً مَحْجُوراً » یعنی«منعا منعا».

دیدن خداوند محال است،ولی دیدن فرشته در شرایطی ممکن است. «یَوْمَ یَرَوْنَ الْمَلاٰئِکَهَ لاٰ بُشْریٰ یَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِینَ» چنان که جای دیگر می خوانیم:در قیامت،فرشتگان به مؤمنان سلام می کنند، (۳)و دوزخیان از فرشته ی مأمور دوزخ استمداد می کنند. (۴)

ص: ۲۴۰

۱- ۱) .بحار،ج ۸،ص ۳۱۷.

۲- ۲) .فجر،۵.

۳- ۳) .نحل،۳۲.

۴- ۴) .غافر،۴۹.

پیام ها

۱ فرشتگان،در شرایطی خاص دیده می شوند. «یَوْمَ یَرَوْنَ» ۲ مستکبرانی که توقّع نزول فرشتگان را بر خود داشتند،هیچ گونه بشارتی از هیچ ناحیه ای دریافت نمی کنند. «لاٰ بُشْریٰ یَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِینَ»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۲۳]

اشاره

وَ قَدِمْنٰا إِلیٰ مٰا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنٰاهُ هَبٰاءً مَنْثُوراً (۲۳)

ما به سراغ هر عملی که(به عنوان خیرات)انجام داده اند می رویم و آن را غباری پراکنده می سازیم.

نکته ها:

«هَبٰاءً»

خاک نرم را گویند و «مَنْثُوراً» یعنی پخش شده.قرآن کریم در جای دیگر عمل کفّار را به خاکستری تشبیه کرده است که باد تندی آن را پراکنده سازد. «مَثَلُ الَّذِینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمٰالُهُمْ کَرَمٰادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّیحُ فِی یَوْمٍ عٰاصِفٍ لاٰ یَقْدِرُونَ مِمّٰا کَسَبُوا عَلیٰ شَیْءٍ» (۱)و در آیه ای دیگر،کار کفّار به سراب تشبیه شده است،که انسان تشنه آن را آب می پندارد. (۲)

در روایات،مصداق کسانی که اعمالشان پوچ می شود،افرادی معرّفی شده اند که اهل نماز و روزه اند،ولی از لقمه ی حرام پرهیز ندارند و یا نسبت به علیّ بن ابی طالب(علیهما السلام)و شیعیان او کینه و بغض دارند. (۳)

پیام ها

۱ در قیامت،اعمال انسان تجسّم می یابد. «مٰا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنٰاهُ هَبٰاءً» ...

۲ پوچ شدن بر همه کارهای مجرمین عارض می شود. «مٰا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ ... هَبٰاءً» ۳ تباه شدن عمل در برابر چشم انسان،از حسرت های او در قیامت است. «هَبٰاءً» پس به کارها و تلاش های خود اطمینان نکنیم،شاید بدعاقبت شویم و اعمالمان بی اثر باشد.

۱- ۱) .ابراهیم،۱۸.

۲- ۲) .نور،۳۹.

۳- ۳) .تفسیر کنز الدقائق و صافی.

۴ روح کار،انگیزه و نیّت کسی است که آن را انجام می دهد و گر نه عمل منهای عقیده و اخلاص،بی نتیجه و پوچ است. «هَبٰاءً مَنْثُوراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۲۴]

اشاره

أَصْحٰابُ اَلْجَنَّهِ یَوْمَئِذٍ خَیْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِیلاً (۲۴)

در آن روز،اهل بهشت جایگاه خوش و آسایشگاه نیکویی دارند.

نکته ها:

گاهی کلمه ی «خَیْرٌ» و «أَحْسَنُ» به معنای بهتر نیست،زیرا نقطه ی مقابلش اصلاً خوب نیست تا این بهتر باشد،نظیر «قُلْ مٰا عِنْدَ اللّٰهِ خَیْرٌ مِنَ اللَّهْوِ» (۱)در این آیه نیز کلمه ی «خَیْرٌ» و «أَحْسَنُ» به معنای خوب و نیک است،زیرا آنچه که در آیه ی قبل از آن یاد شد، خوب نبود تا این بهتر باشد.

کلمه ی «مَقِیلاً » به معنای استراحت نیمروز است،خواه همراه خواب باشد یا نباشد. (۲)

پیام ها

۱ تشویق و بشارت،در کنار هشدار و انذار ضروری است. «هَبٰاءً مَنْثُوراً خَیْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِیلاً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیات ۲۵ تا ۲۶]

اشاره

وَ یَوْمَ تَشَقَّقُ اَلسَّمٰاءُ بِالْغَمٰامِ وَ نُزِّلَ اَلْمَلاٰئِکَهُ تَنْزِیلاً (۲۵) اَلْمُلْکُ یَوْمَئِذٍ اَلْحَقُّ لِلرَّحْمٰنِ وَ کٰانَ یَوْماً عَلَی اَلْکٰافِرِینَ عَسِیراً (۲۶)

و روزی که آسمان با ابرها بشکافد و فرشتگان فروآیند فروآمدنی.

در آن روز،فرمانروایی بر حقّ،از آن خدای رحمان است و روزی است که بر کافران سخت و سنگین است.

۱- ۱) .جمعه،۱۱.

۲- ۲) .تفسیر المیزان.

نکته ها:

چون واسطه ها،عذرخواهی ها،اموال و اولاد،فامیل و مقام،هیچ یک برای نجات کافران کارساز نیست،لذا آن روز بر آنان سنگین است.

ممکن است کلمه ی «بِالْغَمٰامِ » به معنای همراه با ابر باشد،یعنی آسمان همراه با ابرها شکافته می شود.

از کلمه ی «نُزِّلَ » استفاده می شود که نزول فرشتگان در روز قیامت،غیر منتظره و نزول خاصّی است.

پیام ها

۱ آسمان در ابتدا دود بوده، «ثُمَّ اسْتَویٰ إِلَی السَّمٰاءِ وَ هِیَ دُخٰانٌ» (۱)و در آینده نیز متلاشی خواهد شد. «تَشَقَّقُ السَّمٰاءُ» ۲ جایگاه فرشتگان،آسمان هاست. «نُزِّلَ الْمَلاٰئِکَهُ» ۳ مالکیّت و حکومت خداوند،واقعی و حقیقی است،نه اعتباری و عارضی و ظالمانه. «الْمُلْکُ یَوْمَئِذٍ الْحَقُّ» ۴ قیامت روز جلوه ی رحمت الهی است. «الْمُلْکُ یَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمٰنِ» ...

[سوره الفرقان (۲۵): آیات ۲۷ تا ۲۹]

اشاره

وَ یَوْمَ یَعَضُّ اَلظّٰالِمُ عَلیٰ یَدَیْهِ یَقُولُ یٰا لَیْتَنِی اِتَّخَذْتُ مَعَ اَلرَّسُولِ سَبِیلاً (۲۷) یٰا وَیْلَتیٰ لَیْتَنِی لَمْ أَتَّخِذْ فُلاٰناً خَلِیلاً (۲۸) لَقَدْ أَضَلَّنِی عَنِ اَلذِّکْرِ بَعْدَ إِذْ جٰاءَنِی وَ کٰانَ اَلشَّیْطٰانُ لِلْإِنْسٰانِ خَذُولاً (۲۹)

و روزی که ستمکار(مشرک)دو دست خود را(از روی حسرت)به دندان می گزد و می گوید:ای کاش با پیامبر همراه می شدم.

ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود نمی گرفتم.

ص: ۲۴۳

۱- ۱) .فصّلت،۱۱.

رفیق من بعد از آن که حقّ از طرف خدا برای من آمد،مرا گمراه ساخت.و شیطان هنگام امید،انسان را رها می کند.

نکته ها:

«خذلان»این است که انسان به حمایت کسی امید داشته باشد،ولی او انسان را رها کند.

به گفته ی روایات،رهبر الهی،مصداق ذکر است و گمراه کردن از ذکر «لَقَدْ أَضَلَّنِی عَنِ الذِّکْرِ» یعنی گمراه شدن از رهبر حقّ. (۱)

اسلام برای دوستی و انتخاب دوست،سفارش های زیادی دارد و دوستی با افرادی را تشویق و از دوستی با افرادی نهی کرده است که این موضوع به بحث مستقلّی نیاز دارد.برخی از عنوان های فرعی موضوع«دوست و دوستی»به این شرح است:

راه های شناخت دوست،مرزهای دوستی،ادامه ی دوستی،قطع دوستی،انگیزه های دوستی،آداب معاشرت با دوستان و حقوق دوست،که برای هر یک آیات و روایات بسیاری است و ما به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم:

اگر در شناخت کسی به تردید افتادید،به دوستانش بنگرید که چه افرادی هستند.«فانظروا الی خلطائه» (۲)تنهایی،از رفیق بد بهتر است. (۳)

از پیامبر(صلوات اللّه علیه)پرسیدند:بهترین دوست کیست؟ فرمود:کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد،و گفتارش به علم شما بیفزاید و کردارش یاد قیامت را در شما زنده کند. (۴)

حضرت علی(علیه السلام)فرمود:هنگامی که قدرتت از بین رفت،رفقای واقعی تو از دشمنان شناخته می شوند. (۵)

۱- ۱) .تفسیر کنز الدقائق.

۲- ۲) .بحار،ج ۷۴،ص ۱۹۷.

۳- ۳) .بحار،ج ۷۷،ص ۱۷۳.

۴- ۴) .تفسیر قرطبی.

۵- ۵) .غرر الحکم.

حضرت علی(علیه السلام)فرمود:رفیق خوب،بهترین فامیل است. (۱)

در حدیث آمده است:دوستت را در مورد غضب،درهم،دینار و مسافرت آزمایش کن.اگر در این آزمایش ها موفّق شد،دوست خوبی است. (۲)

در شعر شاعران نیز درباره ی دوست و دوستی،بسیار سخن به میان آمده و به معاشرت و همنشینی با دوستان خوب بسیار سفارش شده است؛ همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید و از همنشینی با دوستان بد مذمّت شده است،رفیق بد به مار خوش خط و خالی تشبیه شده است که زهری کشنده در درون دارد؛ تا توانی می گریز از یار بد یا دوست بد به ابر تیره ای تشبیه شده است که خورشید با آن عظمت را می پوشاند؛ با بدان منشین که صحبت بد

پیام ها

۱ حسرت های درونی در اعمال و رفتار انسان مؤثّر است. «یَعَضُّ الظّالِمُ» ۲ رها کردن راه انبیا ظلم است.(ظلم به خود و ظلم به انبیا) «یَعَضُّ الظّالِمُ» ۳ عذاب قیامت بسیار سخت است. «یَعَضُّ الظّالِمُ عَلی یَدَیْهِ» (مشرک تنها یک انگشت و یا یک دست خود را گاز نمی گیرد،بلکه دو دست خود را گاز می گیرد) ۴ در قیامت،وجدان ها بیدار می شود. «یَعَضُّ یَقُولُ» ۵ پشیمانی،دلیل بر اختیار انسان است و اگر کسی مجبور بود،پشیمانی معنا نداشت. «یا لَیْتَنِی» ۶ دوستی های نامشروع امروز،فردای خطرناکی دارد. «یا لَیْتَنِی» دوست در

۱- ۱) .غرر الحکم.

۲- ۲) .بحار،ج ۷۴،ص ۱۸۰.

سرنوشت انسان مؤثّر است.

۷ ایمان به تنهایی کافی نیست،همراه بودن با انبیا نیز لازم است. «مَعَ الرَّسُولِ» ۸ ارتباط با انبیا هر چند اندک باشد،می تواند راه نجات باشد. «سَبِیلًا» ۹ دو دوستی در یک دل جا نمی گیرد.(دوستی پیامبر و دوستی انسان گمراه) «اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ ... لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَلِیلًا» ۱۰ دوستان منحرف،عوامل شیطانند. «فُلاناً خَلِیلًا وَ کانَ الشَّیْطانُ» ۱۱ نام و شخص افراد مهم نیست،کارایی آنان مهم است. «فُلاناً أَضَلَّنِی» ۱۲ نشانه ی دوست بد آن است که انسان را غافل کند. «أَضَلَّنِی عَنِ الذِّکْرِ» ۱۳ گاهی عواطف دوستی،بر استدلال و منطق غلبه می کند. «أَضَلَّنِی عَنِ الذِّکْرِ بَعْدَ إِذْ جاءَنِی» ۱۴ خداوند با همه ی مردم اتمام حجّت می کند. «بَعْدَ إِذْ جاءَنِی»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۳۰]

اشاره

وَ قالَ اَلرَّسُولُ یا رَبِّ إِنَّ قَوْمِی اِتَّخَذُوا هٰذَا اَلْقُرْآنَ مَهْجُوراً (۳۰)

پیامبر(در روز قیامت از روی شکایت)می گوید:پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند.

نکته ها:

این آیه،از گلایه ی پیامبر اسلام(صلوات اللّه علیه)سخن می گوید و آن حضرت چون «رَحْمَةً لِلْعالَمِینَ » است نفرین نمی کند.

امام رضا(علیه السلام)فرمود:دلیل آن که در نماز،قرآن می خوانیم آن است که قرآن از مهجوریّت خارج شود. (۱)

در روایات آمده است:هر روز پنجاه آیه از قرآن را بخوانید و هدفتان رسیدن به آخر سوره نباشد،آرام بخوانید و دل خود را با تلاوت قرآن تکان دهید و هر گاه فتنه ها همچون شب

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

تاریک به شما هجوم آوردند،به قرآن پناه برید. (۱)

به نظرم رسید اقرار بعضی بزرگان را درباره ی مهجوریّت قرآن نقل کنم:

الف:ملا صدرا(ره)در مقدّمه تفسیر سوره واقعه می گوید:بسیار به مطالعه کتب حکما پرداختم تا آنجا که گمان کردم کسی هستم،ولی همین که کمی بصیرتم باز شد،خودم را از علوم واقعی خالی دیدم.در آخر عمر به فکر رفتم که به سراغ تدبّر در قرآن و روایات محمّد و آل محمّد(علیهم السلام)بروم.یقین کردم که کارم بی اساس بوده است،زیرا در طول عمرم به جای نور در سایه ایستاده بودم.از غصه جانم آتش گرفت و قلبم شعله کشید،تا رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبّر در قرآن کردم،درِ خانهٔ وحی را کوبیدم،درها باز شد و پرده ها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می گویند:

«سَلاٰمٌ عَلَیْکُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهٰا خٰالِدِینَ » . (۲)

ب:فیض کاشانی(ره)می گوید:کتاب ها و رساله ها نوشتم،تحقیقاتی کردم،ولی در هیچ یک از علوم دوائی برای دردم و آبی برای عطشم نیافتم،بر خود ترسیدم و به سوی خدا فرار و انابه کردم تا خداوند مرا از طریق تعمّق در قرآن و حدیث هدایت کرد. (۳)

ج:امام خمینی(ره)در گفتاری از اینکه تمام عمر خود را در راه قرآن صرف نکرده،تأسّف می خورد و به حوزه ها و دانشگاه ها سفارش می کند که قرآن و ابعاد گوناگون آن را در همه ی رشته ها،مقصد اعلی قرار دهند تا مبادا در آخر عمر بر ایّام جوانی تأسّف بخورند. (۴)

«هجر»،جدایی با عمل،بدن،زبان و قلب را شامل می شود. (۵)

رابطه ی میان انسان و کتاب آسمانی،باید دائمی و در تمام زمینه ها باشد،زیرا کلمه ی«هجر» در جایی به کار می رود که میان انسان و آن چیز رابطه باشد. (۶)

بنا بر این باید تلاشی همه جانبه داشته باشیم تا قرآن را از مهجوریّت در آوریم و آن را در همه ی ابعاد زندگی،محور علمی و عملی خود قرار دهیم تا رضایت پیامبر عزیز اسلام را جلب کنیم.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .مقدّمه تفسیر سوره واقعه.

۳- ۳) .رساله الانصاف.

۴- ۴) .صحیفه نور،ج ۲۰،ص ۲۰

۵- ۵) .مفردات راغب.

۶- ۶) .التحقیق فی کلمات القرآن.

نخوانـدن قرآن،ترجیـح غیر قرآن بر قرآن،محور قرار نـدادن آن،تدبّر نکردن در آن،تعلیم ندادنش به دیگران و عمل نکردن به آن،از مصادیق مهجور کردن قرآن است.حتّی کسـی که قرآن را فرا گیرد ولی آن را کنار گـذارد و به آن نگاه نکند و تعهّدی نداشته باشد،او نیز قرآن را مهجور کرده است. (۱)

پیام ها

۱ در قیـامت یکی از شاکیـان،پیامبر اکرم(صـلوات اللّه علیه)است. «وَ قٰالَ الرَّسُولُ» ۲ انتقـاد از کسانی است که آگاهانه قرآن را کنار می گذارند. «اتَّخَذُوا» ...و نفرمود:

«کان عندهم مهجورا» ۳ جمع آوری و تدوین قرآن،در زمان شـخص پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)انجام شده و لذا مورد اشاره و خطـاب قرار گرفته است. «هٰذَا الْقُرْآنَ» ۴ مهجوریّت قرآن و گلاـیه ی پیـامبر و مسـئولیّت ما قطعی است.(«قٰالَ» فعل ماضـی نشانه ی حتمی بودن است) ۵ تلاوت ظاهری کافی نیست،بلکه مهجوریّت زدایی لازم است. «مَهْجُوراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۳۱]

اشاره

وَ کَذٰلِکَ جَعَلْنٰا لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا مِنَ اَلْمُجْرِمِینَ وَ کَفیٰ بِرَبِّکَ هٰادِیاً وَ نَصِیراً (۳۱)

و ما این گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم،و پروردگارت برای راهنمایی و حمایت تو کافی است.

پیام ها

۱ تضـادّ میـان حقّ و باطل،در مـدار اراده الهی است. «کَذٰلِکَ جَعَلْنٰا» ۲ نـدای حق خواهی و حق گویی،همیشه مخـالف داشـته است. «لِکُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا» ۳ با توجّه به مشکلات دیگران،خود را تسلی دهید. «لِکُلِّ نَبِیٍّ»

ص: ۲۴۸

۱- ۱) .تفسیر المنیر.

۴ انسان ابتـدا به گناه آلوده می شود و کم کم دشـمن انبیا می شود. «عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِینَ» ۵ انسان با گناه،از مسیر حقّ جدا می شود. «مِنَ الْمُجْرِمِینَ» (کلمه ی«جرم»به معنای جدا شدن است).

۶ سـختی ها و مخالفت ها،انسان را تربیت می کند. «جَعَلْنا ربک» ۷ تنها راه پیروزی بر دشمن،تمسّک به هدایت و نصرت الهی اسـت. «کَفیٰ بِرَبِّکَ هٰادِیـاً وَ نَصِـیراً» ۸ در برابر مخـالفین،بر خـدا توکّـل کنیـم. «کَفیٰ بِرَبِّکَ هٰادِیـاً وَ نَصِـیراً» ۹ پروردگـار برای حمایت و هـدایت کافی است،دلبسـتن به دیگران چرا؟ «کَفیٰ بِرَبِّکَ هٰادِیاً» ۱۰ انبیا نیز به هـدایت الهی نیازمندند. «کَفیٰ بِرَبِّکَ هٰادِیاً» ۱۱ انسان در درگیری های حقّ و باطل،به دو چیز نیاز دارد:یکی هدایت و دیگری قدرت. «هٰادِیاً وَ نَصِـیراً» ۱۲ هدایت و نصرت از شئون ربوبیّت خداوند است. «بِرَبِّکَ هٰادِیاً وَ نَصِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۳۲]

اشاره

وَ قٰالَ اَلَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ لاٰ نُزِّلَ عَلَیْهِ اَلْقُرْآنُ جُمْلَهً وٰاحِدَهً کَذٰلِکَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤٰادَکَ وَ رَتَّلْنٰاهُ تَرْتِیلاً (۳۲)

و کسـانی که کفر ورزیدنـد،(بهـانه ی دیگری آورده و)گفتنـد:چرا(تمام)قرآن یک جا بر او نازل نشـده است؟(غافل از آن که ما)این گونه(نازل کردیم)تا دل تو را به وسیله ی آن استوار کنیم و آن را به تدریج و آرامی بر تو خواندیم.

نکته ها:

اشاره

بهـانه جویان،هر لحظه بهانه ی جدیـدی می گرفتنـد.گاهی می گفتنـد:چرا به ما وحی نمی شود؟ گاهی می گفتنـد:چرا فرشـته وحی را نمی بینیم؟ چرا پیامبر سـرمایه و کاخ و طلا نـدارد؟ و گاهی می گفتند:چرا قرآن یک جا نازل نمی شود؟ در حالی که قرآن دارای دو نزول است:یکی نزول دفعی که در شب قدر بر قلب پیامبر نازل

شده است و دیگری نزول تدریجی که به مناسبت های مختلف در طول بیست و سه سال نازل شده است.

آثار و دلایل نزول تدریجی قرآن:

۱ نزول تـدریجی،عامل ارتباط دائمی و مسـتمرّ پیامبر اکرم با سرچشـمه ی وحی و مایه ی اسـتواری او در راه است و بیانگر آن است که رسالت یک جرقّه ی مقطعی نیست.

۲ دینِ زنده و جامع آن است که با حوادث و مناسـبت ها ارتباطی نیرومند داشـته باشد،و حوادث و مناسـبت ها هم به مرور پیدا می شود،نه یک دفعه.

۳ انجام همه ی اوامر و ترک همه ی نواهی یک دفعه برای عموم مردم سخت بود و سبب عُسر و حَرَج می شد.

۴ چون هر سوره و آیه ی قرآن به تنهایی یک معجزه است،بنا بر این نزول تـدریجی آن به منزله ی چندین معجزه ی پی در پی و هر معجزه ای مایه ی تسلّی قلب پیامبر در برابر آزار دشمنان است.

۵ نزول هر آیه به مناسبت نیازی که پیدا می شود با نزول همه ی آیات بدون در نظر گرفتن نیازها،تفاوت بسیار است.

۶ بعضی آیات پاسخ سؤالات مردم است،پس اوّل باید سؤالش مطرح شود تا بعد آیه ای در پاسخ آن نازل شود.

۷ بعضی آیات و احکام برای مدّتی معیّن نازل شده است،لذا باید آیه ی ناسخ نازل شود.

ترتیل چیست؟

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)فرمود:ترتیل آن است که قرآن را با بیان روشن بخوانید،(نه مثل شعر،نه مثل نثر)،هنگام برخورد بر لطایف آن توقّف کنید،روح و دل خود را صفا دهید و هدف شما در تلاوت،رسیدن به آخر سوره نباشد. (۱)

حضرت علی(علیه السلام)فرمود:مراد از ترتیل،رعایت موارد وقف و ادای حروف است. (۲)

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

۲- ۲) .تفسیر کنز الدقائق و منهج الصادقین.

امام صادق(علیه السلام)فرمود:ترتیل،یعنی زیبا و آرام خواندن قرآن،مکث کردن در آن و پناه بردن به خداوند در هنگام تلاوت آیات مربوط به آتش و عذاب،و دعا کردن هنگام برخورد با آیات بهشت و درخواست بهشت از خدای مهربان. (۱)

پیام ها

۱ رهبر باید قلبی مطمئن،استوار و آرام داشته باشد. «لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤادَکَ» ۲ نتیجه ی تربیت نبوی آرامش دلهاست،نه تعلیم و کسب اطلاعات. «لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤادَکَ» ۳ آموزش و تربیت باید تدریجی باشد. «وَ رَتَّلْناهُ تَرْتِیلاً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۳۳]

اشاره

وَ لا یَأْتُونَکَ بِمَثَلٍ إِلاّ جِئْناکَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِیراً (۳۳)

و هیچ مَثَلی(از بهانه ها و طعنه ها)برای تو نیاورند،مگر آن که پاسخ به حقّ و بهترین بیان را برای تو آوردیم.

نکته ها:

قرآن کریم در این آیه خطاب به پیامبر(صلوات اللّه علیه)می فرماید:حرف مخالفان،یا باطل است که ما در برابر آن برای تو سخن حقّ می آوریم و یا حقّ است که ما سخن بهتر و جامع تر از حقّ آنان برای تو بازگو می کنیم.

پیام ها

۱ قرآن،کتاب جامعی است و به همه ی ایرادها پاسخ می دهد. «وَ لا یَأْتُونَکَ بِمَثَلٍ إِلاّ جِئْناکَ بِالْحَقِّ» ...

۲ انبیا با مخالفان درگیر بودند و از راه استدلال با آنان رفتار می کردند. «لا یَأْتُونَکَ بِمَثَلٍ إِلاّ جِئْناکَ بِالْحَقِّ» ...

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

۳ خداوند از انبیا دفاع می کند و در برابر سخنان باطل کفّار،کلام حقّ را مطرح می کند. «وَ لاٰ یَأْتُونَکَ بِمَثَلٍ إِلاّٰ جِئْنٰاکَ» و نفرمود:«جئت» ۴ سخن و ادلّه ی مخالفان استحکام ندارد. «بِمَثَلٍ» ۵ حقّ بر باطل پیروز است. «لاٰ یَأْتُونَکَ ... إِلاّٰ جِئْنٰاکَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِیراً» ۶ هدف انبیا،استقرار حقّ است. «جِئْنٰاکَ بِالْحَقِّ» ۷ سخن باید منطقی و حقّ باشد. «جِئْنٰاکَ بِالْحَقِّ» ۸ علم و سخن پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)از جانب خداست. «جِئْنٰاکَ» ...

۹ گفتار و اعتراض دیگران را با کلام بهتر جواب دهیم. «وَ أَحْسَنَ تَفْسِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۳۴]

اشاره

اَلَّذِینَ یُحْشَرُونَ عَلیٰ وُجُوهِهِمْ إِلیٰ جَهَنَّمَ أُوْلٰئِکَ شَرٌّ مَکٰاناً وَ أَضَلُّ سَبِیلاً (۳۴)

کسانی که بر صورت هاشان به سوی جهنّم محشور می شوند،آنان بدترین مکان را دارند و منحرف ترین راه را می روند.

پیام ها

۱ تحقیر انبیا،سبب تحقیر خود در قیامت است. «یُحْشَرُونَ عَلیٰ وُجُوهِهِمْ» ۲ گمراه ترین مردم کسانی اند که در برابر انبیا اشکال تراشی می کنند. «أَضَلُّ سَبِیلاً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیات ۳۵ تا ۳۶]

اشاره

وَ لَقَدْ آتَیْنٰا مُوسَی اَلْکِتٰابَ وَ جَعَلْنٰا مَعَهُ أَخٰاهُ هٰارُونَ وَزِیراً (۳۵) فَقُلْنَا اذْهَبٰا إِلَی اَلْقَوْمِ اَلَّذِینَ کَذَّبُوا بِآیٰاتِنٰا فَدَمَّرْنٰاهُمْ تَدْمِیراً (۳۶)

و همانا به موسی کتاب(تورات)دادیم و برادرش هارون را کمک و همراه او قرار دادیم.

پس به آن دو گفتیم:(برای اتمام حجّت)به سوی قومی که آیات ما را تکذیب کردند بروید.آن گاه آنان را(به خاطر عنادشان)به سختی قلع و قمع کردیم.

نکته ها:

کلمه ی«تدمیر»از«دمار»،به معنای هلاکت اعجاب انگیز است. (۱)

شیوه های تبلیغ و تربیت در قرآن متفاوت است؛در یک جا می فرماید:باید به سراغ منحرفان رفت، «اذْهَبا» و در جای دیگر می فرماید:باید فرمان داد تا آنان خود حاضر شوند و غرورشان شکسته شود.چنان که حضرت سلیمان به ملکه ی سبأ چنین فرمان داد: «وَ أْتُونِی مُسْلِمِینَ» (۲)یعنی با تسلیم کامل،در برابر ما حاضر شوید.

پیام ها

۱ تا با کتاب آسمانی انس نگیریم،حقّ تبلیغ به دیگران را نداریم. «آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ ... اِذْهَبا» ۲ جانشین انبیا را نیز باید خداوند تعیین کند. «جَعَلْنا مَعَهُ أَخاهُ» ...

۳ در مسئولیّت های بزرگ،به وجود وزیر و همکار نیاز است. «جَعَلْنا مَعَهُ أَخاهُ هارُونَ وَزِیراً» ۴ در برخی از دوره ها،انبیا متعدّد بودند،ولی رهبر یکی بود. «هارُونَ وَزِیراً» ۵ در تبلیغ،گاهی باید افرادی را اعزام کرد تا با هم تبلیغ کنند. «اذْهَبا» ۶ اتمام حجّت با گمراهان لازم است. «اذْهَبا إِلَی الْقَوْمِ الَّذِینَ کَذَّبُوا» ۷ انکار و لجاجت مردم،مانع لطف خداوند نیست.(پیامبر را برای هدایت آنان می فرستد) «اذْهَبا إِلَی الْقَوْمِ الَّذِینَ کَذَّبُوا» ۸ تکذیب پیامبر،تکذیب خداست. «کَذَّبُوا بِآیاتِنا» ۹ نتیجه ی تکذیب حقّ،قلع و قمع شدن است. «فَدَمَّرْناهُمْ» ۱۰ نقل تاریخ و سرگذشت کفّار قبل و بیان هلاکت آنان،زمینه ای برای هشدار و نهی از منکر کفّار امروز است. «فَدَمَّرْناهُمْ»

۱- ۱) .التحقیق فی کلمات القرآن.

۲- ۲) .نمل،۳۱.

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۳۷]

اشاره

وَ قَوْمَ نُوحٍ لَمّا كَذَّبُوا اَلرُّسُلَ أَغْرَقْناهُمْ وَ جَعَلْناهُمْ لِلنّاسِ آيَةً وَ أَعْتَدْنا لِلظّالِمِينَ عَذاباً أَلِيماً (۳۷)

و قوم نوح كه پيامبران را تكذيب كردند،غرق نموديم و آنان را براى مردم (تاريخ)عبرت قرار داديم و براى ستمكاران عذابى دردناك آماده نموديم.

پيام ها

۱ تكذيب يك پيامبر به منزله ى تكذيب همه ى پيامبران است. «وَ قَوْمَ نُوحٍ لَمّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ» ۲ تاريخ،درس عبرت است. «جَعَلْناهُمْ لِلنّاسِ آيَةً» ۳ سرنوشت انسان ها به دست خودشان است. «كَذَّبُوا ... أَغْرَقْناهُمْ» ۴ تكذيب انبيا،ظلم است. «وَ أَعْتَدْنا لِلظّالِمِينَ» ۵ تكذيب انبيا،هم قهر دنيوى دارد، «أَغْرَقْناهُمْ» هم عذاب اخروى. «عَذاباً أَلِيماً»

[سوره الفرقان (۲۵): آيات ۳۸ تا ۳۹]

اشاره

وَ عاداً وَ ثَمُودَ وَ أَصْحابَ اَلرَّسِّ وَ قُرُوناً بَيْنَ ذلِكَ كَثِيراً (۳۸) وَ كُلاًّ ضَرَبْنا لَهُ اَلْأَمْثالَ وَ كُلاًّ تَبَّرْنا تَتْبِيراً (۳۹)

و قوم عاد و ثمود و اصحاب رَسّ و نسل هاى فراوان ميان آنان را(هلاك كرديم).

و براى هر يك نمونه هايى(براى پند گرفتن)آورديم(و چون عبرت نگرفتند)همه را به سختى نابود كرديم.

نكته ها:

اشاره

«قرون»جمع«قرن»،در اصل به معناى جمعيّتى است كه در يك زمان با هم زندگى مى كنند و به چهل تا صد سال هم يك قرن گفته اند. «تَتْبِيراً » از دست دادنِ بزرگى و سرنگون شدن است،به صورتى كه به نابودى و هلاكت كشيده شود. (۱)

ص: ۲۵۴

۱- ۱) .التحقيق فى كلمات القرآن.

اصحاب رسّ چه کسانی بودند؟

درباره ی قوم«رَسّ»در تفاسیر مطالب زیادی آمده است از جمله:آنان همان قوم شعیب هستند،یا این که«رَسّ»شهری است در«یمامه»،یا چاهی است در«انطاکیه»یا همان «رود ارس»است و یا غیر آن،ولی در کتاب«عیون اخبار الرضا»می خوانیم:

امام رضا(علیه السلام)فرمود:شخصی از حضرت علی(علیه السلام)درباره ی«اصحاب رسّ»پرسید،امام(علیه السلام)پاسخ داد:بعد از طوفان نوح،درختی به نام«شاه درخت» غرس شد.مردم(این درخت را مقدّس می دانستند و)در اطرافش دوازده قریه بنا کردند.نام قریه ها به نام ماه های ایرانی بود:فروردین،اردیبهشت،خرداد تا دوازده ماه،آنان هر ماه در یکی از قریه ها جشن وعید می گرفتند،البتّه در قریه ی اسفند،عیدشان با شکوه تر بود و جمعیّت بیشتری جمع می شدند.در آن مراسم جشن،درختی را آتش می زدند و همین که دودش بالا می رفت به گریه و زاری می افتادند.

خداوند پیامبری برای آنان فرستاد و آنان را ارشاد کرد،او را تکذیب کردند،پیامبرشان نفرین کرد و آن درخت مقدّسشان خشک شد.پس از آن چاه عمیقی حفر کردند و پیامبر خدا را در آن افکندند و او را این گونه به شهادت رساندند. (۱)

و در نهج البلاغه می فرماید:«أین اصحاب مدائن الرس الذین قتلوا الانبیاء»

پیام ها

۱ سنّت الهی فرستادن رسولان برای هدایت مردم و هلاکت تکذیب کنندگان آنان بوده است. «کَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنٰاهُمْ ... وَ عٰاداً وَ ثَمُودَ» ...

۲ خداوند با همه ی امّت ها اتمام حجّت کرده است. «وَ کُلاًّ ضَرَبْنٰا لَهُ الْأَمْثٰالَ» ۳ قهر و غضب خداوند بر کفّار،یکی از سنّت های الهی است. «وَ کُلاًّ تَبَّرْنٰا تَتْبِیراً»

۱- ۱) .تفسیر کنز الدقائق.

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۴۰]

اشاره

وَ لَقَدْ أَتَوْا عَلَى اَلْقَرْيَهِ اَلَّتِى أُمْطِرَتْ مَطَرَ اَلسَّوْءِ أَ فَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَها بَلْ كانُوا لا يَرْجُونَ نُشُوراً (۴۰)

همانـا(مشـركان مكّه به هنگـام مسـافرت به شـام)بر منطقه اى كه بـاران بلاـ بر آن باريـده بـود(و سـنگباران شـده بودنـد)گـذر كردنـد.آيا آن را نمى ديدنـد (تـا پنـد گيرنـد؟)چرا،(منطقه ى قوم لوط را ديدنـد ولى عـبرت نگرفتنـد زيرا) آنـان به قيـامت و رستاخيز اميد و ايمانى نداشتند.

نكته ها:

مراد از قريه اى كه باران بلا بر آن باريده، قريه ى قوم لوط است كه بارانى از سـنگ بر آن باريد، و به فرموده ى امام باقر(عليه السلام)نام منطقه ى آنان،«سدوم»بوده است. (۱)

پيام ها

۱ آثـار باسـتانى مى توانـد وسـيله ى عبرت باشـد. «أَ فَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَها» (نقل تاريـخ و بيان سر گذشت گمراهان،زمينه اى براى تبليغ،تربيت و نهى از منكر است.) هر كه ناموخت از گذشت روزگار هيچ ناموزد ز هيچ آموزگار ۲ گردنكشى در برابر حقّ و اسـتمرار بر كفر،مـانع دريـافت حقّ است. «أَ فَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَها بَلْ كانُوا لا يَرْجُونَ» ۳ تنهـا كسانى كه نور اميـد در دل دارنـد و قيامت را باور دارند،از حوادث و جرقه ها استفاده مى كنند. «بَلْ كانُوا لا يَرْجُونَ نُشُوراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۴۱]

اشاره

وَ إِذا رَأَوْكَ إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلاّ هُزُواً أَ هٰذَا اَلَّذِى بَعَثَ اَللّٰهُ رَسُولاً (۴۱)

و هر گـاه(كفّـار)تو را ببيننـد،جز به مسـخره ات نگيرنـد،(حرف آنان اين است كه)آيا اين همان كسـى است كه خداونـد او را پيامبر قرار داده است؟

۱– ۱) .تفسير نور الثقلين.

پیام ها

۱ کسی که لجاجت و غرور دارد،حقّ را نمی پذیرد. «إِلاّ هُزُواً» ۲ تمسخر و تحقیر انبیا،شیوه ی دائمی کفّار است. «وَ إِذا رَأَوْکَ ... أَ هذَا الَّذِی» ...

۳ کفّار با انکار شخص پیامبر،رسالت را زیر سؤال می بردند. «أَ هذَا الَّذِی بَعَثَ» ...

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۴۲]

اشاره

إِنْ کادَ لَیُضِلُّنا عَنْ آلِهَتِنا لَوْ لا أَنْ صَبَرْنا عَلَیْها وَ سَوْفَ یَعْلَمُونَ حِینَ یَرَوْنَ الْعَذابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِیلاً (۴۲)

اگر ما بر پرستش بت ها مقاومت نمی کردیم،نزدیک بود که(این شخص) ما را از خدایانمان منحرف کند.آن گاه که عذاب را ببینند خواهند دانست که چه کسی گمراه تر است.

پیام ها

۱ مشرکین به تأثیر سخنان پیامبر اسلام اعتراف دارند. «لَیُضِلُّنا عَنْ آلِهَتِنا» ۲ گاهی انسان چنان واژگون فکر می کند که هدایت را گمراهی می پندارد. «لَیُضِلُّنا عَنْ آلِهَتِنا» ۳ کسانی که یک خدای با شعور را نپذیرند،چندین بت بی شعور را به عنوان خدا خواهند پذیرفت. «آلِهَتِنا» ۴ صبر و مقاومت در همه جا ارزش نیست،گاهی یکدندگی و لجاجت است، همچون صبر و مقاومت در گمراهی و انحراف. «صَبَرْنا» ۵ برنامه های اسلام،انسان های غیر لجوج را جذب می کند و تنها لجوجان محروم می مانند. «لَوْ لا أَنْ صَبَرْنا عَلَیْها»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۴۳]

اشاره

أَ رَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ أَ فَأَنْتَ تَکُونُ عَلَیْهِ وَکِیلاً (۴۳)

آیا کسی که هوای نفس خود را معبود خود قرار داده است دیده ای؟ آیا تو می توانی وکیل او باشی(و به دفاع از او برخیزی و او را هدایت کنی)؟

نکته ها:

اشاره

به هر معبودی غیر از حقّ،هوی گفته می شود. (۱)

هویٰ پرستی از نظر قرآن و روایات:

هواپرستی،سرچشمه غفلت است. «وَ لاٰ تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنٰا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنٰا وَ اتَّبَعَ هَوٰاهُ» (۲)هواپرستی،سرچشمه ی کفر است. «مَنْ لاٰ يُؤْمِنُ بِهٰا وَ اتَّبَعَ هَوٰاهُ» (۳)هواپرستی،بدترین انحراف است. «وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوٰاهُ» (۴)هواپرستی،مانع قضاوت عادلانه است. «فَاحْكُمْ بَيْنَ النّٰاسِ بِالْحَقِّ وَ لاٰ تَتَّبِعِ الْهَوىٰ» (۵)هواپرستی،سرچشمه ی فساد است. «لَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوٰاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمٰاوٰاتُ وَ الْأَرْضُ» (۶)هواپرستی،سرچشمه ی غصّه هاست.

هواپرست،ایمان ندارد.

هواپرست،بی عقل است.

آغاز فتنه ها پیروی از هوسها و ایجاد بدعت ها می باشد.

هوا و هوسها انسان را کر و کور کرده و قدرت تشخیص حقّ از باطل را می گیرد.

شجاع ترین مردم کسانی هستند که بر هوس های خود غلبه کنند.

پیامبر(صلوات اللّه علیه)فرمود:هوی را بدان سبب هویٰ نامیده اند که صاحب خود را فرو می افکند. (۷)

پیام ها

۱ ریشه ی بت پرستی،هواپرستی است. «صَبَرْنٰا عَلَيْهٰا اِتَّخَذَ إِلٰهَهُ هَوٰاهُ» ۲ خداجویی در فطرت هر انسانی وجود دارد،لکن او در مصداق و یافتن حقّ گرفتار اشتباه می شود. «اتَّخَذَ إِلٰهَهُ هَوٰاهُ» ۳ انبیا مسئولیّتی در هدایت اجباری هواپرستان ندارند. «أَ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلاً»

۱- ۱) .تفسیر قرطبی.

۲- ۲) .کهف،۲۸.

۳- ۳) .طه،۱۶.

۴- ۴) .قصص،۵۰.

۵- ۵) .ص،۲۶.

۶- ۶) .مؤمنون،۷۱.

۷- ۷) .مجموعه احادیث از میزان الحکمه می باشد.

۴ انسان دارای اختیار است. «أَ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا» ۵ تربیت و ایمان باید بدون اجبار و اکراه باشد. «أَ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۴۴]

اشاره

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلاّ كَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴)

آیا گمان می کنی که اکثر کفّار(حقّ را)می شنوند و(در آن)می اندیشند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند،بلکه گمراه ترند.(زیرا ارزش انسان به تعقّل و بینش اوست).

نکته ها:

قرآن به هنگام انتقاد از کفّار،کلمه ی اکثر را به کار می برد تا حساب آن دسته را که هدایت می شوند از باقی جدا کند.

سؤال:چرا انسان منحرف از چهارپایان بدتر است؟ پاسخ:۱ حیوان نمی تواند بیش از آنچه که هست رشد کند،ولی انسان می تواند و زمینه و امکانات رشد کاملاً برای او فراهم است.

۲ حیوان عقل ندارد تا خوب و بد را بفهمد و حقّ و باطل را بشناسد،ولی انسان های منحرف با داشتن عقل،آن را زیر پا گذارده و بر اساس هوس عمل می کنند.

۳ حیوان از یک غریزه ی ثابت پیروی می کند،ولی انسان منحرف از صدها هوی و هوس.

۴ انسان منحرف،هم کج می رود و هم انحراف خود را توجیه می کند.

۵ حیوان،نسبت به کسی که به او محبّت کند رام است،ولی انسان منحرف نسبت به خدای مهربان کفر می ورزد و بسیار ناسپاس است.

۶ حیوانات،تسبیح آگاهانه دارند؛ «كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبِيحَهُ» (۱)امّا انسان های منحرف،اهل ذکر و تسبیح نیستند و از خدا غافل اند.

۱- ۱) .نور،۴۱.

۷ حیوانات،استحقاق عذاب الهی را ندارند،ولی انسان منحرف به قهر او گرفتار خواهد شد. در حدیث آمد که یزدان مجید آن دو قوم آسوده از جنگ و خراب آدمی زاده طرفه معجونی است

پیام ها

۱ انسان برای هدایت خود باید به رهنمودهای پیامبر درونی،(عقل)و پیامبر بیرونی گوش فرا دهد. «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ» ۲ کفر و نپذیرفتن دعوت انبیا،بی خردی است. «أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ» ۳ انسان که خلیفه ای خدا می باشد،با نادیده گرفتن فطرت خود از حیوان نیز پست تر می شود. «إِنْ هُمْ إِلاّ كَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلاً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیات ۴۵ تا ۴۶]

اشاره

أَ لَمْ تَرَ إِلى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ اَلظِّلَّ وَ لَوْ شاءَ لَجَعَلَهُ ساكِناً ثُمَّ جَعَلْنَا اَلشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً (۴۵) ثُمَّ قَبَضْناهُ إِلَيْنا قَبْضاً يَسِيراً (۴۶)

ص :۲۶۰

آیـا به(قـدرت)پروردگـارت نمی نگری که چگـونه سـایه را گسـترده است؟ و اگر می خواست آن را سـاکن(و ثـابت)قرار می داد(تا همیشه شب یا بین الطلوعین باشد)سپس خورشید را دلیل و نمایانگر آن قرار دادیم.

سپس آن سایه را(اندک اندک)به سوی خود جمع می کنیم.

نکته ها:

امام باقر(علیه السلام)فرمود:مراد از سایه گسترده در آیه،سایه ی ما بین طلوع فجر و طلوع خورشید است. (۱)گرچه بعضی مراد از سایه را سایه ی شب یا بعـد از ظهر گرفته انـد،ولی با توجّه به جمله بعد که می فرماید: «ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً» ،سـخن امام مورد قبول است. کیف مدّ الظل نقش اولیاست

پیام ها

۱ بهترین راه خداشناسـی برای همگان،تفکّر در پدیـده های هستی است که بر اساس حکمت الهی آفریده شده اند. «أَ لَمْ تَرَ» ۲ گردش زمین به دور خود و خورشید تصادفی نیست،حکیمانه و مدبرانه است. «أَ لَمْ تَرَ إِلىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ» ۳ انسان غرق در نعمت هـاست،ولی بـا دیـده ی عـبرت به آنهـا نمی نگرد. «أَ لَمْ تَرَ إِلىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ» ۴ گستردگی و طولانی شـدن مدّت سایه به خاطر پرورش و رشد و شکوفایی است. «رَبِّكَ ... مَدَّ الظِّلَّ» (اگر نور،مستقیم و یا سایه دائمی بود،یا همگی

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

می سوختند و یا منجمد می شدند.) ۵ گرچه خداوند قدرت دارد که در طبیعت،تغییر و تحوّل شدید ایجاد کند،ولی خداوند سنّت خود را ترک نمی کند. «وَ لَوْ شٰاءَ» ۶ تداوم گردش هستی به دست اوست. «وَ لَوْ شٰاءَ لَجَعَلَهُ سٰاكِناً» ۷ شناخت سایه با وجود خورشید و نور ممکن است،زیرا هر چیزی با وجود ضدش شناخته می شود. «ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً» ۸ حرکت هستی و عملکرد طبیعت،عمل خداست. «مَدَّ جَعَلْنَا قَبَضْنٰاهُ» ۹ همان گونه که آفرینش جهان به تدریج و آرامی و در شش مرحله صورت گرفته است،تغییر آن نیز به تدریج خواهد بود. «قَبْضاً يَسِيراً» ۱۰ گرفتن هیچ چیز برای خدا سخت نیست. «قَبْضاً يَسِيراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۴۷]

اشاره

وَ هُوَ اَلَّذِی جَعَلَ لَکُمُ اَللَّيْلَ لِبٰاساً وَ اَلنَّوْمَ سُبٰاتاً وَ جَعَلَ اَلنَّهٰارَ نُشُوراً (۴۷)

و او کسی است که شب را برای شما پوشش و خواب را آرام بخش گردانید و روز را زمان برخاستن(و تلاش)شما قرار داد.

نکته ها:

در قرآن کریم از چند چیز به عنوان«لباس»یاد شده است:شب، «جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبٰاساً» (۱)،همسر؛ «هُنَّ لِبٰاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبٰاسٌ لَهُنَّ» (۲)و تقوا «وَ لِبٰاسُ التَّقْوىٰ ذٰلِكَ خَيْرٌ» (۳)«سبت»یعنی قطع و تعطیل کار.به استراحت بعد از تلاش نیز«سبت»می گویند. (۴)«نُشُوراً » از«نشر»،به معنای پخش شدن مردم در روز برای کار و تلاش است.

ص: ۲۶۲

۱- ۱) .فرقان،۴۷.

۲- ۲) .بقره،۱۸۷.

۳- ۳) .اعراف،۲۶.

۴- ۴) .التحقیق فی کلمات القرآن.

پیام ها

۱ گردش شب و روز تصادف نیست،اهـداف و برنامه های حکیمانه ای در آن نهفته است. «جَعَلَ لَکُمُ اللَّیْلَ لِبٰاساً وَ النَّوْمَ سُبٰاتاً» ۲ پدیـده ی شب،یـک نعمت الهی برای بشـر است. «لَکُمُ» ۳ خواب و بیـداری خود را بـا طبیعت هماهنـگ کنیم. «اللَّیْلَ لِبٰاساً وَ النَّوْمَ سُبٰاتاً» تاریکی و سکوت،در ایجاد آرامش مؤثّرند،چنان که وجود نور در تلاش و جنب و جوش انسان،مؤثّر است.

۴ شب،حافـظ جسم و سـلامتی است،چنان که لباس،حافظ بـدن است. «اللَّیْلَ لِبٰاساً» ۵ گردش شـب و روز و آرامش در شـب و تلاش در روز،نشانه ی ربوبیّت خداوند است. «رَبِّکَ کَیْفَ مَدَّ الظِّلَّ ... وَ هُوَ الَّذِی» ...

[سوره الفرقان (۲۵): آیات ۴۸ تا ۴۹]

اشاره

وَ هُوَ اَلَّذِی أَرْسَلَ اَلرِّیٰاحَ بُشْـراً بَیْنَ یَـدَیْ رَحْمَتِهِ وَ أَنْزَلْنٰا مِنَ اَلسَّمٰاءِ مٰاءً طَهُوراً (۴۸) لِنُحْیِیَ بِهِ بَلْدَةً مَیْتاً وَ نُسْقِیَهُ مِمّٰا خَلَقْنٰا أَنْعٰاماً وَ أَنٰاسِیَّ کَثِیراً (۴۹)

و او خداوندی است که بادها را مژده ای پیشاپیش(باران)رحمتش فرستاد و از آسمان،آبی پاکیزه کننده فرو فرستادیم.

تـا به وسـیله ی آن سـرزمین مرده(و پژمرده و خشک)را زنـده گردانیم و آن را به چهارپایان و مردمان بسـیار از مخلوقات خود بنوشانیم.

نکته ها:

«طَهُوراً»

چیزی را گویند که هم در نهایت پاکی است و هم پاک کننده می باشد.کلمه ی«بلد» به معنای سـرزمین است،خواه شـهر باشد یـا روسـتا و مزرعه،به دلیل آیه ی ۵۸ سوره اعراف که می فرمایـد: «وَ الْبَلَـدُ الطَّیِّبُ یَخْرُجُ نَبٰاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» سـرزمین نیکو با اذن پروردگارش گیاه خود را بیرون می آورد،و روشن است که روئیدن گیاه مخصوص شهر

نیست.کلمه ی «أَنٰاسِیَّ» جمع«انسی»مرادف معنای«انسان»است.

چون معنی«بلد»و «بَلْدَةً » یکی است،در توصیف آن فرمود: «مَیْتاً » و نفرمود:«میته» (1)در استفاده از آب،بیشترین سهم به کشاورزی اختصاص دارد،بعد حیوانات بیشترین استفاده را از آن می برند و سپس انسان ها.به خاطر همین،در آیه ی شریفه ابتدا از کشاورزی و احیای زمین یاد شده است،سپس از حیوانات،آن گاه از انسان.

بادها فواید بسیاری دارند از جمله:هوا را لطیف می کنند،ابرها را انتقال می دهند،حرارت را کم می کنند و گیاهان را بارور می سازند.

پیام ها

۱ حرکت بادها،به اراده ی خداوند است. «هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ الرِّیٰاحَ» ۲ بادها انواع مختلفی دارند و گاهی با باران ملازمند. «أَرْسَلَ الرِّیٰاحَ ... أَنْزَلْنٰا» ...

۳ نزول باران از ابر با اراده ی خداوند است. «أَنْزَلْنٰا» ۴ آب هم پاک است و هم پاک کننده،جسم آدمی و اشیای دیگر را پاک می کند و در وضو و غسل نیز مایه ی پاکی روح انسان است. «طَهُوراً» ۵ زندگی بشر مرهون نباتات و حیوانات است.(زنده شدن زمین و سیرابی چارپایان،قبل از سیراب شدن انسان آمده است) ۶ کارهای خدا از طریق اسباب طبیعی صورت می گیرد. «أَرْسَلَ الرِّیٰاحَ أَنْزَلْنٰا لِنُحْیِیَ»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۵۰]

اشاره

وَ لَقَدْ صَرَّفْنٰاهُ بَیْنَهُمْ لِیَذَّکَّرُوا فَأَبیٰ أَکْثَرُ اَلنّٰاسِ إِلاّٰ کُفُوراً (۵۰)

و همانا ما آن(آیات قرآن یا ابر و باران)را در میانشان گونه گون کردیم تا شاید به یاد خدا بیفتند امّا اکثر مردم سر باز زدند و ناسپاسی کردند.

نکته ها:

ممکن است مراد از«تصریف»نقل و انتقال باران باشد،یعنی باران را به صورت مکرر و

۱- ۱) .تفسیر قرطبی.

پراکنـده فرسـتادیم،گاهی با قطرات ریز و گاهی با قطرات درشت،گاهی تند و گاهی کند و همه ی این تغییرها و تنوّع ها برای تذکّر و شکرگزاری است،امّا صد حیف که...

و ممکن است مراد از جمله ی «صَرَّفْنٰاهُ بَيْنَهُمْ» تکرار و بیـان نقـل هـای گونـاگون آیـات قرآن باشـد،که این معنا در قرآن زیاد آمده است.«و اللّه العالم»

پیام ها

۱ یـادآوری بایـد مکرر و متنوّع باشـد. «صَرَّفْنٰاهُ» ۲ قرآن،کتـاب هـدایت است و تکرار و تـذکّر لازمه ی هـدایت. «صَرَّفْنٰاهُ ... لِيَذَّكَّرُوا» ۳ یادآوری نعمت ها،شکر نعمت هاست و غفلت از آنها،کفران آنهاست.

«لِيَذَّكَّرُوا

... كُفُوراً» ۴ شاکران نعمت ها،کم هستند. «فَأَبىٰ أَكْثَرُ النّٰاسِ إِلاّٰ كُفُوراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۵۱]

اشاره

وَ لَوْ شِئْنٰا لَبَعَثْنٰا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيراً (۵۱)

و اگر می خواستیم در هر آبادی،(پیامبر و)هشداردهنده ای برمی انگیختیم (تا کار تو سبک شود،ولی این کار لزومی نداشت).

نکته ها:

این آیه به نوعی بیانگر خاتمیّت پیامبر اسـلام و جامعیّت مکتب اوست،چرا که می فرماید:در کنار تو هیچ پیامبری در هیچ کجا مبعوث نشـده است،زیرا در مکتب و شخصیّت تـو تـوان اداره ی کـلّ جـامعه هست و نیـازی به دیگری نیست.تو دارای چنـان مقامی هستی که با وجود تو پرونده ی نبوّت خاتمه می یابد.

پیام ها

۱ گرچه برای هر امّتی رهبری لازم است، «وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلاّٰ خَلاٰ فِيهٰا نَذِيرٌ» (۱)ولی

۱- ۱) .فاطر،۲۴.

اگر در هر قریه ای یک پیامبر بود،این کار به وحدتِ رهبریِ امّت ضربه می زد.

«وَ لَوْ شِئْنا لَبَعَثْنا»

...

۲ رسالت امری توقیفی است،نه قراردادی و انتخابی. «وَ لَوْ شِئْنا لَبَعَثْنا» ...

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۵۲]

اشاره

فَلاٰ تُطِعِ اَلْكٰافِرِينَ وَ جٰاهِدْهُمْ بِهِ جِهٰاداً كَبِيراً (۵۲)

پس،از کافران پیروی نکن و به وسیله ی قرآن(یا ترک پیروی از آنان)با آنان به جهادی بزرگ بپرداز.

نکته ها:

برخورد ما با کفّار چند مرحله دارد:

اوّل:عدم اطاعت از آنان. «فَلاٰ تُطِعِ» دوّم:مبارزه و جهاد. «وَ جٰاهِدْهُمْ» جهاد و مبارزه نیز چند قسم است:جهاد با شمشیر که جهاد اصغر است،جهاد علمی با منطق قرآن و پاسخ دادن به شبهات دشمنان که جهاد کبیر است.

پیام ها

۱ سازش با کفّار ممنوع است. «فَلاٰ تُطِعِ» (هر گونه تقاضای انحرافی کفّار را با قاطعیّت رد کنید) ۲ زمانی می توانید در برابر کفّار،مستقل و مقاوم و با صلابت باشید که متمرکز باشید. «لَوْ شِئْنا لَبَعَثْنا فِی كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيراً فَلاٰ تُطِعِ» یعنی اکنون که رهبری در وجود یک پیامبر متمرکز است،شما نیرومندید،پس سازش نکنید.

۳ پیروی نکردن از کفّار کافی نیست،جهاد لازم است،آن هم جهادی بزرگ و همه جانبه. «فَلاٰ تُطِعِ ... وَ جٰاهِدْهُمْ بِهِ جِهٰاداً كَبِيراً» ۴ مبارزه ی منفی،یکی از شیوه های مبارزه است.(با ترک اطاعت از کفّار،با آنان جهاد کن) «فَلاٰ تُطِعِ ... وَ جٰاهِدْهُمْ» ۵ قرآن بهترین ابزار جهاد علمی و فرهنگی و نیرومندترین وسیله ی بحث و

محاجه با دشمنان اسلام است. «جاهِدْهُمْ بِهِ» ۶ دشمنان شما برای تهاجم فرهنگی و فکری تلاش ها دارند،شما هم بیکار نباشید. «جاهِدْهُمْ» طرفینی است.

۷ جهاد علمی و منطقی علیه کفر و شرک،بزرگ ترین جهاد است. «جِهاداً کَبِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۵۳]

اشاره

وَ هُوَ اَلَّذِی مَرَجَ اَلْبَحْرَیْنِ هٰذٰا عَذْبٌ فُرٰاتٌ وَ هٰذٰا مِلْحٌ أُجٰاجٌ وَ جَعَلَ بَیْنَهُمٰا بَرْزَخاً وَ حِجْراً مَحْجُوراً (۵۳)

و او خدایی است که دو دریا را به هم پیوست،این یکی شیرین و گوارا و آن دیگری شور و تلخ و میان این دو حایلی قرار داد که همیشه از هم جدا باشند.

نکته ها:

کلمه ی «مَرَجَ» به معنای مخلوط کردن و دو دریا را روان ساختن است تا بیکدیگر برسند. (۱)«عَذْبٌ» ،یعنی گوارا و «فُرٰاتٌ» به آب بسیار گوارا متمایل به شیرین می گویند. «مِلْحٌ» یعنی شور و «أُجٰاجٌ» یعنی آب بسیار شور که متمایل به تلخی باشد.

پیام ها

۱ خدایی که اجازه نمی دهد آب گوارا و آب شوری که در کنار یکدیگرند با هم مخلوط شوند،چگونه اجازه می دهد حقّ و باطل و کفر و ایمان،آمیخته شوند؟ «فَلاٰ تُطِعِ الْکٰافِرِینَ وَ جٰاهِدْهُمْ بِهِ جِهٰاداً کَبِیراً ... مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ» ...

۲ با اراده ی خداوند حتّی اگر مایعات در کنار هم باشند با یکدیگر مخلوط نمی شوند. «جَعَلَ بَیْنَهُمٰا بَرْزَخاً»

۱- ۱) .چنان که در آیه ۱۹ سوره ی الرّحمن می خوانیم:«مَرَج البَحرَین یَلتقیان».

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۵۴]

اشاره

وَ هُوَ اَلَّذِی خَلَقَ مِنَ اَلْمٰاءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً وَ کٰانَ رَبُّکَ قَدِیراً (۵۴)

و او کسی است که انسان را از آب آفرید و او را دارای پیوند نسبی و سببی گردانید (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)،و پروردگار تو همواره تواناست.

نکته ها:

مراد از آب در این آیه،نطفه ی انسان است،به دلیل آیه ی: «أَ لَمْ نَخْلُقْکُمْ مِنْ مٰاءٍ مَهِینٍ» (۱)و آیه ی: «خُلِقَ مِنْ مٰاءٍ دٰافِقٍ» (۲)«نسب»پیوندی است که از طریق زاد و ولد به وجود می آید،نظیر پیوند پدر و فرزند و برادران با یکدیگر.کلمه ی «صِهْراً» به معنای داماد است و دامادی پیوندی است که بین یک مرد و یک خانوادۀ دیگر به وجود می آید،مانند پیوند داماد با بستگان همسرش که در اصطلاح به آن خویشاوندی سببی می گویند.

پیام ها

۱ هم انسان از آب است، «خَلَقَ مِنَ الْمٰاءِ بَشَراً» هم حیوان، «وَ اللّٰهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مٰاءٍ» (۳)و هم سایر موجودات زنده. «وَ جَعَلْنٰا مِنَ الْمٰاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ» (۴)۲ همه ی انسان ها از یک مادّه آفریده شده اند، «خَلَقَ مِنَ الْمٰاءِ بَشَراً» پس امتیازات و برتری های نژادی پوچ است.

۳ انسان موجود با عظمتی است. «بَشَراً» (تنوین نشانه عظمت است) ۴ زندگی انسان بر اساس پیوندهای سببی و نسبی شکل می گیرد. «نَسَباً وَ صِهْراً» ۵ در این آیه از بستگان نسبی قبل از بستگان سببی سخن به میان آمده است تا رمز اولویّت آنان باشد. «نَسَباً وَ صِهْراً»

ص: ۲۶۸

۱- ۱) .مرسلات،۲۰.

۲- ۲) .طارق،۶.

۳- ۳) .نور،۴۵.

۴- ۴) .انبیاء،۳۰.

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۵۵]

اشاره

وَ یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اَللّٰهِ مٰا لاٰ یَنْفَعُهُمْ وَ لاٰ یَضُرُّهُمْ وَ کٰانَ اَلْکٰافِرُ عَلیٰ رَبِّهِ ظَهِیراً (۵۵)

و آنان غیر از خداوند چیزهایی را می پرستند که نه سودشان می دهد و نه زیانشان می رساند؛و کافر همواره در برابر پروردگارش پشتیبان (گمراهان و خطوط انحرافی)است.

پیام ها

۱ عملی ارزشمند است که بدنبال آن جلب منفعت یا دفع ضرری باشد،پرستش غیر خدا ارزشی ندارد. «وَ یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مٰا لاٰ یَنْفَعُهُمْ وَ لاٰ یَضُرُّهُمْ» ۲ مشرکان،هیچ دلیل و منطقی برای پرستش بت ها ندارند. «لاٰ یَنْفَعُهُمْ وَ لاٰ یَضُرُّهُمْ» ۳ نفع و ضرر تنها به دست خداست،نه دیگران. «لاٰ یَنْفَعُهُمْ وَ لاٰ یَضُرُّهُمْ» ۴ مشرکان،کافرند و در کفر پشتیبان یکدیگرند. «کٰانَ الْکٰافِرُ عَلیٰ رَبِّهِ ظَهِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۵۶]

اشاره

وَ مٰا أَرْسَلْنٰاکَ إِلاّٰ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً (۵۶)

و تو را جز مژده رسان و بیم دهنده نفرستادیم.

نکته ها:

در این آیه ی کوتاه،هم به توحید اشاره شده است، «أَرْسَلْنٰاکَ» هم به نبوّت،«ک»و هم به معاد، «مُبَشِّراً وَ نَذِیراً».

چون در آیه قبل سخن از مخالفت کفّار و مشرکین و پشتیبانی آنان از یکدیگر بود،شاید این آیه برای دلداری پیامبر(صلوات اللّه علیه)باشد که نگران مباش،زیرا وظیفه ای جز بشارت و هشدار نداری.

پیام ها

۱ انبیا ضامن وظیفه ی خود هستند،نه نتیجه. «وَ مٰا أَرْسَلْنٰاکَ إِلاّٰ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً» ۲ در ارشاد و تبلیغ،هشدار و مژده در کنار هم کارساز است. «مُبَشِّراً وَ نَذِیراً» ۳ انبیا حقّ اجبار مردم و سیطره بر آنها را ندارند. «إِلاّٰ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً»

۴ انسان،به هشدار بیشتر نیاز دارد تا بشارت.(کلمه ی «نَذِیراً » صیغه ی مبالغه و نشانه ی تأکید است) «نَذِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۵۷]

اشاره

قُلْ مٰا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلاّٰ مَنْ شٰاءَ أَنْ یَتَّخِذَ إِلیٰ رَبِّهِ سَبِیلاً (۵۷)

بگو:از شما هیچ گونه مزدی در برابر رسالتم درخواست نمی کنم،مگر(این که) کسی بخواهد(با راهنمایی من)به سوی پروردگارش راهی در پیش گیرد.

نکته ها:

قرآن درباره ی پاداش زحمات پیامبر اسلام(صلوات اللّٰه علیه)چند نوع تعبیر دارد که در دعای ندبه،همه ی آیات این موضوع در کنار هم آمده است:

پاداش من بر خداست. «إِنْ أَجْرِیَ إِلاّٰ عَلَی اللّٰهِ» (۱)پاداش من محبّت اهل بیت من است. «إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبیٰ» (۲)پاداش من قرار گرفتن شما در خط خداست. «یَتَّخِذَ إِلیٰ رَبِّهِ سَبِیلاً» (۳)پاداشی که خواستم به نفع خود شماست. «مٰا سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ» (۴)زیرا مودّت رهبران معصوم کلید و رمز قرار گرفتن در خط خدا می باشد و بهره بردن مردم از انتخاب چنین راهی،به سود خود آنان می باشد،پس سود مادّی برای شخص پیامبر در کار نیست.

پیام ها

۱ رهبری موفّق است که بی توقّعی خود را به مردم اعلام کند. «قُلْ مٰا أَسْئَلُکُمْ» ۲ انسان،زمانی به اخلاص می رسد که هیچ گونه پاداش مادّی و عنوانی و زبانی نخواهد. «مٰا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ» ۳ انسان در انتخاب راه و عقیده آزاد است. «مَنْ شٰاءَ أَنْ یَتَّخِذَ» ۴ مزد انبیا این است که مردم خدا را بندگی کنند. «إِلیٰ رَبِّهِ سَبِیلاً»

۱- ۱) .سبأ،۴۷.

۲- ۲) .شوری،۲۳.

۳- ۳) .فرقان،۵۷.

۴- ۴) .سبأ،۴۷.

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۵۸]

اشاره

وَ تَوَكَّلْ عَلَى اَلْحَيِّ اَلَّذِي لاٰ يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبٰادِهِ خَبِيراً (۵۸)

و بر(خدای)زنده ای که هرگز نمی میرد توکّل کن و به ستایش او تسبیح گوی همین بس که او به گناهان بندگانش آگاهی دقیق دارد.

نکته ها:

واژه ی «تَوَكَّلْ » با مشتقّاتش هفتاد بار در قرآن آمده است.توکّل به معنای تکیه کردن بر خدا و وکیل گرفتن او در کارها است.

در آیه ی قبل به پیامبر فرمود:به مردم بگو:من مزدی از شما نمی خواهم،گویا در این آیه می فرماید:رهبران دینی که به مال مردم چشم داشتی ندارند،برای زندگی خود باید تنها به خداوند توکّل نمایند.

توکّل بر خداوند به معنای رها کردن تلاش و کوشش نیست.چنان که مولوی می گوید: گفت پیغمبر به آواز بلند

پیام ها

۱ تکیه ی فانی بر فانی لغو است. «تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لاٰ يَمُوتُ» ۲ تکیه ی ضعیف بر ضعیف لغو است. «تَوَكَّلْ عَلَى ... اَلَّذِي خَلَقَ السَّمٰاوٰاتِ» ۳ تکیه ی جاهل بر جاهل لغو است. «تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي ... خَبِيراً» ۴ انبیا نیز به موعظه و تذکر الهی نیاز دارند. «وَ تَوَكَّلْ» ۵ حیات ابدی مخصوص خداست. «الْحَيِّ الَّذِي لاٰ يَمُوتُ» ۶ خدایی را وکیل بگیر که برای همیشه زنده است و اگر امروز به دشمن مهلت داد تا شاید از کارشکنی و کفر دست بردارد، فردا فرصت و مهلت دارد تا از او انتقام گیرد. «لاٰ يَمُوتُ»

۷ توکّل قلبی باید با تسبیح و حمد عملی همراه باشد. «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ» ۸ خداوند به کارهای جزئی مردم علم دقیق دارد. «بِذُنُوبِ عِبادِهِ» ۹ گناهکاران نیز بندگان خدا هستند. «بِذُنُوبِ عِبادِهِ» ۱۰ ایمان انسان به این که خداوند بر گناهانش آگاه است،بهترین اهرم برای پیدایش تقواست. «بِذُنُوبِ عِبادِهِ» ۱۱ آگاهی خداوند بر گناهان مردم،علاوه بر اینکه تهدیدی برای کفّار است، برای پیامبر نیز تسلّی و دلداری می باشد که نگران نباش،ما از کارشکنی های آنان آگاهیم و به حساب کفّار لجوج می رسیم. «وَ کَفیٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبادِهِ خَبِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۵۹]

اشاره

اَلَّذِی خَلَقَ اَلسَّماواتِ وَ اَلْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما فِی سِتَّةِ أَیّامٍ ثُمَّ اِسْتَویٰ عَلَی اَلْعَرْشِ اَلرَّحْمٰنُ فَسْئَلْ بِهِ خَبِیراً (۵۹)

خدایی که آسمان ها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روزگار آفرید.سپس بر عرش(قدرت)استیلا یافت(و به تدبیر جهان پرداخت).

اوست خدای رحمان،پس از او بخواه که بر همه چیز آگاه است،(یا درباره او از خُبره ای بپرس که می داند).

نکته ها:

درباره آفرینش جهان در شش روز،در قرآن شش مرتبه سخن به میان آمده است.مراد از شش روز،یا شش دوره و مرحله و یا مدّتی برابر شش روز طبیعی می باشد.مولوی می گوید: با تأنّی گشت از عالم جدا کلمه ی«عرش»در فرهنگ اسلام،مرکز فرماندهی و تدبیر آفرینش است و مراد از «اسْتَویٰ عَلَی الْعَرْشِ» همان تسلّط و تدبیر الهی است،به دلیل آیه ی ۳ سوره یونس که می فرماید:

«ثُمَّ اسْتَویٰ عَلَی الْعَرْشِ یُدَبِّرُ الْأَمْرَ»

ص :۲۷۲

رحمت الهی بر همه چیز گسترده است:

۱ نظام تکوین و آفرینش جهان،بر اساس رحمت است. «خَلَقَ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضَ ... اَلرَّحْمٰنُ» ۲ نظام آفرینش انسان،بر اساس رحمت است. «إِلاّٰ مَنْ رَحِمَ رَبُّکَ وَ لِذٰلِکَ خَلَقَهُمْ» (۱)۳ نظام تشریع و قانون گذاری،بر اساس رحمت است. «الرَّحْمٰنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (۲)۴ نظام قیامت و حسابرسی،بر اساس رحمت است. «کَتَبَ عَلیٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ لَیَجْمَعَنَّکُمْ» (۳)

پیام ها

۱ آفرینش هستی،به تدریج صورت گرفته است. «خَلَقَ ... فِی سِتَّهِ أَیّٰامٍ» ۲ خداوند هم جهان را آفرید و هم بر آن سلطه ی کامل دارد. «خَلَقَ ... ثُمَّ اسْتَویٰ» ۳ تدبیر هستی بر اساس رحمت الهی است. «ثُمَّ اسْتَویٰ عَلَی الْعَرْشِ الرَّحْمٰنُ» ۴ از کسی چیزی بخواهید که اهل رحمت باشد. «الرَّحْمٰنُ فَسْئَلْ بِهِ» ۵ سؤال کردن عیب نیست،ندانستن عیب است. «فَسْئَلْ بِهِ خَبِیراً» ۶ مراجعه به کارشناس در معارف الهی لازم است. «فَسْئَلْ بِهِ خَبِیراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۶۰]

اشاره

وَ إِذٰا قِیلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمٰنِ قٰالُوا وَ مَا الرَّحْمٰنُ أَ نَسْجُدُ لِمٰا تَأْمُرُنٰا وَ زٰادَهُمْ نُفُوراً (۶۰)

و چون به آنان گفته شود:(خدای)رحمان را سجده کنید،گویند:رحمان چیست؟ آیا به چیزی که تو فرمانمان می دهی سجده کنیم؟(این دعوت)بر رمیدگی آنان می افزاید.

نکته ها:

در این آیه دو بار کلمه ی «مَا» مطرح شده است که برای جمادات به کار می رود.هدف کفّار از این تعبیر،تحقیر ذات مقدّس الهی بود.لذا به جای«و من الرحمن»گفتند: «مَا الرَّحْمٰنُ» و به جای«لمن تأمرنا»گفتند: «لِمٰا تَأْمُرُنٰا».

۱- (۱) .هود،۱۱۹.

۲- (۲) .الرحمن،۱ تا ۲.

۳- (۳) .انعام،۱۲.

کلمه ی «الرَّحْمٰنُ» رمز رحمت دائمی و بی پایان و از صفات اختصاصی پرودگار است. (۱)

پیام ها

۱ سجده،مظهر یکتاپرستی و روح ادیان توحیدی است. «اسْجُدُوا» (از میان همه ی تکالیف،تنها سخن از سجده به میان آمده است) ۲ در امر به معروف،به دلیل امر خود اشاره کنید. «اسْجُدُوا لِلرَّحْمٰنِ» (دلیل سجده شما،رحمت گسترده ی خداوند است) ۳ کفر و لجاجت باعث می شود دعوت انبیا نه تنها کارساز نباشد،بلکه مایه ی زدگی و نفرت بیشتر کفّار از کلام حقّ شود. «زٰادَهُمْ نُفُوراً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۶۱]

اشاره

تَبٰارَكَ اَلَّذِی جَعَلَ فِی اَلسَّمٰاءِ بُرُوجاً وَ جَعَلَ فِیهٰا سِرٰاجاً وَ قَمَراً مُنِیراً (۶۱)

فرخنده و مبارك است کسی که در آسمان بُرج هایی قرار داد،و در آن، خورشید و ماه تابانی نهاد.

نکته ها:

کلمه ی «تَبٰارَكَ» تنها در قالب ماضی به کار رفته و در این سوره سه بار آمده است.(در آیات یک و ده و همین آیه)و چنان که گفته شد یا از«برک»،به معنای ثابت و پایدار است،یا از «برکه»به معنای خیر زیاد.

به فرموده ی امام باقر(علیه السلام)،مراد از«بروج»در این آیه ستارگانند. (۲)

«سراج»به معنای خورشید است که نورش از خودش می باشد،چنان که می خوانیم: «وَ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرٰاجاً» (۳)و اگر نورش از بیرون باشد به آن«منیر»گفته می شود. (۴)

۱- ۱) .تفسیر أطیب البیان.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

۳- ۳) .نوح،۱۶.

۴- ۴) .تفسیر نمونه.

پیام ها

۱ آفرینشِ ستارگان،خورشید و ماه،جلوه ای از برکات الهی است. «تَبٰارَكَ الَّذِی» ...

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۶۲]

اشاره

وَ هُوَ اَلَّذِی جَعَلَ اَللَّیْلَ وَ اَلنَّهٰارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرٰادَ أَنْ یَذَّكَّرَ أَوْ أَرٰادَ شُكُوراً (۶۲)

و اوست که شب و روز را برای هر کس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید،جانشین یکدیگر قرار داد.

نکته ها:

کلمه ی «خِلْفَةً » به معنای جایگزینی دو چیز به جای یکدیگر است. (۱)

امام صادق(علیه السلام)فرمود:هر چه از نمازهای نافله ی شب از تو فوت شد،می توانی در روز جبران کنی.سپس این آیه را تلاوت فرمود: «وَ هُوَ الَّذِی جَعَلَ» ... (۲)

درس توحید گرفتن از نظام حاکم بر هستی،به اراده ما بستگی دارد.چه بسیارند کسانی که عمر خود را به تحقیق درباره پدیده ای سپری می کنند،ولی چون اراده عبرت گرفتن ندارند، درسی از آن نمی گیرند.این گونه افراد به آئینه فروشی می مانند که همواره در آئینه نگاه می کند،ولی لباس خود را مرتّب نمی کند،در حالی که ممکن است عابری تنها با یک نگاهِ با توجّه،کجی یقه اش را صاف کند.پس تنها نگاه کافی نیست،اراده ی اصلاح نیز لازم است.

با این سخن،پاسخ این پرسش که چرا بعضی دانشمندان علوم طبیعی با آنکه عمری را در کنکاش در طبیعت گذرانده اند،خداشناس نیستند نیز مشخص شد،چون آنان به قصد شناخت خالق اقدامی نکرده اند.همچون نجّاری که نردبان های زیادی ساخته،امّا خودش اراده ی بالا رفتن از آن را نداشته است.

پیام ها

۱ اراده و خواست انسان،زمینه ی رشد اوست. «لِمَنْ أَرٰادَ أَنْ یَذَّكَّرَ» ۲ انسان موجودی دارای اختیار است. «لِمَنْ أَرٰادَ»

۱- ۱) .مفردات راغب.

۲- ۲) .تفسیر کنز الدقائق.

۳ انسان،دارای فطرتی است که با تذکّر بیدار می شود. «یَذَّکَّرَ» (تذکّر در جایی بکار می رود که انسان از درون مطلبی را می دانسته،ولی فراموش کرده است) ۴ هم شناخت،اراده می خواهد و هم عمل و شکر.(«أَرٰادَ » تکرار شده است) ۵ شب و روز،نعمتی شایسته ی شکر و سپاسگزاری است. «أَرٰادَ شُکُوراً» ۶ یاد خدا زمانی ارزش دارد که بر اساس آگاهی و بصیرت باشد. «أَرٰادَ أَنْ یَذَّکَّرَ»

[سوره الفرقان (۲۵): آیات ۶۳ تا ۶۴]

اشاره

وَ عِبٰادُ اَلرَّحْمٰنِ اَلَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی اَلْأَرْضِ هَوْناً وَ إِذٰا خٰاطَبَهُمُ اَلْجٰاهِلُونَ قٰالُوا سَلاٰماً (۶۳) وَ اَلَّذِینَ یَبِیتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّداً وَ قِیٰاماً (۶۴)

و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین بی تکبّر راه می روند،و هر گاه جاهلان آنان را طرف خطاب قرار دهند(و سخنان نابخردانه گویند) با ملایمت(و سلامت نفس)پاسخ دهند.

و آنان برای پروردگارشان،در حال سجده و قیام شب زنده داری می کنند.

نکته ها:

در این آیات،دوازده صفت از صفات ویژه ی «عِبٰادُ الرَّحْمٰنِ» بیان شده که بعضی اعتقادی، بعضی اجتماعی و بعضی اخلاقی است.

شاید مراد از«مشی»و حرکت آرام در زمین،تنها نحوه ی راه رفتن نباشد،بلکه شیوه ی زندگی متعادل را هم شامل شود.

«هون»هم به معنای تواضع و مدارا و نرمخویی است و هم به معنای سکینه و وقار.

امام صادق(علیه السلام)فرمود:مراد از «هَوْناً » زندگی کردن بر اساس فطرت و هماهنگ با روحیه ای است که خداوند آفریده است.یعنی بندگان خدا،خود را به تکلّف و رنج و تعب نمی اندازند. (۱)

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

کلمه ی«سلام»در این جا به معنای سلامِ وداع با یاوه ها و برخورد مسالمت آمیز است.

چنان که درباره ی حضرت ابراهیم(علیه السلام)می خوانیم:همین که عمویش او را طرد کرد و گفت:از من دور شو،ابراهیم گفت: «سَلاٰمٌ عَلَیْکَ سَأَسْتَغْفِرُ لَکَ» (۱)خدا حافظ،به زودی برای تو از پیشگاه خداوند طلب آمرزش خواهم کرد.

«بیتوته»به معنای شب زنده داری است،خواه تمام شب یا نیمی یا بخشی از آن.چنان که یکی از اعمال حج،بیتوته ی زائران و حاجیان در شب یازدهم و شب دوازدهم ذی الحجه در سرزمین منیٰ است و فقها مقدار بیتوته در آن مکان را نیمی از شب دانسته اند.

حضرت علی(علیه السلام)در وصف پارسایان می فرماید:«اما اللیل فصافون اقدامهم»آنان شب ها در حال قیام و شب زنده داری اند،آنان عابدان شب،و شیران روزند. (۲)

پیام ها

۱ بالاترین مدال برای انسان،مدال بندگی خداست. «وَ عِبٰادُ الرَّحْمٰنِ» زیرا انتساب به بی نهایت،انسان را بالا می برد.

۲ رفتار هر کس،نشان دهنده ی شخصیّت اوست. «عِبٰادُ الرَّحْمٰنِ ... یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً» (بندگان خاص خداوند،مظهر تواضع هستند.) ۳ اسلام،دین جامعی است که حتّی برای چگونه راه رفتن برنامه دارد. «یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً» ۴ ایمان و اعتقاد انسان،در رفتار شخصی او مؤثّر است. «عِبٰادُ الرَّحْمٰنِ ... یَمْشُونَ» ۵ تواضع،ثمره ی بندگی و نخستین نشانه ی آن است. «هَوْناً» ۶ سرچشمه ی مدارا و نرمخویی بندگان خدا،ایمان است،نه ترس و ضعف آنان. «عِبٰادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ» ...

۷ وقار و نرمی از بارزترین صفات مؤمن است. «یَمْشُونَ ... هَوْناً» ۸ تواضع نسبت به همه ی مردم لازم است.(نسبت به زن و مرد،کوچک و

۱- ۱) .مریم،۴۶ تا ۴۷.

۲- ۲) .نهج البلاغه،خطبه همام.

بزرگ،دانا و نادان). «يَمْشُونَ ... هَوْناً ... قالُوا سَلاماً» ۹ با جاهلان مقابله به مثل نکنید. «إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً» ۱۰ مُدارا و حلم و حوصله،از صفات بارز مؤمنان است. «قالُوا سَلاماً» ۱۱ تواضع باید هم در عمل باشد، «يَمْشُونَ ... هَوْناً» ،هم در کلام، «قالُوا سَلاماً» و هم در عبادت. «سُجَّداً وَ قِياماً» ۱۲ با افراد نادان و فرومایه مجادله نکنید. «قالُوا سَلاماً» (آنان سخنی در شأن خود می گویند،ولی شما سخنی عالمانه و کریمانه بگویید) ۱۳ بهترین وقت عبادت،شب است و بین شب و نماز و مناجات،رابطه محکمی است. «يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ» (فضای آرام،دوری از ریا،تمرکز فکر،از برکات شب است) ۱۴ شب زنده داری و استمرار و تداوم عبادت،نشانه ی بندگان خاصّ خداوند است.(فعل مضارع «يَبِيتُونَ » نشانه ی استمرار است) ۱۵ آنچه به عبادت ارزش می دهد،اخلاص است. «لِرَبِّهِمْ»

[سوره الفرقان (۲۵): آيات ۶۵ تا ۶۶]

اشاره

وَ اَلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اِصْرِفْ عَنّا عَذابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذابَها كانَ غَراماً (۶۵) إِنَّها ساءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً (۶۶)

آنان که می گویند:پروردگارا! عذاب جهنّم را از ما بازگردان که عذاب آن دامنگیر است.

به درستی که دوزخ،جایگاه و منزلگاه بدی است.

نکته ها:

کلمه ی«غرام»در اصل به معنای مصیبتی است که انسان در برابر آن راه فرار ندارد و نوعی التزام و تعهّد بر دوش او قرار می دهد که در زبان فارسی به آن تاوان می گویند. (۱)

فکر نجات از آتش هم باید از طریق عبادت باشد و هم از طریق دیگر اعمال نیک.

ص: ۲۷۸

۱- ۱) .التحقيق فى كلمات القرآن.

حضرت علی(علیه السلام)آن گاه که اموالی را در راه خدا وقف می کردند،در وقفنامه ی خود می نوشتند:این اموال را وقف کردم،تا بدین وسیله از آتش دوزخ در امان باشم و آتش دوزخ نیز از من دور باشد. (۱)

پیام ها

۱ اگر شب زنده دار هم هستید،مغرور نشوید. «وَ الَّذِینَ یَقُولُونَ» ...

۲ یاد معاد از ویژگی های بندگان خاصّ خداست. «رَبَّنَا اصْرِفْ عَنّا عَذابَ جَهَنَّمَ» ۳ بندگان خاصّ خداوند،بیش از آنکه طمع بهشت داشته باشند،از آتش دوزخ خوف دارند. «یَبِیتُونَ ... یَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنّا عَذابَ جَهَنَّمَ»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۶۷]

اشاره

وَ اَلَّذِینَ إِذا أَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کانَ بَیْنَ ذٰلِکَ قَواماً (۶۷)

آنان که هر گاه انفاق کنند،نه از حد گذرند و نه تنگ گیرند و میان این دو روش اعتدال دارند.

نکته ها:

کلمه ی«قوام»به معنای حد وسط و کلمه ی«قِوام»به معنای وسیله ی قیام است.

امام رضا(علیه السلام)مقدار هزینه و انفاق معتدل را همان مقدار معروفی دانستند که در سوره بقره آمده: «عَلَی الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَ عَلَی الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتاعاً بِالْمَعْرُوفِ» (۲)یعنی توانگر در شأن توانمندی خود و تهیدست در حدّ توان خود مطابق عُرف پسندیده و شأن خود بدهد. (۳)

امام صادق(علیه السلام)فرمود:بخشش در راه باطل،اسراف است(گرچه کم باشد)و بخل در راه حقّ،اقتار است. (۴)

در جای دیگر از قرآن کریم نیز می خوانیم: «لاٰ تَجْعَلْ یَدَکَ مَغْلُولَةً إِلیٰ عُنُقِکَ وَ لاٰ تَبْسُطْهٰا کُلَّ الْبَسْطِ» (۵)نه دستت را به گردنت غل و زنجیر کن و بخیل باش و نه کاملاً آن را باز بگذار و

۱- ۱) .صافی،ج ۲،ص ۱۰۴.

۲- ۲) .بقره،۲۳۶.

۳- ۳) .کافی،ج ۴،ص ۵۶.

۴- ۴) .تفسیر نمونه.

۵- ۵) .اسراء،۲۹.

ولخرجی و اسراف کن.

امام صادق(علیه السلام)مقداری سنگریزه از زمین برداشت و مشت خود را بست و فرمود:

این اقتار(سختگیری و بخل ورزیدن)است،سپس مشت دیگری برداشت و دست خود را چنان گشود که همه ی سنگریزه ها به زمین ریخت،آن گاه فرمود:این اسراف است.بار سوّم مشت دیگری برداشت و دست خود را کمی باز کرد به طوری که مقداری از سنگریزه ها ریخت و مقداری در دستش باقی ماند،سپس فرمود:این،قَوام و اعتدال و حد وسط است. (۱)

پیام ها

۱ انفاق برای عباد الرحمن،یک وظیفه و مسأله ی قطعی است. «إِذٰا أَنْفَقُوا» ...(در ادبیات عرب «إِذٰا » نشان عملی شدن و«لو»نشان عملی نشدن است.) ۲ نماز شب و ترس از جهنّم و خوف الهی،باید در کنار رسیدگی به محرومان جامعه باشد. «یَبِیتُونَ لِرَبِّهِمْ أَنْفَقُوا» ۳ انسان مالک است،ولی در خرج کردن محدودیّت دارد. «لَمْ یُسْرِفُوا» ۴ اسراف جایز نیست،حتّی در انفاق. «إِذٰا أَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا» ۵ بندگان خاصّ خداوند،از بخل بدورند. «لَمْ یَقْتُرُوا» ۶ امّت میانه و وسط،باید برنامه های معتدل داشته باشد. «وَ کٰانَ بَیْنَ ذٰلِکَ قَوٰاماً» ۷ میانه روی در عبادت و انفاق،ارزش است. «قَوٰاماً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۶۸]

اشاره

وَ اَلَّذِینَ لاٰ یَدْعُونَ مَعَ اَللّٰهِ إِلٰهاً آخَرَ وَ لاٰ یَقْتُلُونَ اَلنَّفْسَ اَلَّتِی حَرَّمَ اَللّٰهُ إِلاّٰ بِالْحَقِّ وَ لاٰ یَزْنُونَ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذٰلِکَ یَلْقَ أَثٰاماً (۶۸)

و(بندگان خاص خدا)کسانی هستند که با خداوند،خدای دیگری را نمی خوانند و انسانی که خداوند(خونش را)حرام کرده است،جز به حقّ نمی کشند،و زنا نمی کنند،و هر کس چنین کند عقوبت گناهش را خواهد دید.

۱- ۱) .تفسیر کنز الدقائق.

نکته ها:

«اثم»گناه و«اثام»کیفر گناه است.

در این آیات در کنار کارهای مثبتِ بندگان ویژه ی خدا،کارهای منفی که از آن دوری می کنند نیز ذکر شده است.

در این آیه شرک،قتل و زنا مطرح شده است که در روایات از بزرگ ترین گناهان شمرده شده اند. (۱)

قتل نفس،از گناهان کبیره است،ولی جمله ی «إِلاّ بِالْحَقِّ» می گوید:قتل،در مواردی لازم و حقّ است از جمله:۱ قصاص قاتل.۲ زنای با محارم.۳ زنای کافر با زن مسلمان.

۴ زناکاری که زن را مجبور کند.۵ زنای کسی که همسر دارد.۶ مدعی نبوّت.۷ سَبّ و توهین و دشنام به پیامبر(صلوات اللّه علیه)و ائمه اطهار(علیهم السلام).۸ مسلمان ساحر.۹ مُفسد و محارب.۱۰ مرتد.۱۱ کسی که بر امام عادل زمان خروج کند.۱۲- مشرکِ محارب. (۲)

پیام ها

۱ خطرناک ترین غریزه ای که انسان را به گناه وادار می کند،غریزه غضب و شهوت است و مؤمن باید بر غرائز خود مسلط باشد. «لا یَقْتُلُونَ لا یَزْنُونَ» ۲ خداوند در برخی از موارد به قتل و کشته شدن بعضی از انسان ها راضی است.

«إِلاّ بِالْحَقِّ»

ولی به هیچ عنوان و در هیچ شرایطی رضایت نمی دهد که فردی به شرک و زنا آلوده شود. «لا یَزْنُونَ» ۳ دستور قرآن در زمینه ی دوری از شرک،زنا و قتل،تنها یک موعظه نیست، قانونی است که تخلّف از آن کیفری شدید دارد. «وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ یَلْقَ أَثاماً» ۴ کیفرهای الهی استثنابردار نیست،هر کس تخلّف کند کیفر می شود. «وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ یَلْقَ أَثاماً»

۱- ۱) .تفسیر کنز الدقائق و نمونه.

۲- ۲) .سیمای عباد الرحمن در قرآن،کریمی جهرمی.

[سوره الفرقان (۲۵): آیات ۶۹ تا ۷۰]

اشاره

یُضاعَفْ لَهُ اَلْعَذابُ یَوْمَ اَلْقِیامَهِ وَ یَخْلُدْ فِیهِ مُهاناً (۶۹) إِلاّ مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلاً صالِحاً فَأُوْلئِکَ یُبَدِّلُ اَللّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ وَ کانَ اَللّهُ غَفُوراً رَحِیماً (۷۰)

در روز قیامت عذاب او دوچندان می شود و همیشه به خواری در آن خواهد ماند.

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند.پس اینان(کسانی هستند که)خداوند بدی هایشان را به نیکی تبدیل می کند،و خداوند آمرزنده و مهربان است.

نکته ها:

چند برابر شدن عذاب مجرمین که در جمله ی «یُضاعَفْ » آمده است،با عدل الهی مخالفتی ندارد،زیرا عذاب مضاعف در شرایطی است که گناه،آثار شوم و چند برابر داشته باشد.مثلاً زناکار هم گناه می کند و هم دیگری را به گناه وادار می سازد و هم چه بسا از این گناه،فرزند حرامزاده ای به دنیا می آورد که گرایش های منفی دارد.در قتل نفس نیز قاتل،فردی را می کشد،ولی افرادی را داغدار،بی سرپرست و یتیم و جامعه را ناامن می کند.هر یک از این عناوین به تنهایی قابل کیفر است،همان گونه که اگر کسی سنّت بدی را در جامعه بنا نهد در طول تاریخ هر کس به آن سنّت عمل کند،برای مؤسّس آن نیز گناهی ثبت می شود.

از آنجا که به اتّفاق همه ی علما و مفسّران،زنا به تنهایی سبب جاودانگی در دوزخ نمی شود، بنا بر این مسئله ی خلود و جاودانگی در دوزخ تنها برای مشرکانی است که زناکار باشند.آری، عقیده ی حقّ و باطل و جهان بینی کفر و شرک،در کیفرها تأثیرگذار است.

امام رضا(علیه السلام)فرمود:به پیامبر(صلوات اللّه علیه)گفته شد:فلانی انسان بدبختی است،زیرا بسیاری از گناهان را مرتکب شده است.پیامبر فرمود:هرگز چنین نیست که شما می گویید،بلکه او نجات یافت و به حسن عاقبت رسید و گناهانش از بین رفت و به حسنات تبدیل شد.زیرا او روزی از راهی می گذشت،مؤمنی را دید که عورتش پیدا بود و خود متوجّه نبود.(گویا خواب بوده است)این شخص بدن او را پوشاند و برای آن که خجالت نکشد او را با خبر نکرد،

وقتی آن مؤمن متوجّه شد،در حقّ او چنین دعا کرد:خداوند به تو پاداش بسیار عطا کند، آخرت تو را با خیر همراه سازد و در حساب با تو مناقشه و سختگیری نکند.خداوند دعای آن مؤمن را در حقّ آن شخص،مستجاب فرمود و او خوش عاقبت شد.

وقتی که این مژده ی پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)به آن گناهکار رسید او از همه ی گناهانش توبه کرد و اهل طاعت خدا شد.پس از یک هفته که گروهی از دشمنان اسلام به مدینه حمله کردند،پیامبر(صلوات اللّه علیه)دستور دفاع داد،آن مرد نیز همراه با مسلمانان دیگر برای دفاع آماده شد و در درگیری با دشمنان به شهادت رسید و عاقبتش به خیر و سعادت ختم گردید. (۱)

عواملی وجود دارد که کیفر را چند برابر می کند.برخی از آن عوامل به این شرح است:

۱ گاهی داشتن شخصیّت اجتماعی،کیفر مجرم را دو برابر می کند.خداوند به زنان پیامبر (صلوات اللّه علیه)می فرماید: «مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفاحِشَهٍ مُبَیِّنَهٍ یُضاعَفْ لَهَا الْعَذابُ» (۲)هر کس از شما همسران پیامبر کار زشت انجام دهید،دو برابر کیفر دارید.

۲ گاهی زمان،گناه را دو برابر می کند.مثل گناه در روز جمعه،چنان که در روایات آمده است که کار خیر و یا شر در روز جمعه دو برابر سنجیده می شود. (۳)

۳ گاهی گناهِ کلیدی است،یعنی علاوه بر انحراف شخص،دیگران را نیز منحرف می کند.

«الَّذِینَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبِیلِ اللّهِ وَ یَبْغُونَها عِوَجاً ... یُضاعَفُ لَهُمُ الْعَذابُ» (۴)

پیام ها

۱ کیفرهای قیامت،هم کمّی است، «یَخْلُدْ» و هم کیفی. «مُهاناً» ۲ اسلام،بن بست ندارد.گنهکار نیز راه بازگشت دارد. «إِلاّ مَنْ تابَ» ۳ در هنگام ارتکاب گناه،ایمان از کف می رود،و هنگام توبه باز می گردد. «إِلاّ مَنْ تابَ وَ آمَنَ» ۴ توبه،یک انقلاب همه جانبه است،نه یک حرکت سطحی و لفظی،عمل صالح

۱- ۱) .بحار،ج ۵،ص ۱۵۵.

۲- ۲) .احزاب،۳۰.

۳- ۳) .بحار،ج ۸۹،ص ۲۸۳.

۴- ۴) .هود،۱۹ تا ۲۰.

نشانه ی توبه واقعی است. «تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ» ۵ توبه و ایمان واقعی،کارهای انسان را تغییر می دهد و رفتار ناپسند او را اصلاح می کند. «وَ عَمِلَ عَمَلاً صالِحاً» ۶ همان گونه که خداوند در آفرینش هستی از خاک و کود،گُل می سازد،سیّئات انسان ها را به حسنات تبدیل می کند. «یُبَدِّلُ اللّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۷۱]

اشاره

وَ مَنْ تابَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَإِنَّهُ یَتُوبُ إِلَی اَللّهِ مَتاباً (۷۱)

و هر کس توبه کند و کار شایسته انجام دهد،در حقیقت به سوی خدا بازگشتی پسندیده دارد(و پاداش خود را از او می گیرد).

پیام ها

۱ توبه ی واقعی آن است که با عمل صالح همراه باشد. «تابَ وَ عَمِلَ صالِحاً» ۲ توبه کننده،مهمان خداست. «یَتُوبُ إِلَی اللّهِ»

[سوره الفرقان (۲۵): آیه ۷۲]

اشاره

وَ اَلَّذِینَ لا یَشْهَدُونَ اَلزُّورَ وَ إِذا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا کِراماً (۷۲)

و(بندگان خدا)کسانی هستند که در مجلس(گفتار و کردار)باطل حاضر نمی شوند و چون بر لغوی عبور کنند کریمانه بگذرند.

نکته ها:

کلمه«شهد»دو معنا دارد؛یکی حضور یافتن است و دیگری خبر و گواهی دادن.در این آیه هر دو معنا را می توان استفاده کرد.یعنی آنان نه در مجالس بد حاضر می شوند و نه بر باطل گواهی می دهند.کلمه ی«زور»به معنای کار باطلی است که در قالب حقّ باشد و در تفاسیر به معنای گواهی باطل،دروغ و غنا آمده است.

در روایتی از امام صادق(علیه السلام)مراد از«زور»در «لا یَشْهَدُونَ الزُّورَ » غنا شمرده شده است. (۱)

ص: ۲۸۴

۱- ۱) .کافی،ج ۶،ص ۴۳۳.

در تفسیر«مجمع البیان»می خوانیم:مرور با کرامت،آن است که هر گاه ناچار شدند نام چیز زشتی را ببرند،با کنایه نام می برند.چنان که در روایتی از امام باقر(علیه السلام)می خوانیم:

آنان هر گاه خواستند نام عورت را ببرند،با کنایه از آن نام می برند.البتّه این،یکی از مصادیق رفتار کریمانه است.

امام صادق(علیه السلام)فرمود:خداوند بر گوش واجب نمود که از شنیدن هر چه حرام است دوری نماید،سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «وَ إِذٰا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِراماً» (۱)

پیام ها

۱ نه تنها انجام گناه حرام است،بلکه شرکت در جلسه ی گناه و شاهد بودن بر گناه نیز ممنوع است. «لاٰ يَشْهَدُونَ الزُّورَ» ۲ هر نوع آگاهی و اطلاع و حضور در صحنه ای،ارزش نیست. «لاٰ يَشْهَدُونَ الزُّورَ» (گاهی انزوا و گوشه گیری از اجتماع،ارزش است) ۳ حاضر نشدن در مجلس گناه و بی اعتنایی به گناهکاران،نوعی نهی از منکر است. «لاٰ يَشْهَدُونَ ... مَرُّوا كِراماً» ۴ شرکت در مجالس فاسد،حتّی در بندگان واقعی خدا اثر می کند. «لاٰ يَشْهَدُونَ» ۵ هر گونه لغو در کلام،عمل و آرزو ممنوع است. «مَرُّوا بِاللَّغْوِ» (بندگان خدا، هدف معقول و مفیدی دارند و عمر خود را صرف امور بیهوده نمی کنند) ۶ در شیوه ی نهی از منکر،همه جا خشونت لازم نیست. «لاٰ يَشْهَدُونَ ... مَرُّوا» ۷ نگذاریم فکر بد در روح ما مستقر شود. «مَرُّوا كِراماً»

[سوره الفرقان (۲۵): آیات ۷۳ تا ۷۴]

اشاره

وَ اَلَّذِينَ إِذٰا ذُكِّرُوا بِآيٰاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهٰا صُمًّا وَ عُمْيٰاناً (۷۳) وَ اَلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنٰا هَبْ لَنٰا مِنْ أَزْوٰاجِنٰا وَ ذُرِّيّٰاتِنٰا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اِجْعَلْنٰا لِلْمُتَّقِينَ إِمٰاماً (۷۴)

و آنان کسانی هستند که چون به آیات پروردگارشان تذکّر داده شوند،کر و کور (چشم و گوش بسته)به سجده نمی افتند(بلکه عمل آنان آگاهانه است).

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

و کسانی انـد که می گوینـد:پروردگارا! به ما از ناحیه ی همسـران و فرزنـدانمان مایه ی روشـنی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده.

نکته ها:

ایمـان بایـد بر اساس آگاهی و بصـیرت باشـد.در قرآن می خوانیم: «وَ یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلًا» (۱)یعنی مؤمنان خردمند،ابتدا در آفرینش آسـمان ها و زمین فکر می کنند،سپس اقرار می نمایند که پروردگارا! تو اینها را بیهوده نیافریدی.در این آیه نیز می فرماید:مؤمنان،چشم و گوش بسته عبادت نمی کنند.

پیام ها

۱ تعبّد و بصـیرت،از اوصاف عباد الرّحمن است. «إِذا ذُکِّرُوا لَمْ یَخِرُّوا عَلَیْها صُمًّا وَ عُمْیاناً» بندگان رحمن،آگاهانه به سراغ دین می روند.

۲ انسـان در برابر همسـر و فرزنـد و نسـل خود متعهّـد است و بایـد برای عاقبت نیکوی آنها تلاش و دعا کنـد. «رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا» ...

۳ در تربیت علاوه بر علم و تلاش باید از خدا نیز کمک خواست. «رَبَّنا هَبْ لَنا» ...

۴ فرزند صالح،نور چشم است. «قُرَّهَ أَعْیُنٍ» ۵ تشکیل خانواده و داشتن همسر و فرزند و دعا برای بدست آوردن آنها،مورد توجّه اسلام است. «رَبَّنا هَبْ لَنا» ...

۶ در دسـت گرفتن مـدیریّت جـامعه،آرزوی عبـاد الرحمن است،زیرا عهـده دار شـدن امـامت و رهـبری متّقین،ارزش است. «وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» ۷ در دعا به حد اقل اکتفاء نکنید،بلند همّت باشید. «وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقِینَ إِماماً» (خدایا ما

۱- ۱) .آل عمران،۱۹۱.

را در رسیدن به کمال،رهبر متّقین قرار ده،نه آنکه تنها از متّقین باشیم) ۸ بندگان خدا،وحدت هدف و وحدت کلمه دارند. «إِماماً» و نفرمود:«ائمه».

(ممکن است کلمه«امام»به جای«ائمه»،رمز آن باشد که در جامعه اسلامی رهبر باید یک نفر باشد)

[سوره الفرقان (۲۵): آيات ۷۵ تا ۷۶]

اشاره

أُوْلٰئِکَ یُجْزَوْنَ اَلْغُرْفَهَ بِمٰا صَبَرُوا وَ یُلَقَّوْنَ فِیهٰا تَحِیَّهً وَ سَلاٰماً (۷۵) خٰالِدِینَ فِیهٰا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقٰاماً (۷۶)

آنان(بندگان رحمن)به خاطر آن که صبر کردند،غرفه های بهشتی داده می شوند و در آن جا با تحیّت و سلام گرم روبرو خواهند شد.

در آن جا،جاودانه هستند.چه نیکو جایگاه و منزلگاهی است.

نکته ها:

«غرفه»به اتاقی گویند که از کف زمین بالاتر باشد و چشم انداز داشته باشد.

پیام ها

۱ بهشت را به بها دهند،نه بهانه. «یُجْزَوْنَ ... بِمٰا صَبَرُوا» ۲ بنده ی خدا شدن،به صبر و پشتکار نیاز دارد. «بِمٰا صَبَرُوا»

[سوره الفرقان (۲۵): آيه ۷۷]

اشاره

قُلْ مٰا یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لاٰ دُعٰاؤُکُمْ فَقَدْ کَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ یَکُونُ لِزٰاماً (۷۷)

بگو:اگر دعای شما نباشد،پروردگار من برای شما وزن و ارزشی قائل نیست(زیرا سابقه ی خوبی ندارید).شما حقّ را تکذیب کرده اید و به زودی کیفر تکذیبتان دامن شما را خواهد گرفت.

نکته ها:

کلمه ی«عبأ»به معنای وزن و سنگینی است و جمله ی «مٰا یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی » یعنی خداوند برای شما وزن و ارزشی قائل نیست،مگر در سایه دعا و عبادت شما.

کلمه ی «دُعٰاؤُکُمْ » دو نوع معنا شده است:

الف:دعـا کردن شـما به درگـاه خداونـد،که همین نـاله ها و تضـرّع ها و دعاها سبب عنایت خداونـد به شـماست.چنان که در حـدیث می خوانیم:کسـی که اهل دعا باشد،هلاک نمی شود. (۱)بعد خداوند از گروه مقابل که اهل دعا نیسـتند شـکایت می کند که شـما حقّ را تکذیب کردند و به جای نیایش به سـراغ بت ها و هوسـها و طاغوت ها رفتید و حقّ را تکذیب نمودید که کیفرتان را خواهید دید.

ب:دعـوت خداونـد از مردم،زیرا سـنّت الهی دعوت از مردم برای پـذیرفتن حقّ و اتمـام حجّت بر آنـان است و اگر این دعوت نباشـد؛ «لَوْ لاٰ دُعٰاؤُکُمْ » مردم ارزشـی ندارنـد.آنچه آنان را موجود برتر و ارزشـمند می کنـد،همان پذیرش دعوت خداوند می باشد،ولی شما دعوت الهی را نپذیرفتید و تکذیب نمودید،پس امید خیری در شما نیست و به کیفر عملتان می رسید.

خداونـد در یـک جـا می فرمایـد: «وَ مٰا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاّٰ لِیَعْبُدُونِ» (۲)بشـر را برای عبـادت آفریـدم و در ایـن آیه می فرمایـد:اگر دعای انسان نبود،او ارزشـی نـداشت،بنا بر این دعا روح و مغز عبادت است.چنان که در روایت می خوانیم:«الـدعاء مخ العباده» (۳)

پیام ها

۱ تکـذیب دین،باعث سـقوط ارزش انسان است. «قُلْ مٰا یَعْبَؤُا بِکُمْ ... فَقَدْ کَذَّبْتُمْ» ۲ دعا وسـیله ی تحصـیل ارزش هاست. «مٰا یَعْبَؤُا بِکُمْ ... لَوْ لاٰ دُعٰاؤُکُمْ» ۳ انسـان منهـای هـدایت و عبادت ناچیز است. «مٰا یَعْبَؤُا بِکُمْ ... لَوْ لاٰ دُعٰاؤُکُمْ» ۴ دعوت به حقّ،از شئون ربوبیّت خداونـد است. «رَبِّی لَوْ لاٰ دُعٰاؤُکُمْ» ۵ محور هستی معنویـات است. «مٰا یَعْبَؤُا بِکُمْ ... لَوْ لاٰ دُعٰاؤُکُمْ» زیرا هستی برای انسان آفریده شده است و انسان برای پذیرش حقّ و عبادت خداوند.

۶ انسانِ منهای هدایت و عبادت،در حقیقت انبیا و دستورات آنان را تکذیب نموده است. «لَوْ لاٰ دُعٰاؤُکُمْ فَقَدْ کَذَّبْتُمْ»

۱- ۱) .کافی،ج ۴،ص ۲۲۸.

۲- ۲) .ذاریات،۵۶.

۳- ۳) .غرر الحکم.

[تفسیر سوره شعراء]

سیمای سوره ی شُعراء

این سوره دویست و بیست و هفت آیه دارد که در مکّه نازل شـده و بعـد از سوره ی بقره،دارای بیشترین آیات است.این سوره به خاطر سـتایش از شاعران مؤمن و مـذمّتِ شاعران بیهوده گوی،که در چهار آیه ی آخر آن آمـده،«شـعراء» نامیـده شده و نام دیگر آن«طسم»است.

سر گذشت پیامبرانی همچون حضـرت موسـی،ابراهیم،نوح،لوط،صالح، هود و شـعیب(علیهم السلام)،و برخوردهای لجوجانه ی مردم با آنان در این سوره آمده است و در پایان هر داسـتان می فرماید: «إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَةً وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» لـذا این آیه هشت بار تکرار شـده تا مایه ی دلـداری پیامبر اسـلام باشـد و به او بگوید از لجاجت مردم مکّه دلهره نداشته باش،زیرا همه ی انبیا گرفتار چنین مردمی بوده اند.

آری تاریخ،بهترین وسـیله برای تقویت روحیّه مؤمنین،بالا رفتن بصـیرت و سـعه ی صدر و آینده نگری در برابر تهدید دشمنان است.لذا رهبران جامعه باید از تاریخ جامعه آگاه باشند.

ص :۲۹۱

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱ تا ۳]

اشاره

بِسْمِ اَللّهِ اَلرَّحْمنِ اَلرَّحِيمِlt;br/gtطسم (۱) تِلْكَ آياتُ اَلْكِتابِ اَلْمُبِينِ (۲) لَعَلَّكَ باخِعٌ نَفْسَكَ أَلاّ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (۳)

طا،سین،میم.

این است آیات کتاب روشنگر.

گویی می خواهی به خاطر آن که مشرکان ایمان نمی آورند،جان خود را از دست بدهی.

نکته ها:

درباره ی معنای حروف مقطّعه،سخنان بسیاری گفته شده است و شاید بهترین آنها این باشد که خداوند با آوردن این حروف در ابتدای برخی سوره های قرآن(۲۹ سوره)،می خواهد این مطلب را بیان کند که قرآن،معجزه ی جاوید من از همین حروف است،شما هم اگر می توانید از همین حروف الفبای عربی،کتابی همسنگ آن بیاورید.آیه ی اوّل سوره ی شوری که بعد از حروف مقطّعه می فرماید: «كَذلِكَ يُوحِي» ،این قول را تأیید می کند.

کلمه ی «باخِعٌ » به معنای هلاک کننده است.

پیام ها

۱ یک مکتب جامع باید دارای منطقی قوی،قاطع،مکتوب و روشمند باشد،به گونه ای که همگان به آن دسترسی داشته باشند. «تِلْكَ آياتُ الْكِتابِ الْمُبِينِ» ۲ قرآن،مقامی بس بلند دارد. «تِلْكَ» («تِلْكَ » اشاره به دور است که مقام بسیار بلند را می رساند)

۳ هر جا به بن بست رسیدید،قرآن روشنگر شماست. «الْكِتابِ الْمُبِينِ» ۴ تکرار،یکی از اصول تربیت است.(آیه ی «تِلْكَ آیاتُ الْكِتابِ الْمُبِینِ » در ابتدای سوره های یوسف،قصص و شعراء،بدنبال حروف مقطّعه تکرار شده است).

۵ تلاش و سوز،در همه جا کارساز نیست. «لَعَلَّكَ باخِعٌ» ...

۶ دلداری افراد غمگین،کاری است الهی. «تِلْكَ آیاتُ ... لَعَلَّكَ باخِعٌ» ۷ انبیا برای انجام تکلیف خود،بیش از حدّ انتظار تلاش می کردند. «لَعَلَّكَ باخِعٌ» ۸ یکی از صفات بارز انبیا،سوز است. «باخِعٌ نَفْسَكَ» (سوز،نشانه ی عشق به مکتب و امّت است).

۹ اگر زمینه ی تأثیر نباشد،از بهترین کتاب و مربّی نیز نتیجه و اثری به دست نمی آید. «أَلاّ یَكُونُوا مُؤْمِنِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیه ۴]

اشاره

إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ اَلسَّماءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِينَ (۴)

اگر بخواهیم،معجزه ای از آسمان بر آنان فرود آوریم،تا در برابر آن، گردن هایشان خاضع گردد(وبا اکراه و اجبار مؤمن شوند،امّا سنّت الهی چنین نیست).

پیام ها

۱ سنّت و قانون خداوند،اختیار و مهلت دادن به مردم است. «إِنْ نَشَأْ» ۲ توجّه به قدرت الهی،بهترین وسیله آرامش روح است. «لَعَلَّكَ باخِعٌ ... إِنْ نَشَأْ» ۳ ایمان باید اختیاری و انتخابی باشد نه اجباری. «فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۵ تا ۶]

اشاره

وَ ما يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ اَلرَّحْمٰنِ مُحْدَثٍ إِلاّ كانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ (۵) فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبٰؤُا ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ (۶)

هیچ تذکّر تازه ای از(طرف)خداوند مهربان برایشان نیامد،مگر آن که از آن روی گردان بودند.

ص: ۲۹۳

پس آنان تکذیب کردند،و به زودی اخبار(کیفر)آنچه را که به مسخره می گرفتند به آنان خواهد رسید.

نکته ها:

در این آیات برای کفّار سه خصلت بیان شده است:اعراض،تکذیب،استهزا.آری انسان به تدریج و گام به گام به سقوط کشیده می شود،ابتدا به حقّ بی اعتنایی و اعراض می کند، سپس آن را تکذیب و آن گاه حقّ را مسخره می کند.ولی بدترین حالت و صفت انسان، مسخره کردن حقّ است،لذا در این آیه می فرماید:در آینده،خبرهای مسخره کردن آنان به آنها خواهد رسید.و نمی فرماید:کیفر اعراض و تکذیب به آنان خواهد رسید.

پیام ها

۱ قرآن به تدریج نازل شده است. «مٰا یَأْتِیهِمْ مِنْ ذِکْرٍ ... مُحْدَثٍ» ۲ تذکّرهای قرآن،یکی از الطاف دائمی خداوند است. «ذِکْرٍ مِنَ الرَّحْمٰنِ» ۳ هیچ تذکّری در افراد سنگدل،کارساز نیست. «مِنْ ذِکْرٍ» ۴ خداوند با تذکّر،تکرار و نوآوری،با کفّار اتمام حجّت می کند. «ذِکْرٍ ... مُحْدَثٍ» ۵ انسان نباید به سنّت های کهن خود آن گونه دلبستگی داشته باشد که هر حرف تازه ای را بشنود با آنکه حقّ است،باور نکند. «ذِکْرٍ ... مُحْدَثٍ ... عَنْهُ مُعْرِضِینَ» ۶ دین،عامل هوشیاری است،نه تخدیر. «مِنْ ذِکْرٍ» ۷ گروهی از مردم به جای پذیرش حقّ،از قبل راه لجاجت را انتخاب کرده اند.

(اعراض و دوری از حقّ،شیوه دائمی گروهی از مردم است). «کٰانُوا» ۸ اعراضی که برخاسته از استکبار و تکذیب باشد،خطرناک است. «مُعْرِضِینَ کَذَّبُوا» ۹ بی اعتنایی به خطرها و کیفرهای آینده رمز قهر الهی است. «أَنْبٰؤُا مٰا کٰانُوا» ۱۰ آنان که حقّ و پیروان آن را مسخره می کنند،کارشان بی پاسخ نخواهد ماند.

«مٰا کٰانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ»

(یا در دنیا،یا در هنگام مرگ،یا در برزخ،یا در رجعت و

ص: ۲۹۴

یا در قیامت پاسخ کارهای زشت خود را خواهند دید.)

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۷ تا ۹]

اشاره

أَ وَ لَمْ یَرَوْا إِلَی اَلْأَرْضِ کَمْ أَنْبَتْنٰا فِیهٰا مِنْ کُلِّ زَوْجٍ کَرِیمٍ (۷) إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَهً وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ (۸) وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ اَلْعَزِیزُ اَلرَّحِیمُ (۹)

آیا به زمین نگاه نکردند که از هر نوع(روییدنی)نیکو چقدر رویاندیم؟

قطعاً در این(آفرینش نیکو)عبرت و نشانه ای است،ولی بیشترشان ایمان آورنده نیستند.

و به راستی پروردگار تو همان نفوذ ناپذیر مهربان است.

نکته ها:

در اواسط قرن هجده میلادی،«لِینه»گیاه شناس معروف سوئدی برای اوّلین بار به کشف مسأله ی زوجیّت در بعضی گیاهان موفّق شد.او گفت:نر و مادگی در گیاهان نیز هست و برای بارور شدن گیاهان،لقاح لازم است.قرآن کریم قانون زوجیّت را شامل گیاهان و غیر گیاهان می داند. (۱)

پیام ها

۱ مطالعه درباره ی موجودات هستی و زیبایی های آن،بهترین راه خداشناسی است. «أَ وَ لَمْ یَرَوْا» ۲ قرآن کسانی را که با دید عمیق به جهان نگاه نمی کنند،توبیخ می کند. «أَ وَ لَمْ یَرَوْا إِلَی الْأَرْضِ» ۳ یکی از نشانه های قدرت خداوند،زوج بودن گیاهان است. «أَنْبَتْنٰا ... زَوْجٍ کَرِیمٍ» ۴ در همه ی گیاهان فوایدی هست،گرچه ممکن است فایده ی بعضی برای ما کشف نشده باشد. (۲)«مِنْ کُلِّ زَوْجٍ کَرِیمٍ»

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

۲- ۲) .تفسیر کبیر فخر رازی.

۵ اگر قابلیّت و زمینه ی پذیرش حقّ در کسی نباشد،از همه ی هستی نیز درس نمی گیرد. «أَ وَ لَمْ یَرَوْا... مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ» ۶ همه جا اکثریّت،نشانه ی حقّانیّت نیست. «مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ» ۷ پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)تحت عنایت خاصّ خداوند است. «إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» ۸ رحم خداوند بر اساس عجز نیست،او در حالی که شکست ناپذیر است مهربان است و به مخالفان مهلت می دهد تا شاید برگردند و توبه نمایند.

«الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۰ تا ۱۲]

اشاره

وَ إِذْ نٰادیٰ رَبُّکَ مُوسیٰ أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظّٰالِمِینَ (۱۰) قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَ لاٰ یَتَّقُونَ (۱۱) قٰالَ رَبِّ إِنِّی أَخٰافُ أَنْ یُکَذِّبُونِ (۱۲)

و(یادکن)زمانی که پروردگارت موسی را ندا داد که به سوی قوم ستمکار برو.

قوم فرعون؛آیا پروا نمی کنند؟!

(موسی)گفت:پروردگارا! می ترسم مرا تکذیب کنند.

نکته ها:

در این سوره،هفت بار این جمله تکرار شده است: «أَ لاٰ تَتَّقُونَ» ، «أَ لاٰ یَتَّقُونَ» آری،اگر تقوا نباشد،سخن پیامبران مؤثّر نیست.

پیام ها

۱ تاریخ انبیا نباید فراموش شود.(«إِذْ » یعنی یاد کن آن زمان را) ۲ هم هدف و سیره انبیا بهم شباهت دارد وهم برخوردهای مخالفان انبیا یکسان است.بنا بر این آشنایی با تاریخ آنان می تواند راهگشای پیامبر اسلام باشد.

«وَ إِذْ نٰادیٰ رَبُّکَ»

۳ فرستادن پیامبران به سوی مردم،از شئون ربوبیّت است. «نٰادیٰ رَبُّکَ» ۴ مبارزه با طاغوت،در رأس برنامه های انبیا قرار دارد. «ائْتِ الْقَوْمَ الظّٰالِمِینَ»

۵ در نهی از منکر،گاهی بایـد به اسـتقبال خطر رفت. «أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظّالِمِینَ» ۶ قیـام انبیا،بر اساس معیار است،نه کینه و انتقام. «الْقَوْمَ الظّالِمِینَ» ۷ فرامـوش کردن خـدا و پیروی از طـاغوت،بزرگ ترین ظلم است. «الْقَوْمَ الظّالِمِینَ» ۸ برای نهی از منکر به سراغ سرچشـمه هـای فسـاد برویـد. «قَوْمَ فِرْعَوْنَ» ۹ طاغوت هـا،بـدون یاری مردم قـدرتی ندارنـد. «قَوْمَ فِرْعَوْنَ» ۱۰ بی تقـوایی مردم،زمینه ی رشـد طـاغوت هـاست. «أَ لاـ یَتَّقُونَ» ۱۱ هـدایت مردم،بـار سـنگینی اسـت که به امـداد الهی نیـاز دارد. «رَبِّ إِنِّی أَخافُ» ...

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۳ تا ۱۷]

اشاره

وَ یَضِیقُ صَدْرِی وَ لاٰ یَنْطَلِقُ لِسٰانِی فَأَرْسِلْ إِلیٰ هٰارُونَ (۱۳) وَ لَهُمْ عَلَیَّ ذَنْبٌ فَأَخٰافُ أَنْ یَقْتُلُونِ (۱۴) قٰالَ کَلاّٰ فَاذْهَبٰا بِآیٰاتِنٰا إِنّٰا مَعَکُمْ مُسْتَمِعُونَ (۱۵) فَأْتِیٰا فِرْعَوْنَ فَقُولاٰ إِنّٰا رَسُولُ رَبِّ الْعٰالَمِینَ (۱۶) أَنْ أَرْسِلْ مَعَنٰا بَنِی إِسْرٰائِیلَ (۱۷)

و سینه ام تنگ می گردد و زبانم باز نمی شود،پس هارون را(نیز)رسالت بده(تا مرا یاری کند).

و آنان بر(گردن)من(ادّعای)گناهی دارند،پس می ترسم مرا بکشند(و این رسالت به پایان نرسد).

خداوند فرمود:چنین نیست،پس(تو و هارون)همراه با معجزات ما حرکت کنید که ما با شما و شنونده(گفتگوهایتان)هستیم.

به سراغ فرعون بروید و بگویید:ما فرستاده ی پروردگار جهانیانیم.

بنی اسرائیل را(آزاد کن و)همراه با ما بفرست.

نکته ها:

مراد از گناه حضرت موسی که در آیه ی ۱۴ آمده،ماجرایی است که در سوره ی قصص آیه ی ۱۴ به آن اشاره شده است:موسی قبل از نبوّت وارد شهری شد و دید یکی از طرفدارانش با یکی از(قِبطیان)یاران فرعون درگیر شده اند.طرفدار موسی از او کمک خواست و موسی به حمایت از او مشتی بر قبطی زد که او جان داد.

این ماجرا در منطقه موجی ایجاد کرد که موسی مجبور به فرار شد و این عمل موسی گرچه به قصد کشتن آن شخص نبود،بلکه برای حمایت از مظلومی بود،ولی باعث شد تا موسی نزد فرعونیان چهره ای قاتل پیدا نمود،و هنگامی که موسی به مقام نبوّت رسید به خداوند گفت:می ترسم ماجرای کشته شدن آن مرد قِبطی مانع کارم شود.(از کلمه ی «کَلّا » استفاده می شود که عمل موسی قتل عمد نبوده است و گرنه خداوند به قاتل عمدی نمی فرماید:

طوری نیست به تو اطمینان حمایت می دهم.)

پیام ها

۱ ظرفیّت افراد حتّی پیامبران محدود است.(جز خداوند،همه کس و همه چیز محدودند). «یَضِیقُ صَدْرِی» ۲ به هنگام پذیرش مسئولیّت لازم است انسان نقاط ضعف خود را بیان کند.

«یَضِیقُ صَدْرِی»

۳ صراحت و صداقت،از صفات بارز انبیا است. «یَضِیقُ صَدْرِی» ۴ رهبری،هدایت،تبلیغ و ارشاد،به سعه ی صدر نیاز دارد. «وَ یَضِیقُ صَدْرِی» ۵ در نهی از منکر و مبارزه،گاهی باید چند نفری حرکت کرد. «فَاذْهَبا» ۶ نقاط ضعف را جبران کنید،ولی از زیر بار مسئولیّت،شانه خالی نکنید. «یَضِیقُ صَدْرِی وَ لا یَنْطَلِقُ لِسانِی فَأَرْسِلْ إِلی هارُونَ» پذیرش یا اعطای مسئولیّت های بزرگ با وجود ضعف ها و کمبودهای قابل جبران،مانعی ندارد.

۷ افراد سالم و بی غرض،انسان های شایسته ی دیگر را برای قبول مسئولیّت های بزرگ معرّفی می کنند. «فَأَرْسِلْ إِلی هارُونَ»

ص:۲۹۸

۸ سوابق افراد،در موفقیّت آنان مؤثّر است. «وَ لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ» ۹ قانون قصاص،سابقه ای بس طولانی دارد. «وَ لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ» (شهادت،آرزوی پیامبران است ولی ترس و نگرانی آنان برای این بود که شاید به اهداف مقدّس خود نرسند.) ۱۰ مدیریّت تبلیغی به چند مسأله ی مهم نیازمند است،از جمله:بررسی اوضاع اجتماعی،آینده نگری و فراهم کردن زمینه های مؤثّر تبلیغ. «أَخَافُ لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ- فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ» ۱۱ در بیان حقّ،نه از کمی طرفداران حقّ بترسید و نه از زیادی مخالفان حقّ.

«فَاذْهَبَا»

۱۲ پیشنهاد مفید و مناسب را خدا هم می پذیرد. «فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ ... فَاذْهَبَا» ۱۳ دلداری و کمک به کسانی که نگرانی دارند،کاری الهی است. «إِنَّا مَعَكُمْ» ۱۴ خداوند پشتیبان انبیا است. «إِنَّا مَعَكُمْ» ۱۵ آگاهی دقیق و لحظه به لحظه در مأموریّت های مهم،یک ضرورت است. «إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ» ۱۶ معجزات پیامبران،ابزار ارشاد و هدایت و ره توشه ی آنان برای امّت هاست.

«بِآيَاتِنَا»

۱۷ خداوند بر جزئیّات کارهای ما آگاه است. «مُسْتَمِعُونَ» خداوند همه جا حاضر و ناظر است.

۱۸ برای مبارزه با نظام های تشکیلاتی و فاسد،اوّل به سراغ سرچشمه ها بروید.

«فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ»

۱۹ در تبلیغ و دعوت دیگران به حقّ،صراحت و صلابت داشته باشید. «إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ۲۰ فرستادن پیامبر برای مردم،از شئون ربوبیّت خداوند است. «رَسُولُ رَبِّ» ۲۱ تمام هستی،نوعی رشد دارند. «رَبِّ الْعَالَمِينَ»

ص :۲۹۹

۲۲ تمام هستی در تحت تدبیر اوست. «رَبِّ الْعٰالَمِینَ» ۲۳ همه ی انبیا یک هـدف دارند. «إِنّٰا رَسُولُ» و نفرمود:«انا رسولا» ۲۴ در برابر کسی که می گوید: «أَنَا رَبُّکُمُ الْأَعْلیٰ» (۱)باید گفت: «رَبِّ الْعٰالَمِینَ».

۲۵ اگر در یک زمان دو پیامبر مبعوث شونـد،رهبری با یکی از آنهاست. «إِنّٰا رَسُولُ» ۲۶ آزاد کردن مردم از اسارت طاغوت ها،در رأس برنامه های انبیا قرار دارد.

«أَرْسِلْ مَعَنٰا بَنِی إِسْرٰائِیلَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۸ تا ۱۹]

اشاره

قٰالَ أَ لَمْ نُرَبِّکَ فِینٰا وَلِیداً وَ لَبِثْتَ فِینٰا مِنْ عُمُرِکَ سِنِینَ (۱۸) وَ فَعَلْتَ فَعْلَتَکَ اَلَّتِی فَعَلْتَ وَ أَنْتَ مِنَ اَلْکٰافِرِینَ (۱۹)

(فرعون)گفت:آیا ما تورا در کودکی نپروردیم و سالیانی از عمرت را در نزد ما نماندی؟

و با این حال انجام دادی آن کاری را که انجام دادی(و یکی از افراد ما را با مشت کشتی)،در حالی که تو از ناسپاسانی.

نکته ها:

فرعـون بـا دو جمله،نبـوّت موسی را زیر سؤال برد:الف:تو نزد مـا قاتـل هسـتی و قاتـل که پیـامبر نمی شود.ب:مـا تو را بزرگ کردیم،چگونه الطاف ما را کفران و ناسپاسی می کنی،ناسپاس که پیامبر نمی شود.آیات بعد پاسخ موسی را بیان کرده است.

پیام ها

۱ منّت گذاشـتن و به رخ کشـیدن،از ویژگی های مسـتکبران است. «أَ لَمْ نُرَبِّکَ فِینٰا» ۲ اراده ی الهی،موسی را در دامن فرعون پرورش می دهـد. «أَ لَمْ نُرَبِّکَ» ۳ اگر کسـی را بزرگ کردیم،یا حرفه ای به او آموختیم،یا در امر ازدواج و مسکن و امثال آن به او کمکی کردیم،نباید با این دلیل و بهانه،سخن حقّ او را

۱- ۱) .نازعات،۲۴.

نپـذیریم. «أَ لَمْ نُرَبِّکَ فِینٰا وَلِیداً» ۴ اولیـای خـدا نمـک گیر نمی شونـد و محیط و جامعه در آنها اثر نمی گـذارد. «لَبِثْتَ فِینٰا مِنْ عُمُرِکَ سِنِینَ» (موسـی نگفت ما که مدّت ها سـر سفره ی فرعون بوده ایم یا حال که همه تسلیم او هستند و جامعه بر محور او می چرخد،کمی کوتاه بیائیم و سـکوت اختیار کنیم.) ۵ حقّ نـان و نمک آن نیست که صاحب حقّ را به حال خود رها کنیم و اشـتباهات او را هم بپذیریم.(حضـرت موسی نان و نمک فرعون را خورده بود،ولی او را به حال خود رها نکرد.) «نُرَبِّکَ فِینٰا ... لَبِثْتَ فِینٰا» ۶ به توقّعات نابجای مستکبران اعتنا نکنیم.ناسپاسی در برابر مستکبر،بد نیست. «وَ أَنْتَ مِنَ الْکافِرِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۲۰ تا ۲۱]

اشاره

قٰالَ فَعَلْتُهٰا إِذاً وَ أَنَا مِنَ اَلضّٰالِّینَ (۲۰) فَفَرَرْتُ مِنْکُمْ لَمّٰا خِفْتُکُمْ فَوَهَبَ لِی رَبِّی حُکْماً وَ جَعَلَنِی مِنَ اَلْمُرْسَلِینَ (۲۱)

(موسی)گفت:آن(قتل)را زمانی انجام دادم که از سرگشتگان بودم.

و چون از شما ترسیدم از نزد شما گریختم،سپس پروردگارم به من حکمت (و دانش)بخشید و مرا از پیامبران قرار داد.

نکته ها:

مراد از «حُکْماً » در آیه؛یا حکومت و سرپرستی بنی اسرائیل است و یا حکمت و دانش.

در این دو آیه،حضرت موسی(علیه السلام)ایرادهای فرعون را که در آیه قبل گفتیم،پاسخ می دهد.

چنـان که گـذشت حضـرت موسـی به خاطر طرفـداری از یکی از یاران خود،مشتی به مخالف او زد و شـخص مخالف با همان ضربه مُرد.این قتـل نه از روی عمـد بود و نه بـا آلت قتل انجام گرفت،بلکه یک حادثه ی ناخواسـته و یک لغزش عملی بـدون سـوء نیّت بود که قبـل از نبوّت موسـی آن هم به خـاطر طرفـداری از یـک مظلوم اتّفـاق افتـاده بود.بنـا بر این،«ضـال»در آیه ی مذکور،یک انحراف عملی بدون قصد است که ضربه ای به عصمت نمی زند و یا به معنای

تحیّر است،نظیر آیه ی ۷ سوره ی ضُحی: «وَ وَجَدَکَ ضَالاًّ فَهَدیٰ».

از امیر المؤمنین علی(علیه السلام)پرسیدند:چرا بعد از پیامبر اکرم(صلوات اللّٰه علیه)حقّ خود را با شمشیر نگرفتید،و چرا همان گونه که با طلحه و زبیر و معاویه جنگ کردید با خلفای پیش از خود جنگ نکردید؟ حضرت فرمود:گاهی سکوت لازم است.مگر ابراهیم به مردم نفرمود:من از شما کناره می گیرم: «وَ أَعْتَزِلُکُمْ وَ مٰا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ» (۱)مگر هارون نفرمود: «إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِی وَ کٰادُوا یَقْتُلُونَنِی» (۲)مردم مرا به ضعف کشاندند و نزدیک بود مرا بکشند؟ مگر یوسف نفرمود: «رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَیَّ» (۳)پروردگارا! زندان برای من بهتر از استجابت تقاضای آنهاست؟ مگر پیامبر اکرم در غار نرفت و من جای او نخوابیدم؟ مگر موسی نفرمود: «فَفَرَرْتُ مِنْکُمْ لَمّٰا خِفْتُکُمْ» همین که ترسیدم فرار کردم،و مگر حضرت لوط(علیه السلام)در برابر تقاضای گنهکاران نفرمود: «لَوْ أَنَّ لِی بِکُمْ قُوَّةً أَوْ آوِی إِلیٰ رُکْنٍ شَدِیدٍ» (۴)ای کاش قدرتی داشتم(تا شما را از این عمل ننگین باز می داشتم)و یا به جایگاه محکم و أمن پناه می بردم(و از شرّ شما در امان بودم). (۵)بنا بر این سایر اولیای خدا نیز گاهی در شرایطی مجبور به سکوت و انزوا می شدند.

پیام ها

۱ گاهی اقرار،یک ارزش است. «قٰالَ فَعَلْتُهٰا» ۲ فرار از طاغوت،مقدّمه ی دریافت الطاف الهی است. «فَفَرَرْتُ مِنْکُمْ ... فَوَهَبَ» ۳ انبیا از الطاف خاصّ خداوند برخوردارند. «فَوَهَبَ لِی وَ جَعَلَنِی» ۴ نبوّت،یک جریان در طول تاریخ است،انبیای بسیاری قبل از موسی بوده اند پس تعجّب فرعون نابجاست. «مِنَ الْمُرْسَلِینَ»

۱- ۱) .مریم،۴۸.

۲- ۲) .اعراف،۱۵۰.

۳- ۳) .یوسف،۳۳.

۴- ۴) .هود،۸۳.

۵- ۵) .تفسیر نور الثقلین.

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۲۲ تا ۲۳]

اشاره

وَ تِلْکَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهٰا عَلَیَّ أَنْ عَبَّدْتَ بَنِی إِسْرٰائِیلَ (۲۲) قٰالَ فِرْعَوْنُ وَ مٰا رَبُّ اَلْعٰالَمِینَ (۲۳)

و(آیا)این که بنی اسرائیل را بنده ی خود ساخته ای نعمتی است که منّتش را بر من می نهی؟(چرا نباید من در خانهٔ پدرم رشد کنم؟)

(فرعون)گفت:پروردگار جهانیان چیست؟

نکته ها:

موسی به فرعون گفت:من باید در خانهٔ پدرم بزرگ می شدم،چرا پدرم را به بردگی کشاندی که من به اجبار در خانهٔ تو بزرگ شوم،آیا این،نعمت است که آن را سپاس گزارم و یا اسارت است؟! گرچه در کاخ تو همه ی وسائل رفاه برای من بود،ولی من از این که بنی اسرائیل گرفتار بودند،ناراحتم.

از قرآن استفاده می شود که فرعون در درون خود،خدا را می شناخت؛ «قٰالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مٰا أَنْزَلَ هٰؤُلاٰءِ إِلاّٰ رَبُّ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ» (۱)ولی به ظاهر خود را ربّ اعلای مردم می دانست،مثل مدیری که بر افرادی تسلّط دارد،ولی در عین حال خود را تحت امر دیگری می داند. (۲)

پیام ها

۱ تکبر،زشتی ها را نزد انسان زیبا جلوه می دهد. «تِلْکَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهٰا عَلَیَّ» ۲ به استکبار و منّت های او با صلابت پاسخ دهید. «تِلْکَ نِعْمَةٌ» ...

۳ گاهی مستکبران به خاطر حفظ تاج و تخت،خود را به نادانی می زنند. «وَ مٰا رَبُّ الْعٰالَمِینَ» ۴ سؤال مستکبرین،مغرورانه و همراه با تحقیر دیگران است.فرعون گفت: «وَ مٰا رَبُّ الْعٰالَمِینَ» و نگفت:«و من رب العالمین»(حرف«ما»در زبان عرب برای جمادات به کار می رود.)

۱- ۱) .اسراء،۱۰۲.

۲- ۲) .تفسیر المیزان.

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۲۴ تا ۲۶]

اشاره

قٰالَ رَبُّ اَلسَّمٰاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ مٰا بَیْنَهُمٰا إِنْ کُنْتُمْ مُوقِنِینَ (۲۴) قٰالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَ لاٰ تَسْتَمِعُونَ (۲۵) قٰالَ رَبُّکُمْ وَ رَبُّ آبٰائِکُمُ اَلْأَوَّلِینَ (۲۶)

(موسی)گفت:پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست،اگر باور دارید.

(فرعون)به اطرافیان خود گفت:آیا نمی شنوید(چه حرف هایی می زند)؟

(بار دیگر موسی)گفت:او پروردگار شما و پروردگار نیاکان شماست.

نکته ها:

قرآن می گوید:دعوای انبیا با مخالفانشان بر سر ربوبیّت خداوند یعنی مدیریّت و قانونگذاری خداوند و لزوم اطاعت از دستورات اوست و گر نه مخالفان آنان،اللّه را به عنوان خالق جهان قبول داشتند.سخن کسانی که امروز می گویند:دین از سیاست جداست،همانند سخن کسانی است که می گویند:حساب آفریدن جهان به اراده خداوند از حساب اداره کردن آن جداست.(خداوند خلق کند،ولی ما حکومت کنیم)قرآن و عقل،حقّ ربوبیّت و تکلیف کردن و اطاعت شدن را تنها از کسی می داند که خالق است،نه دیگران.کسی که آفرید می داند چه قانونی وضع کند. «أَ لاٰ یَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ» (۱)بعضی جمله ی «إِنْ کُنْتُمْ مُوقِنِینَ» را این گونه معنا کرده اند که موسی گفت:من می دانم که سؤال شما برای فهمیدن نیست،بلکه برای طفره رفتن است،ولی اگر شما در جستجوی حقیقت باشید،در نظم و نظام هستی فکر کنید،ربوبیّت و یکتایی او را خواهید فهمید.

پیام ها

۱ باید به سؤال های اعتقادی،پاسخ صریح و روشن داد. «وَ مٰا رَبُّ الْعٰالَمِینَ قٰالَ رَبُّ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ»

ص: ۳۰۴

۱- ۱) .ملک،۱۴.

۲ تمام هستی یک خدا دارد. «رَبُّ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ» (بر خلاف مشرکان که به خدایان متعدّد عقیده داشتند).

۳ تمام هستی تحت یک تدبیر،نظارت و حرکت تکاملی قرار دارند. «رَبُّ الْعٰالَمِینَ» ۴ ذات خداوند قابل شناسایی نیست،باید او را از راه آفریده هایش شناخت و معرّفی کرد. «رَبُّ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ» (فرعون از چیستی و چگونگی خداوند سؤال کرد،ولی موسی از آفریده های او پاسخ داد چون ذات قابل شناخت نیست) ۵ هر کسی نمی تواند وحدت تدبیر تمام هستی را درک کند. «إِنْ کُنْتُمْ مُوقِنِینَ» اهل یقین هر گاه به آفرینش آسمان ها و زمین نگاه عمیق کنند،ربوبیّت الهی را درک می کنند.

۶ جوسازی،حق پوشی و حرف منطقی دیگران را قطع کردن،ابزار کار طاغوت هاست. «أَ لاٰ تَسْتَمِعُونَ» (مناظره ی موسی و فرعون علنی بود.) ۷ ربوبیّت خداوند نسبت به انسان های موجود،انسان های گذشته و آسمان و زمین یکسان است. «رَبُّ السَّمٰاوٰاتِ وَ الْأَرْضِ ... رَبُّکُمْ وَ رَبُّ آبٰائِکُمُ» ...(تدبیر و نظارت و مدیریّت خداوند بر آیات آفاقی(آسمان ها و زمین)،و آیات انفسی (انسان ها)یکسان است.)

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۲۷ تا ۳۱]

اشاره

قٰالَ إِنَّ رَسُولَکُمُ اَلَّذِی أُرْسِلَ إِلَیْکُمْ لَمَجْنُونٌ (۲۷) قٰالَ رَبُّ اَلْمَشْرِقِ وَ اَلْمَغْرِبِ وَ مٰا بَیْنَهُمٰا إِنْ کُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۲۸) قٰالَ لَئِنِ اِتَّخَذْتَ إِلٰهَاً غَیْرِی لَأَجْعَلَنَّکَ مِنَ اَلْمَسْجُونِینَ (۲۹) قٰالَ أَ وَ لَوْ جِئْتُکَ بِشَیْءٍ مُبِینٍ (۳۰) قٰالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ کُنْتَ مِنَ اَلصّٰادِقِینَ (۳۱)

(فرعون)گفت:قطعاً پیامبرتان که به سوی شما فرستاده شده،سخت دیوانه است.

(موسی)گفت:(او)پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است می باشد،اگر تعقّل کنید.

ص: ۳۰۵

(فرعون)گفت:(ای موسی!)اگر معبودی غیر از من برگزینی قطعاً تو را از زندانیان قرار خواهم داد.

(موسی)گفت:(حتّی)اگر نشانه ی آشکاری برایت بیاورم(که رسالت مرا اثبات کند)؟

(فرعون)گفت:اگر راست می گویی آن نشانه را بیاور.

نکته ها:

در آیه ی ۲۷ می بینیم که فرعون برای جبران حقارت خود،سخت ترین لحن ها را با زشت ترین نسبت ها در مورد موسی به کار برد.در ادبیات عرب برای تأکید یک مطلب از حروف و کلماتی استفاده می کنند،کلمه ی «إِنَّ » و حرف«لام»در کلمه ی «لَمَجْنُونٌ » و جمله ی اسمیّه آوردن،نشانه ی تأکید بر نسبت ناروای اوست.

پیام ها

۱ طاغوت ها هنگام روبرو شدن با حقّ طفره می روند.(هر بار که موسی استدلال و بیانی داشت،فرعون به جای پاسخ دادن به موسی،چون نگران از دست دادن مردم بود،با آنان حرف می زد.) «قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ قَالَ إِنَّ رَسُولَکُمُ» ۲ مستکبر هرگز حقّ را نمی پذیرد و خود را از مردم جدا می داند. «رَسُولَکُمُ- أُرْسِلَ إِلَیْکُمْ» یعنی پیامبر شما،نه من.

۳ از قوی ترین حربه های مخالفان انبیا،نسبت ناروای جنون است. «لَمَجْنُونٌ» آری کسی که از استدلال عاجز باشد،دست به تهمت و ناسزاگویی می زند.

۴ از هماهنگی قوانین و نظام ثابتی که بر زمین و آسمان،مشرق و مغرب و بر همه ی موجودات جهان حاکم است،می فهمیم که جهان هستی با مدیریّت واحدی اداره می شود. «رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ» ...

۵ مبلّغ و مربّی نباید از بحث خسته شود،باید استدلال خود را تکرار کند و سعۀ صدر داشته باشد. «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» ، «رَبُّکُمْ وَ رَبُّ آبَائِکُمُ» ، «رَبُّ

ص: ۳۰۶

اَلْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ»

۶ تهمت ها،اولیای خدا را از هدف ها منحرف نمی کند. «رَسُولَکُمُ ... لَمَجْنُونٌ قٰالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ» ۷ رسیدن به توحید،به تعقّل نیاز دارد.(کفر و شرک،محصول بی عقلی است).

«إِنْ کُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»

(اندیشیدن مردم،بزرگ ترین خطر برای مستکبران است).

۸ انبیا مؤدّب سخن می گویند.(فرعون به موسی(علیه السلام)گفت: «لَمَجْنُونٌ » ،امّا موسی گفت:اگر بیاندیشید سخن مرا می فهمید). «إِنْ کُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» ۹ تهدید،حربه ی دیگر طاغوت هاست. «لَأَجْعَلَنَّکَ مِنَ الْمَسْجُونِینَ» (رهبران دینی باید آماده ی سختی ها باشند).

۱۰ در نظام طاغوتی،خفقان و خشونت حاکم است و افراد زیادی در زندان به سر می برند. «مِنَ الْمَسْجُونِینَ» ۱۱ آن جا که منطق تأثیر نکرد،معجزه لازم است. «بِشَیْءٍ مُبِینٍ» ۱۲ آمادگی قبلی،شرط موفقیّت و پیروزی بر دشمن است.موسی می دانست که عصا را اژدها می کند و کف دستش نورانی می شود،لذا با قدرت گفت: «جِئْتُکَ بِشَیْءٍ مُبِینٍ» ۱۳ معجزه ی انبیا حقیقت دارد و مردم به خوبی درک می کنند. «مُبِینٍ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۳۲ تا ۳۳]

اشاره

فَأَلْقیٰ عَصٰاهُ فَإِذٰا هِیَ ثُعْبٰانٌ مُبِینٌ (۳۲) وَ نَزَعَ یَدَهُ فَإِذٰا هِیَ بَیْضٰاءُ لِلنّٰاظِرِینَ (۳۳)

پس عصای خود را بیفکند،پس ناگهان آن عصا اژدهایی آشکار شد.

و دست خود را(از گریبانش)بیرون آورد،پس ناگهان آن دست برای تماشاگران سفید و درخشان نمود.

ص: ۳۰۷

نکته ها:

مراد از کلمه ی «نَزَعَ » در اینجا،بیرون آوردن دست از جیب و گریبان است.

اژدها شدن عصا،ده مرتبه و نورانی شدن دست موسی(علیه السلام)،پنج مرتبه در قرآن آمده است.

در اوّلین مرحله ای که موسی عصا را رها کرد به صورت مار کوچکی درآمد،چنان که در سوره نمل آیه ی ۱۰ آمده: «جَانٌّ وَلّی مُدْبِراً» ،ولی در برابر طاغوتِ گردنکش،به صورت اژدها در آمد و این شاید به خاطر آن باشد که برای هر مخاطبی باید حرفی زد و عملی انجام داد.

پیام ها

۱ معجزات انبیا چون وابسته به قدرت الهی است،نیاز به تمرین ندارد و لازم نیست تدریجی باشد. «فَإِذا هِیَ» (یعنی عصا ناگهان مار شد) ۲ در برابر افراد سرکش باید کاری چشمگیر و کوبنده انجام داد. «ثُعْبانٌ مُبِینٌ» ۳ معجزات انبیا روشن و روشنگر است،نه وهم و خیال. «مُبِینٌ» ۴ در کنار معجزه ای دلهره آور،دست سفید و نورانی،رمز صفا و محبّت است.

«ثُعْبانٌ

بَیْضاءُ»

۵ برای تأثیر کلام حقّ،از همه ی شیوه های صحیح بیم و امید استفاده کنید.

«ثُعْبانٌ

بَیْضاءُ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۳۴ تا ۳۹]

اشاره

قالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هذا لَساحِرٌ عَلِیمٌ (۳۴) یُرِیدُ أَنْ یُخْرِجَکُمْ مِنْ أَرْضِکُمْ بِسِحْرِهِ فَما ذا تَأْمُرُونَ (۳۵) قالُوا أَرْجِهْ وَ أَخاهُ وَ ابْعَثْ فِی الْمَدائِنِ حاشِرِینَ (۳۶) یَأْتُوکَ بِکُلِّ سَحّارٍ عَلِیمٍ (۳۷) فَجُمِعَ السَّحَرَهُ لِمِیقاتِ یَوْمٍ مَعْلُومٍ (۳۸) وَ قِیلَ لِلنّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ (۳۹)

(فرعون)به اشرافیان اطرافش گفت:واقعاً این مرد،ساحری کاردان است.

او می خواهد با سحرش شما را از سرزمینتان آواره کند،پس چه رأی و دستور می دهید؟

گفتند:به موسی و برادرش فرصت بده و در تمام شهرها افرادی را برای گردآوری(ساحران)اعزام کن.

تا هر ساحر ماهری را نزد تو بیاورند.

پس ساحران در موعدِ روزی معلوم،گردآوری شدند.

و به مردم گفته شد:آیا شما نیز جمع می شوید؟

نکته ها:

فرعون با موسی چند نوع برخورد کرد:

الف:تحقیر: «أَ لَمْ نُرَبِّکَ فِینٰا وَلِیداً» آیا ما تو را بزرگ نکردیم.

ب:استهزا: «لَمَجْنُونٌ» تو دیوانه هستی.

ج:تهدید: «مِنَ الْمَسْجُونِینَ» تورا زندانی می کنم.

د:تهمت سحر: «لَسٰاحِرٌ عَلِیمٌ» تو ساحر هستی.

ه:تهمت توطئه: «یُرِیدُ أَنْ یُخْرِجَکُمْ» تو قصد شورش داری.

در آیات مربوط به گفتگوی موسی با فرعون،حرفی از هارون نیست و این به خاطر آن است که موضع رسمی باید از طرف رهبر تعیین شود.

مراد از جمله «فَمٰا ذٰا تَأْمُرُونَ » ،فرمان مشورتی است.چون مشاوران نظر خود را در قالب امر و فرمان می گفتند.مانند: «أَرْجِهْ وَ أَخٰاهُ » به موسی و برادرش فرصت بده و به زندان نیفکن.

حضرت موسی و فرعون در مورد زمان و مکان مراسم مقابله ی ساحران با موسی،با یکدیگر به توافق رسیدند. «لِمِیقٰاتِ یَوْمٍ مَعْلُومٍ» از مردم خواسته شد تا در مکان و زمان موعود حاضر شوند،زیرا این حضور و اجتماع باعث می شد تا موسی و هارون احساس تنهایی کنند و ساحران نیرو گیرند و غوغاسالاری تبلیغاتی به راه اندازند.

ص:۳۰۹

اطرافیان بی اراده و متملّق،حتّی در کلمات تقلید می کنند.جمله های «لَساحِرٌ عَلِیمٌ » و «یُرِیدُ أَنْ یُخْرِجَکُمْ مِنْ أَرْضِکُمْ » در این دو آیه از زبان فرعون است،ولی در سوره ی اعراف آیات ۱۰۹ و ۱۱۰،همین کلمات از زبان اطرافیان اوست و حتّی حرفی کم و زیاد نکرده اند.

پیام ها

۱ طاغوت ها تبلیغات شیطانی خود را با تأکید و قاطعیّت بیان می کنند. «إِنَّ هٰذا لَساحِرٌ عَلِیمٌ» («إِنَّ » ،حرف«لام»و جمله ی اسمیّه همه نشانه ی تأکید است.) ۲ فرعون برای آن که ساحران را در مبارزه با موسی تشویق و تحریک کند،از موسی به عنوان«ساحر علیم»یاد کرد. «لَساحِرٌ عَلِیمٌ» ۳ دروغگو کم حافظه است.فرعونیانی که به موسی نسبت جنون می دادند؛ «لَمَجْنُونٌ» اکنون او را ساحری ماهر و آگاه می خوانند: «لَساحِرٌ عَلِیمٌ» ۴ وطن دوستی و انگیزه ی مالکیّت،از غرائز انسان هاست و فرعون برای تحریک مردم علیه موسی این دو سوژه را بهانه قرار داد و گفت:او شما را آواره و مالکیّت شما را لغو خواهد کرد. «یُخْرِجَکُمْ مِنْ أَرْضِکُمْ» ۵ دروغ،تزویر و عوام فریبی،شیوه ی طاغوت است.(کلمه ی «أَرْضِکُمْ » ،برای عوام فریبی و کلمه ی «بِسِحْرِهِ » دروغی واضح بود.) ۶ طاغوت ها هنگام قدرت و تسلّط،همه چیز را از آن خود می دانند، «أَ لَیْسَ لِی مُلْکُ مِصْرَ» (۱)ولی هنگام احساس خطر مردم را به صحنه می کشند. «أَرْضِکُمْ» ۷ طاغوت ها به زیردستان خود نیازمندند و از آنها راه و چاره می طلبند. «فَما ذا تَأْمُرُونَ» فرعونی که به موسی می گوید:اگر معبودی غیر از من بگیری تو را زندان می کنم،امروز محتاج اطرافیان است.

۸ زمان فرعون،دوران رواج سحر و جادو بوده است. «سَحّارٍ عَلِیمٍ» ۹ اگر متخصّصین،متعهّد نباشند در خدمت فرعون ها در می آیند. «یَأْتُوکَ»

۱- ۱) .زخرف،۵۱.

۱۰ همایش و سمینار کارشناسان،سابقه ی طولانی دارد. «يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحّارٍ عَلِيمٍ» ۱۱ طاغوت ها برای رسیدن به اهداف خود،از کارشناسان سوء استفاده می کنند ما چرا استفاده ی خوب نکنیم؟ «يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحّارٍ عَلِيمٍ» ۱۲ فرعون تمام توان خود را بکار گرفت. «بِكُلِّ سَحّارٍ» ۱۳ زمان و مکان در حرکات تبلیغی مؤثّر است. «يَوْمٍ مَعْلُومٍ» ۱۴ برای طاغوت ها جلب افکار عمومی و حضور مردم در صحنه مهم است.

«هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۴۰ تا ۴۲]

اشاره

لَعَلَّنا نَتَّبِعُ اَلسَّحَرَةَ إِنْ كانُوا هُمُ اَلْغالِبِينَ (۴۰) فَلَمّا جاءَ اَلسَّحَرَةُ قالُوا لِفِرْعَوْنَ أَ إِنَّ لَنا لَأَجْراً إِنْ كُنّا نَحْنُ اَلْغالِبِينَ (۴۱) قالَ نَعَمْ وَ إِنَّكُمْ إِذاً لَمِنَ اَلْمُقَرَّبِينَ (۴۲)

به این امید که اگر ساحران غالب شدند از آنان پیروی کنیم.

پس همین که ساحران(از شهرها به نزد فرعون)آمدند به او گفتند:آیا اگر ما پیروز شویم پاداشی داریم؟

فرعون گفت:آری،در این صورت(علاوه بر پاداش)حتماً شما از مقرّبان دربار خواهید بود.

نکته ها:

موسی و هارون چون ایمان داشتند در یک طرف ایستادند و آرامش داشتند،امّا فرعون و همه ی اشراف و ساحران در طرف دیگر قرار گرفتند و دلهره داشتند و این جاست که نقش ایمان و قدرت آن روشن می شود.از سؤال ساحران که پرسیدند: «أَ إِنَّ لَنا لَأَجْراً إِنْ كُنّا نَحْنُ الْغالِبِينَ» تردید آنان استفاده می شود و از تشویق و جایزه بزرگ فرعون؛ «قالَ نَعَمْ وَ إِنَّكُمْ إِذاً لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» دلهره ی او استفاده می شود.

شاید شرط گرفتن مزد،نشانه ی تنگ نظری،بخل و خسیس بودن فرعون باشد،زیرا

معمولاً ـ مردم با افراد سخاوتمند و دست و دل باز شرط پول نمی گذارند،زیرا می دانند که او خود با معرفت و سخاوتی که دارد همه چیز را در نظر می گیرد.

پیام ها

۱ فرعون ادّعای خدایی داشت،امّا با معجزه ی حضرت موسی کار به جایی رسید که همه تابع ساحران شدند و حرف اوّل و آخر را حرف ساحران غالب دانستند. «لَعَلَّنا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ» ۲ فرعون با دیدن معجزه ی موسی،به پیروزی ساحران اطمینان نداشت. «إِنْ كانُوا هُمُ الْغالِبِينَ» («إِنْ » حرف شرط و نشانه ی شک است) ۳ افراد مادّی حتّی در مسایل عقیدتی هم حرف پول می زنند. «فَلَمّا جاءَ السَّحَرَةُ قالُوا لِفِرْعَوْنَ أَ إِنَّ لَنا لَأَجْراً» ۴ ساحران به فکر خودشان هستند که مزدی بگیرند و کاری به حقّ و باطل بودن آن ندارند. «أَ إِنَّ لَنا لَأَجْراً» شعار انبیا در تمام کارهایشان «ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ» (۱)بود،ولی ساحران حتّی برای یک حرکت توقّع اجر داشتند. «لَنا لَأَجْراً» ۵ انسانی که خدایی نیست،به درهم فرعون چشم دارد؛ «لَنا لَأَجْراً» ولی همین که خدایی شد،تمام هستی نزد او کوچک است و جانش را به راحتی فدا می کند.چنان که در آیه ی ۵۰ می خوانیم: «لا ضَيْرَ إِنّا إِلى رَبِّنا مُنْقَلِبُونَ» ۶ گاهی مقام و اعتبار از مال مهم تر است. «إِنَّكُمْ إِذاً لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۴۳ تا ۴۴]

اشاره

قالَ لَهُمْ مُوسى أَلْقُوا ما أَنْتُمْ مُلْقُونَ (۴۳) فَأَلْقَوْا حِبالَهُمْ وَ عِصِيَّهُمْ وَ قالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنّا لَنَحْنُ الْغالِبُونَ (۴۴)

(روز موعود فرا رسید و همه ی ساحران جمع شدند،)موسی به آنان گفت:

بیفکنید آنچه را می خواهید بیفکنید.

ص: ۳۱۲

۱- ۱) .شعراء،۱۰۹،۱۲۷،۱۴۵،۱۶۴ و ۱۸۰.

پس(ساحران)ریسمان ها و عصاهای خود را(به زمین)افکندند و گفتند:

به عزّت فرعون سوگند که قطعاً ما پیروزیم.

پیام ها

۱ مردان خدا به غلبه ی حقّ و پوچی سحر ایمان داشته و از موضع قدرت و با آرامش سخن می گویند،نه از روی ضعف و ترس. «أَلْقُوا مٰا أَنْتُمْ مُلْقُونَ» ۲ به مخالفان فرصت دهید تا در راه عقیده و هدف خود تلاش و حرکت کنند، «أَلْقُوا مٰا أَنْتُمْ» ،آن گاه محکم و منطقی پاسخ آنان را بدهید.

۳ کافر از درون متزلزل است و در ظاهر شعار می دهد.ساحران در پیروزی خود شک داشتند و در آیات قبل می گفتند: «إِنْ كُنّٰا نَحْنُ الْغٰالِبِينَ» ولی در حضور فرعون،با خودشیرینی و تملّق گفتند: «بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ» و به پیروزی تظاهر می کردند و به اصطلاح جنگ روانی راه می انداختند. «إِنّٰا لَنَحْنُ الْغٰالِبُونَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۴۵ تا ۴۸]

اشاره

فَأَلْقىٰ مُوسىٰ عَصٰاهُ فَإِذٰا هِيَ تَلْقَفُ مٰا يَأْفِكُونَ (۴۵) فَأُلْقِيَ اَلسَّحَرَةُ سٰاجِدِينَ (۴۶) قٰالُوا آمَنّٰا بِرَبِّ اَلْعٰالَمِينَ (۴۷) رَبِّ مُوسىٰ وَ هٰارُونَ (۴۸)

سپس موسی عصایش را افکند،پس ناگهان(اژدهایی شد و)هر چه را به نیرنگ ساخته بودند بلعید.

آن گاه ساحران بی اختیار به سجده درافتادند.

گفتند:ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.

پروردگار موسیٰ و هارون.

نکته ها:

ساحران همین که اژدها شدن عصا را دیدند فوراً ایمان آوردند.در روایات آمده است:هنگامی که امام زمان(علیه السلام)نیز ظهور کند،متخصّصان شرق و غرب به حضرت ایمان

خواهند آورد،چون آنان عظمت کار را بهتر از دیگران درک خواهند کرد.

پیام ها

۱ معجزه امری سریع و برق آساست،نه تدریجی و تمرینی. «فَإِذٰا هِیَ تَلْقَفُ» ۲ باطل،در برابر حقّ تاب مقاومت ندارد. «تَلْقَفُ مٰا یَأْفِکُونَ» ۳ سحر و جادو یک دروغ عملی و به دور از حقیقت است.(«یَأْفِکُونَ » از«افک»به معنای ساختگی و دروغ است) ۴ افراد آماده،در برابر حقّ طفره نمی روند و تسلیم می شوند. «فَأُلْقِیَ» ۵ قدرِ زر زرگر شناسد،قدرِ گوهر گوهری.(ساحرانی که کارشناس بودند معجزه را از سحر بازشناختند و چنان تحت تأثیر قرار گرفتند که بی اراده به سجده افتادند،با اینکه فرعونیان نیز حضور داشتند،ولی ایمان نیاوردند).

«فَأُلْقِیَ السَّحَرَةُ»

۶ از امتیازات انسان،قدرت تغییر موضع فکری در یک لحظه است. «فَأُلْقِیَ» ۷ سجده،مظهر حق پرستی و تسلیم است که در طول تاریخ سابقه داشته است.

«سٰاجِدِینَ»

۸ تمام هستی،تحت تدبیر خداوند در یک حرکت تکاملی است. «بِرَبِّ الْعٰالَمِینَ» ۹ جلو سوء استفاده را باید گرفت.برای این که فرعونیان،«ربّ العالمین»را به معنای انحرافی تفسیر نکنند،ساحران گفتند: «رَبِّ مُوسیٰ وَ هٰارُونَ» ۱۰ ساحران،به اصول دین اقرار کردند،توحید: «آمَنّا بِرَبِّ الْعٰالَمِینَ» نبوّت: «رَبِّ مُوسیٰ وَ هٰارُونَ» معاد: «إِنّٰا إِلیٰ رَبِّنٰا مُنْقَلِبُونَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۴۹ تا ۵۱]

اشاره

قٰالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَکُمْ إِنَّهُ لَکَبِیرُکُمُ الَّذِی عَلَّمَکُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَیْدِیَکُمْ وَ أَرْجُلَکُمْ مِنْ خِلاٰفٍ وَ لَأُصَلِّبَنَّکُمْ أَجْمَعِینَ (۴۹) قٰالُوا لاٰ ضَیْرَ إِنّٰا إِلیٰ رَبِّنٰا مُنْقَلِبُونَ (۵۰) إِنّٰا نَطْمَعُ أَنْ یَغْفِرَ لَنٰا رَبُّنٰا خَطٰایٰانٰا أَنْ کُنّٰا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِینَ (۵۱)

۲۶\۴۹-۵۱

فرعون(که به خشم آمده بود)گفت:آیا قبل از آن که به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ بی شک او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است.پس به زودی کیفر خود را خواهید دانست.حتماً دست ها و پاهایتان را از چپ و راست قطع خواهم کرد،و همگیِ شما را به دار خواهم آویخت.

ساحران گفتند:باکی نیست،ما به سوی پروردگار خود بازمی گردیم.

ما امید داریم که پروردگارمان خطاهای ما را ببخشد،چرا که ما نخستین ایمان آورندگان هستیم.

نکته ها:

همین که ساحران معجزه ی موسی را دیدند،به خاک افتادند و سجده کردند،در این جا فرعون برای عوام فریبی به تحلیلی دست زد و گفت:این یک توطئه ی از پیش ساخته است، شما شاگرد موسی بوده اید و این خیمه شب بازی را برای سقوط من به راه انداخته اید.غافل از آن که ساحران در کشور پراکنده بودند و دستشان به موسی نمی رسید تا شاگردش باشند، علاوه بر این که آنان به عزّت فرعون سوگند پیروزی خورده بودند.

در بعضی تفاسیر می خوانیم:فرعون دست و پای ساحران را قطع کرد و به درختان خرمای بلند آویخت و حضرت موسی بر آنان می گریست.

پیام ها

۱ در نظام طاغوتی،مردم آزادی عقیده ندارند. «آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ» ۲ طاغوت ها می خواهند حتّی بر افکار مردم مسلّط باشند. «قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ» ۳ دروغگو کم حافظه است. «لَمَجْنُونٌ عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ» ۴ بدترین شکنجه ای که قدرت،کارایی و توازن انسان را می گیرد،قطع دست و

پـا از چپ و راست است. «مِنْ خِلاٰفٍ» ۵ به طـاغوت ها اطمینان نکنیـد،آنان همه را برای خودشان می خواهنـد.(فرعون ساعتی پیش وعده داده بود که شما از مقرّبین خواهید بود و اکنون همه را به قتل تهدید می کند). «لَأُصَلِّبَنَّكُمْ» ۶ یکی از آثار ایمان به معاد،شـجاعت در برابر طاغوت هاست. «لاٰ ضَيْرَ» ۷ ایمـان به معاد،افق روشن برای آینـده است. «إِنّٰا إِلىٰ رَبِّنٰا مُنْقَلِبُونَ» ۸ شهادت در راه خدا،ضـرر و هلاکت نیست. «لاٰ ضَيْرَ» ۹ کسـی که ایمانش بر اساس شـناخت باشد،متزلزل نمی شود. «لاٰ ضَيْرَ» (ساحران که معجزه را شناختند،در برابر تهدیدات فرعون استقامت کردند).

۱۰ هم سِحر گناه است و هم در استخدام فرعون ها درآمدن. «خَطٰايٰانٰا» ۱۱ طمع در مادّیات،منفی ولی در معنویّات،مثبت است. «نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنٰا» ۱۲ بخشـش،از شئون ربوبیّت الهی است. «يَغْفِرَ لَنٰا رَبُّنٰا» ۱۳ آرزوی عفو بایـد با بازگشت واقعی همراه باشد. «آمَنّٰا نَطْمَعُ» ۱۴ سـابقه و پیشـگامی در ایمـان،یـک فضـیلت اسـت. «أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» ۱۵ حسـن عـاقبت،بزرگ ترین سـعادت است.کسـانی که تمـام عمرشـان در انحراف بودنـد،بـا جرقّه ای در یـک لحظه دگرگون شـده «إِنّٰا إِلىٰ رَبِّنٰا مُنْقَلِبُونَ» و از اوّلین مؤمنان شدند. «كُنّٰا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» ۱۶ توطئه،توطئه گر را رسوا می کند.(فرعون با سـرمایه گزاری بسیار،ساحران را دعوت کرد تا موسی را رسوا کنند،ولی با ایمان آوردن ساحران،فرعون خود رسوا شد). «كُنّٰا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۵۲ تا ۵۳]

اشاره

وَ أَوْحَيْنٰا إِلىٰ مُوسىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبٰادِي إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ (۵۲) فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي اَلْمَدٰائِنِ حٰاشِرِينَ (۵۳)

و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه(از مصر)کوچ ده،زیرا شما تعقیب خواهید شد.

ص: ۳۱۶

پس فرعون(از این حرکت آگاه شد و)به شهرها مأمور فرستاد تا مردم را گردآورند.

نکته ها:

کار حضرت موسی به سه بخش تقسیم می شود:

بخش اوّل،دعوت فرعون و اظهار معجزه بود.

بخش دوّم،گرویدن ساحران به او و فراز و نشیب های گوناگون بود.

بخش سوّم،حرکت دادن طرفداران و مؤمنین و تعقیب آنها از سوی فرعون و کفّار بود که به عبور مؤمنین از دریا و غرق شدن کفّار انجامید.

در کلمه ی«حشر»،معنای برانگیختن و سوق دادن و جمع کردن نهفته است.

بنی اسرائیل برای فرعونیان منافعی داشتند که فرعون از مهاجرت آنان جلوگیری می کرد و حضرت موسی مأمور شد تا شبانه آنها را از مصر کوچ دهد.

پیام ها

۱ بعد از نپذیرفتن استدلال،نوبت قهر الهی است که با فرمان کوچ دادن به موسی و تعقیب فرعونیان شروع و با غرق و هلاکت آنان خاتمه می یابد. «وَ أَوْحَيْنا إِلىٰ مُوسىٰ أَنْ أَسْرِ» ۲ تمام حرکات انبیا حتّی زمان هجرت،از طریق وحی بوده است. «أَوْحَيْنا» ...

۳ برای مبارزه با فرعون،از تاریکی شب نیز استفاده کنید. «أَسْرِ» ۴ یا جامعه فاسد را اصلاح کنیم و یا از آن فاصله گرفته و هجرت کنیم. «أَسْرِ» ۵ انبیا تنها پند و اندرز نمی دهند،ایجاد نهضت های بزرگ و رهبری آنها از کارهای دیگر آنان است. «أَسْرِ بِعِبادِی» ۶ یکی از مراحل نهی از منکر،هجرت از جامعه ی فاسد است. «أَسْرِ بِعِبادِی» ۷ خداوند بندگان خود را از مهلکه نجات می دهد. «أَسْرِ بِعِبادِی»

ص: ۳۱۷

۸ طاغوت ها دست به شایعه پراکنی و تبلیغات منفی در شهرها می زنند. «فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِی الْمَدائِنِ حاشِرِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۵۴ تا ۶۰]

اشاره

إِنَّ هؤُلاءِ لَشِرْذِمَهٌ قَلِیلُونَ (۵۴) وَ إِنَّهُمْ لَنا لَغائِظُونَ (۵۵) وَ إِنّا لَجَمِیعٌ حاذِرُونَ (۵۶) فَأَخْرَجْناهُمْ مِنْ جَنّاتٍ وَ عُیُونٍ (۵۷) وَ کُنُوزٍ وَ مَقامٍ کَرِیمٍ (۵۸) کَذلِکَ وَ أَوْرَثْناها بَنِی إِسْرائِیلَ (۵۹) فَأَتْبَعُوهُمْ مُشْرِقِینَ (۶۰)

(تبلیغات فرعونیان درباره ی موسی و یارانش این بود:)همانا اینها گروهی اندکند

که نسبت به ما خشم و نفرت دارند،

ولی ما همگی آماده ی دفاع هستیم.

لذا آنان را(به گمان تعقیب بنی اسرائیل)،از باغ ها و چشمه ها

و گنج ها و جایگاه نیکو(و قصرهای مجلّل)،بیرون کردیم.

(تدبیر ما)این چنین بود که(بعد از غرق کردن فرعونیان،)بنی اسرائیل را وارث آنها قرار دهیم.

پس هنگام طلوع خورشید،سپاه فرعون به تعقیب آنان برخاستند.

نکته ها:

کلمه ی «لَشِرْذِمَهٌ» به معنای گروهی محدود است که از اصل جدا شده باشد.فرعون در تبلیغات خود،مخالفان را گروه کوچکی معرّفی می کرد.امّا در تفاسیر از ابن عباس روایت کرده اند:افرادی که با حضرت موسی حرکت کردند حدود ۶۰۰۰۰۰ نفر بوده اند،و فرعون به این جمعیّت زیاد می گوید: «إِنَّ هؤُلاءِ لَشِرْذِمَهٌ قَلِیلُونَ» (۱)کلمه ی «حاذِرُونَ » از«حذر»به معنای وسیله ی دفاعی است،بنا بر این «إِنّا لَجَمِیعٌ حاذِرُونَ » یعنی همه ی ما برای انتقام آماده و مسلّح هستیم.

فرعونیان در تبلیغات،خود را گروهی متّحد می دانستند، «إِنّا لَجَمِیعٌ حاذِرُونَ » ولی

۱- ۱) .تفاسیر مجمع البیان و کبیر فخر رازی.

بنی اسرائیل را «قَلِیلُونَ » می خواندند،نه«قلیله»،یعنی آنان گروه گروه بوده و با هم متّحد و منسجم نیستند و ما خیلی زود آنها را قلع و قمع می کنیم.غافل از آنکه انسجام آنان به قدری است که با یک اشاره و فرمان حضرت موسی،همگی شبانه هجرت کردند.

پیام ها

۱ طاغوت ها حرکت های مردمی را ناچیز می انگارند. «لَشِرْذِمَةٌ قَلِیلُونَ» ۲ منحرف کردن افکار مردم،شیوه ای طاغوتی است. «لَشِرْذِمَةٌ قَلِیلُونَ» ۳ طاغوت ها بدانند که مورد تنفّرند. «وَ إِنَّهُمْ لَنا لَغائِظُونَ» ۴ بغض و خشم نسبت به طاغوت ها و تبرّی از آنان،لازمه ی ایمان به خداست.

«وَ إِنَّهُمْ لَنا لَغائِظُونَ»

۵ کاخ ها ابدی نیست،ظلم کلید زوال قدرت است. «فَأَخْرَجْناهُمْ» ...

۶ فرعونیان در مصر دارای تمدّن بودند. «وَ کُنُوزٍ وَ مَقامٍ کَرِیمٍ» ۷ یکی از سنّت های الهی،جایگزین کردن مستضعفان به جای مستکبران است.

«کَذلِکَ وَ أَوْرَثْناها بَنِی إِسْرائِیلَ»

۸ ثروت ها،کاخ ها و باغ های فرعونیان،به بنی اسرائیل رسید. «أَوْرَثْناها» ۹ خروج فرعونیان به دنبال بنی اسرائیل،یک تدبیر الهی برای غرق شدن آنان بود. «فَأَخْرَجْناهُمْ فَأَتْبَعُوهُمْ مُشْرِقِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۶۱ تا ۶۲]

اشاره

فَلَمّا تَراءَا الْجَمْعانِ قالَ أَصْحابُ مُوسی إِنّا لَمُدْرَکُونَ (۶۱) قالَ کَلاّ إِنَّ مَعِی رَبِّی سَیَهْدِینِ (۶۲)

پس زمانی که دو گروه همدیگر را دیدند،یاران موسی گفتند:(ما به دام افتادیم و)آنان به ما دست خواهند یافت.

موسی به آنان گفت:چنین نیست،قطعاً پروردگارم با من است و مرا هدایت خواهد کرد.

نکته ها:

«تَرٰاءَا »

به معنای یکدیگر را دیدن و «الْجَمْعٰانِ » به معنای دو گروه است.

شاید آوردن «أَصْحٰابُ مُوسیٰ » به جای بنی اسرائیل،رمز آن باشد که حتّی یاران نزدیک موسی از اینکه دریا در جلو و سپاه فرعون در تعقیب آنان هستند،دغدغه ها داشتند.

گرچه هر حرکت و قیام و تصمیمی،شناخت و بصیرت لازم دارد،ولی لازم نیست انسان در گام اوّل نسبت به تمام مراحل آگاهی داشته باشد.چنان که حضرت موسی تا لحظه ای که دریا را در جلو و دشمن را پشت سر خود دید خبر از برنامه نداشت،امّا ایمان به هدایت الهی همواره در او بود.و لذا فرمود: «إِنَّ مَعِی رَبِّی سَیَهْدِینِ»

پیام ها

۱ رهبران آسمانی،در بحران ها دلی آرام دارند و مایه ی آرامش دیگران نیز هستند. «کَلاّٰ إِنَّ مَعِی رَبِّی» ۲ به وعده های الهی یقین داشته باشیم.(خداوند در آیه ی ۱۵ این سوره به موسی فرمود: «إِنّٰا مَعَکُمْ مُسْتَمِعُونَ » ،در این آیه موسی به مردم می گوید:خداوند وعده داد و او با ماست). «کَلاّٰ إِنَّ مَعِی رَبِّی» ۳ هنگام برخورد با دشمن،(حتّی زمانی که در یک طرف دریا و در طرف دیگر سپاه دشمن است،)مأیوس نشوید و به خدا توکّل کنید. «إِنَّ مَعِی رَبِّی» ۴ پیامبران واسطه ی فیض و رحمت خداوند می باشند. «إِنَّ مَعِی رَبِّی سَیَهْدِینِ» (با توجّه به اینکه هدایت پیامبر،واسطه ای برای هدایت مردم است) ۵ انبیا تحت حمایت ویژه ی خداوند هستند. «إِنَّ مَعِی رَبِّی» ۶ هدایت از شئون ربوبیّت است. «رَبِّی سَیَهْدِینِ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۶۳ تا ۶۸]

اشاره

فَأَوْحَیْنٰا إِلیٰ مُوسیٰ أَنِ اِضْرِبْ بِعَصٰاکَ اَلْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَکٰانَ کُلُّ فِرْقٍ کَالطَّوْدِ اَلْعَظِیمِ (۶۳) وَ أَزْلَفْنٰا ثَمَّ اَلْآخَرِینَ (۶۴) وَ أَنْجَیْنٰا مُوسیٰ وَ مَنْ مَعَهُ أَجْمَعِینَ (۶۵) ثُمَّ أَغْرَقْنَا اَلْآخَرِینَ (۶۶) إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَةً وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ (۶۷) وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ اَلْعَزِیزُ اَلرَّحِیمُ (۶۸)

ص: ۳۲۰

پس(به دنبال این تلاقی،)به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا بزن.دریا شکافت و هر پاره ای مثل کوهی بزرگ گردید.

آن گاه گروه دیگر (لشکر فرعون)را به آنجا نزدیک کردیم.

و موسی و هر که را با او بود،همگی را(از دریا عبور و)نجات دادیم.

سپس گروه دیگر را غرق ساختیم.

البتّه در این ماجرا،(عبرت و)نشانه ی روشنی است و بیشتر آنان ایمان آورنده نبودند.

و همانا پروردگارت شکست ناپذیر و مهربان است.

نکته ها:

کلمه ی«انفلاق»به معنای شکافته شدن، «فِرْقٍ » به معنای قطعه و«طود»به معنای کوه می باشد.گویا در اثر شکافته شدن رود بزرگ نیل که همچون دریاست،آب در دو طرف خشکیِ ایجاد شده چنان روی هم انباشته شد که همانند دو کوه بلند گردید.

پیام ها

۱ کارهای انبیا با اراده ی پروردگار و وحی الهی است. «فَأَوْحَيْنا» ...

۲ خداوند کارهایی را به دست اولیای خود انجام می دهد تا مردم به آنان توجّه کنند و از آنان اطاعت نمایند. «فَأَوْحَيْنا إِلى مُوسى أَنِ اضْرِبْ» (آری،طبیعت و مظاهر آن،با اراده ی خداوند در اختیار بندگان خاصّ و مقهور آنان است.) ۳ با اراده ی خداوند،یک عصا روزی اژدها می شود و سبب ترس دشمنان می گردد و یک روز کلید رحمت و باز شدن راه برای مؤمنان می شود.

۴ با اراده ی خداوند،یک عصا گاهی سبب جوشیدن آب از زمین است: «اضْرِبْ

بِعَصٰاکَ الْحَجَرَ» (۱)و گاهی سبب خشک شدن دریا. «اضْرِبْ بِعَصٰاکَ الْبَحْرَ» ۵ همه ی هستی و فعل و انفعالات آن،با اراده ی خداونـد است. «فَأَوْحَیْنٰا أَزْلَفْنٰا- أَنْجَیْنٰا أَغْرَقْنٰا» ۶ نجـات و رسـتگاری در سایه ی همراهی با انبیاست. «أَنْجَیْنٰا مُوسیٰ وَ مَنْ مَعَهُ» ۷ خداوند یاران خود را در سـخت ترین شـرایط از بن بست نجات می دهد. «أَنْجَیْنٰا مُوسیٰ وَ مَنْ مَعَهُ» ۸ شکافته شدن دریا و غرق شـدن فرعونیـان،نشـانه ی قـدرت و قهر الهی و مایه ی پنـد است. «إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَةً» ۹ سـنّت الهی در طول تاریـخ،یاری حقّ و سرکوب باطـل است. «لَآیَةً» آری، نشانه و عبرت بودن یک حادثه،زمانی است که آن حادثه یا مشابه آن در طول تاریـخ تکرار شدنی باشد.

۱۰ خداوند با بیان تاریخ گذشـتگان،به پیامبر اسـلام دلداری و درس صبر می دهد. «مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ» ۱۱ پندپذیران کم هستند. «لَآیَةً وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ» ۱۲ پیامبر اسـلام تحت حمایت ویژه ی خداوند است. «رَبَّکَ» (خطاب به پیامبر است که همـان گونه که مـا مخالفـان موسـی را نـابود کردیم،بـا همـان عزّت و قـدرت می توانیم مخالفان تو را نیز نابود کنیم.) ۱۳ کفر مردم،ضرری به عزّت خداوند نمی زند. «مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» ۱۴ مربّی،هم باید قدرتمند باشد و هم مهربـان. «إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» ۱۵ مهلتی که خداونـد به کفّار می دهـد از ضـعف و ناتوانی نیست،بر اساس مهر و رحمت است تا شاید توبه کنند. «الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ»

ص: ۳۲۲

۱- ۱) .بقره،۶۰.

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۶۹ تا ۷۶]

اشاره

وَ اُتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرٰاهِيمَ (۶۹) إِذْ قٰالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مٰا تَعْبُدُونَ (۷۰) قٰالُوا نَعْبُدُ أَصْنٰاماً فَنَظَلُّ لَهٰا عٰاكِفِينَ (۷۱) قٰالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ (۷۲) أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ (۷۳) قٰالُوا بَلْ وَجَدْنٰا آبٰاءَنٰا كَذٰلِكَ يَفْعَلُونَ (۷۴) قٰالَ أَ فَرَأَيْتُمْ مٰا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (۷۵) أَنْتُمْ وَ آبٰاؤُكُمُ اَلْأَقْدَمُونَ (۷۶)

(ای پیامبر!)سرگذشت ابراهیم را بر مردم بخوان.

آن گاه که به پدرش (عمویش آذر)و قومش گفت:شما چه می پرستید؟

گفتند:بت هایی را می پرستیم که همواره ملازم آنهاییم.

ابراهیم گفت:آیا هر گاه آنها را می خوانید(یا دعا می کنید)سخن شما را می شنوند؟

یا به شما سود و زیانی می رسانند؟

بت پرستان گفتند:(نه)بلکه پدرانمان را یافتیم که این گونه(پرستش) می کردند.

ابراهیم گفت:آیا در آنچه می پرستید اندیشه و نگاه(عمیق) کرده اید؟

شما و پدران پیشین شما(دقّت کرده اید)؟

نکته ها:

بعد از حضرت موسی که نامش بیش از ۱۳۰ مرتبه در قرآن آمده،نام حضرت ابراهیم،بیش از دیگر پیامبران در قرآن آمده است.

بر اساس روایات مراد از کلمه ی«أب»در این آیه،آذر عموی ابراهیم است.زیرا امکان ندارد که پدرِ پیامبری همچون ابراهیم کافر باشد.از نظر لغت نیز به مربّی و جدّ و پدر زن نیز «أَب»گفته می شود.در آیه ۱۳۳ سوره بقره می خوانیم که فرزندان یعقوب به پدرشان گفتند:

«نَعْبُدُ إِلٰهَكَ وَ إِلٰهَ آبٰائِكَ إِبْرٰاهِيمَ وَ إِسْمٰاعِيلَ وَ إِسْحٰاقَ» با اینکه یعقوب فرزند اسحاق است،در این آیه هم به جدّ(ابراهیم)و هم به عمو(اسماعیل)،أَب گفته است.

تقلید از اهل علم و دانشمندان،گاهی وسیله ی تکامل و رشد و ترقّی است؛

«فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»

(۱)

و «فَبِهُداهُمُ اقْتَدِهْ» ... (۲)ولی از عوام وسیله ی تحجّر و جمود است. «بَلْ وَجَدْنا آباءَنا» زیرا پایبندی بی چون و چرا به سنّت ها و آداب ملّی و قومی،سبب تخدیر جامعه و سدّ راه فکر و نوآوری و مانع شناخت حقیقت است.

چون حضرت ابراهیم مورد ستایش همه ی گروه های یهودی و مسیحی است،بیان تاریخ او برای اهل کتاب زمان پیامبر و همچنین مسلمانان،درس آموز خواهد بود.

کلمه ی «فَرَأَيْتُمْ » از ریشه ی«رأی»و«رؤیت»است.بنا بر این«رأیتم»هم شامل دیدن با چشم می شود و هم نگریستن با عقل.

پیام ها

۱ پیامبر اسلام مأمور حفظ تاریخ انبیای قبل از خود است. «وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ» ۲ سرگذشت حضرت ابراهیم(علیه السلام)مهم و مفید است.(«نَبَأَ » ،به خبر مهم گویند) ۳ سنّت ها و قوانین حاکم بر تاریخ،ثابت است.بنا بر این تاریخ دیروز می تواند برای امروز درس باشد. «وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْراهِيمَ» ۴ در نهی از منکر،از خودی ها شروع کنیم. «لِأَبِيهِ» ۵ در نهی از منکر،سن شرط نیست. «قالَ لِأَبِيهِ» ۶ در نهی از منکر،قدرت شرط نیست. «قالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ» (با توجّه به اینکه آن زمان حضرت ابراهیم در شرایطی بود که عمویش او را طرد کرد.) ۷ در نهی از منکر،از تنهایی نترسید. «قالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ» ۸ در دفاع از حقّ،مراعات فامیل را نکنید. «قالَ لِأَبِيهِ» ۹ خداوند با بیان این که نزدیک ترین بستگان ابراهیم بت پرست بودند و از او اطاعت نکردند،پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)را دلداری می دهد. «لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ- نَعْبُدُ أَصْناماً» ۱۰ در شیوه ی تبلیغ،وجدان ها را با سؤال بیدار کنید. «ما تَعْبُدُونَ» (با آنکه ابراهیم(علیه السلام)می دید که آنها چه چیزهایی را می پرستند،ولی برای اینکه آنان را

۱- ۱) .نحل،۴۳؛انبیاء،۷.

۲- ۲) .انعام،۹۰.

به تفکّر وادار کند و وجدانشان را بیدار نماید،از آنان پرسش نمود.) ۱۱ انسان،موجودی است پرستش گر،اگر حقّ را پرستش نکند به باطل رو خواهد کرد. «مٰا تَعْبُدُونَ نَعْبُدُ أَصْنٰاماً» ۱۲ قرآن کریم در نقل تاریخ،نقاط حساس و سازنده را مطرح می کند. «مٰا تَعْبُدُونَ» (قرآن در مطالبی که از تاریخ نقل می کند،به تعداد و نام و زمان و مکان اشاره ندارد،بلکه پیام و محتوای عبرت انگیز را بیان می کند.) ۱۳ در نهی از منکر،از منکرات مهم شروع کنید. «مٰا تَعْبُدُونَ» (آری مهم ترین منکر،شرک به خداوند است.) ۱۴ هر عبادتی ارزش ندارد،نوع معبود و مقدار شعور مهم است. «نَعْبُدُ أَصْنٰاماً» ۱۵ پرستش،یک خواست لحظه ای نیست،بلکه در عمق جان انسان ریشه دارد.

«عٰاکِفِینَ»

۱۶ بدتر از انحراف،افتخار به انحراف است. «فَنَظَلُّ لَهٰا عٰاکِفِینَ» («فَنَظَلُّ » یعنی همیشه بت می پرستیم و «عٰاکِفِینَ » یعنی بر پرستش آن ملازم هستیم.) ۱۷ استدلال و منطق،اوّلین گام تبلیغ است. «هَلْ یَسْمَعُونَکُمْ أَوْ یَنْفَعُونَکُمْ» ۱۸ انگیزه ی پرستش،یا خیررسانی است،یا دفع شرّ و بت ها هیچ یک را ندارند.

«یَنْفَعُونَکُمْ أَوْ یَضُرُّونَ»

۱۹ با افراد عادّی،استدلال روشن و قابل فهم داشته باشید. «هَلْ یَسْمَعُونَکُمْ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ یَنْفَعُونَکُمْ أَوْ یَضُرُّونَ» ۲۰ در عقاید،تقلید ممنوع است. «وَجَدْنٰا آبٰاءَنٰا» ۲۱ گاهی آداب و رسوم نیاکان،مانعی بر راه عقل و منطق است. «وَجَدْنٰا آبٰاءَنٰا» ۲۲ سابقه،دلیل حقّانیّت نیست. «وَجَدْنٰا آبٰاءَنٰا» ۲۳ بت پرستان نیز بی اثر بودن بت ها را باور دارند،فقط گرفتار نیاکان خود هستند. «بَلْ وَجَدْنٰا آبٰاءَنٰا» ۲۴ تعصّب و قوم گرایی ممنوع است. «وَجَدْنٰا آبٰاءَنٰا»

ص :۳۲۵

۲۵ جهل و ساده اندیشی،بستر و زمینه ی انحراف است. «أَ فَرَأَيْتُمْ مٰا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ» (شرك مبنای علمی و برهانی ندارد) ۲۶ تدبّر و تعقّل برای انسان،یک ضرورت است. «أَ فَرَأَيْتُمْ مٰا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ» ۲۷ مناظره،بحث و احتجاج،میان افکار گوناگون لازم است. «أَ فَرَأَيْتُمْ مٰا كُنْتُمْ» ...

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۷۷ تا ۸۲]

اشاره

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلاّٰ رَبَّ اَلْعٰالَمِينَ (۷۷) اَلَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ (۷۸) وَ اَلَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِ (۷۹) وَ إِذٰا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (۸۰) وَ اَلَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ (۸۱) وَ اَلَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ اَلدِّينِ (۸۲)

البتّه این بت ها دشمن من هستند(و من دشمن آنها)،مگر پروردگار جهانیان(که محبوب من است).

همان پروردگاری که مرا آفرید و همو راهنماییم می کند.

او که مرا(هنگام گرسنگی)طعام می دهد و(هنگام تشنگی)سیرابم می نماید.

و هر گاه بیمار شوم،همو مرا شفا می بخشد.

او کسی است که مرا می میراند،سپس زنده ام می کند.

او کسی است که امید دارم روز جزا خطاهای مرا ببخشد.

نکته ها:

جز خدایی که ربّ العالمین است،همه ی معبودها دشمن ما می شوند،زیرا بت ها در قیامت به سخن در آمده،علیه بت پرستان شکایت خواهند کرد.چنان که قرآن می فرماید: «كَلاّٰ سَيَكْفُرُونَ بِعِبٰادَتِهِمْ وَ يَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» (۱)روز قیامت بت ها از بت پرستان تنفّر

۱- ۱) .مریم،۸۲.

می جویند و با آنان ضدّیت دارند و بدین وسیله عداوت آنها روشن می شود. (۱)

خطای انبیا،ترک اولی است،و گرنه خداوند حضرت ابراهیم را با صفاتی مثل برگزیده ستایش نموده است. «إِنّا أَخْلَصْناهُمْ بِخالِصَهٍ ذِکْرَی الدّارِ» (۲)

پیام ها

۱ معبودهای خیالی و دروغین،دشمنان اندیشه،سعادت و تکامل بشریّت هستند. «عَدُوٌّ لِی» ...

۲ ابتدا باید به جهان و جهان آفرین توجّه کرد و سپس توجّه به خویشتن. «رَبَّ الْعالَمِینَ خَلَقَنِی» ۳ در شیوه ی تبلیغ،گاهی لازم است خود را به جای دیگران قرار دهیم. «عَدُوٌّ لِی» و نفرمود:«عدو لکم» ۴ آفرینش انسان از بزرگ ترین الطاف الهی است. «الَّذِی خَلَقَنِی» ۵ کسی حقّ هدایت دارد که آفریده باشد. «خَلَقَنِی فَهُوَ یَهْدِینِ» زیرا تدبیر و هدایت از آفرینش جدا نیست.

۶ آفریدن و هدایت کردن،نشانه ی آن است که او ما را دوست دارد،نه بت ها.

«عَدُوٌّ لِی إِلاّ رَبَّ الْعالَمِینَ اَلَّذِی خَلَقَنِی فَهُوَ یَهْدِینِ»

۷ هدایت،از شئون ربوبیّت است. «رَبَّ الْعالَمِینَ فَهُوَ یَهْدِینِ» ۸ نعمت هدایت(بعد از خلقت)،بزرگ ترین نعمت هاست. «خَلَقَنِی فَهُوَ یَهْدِینِ» ۹ آفریدن یک بار است،ولی هدایت در هر لحظه و همیشه است.(«خَلَقَنِی » به صورت ماضی و «یَهْدِینِ » به صورت مضارع و استمرار آمده است) ۱۰ سیر شدن و سیراب شدن انسان،کار خداست.آب و نان وسیله است.

«یُطْعِمُنِی وَ یَسْقِینِ»

۱۱ توجّه به نعمت های معنوی،بر توجّه به نعمت های مادّی مقدّم است.ابتدا

۱- ۱) .تفسیر کبیر فخر رازی.

۲- ۲) .ص،۴۶.

فرمود: «فَهُوَ يَهْدِينِ» ...،آن گاه فرمود: «يُطْعِمُنِى وَ يَسْقِينِ» ...

۱۲ در پیدایش بیماری،خود ما مقصّریم. «مَرِضْتُ» و نفرمود:«أمرضنی» ۱۳ شفا از خداست.دارو وسیله است و تأثیر آن نیز به اراده اوست. «فَهُوَ يَشْفِينِ» ۱۴ شفای روح و شفای جسم در کنار هم لازم است. «فَهُوَ يَهْدِينِ فَهُوَ يَشْفِينِ» ۱۵ در سخن و خطابه،آهنگین بودن کلمات یک ارزش است. «يَهْدِينِ يَسْقِينِ- يَشْفِينِ يُحْيِينِ» ۱۶ در جهان بینی الهی،مرگ پایان کار نیست،یکی از مراحل زندگی است.

«يُمِيتُنِى ثُمَّ يُحْيِينِ»

۱۷ همه کاره ی هستی خداست.(توحید افعالی) «يَهْدِينِ يَسْقِينِ يَشْفِينِ يُحْيِينِ» ۱۸ مرگ نیز نعمت است. «وَ الَّذِى يُمِيتُنِى» ...مرگ در ردیف نعمت ها آمده است.

۱۹ هر کجا زمینه شرک وجود دارد،شرک زدایی لازم است.(در نعمت هدایت، اطعام و شفا،سه بار کلمه ی «هُوَ » به کار رفته است،ولی در خلقت و مرگ و حیات،این کلمه به کار نرفته،شاید به این خاطر که خلقت و مرگ را همه به خدا نسبت می دهند و جای شرک نیست،ولی ارشاد و اطعام و شفا به مردم، دارو،پزشک و غذا نسبت داده می شود.لذا قرآن برای زنده نگاه داشتن روحیّه توحید،کلمه ی«هو»را بکار برد،یعنی همه ی کارها بدست اوست).

۲۰ یکی از فلسفه های عبادت،تشکّر از خداوند است.(ابراهیم به عمو و قوم خود فرمود: «مٰا تَعْبُدُونَ» چه چیزی را می پرستید؟ گفتند:بت.حضرت ابراهیم در این آیات،فلسفه ی عبادت خدا را بیان می کند). «خَلَقَنِى يَهْدِينِ- يُطْعِمُنِى يَسْقِينِ يَشْفِينِ يُمِيتُنِى ثُمَّ يُحْيِينِ» ۲۱ هیچ کس از الطاف الهی بی نیاز نیست. «أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ» ...در جایی که حضرت ابراهیم خلیل اللّه خود را نیازمند مغفرت الهی بداند،تکلیف ما روشن است.

۲۲ عفو الهی،فضل اوست نه استحقاق ما. «أَطْمَعُ» آری،به اعمال خود تکیه نکنیم،زیرا ابراهیم نیز به عفو الهی چشم دوخته،نه پاداش کار خود.

۲۳ امید و رجا،یک ارزش است. «أَطْمَعُ» ۲۴ ربوبیّت خداوند سبب دلبستگی به عفو و مغفرت اوست. «رَبَّ الْعالَمِینَ ... أَطْمَعُ أَنْ یَغْفِرَ لِی» ۲۵ طلب مغفرت،شیوه ی انبیاست. «یَغْفِرَ لِی» ۲۶ اگر لطف خاصّ او نباشد،انسان در هر مرحله ای باشد جایز الخطا است.

«خَطِیئَتِی»

۲۷ جلوه ی مبدء و معاد در کلام انبیا آشکار است. «خَلَقَنِی ... یَوْمَ الدِّینِ» ۲۸ نیازهای مادّی و معنوی انسان از آغاز تا پایان زندگی،به دست خداوند است. «خَلَقَنِی ... یَوْمَ الدِّینِ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیه ۸۳]

اشاره

رَبِّ هَبْ لِی حُکْماً وَ أَلْحِقْنِی بِالصّالِحِینَ (۸۳)

(ابراهیم در ادامه ی سخن خود گفت:)پروردگارا! به من حکمت و دانش مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق کن!

نکته ها:

کلمه ی«حکم»می تواند به معنای حکومت و سرپرستی و تدبیر امور باشد و یا به معنای دانش و معرفت.البتّه«حُکم»معنایی برتر از حکمت دارد،زیرا حکمت تنها قدرت تشخیص حقّ از باطل است و حُکم آگاهی همراه با آمادگی برای اجرای حقّ است. (۱)

سعادت انسان در چند جمله خلاصه می شود که در دعای حضرت ابراهیم آمده است:

الف:شناخت خداوند و معرفت درونی نسبت به او. «هَبْ لِی حُکْماً» ب:حضور در جامعه ی صالح. «أَلْحِقْنِی بِالصّالِحِینَ» ج:نام نیک در تاریخ. «لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ» د:رسیدن به بهشت ابدی. «وَرَثَهِ جَنَّهِ النَّعِیمِ»

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

پیام ها

۱ انسان برای رسیدن به کمالات باید از خداوند استمداد کند. «رَبِّ هَبْ لِی» ...

۲ استمداد از نام«ربّ»،در استجابت دعا مؤثّر است. «رَبِّ» ۳ حکمت و بینش همراه با عمل،هدیه ی الهی است. «هَبْ لِی حُکْماً» ۴ قبل از درخواست جدید از خداوند،از نعمت های قبلی نامی ببرید و از او تشکّر کنید. «خَلَقَنِی یَهْدِینِ- یَشْفِینِ یَسْقِینِ وَ ... رَبِّ هَبْ لِی» ۵ اگر حکمت باشد،ولی دوستان انسان نااهل باشند،حکمت کارایی ندارد.

«هَبْ لِی حُکْماً وَ أَلْحِقْنِی»

۶ اگر دید و بینش و تفکّر صحیح بود،رفتار و گفتار و نیّت هم صحیح می شود.

(حکمت به معنای دید و فهم و نظر صحیح است). «حُکْماً» ۷ حکمت نظری،به تنهایی مفید و نجات بخش نیست.حکمت باید با عمل همراه باشد. «هَبْ لِی حُکْماً وَ أَلْحِقْنِی بِالصّالِحِینَ» ۸ برخورداری از حکمت و معرفت در درون و زندگی در جامعه ی صالحان و صالح بودن،بالاترین درجه ی سعادت است. «حُکْماً وَ أَلْحِقْنِی بِالصّالِحِینَ» ۹ حکمت و شناخت و بینش،بر عمل مقدّم است. «هَبْ لِی حُکْماً وَ أَلْحِقْنِی» ۱۰ بهترین دعا را از بهترین افراد بیاموزیم.(بهترین افراد،انبیا هستند و یکی از بزرگ ترین انبیا حضرت ابراهیم(علیه السلام)است که در دعا از خداوند مغفرت،حکمت،نام نیک و حسن عاقبت می خواهد و در آیات دیگر از خداوند،فرزندان خوب و پیروان مسلمان درخواست می کند).

۱۱ حکومت خواهی برای انجام احکام الهی،مطلوب است. «هَبْ لِی حُکْماً» (۱)۱۲ هم انزوا ممنوع است و هم جذب نااهلان شدن. «أَلْحِقْنِی بِالصّالِحِینَ» ۱۳ پیش کسوتان صالح را ارج نهیم. «أَلْحِقْنِی بِالصّالِحِینَ» (نفرمود:از صالحین

۱- ۱) .تفسیر صافی.

باشم،بلکه فرمود:به آنان ملحق شوم.زیرا مقام سابقین برتر است).

۱۴ جامعه ای ارزش دارد که افرادش صالح باشند. «أَلْحِقْنِی بِالصّالِحِینَ» ۱۵ انسان به رفیق خوب محتاج است. «وَ أَلْحِقْنِی بِالصّالِحِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۸۴ تا ۸۵]

اشاره

وَ اجْعَلْ لِی لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ (۸۴) وَ اجْعَلْنِی مِنْ وَرَثَهِ جَنَّهِ النَّعِیمِ (۸۵)

و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده.

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده.

نکته ها:

در آیه ی ۱۰۸ سوره ی صافّات که ماجرای ذبح اسماعیل مطرح شده است می فرماید: «وَ تَرَکْنا عَلَیْهِ فِی الْآخِرِینَ» یعنی قربانی در مراسم حج را یک سنّت واجب قرار دادیم و به خاطر تسلیم بودن ابراهیم،نام نیک برای او به جای گذاشتیم و این گونه دعایش را که می گفت: «وَ اجْعَلْ لِی لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ» ،مستجاب کردیم.

در آیه ی ۵۰ سوره ی مریم نیز به دنبال نام حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب می فرماید:

«وَ جَعَلْنا لَهُمْ لِسانَ صِدْقٍ عَلِیًّا» ما نام بلند و نیکو برای آنان قرار دادیم حضرت علی(علیه السلام)فرمود:نام نیک،از دارایی و سرمایه بهتر است. (۱)

در روایات از لسانِ صدق و یادگار نیک،به وجود مبارک حضرت محمّد(صلوات اللّه علیه) و علی(علیه السلام)تعبیر شده است. (۲)بعضی سخن پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)را که فرمود:«أنا دعوه أبی ابراهیم»یعنی من اثر دعای پدرم ابراهیم هستم.دلیل این نکته دانسته اند.بنا بر این مراد از لسانِ صدق در آیندگان،انبیایی از نسل او هستند که مکتب توحیدی را زنده نگاه داشته اند و این آرزو با مقام پیامبری همچون ابراهیم(علیه السلام)، تناسب بیشتری دارد.

در روایات می خوانیم:هر گاه انسان از دنیا رفت،پرونده ی اعمالش بسته می شود مگر کسی

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .تفسیر کنز الدقائق.

که صدقه ی جاریه ای به جای گذاشته باشد.مانند:وقف یا کتاب مفیدی که از او به جای مانده باشد و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند. (۱)

در روایات آمده است:هر انسانی در بهشت و دوزخ جایگاهی دارد و هنگامی که وارد دوزخ شود،خانهٔ بهشتی او را به دیگران می دهند و آنان وارث می شوند. (۲)

پیام ها

۱ بقای نام مکتب و یادگار نیک را از او بخواهیم. «وَ اجْعَلْ لِی» ۲ ستایشی ارزش دارد که صادقانه باشد،نه از روی تملّق. «لِسانَ صِدْقٍ» ۳ آیندگان را به حساب آورید و قضاوت آیندگان را در نظر بگیرید. «لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ» ۴ اتفاق نظر یهود و نصارا و مسلمین بر عظمت ابراهیم،نمونه ی استجابت دعای اوست. «لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ» ۵ انسان های بزرگ،هم محبوبیّت دنیوی می خواهند و هم سعادت اخروی.

«لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ»

۶ انسان،بعد از مرگ نیز از دعای خیر دیگران و سنّت های حسنه ای که بنا نهاده بهره مند می شود. «لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ» ۷ به طرح های کوتاه مدّت قناعت نکنیم. «لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرِینَ» ۸ نعمت های بهشتی،در برابر اعمال ما موهبتی بی رنج است. «وَرَثَهِ جَنَّهِ النَّعِیمِ» زیرا ارث،به مالی گویند که بدون رنج و تلاش به دست آید.

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۸۶ تا ۸۹]

اشاره

وَ اغْفِرْ لِأَبِی إِنَّهُ کانَ مِنَ الضّالِّینَ (۸۶) وَ لا تُخْزِنِی یَوْمَ یُبْعَثُونَ (۸۷) یَوْمَ لا یَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ (۸۸) إِلاّ مَنْ أَتَی اللّهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ (۸۹)

(ابراهیم در ادامه ی دعاهایش گفت:)پدرم را ببخش که بی شک او از گمراهان است.

۱- ۱) .وسائل،ج ۶،ص ۲۹۳.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین،ج ۲،ص ۳۱.

و روزی که همه مبعوث می شوند،مرا خوار مگردان.

روزی که مال و فرزندان برای انسان نفعی ندارند.

مگر کسی که با روح و قلب پاک به سوی خدا آید.

نکته ها:

مشهور آن است که مراد از پدر،عموی ابراهیم است و به گفته ی قرآن،مؤمن نباید در حقّ کافر دعا کند.بنا بر این اگر حضرت ابراهیم برای عموی کافرش دعا کرد،به خاطر این بود که به او وعده ی دعا داده بود،زیرا هنوز به ایمان آوردن او امید داشت. «سَأَسْتَغْفِرُ لَکَ رَبِّی» (۱)لکن همین که یقین کرد او ایمان نمی آورد،از عموی خود تبرّی جست. «وَ مٰا کٰانَ اسْتِغْفٰارُ إِبْرٰاهِیمَ لِأَبِیهِ إِلاّٰ عَنْ مَوْعِدَهٍ وَعَدَهٰا إِیّٰاهُ فَلَمّٰا تَبَیَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلّٰهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» (۲)روحِ پاک،روحی است که از وابستگی به دنیا و آلودگی به شرک،کفر،نفاق،تکبّر و همه ی امراض قلبی پاک باشد و چون خداوند درباره ی منافقان می فرماید: «فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» پس قلبِ سلیم،قلب مؤمن است.

در حدیث می خوانیم:قلب سلیم،قلبی است که در آن شرک نباشد. (۳)

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)در نمازش این دعا را می خواند:«اللهم لاٰ تخزنی یوم القیامه» پروردگارا! مرا در قیامت خوار و رسوا مکن. (۴)

سؤال:در روایات می خوانیم:انفاق مال و صدقه ی جاریه و اولاد صالحی که برای والدین دعا کنند،برای قیامت انسان مفید هستند،پس رابطه ی آیه ی «لاٰ یَنْفَعُ مٰالٌ وَ لاٰ بَنُونَ» با این روایات چیست؟ پاسخ:مراد این آیه،مال و فرزندی است که در خط الهی قرار نگیرند.

۱- ۱) .مریم،۴۷.

۲- ۲) .توبه،۱۱۴.

۳- ۳) .تفسیر نور الثقلین.

۴- ۴) .تفسیر فرقان.

بنا بر این دنیا مانند کلیدی است که با حرکتی درب را قفل و با حرکت دیگری درب را باز می کند.مال حلال در دست افراد صالح،سبب قرب و در دست نااهلان سبب گناه می شود. مال را کز بهر دین باشی حَمول

پیام ها

۱ محبّت و دعا درباره ی بستگان،همراه با نهی از منکر و انتقاد از اشتباهات آنان باشد. «قٰالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مٰا تَعْبُدُونَ ... وَ اغْفِرْ لِأَبِی» ۲ بند و بست های دنیوی در قیامت بی اثر است و جز قلب پاک،هیچ چیز کارایی ندارد. «خَطِيئَتِی يَوْمَ الدِّينِ ... بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» ۳ بیم و امید باید در کنار هم باشند. «أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِی لاٰ تُخْزِنِی يَوْمَ يُبْعَثُونَ» ۴ انسان در هر مرحله ای که باشد نباید از قیامت غافل باشد. «لاٰ تُخْزِنِی» ...

۵ در قیامت،دیگران نیز از عیوب ما آگاه می شوند. «لاٰ تُخْزِنِی» زیرا رسوایی در جایی است که دیگران از خصوصیّات رفتار و افکار ما آگاه شوند.

۶ خواری و رسوایی،از سخت ترین حالات در قیامت است. «لاٰ تُخْزِنِی» حضرت ابراهیم از میان همه ی مشکلات روز قیامت،رسوا نشدن را مطرح می کند.

۷ در قیامت،تحقیر و خواری و خزیان،بدتر از عذاب دوزخ است. «لاٰ تُخْزِنِی» در جای دیگر می خوانیم: «إِنَّکَ مَنْ تُدْخِلِ النّٰارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ» (۱)۸ آنچه در دنیا ارزش است،در آخرت بی ارزش می شود. «لاٰ يَنْفَعُ مٰالٌ وَ لاٰ بَنُونَ» «مال»جلوه ی مسائل مادّی و«بَنُون»(فرزندان)جلوه ی مسائل عاطفی است، یعنی در قیامت مال و فرزند و مقام و شهرت و مدرک و...نجاتبخش نیست.

ص:۳۳۴

۱- ۱) .بیان السعاده.

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۹۰ تا ۹۵]

اشاره

وَ أُزْلِفَتِ اَلْجَنَّهُ لِلْمُتَّقِینَ (۹۰) وَ بُرِّزَتِ اَلْجَحِیمُ لِلْغاوِینَ (۹۱) وَ قِیلَ لَهُمْ أَیْنَ مٰا کُنْتُمْ تَعْبُدُونَ (۹۲) مِنْ دُونِ اَللّٰهِ هَلْ یَنْصُرُونَکُمْ أَوْ یَنْتَصِرُونَ (۹۳) فَکُبْکِبُوا فِیهٰا هُمْ وَ اَلْغٰاوُونَ (۹۴) وَ جُنُودُ إِبْلِیسَ أَجْمَعُونَ (۹۵)

و(آن روز)بهشت برای پرهیزکاران نزدیک گردد.

و آتش برافروخته برای گمراهان نمودار شود.

و به آنان گفته شود:کجاست آنچه می پرستیدید؟

به جای خداوند،آیا یاریتان می کنند یا از خود دفاع توانند کرد؟

پس همه ی معبودان و عابدان گمراه به دوزخ سرنگون شوند.

و لشکریان ابلیس نیز همگی(به دوزخ افکنده شوند).

نکته ها:

«أُزْلِفَتِ»

به معنای نزدیک شـدن و «بُرِّزَتِ» از«بروز»،به معنای ظاهر شـدن است.«غاوین» از«غواء»شـرّ و جهلی را گویند که از فساد عقیده است.«کب»به معنای از صورت به زمین خوردن و«کبکب»یعنی پی در پی از صورت به زمین خوردن،گویا دوزخیان پی در پی سقوط می کنند و به دوزخ می افتند،نظیر سنگی که از چند پلّه بیفتد،که در هر پلّه ای یک بار به زمین می خورد.

امام باقر و امام صادق(علیهما السـلام)فرمودند:کسانی که از عدل سـخن می گویند،ولی در عمل عادل نیسـتند،مصداق این آیه هسـتند: «فَکُبْکِبُوا فِیهٰا هُمْ وَ الْغٰاوُونَ» (۱)صاحب تفسـیر أطیب البیان،مراد از نزدیک شـدن بهشت و نمودار شـدن دوزخ را،باز شدن دربِ بهشت به قبر مؤمن و دربِ دوزخ به قبر کافر می داند.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

پیام ها

۱ مقام مؤمنِ پرهیزکار،از بهشت بالاتر است.لذا بهشت را برای او حاضر می کنند. «أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ» آری،کسی که در دنیا از گناه فاصله گرفت،در قیامت بهشت با آن عظمت را به استقبالش می آورند.

۲ وعده ی خداوند بر وعید او مقدّم است. «أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ» ۳ دیدن دوزخ و وسیله های عذاب،خود نوعی شکنجه برای دوزخیان است.

«بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ»

۴ سرزنش،یکی از عذاب های روحی قیامت است. «قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مٰا كُنْتُمْ» ...

۵ اعتقادات انسان،در سرنوشت او نقش مهمّی دارند. «قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مٰا كُنْتُمْ» ۶ در قیامت،از عقاید و افکار سؤال می شود. «قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مٰا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ» ۷ روحیّه ی پرستش،در همه ی انسان ها هست،گرچه در بعضی از آنان به انحراف کشیده می شود. «أَيْنَ مٰا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ» ۸ هم معبودهای خیالی به دوزخ می روند وهم عابدهای گمراه. «هُمْ وَ الْغٰاوُونَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آيات ۹۶ تا ۹۹]

اشاره

قٰالُوا وَ هُمْ فِيهٰا يَخْتَصِمُونَ (۹۶) تَاللّٰهِ إِنْ كُنّٰا لَفِي ضَلاٰلٍ مُبِينٍ (۹۷) إِذْ نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ اَلْعٰالَمِينَ (۹۸) وَ مٰا أَضَلَّنٰا إِلاَّ اَلْمُجْرِمُونَ (۹۹)

و آنان در دوزخ در حالی که با هم مشاجره می کنند،(به معبودهای خود) می گویند:

به خدا سوگند که همانا ما در گمراهی آشکاری بودیم.

چون شما(بت ها و معبودها)را با پروردگار جهانیان برابر می دانستیم.

و جز تبهکاران،ما را گمراه نکردند.

نکته ها:

بر خلاف فضای بهشت که تمام آن سِلم و سلامت است،فضای دوزخ همیشه پراز ملامت، خصومت و لعنت است:نفرین رهروان به رهبران فاسد،ملامت گناهکاران نسبت به

شیطان،تنفّر معبودها از مشرکین و تبریِ مجرمین از یکدیگر که درباره ی این موارد،آیات فراوانی در قرآن به چشم می خورد.

پیام ها

۱ در میان دوزخیان،جدال و جرّ و بحث و مخاصمه وجود دارد.(مشرکان با معبودهایشان همواره درگیرند). «يَخْتَصِمُونَ» ۲ در قیامت،عشق های نامقدّس و غیر الهی،به کینه تبدیل می شود. «يَخْتَصِمُونَ» در سوره زخرف آیه ۶۷ می خوانیم: «الْأَخِلاّءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقِينَ» ۳ در قیامت،وجدان ها بیدار می شوند. «إِنْ كُنّا لَفِي ضَلالٍ» ۴ هر کس و هر چیز را در کنار خدا قرار دهیم،شرک ورزیده ایم. «إِذْ نُسَوِّيكُمْ» (به نام خدا و به نام خلق،مصداق «نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعالَمِينَ» است.

۵ در قیامت،هر کسی تقصیر را به گردن دیگری می اندازد. «وَ ما أَضَلَّنا إِلاَّ الْمُجْرِمُونَ» ۶ در قیامت مشرکان از رهبران خود شکایت دارند. «وَ ما أَضَلَّنا إِلاَّ الْمُجْرِمُونَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۰۰ تا ۱۰۴]

اشاره

فَما لَنا مِنْ شافِعِينَ (۱۰۰) وَ لا صَدِيقٍ حَمِيمٍ (۱۰۱) فَلَوْ أَنَّ لَنا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ (۱۰۲) إِنَّ فِي ذلِكَ لَآيَةً وَ ما كانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۰۳) وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ اَلْعَزِيزُ اَلرَّحِيمُ (۱۰۴)

در نتیجه(امروز)برای ما نه شفیعانی وجود دارد

و نه حتّی یک دوست صمیمی.

پس اگر برای ما بازگشتی(به دنیا)بود،از مؤمنان می شدیم.

حقّاً که در این(سرگذشت)درس عبرت و نشانه ای است،ولی بیشترشان ایمان آورنده نبودند.

البتّه،پروردگار تو همان توانای مهربان است.

ص: ۳۳۷

نکته ها:

در تفسیر مجمع البیان،روایاتی نقل شده که امامان معصوم(علیهم السلام)سوگند یاد کرده اند که شیعیان را شفاعت کنند.

امام صادق(علیه السلام)فرمود:مؤمن در آن روز برای اهل بیت خود شفاعت می کند. (۱)

امام صادق(علیه السلام)فرمود:به خدا قسم،روز قیامت ما شیعیان خود را چنان شفاعت کنیم که صدای منحرفان بلند شود: «فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِینَ وَ لاٰ صَدِیقٍ حَمِیمٍ» (۲)پیامبر(صلوات اللّه علیه)فرمود:در قیامت قرآن،فامیلِ مؤمن،پیامبر و اهل بیت(علیهم السلام)شفاعت می کنند. (۳)

پیام ها

۱ در قیامت شفاعت قطعی است،امّا گروهی از جمله مشرکین از آن بهره مند نمی شوند. «إِذْ نُسَوِّیکُمْ بِرَبِّ الْعٰالَمِینَ ... فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِینَ» ۲ دوستی با گنهکاران در دنیا،در قیامت حاصلی ندارد. «وَ لاٰ صَدِیقٍ حَمِیمٍ» ۳ انسان حتّی در قیامت به دوست خوب نیازمند است. «وَ لاٰ صَدِیقٍ حَمِیمٍ» ۴ شرط دریافت شفاعت،ایمان است. «فَمٰا لَنٰا مِنْ شٰافِعِینَ فَلَوْ أَنَّ لَنٰا کَرَّةً فَنَکُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ» ۵ روز قیامت،روز حسرت است. «فَلَوْ أَنَّ لَنٰا کَرَّةً» ۶ اگر مردم نخواهند و لجاجت کنند،نشانه ی بزرگ الهی نیز برای هدایت آنان کارساز نیست. «لَآیَةً وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ» ۷ مهربانی در عین قدرت،یک صفت الهی است. «الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» ۸ ای پیامبر! نگران انحراف اکثریّت مباش،زیرا تو تحت حمایت مخصوص ما هستی. «وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» ۹ مهلتی که خداوند به منحرفان می دهد به خاطر عجز و ناتوانی نیست،بلکه به خاطر رحمت و لطف است تا شاید برگردند. «الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ»

ص: ۳۳۸

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

۲- ۲) .تفسیر المیزان.

۳- ۳) .کنز العمّال.

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۰۵ تا ۱۱۱]

اشاره

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ اَلْمُرْسَلِينَ (۱۰۵) إِذْ قٰالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَ لاٰ تَتَّقُونَ (۱۰۶) إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۰۷) فَاتَّقُوا اَللّٰهَ وَ أَطِيعُونِ (۱۰۸) وَ مٰا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلاّٰ عَلىٰ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ (۱۰۹) فَاتَّقُوا اَللّٰهَ وَ أَطِيعُونِ (۱۱۰) قٰالُوا أَ نُؤْمِنُ لَكَ وَ اتَّبَعَكَ اَلْأَرْذَلُونَ (۱۱۱)

قوم نوح،انبیا را تکذیب کردند.

زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت:آیا(از خدا)پروا نمی کنید؟

همانا من برای شما پیامبری امین هستم.

پس،از خداوند پرواکنید و اطاعتم نمایید.

و من برای این رسالت هیچ مزدی از شما درخواست نمی کنم،پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

پس نسبت به خداوند تقوا پیشه کنید و(دستوراتم را)فرمان ببرید.

آنان (به جای ایمان آوردن)گفتند:آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده اند؟

نکته ها:

نام حضرت نوح ۴۳ بار در قرآن آمده است و خداوند حضرت ابراهیم را شیعه ی او دانسته «وَ إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرٰاهِيمَ» (۱)و سوره ای به نام نوح در قرآن آمده است.سلام خداوند به نوح،سلام خصوصی است: «سَلاٰمٌ عَلىٰ نُوحٍ فِي الْعٰالَمِينَ» (۲)در حالی که خداوند بر حضرت موسی و هارون و ابراهیم(علیهم السلام)نیز سلام نموده است،ولی جمله ی «فِي الْعٰالَمِينَ» را ندارد.

آشنایی با تاریخ انبیا،انسان را شیفته ی آنان می کند و روح صبر و استقامت را در آدمی زنده می سازد.

۱- ۱) .صافّات،۸۳.

۲- ۲) .صافّات،۷۹.

پیام ها

۱ همه ی انبیا دارای هدفی واحد هستند،لذا تکذیب یک پیامبر به منزله تکذیب همه ی پیامبران است. «کَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِینَ» (قوم نوح تنها حضرت نوح را تکذیب کردند، ولی قرآن می فرماید: «الْمُرْسَلِینَ » یعنی تمام انبیا) ۲ قبیله ها و امّت ها را با نام رهبران و شخصیّت های آنان می شناسند. «قَوْمُ نُوحٍ» ۳ قبل از نوح،پیامبران متعدّدی بوده اند. «الْمُرْسَلِینَ» ۴ در تبلیغ دین،از عواطف استفاده کنید. «أَخُوهُمْ» ۵ اخلاق و رفتار انبیا با مردم زمان خود،برادرانه بوده است. «أَخُوهُمْ» ۶ اطّلاع از فرهنگ،زبان،آداب،رسوم و نقاط ضعف و قوّت مردم،برای مبلّغ ضروری است. «أَخُوهُمْ» کسی که برادر مردم است،از افکار،آداب و نقاط ضعف و قوّت آنان آگاه است.

۷ یکی از وظایف برادری دینی،ارشاد برادران دیگر است. «أَخُوهُمْ ... أَ لاٰ تَتَّقُونَ» ۸ با سؤال،وجدان ها را بیدار کنید. «أَ لاٰ تَتَّقُونَ» ۹ پذیرفتن دعوت انبیا و اطاعت از آنان،روحیّه ی تقوا لازم دارد. «أَ لاٰ تَتَّقُونَ» ۱۰ نبوّت،به نفع بشریّت و برای نجات انسان هاست. «إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ» ۱۱ امین بودن و حسن سابقه و دلسوزی،شرط نفوذ کلام است. «لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ» ۱۲ شرط اصلی در فرستاده و حامل پیام،امین بودن است. «رَسُولٌ أَمِینٌ» ۱۳ بیان کمالات خود،در مواردی لازم است. «إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ» ۱۴ دینداری،از اطاعت از رهبری الهی جدا نیست. «فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ» آری تبلور تقوا در پیروی از انبیاست.

۱۵ دعوت به خود،برای احیای فرمان خدا مانعی ندارد. «أَطِیعُونِ» در کنار «فَاتَّقُوا اللّٰهَ» آمده است.

۱۶ مبلّغ دینی نباید از مردم توقّع مادّی داشته باشد و از آنان چیزی درخواست کند.(اخلاص،شرط نفوذ کلام است). «مٰا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ»

ص: ۳۴۰

۱۷ کسی که بر خدا توکّل کند،می تواند از مردم بی نیاز باشد. «مٰا أَسْئَلُکُمْ ... إِنْ أَجْرِیَ إِلاّ عَلیٰ رَبِّ الْعٰالَمِینَ» ۱۸ خداوند پاداش مبلّغان دینی را بر خود لازم کرده است. «إِنْ أَجْرِیَ إِلاّ عَلیٰ رَبِّ» ...

۱۹ رهبر دینی نباید در موضع تهمت دنیاپرستی باشد. «وَ مٰا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ» ۲۰ راه های بهانه را ببندید و کارهای معنوی را به نیّت اجر و مزد مادّی انجام ندهید. «مٰا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ» در سوره ی قلم آیه ۴۶ نیز می خوانیم: «أَمْ تَسْئَلُهُمْ أَجْراً فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ» ۲۱ ایمان به خدا و تقوای الهی،زمینه ی ایمان به رسول و اطاعت از اوست.

«فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ»

۲۲ در مسیر تربیت و تکامل،تکرار لازم است.(در این چند آیه،چند بار فرمان تقوا صادر شده است) «فَاتَّقُوا اللّٰهَ» ...

۲۳ اشرافی گری می تواند مانع ایمان آوردن باشد.زیرا مؤمنین در نظر مستکبران،اراذل و فرومایگان هستند. «وَ اتَّبَعَکَ الْأَرْذَلُونَ» ۲۴ بیشتر یاران انبیا،فقرا و گمنامان بودند. «وَ اتَّبَعَکَ الْأَرْذَلُونَ» ۲۵ حرف حقّ و مکتب حقّ را نباید به خاطر طرفداران گمنام آن تحقیر کرد. «وَ اتَّبَعَکَ الْأَرْذَلُونَ» ۲۶ تعالیم انبیا،تبعیض های غلط اجتماعی را از بین می برد. «وَ اتَّبَعَکَ الْأَرْذَلُونَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۱۲ تا ۱۱۳]

اشاره

قٰالَ وَ مٰا عِلْمِی بِمٰا کٰانُوا یَعْمَلُونَ (۱۱۲) إِنْ حِسٰابُهُمْ إِلاّ عَلیٰ رَبِّی لَوْ تَشْعُرُونَ (۱۱۳)

(نوح)گفت:من به عملکرد گذشته(کسانی که شما اراذل می خوانید)آگاهی ندارم.(یا مرا با اعمال گذشته ی آنان کاری نیست).

حساب آنان جز بر پروردگارم نیست،اگر شما درک کنید.

نکته ها:

در اسلام،ما مأمور به ظاهریم و اگر کسی به اسلام گروید حقّ نداریم بگوییم تو در قلبت ایمان نداری. «وَ لاٰ تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقیٰ إِلَیْکُمُ السَّلاٰمَ لَسْتَ مُؤْمِناً» (۱)قرآن،در آیه ای دیگر به پیامبر دستور می دهد:کسانی را که شب و روز برای قرب به خدا او را می خوانند از خود دور مکن.حساب آنان با خداست.نه تو مسئول حساب آنان هستی و نه آنان مسئول حساب تو،و اگر آنان را طرد کنی از ستمگرانی. (۲)

پیام ها

۱ پیامبران،بدون خواست الهی از اعمال گذشته ی افراد آگاه نیستند. «وَ مٰا عِلْمِی» ۲ گفتنِ«نمی دانم»،عیب نیست. «وَ مٰا عِلْمِی» ۳ بنده شناس خداوند است و حسابگر اوست،ما را چه کار که ردّ یا قبول کنیم.

«وَ مٰا عِلْمِی»

...

۴ تجسّس و عیبجویی از زندگی خصوصی افراد،ممنوع است. «وَ مٰا عِلْمِی» ...

۵ برای قضاوت درباره ی دیگران،ایمان صادقانه و عمل صالحِ امروزِ آنان را بنگرید و گذشته ی افراد را به رُخ آنان نکشید. «بِمٰا کٰانُوا یَعْمَلُونَ» ۶ سوابق بد،مانع تغییر و تحوّل و توبه ی مردم نیست. «کٰانُوا یَعْمَلُونَ» ۷ وظیفه ی انبیا،اصلاح مردم و دعوت به توحید است.آنان متولّی حساب و کتاب افراد نیستند. «إِنْ حِسٰابُهُمْ إِلاّٰ عَلیٰ رَبِّی»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۱۴ تا ۱۱۸]

اشاره

وَ مٰا أَنَا بِطٰارِدِ اَلْمُؤْمِنِینَ (۱۱۴) إِنْ أَنَا إِلاّٰ نَذِیرٌ مُبِینٌ (۱۱۵) قٰالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ یٰا نُوحُ لَتَکُونَنَّ مِنَ اَلْمَرْجُومِینَ (۱۱۶) قٰالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِی کَذَّبُونِ (۱۱۷) فَافْتَحْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ فَتْحاً وَ نَجِّنِی وَ مَنْ مَعِیَ مِنَ اَلْمُؤْمِنِینَ (۱۱۸)

(امروز که آنان ایمان آورده اند)،من طرد کننده ی مؤمنان نیستم.

من جز هشدار دهنده ای روشنگر نیستم.

۱- ۱) .نساء،۹۴.

۲- ۲) .انعام،۵۲.

مردم به نوح گفتند:ای نوح! اگر(از دعوت خود)دست برنداری قطعاً از سنگسار شدگان خواهی شد.

نوح گفت:پروردگارا! همانا قوم من مرا تکذیب کردند.

پس میان من و آنان(داوری کن و)راه روشنی بگشا و مرا و هر کس از مؤمنان را که با من است(از شرّ این کفّار)نجات بده.

نکته ها:

مستکبران حتّی از انبیا نیز توقّع طرد فقرای گمنام با ایمان را داشتند و همه انبیا دست رد به این پیشنهاد می زدند.خداوند در آیه ۲۸ سوره کهف به پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)دستور می دهد: «وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداهِ وَ الْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَ لا تَعْدُ عَیْناکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِینَهَ الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنا وَ اتَّبَعَ هَواهُ وَ کانَ أَمْرُهُ فُرُطاً» خود را با مؤمنانی که هر صبح و شام خالصانه خدا را می خوانند قرار بده و به خاطر رسیدن به زینت های دنیا از آنان چشم پوشی نکن و از غافلان و هواپرستان و متجاوزان پیروی نکن.

جمله ی «مِنَ الْمَرْجُومِینَ » به جای«لنرجمنک»،نشان می دهد که قبل از حضرت نوح نیز افرادی را سنگسار نموده بودند.

پیام ها

۱ با پیشنهادات و توقّعات نابجای متکبران،قاطعانه برخورد کنید.(طرد فقرای با ایمان جایز نیست،حتّی اگر به قیمت ایمان آوردن گروهی دیگر باشد) «وَ ما أَنَا بِطارِدِ» ...

۲ ملاک ارزش،ایمان است،نه جایگاه اجتماعی و اقتصادی. «وَ ما أَنَا بِطارِدِ» ...

ص: ۳۴۳

۳ جاذبه باید در حدّ اعلی باشد،ولی دافعه تنها در موقع ضرورت لازم است.

«وَ مٰا أَنَا بِطٰارِدِ»

...

۴ بیم و هشدار و انذار انبیا،بیش از بشارت آنان است.در قرآن جمله ی «إِنْ أَنَا إِلاّٰ نَذِيرٌ» آمده،ولی جمله ی«ان انا الا بشیر»نیامده است.

۵ ترساندن غافل از خطرها،بهترین شیوه ی ارشادی است. «إِنْ أَنَا إِلاّٰ نَذِيرٌ» ۶ یکی از مهم ترین حربه های مخالفان انبیا تهدید است. «مِنَ الْمَرْجُومِينَ» ۷ سنگسار کردن،یکی از قدیمی ترین انواع شکنجه هاست. «مِنَ الْمَرْجُومِينَ» ۸ در برابر تهدیدهای دشمن به خدا متوسّل شویم. «قٰالَ رَبِّ» ۹ ناله ی حضرت نوح به خاطر تکذیب مکتب بود،نه تهدید و سنگسار. «رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ» و نفرمود:«یرجمون» ۱۰ خشونت نااهلان،از عواطف پدری و برادری شما نکاهد. «إِنَّ قَوْمِي» ۱۱ گره گشا خداست. «فَافْتَحْ» ۱۲ اوّل برای حلّ مشکلات مردم و جامعه دعا کنید،بعد برای نجات خود.

«فَافْتَحْ

نَجِّنِي»

۱۳ با وجود تهدید و خفقان،گروهی از مردم به انبیا ایمان می آوردند. «وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» ۱۴ آنچه مهم است،همراهی عملی و مکتبی است،نه فیزیکی و ظاهری. «وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» ۱۵ مؤمنین مشمول دعای انبیا هستند. «نَجِّنِي وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» ۱۶ ایمان به تنهایی کافی نیست،پیروی و همراهی لازم است. «وَ مَنْ مَعِيَ» چنان که در موارد دیگر نیز قرآن می فرماید: «وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ» (۱)

۱- ۱) .هود،۵۸،۶۶ و ۹۴.

[سوره الشعراء (۲۶): آيات ۱۱۹ تا ۱۲۲]

اشاره

فَأَنْجَيْنٰاهُ وَ مَنْ مَعَهُ فِی اَلْفُلْکِ اَلْمَشْحُونِ (۱۱۹) ثُمَّ أَغْرَقْنٰا بَعْدُ اَلْبٰاقِینَ (۱۲۰) إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَهً وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ (۱۲۱) وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ اَلْعَزِیزُ اَلرَّحِیمُ (۱۲۲)

پس ما نوح و هر کس از مؤمنان را كه در آن كشتیِ گران بار،

با او بود نجات داديم.سپس باقیماندگان را غرق كرديم.

البتّه در اين(ماجرا)نشانه ى بزرگى است،ولى اكثر مردم ايمان آورنده نيستند.

و قطعاً پروردگارت همان صاحب عزّت و مهربان است.

نكته ها:

مراد از گران بار بودن كشتى «الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ» ،اين است كه آنچه مورد نياز بود،حضرت نوح در كشتى قرار داده بود.امام باقر(عليه السلام)فرمود: «الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ » كشتى مجهّزِ آماده حركت است.و حضرت على(عليه السلام)فرمود:در آن كشتى،نود جايگاه براى چهارپايان ساخته بود. (۱)

پيام ها

۱ دعاى انبيا و مظلومين مستجاب است. «فَأَنْجَيْنٰاهُ» ۲ مؤمنين در پرتو انبيا بيمه هستند. «فَأَنْجَيْنٰاهُ وَ مَنْ مَعَهُ» ۳ جدايى از انبيا سبب هلاكت است. «ثُمَّ أَغْرَقْنٰا بَعْدُ الْبٰاقِینَ» ۴ داستان نجات نوح و يارانش و غرق كفّار و مخالفان،نمودى از سنّت خداوند در يارى حقّ و سركوبى باطل است. «إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَهً» ۵ اگر به كفّار مهلتى مى دهد،به خاطر رحمت است نه ناتوانى. «الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ»

۱- ۱) .تفسير نور الثقلين.

[سوره الشعراء (۲۶): آيات ۱۲۳ تا ۱۲۷]

اشاره

كَذَّبَتْ عٰادٌ اَلْمُرْسَلِينَ (۱۲۳) إِذْ قٰالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَ لاٰ تَتَّقُونَ (۱۲۴) إِنِّی لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۲۵) فَاتَّقُوا اَللّٰهَ وَ أَطِيعُونِ (۱۲۶) وَ مٰا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلاّٰ عَلىٰ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ (۱۲۷)

قوم عاد(نيز همچون قوم نوح)انبيا را تكذيب كردند.

آن گاه كه برادرشان هود به آنان گفت:آيا(از شرك و انحراف)پروا نمی كنيد؟

همانا من برای شما پيامبری امين هستم.

پس از خدا پرواكنيد و مرا پيروی نماييد.

و من برای رسالتم هيچ مزدی از شما نمی خواهم،(زيرا كه)مزد من فقط بر عهده ی پروردگار جهانيان است.

نكته ها:

«عاد»،نام جدّ بزرگ قوم حضرت هود است و آن قوم به نام جدّشان مشهور شده اند.قوم عاد طايفه ای از عرب بودند كه در سرزمين خوش آب و هوای«يمن»در منطقه ای به نام «احقاف»در نزديكی دريا زندگی می كردند.كشورشان آباد بود،مردم شهر نشين بودند و پيامبرشان حضرت هود بود.نامشان در قرآن كريم ۲۴ بار تكرار شده است.همچنين در قرآن،سوره ای به نام احقاف و سوره ای به نام هود داريم.

پيام ها

۱ چون هدف و محتوای دعوت تمام انبيا يكی است،تكذيب يك پيامبر،به منزله ی تكذيب همه ی پيامبران است. «كَذَّبَتْ عٰادٌ الْمُرْسَلِينَ» ۲ دعوت پيامبران،برادرانه بود. «أَخُوهُمْ» (حتّی كلمه ی«ابوهم»نياورده تا عمق صفا و تواضع و صداقت را بيان كند).

۳ تقوا،سرلوحه ی دعوت انبيا است. «أَ لاٰ تَتَّقُونَ» ۴ دعوت به تقوا،لازمه ی اخوّت و برادری است. «أَخُوهُمْ هُودٌ أَ لاٰ تَتَّقُونَ» ۵ رسالت انبيا برای رشد مردم است،نه سلطه بر آنها. «لَكُمْ»

۶ پیامبران،از خود حرفی نداشتند،هر چه می گفتند پیام الهی بود. «رَسُولٌ أَمِینٌ» ۷ لحن همه ی انبیا و شیوه ی تبلیغ و محتوای مطالب و خط فکری آنان مشترک است.(تکرار آیات شاهد این سخن است).

۸ تقوای الهی،زمینه ساز اطاعت از رهبری است. «فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ» پیروی از رهبران الهی،تبلور تقوای الهی است.

۹ اخلاص و بی توقّعی،رمز موفقیّت است. «وَ مٰا أَسْئَلُکُمْ» ۱۰ اخلاص و توکّل،لازمه ی تبلیغ است. «إِنْ أَجْرِیَ» ...

۱۱ کسی که هستی را اداره می کند،زندگی مرا نیز اداره خواهد کرد. «إِنْ أَجْرِیَ إِلاّٰ عَلیٰ رَبِّ الْعٰالَمِینَ» ۱۲ نظام هستی از عوامل مختلفی تشکیل شده که همه ی آنها تحت یک تدبیر و در حال رشد هستند. «رَبِّ الْعٰالَمِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۲۸ تا ۱۳۱]

اشاره

أَ تَبْنُونَ بِکُلِّ رِیعٍ آیَةً تَعْبَثُونَ (۱۲۸) وَ تَتَّخِذُونَ مَصٰانِعَ لَعَلَّکُمْ تَخْلُدُونَ (۱۲۹) وَ إِذٰا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبّٰارِینَ (۱۳۰) فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ (۱۳۱)

(هود به مردم گفت:)آیا بر هر تپه ای بنا و قصری بلند از روی هوا و هوس می سازید؟

و کاخ های استوار می گیرید،به امید آنکه جاودانه بمانید؟

و هر گاه کسی را کیفر می دهید،همچون زورگویان کیفر می دهید؟

پس،از خداوند پروا کنید و مرا فرمان برید.

نکته ها:

«رِیعٍ»

به معنای دامنه ی کوه و تپه است. «مَصٰانِعَ» دژ و قصر محکم و بلند را گویند.و کلمه ی «بطش»به معنای گرفتن با قهر و غلبه و قدرت است.

در این آیات،قرآن از اصل ساختمان سازی در دامنه ی کوه و ساختن دژ و داشتن قدرت

انتقاد نمی کند.آنچه مورد انتقاد است،هدف های نامقدّس، «تَعْبَثُونَ» و خیال های واهی، «لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ» و تجاوز از اعتدال است. «جَبّارِينَ» در روایات می خوانیم:یکی از یاران رسول اکرم(صلوات اللّه علیه)بر بام خانه اش قبّه ای ساخته بود.حضرت از دیدن آن ناراحت شد.صاحب خانه چون چنین دید،قبّه را خراب کرد.

رسول خدا بار دیگر که قبّه را ندید،پرسید:قبّه چه شد؟ گفتند:همین که صاحبش دید شما ناراضی هستید آن را خراب کرد.پیامبر فرمود:«ان کل بناء وبال علی صاحبه الا ما لا بد منه» هر ساختمانی که مورد نیاز نباشد،در قیامت وبال صاحبش خواهد بود. (۱)

پیام ها

۱ سابقه ی بناهای بلند به زمان هود می رسد. «أَ تَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً» ۲ حرص،انسان را رها نمی کند. «بِكُلِّ رِيعٍ» ۳ آنچه در چشم دنیاپرستان جلوه دارد،در نظر اولیای خدا خوار است و مردم را به خاطر آن سرزنش می کنند. «أَ تَبْنُونَ ... تَعْبَثُونَ» ۴ تمدن و رفاه کاذب،عامل غرور و مانع حقّ پذیری است. «أَ تَبْنُونَ» ۵ شروع کار انبیا با انتقاد از وضع نابسامان موجود و بیدار کردن وجدان ها از طریق سؤال است. «أَ تَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ» ...

۶ کارهای ستمگران،یا برای مطرح کردن خود است «آيَةً» یا برای بقای خود «تَخْلُدُونَ» یا استثمار و استعمار مردم است. «جَبّارِينَ» ۷ در هر کاری باید هدفی والا داشت. «أَ تَبْنُونَ ... تَعْبَثُونَ» ۸ ثروت،سرمایه و ساختمان های بلند در دست نااهلان،برای ارضای هوا و هوس است. «تَعْبَثُونَ» ۹ انتقاد قرآن از روحیّه ی کاخ نشینی و عیّاشی است،نه اصل ساختمان. «تَعْبَثُونَ» (تولید،ابتکار،هنر و بکارگیری امکانات و نیروی انسانی و...باید در مسیر

۱- ۱) .تفسیر المیزان و مجمع البیان.

نیاز واقعی باشد،نه بیهوده) ۱۰ قصرها و کاخ ها،زندگی را جاودانه نمی کنند. «تَتَّخِذُونَ مَصٰانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ» ۱۱ آفات ساختمان،چهار چیز است:

الف:حرص و اسراف. «بِكُلِّ رِيعٍ» ب:تفاخر و خودنمایی. «آيَةً» ج:بُلهوسی. «تَعْبَثُونَ» د:دنیا گرایی و غفلت. «لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ» ۱۲ قوانین کیفری باید عادلانه باشد.(قرآن از کیفرهای ظالمانه انتقاد می کند) «بَطَشْتُمْ جَبّٰارِينَ» ۱۳ دینداری،محور و رهبر و الگو لازم دارد. «فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِيعُونِ» ۱۴ دینداری،هم پروای قلبی است و هم اطاعت عملی. «فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِيعُونِ» ۱۵ بی تقوایی عامل همه ی مفاسد است.حضرت هود پس از انتقاد از فکر و عمل کافران فرمود: «فَاتَّقُوا اللّٰهَ» ...

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۳۲ تا ۱۳۶]

اشاره

وَ اِتَّقُوا اَلَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمٰا تَعْلَمُونَ (۱۳۲) أَمَدَّكُمْ بِأَنْعٰامٍ وَ بَنِينَ (۱۳۳) وَ جَنّٰاتٍ وَ عُيُونٍ (۱۳۴) إِنِّي أَخٰافُ عَلَيْكُمْ عَذٰابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳۵) قٰالُوا سَوٰاءٌ عَلَيْنٰا أَ وَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ اَلْوٰاعِظِينَ (۱۳۶)

و از خداوندی که می دانید چقدر کمکتان کرده پروا کنید.

او شما را با (بخشیدن)چهار پایان و فرزندان مدد کرده است.

و باغ ها و چشمه سارها(به شما داده است.

اگر کفران کنید)من بر شما از عذاب روز بزرگ می ترسم.

(قوم عاد به حضرت هود)گفتند:پند دهی یا از پند دهندگان نباشی،برای ما برابر است(و ما تو را نمی پذیریم).

نکته ها:

حضرت هود مردم را هم به خدا متوجّه کرد: «فَاتَّقُوا اللّهَ» هم به نبوّت: «وَ أَطِیعُونِ» و هم به معاد: «إِنِّی أَخافُ عَلَیْکُمْ عَذابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ» مراد از روز بزرگ در این جا،همان قیامت است،گرچه در داستان حضرت شعیب به دنیا نیز روز عظیم گفته شده است. «فَأَخَذَهُمْ عَذابُ یَوْمِ الظُّلَّهِ إِنَّهُ کانَ عَذابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ» عذاب روز ابرِ آتشبار آنان را گرفت که آن عذاب روز بزرگی بود. (۱)

پیام ها

۱ تقوا بهترین راه تشکّر از خداوند است. «وَ اتَّقُوا الَّذِی أَمَدَّکُمْ» ۲ هر کس خود می داند چقدر مورد لطف خداوند قرار گرفته است. «أَمَدَّکُمْ بِما تَعْلَمُونَ» ۳ کاخ ها و ساختمان های قوم عاد،با دامداری و باغ ها و چشمه ها همراه بود.

«بِکُلِّ رِیعٍ آیَهً ... بِأَنْعامٍ ... جَنّاتٍ وَ عُیُونٍ» ۴ اگر آمادگی و قابلیّت نباشد،موعظه ی انبیا نیز اثری ندارد. «سَواءٌ عَلَیْنا»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۳۷ تا ۱۴۰]

اشاره

إِنْ هذا إِلاّ خُلُقُ الْأَوَّلِینَ (۱۳۷) وَ ما نَحْنُ بِمُعَذَّبِینَ (۱۳۸) فَکَذَّبُوهُ فَأَهْلَکْناهُمْ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَهً وَ ما کانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ (۱۳۹) وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ (۱۴۰)

این(دعوت تو یا بت پرستی ما)جز شیوه پیشینیان نیست.

و ما عذاب نخواهیم شد.

پس هود را تکذیب کردند آن گاه ما آنان را هلاک کردیم.البتّه در این(داستان) بی شک نشانه ی بزرگی است،و(لی)اکثر مردم ایمان آورنده نیستند.

ص: ۳۵۰

۱- ۱) .شعراء،۱۸۹.

و همانا پروردگار تو،همان خداوند عزیز و مهربان است.

نکته ها:

در این که کلمه ی «هٰذا» به چه چیز اشاره دارد،احتمالاتی است:

الف:این ادّعای پیامبری تو،چیزی جز تقلید از مدّعیان قبلی نبوّت نیست.

ب:این خانه های بلند بر روی تپه ها و سایر کارهای ما،شیوه ی نیاکان ماست.

ج:این تکذیب و بت پرستی ما،همان تکذیب و بت پرستی نیاکان ماست.

قرآن،بارها از اکثریّت مردم انتقاد کرده است.در این سوره نیز چند بار آیه «وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ» در پایان نقل تاریخ انبیا بیان شده است.

پیام ها

۱ سابقه و رفتار نیاکان،دلیل حقّانیّت نیست. «إِنْ هٰذٰا إِلاّٰ خُلُقُ الْأَوَّلِینَ» (در صورتی که مراد از «هٰذٰا » ،رفتار مشرکان باشد) ۲ تقلید نابجا و تعصّب،مانع پندپذیری است. «سَوٰاءٌ عَلَیْنٰا أَ وَعَظْتَ ... إِنْ هٰذٰا» ...

۳ انحراف نیاکان،زمینه ی انحراف نسل های بعدی است. «إِنْ هٰذٰا إِلاّٰ خُلُقُ الْأَوَّلِینَ» ۴ گاهی بت پرستی و هر رفتار دیگر،جزو جوهره ی انسان می شود.(کلمه ی «خُلُقُ » به معنای روحیّه ی ثابت است) ۵ بت پرستان،انحراف خود را با شیوه ی نیاکان توجیه و از خود سلب مسئولیّت می کردند. «وَ مٰا نَحْنُ بِمُعَذَّبِینَ» ۶ سرنوشت انسان به دست خود اوست. «فَکَذَّبُوهُ فَأَهْلَکْنٰاهُمْ» ۷ از تکذیب و هلاکت دیگران عبرت بگیرید. «لَآیَةً» ۸ اکثریّت،شما را فریب ندهد.حقّ را در زیادی جمعیّت جستجو نکنید،ملاک شناخت حقّ و باطل،کمیّت نیست. «وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۴۱ تا ۱۴۵]

اشاره

كَذَّبَتْ ثَمُودُ اَلْمُرْسَلِينَ (۱۴۱) إِذْ قٰالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صٰالِحٌ أَ لاٰ تَتَّقُونَ (۱۴۲) إِنِّی لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ (۱۴۳) فَاتَّقُوا اَللّٰهَ وَ أَطِيعُونِ (۱۴۴) وَ مٰا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلاّٰ عَلیٰ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ (۱۴۵)

قوم ثمود(نیز)پیامبران را تکذیب کردند.

آن گاه که برادرشان صالح به آنان گفت:آیا(از شرک و انحراف)پروا نمی کنید؟

من برای شما پیامبری امین هستم.

پس از خداوند پروا کنید و از من اطاعت نمایید.

و من بر این رسالتم هیچ پاداشی از شما نمی خواهم.پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

نکته ها:

در این سوره،داستان چند تن از پیامبران نقل شده،ولی آغاز ماجرای آنان با کلمه ی «كَذَّبَتْ» شروع می شود (۱)و این،به خاطر آن است که در این داستان ها نقطه ی مهم،مسأله ی تکذیب پیامبران از سوی اقوام گذشته و هلاکت آنهاست.آری در نوشتن و گفتن باید مطالب مهم،سرفصل قرار بگیرد.

در بیان تاریخ،باید به نکات مهم توجّه شود،نه به مسایلی که دانستن یا ندانستن آنها سود و ضرری ندارد.در این داستان ها،درباره ی تعداد مردم و نام مکان و تاریخ حادثه و جزئیات دیگر،مطلبی بیان نشده است،زیرا آنچه مایه ی عبرت است،نشان دادن جلوه های حقّ و باطل و بیان پیروزی حقّ بر باطل است.

ص: ۳۵۲

۱- ۱) .داستان نوح،آیه ی ۱۰۵؛داستان عاد،آیه ی ۱۲۳؛داستان صالح،آیه ی ۱۴۱؛داستان لوط،آیه ی ۱۶۰ و داستان شعیب،آیه ی ۱۷۶.

پیام ها

۱ روش دعوت تمام انبیا یکی است.در داستان نوح،هود،صالح،لوط و شعیب،همه ی آنان یک کلام و یک شعار داشتند:

همه می گفتند: «أَ لاٰ تَتَّقُونَ» همه می گفتند: «فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِيعُونِ» همه می گفتند: «إِنِّی لَكُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ» همه می گفتند: «مٰا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ» و خلاصه ی پیام همه ی آنان چند چیز بود:برادری،تقوا،پیروی از رهبر، بی توقّعی،توکّل بر خدا و اطمینان دادن به مردم که ما به نفع شما و امین شما هستیم.(پیام های این چند آیه نیز مانند پیام های آیات قبل است که درباره ی پیامبران دیگر در همین سوره عنوان شد.)

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۴۶ تا ۱۵۲]

اشاره

أَ تُتْرَكُونَ فِی مٰا هٰاهُنٰا آمِنِینَ (۱۴۶) فِی جَنّٰاتٍ وَ عُیُونٍ (۱۴۷) وَ زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلْعُهٰا هَضِیمٌ (۱۴۸) وَ تَنْحِتُونَ مِنَ اَلْجِبٰالِ بُیُوتاً فٰارِهِینَ (۱۴۹) فَاتَّقُوا اَللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ (۱۵۰) وَ لاٰ تُطِیعُوا أَمْرَ اَلْمُسْرِفِینَ (۱۵۱) اَلَّذِینَ یُفْسِدُونَ فِی اَلْأَرْضِ وَ لاٰ یُصْلِحُونَ (۱۵۲)

آیا(فکر می کنید)شما در آنچه در این دنیا دارید،در أمن و امان رها خواهید شد؟

در باغ ها و چشمه ها.

و کشتزارها و نخل هایی که شکوفه اش لطیف و بر هم نشسته است.(و هیچ مسئولیّت و بازگشتی نخواهید داشت؟)

و شما(ماهرانه)از کوه ها خانه هایی برای خوشگذرانی می تراشید.

پس،از خدا پروا کنید و مرا پیروی نمایید.

و از اسرافکاران فرمان نبرید.

ص :۳۵۳

آنان که در زمین فساد می کنند و اهل اصلاح نیستند.

نکته ها:

اگر مردم دنیا تنها به همین جمله ی «لاٰ تُطِیعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِینَ» عمل کنند،تمام حکومت های طاغوتی اسرافکار،سقوط می کنند.

قوم ثمود،هم کشاورزی خوبی داشتند، «فِی جَنّٰاتٍ وَ عُیُونٍ وَ زُرُوعٍ» هم تمدّن و خانه سازی «مِنَ الْجِبٰالِ بُیُوتاً» و هم رفاه و امنیّت. «فٰارِهِینَ ... آمِنِینَ» کلمه ی«طلع»به شکوفه ی خرما گفته می شود که قبل از میوه طلوع می کند و گاهی به نوبَر و اوّلین خرما نیز گفته می شود.

«هَضِیمٌ»

به معنای شکوفه ی لطیف و بر هم نشسته است.یعنی شکوفه های خرما از انبوهی و پر حاصلی و طراوت بر هم سوار شده است.

با اینکه کلمه ی «جَنّٰاتٍ » شامل درخت خرما نیز می شود،ولی نام درخت خرما جداگانه برده شده است،که شاید اشاره به اهمیّت خرما در میان قوم ثمود بوده است.

کلمه ی «فٰارِهِینَ » می تواند از کلمه ی«فره»به معنای شادی باشد که «بُیُوتاً فٰارِهِینَ » یعنی در خانه ها سرمست بودند و می تواند از ریشه ی«فراهت»به معنای مهارت باشد که «بُیُوتاً فٰارِهِینَ » یعنی با مهارت خانه هایی را از کوه ها می تراشیدند.

پیام ها

۱ به زندگی مرفّه دنیا مغرور نشوید. «أَ تُتْرَکُونَ ... آمِنِینَ» رفاه امروز نشانه ی رضای خداوند از شما نیست.(نعمت های مادّی پایدار نیست).

۲ توجّه به ناپایداری دنیا،وسیله ی تقواست. «أَ تُتْرَکُونَ ... فَاتَّقُوا اللّٰهَ» ۳ لازمه ی تقوا،پیروی از انبیا و دوری از اطاعت مسرفان است. «فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ وَ لاٰ تُطِیعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِینَ» ۴ امنیّت،اقتصاد و رفاه،اگر با پیروی از رهبر معصوم همراه نباشد زمینه ی فساد

خواهد شد. «آمِنِينَ، جَنّاتٍ، عُيُونٍ، زُرُوعٍ، بُيُوتاً، فَاتَّقُوا اللّهَ وَ أَطِيعُونِ» ۵ انسان در برابر نعمت ها رها نيست،بلكه مسئوليّت دارد. «جَنّاتٍ، عُيُونٍ، زُرُوعٍ، بُيُوتاً، لا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» ۶ اسرافكار،صلاحيّت رهبرى جامعه را ندارد. «لا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» ۷ انبيا در مصرف گرايى مردم حسّاس بودند. «لا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» ۸ در برابر سرمايه داران اسرافگر،كرنش نكنيد. «لا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» ۹ تولّى و تبرّى بايد با هم باشد. - «أَطِيعُونِ لا تُطِيعُوا» ۱۰ اسراف،فساد است و اسرافكار،مفسد. «الْمُسْرِفِينَ اَلَّذِينَ يُفْسِدُونَ» ۱۱ از مرفّهان بى درد،اميد اصلاح نداشته باشيد كه اصلاح تنها در سايه ى مكتب انبياست. «وَ لا يُصْلِحُونَ» ۱۲ اسرافكاران،كار خود را توجيه مى كنند و خود را صالح مى دانند. «لا يُصْلِحُونَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آيات ۱۵۳ تا ۱۵۴]

اشاره

قالُوا إِنَّما أَنْتَ مِنَ اَلْمُسَحَّرِينَ (۱۵۳) ما أَنْتَ إِلاّ بَشَرٌ مِثْلُنا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ اَلصّادِقِينَ (۱۵۴)

(قوم ثمود به جاى ايمان آوردن به صالح)گفتند:همانا تو از سحر شدگانى.

تو جز بشرى مثل ما نيستى.پس اگر از راستگويانى،نشانه(و معجزه)اى بياور.

پيام ها

۱ به انبيا دو تهمت مى زدند:سحر كننده،«ساحر»و سحرشده. «الْمُسَحَّرِينَ» ۲ بدتر از عصيان،توجيه كردن آن است.در برابر فرمان «أَطِيعُونِ» عصيان خود را توجيه كرده و مى گفتند:تو سحر شده اى و قابل پيروى نيستى. «الْمُسَحَّرِينَ» ۳ نبوّت و معجزه،متلازمند. «فَأْتِ بِآيَةٍ» (معجزه،نشانه ى صداقت انبياست)

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷]

اشاره

قالَ هٰذِهِ ناقَةٌ لَها شِرْبٌ وَ لَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (۱۵۵) وَ لا تَمَسُّوها بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۵۶) فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نادِمِينَ (۱۵۷)

صالح(در پاسخ معجزه خواهی مردم)گفت:این ماده شتری است(که با اراده ی خداوند،از درون کوه خارج شد).برای اوست سهمی از آب(یک روز)و برای شما روز دیگری معیّن شده است.

و به آن آسیبی نرسانید که عذاب روز سهمگین،شما را فرا می گیرد.

پس ناقه را کشتند،سپس از کرده ی خود پشیمان شدند.

نکته ها:

دست قدرت خداوند در ارائه ی معجزه باز است،از شکافتن ماه «انْشَقَّ الْقَمَرُ» ،تا شکافتن آب «فَانْفَلَقَ» تا شکافتن کوه و بیرون آوردن شتر برای او یکسان است.

با این که ناقه ی صالح را یک نفر از پای درآورد،امّا قرآن می فرماید: «فَعَقَرُوها » یعنی گروهی آن را پی کردند،زیرا آن گروه به کار آن یک نفر راضی بودند.چنان که حضرت علی(علیه السلام)می فرماید:«انما عقر ناقه ثمود رجل واحد فعمهم الله بالعذاب لما عموه بالرضا» (۱)

پیام ها

۱ معجزه باید به قدری روشن باشد که همه ی مردم در هر سطحی که هستند، اعجاز آن را درک کنند. «هٰذِهِ ناقَةٌ» ۲ توهین به مقدّسات،کیفر بزرگ دارد. «لا تَمَسُّوها بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ» خداوند در سوره اعراف این شتر را به خود نسبت داده است؛ «ناقَةُ اللّٰهِ» (۲)۳ تقسیم عادلانه ی منابع آب باید طبق فرمان خدا صورت گیرد. «لَها شِرْبٌ وَ لَكُمْ»

ص:۳۵۶

۱- ۱) .نهج البلاغه،خطبه ۲۰۱.

۲- ۲) .اعراف،۷۳.

۴ شتری که رنگ الهی داشته باشد،بر انسان های عادّی مقدّم است. «لَهٰا شِرْبٌ وَ لَکُمْ» ...

۵ انسان طاغی،حتّی به حیوان بی آزار شیرده رحم نمی کند. «فَعَقَرُوهٰا» ۶ هشدارهای انبیا را جدّی بگیریم. «لاٰ تَمَسُّوهٰا بِسُوءٍ فَعَقَرُوهٰا فَأَصْبَحُوا نٰادِمِینَ» ۷ هر کس که به کار دیگری راضی باشد،در اجر یا گناه کار او شریک است.

«فَعَقَرُوهٰا»

با اینکه یک نفر ناقه را کشت.

۸ هر ندامت و توبه ای مقبول نیست.(توبه و ندامت هنگام دیدن عذاب کارساز نیست). «نٰادِمِینَ فَأَخَذَهُمُ الْعَذٰابُ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۵۸ تا ۱۵۹]

اشاره

فَأَخَذَهُمُ اَلْعَذٰابُ إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَهً وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ (۱۵۸) وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ اَلْعَزِیزُ اَلرَّحِیمُ (۱۵۹)

پس آنان را عذاب فرا گرفت.همانا در این(ماجرا)قطعاً نشانه و درس عبرتی است،و(لی)اکثر آنان ایمان آورنده نیستند.

و البتّه پروردگار تو بی شک همان توانای مهربان است.

پیام ها

۱ توهین به مقدّسات الهی به حدّی مهم است که گروهی به خاطر کشتن یک حیوان،نابود می شوند. «فَعَقَرُوهٰا ... فَأَخَذَهُمُ الْعَذٰابُ» ۲ هم الطاف او نشانه های عبرت هستند و هم قهر و عذابش. «لَآیَهً» ۳ انسان می تواند حتّی با دیدن بزرگ ترین نشانه های الهی،در برابر حقّ عناد ورزد و ایمان نیاورد. «لَآیَهً وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ» ۴ فرستادن انبیا و معجزه و قهر بر کفّار لجوج،از شئون ربوبیّت اوست. «رَبَّکَ» ۵ ایمان و کفر مردم،در خداوند اثری ندارد. «إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ» ۶ قهر خداوند به خاطر عمل خودماست و گر نه او مهربان است. «لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۶۰ تا ۱۶۴]

اشاره

کَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ اَلْمُرْسَلِینَ (۱۶۰) إِذْ قٰالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَ لاٰ تَتَّقُونَ (۱۶۱) إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (۱۶۲) فَاتَّقُوا اَللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ (۱۶۳) وَ مٰا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلاّٰ عَلیٰ رَبِّ اَلْعٰالَمِینَ (۱۶۴)

قوم لوط(نیز)انبیا را تکذیب کردند.

زمانی که برادرشان لوط به آنان گفت:آیا(از شرک و انحراف دوری،و از خدا)پروا نمی کنید؟

همانا من برای شما پیامبری امین هستم.

پس،از خداوند پروا کنید و مرا اطاعت نمایید.

و من در برابر رسالتم از شما مزدی درخواست نمی کنم.(زیرا)مزد من تنها بر پروردگار جهانیان است.

نکته ها:

حضرت لوط با حضرت ابراهیم همزمان بودند،ولی در این سوره فاصله ی داستان ابراهیم و لوط حدود یکصد آیه است و این،به خاطر آن است که در نقل های قرآن عبرت ها مهم است،نه تنظیم و سیر تاریخی.

پیام ها

۱ موضوعات اصلی را سرفصل کلام خود قرار دهید. «کَذَّبَتْ» ...

(در آغاز تاریخ تمام انبیا در این سوره،کلمه ی «کَذَّبَتْ » مطرح شده و این به جهت آن است که هدف از نقل تاریخ آن بزرگواران در این سوره،بیان تکذیب مردم لجوج و کیفر الهی آنان است.) ۲ تکذیب یک پیامبر به منزله ی تکذیب همه ی پیامبران است. «کَذَّبَتْ ... اَلْمُرْسَلِینَ» (با اینکه هر قومی پیامبر خود را تکذیب می کرد،ولی چون انبیا دارای هدف و برنامه واحدی هستند،تکذیب یکی از آنها به منزله تکذیب همه آنان است)

۳ رابطه ی رهبر آسمانی با مردم،رابطه ی برادری است. «أَخُوهُمْ» ۴ کسی که پروای درونی ندارد،از هر جهت آسیب پذیر است و هیچ حقّی را نمی پذیرد. «أَ لاٰ تَتَّقُونَ» ۵ رهبران آسمانی باید به سراغ مردم روند و خود و اهداف خود را به آنان عرضه کنند. «أَ لاٰ تَتَّقُونَ إِنِّی لَکُمْ» ...

۶ تقوا،بستر و زمینه ی حقّ پذیری و اطاعت از انبیا است. «فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ» ۷ دینداری،بدون اطاعت از رهبری کامل نیست. «فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ» ۸ اگر به مال مردم چشم ندوزیم،سخنان ما بیشتر اثر می کند. «مٰا أَسْئَلُکُمْ» ۹ کسی می تواند از مردم بی نیاز باشد که توکّلش بر خداوند زیاد باشد. «إِلاّٰ عَلیٰ رَبِّ الْعٰالَمِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۶۵ تا ۱۶۷]

اشاره

أَ تَأْتُونَ اَلذُّکْرٰانَ مِنَ اَلْعٰالَمِینَ (۱۶۵) وَ تَذَرُونَ مٰا خَلَقَ لَکُمْ رَبُّکُمْ مِنْ أَزْوٰاجِکُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عٰادُونَ (۱۶۶) قٰالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ یٰا لُوطُ لَتَکُونَنَّ مِنَ اَلْمُخْرَجِینَ (۱۶۷)

آیا از میان مردم جهان،شما به سراغ مردها می روید؟

و همسرانتان را که پروردگارتان برای شما آفریده رها می کنید؟ بلکه شما مردمی تجاوزکارید.

مردم(به جای پند پذیری)گفتند:ای لوط! اگر(از حرف هایت)دست برنداری،قطعاً از تبعید شدگان خواهی بود.

نکته ها:

در این آیات،قوم لوط به عنوان تجاوزگر معرّفی شده اند؛ «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عٰادُونَ» لکن در آیات دیگر،تعبیرات دیگری نیز درباره ی آنها به کار رفته است،از جمله:

«بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ»

(۱)

، «قَوْمَ سَوْءٍ فٰاسِقِينَ» (۲)و «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (۳)کسی که مرتکب لواط شود،مجازاتش قتل است.این عمل به قدری زشت است که حتّی اگر کسی با حیوانی آمیزش جنسی انجام دهد،گوشت آن حیوان حرام می شود و باید آن را ذبح کرد و سپس لاشه ی آن را سوزاند.

همجنس گرایی،تنها در میان انسان ها دیده می شود.در عالم هستی،هیچ موجود دیگری همجنس گرا نیست.

پیام ها

۱ در نهی از منکر،باید منکرات رایج در هر گروه و زمان را شناخت و در بازداشتن مردم از آن اصرار نمود. «أَ تَأْتُونَ الذُّكْرٰانَ» ۲ در نهی از منکر،راه های معروف را ارائه دهید. «أَ تَأْتُونَ وَ تَذَرُونَ ... أَزْوٰاجِكُمْ» ۳ رها کردن همسر و نادیده گرفتن نیازهای او ممنوع است. «تَذَرُونَ ... أَزْوٰاجِكُمْ» ۴ خداوند برای اشباع غرائز بشر،مسیر فطری و طبیعی قرار داده است. «خَلَقَ لَكُمْ» ۵ ادیان آسمانی،انسان را به ازدواج ترغیب می کنند. «خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوٰاجِكُمْ» ۶ ازدواج،جلوه ای از ربوبیّت الهی و به نفع انسان است. «خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ» ۷ انحرافات جنسی،تجاوز و طغیان است و همجنس گرایی و لواط،تجاوز به حریم ارزشهاست. «عٰادُونَ» ۸ برای از بین بردن منکر،تکرار نهی از منکر و استقامت لازم است. «لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ» ۹ در نهی از منکر،خود را برای تهدیدهای دیگران آماده کنید. «لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ» ۱۰ تبعید،شیوه ی ستمگران قوم لوط بوده است. «مِنَ الْمُخْرَجِينَ»

ص: ۳۶۰

۱- ۱) .اعراف،۸۱.

۲- ۲) .انبیاء،۷۴.

۳- ۳) .نمل،۵۵.

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۶۸ تا ۱۷۵]

اشاره

قٰالَ إِنِّی لِعَمَلِکُمْ مِنَ اَلْقٰالِینَ (۱۶۸) رَبِّ نَجِّنِی وَ أَهْلِی مِمّٰا یَعْمَلُونَ (۱۶۹) فَنَجَّیْنٰاهُ وَ أَهْلَهُ أَجْمَعِینَ (۱۷۰) إِلاّٰ عَجُوزاً فِی اَلْغٰابِرِینَ (۱۷۱) ثُمَّ دَمَّرْنَا اَلْآخَرِینَ (۱۷۲) وَ أَمْطَرْنٰا عَلَیْهِمْ مَطَراً فَسٰاءَ مَطَرُ اَلْمُنْذَرِینَ (۱۷۳) إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَةً وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ (۱۷۴) وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ اَلْعَزِیزُ اَلرَّحِیمُ (۱۷۵)

لوط گفت:من مخالف شدید کردار شما هستم.

پروردگارا! من و کسان مرا از(شرّ)آنچه انجام می دهند رهایی بخش.

پس(دعایش را مستجاب کردیم و)او و تمام خاندانش را نجات دادیم.

مگر پیر زنی (زن لوط)که در میان بازماندگان بود.

سپس،دیگران را ریشه کن کردیم.

و بر سر آنان بارانی(از سنگ)فرو فرستادیم.پس چه بد است باران هشدار داده شدگان.

البتّه در این(ماجرا)نشانه ای(از قدرت الهی)است،لکن بیشتر مردم ایمان آورنده نیستند.

همانا پروردگار تو همان توانای مهربان است.

نکته ها:

کلمه ی «اَلْقٰالِینَ» به معنای اظهار نگرانی و مخالفت شدیدی است که از عمقِ جان باشد.

پیام ها

۱ با کار بد مخالفت کنید،نه با شخص خلافکار. «لِعَمَلِکُمْ مِنَ اَلْقٰالِینَ» ۲ انبیا،در برابر تهدیدها نمی ترسیدند و حرف خود را می زدند. «مِنَ اَلْقٰالِینَ» لوط در برابر تهدید اخراج و تبعید،فرمود:من دشمن کار شما هستم.

ص: ۳۶۱

۳ تنفّر از کار بد،هم باید زبانی باشد و هم عملی. «قَالَ إِنِّی لِعَمَلِکُمْ رَبِّ نَجِّنِی» آری نگرانی تنها کافی نیست،باید به فکر رهایی و نجات از مرکز فساد بود.

۴ محیط آلوده برای مردان خدا قابل تحمّل نیست؛اگر از اصلاح محیط مأیوس شدند،حد اقل خود را از آنجا نجات می دهند. «نَجِّنِی» ۵ بزرگان جامعه باید به فکر خاندان و یاران خود باشند. «نَجِّنِی وَ أَهْلِی» ۶ دعای انبیا مستجاب است. «رَبِّ نَجِّنِی فَنَجَّیْنٰاهُ» ۷ زن،در انتخاب راه وابسته به شوهر نیست. «إِلاّٰ عَجُوزاً» (زن لوط راه انحرافی را برگزیده بود) ۸ در ادیان آسمانی،همه ی قوانین و ارزش ها بر اساس ضوابط است نه روابط.

«إِلاّٰ عَجُوزاً»

(زن پیامبر نیز اگر منحرف شد،هلاک می شود،زیرا ملاک و میزان،کفر و ایمان است نه رابطه ها و نسبت ها) ۹ حساب اطرافیان و وابستگان شخصیّت ها را،از حساب خود آنان جدا کنید.

«إِلاّٰ عَجُوزاً»

(ممکن است انسان پیامبر و فرستاده خدا باشد،ولی بستگانش در راه حقّ نباشند.همسر لوط در خانه پیامبر بود،ولی دارای تفکّر انحرافی بود.) ۱۰ کیفر گناه برای همه یکسان است،زن لوط در میان نابودشدگان است و امتیاز ویژه ای ندارد. «فِی الْغٰابِرِینَ» ۱۱ کیفر کسانی که مسیر ازدواج را به لواط می کشانند،آن است که باران رحمت، باران عذاب شود و آنان را از پای در آورد. «فَسٰاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِینَ» ۱۲ خداوند قبل از عذاب،هشدار می دهد و اتمام حجّت می کند. «الْمُنْذَرِینَ» ۱۳ همین که جامعه از افراد صالح خالی شد،زمینه ی قهر الهی فراهم شده است.

«فَنَجَّیْنٰاهُ وَ أَهْلَهُ

... ثُمَّ دَمَّرْنَا» ۱۴ طبیعت،در اختیار قدرت الهی است.(همان قدرتی که از آسمان باران نازل می کند، می تواند سنگ نازل کند) «وَ أَمْطَرْنٰا عَلَیْهِمْ مَطَراً» ...

۱۵ تاریخ،مایه ی عبرت است. «إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَةً»

۱۶ در تربیت،تکرار لازم است.(در این سوره بعد از نقل ماجرای هر یک از پیامبران،جمله ی «إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَةً » آمده است).

۱۷ اکثر مردم پند پذیر نیستند. «وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ» ۱۸ قدرت همراه با رحمت ارزش دارد. «الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۷۶ تا ۱۸۰]

اشاره

کَذَّبَ أَصْحٰابُ اَلْأَیْکَهِ اَلْمُرْسَلِینَ (۱۷۶) إِذْ قٰالَ لَهُمْ شُعَیْبٌ أَ لاٰ تَتَّقُونَ (۱۷۷) إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ (۱۷۸) فَاتَّقُوا اَللّٰهَ وَ أَطِیعُونِ (۱۷۹) وَ مٰا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلاّٰ عَلیٰ رَبِّ اَلْعٰالَمِینَ (۱۸۰)

اصحاب ایکه(نیز)پیامبران را تکذیب کردند.

زمانی که شعیب به آنان گفت:آیا از(شرک و انحراف)پروا ندارید؟

همانا من برای شما پیامبری امین هستم.

پس،از خدا پروا کنید و من را اطاعت کنید.

و من بر این رسالتم هیچ پاداشی از شما درخواست نمی کنم.اجر من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

نکته ها:

«ایکه»به معنای بیشه و جنگل است.بعضی«اصحاب ایکه»را که چهار بار نامشان در قرآن آمده همان اصحاب مَدیَن می دانند و بعضی دیگر آنان را قومی می دانند که در منطقه ای نزدیک مَدیَن زندگی می کردند و هر دو قوم،مخاطب حضرت شعیب بوده اند.

در این سوره،این هفتمین پیامبری است که داستانش نقل شده و در تمام این داستان ها جمله ی «قٰالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ» بود امّا در مورد شعیب،کلمه ی«اخوهم»نیامده است.شاید دلیلش این باشد که شعیب نسبت به مردم غریب بود. (۱)

۱- ۱) .تفسیر کبیر فخر رازی.

پیام ها

۱ همه ی انبیـا،هم فکر،هم سـخن و همسو بودنـد.(آیـات «إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمِینٌ» « فَاتَّقُوا اللّهَ وَ أَطِیعُونِ» در همه ی داسـتان های این سوره تکرار شده و پیام های این آیات،همان پیام های آیات ۱۶۰ تا ۱۶۴ است.)

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۸۱ تا ۱۸۳]

اشاره

أَوْفُوا اَلْکَیْلَ وَ لاٰ تَکُونُوا مِنَ اَلْمُخْسِرِینَ (۱۸۱) وَ زِنُوا بِالْقِسْطٰاسِ اَلْمُسْتَقِیمِ (۱۸۲) وَ لاٰ تَبْخَسُوا اَلنّٰاسَ أَشْیٰاءَهُمْ وَ لاٰ تَعْثَوْا فِی اَلْأَرْضِ مُفْسِدِینَ (۱۸۳)

حقّ پیمانه را ادا کنید و از کم فروشان نباشید.

و با ترازوی درست بسنجید.

و اجناس مردم را کم ندهید و در زمین به فساد و تبهکاری نکوشید.

نکته ها:

کلمه ی«کیـل»،برای مایعـات و کلمه ی«قسـطاس»،برای وزن هـا و کلمه ی «أَشْیٰاءَهُمْ » ،برای چیزهای عـددی و غیره بکار رفته است.

در این آیات دو امر و دو نهی مشاهـده می کنیم که مکمّل یکدیگرنـد. «أَوْفُوا وَ لاٰ تَکُونُوا» و «زِنُوا لاٰ تَبْخَسُوا» در روایات آمده است:کسانی که عیب جنس خود را به مشتری نگوینـد،فرشـتگان،آنان را لعنت می کنند و کسانی که با مکر و حیله دیگران را فریب دهند،بدترین مردم هستند. (۱)

کم فروشـی،یکی از منکرات بزرگ اقتصـادی است که همه ی آفـات لقمه ی حرام را به دنبال دارد.کم فروشـی،تنها در داد و سـتد نیست،بلکه ممکن است افرادی در تـدریس و طبابت و نظارت و مهندسـی و شـئون دیگر زندگی نیز کم فروشـی کنند و چنان که باید حقّ دیگران را ادا نکنند.

۱- ۱) .غرر الحکم.

پیام ها

۱ پیمـانه و ترازو،سابقه و تاریخی بس طولانی دارد. «أَوْفُوا الْکَیْلَ» ۲ کم فروشی،حرام و مراعات حقّ الناس واجب است. «أَوْفُوا الْکَیْلَ» ...

۳ انبیـا،بر سـلامت نظـام اقتصادی جامعه نظارت داشـتند. «أَوْفُوا الْکَیْلَ» ۴ ادیـان آسـمانی بر عـدالت اجتماعی و اقتصادی تأکید دارند. «أَوْفُوا وَ زِنُوا» ۵ میزان سـنجش در هر امری باید عادلانه و درست باشد. «بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقِیمِ» ۶ مراعات حقوق همه ی انسـان هـا لازم است،نه تنهـا مؤمنین. «لا تَبْخَسُوا النّاسَ» ۷ کـم فروشـی،در هر چیزی ممنـوع است و مخصـوص پیمـانه و ترازو نیست.

«لا تَبْخَسُوا النّاسَ أَشْیاءَهُمْ»

۸ کم فروشـی،نوعی فساد است و کسانی که به جامعه ضـربه ی اقتصادی می زنند مفسد فی الارض هسـتند.زیرا نابسامانی های اقتصـادی،سرچشـمه ی از هم پاشیدگی نظـام اجتمـاعی است. «لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ» ۹ شـناخت انحرافـات موجود در جامعه،گام اوّل در اصلاح جامعه است.

(تمام آیات)

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۸۴ تا ۱۸۶]

اشاره

وَ اتَّقُوا الَّذِی خَلَقَکُمْ وَ الْجِبِلَّهَ الْأَوَّلِینَ (۱۸۴) قالُوا إِنَّما أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِینَ (۱۸۵) وَ ما أَنْتَ إِلاّ بَشَرٌ مِثْلُنا وَ إِنْ نَظُنُّکَ لَمِنَ الْکاذِبِینَ (۱۸۶)

و از خدایی که شما و اقوام پیشین را آفریده پروا کنید.

مردم(به جای قبول دعوت شعیب)گفتند:تو قطعاً از سحرشدگانی.

و تو جز بشری مثل ما نیستی،و ما تو را از دروغگویان می پنداریم.

نکته ها:

کلمه ی«جبل»به معنای امّت و جماعت است،چنان که در جای دیگر می فرماید: «وَ لَقَدْ

أَضَلَّ مِنْکُمْ جِبِلاًّ کَثِیراً» (1)شیطان گروه زیادی از شما را گمراه کرد.چون کلمه ی «جِبِلاًّ» به معنای کوه و«جبلی»به معنای فطری است،به اقوام و نسل هایی که قدیمی هستند یا خلق و خوی فطری دارند و مثل کوه استوارند،«جبلی» گفته می شود.

پیام ها

۱ کسی که انسان را آفرید،شایسته ی احترام است و باید از او پروا کرد. «وَ اتَّقُوا الَّذِی خَلَقَکُمْ» ۲ تقوا و ایمان،مانع فساد اقتصادی است.آنکه شما را آفرید،رزق شما را هم می دهد. «وَ اتَّقُوا الَّذِی خَلَقَکُمْ» (با توجّه به آیات قبل درباره ی کم فروشی) ۳ به آداب و رسوم فاسد نیاکان،تکیه نکنیم که همه مخلوق خدا هستیم و باید مطیع او باشیم. «خَلَقَکُمْ وَ الْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِینَ» ۴ تهمت،اهرم کسانی است که منطق ندارند. «قالُوا إِنَّما أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِینَ» ۵ خلافکار،خلاف خود را توجیه می کند. (به جای اقرار به اشتباه و لجاجت خود،انبیا را سحر شده می داند). «أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۸۷ تا ۱۹۱]

اشاره

فَأَسْقِطْ عَلَیْنا کِسَفاً مِنَ اَلسَّماءِ إِنْ کُنْتَ مِنَ اَلصّادِقِینَ (۱۸۷) قالَ رَبِّی أَعْلَمُ بِما تَعْمَلُونَ (۱۸۸) فَکَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذابُ یَوْمِ اَلظُّلَّةِ إِنَّهُ کانَ عَذابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ (۱۸۹) إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیَةً وَ ما کانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ (۱۹۰) وَ إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ اَلْعَزِیزُ اَلرَّحِیمُ (۱۹۱)

پس اگر تو از راستگویانی،پاره هایی از آسمان را بر سر ما بیفکن!

(شعیب)گفت:پروردگار من به آنچه انجام می دهید آگاه تر است.

پس شعیب را تکذیب کردند و عذاب روز ابر(آتشبار)آنان را فراگرفت.

البتّه آن عذاب روز بزرگ و هولناکی است.

۱- ۱) .یس،۶۲.

بی شک در این(ماجرا)نشانه ای(از قدرت الهی)است،ولی اکثر مردم ایمان آورنده نیستند.

و البتّه پروردگارت همان توانای مهربان است.

نکته ها:

کلمه ی «کِسَفاً » که چهار بار در قرآن آمده،جمع«کسفه»به معنای قطعه است و در اینجا مراد پاره ای از ابر است.و مراد از «عَذابُ یَوْمِ الظُّلَّهِ » ،یا عذاب در روزی است که مردم از شدّت گرما زیر سایبان ها پناه برده بودند،یا روزی که ابری بر سرشان سایه افکنده بود.

در چگونگی عذاب قوم شعیب چند تعبیر آمده است:یک جا می فرماید:با زلزله نابود شدند. (۱)در جای دیگر می فرماید:با صیحه عذاب شدند. (۲)و در اینجا مسأله ی ابر مطرح است.هر سه مطلب،با هم قابل جمع است که از ابرِ سیاهی رعد و صیحه ای برخیزد و لرزه بر جان آنان بیفتد یا با ایجاد زلزله ای همزمان،نابود شوند؛و شاید زلزله مربوط به اصحاب مَدیَن و ابر سیاه مربوط به اصحاب ایکه باشد،چون حضرت شعیب بر هر دو قوم مبعوث بود و در سوره ی اعراف،رسالت بر قوم مدین مطرح شده است که آنان با زلزله نابود شدند،ولی در این سوره از رسالت بر اصحاب ایکه یاد شده است.

پیام ها

۱ خواسته و تقاضای سنگدلان نیز خشن است. «فَأَسْقِطْ عَلَیْنا کِسَفاً مِنَ السَّماءِ» ۲ با مقاومت رهبران حقّ،مخالفان از شعارهای تند خود عقب نشینی می کنند.

قوم شعیب اوّل او را سحر شده و دروغگو خواندند،سپس گفتند:اگر از راستگویانی. «إِنَّما أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِینَ» به «إِنْ کُنْتَ مِنَ الصّادِقِینَ» تبدیل می شود.

۳ در شیوه ی تبلیغ و ارشاد،لازم نیست بر طبق تمایلات و خواسته های مخالفان

۱- ۱) .اعراف،۸۹.

۲- ۲) .هود،۹۶.

عمل شود. «قٰالَ رَبِّی أَعْلَمُ» ...(آنان سقوط قطعاتی از آسمان را درخواست می کردند،امّا پیامبر پاسخ می دهد:خداوند آگاه تر است) ۴ یاد خدا و توکّل بر او،بهترین پشتوانه در برابر خرافات است. «قٰالَ رَبِّی أَعْلَمُ» ...

۵ سرنوشت ما به دست خود ماست. «فَکَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ» ...

۶ خداوند،انبیا را حمایت و مخالفانشان را نابود می کند. «فَکَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ» ۷ حبّ دنیا و رسیدن به مال،انسان را به سرکشی در برابر انبیا وادار می کند.

«لاٰ تَبْخَسُوا النّٰاسَ أَشْیٰاءَهُمْ

فَکَذَّبُوهُ»

۸ هدف قرآن از نقل تاریخ،عبرت آموزی است،نه داستان سرایی. «لَآیَةً» ۹ اکثر مردم در خط حقّ قرار نمی گیرند. «وَ مٰا کٰانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنِینَ» ۱۰ مربّی باید همراه با قدرت،عطوفت نیز داشته باشد. «لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» ۱۱ همان خداوندی که شعیب را حمایت و مخالفان او را هلاک کرد،پروردگار تو نیز هست. «إِنَّ رَبَّکَ لَهُوَ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ» (بیان تاریخ امثال حضرت شعیب،هم مایه ی دلداری و تسلّی پیامبر است و هم تهدیدی برای کفّار و دشمنان) ۱۲ هلاکت مخالفان انبیا،نمودی از عزّت و قدرت الهی است،همان گونه که مهلتی که به آنان داده می شود نمودی از رحمت اوست. «الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۹۲ تا ۱۹۶]

اشاره

وَ إِنَّهُ لَتَنْزِیلُ رَبِّ اَلْعٰالَمِینَ (۱۹۲) نَزَلَ بِهِ اَلرُّوحُ اَلْأَمِینُ (۱۹۳) عَلیٰ قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ اَلْمُنْذِرِینَ (۱۹۴) بِلِسٰانٍ عَرَبِیٍّ مُبِینٍ (۱۹۵) وَ إِنَّهُ لَفِی زُبُرِ اَلْأَوَّلِینَ (۱۹۶)

و البتّه این(قرآن)فرستاده پروردگار جهانیان است.

(که جبرئیل)فرشته ی امین الهی آن را فرو آورده است بر دل تو،تا از هشداردهندگان باشی.

(این قرآن)به زبان عربی روشن(نازل شده)

و همانا(خبر)آن در کتاب های(آسمانی)پیشین آمده است.

ص: ۳۶۸

نکته ها:

«زُبُرِ »

از واژه ی «زُبُرِ » به معنای نوشتن و جمع«زبور»به معنای کتاب است.

قرآن را ساده ننگریم،زیرا:

الف:سرچشمه ی آن، «رَبِّ الْعالَمِینَ» است.

ب:واسطه ی آن، «الرُّوحُ الْأَمِینُ» است.

ج:ظرف آن،قلب پاک پیامبر(صلوات اللّه علیه) «قَلْبِکَ» است.

د:هدف آن،بیداری مردم «الْمُنْذِرِینَ» است.

ه:زبان آن،فصیح و بلیغ «عَرَبِیٍّ مُبِینٍ » است.

و:بشارت آن،در کتاب های پیشینیان، «زُبُرِ الْأَوَّلِینَ» است.

حضرت اسماعیل،هود،صالح و شعیب(علیهم السلام)،به زبان عربی سخن می گفته اند. (۱)

فرشته ی وحی دارای چند نام است:روح الامین،روح القدس،شدید القوی،رسولٌ کریم و جبرئیل.دلیل این که به جبرئیل«روح»گفته شده،یا به خاطر آن است که دین و روح مردم به واسطه ی او زنده شده،یا خودش موجودی روحانی است.

پیام ها

۱ قرآن وحی الهی است،نه شنیده ها و بافته های پیامبر. «إِنَّهُ لَتَنْزِیلُ» ۲ قرآن از دنیای غیب به دنیای شهود نازل شده است. «لَتَنْزِیلُ رَبِّ الْعالَمِینَ» ۳ کسی که وحی می فرستد،همانی است که تمام هستی را اداره و تربیت می کند.

(قوانین آسمانی با نظام آفرینش هماهنگ است) «لَتَنْزِیلُ رَبِّ الْعالَمِینَ» ۴ نزول وحی،وسیله ی رشد و از شئون ربوبیّت است. «لَتَنْزِیلُ رَبِّ الْعالَمِینَ» ۵ سنّت الهی به استخدام واسطه هاست. «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ» ۶ وحی الهی بدون کم و کاست نازل شده است. «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ» ۷ قلب،مرکز دریافت حقایق است. «عَلیٰ قَلْبِکَ»

۱- ۱) .تفسیر منهج الصّادقین.

۸ تا از عمق جان چیزی را باور نداشته باشیم،نمی توانیم هشدار جدّی بدهیم.

«عَلیٰ قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ الْمُنْذِرِینَ»

۹ سنّت خداوند،فرستادن پیامبران برای انذار و هشدار است. «مِنَ الْمُنْذِرِینَ» ۱۰ درمان غافل،با انذار و هشدار است. «مِنَ الْمُنْذِرِینَ» در قرآن،انذار بیشتر از بشارت آمده است.

۱۱ تبلیغ باید روشن و با زبان مردم باشد. «عَرَبِیٍّ مُبِینٍ» ۱۲ بشارتِ قرآن،در کتب آسمانی پیشین آمده است. «زُبُرِ الْأَوَّلِینَ» چنان که بشارت آمدن پیامبر اسلام در تورات و انجیل بوده است. «یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی التَّوْرٰاهِ وَ الْإِنْجِیلِ» (۱) ۱۳ در برنامه ریزی و مدیریّت،زمینه را برای رشد و هدایت و فعالیّت آیندگان فراهم سازید. «زُبُرِ الْأَوَّلِینَ» ۱۴ مضمون و محتوای قرآن،در کتاب های آسمانی پیشین بوده،ولی الفاظ آن بر قلب مبارک رسول خدا(صلوات اللّه علیه)نازل شده است. «زُبُرِ الْأَوَّلِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۱۹۷ تا ۱۹۹]

اشاره

أَ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُمْ آیَهً أَنْ یَعْلَمَهُ عُلَمٰاءُ بَنِی إِسْرٰائِیلَ (۱۹۷) وَ لَوْ نَزَّلْنٰاهُ عَلیٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِینَ (۱۹۸) فَقَرَأَهُ عَلَیْهِمْ مٰا کٰانُوا بِهِ مُؤْمِنِینَ (۱۹۹)

آیا این که علمای بنی اسرائیل از آن(قرآن)اطلاع دارند،برای آنان (مشرکان عرب)نشانه ای(بر صحّت آن)نیست؟

(بر فرض)اگر ما قرآن را بر بعضی غیر عرب ها نازل می کردیم.

پس او آن را برایشان می خواند،عرب ها به آن ایمان نمی آوردند.

۱- ۱) .اعراف،۱۷۵.

نکته ها:

امام صادق(علیه السلام)فرمودند:ارزش و فضیلت غیر عرب این است که آنان به سوی قرآنی که به زبان عربی است گرایش پیدا کردند،ولی اگر قرآن به زبان غیر عربی بود،بعضی عرب ها ایمان نمی آوردند. (۱)

پیام ها

۱ عذرِ جاهلِ مقصّر،پذیرفته نیست. «أَ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُمْ آیَهً» شما که از علمای خود نمی پرسید،سزاوار توبیخ و سرزنش هستید.

۲ علمای بنی اسرائیل از حقّانیّت قرآن آگاه بودند. «یَعْلَمَهُ عُلَمٰاءُ بَنِی إِسْرٰائِیلَ» ۳ در تبلیغ و تربیت،به احساسات و زبان ملّی مخاطب توجّه کنید. «لَوْ نَزَّلْنٰاهُ عَلیٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِینَ» ...

۴ تعصّب و نژادپرستی،مانع حق پذیری است. «لَوْ نَزَّلْنٰاهُ مٰا کٰانُوا بِهِ مُؤْمِنِینَ» ۵ تعصّب و ملیّت گرایی در قوم عرب زیاد است. «لَوْ نَزَّلْنٰاهُ ... مٰا کٰانُوا بِهِ مُؤْمِنِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۲۰۰ تا ۲۰۶]

اشاره

کَذٰلِکَ سَلَکْنٰاهُ فِی قُلُوبِ اَلْمُجْرِمِینَ (۲۰۰) لاٰ یُؤْمِنُونَ بِهِ حَتّٰی یَرَوُا اَلْعَذٰابَ اَلْأَلِیمَ (۲۰۱) فَیَأْتِیَهُمْ بَغْتَهً وَ هُمْ لاٰ یَشْعُرُونَ (۲۰۲) فَیَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ (۲۰۳) أَ فَبِعَذٰابِنٰا یَسْتَعْجِلُونَ (۲۰۴) أَ فَرَأَیْتَ إِنْ مَتَّعْنٰاهُمْ سِنِینَ (۲۰۵) ثُمَّ جٰاءَهُمْ مٰا کٰانُوا یُوعَدُونَ (۲۰۶)

ما این گونه قرآن را(با بیانی رسا و روشن)در دلهای گناهکاران عبور دادیم،

(ولی آنان)ایمان نمی آورند،مگر آنکه عذاب دردناک را مشاهده کنند.

که ناگهان و در حالی که آگاه نباشند به سراغشان آید.

پس گویند:آیا به ما مهلتی(برای توبه و جبران)داده خواهد شد؟

آیا نسبت به نزول عذاب ما عجله دارند(که می پرسند قهر خدا چه زمانی است)؟

۱- ۱) .تفسیر کنز الدقائق.

آیا دیدی که اگر سال ها هم آنان را(از نعمت های خود)برخوردار کنیم،

آن گاه عذاب موعود به آنها خواهد رسید.

نکته ها:

در روایات می خوانیم:رسول خدا(صلوات اللّه علیه)در خواب دیدند که بنی امیّه از منبرش بالا می روند و مردم را منحرف می کنند،چون از خواب برخاستند غمگین بودند،در این وقت جبرئیل این آیات را آورد: «أَ فَرَأَیْتَ إِنْ مَتَّعْناهُمْ سِنِینَ. ثُمَّ جاءَهُمْ ما کانُوا یُوعَدُونَ» (۱)

پیام ها

۱ خداوند حتّی با کفّار اتمام حجّت می کند و قرآن را بر آنان عرضه می کند و بر دلشان عبور می دهد. «سَلَکْناهُ» ۲ اگر قابلیّت نباشد،قرآن هم کارساز نیست. «سَلَکْناهُ فِی قُلُوبِ الْمُجْرِمِینَ لا یُؤْمِنُونَ» ۳ جرم و گناه،زمینه ی هدایت را در انسان محو می کند. «الْمُجْرِمِینَ لا یُؤْمِنُونَ» ۴ همان گونه که اگر قرآن به زبان اعجمی نازل می گردید،عرب های مشرک مکّه ایمان نمی آوردند،اکنون هم که به زبان عربی روشن نازل و مطالب آن بر دل آنان وارد می شود،باز هم ایمان نمی آورند. «لا یُؤْمِنُونَ بِهِ» ۵ ایمان در لحظه ی اضطرار سودی ندارد. «لا یُؤْمِنُونَ بِهِ حَتّی یَرَوُا الْعَذابَ» ۶ به مهلت دادن خداوند مغرور نشویم،زیرا مرگ و عذاب الهی به صورت ناگهانی می آید. «فَیَأْتِیَهُمْ بَغْتَةً» ۷ مجرم،در لحظه ی مرگ تقاضای مهلت دارد. «هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ» ۸ روزی وجدان های خفته بیدار خواهد شد. «هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ» ۹ کسانی که در دیدن عذاب الهی عجله دارند،روزی برای در امان بودن از

۱- ۱) .تفسیر المیزان.

عذاب،مهلت خواهند خواست. «مُنْظَرُونَ يَسْتَعْجِلُونَ» ۱۰ مهلت برای سیه دلان سودی ندارد. «مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ... جٰاءَهُمْ مٰا كٰانُوا يُوعَدُونَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۲۰۷ تا ۲۰۹]

اشاره

مٰا أَغْنىٰ عَنْهُمْ مٰا كٰانُوا يُمَتَّعُونَ (۲۰۷) وَ مٰا أَهْلَكْنٰا مِنْ قَرْيَةٍ إِلاّٰ لَهٰا مُنْذِرُونَ (۲۰۸) ذِكْرىٰ وَ مٰا كُنّٰا ظٰالِمِينَ (۲۰۹)

آنچه برخوردار بودند،در دفع عذاب به کارشان نیاید.

و ما(مردم)هیچ منطقه ای را هلاک نکردیم،مگر آن که بیم دهندگانی داشتند.

تا مایه ی پند و عبرت باشد،و ما ستمکار نبودیم(که بدون هشدار مجازات کنیم).

نکته ها:

خداوند،هر فرد و قوم گمراهی را زمانی هلاک می کند که از قبل به آنان هشدار داده باشد، و گر نه عقوبت بدون هشدار ظلم است و ظلم در شأن خداوند نیست.قرآن،این حقیقت را در آیات مختلف بیان کرده است:

«وَ مٰا ظَلَمْنٰاهُمْ» (۱)ما به آنان ظلم نکردیم.

«وَ مَا اللّٰهُ يُرِيدُ ظُلْماً» (۲)خداوند اراده ی ظلم نمی کند.

«مٰا كٰانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ» (۳)شأن خداوند ظلم کردن نیست.

«لاٰ يُظْلَمُونَ نَقِيراً» (۴)، «لاٰ يُظْلَمُونَ شَيْئاً» (۵)کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

«لاٰ يُظْلَمُونَ فَتِيلاً» (۶)خداوند به اندازه نخ درون هسته خرما و کمتر از آن ظلم نمی کند.

«لاٰ يَظْلِمُ مِثْقٰالَ ذَرَّةٍ» (۷)خداوند به اندازه ی سنگینی ذرّه ای ستم نمی کند.

ص: ۳۷۳

۱- ۱) .نحل،۱۱۸.

۲- ۲) .غافر،۳۱.

۳- ۳) .عنکبوت،۴۰.

۴- ۴) .نساء،۱۲۴.

۵- ۵) .مریم، ۶۰.

۶- ۶) .نساء، ۴۹.

۷- ۷) .نساء، ۴۰.

پیام ها:

۱ در هنگام قهر الهی،همه ی اسباب کامیابی بی فایده است. «مٰا أَغْنیٰ عَنْهُمْ» ۲ رفاه مخالفان دین،شما را غمگین نکند که روزی آن را خواهیم گرفت. «مٰا أَغْنیٰ عَنْهُمْ مٰا كٰانُوا يُمَتَّعُونَ» ۳ قهر الهی،بعد از اتمام حجّت است.تنبیه باید بعد از تذکّر باشد. «وَ مٰا أَهْلَكْنٰا ...

إِلاّٰ لَهٰا مُنْذِرُونَ»

۴ در هر امّتی اولیای خدا هستند که آنان را هشدار دهند. «مِنْ قَرْيَةٍ إِلاّٰ لَهٰا مُنْذِرُونَ» ۵ وظیفه ی انبیا هشدار است و در قبول یا ردّ مردم مسئولیّتی ندارند. «مُنْذِرُونَ» ۶ انسان فطرتاً حقایق را درک می کند،لکن چه بسا غفلت او را فرا می گیرد،و درمان غفلت،تذکّر و هشدار است. «مُنْذِرُونَ» ۷ تنبیه قبل از تذکّر،ظلم است. «ذِكْرىٰ وَ مٰا كُنّٰا ظٰالِمِينَ» ۸ شأن الهی از ظلم دور است. «وَ مٰا كُنّٰا ظٰالِمِينَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۲۱۰ تا ۲۱۳]

اشاره

وَ مٰا تَنَزَّلَتْ بِهِ اَلشَّيٰاطِينُ (۲۱۰) وَ مٰا يَنْبَغِي لَهُمْ وَ مٰا يَسْتَطِيعُونَ (۲۱۱) إِنَّهُمْ عَنِ اَلسَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ (۲۱۲) فَلاٰ تَدْعُ مَعَ اَللّٰهِ إِلٰهاً آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ اَلْمُعَذَّبِينَ (۲۱۳)

و قرآن را شیطان ها نازل نکرده اند.

نه سزاوار آنان است(که شیاطین آن را نازل کنند)و نه قدرت بر این کار دارند.

بی شک آنها از شنیدن(اخبار آسمانی)برکنارند.

پس(ای پیامبر!)با خدا معبود دیگری را نخوان که از عذاب شدگان خواهی شد.

نکته ها:

وحی دو نوع است:

الف:وحی الهی که به وسیله ی روح الامین بر قلب پیامبر(صلوات اللّٰه علیه)نازل می شود، که این نوع

وحی نه سزاوار جنّ و شیاطین است و نه آنها توان دریافت و ارسال آن را دارند. «وَ مٰا یَنْبَغِی لَهُمْ وَ مٰا یَسْتَطِیعُونَ» ب:نوع دیگر وحی،وسوسه ها و الهام های شیطانی است که شیطان ها بر اولیای خود القا می کنند. «إِنَّ الشَّیٰاطِینَ لَیُوحُونَ إِلیٰ أَوْلِیٰائِهِمْ» (۱)قرآن از استحکام و مقامی والا و از قداست و حفاظتی خاصّ برخوردار است،زیرا آورنده آن روح الامین است،از هر گونه دستبردی محفوظ است، «لَمَعْزُولُونَ» گیرنده آن معصوم است، «وَ مٰا یَنْطِقُ عَنِ الْهَویٰ» (۲)و تضمین شده است. «إِنّٰا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکْرَ وَ إِنّٰا لَهُ لَحٰافِظُونَ» (۳)مشرکین به پیامبر(صلوات اللّه علیه)پیشنهاد کردند:اگر تو بت های ما را بخوانی و آنها را محترم بدانی،ما نیز تو را رئیس خود قرار می دهیم.آیه نازل شد که کفّار را مأیوس کن.

«فَلاٰ تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ»

پیام ها:

۱ تهمت ها را قاطعانه پاسخ دهید. «وَ مٰا تَنَزَّلَتْ» مشرکین القای آیات را کار شیاطین می پنداشتند.

۲ قداست وحی،از خباثت شیاطین دور است. «مٰا یَنْبَغِی لَهُمْ» ۳ قدرت جن و شیاطین محدود است. «وَ مٰا یَسْتَطِیعُونَ» ۴ ورود بیگانگان به مراکز قدسی ممنوع است. «إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ» ۵ اگر قابلیّت و پاکی و ظرفیّت باشد،فرشته را به نزول وا می دارد. «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ عَلیٰ قَلْبِکَ» ولی اگر آمادگی نباشد حتّی پرواز به آسمان،با برگشت و محرومیّت همراه خواهد بود. «لَمَعْزُولُونَ» ، «فَأَتْبَعَهُ شِهٰابٌ» (۴)۶ هدف نهایی نزول قرآن،توحید است. «وَ مٰا تَنَزَّلَتْ ... فَلاٰ تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ» ۷ خداوند پیامبر را از شرک نهی می کند،تا ما بیاموزیم و گر نه پیامبر لحظه ای به سراغ غیر خدا نرفت.(به در می گویند تا دیوار بشنود). «فَلاٰ تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ»

۱- ۱) .انعام،۱۲۱.

۲- ۲) .نجم،۳.

۳- ۳) .حجر،۹.

۴- ۴) .حجر،۱۸.

۸ عصمت انبیا،با آزادی و اختیار آنان منافاتی ندارد.(پیامبر معصوم است ولی می توانند به سراغ غیر خدا روند،لذا مورد نهی قرار می گیرد) «فَلاٰ تَدْعُ» ۹ رهبران توحید باید خود اوّلین موحّدان باشند. «فَلاٰ تَدْعُ» ۱۰ غیر خدا،هر چیز و هرکس باشد،قابل پرستش نیست. «إِلٰهاً آخَرَ» ۱۱ شرک،سبب هلاکت امّت های پیشین گردیده است. «فَلاٰ تَدْعُ ... فَتَکُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِینَ» (یعنی از عذاب شدگان قبلی می شوی) ۱۲ به سراغ غیر خدا رفتن،بیچارگی و عذاب به دنبال دارد. «فَتَکُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِینَ» ۱۳ آیات الهی،به شخصیّت های بزرگ نیز هشدار می دهد. «فَتَکُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِینَ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۲۱۴ تا ۲۱۷]

اشاره

وَ أَنْذِرْ عَشِیرَتَکَ اَلْأَقْرَبِینَ (۲۱۴) وَ اِخْفِضْ جَنٰاحَکَ لِمَنِ اِتَّبَعَکَ مِنَ اَلْمُؤْمِنِینَ (۲۱۵) فَإِنْ عَصَوْکَ فَقُلْ إِنِّی بَرِیءٌ مِمّٰا تَعْمَلُونَ (۲۱۶) وَ تَوَکَّلْ عَلَی اَلْعَزِیزِ اَلرَّحِیمِ (۲۱۷)

و خویشان نزدیکت را هشدار ده.

و برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده اند، بال خود را بگستر(و متواضع باش).

پس اگر سرپیچی کردند بگو:قطعاً من از آنچه انجام می دهید بیزارم.

و بر (خدای)عزیز و مهربان توکّل کن.

نکته ها:

پس از نزول آیه ۲۱۴،پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)بستگانش را به مهمانی فراخواند و بعد از پذیرایی،سخن خود را آغاز و آنان را از شرک و بت پرستی نهی فرمود. (۱)

کلمه ی«عشیره»،شاید به خاطر معاشرت بستگان با یکدیگر است که در مورد خویشان

۱- ۱) .تفسیر مجمع البیان.

بکار می رود.

در نیکی به دیگران(مانند دید و بازدید،انفاق،وام،ارشاد و امر به معروف)نزدیکان انسان مقدّمند. «أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» گشودن بال،در قرآن درباره ی دو مورد آمده است:یکی پیامبر برای مؤمنین؛ «وَ اخْفِضْ جَناحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ» و دیگری فرزند برای والدین،امّا در مورد فرزند کلمه ی«ذل»نیز آمده است. «وَ اخْفِضْ لَهُما جَناحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَهِ» (۱)در آیه ی «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ» زنان نیز جزو مخاطبان بوده اند. «عَشِيرَتَكَ » شامل زن و مرد است و تفسیر المیزان از طبرانی نقل کرده که پیامبر(صلوات اللّه علیه)زنان را نیز دعوت کرده بود.

پیام ها:

۱ پیوند خویشاوندی سبب مسئولیّت بیشتری می شود. «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ» ۲ در مکتب وحی،همه ی مردم در برابر قانون خدا یکسانند و نزدیکان پیامبر نیز مورد هشدار قرار می گیرند. «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ» ۳ در تبلیغ و نهی از منکر،اوّل از خود شروع کنید؛ «فَلا تَدْعُ مَعَ اللّهِ» سپس نزدیکان. «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ» ۴ ارشاد و تبلیغ باید با صراحت باشد. «وَ أَنْذِرْ» ۵ روابط فامیلی نباید مانع نهی از منکر باشد. «وَ أَنْذِرْ» ۶ هشدار به نزدیکان،زمینه ی پذیرش حقّ را در دیگران تقویت می کند.(مردم می گویند:این حرف ها را به بستگان خود نیز می زند). «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ» ۷ در میان بستگان نیز اولویّت مطرح است. «الْأَقْرَبِينَ» ۸ در بین بستگان به خاطر شناخت عمیق و اعتماد، زمینه ی پذیرش حقّ بیشتر است. «الْأَقْرَبِينَ» ۹ هشدار باید با سوز و محبّت همراه باشد. «أَنْذِرْ ... وَ اخْفِضْ»

۱- ۱) .اسراء،۲۴.

۱۰ تواضع در برابر یـاران،پیروان و زیردسـتان،از صـفات لازم برای رهبر و مبلّغ است. «وَ اخْفِضْ جَنٰاحَکَ لِمَنِ اتَّبَعَکَ» ۱۱ با مؤمنین تواضع،از مشرکین برائت. «وَ اخْفِضْ فَقُلْ إِنِّی بَرِیءٌ» ۱۲ در اهمیّت تواضع همین بس که خداونـد پیامبر را به آن فرمان می دهـد. «وَ اخْفِضْ» ۱۳ لازمه ی ایمـان به خداونـد،پیروی از پیامبر است. «لِمَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ» و نفرمود:«للمؤمنین» ۱۴ مؤمنـان،به قـدری مقام دارنـد که رسول اللّه(صـلوات اللّه علیه)مأمور به فروتنی در برابر آنان می شود. «وَ اخْفِضْ جَنٰاحَکَ لِمَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ» ۱۵ ملاک برخوردها،ایمان و کفر است،نه فامیل بودن.(بسـتگانت را انذار ده ولی نسبت به مؤمنین تواضع کن). «أَنْذِرْ وَ اخْفِضْ» ۱۶ تواضع،تنها با زبان نیست،فروتنی در عمل نیز لازم است. «جَنٰاحَکَ» ۱۷ میزان تولّی و تبری،اطاعت از رسول خـداست. «اتَّبَعَکَ عَصَوْکَ» ۱۸ تنفّر قلبی از کفر کـافی نیست،اعلام قولی لازم است. «فَقُلْ» ۱۹ کسـی که بر خداوند توکّل دارد می تواند از عملکرد کفّار و بی اعتنایی بستگان اعلام برائت و تنفّر کند. «بَرِیءٌ وَ تَوَکَّلْ» ۲۰ به کسی تکیه کنیم که قدرتمند و دوستدار ما باشد. «وَ تَوَکَّلْ عَلَی الْعَزِیزِ الرَّحِیمِ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۲۱۸ تا ۲۲۳]

اشاره

اَلَّذِی یَرٰاکَ حِینَ تَقُومُ (۲۱۸) وَ تَقَلُّبَکَ فِی اَلسّٰاجِدِینَ (۲۱۹) إِنَّهُ هُوَ اَلسَّمِیعُ اَلْعَلِیمُ (۲۲۰) هَلْ أُنَبِّئُکُمْ عَلیٰ مَنْ تَنَزَّلُ اَلشَّیٰاطِینُ (۲۲۱) تَنَزَّلُ عَلیٰ کُلِّ أَفّٰاکٍ أَثِیمٍ (۲۲۲) یُلْقُونَ اَلسَّمْعَ وَ أَکْثَرُهُمْ کٰاذِبُونَ (۲۲۳)

خدایی که چون(به نماز)برمی خیزی تو را می بیند.

و حرکت تو را در میان سجده کنندگان(نیز می بیند).

زیرا که اوست شنوا و دانا.

آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می آیند؟

ص: ۳۷۸

بر هر دروغساز گنه پیشه ای فرود می آیند.

(زیرا این افراد)به سخنان شیاطین گوش فرا می دهند و بیشترشان دروغگویند.

نکته ها:

کلمه ی «أَفّاکٍ » به معنای کذّاب و دروغساز است.

در مورد قیام پیامبر(صلوات اللّه علیه)در آیه ی ۲۱۸،یا مراد قیام برای نماز است،یا قیام برای انذار و تبلیغ.چنان که امام باقر(علیه السلام)فرمود:مراد قیام در مسئله ی نبوّت است.

احتمال دارد مراد از آیه ی ۲۲۳ این باشد:شیاطینی که بر افراد فاسد نازل می شوند،برای شنیدن اخبار آسمان گوش خود را القا می کنند،گرچه با شهاب رد می شوند.

امام باقر(علیه السلام)فرمود:مراد از جمله ی «تَقَلُّبَکَ فِی السّاجِدِینَ » آن است که خداوند از جا به جایی تو در اصلاب نیاکان خداپرست تو آگاه بوده است. (۱)

از آنجا که مشرکین،نزول وحی را نزول شیاطین بر حضرت می پنداشتند،خداوند با قاطعیّت می فرماید:شیاطین بر دروغسازان گنهکار نازل می شوند نه بر پیامبر معصوم.بنا بر این دو نوع نزول داریم:یکی نزول وحی از طریق فرشته ای امین «إِنَّهُ لَتَنْزِیلُ رَبِّ الْعالَمِینَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ» دیگری نزول شیاطین بر افراد آلوده. «تَنَزَّلُ عَلی کُلِّ أَفّاکٍ أَثِیمٍ»

پیام ها:

۱ خداوند با یادآوری نظارت خویش،از پیامبرش دلجویی می کند. «یَراکَ» ...

۲ انسان در حال نماز مورد توجّه خاصّ خداونـد است. «یَراکَ حِینَ تَقُومُ» ۳ سجده مهم ترین رکن نماز است. «فِی السّاجِدِینَ» ۴ بر خدایی توکّل کنیم که علاوه بر داشتن عزّت و رحمت،شنوا و آگاه است و حرکت ها و عبادت های ما را می بیند. «تَوَکَّلْ عَلَی الْعَزِیزِ الرَّحِیمِ اَلسَّمِیعُ الْعَلِیمُ»

۱- ۱) .بحار،ج ۱۵،ص ۳.

۵ در شیوه ی تبلیغ،با سؤال کردن زمینه ی توجّه و شنیدن را در مخاطبین زنده کنیم. «هَلْ أُنَبِّئُكُمْ» ۶ روحیّه ها،ظرفیّت ها و لیاقت های گوناگون،نزول های گوناگونی را به همراه دارد. «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلىٰ قَلْبِكَ تَنَزَّلُ عَلىٰ كُلِّ أَفّاكٍ أَثِيمٍ» ۷ دریافت کننده ی وحی تنها یک دل است،دل پاک پیامبر «قَلْبِكَ» ،ولی دریافت کننده ی وسوسه های شیطانی،هر دل آلوده ای است. «كُلِّ أَفّاكٍ» ۸ بدتر از گناه،تکرار و عجین شدن آن با خُلق و خوی آدمی است. «أَفّاكٍ أَثِيمٍ» ۹ نشانه ی گناهکار آلوده آن است که گوش خود را در اختیار هر سخنی می گذارد. «يُلْقُونَ السَّمْعَ» ۱۰ دروغ،سرچشمه ی بسیاری از گناهان و خطرناک تر از آنهاست و لذا قلب دروغ ساز،فرودگاه شیطان می شود. «تَنَزَّلُ عَلىٰ كُلِّ أَفّاكٍ أَثِيمٍ»

[سوره الشعراء (۲۶): آیات ۲۲۴ تا ۲۲۷]

اشاره

وَ اَلشُّعَرٰاءُ يَتَّبِعُهُمُ اَلْغٰاوُونَ (۲۲۴) أَ لَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وٰادٍ يَهِيمُونَ (۲۲۵) وَ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مٰا لاٰ يَفْعَلُونَ (۲۲۶) إِلاَّ اَلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا اَلصّٰالِحٰاتِ وَ ذَكَرُوا اَللّٰهَ كَثِيراً وَ اِنْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مٰا ظُلِمُوا وَ سَيَعْلَمُ اَلَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (۲۲۷)

(پیامبر اسلام شاعر نیست،زیرا)شاعران را گمراهان پیروی می کنند.

آیا ندیدی که آنان در هر وادی سرگشته می روند؟

و مطالبی می گویند که به آن عمل نمی کنند؟

مگر آنان(شاعرانی)که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده و خدارا بسیار یاد می کنند،و پس از آن که مورد ستم قرار گرفتند(به دفاع از خود) یاری می طلبند(و با شعر از مظلومیّت خود دفاع می کنند)و کسانی که ظالمند،به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه باز خواهند گشت.

نکته ها:

اشاره

کلمه ی«غاوون»از«غی»،ضد رشد است،چنان که در جای دیگر می فرماید: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (۱)از آنجا که کفّار قرآن را ساخته ی وهم و خیال،و پیامبر را شاعر می دانستند،این آیات آنان را محکوم می کند که طرفداران شعرا،گمراهانند ولی طرفداران پیامبر اسلام گمراه نیستند.

شعرا بی هدف و سرگشته اند و به گفته ی خود عمل نمی کنند،ولی پیامبر این گونه نیست، هماهنگی میان گفتار و رفتار پیامبر اسلام،نشانه ی آن است که او شاعر نیست.

از امام باقر و امام صادق(علیهما السلام)نقل شده که به مناسبت آیه ی «وَ الشُّعَراءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغاوُونَ» فرمودند:کسانی که فقه را برای غیر دین آموخته باشند،یا عمیق نیاموخته باشند، هم گمراهند و هم دیگران را گمراه می کنند و قصّه سرایان نیز مشمول این سرزنش هستند. (۲)

از اینکه نام شعرای بی هدف در کنار دروغ سازانی که شیاطین بر آنان نازل می شوند،آمده است،شاید بتوان ارتباطی میان شیطان دروغ ساز و شاعر بی هدف هرزه گو کشف نمود.

به گفته ی روایات:ذکر کثیر،تسبیحات حضرت زهرا(علیها السلام)،یعنی سی و چهار مرتبه «الله اکبر»،سی و سه مرتبه«الحمد لله»و سی و سه مرتبه«سبحان الله»است.

در حدیث آمده است:ذکر خدا تنها با زبان نیست،بلکه یاد خداست به هنگام ترک گناه و انجام عبادت. «ذَكَرُوا اللّهَ» (۳)در حدیث می خوانیم:سر مبارک امام حسین(علیه السلام)بالای نیزه این آیه را تلاوت فرمود: «وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا» ...و امام صادق(علیه السلام)فرمود:مصداق روشن ظلم، ظلم در حقّ آل محمّد(علیهم السلام)است. (۴)

۱- ۱) .بقره،۲۵۶.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

۳- ۳) .تفسیر کنز الدقائق.

۴- ۴) .تفسیر نور الثقلین.

شعر و شاعران

مطالبی درباره ی شعر و شاعران به مناسبت آیات آخر این سوره بیان می کنیم:

از تفسیر بیضاوی نقل شده:چون اشعار جاهلیّت بیشتر پیرامون خیالات،توصیف زنان زیبا، معاشقه و افتخارات بیهوده یا بدگویی و تعرّض به ناموس دیگران بوده این آیات نازل شده است. «وَ الشُّعَراءُ یَتَّبِعُهُمُ الْغاوُونَ» تفاوت میان حکیم و شاعر آن است که حکیم ابتدا معانی را در نظر می گیرد و بعد الفاظ را به کار می برد،ولی شاعر ابتدا قالب و الفاظ را در نظر می گیرد،سپس معانی را بیان می کند. (۱)

در روایات،شعر خوبی که از حقّ طرفداری کند،از جهاد با سر نیزه برتر شمرده شده و مورد ستایش قرار گرفته است. (۲)

رسول اکرم(صلوات اللّه علیه)فرمود:بعضی از بیان ها همچون سحر و بعضی از شعرها حکمت است. (۳)

پیامبر اکرم(صلوات اللّه علیه)به شاعر متعهّدی به نام«حَسّان»فرمود:روح القدس با توست. (۴)

پیامبر(صلوات اللّه علیه)در یکی از سفرها،«حَسّان»را فراخواند که شعر بخواند.او می خواند و حضرت گوش می دادند.حضرت دستور دادند در مسجد جایگاه خاصّی برای«حَسّان» باشد. (۵)

امام صادق(علیه السلام)به یاران خود می فرمود:کودکان خود را با شعر«عَبدی»آشنا کنید که او شاعری خوب و مکتبی است. (۶)

امام صادق(علیه السلام)فرمود:هر کس برای حقّانیّت ما یک بیت شعر بسراید،خداوند در بهشت خانه ای به او عطا می کند. (۷)

امام صادق(علیه السلام)فرمود:خواندن شعر برای روزه دار و کسی که در حال احرام یا در منطقه حَرَم است،مکروه می باشد و نیز خواندن شعر در روز یا شب جمعه کراهت دارد. (۸)

در روایات می خوانیم:راست ترین شعر در زمان جاهلیّت این بوده است: الا ـ کلّ شیء ما خلا اللّه باطل و کلّ نعیم لا محاله زائل (۹)

۱- ۱) .لغت نامه دهخدا.

۲- ۲) .تفسیر کنز الدقائق.

۳- ۳) .تفسیر المنیر.

۴- ۴) .تفسیر کنز الدقائق.

۵- ۵) .تفسير روح المعانى.

۶- ۶) .تفسير كنز الدقائق.

۷- ۷) .بحار،ج ۷۹،ص ۲۹۱.

۸- ۸) .وسائل،ج ۷،ص ۱۲۱.

۹- ۹) .تفسير مواهب العلّيه.

یعنی بدانید که هر چیز،جز خداوند باطل است و هر نعمتی دیر یا زود از بین خواهد رفت.

در روایت آمده است:همین که آیه ی «وَ الشُّعَرٰاءُ یَتَّبِعُهُمُ» ...نازل شد گروهی از شاعران مسلمان نگران خود شده،نزد پیامبر اکرم آمدند.حضرت فرمود:«ان المؤمن مجاهد بسیفه و لسانه»یعنی مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد می کند. (۱)

پیام ها:

۱ جذب مردم مهم نیست،مهم این است که چه افرادی و به چه هدفی جذب شوند. «یَتَّبِعُهُمُ الْغٰاوُونَ» ۲ اسلام با هنر مخالف نیست،با شعر بی هدف مخالف است. «فِی کُلِّ وٰادٍ یَهِیمُونَ» ۳ اگر شعر همراه با ایمان و تقوا نباشد،خیالات و احساسات شخصی شاعر و تمایلات مردم،هر روز شاعر را به یک وادی می کشاند. «فِی کُلِّ وٰادٍ یَهِیمُونَ» ۴ آنچه مورد انتقاد است،گمراه کردن مردم و سرگرم نمودن آنان به امور مختلف است. «یَتَّبِعُهُمُ الْغٰاوُونَ فِی کُلِّ وٰادٍ یَهِیمُونَ» خواه در زمینه ی شعر باشد یا قصه،یا فیلم یا عکس یا تئاتر یا طنز و یا سخنرانی،لکن شعر به خاطر زیبایی و ویژگی های خاصّش نافذتر است.

۵ آفت های شعر چند چیز است:پیروی نااهلان، «یَتَّبِعُهُمُ الْغٰاوُونَ» ،بی هدفی «فِی کُلِّ وٰادٍ یَهِیمُونَ» و بی عملی. «یَقُولُونَ مٰا لاٰ یَفْعَلُونَ» ۶ اگر شعر و هنر در کنار ایمان قرار نگیرد،بستری مناسب و مسیری هموار برای حرکت منحرفان خواهد شد. «وَ الشُّعَرٰاءُ یَتَّبِعُهُمُ الْغٰاوُونَ إِلاَّ الَّذِینَ آمَنُوا» ۷ یکی از شیوه های امر به معروف و نهی از منکر،معرّفی الگوهای حقّ و باطل است. «وَ الشُّعَرٰاءُ ... إِلاَّ الَّذِینَ» ۸ قرآن از شاعری که اهل حرف است نه عمل،انتقاد کرده است. «یَقُولُونَ مٰا لاٰ یَفْعَلُونَ»

۱- ۱) .تفسیر منهج الصادقین.

۹ انصاف را مراعات کنید.حقّ خوبانِ هر صنف و گروه را نادیده نگیرید.شعر و هنر در دست صالحان ارزش است. «إِلاَّ الَّذِینَ آمَنُوا» ۱۰ ایمان،عمل صالح و یاد خدا،هنرمند و شاعر را از انحراف نجات می دهد.

«إِلاَّ الَّذِینَ آمَنُوا»

...

۱۱ قرآن شعری را تأیید می کند که از شاعرِ مؤمن و عامل و ذاکر خدا باشد و در مسیر تحریک مردم برای دفاع از حقّ به کار گرفته شود. «آمَنُوا وَ عَمِلُوا ... وَ انْتَصَرُوا» ...

۱۲ ایمان بر عمل مقدّم است و اعمال نیز باید صالح باشد تا کارساز شود. «آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ» ۱۳ یاد خدا،به زمان و مکان و مقدار،محدود نیست.(در هر زمان،در هر مکان، هر چه بیشتر) «ذَکَرُوا اللّهَ کَثِیراً» ۱۴ هر کجا خطر لغزش زیاد است باید یاد خدا نیز زیاد باشد. «ذَکَرُوا اللّهَ کَثِیراً» ۱۵ با هنر و شعر،به مقابله ی ستمگران برویم. «وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ ما ظُلِمُوا» ۱۶ خداوند در کمین ستمگران است. «وَ سَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا» «الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»

[تفسیر سوره نمل]

سیمای سوره ی نمل

این سوره نود و سه آیه دارد و نام معروف آن به مناسبت آیه ی ۱۸ که درباره ی داستان مورچگان و حضرت سلیمان است،«نمل»می باشد،ولی نام«سلیمان»و «طاسین»نیز بر آن نهاده شده است.

تمام این سوره در مکّه در جریان ها و مناسبت های مختلف نازل شده و «بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» دو بار در آن آمده است؛یکی در آغاز سوره و دیگری در آیه ی ۳۰ در آغاز نامه ی حضرت سلیمان به ملکه ی سبأ.

مبارزات چهار پیامبر بزرگ الهی،(موسی،سلیمان،صالح و لوط(علیهم السلام))با اقوام منحرف زمان خود در این سوره آمده است که مفصّل ترین آن، برخورد حضرت سلیمان با ملکه ی سبأ و چگونگی ایمان آوردن او به خدا می باشد.

سخن گفتن پرندگانی همچون هدهد و حشراتی چون مورچه،حضور افرادی از جنّ در لشگر و دربار سلیمان و بالاخره آوردن تخت بلقیس از یمن به شام در یک چشم بهم زدن،بخشی دیگر از آیات این سوره را به خود اختصاص داده است.

ص: ۳۸۷

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ به نام خداوند بخشنده مهربان

[سوره النمل (۲۷): آیات ۱ تا ۳]

اشاره

بِسْمِ اَللّهِ اَلرَّحْمنِ اَلرَّحِيمِlt;br/gt;طس تِلْكَ آياتُ اَلْقُرْآنِ وَ كِتابٍ مُبِينٍ (۱) هُدىً وَ بُشْرى لِلْمُؤْمِنِينَ (۲) اَلَّذِينَ يُقِيمُونَ اَلصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ اَلزَّكاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ (۳)

طا،سین.آن است آیات قرآن و کتاب روشنگر.

که(وسیله ی)هدایت و بشارت برای اهل ایمان است.

کسانی که نماز برپامی دارند و زکات می پردازند و تنها ایشانند که به آخرت یقین دارند.

نکته ها:

زکات دو معنا دارد:یکی معنای خاص که زکات معروف است و دیگری معنای عام که کمک به نیازمندان به هر نحو است.در این آیه مراد معنای دوّم زکات است،زیرا این سوره در مکّه نازل شده و دستور زکات رسمی در مدینه صادر شده است. «يُؤْتُونَ الزَّكاةَ» کلمه ی «مُبِينٍ » از«ابانه»،هم به معنای«روشن»به کار می رود که به اصطلاح فعل لازم است و هم به معنای«روشنگر»که فعل متعدّی است.

پیام ها:

۱ یکی از سنّت های الهی این است که وحی را با برتری و مقامی که دارد در دسترس انسان قرار دهد. «تِلْكَ» ۲ دایره ی ارشاد از طریق گفتن و شنیدن،گسترده تر از نوشتن و خواندن است.

(کلمه ی قرآن قبل از کتاب آمده است) «الْقُرْآنِ وَ کِتابٍ» ۳ حرکت انبیا فرهنگی و با قرائت و کتابت همراه است. «آیاتُ الْقُرْآنِ وَ کِتابٍ» ۴ قرآن،کتابی بس بزرگ است.(«کِتابٍ » ،بدون«الف و لام»و همراه با تنوین نشانه ی عظمت است) ۵ قرآن برای مردم قابل درک است. «کِتابٍ مُبِینٍ» ۶ ارشاد و تبلیغ،باید با محتوای روشن و شیوه ای صریح و قاطع همراه باشد.

«تِلْکَ

مُبِینٍ»

۷ هدایت،درجات و مراحلی دارد:هدایت ابتدایی: «هُدیً لِلنّاسِ» هدایت تکمیلی: «هُدیً ... لِلْمُؤْمِنِینَ» ۸ از امتیازات قرآن،مکتوب بودن: «کِتابٍ» روشن و روشنگر بودن: «مُبِینٍ» هدایت کردن: «هُدیً» و بشارت دادن است. «بُشْری» ۹ رسالت اصلی قرآن،هدایت و بشارت است و توجّه قرآن به علوم و مسائل دیگر جنبی است. «هُدیً وَ بُشْری» ۱۰ ایمان،کلید هدایت و نجات است. «هُدیً وَ بُشْری لِلْمُؤْمِنِینَ» ۱۱ در هدایت شدن،قابلیّت شرط اصلی است. «لِلْمُؤْمِنِینَ» ۱۲ برای ترویج خوبی ها،از خوبان تجلیل کنیم. «الَّذِینَ» ...

۱۳ در تجلیل،محور کردار مردم است،نه نام و عنوان آنها. «یُقِیمُونَ ... یُؤْتُونَ» ...

۱۴ عمل،نشانه ی ایمان است. «لِلْمُؤْمِنِینَ اَلَّذِینَ یُقِیمُونَ» ...

۱۵ حتّی مؤمنان اهل نماز و زکات برای تداوم کار خود به هدایت الهی نیاز دارند. «هُدیً ... لِلْمُؤْمِنِینَ اَلَّذِینَ» ...در قیامت نیز انسان به مرحله ای از هدایت محتاج است. «یَهْدِیهِمْ رَبُّهُمْ بِإِیمانِهِمْ» (۱)۱۶ نمازی ارزش دارد که با شرایط صحّت و کمال انجام گیرد. «یُقِیمُونَ» (معنای

۱- ۱) .یونس،۹.

اقامه ی نماز،انجام دادن آن با شرایط است) ۱۷ رابطه با خداوند بر رابطه با مردم مقدّم است. «یُقِیمُونَ الصَّلاٰهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاٰهَ» (نماز،قبل از زکات آمده است) ۱۸ چون نماز و رابطه با خدا،زمینه ساز سایر کارهای خیر است،نام آن در ابتدا آمده است. «الصَّلاٰهَ» ۱۹ تداوم عمل،به عمل ارزش می دهد. «یُقِیمُونَ یُؤْتُونَ» (فعل مضارع نشانه ی استمرار و تداوم است) ۲۰ یکی از امتیازات اسلام این است که مسایل الهی و مردمی،معنوی و مادّی، این جهانی و آن جهانی را در کنار هم قرار داده است. «الصَّلاٰهَ- اَلزَّکاٰهَ» ۲۱ در تبلیغ،اوّل کارهایی را مطرح کنید که برای مردم خرج ندارد.(اوّل نماز، بعد زکات) «الصَّلاٰهَ اَلزَّکاٰهَ» ۲۲ مؤمن در برابر مسایل اجتماعی و نیاز محرومان و گرسنگان،احساس مسئولیّت می کند. «یُؤْتُونَ الزَّکاٰهَ» ۲۳ هر کجا حسّاسیّت لازم است،کلام را تکرار کنید.(نماز و زکات با یک کلمه «الَّذِینَ» آمده،ولی یقین به معاد با دو بار کلمه ی «هُمْ» بکار رفته است.) ۲۴ نماز و زکاتی ارزش دارد که با ایمان به معاد همراه باشد. «وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ» ۲۵ اهل یقین،تنها گروه خاصّی هستند. «هُمْ بِالْآخِرَهِ هُمْ یُوقِنُونَ» تکرار کلمه ی «هُمْ » نشانه ی این است که این گروه،گروه خاصّی هستند.

۲۶ مؤمنین برنده هستند؛با نماز خودسازی می کنند و با زکات مشکلات جامعه را حل و با یقین به معاد،آینده ی خود را تأمین می کنند. «یُقِیمُونَ الصَّلاٰهَ ...

الزَّکاٰهَ

... یُوقِنُونَ» ۲۷ علم،به فراموشی تبدیل می شود ولی یقین،با توجّه دائمی همراه است.

«یُوقِنُونَ»

۲۸ گمان و دانستن کافی نیست،باور قلبی و یقین لازم است. «یُوقِنُونَ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۴ تا ۵]

اشاره

إِنَّ اَلَّذِينَ لاٰ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ زَيَّنّٰا لَهُمْ أَعْمٰالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ (۴) أُوْلٰئِكَ اَلَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ اَلْعَذٰابِ وَ هُمْ فِی اَلْآخِرَهِ هُمُ اَلْأَخْسَرُونَ (۵)

همانا کسانی که به آخرت ایمان ندارند،کارهای(زشت)شان را زیبا جلوه می دهیم تا(هم چنان)سرگشته باشند.

آنان کسانی هستند که برای ایشان عذاب بد(و دردناک)خواهد بود و آنان در قیامت زیانکارترین افرادند.

نکته ها:

اشاره

در این آیه و آیه ی ۱۰۸ سوره ی انعام،خوب پنداشتن کارهای زشت،به خداوند نسبت داده شده است.در حالی که قرآن کریم در چند مورد دیگر،این کار را کار شیطان دانسته است.

این به خاطر آن است که خداوند نظام هستی را بر اساس علل و اسباب قرار داده است و کارهایی را که انجام می شود به هر یک از علل می توان نسبت داد،مثلاً می توان گفت:کلید، در را باز کرد و می توان گفت:دستم در را باز کرد و نیز می توان گفت:خودم در را باز کردم، زیرا کلید در دست و دست در اختیار من است.در این جا نیز شیطان کار زشت را زیبا جلوه می دهد ولی با تکرار کار زشت،انسان به آن خو می گیرد و این خو گرفتن،سنّت الهی است.

سیمای زیانکاران

زیانکاران چند نوع هستند:الف:خاسر،ب:لفی خسر،ج:خسران مبین د:اخسرون.

الف:کسی که عمرش تباه شده است. «قُلْ إِنَّ الْخٰاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» (۱)ب:کسی که اهل ایمان و عمل صالح نباشد. «إِنَّ الْإِنْسٰانَ لَفِی خُسْرٍ إِلاَّ الَّذِينَ آمَنُوا» (۲)ج:کسی که با تزلزل بندگی خدا می کند. «فَإِنْ أَصٰابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصٰابَتْهُ فِتْنَهٌ انْقَلَبَ عَلىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيٰا وَ الْآخِرَهَ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرٰانُ الْمُبِينُ» (۳)د:کسانی که منحرفند،و گمان می کنند راه درست می روند. «الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِی الْحَيٰاهِ

۱- ۱) .زمر،۱۵.

۲- ۲) .عصر،۲.

۳- ۳) .حج،۱۱.

اَلدُّنْیا وَ هُمْ یَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعاً» (۱)در روایات می خوانیم:أخسرون،کسانی هستند که زکات نمی پردازند،بر گناه اصرار می ورزند، قدرت حقّ گفتن دارند،ولی نمی گویند،ظالم ترین افرادند.

با ضایع کردن دین،دنیای خود را اصلاح می کنند.

پیام ها:

۱ ایمان نداشتن به معاد،زمینه ی جلوه گری زشتی هاست.(انسان بی ایمان، برهنگی را تمدّن،تجمّل را شخصیّت،کلاه برداری را زرنگی،دروغ و ریا را نشانه ی سیاست و استعمار را نشانه قدرت می داند) «إِنَّ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ ... زَیَّنّا» ۲ کج فهمی و سردرگمی افراد بی ایمان،بزرگ ترین کیفر و سیلی خداوند است.

«لا یُؤْمِنُونَ

... فَهُمْ یَعْمَهُونَ» ۳ اگر قیامت را باور کنیم،از کارهای بسیاری که به نظر ما زیباست توبه خواهیم کرد. «لا یُؤْمِنُونَ زَیَّنّا» ۴ کسی که قیامت را آینده ی روشن خود نمی داند،دنیای متغیر،هر لحظه او را دگرگون و سردرگم می کند. «لا یُؤْمِنُونَ یَعْمَهُونَ» ۵ کفر به قیامت،عامل بزرگ ترین خسارت هاست. «الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ ... هُمُ الْأَخْسَرُونَ»

[سوره النمل (۲۷): آیه ۶]

اشاره

وَ إِنَّکَ لَتُلَقَّی اَلْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَکِیمٍ عَلِیمٍ (۶)

به یقین که تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می کنی.

پیام ها:

۱ دریافت کننده ی وحی،رسول خدا(صلوات اللّه علیه)است. «وَ إِنَّکَ لَتُلَقَّی الْقُرْآنَ» ۲ قرآن،تبلور علم و حکمت الهی است. «الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَکِیمٍ عَلِیمٍ»

۱- ۱) .کهف،۱۰۴.

۳ علم پیامبر لـدنّی است. «مِنْ لَدُنْ» ۴ در نزول و دریافت قرآن،هیـچ واسـطه ی غیر امینی وجود نـدارد. «لَتُلَقَّی الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَکِیمٍ عَلِیمٍ» ۵ احکام دین،از سرچشمه ی علم الهی است و در هر دستوری،حکمتی نهفته است. «حَکِیمٍ عَلِیمٍ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۷ تا ۹]

اشاره

إِذْ قٰالَ مُوسیٰ لِأَهْلِهِ إِنِّی آنَسْتُ نٰاراً سَآتِیکُمْ مِنْهٰا بِخَبَرٍ أَوْ آتِیکُمْ بِشِهٰابٍ قَبَسٍ لَعَلَّکُمْ تَصْطَلُونَ (۷) فَلَمّٰا جٰاءَهٰا نُودِیَ أَنْ بُورِکَ مَنْ فِی اَلنّٰارِ وَ مَنْ حَوْلَهٰا وَ سُبْحٰانَ اَللّٰهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِینَ (۸) یٰا مُوسیٰ إِنَّهُ أَنَا اَللّٰهُ اَلْعَزِیزُ اَلْحَکِیمُ (۹)

(یـاد کن)زمانی که موسـی به خانوادۀ خود گفت:همانا من آتشـی احساس کردم (شـما در همین مکان توقّف کنیـد)،به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد،یا شعله ی آتشی برای شما می آورم،باشد که خود را گرم کنید.

پس همیـن کـه(موسـی)نزد آن آمـد،نـدا داده شـد کـه هر که در آتش و هر که اطراف آن است برکت داده شـد و منزّه اسـت خداوندی که پروردگار جهانیان است.

ای موسی! همانا این منم خدای عزیز حکیم.

نکته ها:

اشاره

در قرآن ۱۳۶ مرتبه نام حضـرت موسـی و در ۳۴ سوره داسـتان او ذکر شـده و حدود ۹۰۰ آیه درباره ی ماجرای بنی اسـرائیل است.

حضـرت موسـی با همسـر باردارش از مَدْیَن به سوی مصـر در حرکت بود.شب و سرما و طوفان بیابان از یک سو و وضع حمل همسرش از سوی دیگر موسی را به تکاپو واداشت؛

آیات مورد بحث به این ماجرا نظر دارد.

در میان تمام احتمالات،به نظر می رسد که مراد از «مَنْ فِی النّارِ» حضرت موسی است که در منطقه آتش بود و مراد از «مَنْ حَوْلَها» خانواده او یا پیامبرانی که در ارض مقدّسه بوده اند.

آتش در قرآن

ابلیس به آن افتخار کرد. «خَلَقْتَنِی مِنْ نارٍ» (۱)کافر به آن کیفر می شود. «تَصْلی ناراً حامِیَةً» (۲)ابراهیم در آن سالم ماند. «یا نارُ کُونِی بَرْداً» (۳)موسی به سراغ آن رفت،ولی پیامبر شد. «آنَسْتُ ناراً ... نُودِیَ» (۴)ذو القرنین به وسیله آن فلزات را ذوب و سدسازی کرد. «قالَ انْفُخُوا حَتّی إِذا جَعَلَهُ ناراً» (۵)

پیام ها:

۱ داستان موسی قابل ذکر و مایه ی تذکّر است و نباید فراموش شود. «إِذْ قالَ» ...

۲ گاهی در مسیر کمک به همسر و خانواده،الطاف ویژه ای پیدا می شود. «آتِیکُمْ بِشِهابٍ ... نُودِیَ» ۳ مرد،مسئول اداره امور زندگی همسر است. «آتِیکُمْ بِشِهابٍ قَبَسٍ لَعَلَّکُمْ تَصْطَلُونَ» ۴ انبیا زندگی عادّی داشتند. «آتِیکُمْ بِشِهابٍ قَبَسٍ لَعَلَّکُمْ تَصْطَلُونَ» ۵ ما مأمور به ظاهریم،الطاف خفیّه کار خداست. «فَلَمّا جاءَها نُودِیَ» ۶ سخن خداوند با موسی،گرفتن پیام رسالت و نمایش معجزات و بعثت سایر انبیا در آن منطقه رمز برکت است. «بُورِکَ مَنْ فِی النّارِ وَ مَنْ حَوْلَها» ۷ نداهای الهی به پیامبران را وهم و خیال نپنداریم.(در کنار کلمه ی «نُودِیَ » ، «سُبْحانَ اللّهِ » آمده،یعنی خداوند منزّه است از این که این ندا وهم و خیال و وسوسه باشد).

۱- ۱) .اعراف،۱۲.

۲- ۲) .غاشیه،۴.

۳- ۳) .انبیاء،۶۹.

۴- ۴) .نمل،۷ تا ۸.

۵- ۵) .کهف،۹۶.

۸ بعثت انبیا از شئون ربوبیّت الهی است. «نُودِیَ رَبِّ الْعالَمِینَ» ۹ لازمه ی ربوبیّت،عزّت و حکمت است. «رَبِّ الْعالَمِینَ ... اَلْعَزِیزُ الْحَکِیمُ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۱۰ تا ۱۱]

اشاره

وَ أَلْقِ عَصاکَ فَلَمّا رَآها تَهْتَزُّ کَأَنَّها جانٌّ وَلّی مُدْبِراً وَ لَمْ یُعَقِّبْ یا مُوسی لا تَخَفْ إِنِّی لا یَخافُ لَدَیَّ اَلْمُرْسَلُونَ (۱۰) إِلاّ مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْناً بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّی غَفُورٌ رَحِیمٌ (۱۱)

و عصایت را بیفکن!(موسی عصا را افکند،)پس همین که آن را دید چنان جست و خیز می کند که گویا ماری کوچک است،پشت کنان فرار کرد و به عقب برنگشت.

(ما به او گفتیم:)ای موسی! نترس که پیامبران در آستان من نمی ترسند.

مگر کسی که ستم کند؛سپس بعد از بدی کار خوبی را جایگزین نماید همانا که من بخشنده ی مهربانم.

نکته ها:

کلمه ی «جَانٌّ» یا به معنای مار کوچک است که در مرحله ی اوّل،عصا به آن صورت درآمد و یا مار بزرگی که مثل مار کوچک سرعت حرکت داشت.

در این که جمله ی «إِلاّ مَنْ ظَلَمَ» به کجا مربوط می شود احتمالاتی است.بهترین آنها این است که در آیه،جمله ای در تقدیر است؛به این صورت که غیر انبیا ترس دارند،مگر کسانی که ستمی کرده و بعد عمل خوبی انجام دهند که آنان نیز به خاطر غفور و رحیم بودن خدا ترسی ندارند.

ترس دو نوع است:غریزی و معنوی.جمله ی «لا تَخَفْ» درباره ی خوف غریزی است،ولی خوف معنوی که خوف از مقام الهی است،در آیات دیگر عنوان شده است.

پیام ها:

۱ ندای آسمانی باید با نشانه ای همراه باشد تا اثر کند. «نُودِیَ ... أَلْقِ عَصاکَ» ۲ ابزار معجزه،وسایل عادّی است. «عَصاکَ»

۳ قبل از ارشاد دیگران،باید از علم و تجربه و رشد کافی برخوردار بود.

(موسی در این جا معجزه را می بیند تا در کاخ فرعون با قدرت سخن گوید).

«رَآهٰا»

۴ انبیا تحت تربیت پروردگارند و خداوند آنها را امر و نهی می کند. «لاٰ تَخَفْ» ۵ کسی که خدا را حاضر بداند و خود را در محضر او ببیند،نمی ترسد. «لاٰ یَخٰافُ لَدَیَّ الْمُرْسَلُونَ» ۶ الخائن خائف.کسی که ظلم کند باید بترسد،مگر آن که گناهش را جبران کند زیرا خداوند بخشنده است. «لاٰ یَخٰافُ ... إِلاّٰ مَنْ ظَلَمَ» ۷ تبدیل گناه به خوبی،غیر از محو گناه یا عفو گناه یا انجام خوبی بعد از بدی است؛مثل آنکه وسایل گناه را در اختیار نیکوکاران قرار دهد. «بَدَّلَ حُسْناً» ۸ بخشش خداوند،پس از عمل نیک انسان و جبران گناه است. «بَدَّلَ حُسْناً ... فَإِنِّی غَفُورٌ رَحِیمٌ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۱۲ تا ۱۳]

اشاره

وَ أَدْخِلْ یَدَکَ فِی جَیْبِکَ تَخْرُجْ بَیْضٰاءَ مِنْ غَیْرِ سُوءٍ فِی تِسْعِ آیٰاتٍ إِلیٰ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ کٰانُوا قَوْماً فٰاسِقِینَ (۱۲) فَلَمّٰا جٰاءَتْهُمْ آیٰاتُنٰا مُبْصِرَةً قٰالُوا هٰذٰا سِحْرٌ مُبِینٌ (۱۳)

و دستت را در گریبانت کن؛سفید و درخشنده خارج شود،بی آنکه عیبی در آن باشد؛(این معجزه)در زمره ی معجزات نه گانه به سوی فرعون و قومش(آمده است)که آنان قومی فاسق هستند.

پس چون آیات و معجزات روشنگر ما به سویشان آمد،گفتند:این سحری است آشکار.

نکته ها:

مراد از معجزات نه گانه،معجزاتی است که موسی(علیه السلام)در برابر فرعون آورده و گر نه حضرت موسی معجزات بیشتری داشته است؛ضمناً هر معجزه ای را می توان دو معجزه به حساب

ص: ۳۹۶

آورد،زیرا اژدها شدن عصا یک معجزه است و برگشتن اژدها به عصا،معجزه ای دیگر،لکن قرآن یک طرف را معجزه دانسته است،امّا معجزات نه گانه موسی عبارت است از:

۱«ید بیضاء»(درخشیدن دست).

۲ اژدها شدن عصا.

۳ طوفان کوبنده برای دشمنان.

۴«جراد»(تسلّط ملخ بر زراعت ها و درختان).

۵«قمل»(نوعی آفت نباتی که غلات را نابود می کرد).

۶«ضفادع»(هجوم قورباغه ها از رود نیل به زندگی مردم).

۷«دم»(ابتلای عمومی به خون دماغ؛یا به رنگ خون در آمدن آب رود نیل). (۱)

۸ قحطی و خشکسالی. (۲)

۹ شکافته شدن دریا. (۳)

معجزات دیگر موسی(علیه السلام)عبارتند از:فوران دوازده چشمه از سنگ (۴)نزول مَنّ و سَلوی (۵)(شیره ی مخصوص و لذیذ درختان مانند گزانگبین و مرغان مخصوص،شبیه کبوتر).

امام صادق(علیه السلام)فرمود:مراد از «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ » یعنی این سفیدیِ دست به خاطر بیماری برص و پیسی نبود. (۶)

پیام ها:

۱ قهر و مهر،بیم و امید،در کنار هم لازم است.(دست نورانی در کنار اژدها) «جَانٌّ ... بَيْضاءَ» ۲ برای بعضی،یک استدلال و تذکّر و معجزه کافی نیست. «تِسْعِ آيَاتٍ» ۳ کافران از یک سو تقاضای معجزه می کردند و از سوی دیگر معجزات را سحر و جادو می خواندند. «قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ»

۱- ۱) .اعراف،۱۳۳.

۲- ۲) .اعراف،۱۳۰.

۳- ۳) .بقره،۵۰.

۴- ۴) .بقره، ۶۰.

۵- ۵) .بقره،۵۷.

۶- ۶) .تفسیر نور الثقلین.

[سوره النمل (٢٧): آیه ١۴]

اشاره

وَ جَحَدُوا بِهٰا وَ اِسْتَيْقَنَتْهٰا أَنْفُسُهُمْ ظُلْماً وَ عُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كٰانَ عٰاقِبَهُ اَلْمُفْسِدِينَ (١۴)

و با آن که در دل به آن یقین داشتند،از روی ستم و برتری جویی انکارش کردند،پس بنگر که فرجام تبهکاران چگونه است.

نکته ها:

ابو عمر زبیری از امام صادق(علیه السلام)انواع کفر را که در قرآن آمده سؤال کرد،امام فرمود:کفر پنج نوع است:یکی از اقسام آن این است که انسان در دل باور و شناخت دارد، ولی باز هم انکار می کند.سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «وَ جَحَدُوا بِهٰا وَ اسْتَيْقَنَتْهٰا أَنْفُسُهُمْ» (١)

پیام ها:

١ انکار،زمینه ی افساد است. «جَحَدُوا ... اَلْمُفْسِدِينَ» ٢ علم و یقین،اگر با تقوا همراه نباشد کارساز نیست. «وَ اسْتَيْقَنَتْهٰا ظُلْماً وَ عُلُوًّا» ٣ بسیاری از کفّار در دل ایمان دارند و انگیزه ی انکارشان جهل نیست،بلکه ظلم و برتری جویی است. «ظُلْماً وَ عُلُوًّا» ۴ تاریخ و مطالعه ی آن را وسیله ی عبرت قرار دهید. «فَانْظُرْ» ۵ فرجام کار مفسدان،سقوط و تباهی است. «كَيْفَ كٰانَ عٰاقِبَهُ الْمُفْسِدِينَ»

[سوره النمل (٢٧): آیه ١۵]

اشاره

وَ لَقَدْ آتَيْنٰا دٰاوُدَ وَ سُلَيْمٰانَ عِلْماً وَ قٰالاَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي فَضَّلَنٰا عَلىٰ كَثِيرٍ مِنْ عِبٰادِهِ اَلْمُؤْمِنِينَ (١۵)

و به راستی به داوود و سلیمان دانشی(ویژه)عطا کردیم،و آن دو گفتند:

ستایش،مخصوص خداوندی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری بخشید.

١- ١) .کافی،ج ٢،ص ٣٨٩.

نکته ها:

اشاره

ممکن است مراد از علمی که به حضرت داود و سلیمان داده شده علم قضاوت باشد،به دلیل آیه ی «وَ آتَیْنٰاهُ الْحِکْمَهَ وَ فَصْلَ الْخِطٰابِ» (۱)یعنی ما به داوود حکمت و قضاوت مرحمت کردیم.و نیز به دلیل آیه ی «کُلاًّ آتَیْنٰا حُکْماً وَ عِلْماً» (۲)و شاید هم مراد از علم،علم گفتگو با پرندگان باشد به دلیل آیه ی «عُلِّمْنٰا مَنْطِقَ الطَّیْرِ» (۳)و شاید علم زره بافی باشد؛ «وَ عَلَّمْنٰاهُ صَنْعَهَ لَبُوسٍ» (۴)امّا بهتر این است که علم را به طور عام معنا کنیم،یعنی علم اداره ی کشور.

سؤال:چرا خداوند به بعضی از بندگان خود نعمت های ویژه ای عطا می کند؟ آیا این کار با عدالت سازگار است؟ پاسخ:اوّلاً معنای عدالت این نیست که به همه یکسان بدهیم.آیا معلّمی که به هر شاگردی نمره ای می دهد و یا پزشکی که برای هر بیماری دارویی تجویز می کند،ظالم است؟ ثانیاً نعمت های ویژه،مسئولیّت های ویژه ای را نیز بدنبال دارد.ثالثاً ما از خدا طلبی نداریم،تا هر چه بخواهیم به ما عطا کند.رابعاً الطاف الهی بر اساس حکمت و شرایطی است که انسان یا جامعه آن را بوجود می آورد.به قول شاعر: چون چنان بودیم،بودیم آن چنان چون چنین گشتیم این چنین افرادی با اخلاص،تلاش،علم،تدبیر،صرفه جویی،عدالت و وحدت کلمه،شرایطی را در خود ایجاد می نمایند که زمینه ی دریافت الطاف الهی و نعمت های ویژه می شود.

البتّه گاهی الطاف ویژه به خاطر پاداش عملی است که والدین انسان داشته اند و خداوند مزد کارشان را به نسل آنان عطا می کند.همان گونه که در داستان موسی و خضر،خداوند آن دو پیامبر را مأمور می کند دیواری را که گنجی زیر آن بود و از آنِ کودکان یتیمی بود تعمیر کنند تا در آینده از آن گنج استفاده نمایند،زیرا والدین کودکان نیکوکار و صالح بوده اند. «وَ کٰانَ أَبُوهُمٰا صٰالِحاً» (۵)

۱- ۱) .ص،۲۰.

۲- ۲) .انبیاء،۷۹.

۳- ۳) .نمل،۱۶.

۴- ۴) .انبیاء،۸۰.

۵- ۵) .کهف،۸۲.

تعلیمات ویژه ی الهی

خداوند علوم خاصّی را به افراد خاصّی داده و در قرآن از آنها یاد کرده است از جمله:

۱ آدم،علوم همه ی اشیا. «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ کُلَّها» (۱)۲ خضر،علوم باطنی و تأویل.(تا موسی شاگردش شود) «هَلْ أَتَّبِعُکَ عَلی أَنْ تُعَلِّمَنِ» ... (۲)

۳ یوسف،علم تعبیر خواب. «عَلَّمَنِی رَبِّی» (۳)۴ داوود،علم زره سازی. «وَ عَلَّمْناهُ صَنْعَهَ لَبُوسٍ» (۴)۵ سلیمان،علم زبان پرندگان. «عُلِّمْنا مَنْطِقَ الطَّیْرِ» (۵)۶ معاون سلیمان،علمی که با آن تخت سلطنتی را از کشوری به کشور دیگر می آورد. «قالَ الَّذِی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْکِتابِ» (۶)۷ طالوت،علوم نظامی. «وَ زادَهُ بَسْطَهً فِی الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ» (۷)۸ رسول اکرم و سایر انبیا،علوم غیب. «فَلا یُظْهِرُ عَلی غَیْبِهِ أَحَداً إِلاّ مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ» (۸)

پیام ها:

۱ علم انبیا لدنّی است و به الهام الهی به آنان عطا شده است. «آتَیْنا» ۲ احترام و شئون افراد را حفظ کنیم.(اوّل نام پدر آمده است بعد نام پسر) «داوُدَ وَ سُلَیْمانَ» ۳ در میان نعمت های الهی،حساب علم جداست. «آتَیْنا ... عِلْماً» ۴ علم،زمانی ارزش دارد که در اختیار افراد صالح قرار گیرد. «آتَیْنا داوُدَ وَ سُلَیْمانَ عِلْماً» ۵ بهترین جمله برای شکر الهی، «الْحَمْدُ لِلّهِ» است. «الْحَمْدُ لِلّهِ» ۶ علم،یکی از ملاک های برتری است. «آتَیْنا ... عِلْماً ... فَضَّلَنا» ۷ برخی از بندگان خداوند از داوود و سلیمان هم برترند. «فَضَّلَنا عَلی کَثِیرٍ»

۱- ۱) .بقره،۳۱.

۲- ۲) .کهف،۶۶.

۳- ۳) .یوسف،۳۷.

۴- ۴) .انبیاء،۸۰.

۵- ۵) .نمل،۱۶.

۶- ۶) .نمل،۴۰.

۷- ۷) .بقره،۲۴۷.

۸- ۸) .جنّ،۲۶ تا ۲۷.

۸ در هیچ مقامی خود را برتر از همگان ندانیم. «عَلیٰ کَثِیرٍ»

[سوره النمل (۲۷): آیه ۱۶]

اشاره

وَ وَرِثَ سُلَیْمٰانُ دٰاوُدَ وَ قٰالَ یٰا أَیُّهَا اَلنّٰاسُ عُلِّمْنٰا مَنْطِقَ اَلطَّیْرِ وَ أُوتِینٰا مِنْ کُلِّ شَیْءٍ إِنَّ هٰذٰا لَهُوَ اَلْفَضْلُ اَلْمُبِینُ (۱۶)

و سلیمان وارث داوود شد و گفت:ای مردم! زبان پرندگان به ما تعلیم داده شده،و از هر چیز به ما عطا گردیده؛قطعاً این(بخشش)همان برتری و امتیاز روشن است.

نکته ها:

مراد از ارث در این آیه،وارث شدن مال و حکومت است نه علم و نبوّت؛زیرا نبوّت قابل انتقال نیست و علوم انبیا نیز چون اکتسابی نیست،قابل ارث بردن نیست،بنا بر این حدیثی که می گوید:انبیا ارث نمی گذارند و به استناد این حدیث فدک را از فاطمه ی زهرا(علیها السلام)گرفتند با این آیه سازگاری ندارد و باید طرد شود.(حضرت زهرا(علیها السلام) همین آیه را در دفاع از حقّ خود برای خلیفه ای اوّل تلاوت فرمود. (۱)و در«تفسیر نمونه»از«سیره ی حلبی»نقل شده است که ابو بکر تحت تأثیر سخنان فاطمه ی زهرا(علیها السلام) قرار گرفت و سند فدک را پس داد و گریه کرد،ولی عمر دوباره سند را گرفت و پاره کرد!) حضرت علی(علیه السلام)فرمود:من از طرف خداوند منطق پرندگان و تمام جنبنده های زمینی و دریایی را می دانم. (۲)

پیام ها:

۱ ارث در تاریخ،سابقه ای بس طولانی دارد. «وَ وَرِثَ سُلَیْمٰانُ» ...

۲ علم انبیا الهی است. «عُلِّمْنٰا» ۳ نعمت های الهی را ابراز کنید. «عُلِّمْنٰا مَنْطِقَ الطَّیْرِ» در جای دیگر می فرماید:

نعمت پروردگارت را بازگو کن. «وَ أَمّٰا بِنِعْمَهِ رَبِّکَ فَحَدِّثْ» (۳)

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .تفسیر کنز الدقائق.

۳- ۳) .ضحی،۱۱.

۴ پرندگان،شعور و قدرت نطق دارند. «مَنْطِقَ الطَّيْرِ» ۵ علم بر همه ی نعمت ها مقدّم است.اوّل «عُلِّمْنٰا» بعد «أَوتِينٰا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» ۶ علوم و امکانات خود را از خدا بدانیم،نه از خود. «عُلِّمْنٰا أُوتِينٰا» ۷ ایمان و توکّل،با داشتن امکانات،منافاتی ندارد. «وَ أُوتِينٰا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» ۸ نعمت ها را از فضل او بدانیم نه از لیاقت خود. «إِنَّ هٰذٰا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ»

[سوره النمل (۲۷): آیه ۱۷]

اشاره

وَ حُشِرَ لِسُلَيْمٰانَ جُنُودُهُ مِنَ اَلْجِنِّ وَ اَلْإِنْسِ وَ اَلطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۷)

و برای سلیمان،سپاهیانش از جنّ و انس و پرنده گردآمدند،پس از تشتّت و بی نظمی بازداشته می شدند(تا در رکابش باشند).

نکته ها:

کلمه ی «يُوزَعُونَ» از ماده ی«وزع»(بر وزن جمع)به معنای بازداشتن است و هر گاه این تعبیر در مورد لشکر به کار رود به این معناست که برای جلوگیری از پراکندگی نیروها،ابتدای لشکر را نگه می دارند تا بقیه ی افراد به لشکر ملحق شوند. (۱)«ایزاع»یعنی تقسیم حکیمانه ی نیروها به صورتی که هر یک در جای خود قرار گیرند و در یک خط باشند. (۲)

جنّ و پرنده که در این آیه ذکر شده،از باب مثال است و گر نه باد و ابر و چیزهای دیگر نیز تحت فرمان سلیمان بود.

قرآن کریم بارها از جنّ سخن به میان آورده و یکی از سوره های آن به همین نام است.در این جا به چند ویژگی آنها اشاره می کنیم:

جنّ،موجودی است با شعور و مخاطب پروردگار قرار می گیرد. «يٰا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ» (۳)بعضی از آنها مؤمن و بعضی کافرند. «وَ أَنّٰا مِنّٰا الْمُسْلِمُونَ» (۴)، «وَ أَنّٰا مِنّٰا الصّٰالِحُونَ وَ مِنّٰا دُونَ ذٰلِكَ» (۵)زن و مرد دارند،زاد و ولد دارند و طبیعتاً شهوت دارند. «لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لاٰ جَانٌّ» (۶)

۱- ۱) .تفسیر نمونه.

۲- ۲) .التحقیق فی کلمات القرآن.

۳- ۳) .انعام،۱۳۰.

۴- ۴) .جنّ،۱۴.

۵- ۵) .جنّ،۱۱.

۶- ۶) .الرحمن،۵۶.

برای سلیمان،غوّاصی و بنّایی می کردند. (۱)«وَ الشَّیاطِینَ کُلَّ بَنّاءٍ وَ غَوّاصٍ» (۲)

پیام ها:

۱ سلیمان از لشکریانش سان می دید. «وَ حُشِرَ لِسُلَیمانَ جُنُودُهُ» ۲ انسان دارای قدرتی است که می تواند جنّ و پرنده را تحت فرمان خود درآورد. «وَ حُشِرَ لِسُلَیمانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّیْرِ» ۳ برخی انبیا حکومت داشتند. «حُشِرَ لِسُلَیمانَ جُنُودُهُ» ۴ جنّ می تواند به انسان کمک کند. «مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ» ۵ ولایت انبیا تنها بر انسان ها نیست. «مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّیْرِ» ۶ نظم،در همه جا ارزشمند است ولی در لشکر و سپاه یک ضرورت و ارزش ویژه است. «فَهُمْ یُوزَعُونَ» ۷ تمرین و آموزش و آماده باش،برای لشکر الهی یک ضرورت است. «وَ حُشِرَ لِسُلَیمانَ ... یُوزَعُونَ» ۸ علم و دانش سلیمان وسیله و مقدّمه ی دست یابی به آن همه امکانات و تسخیر نیروها شد. «وَ لَقَدْ آتَیْنا داوُدَ وَ سُلَیمانَ ... أُوتِینا مِنْ کُلِّ شَیْءٍ ... وَ حُشِرَ لِسُلَیمانَ» ...

[سوره النمل (۲۷): آیه ۱۸]

اشاره

حَتّی إِذا أَتَوْا عَلی وادِ النَّمْلِ قالَتْ نَمْلَةٌ یا أَیُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَساکِنَکُمْ لا یَحْطِمَنَّکُمْ سُلَیمانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ (۱۸)

(سلیمان با لشکر خود حرکت می کرد)تا به وادی مورچگان رسیدند، مورچه ای گفت:ای مورچگان! به خانه های خود بروید تا سلیمان و لشکریانش شما را ناآگاهانه پایمال نکنند.

ص: ۴۰۳

۱- ۱) .برای توضیح بیشتر درباره ی جنّ،بنگرید به سوره ی جنّ و قاموس قرآن،ج ۲،ص ۶۱ تا ۷۳.

۲- ۲) .ص،۳۷.

نکته ها:

«نمل»در لغت به معنای حرکت زیاد با پای کوچک است. (۱)

کلمه ی «نَمْلَةٌ » را می توان به خاطر تنوین آن،مورچه ای بزرگ و فرمانده معنا کرد که در این صورت در زندگی مورچگان مدیریّت و فرماندهی وجود دارد و می توان تنوین را نشانه ی ناشناسی مورچه معنا کرد که در این صورت پیام آیه این می شود که حتّی اگر ناشناسی اخطار دلسوزانه می دهد،به هشدارش توجّه کنیم.

پیام ها:

۱ حیوانات،با شعور خود منطقه ای را برای زندگی انتخاب می کنند. «وٰادِ النَّمْلِ» ۲ گفتگو و امر و نهی در میان حیوانات نیز وجود دارد. «قٰالَتْ نَمْلَةٌ یٰا أَیُّهَا النَّمْلُ» ۳ در میان مورچگان،هم فرماندهی و هم اطلاع رسانی و هم فرمان بری وجود دارد. «قٰالَتْ نَمْلَةٌ ... اُدْخُلُوا» ۴ حیوانات شعور دارند و مفاسد و ضررها را می شناسند و به یکدیگر هشدار می دهند. «ادْخُلُوا مَسٰاکِنَکُمْ» ۵ غریزه دفع ضرر احتمالی،در حیوانات نیز وجود دارد. «ادْخُلُوا ... لاٰ یَحْطِمَنَّکُمْ» ۶ کسی که با احساس خطر،همنوع خود را هشدار ندهد از مورچه هم کمتر است. «لاٰ یَحْطِمَنَّکُمْ» ۷ هنگام راه رفتن دقّت کنیم تا مورچگان را پایمال نکنیم. «لاٰ یَحْطِمَنَّکُمْ» ۸ انبیا در امور عادّی خود،مثل دیگران زندگی می کردند. «لاٰ یَحْطِمَنَّکُمْ سُلَیْمٰانُ» ۹ فساد رهبر،مقدّمه ی فساد مردم است. «لاٰ یَحْطِمَنَّکُمْ سُلَیْمٰانُ وَ جُنُودُهُ» ۱۰ مورچه،افراد انسان ها،بلکه شغل آنها را هم می شناسد. «سُلَیْمٰانُ وَ جُنُودُهُ» ۱۱ اولیای خدا با آگاهی و عمد،حتّی به مورچه ای ضرر نمی رسانند. «وَ هُمْ لاٰ یَشْعُرُونَ» مورچگان از عدالت و تقوای حضرت سلیمان آگاهند و می دانند آن

ص: ۴۰۴

۱- ۱) .التحقیق فی کلمات القرآن.

بزرگوار آگاهانه به مورچه ای نیز ظلم نمی کند.

[سوره النمل (۲۷): آیه ۱۹]

اشاره

فَتَبَسَّمَ ضٰاحِکاً مِنْ قَوْلِهٰا وَ قٰالَ رَبِّ أَوْزِعْنِی أَنْ أَشْکُرَ نِعْمَتَکَ اَلَّتِی أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَلیٰ وٰالِدَیَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صٰالِحاً تَرْضٰاهُ وَ أَدْخِلْنِی بِرَحْمَتِکَ فِی عِبٰادِکَ اَلصّٰالِحِینَ (۱۹)

پس(سلیمان)از سخن این مورچه با تبسّمی خندان شد و گفت:

پروردگارا! به من الهام کن(و توفیق ده)که نعمتی که به من و به والدینم بخشیده ای شکر کنم و عمل صالحی که آن را می پسندی انجام دهم و در سایه ی رحمت خود،مرا در زمره ی بندگان شایسته ات وارد کن.

نکته ها:

در آیه ی ۱۶ ذکر شد که حضرت سلیمان(علیه السلام)گفت:زبان پرندگان را می دانیم،از این آیه معلوم می شود که دانستن زبان پرندگان از باب نمونه بوده است.زیرا آن حضرت کلام و گفتگوی مورچه را هم می دانست.

کلمه ی«ایزاع»بالاتر از توفیق و چیزی شبیه الهام است،نظیر آیه ی «وَ أَوْحَیْنٰا إِلَیْهِمْ فِعْلَ الْخَیْرٰاتِ» (۱)یعنی ما انجام کارهای خیر را به انبیا الهام کردیم. (۲)

کار صالح به تنهایی کافی نیست،ورود در گروه صالحان مهم است،زیرا:

گاهی کار،صالح است،ولی فرد از نظر نفسانی صالح نیست و گرفتار ریا،سُمعه،غرور،عُجب و حَبط می شود.

گاهی کار صالح است،ولی عاقبت انحرافی پیش می آید و شخص عاقبت به خیر نمی شود.

گاهی کار صالح است،ولی یک نوع تک روی در آن است و شخص حاضر نیست با بندگان خدا همراه باشد. «أَعْمَلَ صٰالِحاً ... فِی عِبٰادِکَ الصّٰالِحِینَ»

۱- ۱) .انبیاء،۷۳.

۲- ۲) .تفسیر المیزان.

پیام ها:

۱ یکی از اصول و شرایط رهبری و مدیریّت،سعه ی صدر است.حضرت سلیمان جمله ی «لاٰ یَشْعُرُونَ » را آن هم از مورچه ای می شنود،ولی به روی خود نمی آورد و لبخند می زند. «فَتَبَسَّمَ» ۲ انتقاد و حرف حقّ را از هر کس بشنوید و از آن استقبال کنید.(سلیمان سخن مورچه را پسندید) «فَتَبَسَّمَ» انتقادپذیری،یک ارزش است.

۳ خداوند اولیای خود را تحت تربیت مخصوص خود قرار می دهد. «وَ هُمْ لاٰ یَشْعُرُونَ فَتَبَسَّمَ» خداوند،سلیمان را با آن مقام و سلطنتش گرفتار حرف یک مورچه می کند تا بدین وسیله در وجود او تعادل برقرار کند.

۴ زمانی باید شاد و خندان باشیم که حتّی مورچه ها به عدالت ما امیدوار باشند.

«وَ هُمْ لاٰ یَشْعُرُونَ فَتَبَسَّمَ»

۵ خنده ی انبیا،تبسّم است نه قهقهه.سلیمان در حالی که خنده اش گرفته بود، تبسّم کرد. «فَتَبَسَّمَ ضٰاحِکاً» ۶ سلیمان سخنان مورچه را فهمید و به زیردستان خود توجّه کرد. «مِنْ قَوْلِهٰا» ۷ دعا،مخصوص هنگام اضطرار نیست؛انبیا در اوج عظمت و قدرت دعا می کردند. «رَبِّ» ۸ توفیق شکرگزاری را از خدا بخواهیم. «رَبِّ أَوْزِعْنِی أَنْ أَشْکُرَ» ۹ انسان در برابر نعمت هایی که تا کنون به او رسیده باید شکر کند و در برابر مسئولیّت آینده باید به فکر عمل صالح و جلب رضای خدا و ملحق شدن به نیکان باشد. «أَشْکُرَ أَعْمَلَ صٰالِحاً» ...

۱۰ فرزندان،هم باید در مقابل نعمت هایی که خداوند به آنان داده شکر کنند و هم در مقابل نعمت هایی که به والدین آنان داده است. «عَلَیَّ وَ عَلیٰ وٰالِدَیَّ» ۱۱ شکر خدا تنها با زبان نیست،عمل صالح و استفاده ی صحیح از نعمت ها نیز شکر الهی است. «أَشْکُرَ ... أَعْمَلَ صٰالِحاً»

ص:۴۰۶

۱۲ سلیمان با آن که لشکریان فراوان و حاکمیّت قوی دارد و زبان حیوانات را نیز می داند،باز به فکر عمل صالح است نه به دنبال لذّت و توسعه ی قدرت و افتخار. «أَعْمَلَ صالِحاً» ۱۳ دعا و تلاش حاکمان باید برای انجام کار خوب باشد. «أَعْمَلَ صالِحاً» ۱۴ کار،به شرطی نیک است که خداپسند باشد. «صالِحاً تَرْضاهُ» ۱۵ کار نیکی ارزش دارد که رضای خدا را جلب کند،نه فقط رضای مردم را.

«صالِحاً تَرْضاهُ»

۱۶ عالی ترین مقصد در حکومت صالحان،رضای خداست. «تَرْضاهُ» ۱۷ انبیا نیز به امداد الهی نیاز دارند. «أَوْزِعْنِی ... أَدْخِلْنِی» ۱۸ زندگی در جامعه صالح ارزش است،نه زندگی در میان مردم ناصالح،آن هم به خاطر رفاه یا درآمد و لذّت. «أَدْخِلْنِی ... فِی عِبادِکَ الصّالِحِینَ» ۱۹ برخورداری از امکانات،و قدرت امروز خود را نشانه ی رسیدن به رحمت الهی ندانید و برای رشد و تعالی خود دعا کنید. «وَ أَدْخِلْنِی» ۲۰ امکانات انسان،نتیجه ی کار او نیست بلکه از رحمت الهی سرچشمه می گیرد. «بِرَحْمَتِکَ» ۲۱ هر کس،در هر شرایطی باید به رحمت الهی متوسّل شود،حتّی پیامبران. «بِرَحْمَتِکَ» ۲۲ تکروی،ممنوع. «وَ أَدْخِلْنِی بِرَحْمَتِکَ فِی عِبادِکَ الصّالِحِینَ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۲۰ تا ۲۲]

اشاره

وَ تَفَقَّدَ اَلطَّیْرَ فَقالَ ما لِیَ لا أَرَی اَلْهُدْهُدَ أَمْ کانَ مِنَ اَلْغائِبِینَ (۲۰) لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذاباً شَدِیداً أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَیَأْتِیَنِّی بِسُلْطانٍ مُبِینٍ (۲۱) فَمَکَثَ غَیْرَ بَعِیدٍ فَقالَ أَحَطْتُ بِما لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُکَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ یَقِینٍ (۲۲)

و(سلیمان)جویای حال پرندگان شد و(هدهد را ندید،)گفت:مرا چه شده که هدهد را نمی بینم؟(آیا حضور دارد و من نمی بینم)یا از غایبان است.

قطعاً او را کیفری سخت خواهم داد یا او را ذبح می کنم،مگر آن که(برای غیبت خود)دلیل روشنی(و عذر موجّهی)برای من بیاورد.

پس دیری نپایید که(هدهد آمد و)گفت:از چیزی آگاهی یافتم که تو(با همه ی عزّت و شوکتی که داری)از آن آگاه نشده ای و برای تو از(منطقه ی) سبا گزارشی مهم و درست آورده ام.

نکته ها:

بعضی گفته اند:مراد از هدهد در این جا،هدهد خاصّی است؛و دلیل خود را الف و لام در «الْهُدْهُدَ» و قدرت انسان شناسی و مکتب شناسی او دانسته اند که توضیح این مطلب را در آیات بعد خواهیم خواند. (۱)

ابو حنیفه از امام صادق(علیه السلام)سؤال کرد:چرا حضرت سلیمان از میان پرندگان تنها سراغ هدهد را گرفت؟ امام فرمودند:زیرا او آب را در درون زمین می بیند،همان گونه که ما روغن را در ظرف بلورین می بینیم. (۲)

بعضی برای عذاب هدهد نمونه هایی را ذکر کرده اند از جمله:جدا کردن او از جفتش،کندن پرهای او،در معرض آفتاب قرار دادن،طرد کردن او از دربار سلیمان یا قرار دادن او با دشمن در یک قفس. (۳)

پیام ها:

۱ تفقّد از زیردست،بازدید از کار آنان و جست وجو از احوالشان،از اصول اسلامی،اخلاقی،اجتماعی،تربیتی و مدیریّتی است. «تَفَقَّدَ» ۲ مسایل بزرگ،شما را از مسایل کوچک باز ندارد. «تَفَقَّدَ الطَّيْرَ» ۳ زود قضاوت نکرده و نیروهای تحت امر خود را متهم نکنیم؛شاید مشکلی در

۱- ۱) .تفاسیر فرقان و فی ظلال.

۲- ۲) .تفسیر مجمع البیان.

۳- ۳) .تفاسیر روح البیان و کنز الدقائق.

میان باشد که ندانیم. «مٰا لِیَ لاٰ أَرَی الْهُدْهُدَ» ۴ تیزبینی و دقّت و تسلّط،شرط لازم برای رهبری است. «مٰا لِیَ لاٰ أَرَی الْهُدْهُدَ» ۵ حاکم و قاضی باید شرایط خاصّی داشته باشد از جمله:

الف:محبّت و دقّت. «تَفَقَّدَ الطَّیْرَ» ب:تواضع. «مٰا لِیَ لاٰ أَرَی الْهُدْهُدَ» ج:صلابت در برابر متخلّف. «لَأُعَذِّبَنَّهُ أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ» د:فرصت دادن به متهم. «لَیَأْتِیَنِّی» ۶ نظارت دقیق بر حضور و غیاب نیروها،در کارهای تشکیلاتی یک ضرورت است،همان گونه که تخلّف بی دلیل از مقررات و ترک کردن پست خود،گناه نابخشودنی است. «أَمْ کٰانَ مِنَ الْغٰائِبِینَ» ۷ تنبیه حیوان متخلف،مانعی ندارد. «لَأُعَذِّبَنَّهُ» ۸ حیوان،تنبیه را درک می کند. «لَأُعَذِّبَنَّهُ» ۹ وقتی که غیبت از سوی یک پرنده این همه تهدید لازم داشته باشد،پس ما با آن همه غیبت ها و عدم حضورها چه تکلیفی داریم؟ «لَأُعَذِّبَنَّهُ» ۱۰ انبیا،هم قانون می آورند و هم اجرا می کنند. «لَأُعَذِّبَنَّهُ» ۱۱ برای مجازات متخلفان،باید کیفرهای متعدّدی قرار داد تا در اجرای قانون، به بن بست نرسیم. «لَأُعَذِّبَنَّهُ أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ» ۱۲ قاطعیّت و عذرپذیری،همراه یکدیگر لازم است. «لَأُعَذِّبَنَّهُ لَیَأْتِیَنِّی» ۱۳ در مدیریّت و تشکیلات،سهل انگاری ممنوع. «لَأُعَذِّبَنَّهُ لَأَذْبَحَنَّهُ لَیَأْتِیَنِّی» (وجود حرف«لام»در سه جمله،نشانه ی قاطعیّت است) ۱۴ برای حفظ نظام و گرفتن زهر چشم از متخلّفان،مانعی ندارد که برای یک تخلّف کوچک،جریمه ی سنگینی قرار دهیم. «عَذٰاباً شَدِیداً» ۱۵ راه دفاع را به روی متهم نبندید. «أَوْ لَیَأْتِیَنِّی بِسُلْطٰانٍ مُبِینٍ» ۱۶ حیوانات،شعوری دارند که می توانند برای کارهای خود استدلال و توجیه

داشته باشند. «لَيَأْتِيَنِّى بِسُلْطانٍ» ۱۷ با وجود منطق و استدلال،حتّی سلیمان در برابر هدهد تسلیم می شود.

«لَيَأْتِيَنِّى بِسُلْطانٍ»

۱۸ در یک تشکیلات،برای هر کار و مأموریّتی،حکم و مجوزی لازم است.

«بِسُلْطانٍ مُبِينٍ»

۱۹ آن را که حساب پاک است،از محاسبه چه باک است. «فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقالَ» ۲۰ حیوان می تواند به چیزی برسد که انسان نرسیده باشد. «أَحَطْتُ بِما لَمْ تُحِطْ» ۲۱ سیر و سیاحت،کلید کسب اطلاعات جدید است.«احط» ۲۲ آزادی بیان،یکی از ویژگی های حکومت صالحان است. «أَحَطْتُ بِما لَمْ تُحِطْ بِهِ» ۲۳ علم و دانایی،به سن و جنس و شکل ربطی ندارد. «أَحَطْتُ بِما لَمْ تُحِطْ» ۲۴ انبیا نیز تحت تربیت الهی هستند.سلیمانی که می گفت: «أُوتِينا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ » به من همه چیز داده شده،پرنده ای به او می گوید:من چیزی می دانم که تو هم نمی دانی. «أَحَطْتُ بِما لَمْ تُحِطْ بِهِ» ۲۵ در حکومت انبیا،تملّق و ترس وجود ندارد. «أَحَطْتُ بِما لَمْ تُحِطْ بِهِ» ۲۶ بزرگان و مسئولان حکومت نباید منبع اطلاعات خود را در افراد یا گروه های خاصّی منحصر کنند.(هدهد برای سلطان گزارش دارد) «أَحَطْتُ جِئْتُكَ» ۲۷ در گزارش ها،اخبار قطعی و تأیید شده را بگویید. «بِنَبَإٍ يَقِينٍ» ۲۸ وجود افراد یا سازمانی برای خبرگیری از خارج از منطقه ی حکومتی لازم است.(البتّه نه برای جاسوسی،بلکه برای دعوت و ارشاد یا آمادگی دفاعی) «مِنْ سَبَإٍ» ۲۹ آنچه در خبر مهم است،قطعی بودن آن است؛خبرنگار بزرگ باشد یا کوچک،انسان باشد یا حیوان. «بِنَبَإٍ يَقِينٍ» ۳۰ مسئولان حکومت،تنها بر خبرهای قطعی تکیه کنند. «بِنَبَإٍ يَقِينٍ»

ص: ۴۱۰

[سوره النمل (۲۷): آیات ۲۳ تا ۲۴]

اشاره

إِنِّی وَجَدْتُ اِمْرَأَهً تَمْلِکُهُمْ وَ أُوتِیَتْ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَ لَهٰا عَرْشٌ عَظِیمٌ (۲۳) وَجَدْتُهٰا وَ قَوْمَهٰا یَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اَللّٰهِ وَ زَیَّنَ لَهُمُ اَلشَّیْطٰانُ أَعْمٰالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ اَلسَّبِیلِ فَهُمْ لاٰ یَهْتَدُونَ (۲۴)

(هدهد توضیح داد:)همانا من زنی را یافتم(به نام بلقیس)که بر مردم سلطنت می کرد و از همه چیز(دنیا)برخوردار بود و تخت بزرگی داشت.

آن زن و قومش را چنین یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند و شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته،پس آنان را از راه (حقّ)بازداشته و آنان هدایت نمی شوند.

پیام ها:

۱ برخی حیوانات شناخت بالایی دارند. «إِنِّی وَجَدْتُ امْرَأَهً» هدهد مفاهیمی چون زن و مرد،تاج و تخت،حکومت و مالکیّت،توحید و شرک،خورشید و سجده،شیطان و تزیین های او،حقّ و باطل،هدایت و ضلالت را می شناسد.

۲ گوش دادن به سخنان دیگران،نشانه ی ادب و یکی از شرایط مدیریّت است؛ گرچه گوینده ی سخن،حیوان باشد. «إِنِّی وَجَدْتُ امْرَأَهً» ۳ زن می تواند حکومت کند؛ «تَمْلِکُهُمْ» ولی حکومت زن بر جامعه،حتّی برای یک پرنده هم عجیب است. «وَجَدْتُ امْرَأَهً وَجَدْتُهٰا وَ قَوْمَهٰا» ۴ حکومت حضرت سلیمان،در ابتدا جهانی نبوده است. «امْرَأَهً تَمْلِکُهُمْ» ۵ تشکیل نظام و حکومت،سابقه ی تاریخی دارد. «تَمْلِکُهُمْ» ۶ عوامل انحراف عبارتند از:

الف:رهبر گمراه. «وَجَدْتُهٰا وَ قَوْمَهٰا یَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ» ب:زرق و برق. «یَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ» ج:امکانات و رفاه. «أُوتِیَتْ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ»

د:شیطان و تزیین های او. «زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطانُ» ۷ برخورداری از نعمت های الهی،نشانه ی قُرب یا بُعد نیست.(خداوند هم به سلیمان می دهد وهم به زنی کافر.در آیات قبل سلیمان گفت: «أُوتِینا مِنْ کُلِّ شَیْءٍ » به ما همه چیز داده شده؛درباره ی بلقیس نیز می خوانیم: «وَ أُوتِیَتْ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ » به او نیز همه چیز داده شده است).

۸ نعمت های خداوند در دست صالحان،فضل مبین و آشکار است؛ «أُوتِینا مِنْ کُلِّ شَیْءٍ إِنَّ هٰذا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِینُ» ولی در دست دیگران تاج و تخت و عرش عظیم می شود. «أُوتِیَتْ مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَ لَها عَرْشٌ عَظِیمٌ» ۹ انسان از نظر فطرت،پرستشگر است؛اگر حقّ را نپرستد به سراغ باطل می رود. «وَجَدْتُها وَ قَوْمَها یَسْجُدُونَ» ...

۱۰ مردم،دینی را می پذیرند که حاکمان و پیشوایانشان پذیرفته باشند.«الناس علی دین ملوکهم» «وَجَدْتُها وَ قَوْمَها یَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ» ۱۱ هر مشکلی را به اهلش بگویید.(گزارش انحراف و شرک را باید به سلیمان گفت). «یَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ» ۱۲ سابقه ی خورشیدپرستی،هم در زمان ابراهیم(علیه السلام)بوده است؛ «هٰذا رَبِّی هٰذا أَکْبَرُ» (۱)و هم در زمان سلیمان(علیه السلام). «یَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ» ۱۳ بهترین وسیله ی انحراف مردم،تزیین کارهای زشت آنهاست. «زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطانُ» ۱۴ گذشته ی بدِ افراد،نشانه ی انحراف قطعی آنها در آینده نیست.(بلقیس و قوم او منحرف بودند ولی بعداً هدایت شدند). «لا یَهْتَدُونَ» ۱۵ در گزارش ها،اصل خبر را بگویید و تحلیل و برداشت را به اهلش واگذار کنید. «إِنِّی وَجَدْتُ ... فَهُمْ لا یَهْتَدُونَ» (آنچه هدهد گزارش داد صحیح بود،ولی آن جا که تحلیل کرد خلاف گفت،زیرا آنها هدایت شدند).

۱- ۱) .انعام،۷۸.

[سوره النمل (۲۷): آیات ۲۵ تا ۲۶]

اشاره

أَلاّـ یَسْـجُدُوا لِلّهِ اَلَّذِی یُخْرِجُ اَلْخَبْءَ فِی اَلسَّمٰـاوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ یَعْلَمُ مٰا تُخْفُونَ وَ مٰا تُعْلِنُونَ (۲۵) اَللّهُ لاٰـ إِلٰهَ إِلاّـ هُوَ رَبُّ اَلْعَرْشِ اَلْعَظِیمِ (۲۶)

(جلوه دادن شیطان،اعمال مردم را برای آن است)که آنان سجده نکنند برای خداوندی که چیزهای ناپیدای آسمان ها و زمین را بیرون می آورد(و آشکار می کند)و عملکرد نهان و آشکار شما را می داند.

خداوندی که معبودی جز او نیست(و)پروردگار عرش بزرگ است.

نکته ها:

کلمه ی«خبء»به معنای پوشیده و پنهان است.حضرت علی(علیه السلام)می فرماید:

«المرء مخبوء تحت لسانه» (۱)ارزش و شخصیّت انسان در زیر زبانش مخفی است. تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد نمونه ی بیرون آوردن مخفی ها در آسمان ها و زمین؛رویش گیاهان و بارش باران است.

خوشه در درون دانه مخفی است و قدرت الهی،آن را از دل دانه بیرون می آورد.همه ی چیزهایی که از قوّه به فعلیّت در می آیند مصداق همین آیه ی «یُخْرِجُ الْخَبْءَ» هستند.

پیام ها:

۱ هدف شیطان از تزیین بدی های مردم آن است که آنان برای خدا سجده نکنند.

«زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطانُ

أَلاّ یَسْجُدُوا»

۲ کسی که در برابر خدا سجده نکند،حیوان هم از او انتقاد می کند. «أَلاّـ یَسْـجُدُوا» ۳ سجده،مظهر خداپرستی است. «أَلاّ یَسْجُدُوا لِلّهِ» ۴ عوامل طبیعی،ابزار و وسایل قدرت نمایی خدا هستند. «یُخْرِجُ الْخَبْءَ» گرچه آب،خاک و نور نقش دارند،ولی بیرون آورنده حقیقی اوست.

۱- ۱) .نهج البلاغه،حکمت ۱۴۰.

۵ عالم محضر خداست. «يَعْلَمُ مٰا تُخْفُونَ وَ مٰا تُعْلِنُونَ» بر او علم يک ذرّه پوشيده نيست كه پنهان و پيدا به نزدش يكى است ۶ دليل سجده ى ما،قدرت او، «يُخْرِجُ الْخَبْءَ» علم او، «يَعْلَمُ» يكتايى او، «لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ» و ربوبيّت و عظمت اوست. «رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»

[سوره النمل (٢٧): آيات ٢٧ تا ٢٨]

اشاره

قٰالَ سَنَنْظُرُ أَ صَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ اَلْكٰاذِبِينَ (٢٧) اِذْهَبْ بِكِتٰابِى هٰذٰا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مٰا ذٰا يَرْجِعُونَ (٢٨)

٢٧\٢٧-٢٨

(سليمان بعد از شنيدن گزارش هدهد)گفت:به زودى خواهيم ديد كه آيا (در گزارشت)راست گفتى يا از دروغگويانى؟

اين نامه ى مرا ببر و به سوى آنها بيفكن؛آن گاه از آنان روى برتاب،پس بنگر چه جوابى مى دهند.

نكته ها:

نامه نگارى و مكاتبه پيامبران با كفّار و مشركان،سابقه اى طولانى دارد و سيره ى پيامبر اسلام (صلوات اللّٰه عليه)نيز بود.آن حضرت نامه هايى به سران كشورهاى ايران و روم فرستادند.

فرستادن پيام و رايزن فرهنگى و سفير و مأمور،و پيش قدم شدن در اين مسايل،به خاطر رسيدن به اهداف ارشادى و فرهنگى،از سيره ى پيامبران است.

پيام ها:

١ زودباورى ممنوع؛ردّ كردن حرف ديگران نيز بدون دليل ممنوع. «سَنَنْظُرُ» (در مورد مسايل مهم،به يک گزارش اعتماد نكنيد.) ٢ ادّعا و تبليغات ديگران،ما را از تحقيق باز ندارد.(هدهد ادّعا كرد:خبر من يقينى است،ولى سليمان گفت:ما بايد بررسى كنيم) «سَنَنْظُرُ» ٣ تحقيق كردن،مخصوص گزارش هاى شخص فاسق نيست؛بلكه هنگام شک نيز تحقيق و بررسى لازم است. «سَنَنْظُرُ»

ص: ۴۱۴

۴ نه تصدیق،نه تکذیب،بلکه تحقیق. «سَنَنْظُرُ أَ صَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكاذِبِينَ» ۵ نقاط مثبت را قبل از نقاط منفی باز گو کنید. «أَ صَدَقْتَ أَمْ» ...

۶ با یک راستگویی در گروه صادقین قرار نمی گیریم،ولی با یک دروغ جزو دروغگویان می شویم.(«صَدَقْتَ » به صورت فعل ولی «الْكاذِبِينَ » به صورت اسم فاعل آن هم با کلمه ی «كُنْتَ » آمده است).

۷ پرندگان نیز در اختیار اجرای اوامر خدا و اولیای او قرار دارند. «اذْهَبْ بِكِتابِي» ۸ قلم،یکی از مهم ترین ابزار هدایت و ارشاد است. «اذْهَبْ بِكِتابِي» ۹ برای ارشاد و هدایت دیگران و برقراری ارتباط صحیح و مفید با آنان،پیش قدم باشیم. «اذْهَبْ بِكِتابِي» ۱۰ در گزینش افراد برای انجام مأموریّت ها،هر کس شناخت و احساس بیشتری دارد اولویت خواهد داشت. «اذْهَبْ» ۱۱ برای رسیدن به اهداف الهی،نامه نوشتن مرد به زن مانعی ندارد. «بِكِتابِي» ۱۲ در زمینه مسایل عقیدتی،بعد از شنیدن گزارش های تلخ،باید عکس العمل فوری و غیرت دینی از خود نشان داد. «اذْهَبْ بِكِتابِي» ۱۳ در انتقال مطالب و مفاهیم،امین باشیم. «بِكِتابِي هذا» ۱۴ شناسایی مخفیانه و دور از چشم،عمیق ترین نوع شناخت هاست. «ثُمَّ تَوَلَّ» ۱۵ با حکومت ها و سیستم های سیاسی و پیچیده،نمی توان ساده برخورد کرد.

«فَأَلْقِهْ

ثُمَّ تَوَلَّ»

۱۶ قدرت طرّاحی و برنامه ریزی،از شرایط مدیریّت است. «اذْهَبْ بِكِتابِي ثُمَّ تَوَلَّ» ۱۷ به دیگران فرصت تفکّر دهیم. «فَانْظُرْ ما ذا يَرْجِعُونَ» ۱۸ شرط توفیق در ارشاد و امر به معروف،شناسایی حالت ها و روحیّه ی دیگران است. «فَانْظُرْ ما ذا يَرْجِعُونَ» ۱۹ شناسایی فرد کافی نیست؛نظام و دست اندرکاران را باید به حساب آورد.

«إِلَيْهِمْ

عَنْهُمْ

يَرْجِعُونَ»

ص :۴۱۵

۲۰ حالت های دشمن را زیر نظر داشته باشید. «فَانْظُرْ مٰا ذٰا یَرْجِعُونَ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۲۹ تا ۳۱]

اشاره

قٰالَتْ یٰا أَیُّهَا اَلْمَلَأُ إِنِّی أُلْقِیَ إِلَیَّ کِتٰابٌ کَرِیمٌ (۲۹) إِنَّهُ مِنْ سُلَیْمٰانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِیمِ (۳۰) أَلاّٰ تَعْلُوا عَلَیَّ وَ أْتُونِی مُسْلِمِینَ (۳۱)

(چون هدهد نامه را نزد بلقیس افکند،او به شگفت آمد و)گفت:ای اشراف (و بزرگان کشور)! نامه ای پرارزش به سوی من افکنده شد.

نامه از سلیمان است و(مضمون آن)این است:به نام خداوند بخشنده مهربان.

بر من برتری نجویید.نزد من آیید و تسلیم(حقّ و مطیع من)باشید.

نکته ها:

در این که چرا بلقیس به نامه سلیمان، «کِتٰابٌ کَرِیمٌ » گفته است،دلایلی نقل شده از جمله:

الف:به خاطر جمله ی مبارکه ی «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ».

ب:ممهور بودن نامه به مهر سلیمان.

ج:محتوای ارشادی نامه.

د:به دلیل مقام سلیمان؛و شاید هم به خاطر همه ی این موارد باشد.

پیام ها:

۱ بلقیس،داری اطرافیان و مشاورانی بود که اخبار و حوادث را با آنان در میان می گذاشت. «یٰا أَیُّهَا الْمَلَأُ» ۲ سواد برای زن،یک ارزش است. «أُلْقِیَ إِلَیَّ کِتٰابٌ کَرِیمٌ» ۳ بلقیس،تیزهوش و دارای قدرت شناخت بالایی بود. «کِتٰابٌ کَرِیمٌ» ۴ ارشاد و تبلیغ را با مهربانی و رحمت آغاز کنیم. «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ» ۵ حتّی در نوشتن چند کلمه،جمله ی بسم اللّه الرحمن الرحیم را به صورت

کامل بنویسیم،نه خلاصه. «إِنَّهُ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» ۶ برتری جویی در برابر انبیا،برتری جویی در برابر خداوند است. «أَلاّ تَعْلُوا عَلَیَّ» ۷ دوری از تکبّر و برتری جویی،زمینه ی تسلیم حقّ شدن است. «أَلاّ تَعْلُوا عَلَیَّ وَ أْتُونِی مُسْلِمِینَ» ۸ نامه ها را ساده و خلاصه بنویسیم.القاب را حذف و اهداف را روشن نماییم.

از لعن و توهین دوری کنیم.رحمت و صلابت را در کنار هم مطرح نماییم.

«بِسْمِ اللّهِ

... أَلاّ تَعْلُوا ... وَ أْتُونِی»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۳۲ تا ۳۳]

اشاره

قالَتْ یا أَیُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِی فِی أَمْرِی ما کُنْتُ قاطِعَهً أَمْراً حَتّی تَشْهَدُونِ (۳۲) قالُوا نَحْنُ أُولُوا قُوَّهٍ وَ أُولُوا بَأْسٍ شَدِیدٍ وَ الْأَمْرُ إِلَیْکِ فَانْظُرِی ما ذا تَأْمُرِینَ (۳۳)

(بلقیس)گفت:ای بزرگان! در کارم نظر دهید که بی حضور شما(تا کنون) کاری را فیصله نداده ام.

(اشراف)گفتند:ما سخت نیرومند و دلاوریم(و نباید در برابر یک نامه از موضع ضعف برخورد کنیم)،ولی اختیار کار با توست،نظر خود را بیان فرما تا ببینیم چه دستور می دهی؟(و ما با قدرت انجام دهیم).

نکته ها:

کلمه ی«فتوی»و«فتی»از یک ریشه است.«شاب»به هر جوانی گفته می شود،ولی«فتی» به جوانی گفته می شود که مدبّر،شجاع،عاقل و با صلابت باشد.«فتوی»نیز به معنای حرف عاقلانه،پخته و کامل است.

ص :۴۱۷

پیام ها:

۱ بلقیس،به اطرافیان خود بها می داد و با آنان مشورت می کرد. «مٰا کُنْتُ قٰاطِعَةً أَمْراً حَتّٰی تَشْهَدُونِ» ۲ گاهی قدرت و امکانات،مانع پذیرفتن حقّ می شود. «نَحْنُ أُولُوا قُوَّةٍ وَ أُولُوا بَأْسٍ» (قدرت و مقام،مشاوران بلقیس را مغرور کرده بود.) ۳ در مسایل حکومتی،باید حرف آخر را یک نفر بزند. «وَ الْأَمْرُ إِلَيْكِ» (دیگران نظر می دهند ولی حقّ تصمیم گیری با یک نفر است). «فَانْظُرِی مٰا ذٰا تَأْمُرِينَ» ۴ بلقیس،فرمانده نیروهای مسلّح زمان خود بود. «نَحْنُ أُولُوا قُوَّةٍ وَ أُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكِ»

[سوره النمل (۲۷): آیه ۳۴]

اشاره

قٰالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذٰا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهٰا وَ جَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهٰا أَذِلَّةً وَ كَذٰلِكَ يَفْعَلُونَ (۳۴)

(بلقیس)گفت:بی شک،هر گاه پادشاهان به منطقه ی آبادی وارد شوند(و هجوم برند،)آن جا را به تباهی می کشند و عزیزان آن جا را ذلیل می کنند و این،سیره ی همیشگی آنان است.

پیام ها:

۱ اعتراف به روحیّات و خصلت های پادشاهان،نشانه ی شهامتِ بلقیس است.

«قٰالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ»

...

۲ بلقیس هم دغدغه ی شکست از سلیمان و هم دلبستگی به آبادی کشور خود داشت. «أَفْسَدُوهٰا وَ جَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهٰا أَذِلَّةً» ۳ تنها به قدرت خود تکیه نکنید؛دیگران را نیز به حساب آورید.(اطرافیان بلقیس می گفتند: «نَحْنُ أُولُوا قُوَّةٍ وَ أُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ » ،ولی بلقیس هشدار داد که قدرت سلیمان را کم نپندارید). «قٰالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ» ...

۴ شیوه ی حکومت های غیر الهی،ایجاد فساد و ذلّت در بین منطقه و مردم

است. «كَذٰلِكَ يَفْعَلُونَ» ۵ آفت حکومت و قدرت،سلطه طلبی،جنگ افروزی و ویرانگری است.

«الْمُلُوكَ

... أَفْسَدُوها وَ جَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِها أَذِلَّةً»

[سوره النمل (۲۷): آیه ۳۵]

اشاره

وَ إِنِّی مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَناظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ اَلْمُرْسَلُونَ (۳۵)

و همانا من(جنگ را صلاح نمی بینم،)هدیه ای با ارزش به سویشان می فرستم،پس چشم براهم تا ببینم فرستادگان من با چه خبری برمی گردند.(شاید با قبول هدایا از سوی سلیمان،ما هم در امان باشیم)

پیام ها:

۱ زن،ذاتاً جنگجو نیست. «إِنِّی مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ» ۲ حرکت هایی که انگیزه ی مادّی داشته باشد،با رسیدن به مادّیات آرام می گیرد.

«بِهَدِيَّةٍ»

(خصلت پادشاهان،فریفتگی آنان در برابر هدایا است) ۳ هدیه،گاهی در واقع رشوه و حقّ السکوت است. «بِهَدِيَّةٍ» ۴ دشمنان نیز ما را با فرستادن هدایا آزمایش می کنند. «مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ» ۵ طاغوت ها و پادشاهان،می دانستند که انبیا هدف مادّی ندارند ولی با این حال برای جذب و آرام کردن آنان تلاش می کردند. «مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۳۶ تا ۳۷]

اشاره

فَلَمّا جاءَ سُلَيْمانَ قالَ أَ تُمِدُّونَنِ بِمالٍ فَما آتانِیَ اَللّهُ خَيْرٌ مِمّا آتاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ (۳۶) اِرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لا قِبَلَ لَهُمْ بِها وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْها أَذِلَّةً وَ هُمْ صاغِرُونَ (۳۷)

چون(پیک حامل هدایا)نزد سلیمان آمد،سلیمان گفت:آیا مرا با مالی ناچیز مدد می کنید؟ پس(بدانید)آنچه خداوند به من داده بهتر است از آنچه به شما داده است،(من با هدیه ی شما شاد نمی شوم)بلکه شما هستید که به هدیه ی خودتان خوشحالید.

(سلیمان به پیک بلقیس)گفت:به سوی آنان برگرد،پس ما حتماً لشکریانی بر آنان وارد می کنیم که برای آنان تاب مقابله نیست و ما حتماً آنان را از منطقه، ذلیلانه آواره می کنیم در حالی که خواری را احساس خواهند کرد.

پیام ها:

۱ انگیزه ی اولیای خدا مادّیات نیست. «أَ تُمِدُّونَنِ» (مردان خدا خود را با پول معامله نمی کنند،زیرا آنان امیر دنیا هستند نه اسیر آن).

۲ مردان خدا،تیزبین و هوشیار و قاطعند.انگیزه های فاسد را در پشت هدایا می بینند و می گریزند و صاحبان آن انگیزه ها را توبیخ و سرزنش می کنند.

«أَ تُمِدُّونَنِ بِمالٍ»

۳ هدایا را به نحو احسن بپذیرید و پاسخ دهید. «إِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها» (۱)امّا نه در مواردی که هدیه جنبه ی رشوه دارد. «أَ تُمِدُّونَنِ» ۴ کافر،همه را به کیش خود پندارد. «أَ تُمِدُّونَنِ بِمالٍ» ۵ مال دنیا چیزی نیست. «بِمالٍ» به اصطلاح ادبی،تنوین برای تحقیر است.

۶ مردان خدا نعمت ها را از او می دانند. «فَما آتانِیَ اللّهُ» ۷ گاهی بیان قدرت خود،لازم است. «فَما آتانِیَ اللّهُ خَيْرٌ مِمّا آتاكُمْ» ۸ بهترین اهرم برای طرد مال حرام،توجّه به الطاف الهی است. «أَ تُمِدُّونَنِ بِمالٍ فَما آتانِیَ اللّهُ خَيْرٌ مِمّا آتاكُمْ» ۹ اولیای خدا با الطاف الهی به آرامش می رسند. «فَما آتانِیَ اللّهُ خَيْرٌ مِمّا آتاكُمْ» و مردم مادّی با مادّیات. «بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ» ۱۰ علم و حکمت،بهتر از مال است. «فَما آتانِیَ اللّهُ خَيْرٌ مِمّا آتاكُمْ»

۱- ۱) .نساء،۸۶.

۱۱ بعد از منطق،نوبت قدرت نمایی است. «فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ» ۱۲ در برابر کسانی که تنها به قدرت متکی هستند،با صلابت سخن بگویید.

«فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ»

۱۳ جهاد،در ادیان قبل نیز مطرح بوده است. «فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ» ۱۴ تبلیغ و ارشاد،بدون هجرت و قدرت کارساز نیست. «فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ» ۱۵ کسی که از مادّیات بگذرد،می تواند با قدرت سخن بگوید و از حقّ دفاع کند. «ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ» ۱۶ رهبر باید از قوای مسلح خود اطمینان کافی داشته باشد. «بِجُنُودٍ لاٰ قِبَلَ لَهُمْ بِهٰا» ۱۷ قدرتِ نظامی اهل حقّ باید بیش از قدرت اهل باطل باشد. «بِجُنُودٍ لاٰ قِبَلَ لَهُمْ» ۱۸ تحقیر و به ذلّت کشاندن حکومت های کفر و شرك جایز است. «أَذِلَّةً وَ هُمْ صٰاغِرُونَ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۳۸ تا ۳۹]

اشاره

قٰالَ يٰا أَيُّهَا الْمَلَؤُا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهٰا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۸) قٰالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقٰامِكَ وَ إِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (۳۹)

(سلیمان)گفت:ای بزرگان! کدام یك از شما تخت او(بلقیس،ملکه ی سبا) را قبل از آن که آنان به حال تسلیم نزد من آیند برای من می آورد؟

عِفریتی از جنّ(که دارای قدرت و زیرکی خاصّی بود به سلیمان)گفت:من آن را نزد تو می آورم پیش از آن که از جای خود برخیزی،و من قطعاً بر این کار هم قدرت دارم و هم مورد اعتمادم.

نکته ها:

در کلمه ی «عِفْرِيتٌ » ،معنای شدّت و قدرت نهفته است.

پس از بازگشت فرستادگان بلقیس،همراه با هدیه های خود و آگاهی ملکه ی سبا از این که سلیمان یک پادشاه نیست؛ملکه تصمیم گرفت شخصاً نزد سلیمان آید تا اوضاع را از

نزدیک ببیند.سلیمان از حرکت بلقیس آگاه شد و خود را برای قدرت نمایی آماده کرد.

پیام ها:

۱ اطرافیان سلیمان،دارای قدرت فوق العاده یا خارق العاده بودند. «أَیُّکُمْ» ۲ میدان را برای رقابت صحیح باز گزارید. «أَیُّکُمْ» ۳ در شرایط مناسب از توانایی دیگران استفاده کنید. «أَیُّکُمْ یَأْتِینِی» ۴ ملاک،لیاقت و توانایی است،نه جنسیّت. «أَیُّکُمْ یَأْتِینِی» با این که در میان اطرافیان سلیمان،جنّ و پرنده و انسان،همه بودند ولی ملاک برتری،قدرت آوردن تخت است نه جنسیّت آورنده ی آن.

۵ اگر تخت و تاج را از انسان بگیریم،تسلیم شدن او آسان است. «یَأْتِینِی بِعَرْشِهٰا» ۶ قرآن مسأله ی طیّ الارض (۱)را می پذیرد. «یَأْتِینِی بِعَرْشِهٰا قَبْلَ أَنْ» ...

۷ قدرت نمایی باید با مخاطب تناسب داشته باشد. «بِعَرْشِهٰا» ۸ برای ارشاد و هدایت دیگران،از امکانات خود آنان استفاده کنید. «بِعَرْشِهٰا» ۹ پیروز کسی است که قبل از دشمن اقدام کند. «قَبْلَ أَنْ یَأْتُونِی» ۱۰ کارهای فوق العاده باید با هدف عالی همراه باشد. «یَأْتِینِی بِعَرْشِهٰا یَأْتُونِی مُسْلِمِینَ» ۱۱ حضرت سلیمان علم غیب داشت. «یَأْتُونِی مُسْلِمِینَ» ۱۲ در یک نظام و حکومت موفّق،باید از همه ی نیروها در جای خود استفاده کرد. «قٰالَ عِفْرِیتٌ مِنَ الْجِنِّ» ۱۳ جنّ می تواند به انسان کمک کند. «قٰالَ عِفْرِیتٌ مِنَ الْجِنِّ» ۱۴ لیاقت های خود را به دیگران اعلام کنید. «أَنَا آتِیکَ» ۱۵ سرعت،قدرت و امانت،شرط انجام کارهای بزرگ است. «قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقٰامِکَ لَقَوِیٌّ أَمِینٌ»

---

۱ - ۱) .«طیّ الارض»،نوعی معجزه و کرامت است،که به جای پیمودن و طی کردن مسافتی طولانی،زمین در زیر پای وی پیچیده گردد و در مدّتی اندک به مقصد رسد.(فرهنگ معین)

[سوره النمل (۲۷): آیات ۴۰ تا ۴۱]

اشاره

قٰالَ اَلَّذِی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ اَلْکِتٰابِ أَنَا آتِیکَ بِهِ قَبْلَ أَنْ یَرْتَدَّ إِلَیْکَ طَرْفُکَ فَلَمّٰا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قٰالَ هٰذٰا مِنْ فَضْلِ رَبِّی لِیَبْلُوَنِی أَ أَشْکُرُ أَمْ أَکْفُرُ وَ مَنْ شَکَرَ فَإِنَّمٰا یَشْکُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ رَبِّی غَنِیٌّ کَرِیمٌ (۴۰) قٰالَ نَکِّرُوا لَهٰا عَرْشَهٰا نَنْظُرْ أَ تَهْتَدِی أَمْ تَکُونُ مِنَ اَلَّذِینَ لاٰ یَهْتَدُونَ (۴۱)

کسی(به نام آصِف بن بَرخیا)که به بخشی از کتاب(الهی)آگاهی داشت(سلیمان) گفت:من آن(تخت)را قبل از آن که پلکِ چشمت بهم بخورد نزد تو می آورم.

(سلیمان پذیرفت و او تخت را آورد.)همین که(سلیمان)آن(تخت)را نزد خود مستقرّ دید،(به جای غرور و تکبّر)گفت:این(توانایی وزیر من که مقداری از علم کتاب و اسم اعظم را می داند،)از لطف پروردگار من است،تا مرا(با این نعمت ها) بیازماید که آیا شکرگزارم یا کفران می کنم؟ و هر کس شکر کند،قطعاً به سود خویش شکر ورزیده و هر کس کفران نماید(به ضرر خویش گام نهاده،زیرا) پروردگار من(از شکر مردم)بی نیاز و کریم است.(بی نیازی و کرامت،برای خداوند ذاتی است و هرگز وابسته به شکر یا کفران کسی نیست).

(سلیمان)گفت:تخت(ملکه)را برایش ناشناس گردانید،تا ببینم آیا پی می برد یا از کسانی است که پی نمی برند؟

نکته ها:

اشاره

کسی که مقداری از علم کتاب را می دانست،«آصف بن بَرخیا»وزیر حضرت سلیمان و خواهر زاده ی او بود،چنان که از امام هادی(علیه السلام)نیز نقل شده است. (۱)و امام باقر(علیه السلام)فرمودند:اسم اعظم الهی هفتاد و سه حرف است که آصف بن برخیا تنها با دانستن یک حرف چنین قدرت نمایی کرد. (۲)

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .کافی،ج ۱،ص ۲۳۰.

در این که منظور از علم کتاب چیست؟ گفته اند:مراد از آن،یا آگاهی از کتب آسمانی یا لوح محفوظ و یا اسم اعظم است.

سؤال:«آصف بن بَرخیا»چگونه تخت را بدون اجازه ی صاحبش حرکت داد و در آن تصرّف کرد؟ پاسخ:این کار به خاطر ولایت انبیا بر اموال مردم و اهمیّت ارشاد بلقیس و مردم او بوده است.

کفر چند نوع است:یکی انکار خدا و یکی کفران نعمت ها.

شکر خداوند،اقسامی دارد:شکر با زبان،با قلب و با عمل.

فضایل امیر مؤمنان و اهل بیت

(علیهم السلام) در آیه ی مورد بحث می فرماید:کسی که بخشی از علم کتاب را داشت،گفت:ای سلیمان! قبل از به هم زدن یک چشم،من تخت ملکه ی سبأ را از کشورش در این جا حاضر می کنم.امّا در آیه ی آخر سوره ی رعد،خداوند به پیامبرش می فرماید:کفّار،رسالت تورا قبول ندارند،به آنان بگو کافی است که خداوند و کسی که تمام علم کتاب را دارد،میان من و شما گواه باشد.

در روایات می خوانیم:مراد از کسی که تمام علم کتاب را دارد،علی بن ابی طالب(علیهما السلام)است.اگر کسی که بخشی از علم کتاب را می داند تخت بلقیس را در یک آن حاضر می کند،پس کسی که تمام علم کتاب را می داند،در تمام عمر چه قدرتی دارد؟ امام صادق(علیه السلام)می فرماید:آگاهی کسی که بخشی از علم را داشت،نسبت به علم علی(علیه السلام)،مثل مقدار آبی است که بر بال یک مگس باشد نسبت به دریا. (۱)

در روایات می خوانیم:امام صادق(علیه السلام)به سینه ی مبارکش اشاره کرد و فرمود:«و عندنا و الله علم الکتاب کله»به خدا سوگند تمام علم کتاب نزد ما موجود است. (۲)

در روایات بسیاری می خوانیم که امامان معصوم(علیهم السلام)خارج از قید زمان و مکان در مناطقی حاضر می شدند،مثلاً:

امام جواد(علیه السلام)،در لحظه ی شهادت پدرش از مدینه به طوس رفت.

۱- ۱) .تفسیر نور الثقلین.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

امام کاظم(علیه السلام)،از زندان بغداد بیرون آمد و در مدینه حاضر شد.

امام سجاد(علیه السلام)،در زمان اسارت،به کربلا رفت و بدن پدرش امام حسین(علیه السلام)،را دفن نمود.

امام حسین(علیه السلام)،قبل از شهادت،قبضه ی خاکی از کربلا برداشت و در مدینه به أم السّلمه داد. (۱)بنا بر این طیّ الأرض و حرکت برق آسا برای امامان سابقه دارد.

پیام ها:

۱ در کابینه ی سلیمان،دانشمندترین چهره ها وجود داشتند. «عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْکِتابِ» ۲ انسان می تواند بر طبیعت و قوانین طبیعی حاکم شود. «أَنَا آتِیکَ» ۳ قدرت انسان می تواند از جنّ بیشتر باشد. «عِفْرِیتٌ مِنَ الْجِنِّ اَلَّذِی عِنْدَهُ عِلْمٌ» ...

۴ در مواردی باید قدرت خود را اظهار کرد. «أَنَا آتِیکَ» ۵ علم منشأ قدرت است.با قدرت علمی می توان به جای شنیدن صدا و دیدن تصویر،خود اشیا و موجودات را جا به جا کرد.(در انسان،استعدادها، توانایی ها و اسراری است که تا کنون کشف نشده است). «أَنَا آتِیکَ» توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر بُرنا بود ۶ در واگذاری مأموریّت ها،مسارعه(سرعت عمل)یک امتیاز است.همان گونه که در فروش،مزایده و در خرید،مناقصه،عامل رقابت و ارزش است. «أَنَا آتِیکَ بِهِ قَبْلَ أَنْ یَرْتَدَّ إِلَیْکَ طَرْفُکَ» ۷ مدّعیان علم و قدرت،باید عملاً حرف خود را اثبات کنند. «فَلَمّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا» ۸ اولیای خدا نعمت را از او می دانند. «هذا مِنْ فَضْلِ رَبِّی» ۹ نعمت های الهی را حقّ خود ندانیم. «فَضْلِ رَبِّی» ۱۰ به علم و قدرت خود مغرور نشویم. «هذا مِنْ فَضْلِ رَبِّی» ۱۱ نعمت های الهی را به زبان آوریم. «هذا مِنْ فَضْلِ رَبِّی» ۱۲ دادن یا گرفتن نعمت ها برای رشد دادن ماست. «رَبِّی»

ص: ۴۲۵

۱- ۱) .تفسیر أطیب البیان.

۱۳ نعمت های الهی وسیله ی بندگی و آزمایشند،نه کامیابی و لذّت جویی.

«لِيَبْلُوَنِی أَ أَشْكُرُ»

۱۴ انبیا نیز آزمایش می شوند. «لِيَبْلُوَنِی» ۱۵ انسان،مختار است،نه مجبور. «مَنْ شَكَرَ ... وَ مَنْ كَفَرَ» ۱۶ انسان در گرو عمل خویش است. «وَ مَنْ شَكَرَ فَإِنَّما يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ» ۱۷ خداوند به شکر ما نیاز ندارد. «مَنْ شَكَرَ ... وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّی غَنِيٌّ كَرِيمٌ» نعمت های الهی برخاسته از فضل و لطف بی پایان اوست و حتی اگر ما ناسپاسی کنیم،او به مقتضای ربوبیّت خود به ما لطف می کند. شکر نعمت،نعمتت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند ۱۸ در شیوه ی دعوت،تملّق ممنوع است. «وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّی غَنِيٌّ» ۱۹ دارایی و سخاوت در کنار هم،ارزش است. «غَنِيٌّ كَرِيمٌ» ۲۰ اولیای خدا بر اموال مردم ولایت دارند. «نَكِّرُوا لَها» ۲۱ گاهی برای آزمایش هوش،تغییر و تحوّل جایز است. «نَكِّرُوا لَها ... نَنْظُرْ أَ تَهْتَدِی»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۴۲ تا ۴۳]

اشاره

فَلَمّا جاءَتْ قِيلَ أَ هٰكَذا عَرْشُكِ قالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَ أُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِها وَ كُنّا مُسْلِمِينَ (۴۲) وَ صَدَّها ما كانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ إِنَّها كانَتْ مِنْ قَوْمٍ كافِرِينَ (۴۳)

پس هنگامی که(بلقیس)آمد،به او گفته شد:آیا تخت تو این گونه است؟ گفت:گویا خود آن است،و پیش از این،به ما علم(به حقّانیّت سلیمان)داده شده و ما فرمان بردار بوده ایم.

آنچه(آن زن)به جای خدا می پرستید،او را(از تسلیم شدن در برابر حقّ) بازداشته بود،و او از قوم کافران بود،(ولی بعد از کفر،ایمان آورد).

نکته ها:

جمله ی «وَ أُوتِينَا الْعِلْمَ» ظاهراً ادامه ی کلام بلقیس است(که در ترجمه آورده ایم)و ممکن است سخن سلیمان و اطرافیان او باشد که گفته باشند:به ما،قبل از بلقیس علم داده شده و قبل از او مسلمان بوديم. (۱)

سؤال:بلقیس که از حقانیّت سلیمان اطلاع پیدا کرده بود،چرا زودتر تسلیم نشد؟ پاسخ:جامعه و محیطِ شرک مانع خطشکنی و تسلیم او شده بود،چنان که قرآن فرمود:

«وَ صَدَّهٰا مٰا كٰانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ إِنَّهٰا كٰانَتْ مِنْ قَوْمٍ كٰافِرِينَ»

پیام ها:

۱ در برخوردهای ابتدایی،حرف آخر را اوّل نزنید. «أَ هٰكَذٰا كَأَنَّهُ هُوَ» (نفرمود:

«هـذا عرشک»و او هم نگفت:«انّه هو».) ۲ مکتبی ارزش دارد که بر اساس علم باشد. «وَ أُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهٰا وَ كُنّٰا مُسْلِمِينَ» ۳ محیط،جامعه و عقائد خرافی،مانع از ایمان واقعی است. «وَ صَدَّهٰا مٰا كٰانَتْ» ۴ سوء سابقه،دلیل داشتن آینده ی بد نیست. «إِنَّهٰا كٰانَتْ مِنْ قَوْمٍ كٰافِرِينَ»

[سوره النمل (۲۷): آیه ۴۴]

اشاره

قِيلَ لَهَا اُدْخُلِي اَلصَّرْحَ فَلَمّٰا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سٰاقَيْهٰا قٰالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوٰارِيرَ قٰالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمٰانَ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ (۴۴)

به او(بلقیس)گفته شد:وارد قصر شو! پس چون آن را دید،پنداشت برکه آبی است،(برای عبور)جامه از ساق پایش برگرفت،(تا تر نشود.سلیمان به او)گفت:(این جا آبی نیست،)بلکه قصری از شیشه و بلور صیقلی است.(ملکه ی سبا)گفت:پروردگارا! من به خودم ظلم کردم و(اکنون) همراه سلیمان،در برابر پروردگار جهانیان سر تسلیم فرود آورده ام.

۱- ۱) .تفسیر کبیر فخر رازی.

نکته ها:

کلمه ی «صَرْحٌ » ،به معنای فضا یا قصر بزرگ است. «لُجَّةً » یعنی متلاطم و متراکم،و «مُمَرَّدٌ » به معنای صاف است.

پیام ها:

۱ مقام رسالت،با جلال و شکوه و حکومت منافاتی ندارد. «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ» ۲ در ارشاد و تبلیغ،هر کس را باید به شیوه ای هدایت کرد. «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ» با مرفّهان،جوری برخورد نکنیم که خیال کنند ایمان به معنای فقر است.

۳ امکانات مادّی باید در خدمت تبلیغ دین قرار گیرد. «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ» با اهداف سلیمان گونه می توان از صنعت و امکانات مادّی،برای ارشاد و هدایت دیگران کمک گرفت.

۴ از مهمانان کافر با حُسن خلق پذیرایی کنید. «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ» ۵ شأن افراد را در پذیرایی ها حفظ کنید. «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ» ۶ گاهی انسان می بیند،امّا اشتباه تشخیص می دهد.(خطای چشم) «حَسِبَتْهُ لُجَّةً» ۷ کاخ نشینان کافر را در برابر صنعت و ابتکار و هنر و زیبایی های نظام خود،به کرنش وادارید. «صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوارِيرَ» ۸ سابقه ی آینه کاری و استفاده از شیشه در معماری،به زمان حضرت سلیمان بر می گردد. «صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوارِيرَ» ۹ پذیرفتن حقّ،نشانه ی حرّیت است نه ضعف. «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي» ۱۰ وابستگی و دلبستگی به غیر خدا و پرستش غیر او هر کس و هر چه باشد- ظلم است. «ظَلَمْتُ نَفْسِي» ۱۱ توبه ی واقعی آن است که گذشته ها را با اقرار جبران کنیم و راه آینده را با چراغ هدایت الهی طی کنیم. «ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمانَ» ۱۲ داشتن نام و نان و عنوان و اطرافیان،شما را در اقرار به حقّ و تغییر عقیده اسیر نکند. «ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ»

ص: ۴۲۸

۱۳ تکامل،مراحلی دارد:مرحله ی نخست:خروج از ظلمت و مرحله ی بعد ورود در نور است. «ظَلَمْتُ نَفْسِی وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَیْمانَ» ۱۴ روح ایمان،همان تسلیم است.(هم سلیمان در دعوتنامه ی خود به آن اشاره دارد: «وَ أْتُونِی مُسْلِمِینَ» و هم ملکه ی سبا در پایان کار می گوید: «أَسْلَمْتُ» ۱۵ ایمان،تسلیم شدن در برابر خالق هستی است،نه در برابر خلق،گرچه سلیمان باشد. «أَسْلَمْتُ لِلّهِ» ۱۶ زن در انتخاب عقیده و اظهار آن مستقل است. «أَسْلَمْتُ لِلّهِ» ۱۷ ایمان به تنهایی کافی نیست،با اولیا و انبیا همراه بودن انسان را بیمه می کند.

«أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَیْمانَ لِلّهِ»

۱۸ در برابر پیوندهای سیاسی،اقتصادی،نظامی و خانوادگی،پیوندهای الهی و مقدّس نیز یافت می شود. «مَعَ سُلَیْمانَ» ۱۹ زر و زیور افراد وارسته را سیراب نمی کند،گمشده ی آنان دستیابی به سرچشمه ی هستی است. «أَسْلَمْتُ ... لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ» ۲۰ هدف حکومت انبیا،دعوت به سوی خداوند است،نه کشورگشایی.ملکه ی سبا نیز این حقیقت را فهمید،لذا در پایان سخنش گفت: «أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَیْمانَ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۴۵ تا ۴۶]

اشاره

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلی ثَمُودَ أَخاهُمْ صالِحاً أَنِ اعْبُدُوا اللّهَ فَإِذا هُمْ فَرِیقانِ یَخْتَصِمُونَ (۴۵) قالَ یا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّیِّئَهِ قَبْلَ الْحَسَنَهِ لَوْ لا تَسْتَغْفِرُونَ اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ (۴۶)

و به راستی به سوی قوم ثمود،برادرشان(حضرت)صالح را فرستادیم که(او به مردم گفت:)خداوند را بپرستید.پس آن گاه مردم به دو گروه متخاصم تقسیم شدند.

صالح گفت:ای قوم من! چرا پیش از نیکی شتابزده خواهان بدی هستید؟ چرا از خداوند آمرزش نمی خواهید تا مشمول رحمت گردید؟

نکته ها:

حضرت صالح،مردم را از عذاب الهی می ترساند و به آنان هشدار می داد،ولی آنان می گفتند:

«یا صالِحُ ائْتِنا بِما تَعِدُنا» (۱)آن عذابی که وعده می دهی بر ما بیاور.در این آیه،صالح می گوید:چرا شما به جای خیر،سراغ شر را می گیرید؟ همان گونه که کفّار از حضرت هود(علیه السلام)و پیامبر اسلام(صلوات اللّه علیه)نیز تعجیل در عقوبت را می خواستند.

امام باقر(علیه السلام)فرمود:گروهی دعوت حضرت صالح را تصدیق و گروهی تکذیب نمودند. (۲)

با اینکه تمام انبیا با مردم برخورد عاطفی و برادرانه داشته اند،ولی از اینکه کلمه ی «أَخاهُمْ » تنها برای بعضی از آنان بکار رفته است،شاید بتوان استفاده کرد که بعضی از انبیا علاوه بر برخورد عطوفانه فامیل قوم خود نیز بوده اند.

پیام ها:

۱ برخورد انبیا با مردم،برادرانه بوده است. «أَخاهُمْ» ۲ دعوت به توحید،سرلوحه ی دعوت انبیاست. «أَنِ اعْبُدُوا اللّهَ» ۳ انتظار نداشته باشید همه ی مردم منطق شما را بپذیرند. «فَإِذا هُمْ فَرِیقانِ» ۴ نزاع میان حقّ و باطل دائمی است. «یَخْتَصِمُونَ» ۵ راه توبه را برای بازگشت مجرمان باز بگذارید. «لَوْ لا تَسْتَغْفِرُونَ» ۶ انبیا دلسوز مردمند. «یا قَوْمِ ... لَوْ لا تَسْتَغْفِرُونَ اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ» ۷ استغفار،زمینه ی جذب رحمت الهی است. «تَسْتَغْفِرُونَ اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ»

۱- ۱) .اعراف،۷۷.

۲- ۲) .تفسیر نور الثقلین.

[سوره النمل (۲۷): آیات ۴۷ تا ۴۸]

اشاره

قٰالُوا اِطَّیَّرْنٰا بِکَ وَ بِمَنْ مَعَکَ قٰالَ طٰائِرُکُمْ عِنْدَ اَللّٰهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (۴۷) وَ کٰانَ فِی اَلْمَدِینَهِ تِسْعَهُ رَهْطٍ یُفْسِدُونَ فِی اَلْأَرْضِ وَ لاٰ یُصْلِحُونَ (۴۸)

(مردم به صالح)گفتند:ما به تو و همراهانت فال بد زده ایم(و قحطی موجود به خاطر وجود شماست.صالح)گفت:فال(و سرنوشت نیک و بد)شما نزد خداست،بلکه شما گروهی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته اید.

و در آن شهر نُه دسته(و گروه)بودند که در آن سرزمین فساد می کردند و اهل اصلاح نبودند.

نکته ها:

کلمه ی «رَهْطٍ » به دسته ای گفته می شود که میانشان رابطه ی گرمی باشد. (۱)

کلمه ی«تطیر»از«طیر»به معنای پرنده است.مردم عرب هنگام سفر،پرنده ای را رها می کردند که اگر به سمت راست می پرید(این کار را به فال نیک می گرفتند و)سفر می کردند و اگر به سمت چپ می پرید(فال بد می زدند و)سفر را تعطیل می کردند. (۲)

در اسلام،فال بد زدن(به نام طیره)شرک دانسته شده است.فال بد،رها کردن دلایل اصلی و رفتن به سراغ خرافات است.

فال بد زدن به انبیا،در قرآن مکرّر آمده است:فرعونیان بدبختی ها را از موسی می دانستند؛ «یَطَّیَّرُوا بِمُوسیٰ» (۳)به حضرت عیسی می گفتند: «إِنّٰا تَطَیَّرْنٰا بِکُمْ» (۴)در این آیه نیز می فرماید:به صالح گفتند: «اطَّیَّرْنٰا بِکَ» جمله ی «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ » را چند نوع معنا کرده اند:

الف:شما توسط عوامل خدعه گر فریب خورده اید که این گونه مقاومت می کنید.(بنا بر اینکه

۱- ۱) .التحقیق فی کلمات القرآن.

۲- ۲) .تفسیر کشّاف.

۳- ۳) .اعراف،۱۳۱.

۴- ۴) .یس،۱۸.

«فتنه»به معنای فریب و خدعه باشد) ب:شما با حوادث تلخ آزمایش می شوید.(اگر مراد از فتنه،امتحان و آزمایش باشد) ج:شما به خاطر لجاجت کیفر می شوید.(بنا بر اینکه مراد از فتنه،عذاب باشد)

پیام ها:

۱ پیامبر اسلام و مسلمین بدانند که انبیای گذشته و یارانشان چگونه تحقیر می شدند،پس سختی ها را تحمّل کنند. «قالُوا اطَّیَّرْنا» ۲ فال زدن،تاریخی بس طولانی دارد.(کسی که به خدا و حکمت الهی ایمان نداشته باشد،به خرافات روی می آورد). «اطَّیَّرْنا» ۳ در نظامی که علم و ادب و منطق و وحی،حاکم نباشد،چهره هایی که مایه ی برکت هستند مایه ی بدبختی معرّفی می شوند. «اطَّیَّرْنا بِکَ» ۴ حضور انبیا،به معنای محو مشکلات طبیعی و روزمره نیست. «اطَّیَّرْنا بِکَ» ۵ تلخی ها و ناگواری ها،هر یک دلایل حکیمانه ای دارد که خداوند قرار داده است. «طائِرُکُمْ عِنْدَ اللّهِ» ۶ برخورد با انبیا،یک آزمایش الهی است. «تُفْتَنُونَ»

[سوره النمل (۲۷): آیه ۴۹]

اشاره

قالُوا تَقاسَمُوا بِاللّهِ لَنُبَیِّتَنَّهُ وَ أَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِیِّهِ ما شَهِدْنا مَهْلِکَ أَهْلِهِ وَ إِنّا لَصادِقُونَ (۴۹)

(آن گروه مفسد)گفتند:به خداوند سوگند یاد کنید(و هم قسم شوید)که بر او و خانواده اش شبیخون می زنیم،سپس به ولیّ او خواهیم گفت:ما در محل قتل کسانش حاضر نبودیم(تا چه رسد به اینکه آنان را کشته باشیم)،و ما قطعاً راست می گوییم.

نکته ها:

«لَنُبَیِّتَنَّهُ »

،از واژه ی«تبییت»،به معنای سوء قصد و هجوم شبانه است.

ص: ۴۳۲

در اسلام،سوگندی ارزش دارد و وفای به آن لازم است که نسبت به انجام کاری ارزشمند یا ترک کاری ناپسند صورت گیرد،لذا اگر شخصی سوگند یاد کرد که به مظلومی ضربه ای بزند یا از ظالمی حمایتی کند،این سوگند ارزش شرعی و قانونی ندارد.

این آیه،ما را به یاد هم سوگند شدن کفّار مکّه می اندازد که تصمیم گرفتند شبیخون بزنند و پیامبر اسلام(صلوات اللّه علیه)را در بستر خواب شهید کنند،ولی پیامبر اکرم،حضرت علی (علیه السلام)را به جای خود خواباند و توطئه ی دشمن خنثی شد.

پیام ها:

۱ گفته های مخفیانه،بعد از قرن ها کشف می شود. «قالُوا تَقاسَمُوا» ۲ دشمن،از مقدّسات دینی سوء استفاده می کند. «تَقاسَمُوا بِاللّهِ» ۳ مجرم ترین افراد که قاتلان انبیا هستند در دل،خدا را قبول دارند و با نام او شرارت های خود را سر و سامان می دهند. «تَقاسَمُوا بِاللّهِ» ۴ افراد یا گروه های باطل،برای اهداف مشترک خود،متّحد و هم قسم می شوند.

«تَقاسَمُوا»

۵ در تاریخ،عبرت های زیادی است.(سوگند به نام خدا برای قتل پیامبر خدا!) «تَقاسَمُوا بِاللّهِ لَنُبَیِّتَنَّهُ» (هم چنان که خوارج در خانهٔ خدا و در ماه خدا،ولیّ خدا را در حال عبادت خدا،به نیّت تقرب به خدا در لیالی قدر و سحر نوزدهم رمضان ضربت زدند و شهید کردند).

۶ استفاده از تاریکی شب،برای انجام توطئه ها،تاریخی طولانی دارد. «لَنُبَیِّتَنَّهُ» ۷ انبیا و یاورانشان،در معرض سخت ترین توطئه ها بوده اند. «لَنُبَیِّتَنَّهُ وَ أَهْلَهُ» ۸ قساوت بشر،حدّ و مرزی ندارد.(پیامبرکشی،قتل بستگان پیامبر و شبیخون زدن). «لَنُبَیِّتَنَّهُ وَ أَهْلَهُ» ۹ قصاص،قانون عقلی و در تمام ادیان آسمانی نیز بوده است. «لَنَقُولَنَّ لِوَلِیِّهِ» ۱۰ مجرم،با ظاهرسازی و توجیه،بر گناه خود سرپوش می گذارد. «ما شَهِدْنا» ۱۱ به همه ی کسانی که ادّعای صداقت دارند و شعار صداقت می دهند،اطمینان

نکنید. «لَنَقُولَنَّ ... إِنّٰا لَصٰادِقُونَ» ۱۲ صداقت را حتّی قاتلان انبیا،یک شرف و ارزش می دانند. «إِنّٰا لَصٰادِقُونَ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۵۰ تا ۵۱]

اشاره

وَ مَكَرُوا مَكْراً وَ مَكَرْنٰا مَكْراً وَ هُمْ لاٰ يَشْعُرُونَ (۵۰) فَانْظُرْ كَيْفَ كٰانَ عٰاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنّٰا دَمَّرْنٰاهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۱)

و(آن نه گروه مفسد)دست به تدبیر بزرگی زدند و ما نیز به تدبیر بزرگی دست زدیم،ولی آنها نمی فهمیدند.

پس بنگر که پایان تدبیر آنان(و شبیخون به صالح و کسانش)به کجا انجامید،ما آنان و قومشان همگی را هلاک کردیم.

نکته ها:

هلاکت قوم ثمود با چند تعبیر در قرآن آمده است:

الف:زلزله. «فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ» (۱)ب:صاعقه. «فَأَخَذَتْهُمُ الصّٰاعِقَةُ» (۲)ج:صیحه. «وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ» (۳)البتّه هیچ مانعی ندارد که هر سه عذاب،در یک زمان واقع شده باشد.

یکی از نمونه های مکر الهی،همان مهلت و نعمت دادن به گناهکاران است،تا آنان سرگرم شوند و همین که پیمانه ی آنان پر شد،ناگهان به قهر الهی گرفتار شوند.

پیام ها:

۱ کیفرهای الهی،با جُرم انسان متناسب است. «مَكَرُوا مَكَرْنٰا» ۲ کسانی که علیه اولیای خدا توطئه می کنند،طرف آنها خداست. «مَكَرُوا مَكْراً وَ مَكَرْنٰا مَكْراً»

۱- ۱) .اعراف،۷۸.

۲- ۲) .ذاریات،۴۴.

۳- ۳) .هود،۶۷.

۳ در برابر نقشه های کفّار شما نیز باید اهل تدبیر و نقشه باشید. «مَکَرُوا مَکْراً وَ مَکَرْنٰا مَکْراً» ۴ خداوند تدبیر مردم را می داند،امّا مردم تدبیر او را نمی دانند. «وَ هُمْ لاٰ یَشْعُرُونَ» ۵ چوب خدا صدا ندارد. «مَکَرْنٰا ... وَ هُمْ لاٰ یَشْعُرُونَ» ۶ تاریخ،بر قانون و سنّت معیّنی استوار است و دقّت در آن،برای دوران های دیگر سودمند است. «فَانْظُرْ کَیْفَ کٰانَ عٰاقِبَةُ مَکْرِهِمْ» ۷ سنّت الهی بر پیروزی حقّ بنا نهاده شده است. «فَانْظُرْ کَیْفَ کٰانَ عٰاقِبَةُ مَکْرِهِمْ» ۸ زود قضاوت نکنید؛از توفیقاتی که به خاطر مکر،نصیب بعضی ها می شود، فریب نخورید،بلکه به عاقبت آنان توجّه کنید. «عٰاقِبَةُ مَکْرِهِمْ» ۹ آماده باش دشمنان برای ارتکاب جنایت،سبب قهر الهی است،گرچه آنان به اهداف پلید خود نرسند.(دشمنان،هم قسم شدند تا پیامبر را بکشند و در کمین هم نشستند،ولی حضرت را نکشتند،لکن خودشان هلاک شدند).

«دَمَّرْنٰاهُمْ»

۱۰ پیروی از مفسدان،عقوبت دارد. «دَمَّرْنٰاهُمْ وَ قَوْمَهُمْ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۵۲ تا ۵۳]

اشاره

فَتِلْکَ بُیُوتُهُمْ خٰاوِیَةً بِمٰا ظَلَمُوا إِنَّ فِی ذٰلِکَ لَآیَةً لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ (۵۲) وَ أَنْجَیْنَا الَّذِینَ آمَنُوا وَ کٰانُوا یَتَّقُونَ (۵۳)

پس این خانه های آنهاست که به خاطر ظلمی که کردند ویران و خالی شده است،و قطعاً در این(کیفر،عبرت و)نشانه روشنی است برای اهل علم و آگاهی.

و مؤمنان و کسانی را که اهل پروا بودند،(از مهلکه)نجات دادیم.

نکته ها:

کلمه ی «خٰاوِیَةً» ،هم به معنای سقوط،فنا و ویرانی است،و هم به معنای خالی شدن از ساکنان می باشد.

ص:۴۳۵

پیام ها:

۱ آثار باستانی عبرت آموز باید برای آیندگان حفظ شود. «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ» ۲ عقوبت،مخصوص آخرت نیست،گاهی ستمگران،در دنیا به عقوبت می رسند. «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خٰاوِيَةً» ۳ عبرت ها و نشانه ها،به تنهایی کافی نیست؛انگیزه ی عبرت آموزی در انسان ها لازم است. «لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» ۴ سرنوشت انسان،در گرو اعمال اوست. «خٰاوِيَةً بِمٰا ظَلَمُوا أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا» ۵ قهر الهی،تر و خشک را با هم نمی سوزاند،لذا افراد متّقی استثنا می شوند و نجات می یابند. «وَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كٰانُوا يَتَّقُونَ» ۶ آثار ایمان و تقوا،مخصوص آخرت نیست؛اهل تقوا،در دنیا نیز نتیجه ی کار خود را می بینند. «وَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ كٰانُوا يَتَّقُونَ» ۷ ایمانی کارساز است که با تقوای دائمی همراه باشد. «آمَنُوا وَ كٰانُوا يَتَّقُونَ»

[سوره النمل (۲۷): آيات ۵۴ تا ۵۵]

اشاره

وَ لُوطاً إِذْ قٰالَ لِقَوْمِهِ أَ تَأْتُونَ الْفٰاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (۵۴) أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجٰالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسٰاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۵۵)

و(نیز)لوط را(فرستادیم)که به قومش گفت:آیا این کار بسیار زشت را در حالی که به زشتی آن آگاهید،انجام می دهید؟

آیا شما با بودن زنان،برای غریزه ی شهوت به سراغ مردان می روید؟ بلکه شما مردمی(نادان و)جهالت پیشه اید.

نکته ها:

قوم لوط در برابر چشم یکدیگر و در جلسه ی علنی،لواط می کردند.در آیه ی ۲۹ عنکبوت می خوانیم: «وَ تَأْتُونَ فِي نٰادِيكُمُ الْمُنْكَرَ» یعنی شما در انجمن و جلسه ی علنی،منکر انجام می دهید.در این آیه نیز می فرماید: «وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ» یعنی در برابر چشم یکدیگر و یا با

بصیرت و آگاهی گناه می کنید.

لواط از گناهان کبیره است،زیرا در آیات بعد آمده است که عذاب الهی را به دنبال دارد.

در آیات دیگر قرآن کریم آمده است:همسر برای آرامش،تربیت نسل و تعاون در زندگی، است،ولی در این جا تنها مسأله ی شهوت را بیان کرده است،زیرا قوم لوط هدفی جز شهوت نداشتند. «شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ»

پیام ها:

۱ پیامبران و رهبران مصلح جامعه با گناهانِ شایع زمان خود به شدّت مبارزه می کنند. «أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ» ۲ با سؤال انتقادی،وجدان ها را بیدار کنید. «أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ» ۳ یکی از وظایف انبیا،مبارزه با منکرات است. «أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ» ۴ حرمت لواط،مخصوص اسلام نیست. «أَ تَأْتُونَ الْفاحِشَةَ» ۵ گناه علنی و آگاهانه،زشتی،کیفر و انتقاد بیشتری دارد. «وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ» ۶ زشتی لواط بر همه روشن است. «وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ» ۷ در نهی از منکر،به سراغ منکرات علنی بروید. «وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ» ۸ دفع شهوت باید از طریق مشروع باشد. «أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً» ...

۹ انحراف از مسیر طبیعی و شرعی در امور جنسی،جهل و حماقت است. «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» ۱۰ هم جنس گرایی،برخاسته از بی فرهنگی است.علم و دانشی که انسان را از گناه باز ندارد،جهل است. «لَتَأْتُونَ الرِّجالَ ... أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»

ص :۴۳۷

[سوره النمل (۲۷): آیه ۵۶]

اشاره

فَمٰا كٰانَ جَوٰابَ قَوْمِهِ إِلاّٰ أَنْ قٰالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنٰاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (۵۶)

ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند:خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید،زیرا آنان مردمی هستند که پاکیزگی می جویند.

۱ مجرمان،چون منطق ندارند،در برابر انبیا به زور متوسّل می شوند.

«أَخْرِجُوا»

پیام ها:

۲ در محیط آلوده،پاکدامنی جرم است. «أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ ... إِنَّهُمْ أُنٰاسٌ يَتَطَهَّرُونَ» ۳ نهی از منکر،گاهی تاوان تبعید شدن دارد. «أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ» ۴ در برابر گناه،سکوت ممنوع است،لا اقل فضا را بر گناهکار تنگ کنیم.

«أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ»

۵ آزادی برای گناه،تفکّر قوم لوط است. «أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ» ۶ سابقه ی تبعید مردان خدا،به زمان ابراهیم و لوط باز می گردد. «أَخْرِجُوا» ۷ چون فطرت گناهکار پاک است،لذا خود را مجرم و دیگران را پاک می بینند.

«إِنَّهُمْ أُنٰاسٌ يَتَطَهَّرُونَ»

۸ محیط،انسان را به گناه مجبور نمی کند زیرا در زمان شیوع فحشا نیز گروهی پاک زندگی می کنند. «أُنٰاسٌ يَتَطَهَّرُونَ»

[سوره النمل (۲۷): آیات ۵۷ تا ۵۸]

اشاره

فَأَنْجَيْنٰاهُ وَ أَهْلَهُ إِلاَّ امْرَأَتَهُ قَدَّرْنٰاهٰا مِنَ الْغٰابِرِينَ (۵۷) وَ أَمْطَرْنٰا عَلَيْهِمْ مَطَراً فَسٰاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (۵۸)

پس ما لوط و خانواده اش را نجات دادیم،جز زنش را که(به خاطر انحراف) مقدّر کرده بودیم از بازماندگان(و هلاک شدگان در آن شهر)باشد.

سپس بارانی(از سنگ)بر سر آنها باریدیم(و همگی زیر آن دفن شدند)و چه بد است باران انذار شدگان.

نکته ها:

کلمه ی«غابرین»به معنای بازماندگان و هلاک شدگان است،این کلمه هفت بار در قرآن به کار رفته و تمام هفت مورد درباره ی همسر لوط است.

مراد از باران،گِل سخت است،به دلیل آیه ی «وَ أَمْطَرْنا عَلَیْهِمْ حِجارَةً مِنْ سِجِّیلٍ» (۱)خداوند بارها نجات مؤمنان و خوش عاقبتی متّقین را وعده داده و تحقّق آن را در تاریخ انبیا و امّت ها بیان کرده است،از جمله:

الف: «إِنّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذِینَ آمَنُوا» (۲)ما قطعاً پیامبران و کسانی را که ایمان آورده اند یاری خواهیم کرد.

ب: «حَقًّا عَلَیْنا نُنْجِ الْمُؤْمِنِینَ» (۳)بر ما لازم است که اهل ایمان را نجات دهیم.

پیام ها:

۱ ثمره ی تقوا و پاکدامنی در دنیا،نجات از قهر الهی است. «فَأَنْجَیْناهُ» ۲ نجات الهی از طریق اسباب طبیعی است.(لوط به امر خدا از منطقه خارج شد تا نجات پیدا کند). «فَأَنْجَیْناهُ» ۳ رهبران الهی،تحت حمایت خداوند هستند. «فَأَنْجَیْناهُ» ۴ زن در انتخاب عقیده،مستقلّ است و نظام خانوادگی،محیط زندگی و وابستگی اقتصادی به شوهر،او را در انتخاب عقیده و عمل مجبور نمی کند.

«إِلاَّ امْرَأَتَهُ»

۵ وابستگی،عامل نجات نیست؛شایستگی لازم است. «إِلاَّ امْرَأَتَهُ»

۱- (۱) .حجر،۷۴.

۲- (۲) .غافر،۵۱.

۳- (۳) .یونس،۱۰۳.

۶ در کیفر و مجازات متخلفان،تحت تأثیر روابط قرار نگیرید. «إِلاّ امْرَأَتَهُ» ۷ در برخوردها،حساب هر کسی را جداگانه بررسی کنیم؛انحراف همسر،به پاکی شوهر ضرری نمی زند. «فَأَنْجَیْناهُ ... إِلاّ امْرَأَتَهُ» (همسر پیامبر می تواند دوزخی باشد) ۸ گاهی همسر،عامل نفوذی مخالفان است.(هر گاه زمینه ای برای لواط پیدا می شد،مثلاً اگر مهمانان زیبا صورتی به خانهٔ حضرت لوط می آمدند،این زن مردم را خبر می کرد و به گناه دیگران راضی بود). «إِلاّ امْرَأَتَهُ» ۹ مقدرات الهی،به عملکرد خود انسان بستگی دارد. «قَدَّرْناها» ۱۰ کسانی که با لواط تولید نسل را قطع می کنند،با سنگباران شدن،نسل خودشان قطع می شود. «أَمْطَرْنا» ۱۱ تغییر مسیر ازدواج،به هم جنس بازی،و تغییر قانون خلقت،سبب تغییر باران رحمت به باران عذاب می شود. «فَساءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِینَ» ۱۲ عقاب های الهی،بعد از اتمام حجّت است. «مَطَرُ الْمُنْذَرِینَ»

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹